رستاخیز کارگران

شماره بیست و پنجم- سال دوم- دی ماه ۲۵۳۵- بهـا: ده ریال

25

COLLECTION OF TAHEREH FOUNDATION

سرگذشت شیرین قند... و کارگران قندساز

زنان کارگر میگویند:

چرا کار میکنند؟.. وچطور کار «خانه» و «کارخانه» راتنظیم میکنند؟..

عطارها، حکیمباشی های قدیم

برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکا کولا

گروه صنعتی کفش ملی
بهترین ها را بکار میگیرد
تا بهترین را بسازد

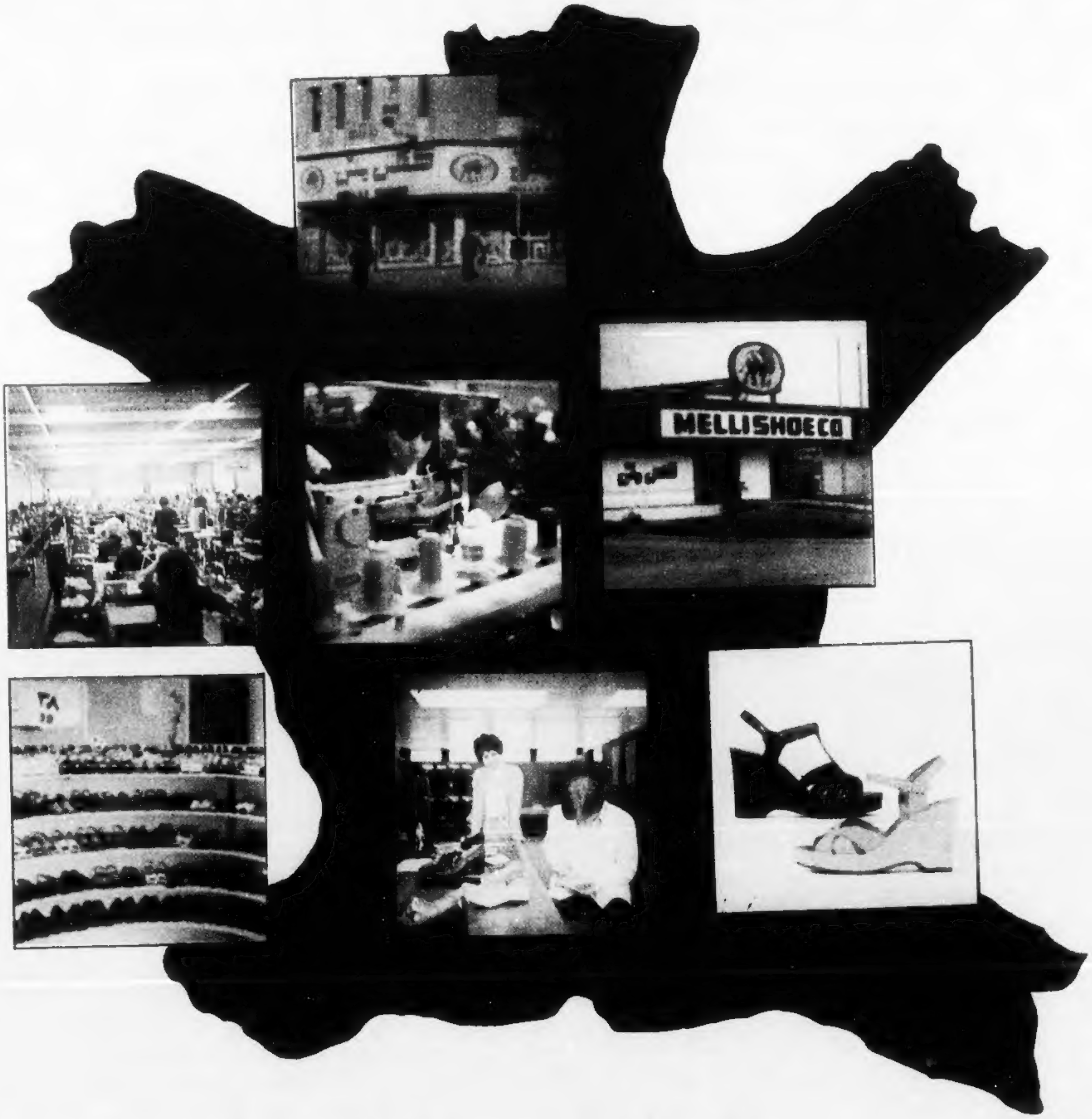

همکاری ارزشمند بیش از ۸۰۰۰ کارکنان متخصص درکارخانجات متعدد گروه صنعتی کفش ملی، تهیه بهترین مواد اولیه و استفاده از مدرنترین و پیشرفته‌ترین ماشین آلات بما امکان میدهد تا بهترین کالا را همراه با آخرین مدهای بین‌المللی به بازارهای داخلی و خارجی عرضه داریم .

ما بهترین ها را بکار میگیریم، تا بهترین را بسازیم

گروه صنعتی کفش ملی

در این شماره

مقالات اساسی

نقش کانونهای حزبی.... کارگران در کانونها
صفحه ٤
انتخابات شعب سازمان کارگران ایران
صفحه ٤
..... و این، ماه سرنوشت‌ساز
صفحه ٥

آموزش سیاسی

سیری در فلسفه انقلاب ایران
صفحه ٦ و ٧

خبرهای حزبی

کمیته سیاسی حزب تشکیل شد
صفحه ١٠٢
کارگران عضو کانونهای حزبی مسائل مختلف را مورد بررسی قرار دادند
صفحات ١٠٣ و ١٠٤

میزگرد

میزگرد رستاخیز کارگران با شرکت نمایندگان کارگران فروشگاههای بزرگ و سوپرمارکتها
صفحات ٢٦ و ٢٧

پزشک کارگر

بیماری گلودرد را هرگز سرسری نگیرید
صفحه ٣٥

بهداشت و حفاظت کار

نکات مهم برای پیشگیری از حوادث گوناگون در کارخانجات
صفحات ٣٦ و ٣٧

هنری

هدفهای جشنواره فیلم تهران
صفحات ٨٤ و ٨٧
نگاهی به مجموعه‌های ایرانی و خارجی تلویزیونی

خانواده کارگر

گفتگوئی با افراد خانواده یك کارگر:
صفحات ٥٠ و ٥١
با پرورش صحیح فرزند، دین خود را بوطن ادا میکنیم
گیاهان شفابخش
صفحه ٦٤
کار نشد ندارد
« ٦٥

کارگران برجسته

معرفی یك کارگر مبتکر و گفتگوی با او
صفحه ٥٦ و ٥٧
از پادوئی میدان سبزی فروشها تا شهرت جاودانی
« ٧٢ و ٧٣

گفت وشنود

پای صحبت دوستان کارگر:
برای بازدهی بیشتر کوشش افزونتر و ارتقاء سطح مهارت لازمست
صفحه ١٨ و ١٩
تولید مصالح ساختمانی، از جمله صنایع مناسب در روستاهاست
گفتگوئی با مسئول کمیته اشتغال شورای عالی سازمان کارگران
صفحه ١٤

گزارش‌ها...

سرگذشت شیرین قند و کارگران قندساز
یك گزارش خواندنی و جالب از کارگران کارخانه‌های قندسازی ایران و مشکلات آنها
صفحه ٢٠ تا ٢٤
زنان کارگر برای شما میگویند: چرا کار می‌کنند و چطور کار «خانه» و «کارخانه» را با هم تنظیم می‌کنند
صفحه ٢٩٨ و ٢٩
کارگران عطار یا حکیم‌باشی‌های قدیم
صفحه ٣٢ تا ٣٤
هشت ساعت در یك کارگاه:
جاروی برقی یکی از کارگران چگونه به خانه مادرزن مربوطه رفت؟!
صفحات ٣٨ و ٣٩

حرفه‌وفن

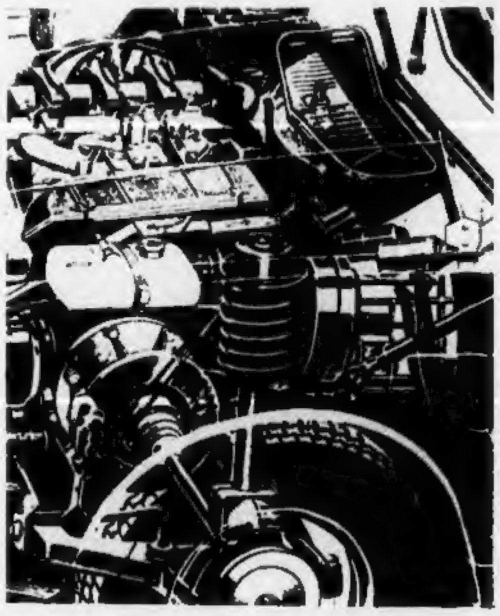

اشنائی با وسائل ساده و برقی خانگی
صفحه ٤٢
مباحث حرفه‌ای را ورق میزنیم
صفحه ٤٣
اتومبیل‌ها با کامپیوتر تهیه میشوند
صفحه ٤٤
کارگران با این دستگاه میتوانند با مکانیك‌ها رقابت کنند
صفحه ٤٥
برای آزمایش پایه یکم رانندگی آماده شوید
صفحه ٤٦
روغن زدگی شمع‌ها
صفحه ٤٧
خبرهای تازه‌ای از جهان علم و صنعت
صفحه ٤٩

کارگران هنرمند

کارگران هنرمند نقاش این بار شکوه آفریدند، آثاری از کارگران هنرمند و نقاش
صفحات ٣٠ و ٣١
در شهر کارگری صفحات ٤٠ و ٤١

سندیکاهای کارگری

میزگرد سندیکائی با شرکت اعضای یك سندیکا: در محیط کارما، از کارگر تا کار فرما همه برادر و برابرند.
صفحه ٥٢
خبرهای سندیکائی و معرفی سندیکاها
« ٥٤
چگونه سندیکا تشکیل دهیم
« ٥٥

نامه‌های کارگران

صفحه خودمون
صفحات ٥٨ و ٥٩
پاسخ به تقاضای کارگران
« ٩٤ و ٩٥
نامه سردبیر
« ٩٦ و ٩٧

ورزش کارگران

گزارشی از یکسال ورزش کارگران
نیازهای ورزشی کارگران باید تامین شود
صفحات ١١٠ و ١١١
از باشگاه‌های ورزش کارگران دیدن کنیم
صفحات ١١٢ و ١١٣

داستانهای حماسی

هفت خوان رستم
صفحات ٧٠ و ٧١
سرداران استقلال ایران: حمزه دلاور سیستان
« ١٠٨ و ١٠٩

داستانهای کارگری

در تهران اتفاق افتاد
« ٧٤ و ٧٥
سرگذشتهای اکبر آقا
صفحات ٧٨ و ٧٩
رنج شرمندگی است پابیزاری
« ٨٠ و ٨١

مسابقات و سرگرمی

جدول کلمات مقاطع و سرگرمیها
صفحه ٧٦
فال ماه
« ٧٧
کارگاه خنده
« ٨٢

خبرهای کارگری

سمینار مشکلات درمانی کارگران:
همه مسائل درمانی بیمه‌شدگان در مراکز درمانی مستقر خواهد شد
صفحات ١٠-١١-١٢-١٣
خبرهای کارگری تهران و شهرستانها
صفحات ١٠٠ و ١٠١

حوادث و سوانح کار

حادثه دو بار بکام میکشد
صفحه ١٦
این کارگر یك پای مجروح خود را از تیغه‌های ماشین بیرون کشید
صفحه ١٧

نقش کانونهای حزبی

... کارگران درکانونها

تجدیدنظر در آئین‌نامه تشکیل کانونهای جدید حزبی، یك گام اساسی در راه هرچه استوارتر ساختن پایگاههای راستین حزب رستاخیز ملت ایران است.

بی‌گمان کانونها در حزب رستاخیز ملت ایران حلقه‌های مستقیم ارتباط مردم با حزبشان است، آنهم ارتباطی بدون واسطه و حقیقی و درسطح واقعی.....

یعنی مردم بدور همدیگر جمع میشوند، همدیگر را از هرجهت میشناسند، حرفهای خود را در حضور یکدیگر بر زبان می‌آورند، از همدیگر صلاح‌اندیشی و مصلحت‌جوئی میخواهند، بدرد دل یکدیگر آشنا میشوند، مشکلات و ممکنات را با همدیگر بررسی و ارزشیابی میکنند، راهحل‌های منطقی و مشترك برای مسائل پیدا میکنند و طبعاً، با منطق و با احساس اشتراك منافع و همبستگی راهحل‌های یافته را بکار میبندند و لاجرم نه‌تنها مسائل افراد، بلکه درواقع مسائل مملکتی با همکاری و همفکری خود مردم حل و فصل میشود، یعنی آنچه که اساس قوام و دوام یك مملکت است «مشارکت و همدلی» صورت‌پذیر میگردد....

حالا این کانونها و این مراکز تجلی و تمرکز و تحقق یافتن مشارکتها و همدلی‌ها هرچه منضبط‌تر و منطقی‌تر و واقعی‌تر باشند، بهمان اندازه اصل مشارکت در مقیاس حقیقی امکان‌پذیر خواهد شد.

و اکنون که حزب با تجدیدنظر در آئین‌نامه تشکیل کانونها، حداقل تعداد اعضاء هر کانون را (۵۰) و حداکثر آنرا به (۱۰۰) نفر مقرر داشته و در مناطق روستائی و با جمعیتهای سکنهٔ هر منطقه و ناحیه تشکیل کانون را امکان‌پذیر ساخته است، باید تصدیق کرد که این کار سعی و کوششی است برای هرچه بیشتر کردن امکان مشارکت حقیقی مردم در کارهای مملکت. تعداد معقول و قابل‌قبول اعضای کانونها درواقع انجام بحثها و مذاکرات را برای افراد بیشتری از شرکت‌کنندگان در هر جلسه کانون ممکن میسازد، و به اکثریت اعضای کانون فرصت میدهد که در گفت‌وشنودها و مباحثات شرکت کنند و فقط شنونده نباشند. و این بسیار مهم است.

همچنین محدود کردن تعداد اعضاء یك کانون بمیزان قابل‌قبول موجب کنترل‌پذیر بودن میزان مشارکت افراد تواند بود، زیرا در تعداد معین، مثلاً یکصد نفر، بهتر میتوان شرکت اکثریت را در همه جلسات کانون تامین کرد و این نیز یك اصل پراهمیت است. و بهرصورت اینگونه تجدیدنظر در آئین‌نامه تشکیل کانونها نشان‌دهندهٔ برداشت نوین و تفسیر و تعبیر دلگرم‌کننده‌ای است که در هیئت اجرائیه و دستگاه رهبری حزب درباره کانون حزبی وجود دارد، و این بدان‌معنی است که ارگانهای رهبری حزب اعتقاد راسخ بدان دارند که کانونها سلولهای اصلی حزب هستند و باید حیات و فعالیت سالم و مؤثر این سلولها را به بهترین وجهی تامین و تضمین نمود.

شاید ضرورتی نداشته باشد که این برداشت نوین و تفسیر و تعبیر منطقی را بعنوان پیدایش یك «دید» جدید تلقی کنیم، ولی بی‌گمان این حقیقت فهمیدنی است که اگر دید جدید نباشد، لااقل استفاده واقع‌بینانه و آگاهانه از تجارب گرانبهائی است که حزب در دوران یك سال و چند ماهه اولیه خود بدست آورد.

بهرصورت این حرکت تکاملی در جهت بهبود کانونها برای کارگران نیز که متشکل‌ترین لایه‌های اجتماعی را در حزب و در کانونها تشکیل میدهند، این امکان را بوجود آورده است که مسائل بهتر و بیشتری را در کانونها مطرح سازند و این خود نشانه یك افق درخشان در زمینهٔ دموکراسی است.

برای کارگران این امکان فراهم میشود که با مشارکت هرچه بیشتر و ساده‌تر در کانونهای حزبی از یکسو آموزش‌های اجتماعی لازم را بدست آورند و از سوی دیگر با طرح تجارب خودشان که در محیطهای کار و زندگی ویژه‌شان حاصل شده است برای دیگر گروهها و لایه‌های اجتماعی نیز اطلاعات آموزنده‌ای فراهم سازند.....

غالباً مردم از مسائل خاص محیطهای کار و کارگری اطلاعات زیادی ندارند، و کار و کارگر را فقط از زاویه‌ای میبینند و می‌شناسند و قضاوت میکنند که فی‌المثل و اتفاقاً (بسبب نیاز) بیك فرد کارگر داشته‌اند و با او تماس پیدا کرده‌اند.... و حال آنکه همانگونه که درباره هیچ گروه و لایه اجتماعی نمیتوان براساس روحیات و خلقیات یك فرد داوری کرد، درمورد کار و کارگر هم چنین است.....

تشکیل منظم کانونهای حزبی (در سایه آئین‌نامه‌های منطقی جدید) و شرکت منظم کارگران در کانونها این امکان را برای کارگران بوجود می‌آورد که آنان از یکسو بمسائل و داوریهای مردم در برخورد با کار و کارگر آشناتر بشوند و هم اینکه از سوی دیگر این فرصت را خواهند داشت که نظرات و مسائل خودشان را با دیگر هموطنانشان درمیان بگذارند و این گفت‌وشنودها بی‌شك نه‌فقط کمك خواهد کرد باینکه جامعه بطورکلی با مسائل مربوط به محیط کار و کارگری آشناتر شوند، حتی بطور قطع موجب بالا رفتن سطح کارآئی کارگران وطنمان شده و آنچه را که بعنوان لزوم افزایش بهره‌وری و یا پائین بودن سطح کارآئی از آن یاد میشود، بکلی ازبین ببرد.

رستاخیز کارگران

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران
مدیرمسئول، محمدحسین کردبچه
شماره بیست و پنجم- سال دوم- دی ماه ۲۵۳۵
نشانی: خیابان وصال شیرازی، چهارراه بزرگمهر پلاك ۱/۱۴۸
تلفن مدیرمسئول و سردبیر۶۴۰۴۲۲ هیئت تحریریه ۶۶۳۷۵۵
تلفنخانه ۶۴۰۷۹۹- ۶۶۷۱۵۹- ۶۶۶۰۴۴

شعب سازمان کارگران درشهرستانها

یك روز بود که کارگر در شمار اجتماع، عددی نداشت تا در محاسبات به کار آید. برای یافتن کار، پشت در کارخانه به صف می‌ایستاد، و اگر «لطف» کارفرما، شاملش میشد و از میان صف طویل جویندگان کار، او را بیرون می‌آورد و به حریم کارخانه رخصتش میداد، در سخت‌ترین شرایط بازوانش را بکار میانداخت و ثمره کوشش او، چیزی نبود که حتی حداقل زندگی را برایش فراهم کند. چنین کارگری که با این خون دل، چنگ بکار انداخته بود، حتی اتاق کارفرما را نمیشناخت، و شرکت در تعیین سرنوشت خود و حفظ حقوقش- هرچند ناچیز- برای او آرزوئی بود، که بدان نیندیشیدن بهتر بود تا اندیشه کردن و دست نیافتن و خون دل خوردن. اما انقلاب ایران، که همه قشرهای اجتماع را در بردارد، [illegible]گر را هـ[illegible] شمار اورد، و این اغراق نیست که از دیدگاهی بگوئیم کارگر بیش ا[illegible]ران از موا[illegible] آن برخوردار شد. چه آنکه اگر تمام اصول انقلاب شاه و ملت چ[illegible]ری پرفر[illegible] که بر سراسر این مملکت میتابد، خانه همه، حتی خانه کارگر را در بر درفته، دو اصل چهارم و سیزدهم ویژه گسترش و رفاه زندگی و آسایش فکری کارگر است.

و اگر روزگاری کارگر را اجازه و مجال نبود در کنار یك میز رودرروی کارفرما بنشیند و حتی فقط درباره خود بگوید، امروز، انقلاب، به کارگر بجز مواهب دیگر، این فرصت را نیز بخشیده است که بر صندلی پارلمان بنشیند و در دیگر نهادهای اجتماعی شرکت جوید. و آنچه در این زمینه بدست آمده، امکاناتی است که در مسیر انقلاب، برای تجمع و تشکل کارگران در سندیکاها و اتحادیه‌ها و در نهایت سازمان کارگران حاصل شده است.

خوشبختانه کارگران ایران در سالهای اخیر با توجه به ضرورت تشکیل سندیکا، به این مهم دل بخشیده‌اند، و اکنون در سراسر کشور، کمتر واحد کارگری است که تشکیل سندیکا نداده باشد. و باز می‌شنویم که نمایندگان سازمان کارگران با سفر به شهرستانها، در تحقق برگزاری انتخابات شعب سازمان، نظارت سازنده‌یی دارند. سازمان کارگران، از آنجا که کوشش داشته فعالیت خود را آگاهانه و به مبنای اندیشه وخواستهای کارگران گذارد، حتی از تشکیل شعب در استانها پرهیز نموده، و به تشکیل شعبه در هر شهرستان پرداخته تا تماس وسیعتر با افکار و خواستهای کارگران داشته باشد، و بهمین گونه در ارسال و ابلاغ تصمیمها و نقطه نظرهای لازم، بستری وسیع‌تر در این ارتباط در اختیار کارگران و سازمان باشد.

از این‌رو، تا چند روز دیگر انتخابات۶۵ شعبه سازمان، در ۶۵ شهرستان بپایان می‌رسد. اما آنچه لازم بیادآوری است آنکه در انتخابات شعب، رئیس، دبیر و خزانه‌دار سندیکاها و نماینده اصلی کارگران واحدهای کارگری، که در این گردهمائی و انتخابات شرکت می‌جویند، وظیفه‌یی سنگین به عهده دارند، وظیفه‌یی منطبق با عصری که اگر همه امکانات را برای کارگر فراهم ساخته ، باید همپای همین امکانات و مواهب نصیب شده،اندیشید و دین و مسئولیت خود را در مقابل رهبر انقلاب و مملکت بخوبی دانست. اینان باید نمایندگانی برگزینند که مؤمن به انقلاب، آگاه به شرایط زمان، و بالاخره آشنا به وظیفه کارگر در عصر رستاخیز و در قبال موهبتهای بدست آمده باشد.

کارگران و نمایندگان آنان باید با ایمان کامل و احساس وسیع نسبت به سازمان خود، در این انتخابات شرکت جویند، و هم از این طریق است که می‌توان در سرنوشت خود شرکت جست، همانگونه که با شرکت فعالانه در کانون‌ها، و طرح و بحث مسائل گوناگون در این کانون‌ها ، در سرنوشت خویش و مملکت خود مشارکت نمود.

انروز، دلها در قفسهٔ سینه‌ها تندتر می‌طپیدند، در و دیوار و همه چیز حکایت از این میکرد که کاری بزرگ درحال انجام‌گرفتن است... واقعه مهمی در شرف وقوع بود و دلها - دانسته و ندانسته- باین کارگواهی میدادن...

کاری بزرگ و بزرگتر از هرچه که بفکر بگنجد...

انروز شاهنشاه از خانه‌اش- خانه‌ای که همیشه سرای مردم این سرزمین خانه امید و خانه دلها بوده و هست- برخاست و آمد دراجتماع بزرگ و بی‌سابقه دهقانان کشور در ورزشگاه محمدرضاشاه حضور یافت...

نمایندگان شرکتهای تعاونی روستائی، و درواقع برگزیدگان راستین دهقانان و روستانشینان کشور امده بودند در آن مجمع بزرگ، در زیر یك سقف گردامده و همراه با پادشاهشان، پادشاه مهربان و اگاهشان، پادشاه مردم‌دوست و خیرخواهشان، آری امده بودند تا دوش‌بدوش و دستحردست شاهنشاهشان فلك را سقف بشکافند و طرحی نو در اندازند...

طرحی نو در اندازند تا برای همیشه بنیاد لشگر غم و اندوه را از بیخ و بن براندازند... و همچنانکه همانگونه شد که میخواستند...

انروز، ۱۸دیماه سال ۱۳٤۱ بود که شاهنشاه در جمع بزرگ نمایندگان طبقات مختلف جامعه ایرانی، بویژه اکثریت روستائیان، شرکت فرمودند و اعلامیه (مانیفست) تاریخ انقلاب شاه و ملت را اعلام کردند...

اعلامیه تاریخی و انقلابی که از همان لحظه ریشه‌های هرگونه بقایای استثمار فرد از فرد را خشکانید و شاخه‌های آزادی و رهائی توده‌های عظیم ملت ایران از زنجیر عقب‌ماندگی‌ها را شکوفان و بارور ساخت...

بعضی از اهل ذوق‌های تاریخ‌دان که عادت دارند حوادث را با نمونه‌ها و نظایر تاریخی‌شان مقایسه کنند، همایش تاریخ ۱۸دیماه ۱۳٤۱ را با همایش تاریخی دشت‌مغان در زمان نادرشاه افشار مقایسه کرده‌اند...

روزیکه نادرشاه افشار، آن پادشاه شجاع و شیرافکن ایران، در گردهمائی نمایندگان طبقات گوناگون ایران انروز، اعم از سپاهیان و دبیران و زمین‌داران و سالاران و دهقانان و بزرگمردان‌ایران، چگونگی کار ایران و هدفهای خود را بمردم اعلام کرد و از آن پس براستی از سوی مردم و بزرگان ایران زمین به سلطنت این مرز و بوم برگزیده شد...

اما بنظر بعضی دیگر، کاری را که شاهنشاه آریامهر در آن روز تاریخی انجام دادند بس مهمتر و بنیادی‌تر از کار نادرشاه افشار بود.

درباره بنیادی بودن آن کار مهم، خود شاهنشاه در کتاب «انقلاب سفید» نگاشته‌اند:

«درسالهای اخیر احساس کردم که شرایط ملی و بین‌المللی لازم برای انجام انقلاب اساسی و ریشه‌داری که میباید اساس جامعه ایرانی را بکلی تغییر دهد و انرا بصورت اجتماعی هماهنگ با پیشرفته‌ترین جوامع امروزی جهان و متکی برمترقیانه‌ترین اصول عدالت اجتماعی و حقوق فردی دراورد فراهم شده است...

از لحاظ بین‌المللی وضع مملکت بسیار مستحکم بود، از نظر روحی جامعه ایرانی بیش از هروقت تشنه اصلاحات واقعی و انقلابی بود، و از لحاظ حکومتی حیثیت و نفوذ سیاسی و معنوی پادشاه مملکت درحد اعلای خود بود... درنتیجه من میتوانستم با قاطعیت دستبکار آن تحول اجتماعی عظیمی بشوم که بعدها «انقلاب شاه و ملت» نام گرفت و با تحقق آن معجزه‌ای که تا انوقت تقریباً درهیچ جا سابقه نداشت وقوع یافت، یعنی اساس جامعه ایرانی زیرورو‌شد بی‌انکه تقریباً خونی ریخته شود یا خللی در ازادیهای فردی و اجتماعی ملت وارد آید...»

واما اگر فارغ از نظرات متواضعانه و بزرگوارانهٔ رهبر انقلاب (که همواره کوشیده‌اند بخاطر احتراز از خودبینی و غرور اقدامات بزرگ خود را عادی ومعمولی جلوه دهند) به آنچه که پیش از انقلاب شاه و ملت دراین سرزمین میگذشت اشاره کنیم شاید برای جوانان کمتر از بیست ودوسه ساله باورکردنش مشکل باشد.... زیرا اکنون چهارده سال از انقلاب شاه و ملت میگذرد و جوانان کمتر از بیست و دو سه ساله دران موقع بیش از هشت یا نه سال نداشته‌اند و نمیتوانند بخاطر بیاورند که در ان ایام مملکت چه وضعی داشته و امروز درچه حالی وجود دارد... همچنانکه کسانی که روزگاران بعد از شهریور ۱۳۲۰ را در ایران درك کرده‌اند امروزه وقتی که به تحولات چهارده ساله اخیر ایران میاندیشند گرفتار تعجب و بهت میشوند که براستی چگونه ان کوه مشکلات و مسائل پیچیده از میان برداشته شد و مشکل‌ترین مسالهٔ امروز فی‌المثل قیمت لباس‌شوئی و یا تعمیرگاه اتومبیل است!!

بی‌تعارف باید بگوئیم که اکثریت مردم لباس قابل توجهی نداشتند تا احیاناً برایشان مساله لباس‌شوئی وجود داشته باشد، برای اکثریت قریب باتفاق مردم مسئله مصرف بحد کفایت مطرح نبود تا احتمالاً میزان نرخ همهٔ کالاهای متنوع پیش بیاید...

بیکاری و فلاکت و بلاتکلیفی درشهرها، بدتر از ان، بدبختی و شکنجه و اینده نداشتن و پوچی و بیهودگی و بی‌حرمتی به انسانها در روستاها، امکان زندگی فوق مرفه برای فقط افراد دویست خانواده و بس، و بسیاری از اینگونه تبعیض‌ها و سختی‌ها و تناقضات و تضادها و بالاخره از هم‌گسیختگی همهٔ رشته‌های پیوند ملی و میهنی... این دورنما و منظره‌ای است که از ایران پیش از انقلاب میتوان به سادگی ترسیم کرد، انهم اگر واقعاً بتوان رنگهائی بان تیرگی و روحیه‌ای بان غم‌انگیزی و وقتی بان بی‌ارزشی بدست اورد...

والاّ نقاشی چنان تابلوئی فقط درعالم خیال ممکن خواهد بود، خیالی که بتدریج مبدل بیك کابوس تلخ و رنج‌اور میشود و بس...

«مانیفست» شاهنشاه دران روز تاریخی دیماه سال۱۳٤۱در واقع اقدامی چنان شجاعانه، شجاعتی توام با تهور و از خود گذشتگی، بود که فقط تحت تاثیر تشعشعات ان شهامت و شجاعت و صداقت و دلیری خاص رهبر بزرگ ایران زمین بود که انقلاب تاریخی روز ششم بهمن ماه میتوانست شکل بگیرد و بصورت یك واقعیت قابل لمس و انقلابی غیرقابل شکست و تزلزل دراید......

مردم زجرکشیده ایران ، مردم چشم‌براه و زندگی خواه این سرزمین، فقط و فقط در پناه انهمه صداقت و دلسوزی و واقع‌بینی و شجاعت و تصمیم قاطع شاهنشاه میتوانستند دامن انقلاب ارمان‌ساز خود را بدست اورده و به ساحل نجات و بهروزی برسند.والا در مدت بیست‌سال پس از شهریور ۱۳۲۰ انقدر شیرازه کارها از هم گسیخته و یاس و نومیدی بهمه جا سایه افکنده بود که حتی تصور نجات هم برای مردم کاری مشکل و محال مینمود......

این فقط با وقوع انقلاب معجزه‌اسای ششم بهمن بود که میلیونها انسان زجر کشیده ایرانی که تحت عنوان رعیت از هرگونه حرمت انسانی محروم بودند بهمه گونه ازادی و رفاه و حق انسانی نائل امدند. این تنها در پناه انقلاب شاه و ملت بود که نیمی از جمعیت این مملکت که بجرم زن بودن حق دخالت در کمترین کار جامعه و وطنشان را نداشتند، قدم بمیدان سازندگی ایران نو گذاشتند. فقط بر روی زیربنائی بنام «سهیم‌شدن کارگران در سود کارگاهها» ممکن بود که کاخ عظیم گسترش و تعمیم مالکیتهای صنعتی در کشور بنا شود و این کار انقلابی بزرگ امکان‌پذیر گردد، و بالاخره فقط براثر استحکام و قدرت ملی، ناشی از انقلاب ششم بهمن بود که پایه‌های سیاست مستقل ملی ایران پی‌ریزی گردید و مسئله‌ای بنام «ایران پیشاهنگ و پیشرو» قابل طرح در مقیاس جهانی شد......

و بیهوده نیست که ملت ایران مقدم سالروز ششم بهمن را گرامی میدارد، هر سال گرامی‌تر از سال پیش و هر سال باشکوه‌تر از سال قبل..... زیرا هر سالی که در شرایط حاصل از انقلاب شاه و ملت میگذرد، پیروزی بزرگتر و دستاورد بیشتری نصیب ملت ایران شد و میشود......

سلام به ششم بهمن، روز تحقق انقلاب شاه و ملت.
درود به شاه و ملت دو عنصر اصلی و جاودانه انقلاب.

سیری در «فلسفه انقلاب»

«قسمت دوم»

دومین تضاد بزرگ

در رساله «فلسفه انقلاب‌ایران» ازتضاد دیگری که با اهمیت نام برده شده است، «محرومیت زنان ایران از حقوق سیاسی و اجتماعی» میباشد.....

شاید توضیح کوتاهی در این باره روشن کند که چگونه این موضوع، براستی یك تضاد بمعنی فلسفی و علمی کلمه بوده است:

همانطور که در مورد فئودالیته وبزرگ زمین‌داری، گفتیم که در یك روزگاری، بدلیل نفی سیستم بردگی و تبدیل برده‌ها به روستائیان و با رنجبران شهری آزاد شده، لازم مینمود که مالکیت افراد را بر مقدار وسیعی از اراضی بپذیرند و ساکنین آن اراضی را بهرصورت(چند زارع وخوش‌نشین) بنام رعیت آن دهات و اراضی برسمیت بشناسند تا باین ترتیب نظام پیشرفته‌تری(نسبت به نظام بردگی) بوجود آید و حق انسانهائی (ولوبنام‌رعیت) اما براساس مقررات قبول شده‌ای تثبیت گردد.....

اما همین نهاد اجتماعی، در روزگار دیگری، بدلیل تغییرات جبری جوامع بشری بصورت یك تضاد خودنمائی کرد و ناگزیر میبایستی رژیم ارباب و رعیتی از میان میرفت و انسانها، چه از نظر اجتماعی- اقتصادی وچه از نظر سیاسی مطلق در موضع دیگری قرار میگرفتند.....

در مورد زنان نیز همین ترتیب بود، یعنی در یك روزگاری، چه تحت تاثیر نظام (پدرسالاری) که بهر صورت حکومت و جامعه داری برعهدهٔ مرد بود، و چه تحت تاثیر احکام و مقررات تحریف شده‌ی اخلاقی و مذهبی، زنان نه حق مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی کشور را داشتند و نه در واقع نیازی بدین مشارکت احساس میشد.

درحالیکه در جامعه‌ی روبتوسعه‌ی پس از انقلاب مشروطیت منطقاً، و در دوران سلطنت تحول اور رضاشاه‌کبیر اخلاقاً و از دیدگاه سیاسی، و در عصر انقلاب اریامهر عملاً و لزوماً، ضروری مینمود که نیم دیگر جامعه(یعنی‌زنان) وارد زندگی واقعی اجتماعی شده و در عالم واقعیت و عمل جزء جامعه محسوب شوند.

اما همانگونه که انقلاب مشروطیت در واقع علیه قدرت‌های نامشروع و غیر انسانی فئودالیته و رژیم منحوس ارباب ورعیتی(چسبیده به قاجاریه) صورت پذیرفته، ولی در عمل یکبار دیگر فئودالیزم در قیافه مشروطیت بر جای مانده بود، مسئله مداخله داشتن زنان در امور اجتماعی و سیاسی هم نتوانسته بود در آن روزگار حتی مطرح شود تا چه رسد باینکه جامه عمل بخود بپوشد.....

در دورهٔ رضاشاه‌کبیر هم که بهمت آن سردار رشید جامهٔ سیاهرنگ عقب ماندگی از پیکر نیمی از جامعه برکنده شد، معهذا وقوع جنگ جهانی دوم و نفوذ عوارض عجیب‌وغریب آن بوطن ما در فاصله کوتاهی از روز «۱۷دی»، توانست که ورود زنان به فعالیت‌های راستین اجتماعی و سیاسی را بازهم برای مدتی غیر ممکن سازد.... حتی ذکر این نکته در این رهگذر از سخن بسیار بموقع و بمورد است که بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ در بسیاری از شهرهای ایران چنین اوضاع احوالی پیش امده بود که عمال ارتجاع و برهم زنندگان نظم اجتماعی در کوی و برزن هررهگذر بانوانی را که بدون چادر بودند مورد اهانت قرار داده و اسید بصورتشان می‌پاشیدند، و گاهی در بسیاری از آموزشگاه‌ها دختران و آموزگاران زن را مجبور میکردند که (در سالیکه خلبان‌های زن وابسته به نیروهای نظامی خارجی بمب افکن‌های خود را در اسمانهای ماهدایت میکردند) با چادر در سرکلاس‌ها حاضر شوند، والا برایشان مزاحمت تولید می‌کردند! بلی، زنان ما باید در داخل یك چادر سیاه پوشیده می‌ماندند ولی زنان کشورهای دیگر در اسمانها به پرواز در میامدند و یا در آزمایشگاهها به تحقیق و تتبع علمی می‌پرداختند...و.....و...و...

شاهنشاه آریامهر، رهبر خردمند انقلاب ایران در این باره، یعنی در باره ضرورت حل این تضاد اجتماعی در کتاب «انقلاب‌سفید» چنین می‌نویسند:

«شاید نسل تازه‌ای که اکنون تاریخ اجتماعی عصر حاضر کشورما را در مدرسه‌ها فرا میگیرد، نتواند باور کند که حتی در زمان زندگی خود اوقانونی لازم‌الاجرا بوده که در آن زنان ایرانی، یعنی جامعه‌ای که در آن این همه بانوی تحصیل کرده و استاد دانشگاه و معلم و پزشك و حقوقدان و نویسنده و شاعر و هنرمند وجود دارد، در زمرهٔ دیوانگان و مجرمین و بدکاران بحساب آمده باشند!»

این سخن رهبر انقلاب ناظر بر قسمتی از ماده(۱) قانون انتخابات مجلس شورای‌ملی است که پیش از انقلاب شاه و ملت اجرا میشد...

در قانون مزبور چنین آمده بود:

«کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند عبارتند از نسوان، کسانی که خارج از رشدند و تحت قیمومت شرعی هستند، ورشکستگان بتقصیر، متکدیان و اشخاصی که بوسائل بیشرمانه تحصیل معاش می‌نمایند همچنین مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند.»

و این مربوط به شرایط داشتن حق انتخاب کردن بود، تا چه رسد به حق انتخاب شدن که اصولاً چنین مطلبی حتی قابل بر زبان آوردن هم نبود، که مثلاً زنی برای نمایندگی مجلس انتخاب شود!!...

شاهنشاه در این مقوله در جای دیگر همان کتاب اینطور نگاشته‌اند:

«آیا واقعاً این طرز فکر میتوانست در جامعه‌ای که ما میخواستیم آنرا قبل از هر چیز بر اساس عدالت اجتماعی پیریزی کنیم مفهومی داشته باشد؟ آیا در اجتماع کنونی ایران که قسمت مهمی از کار تجدید بنای مادی و معنوی کشور ما بدست زنان مترقی و فعال ان انجام میگیرد ما میتوانستیم مادران و خواهران و همسران و دختران خود را همردیف یك عده دیوانه یا کسانیکه از طرق بیشرمانه امرار معاش می‌کنند، نگاه کنیم؟ آیا ما میتوانستیم در دنیای پیشرفته قرن بیستم و در عصر اعلامیه حقوق بشر، ادعای ترقی‌خواهی و آزادی طلبی کنیم و در همان حال نیمی از جامعه ایرانی را اسیر چنین وضعی نگاه داریم؟

آیا در چنین شرایطی ما میتوانستیم ادعا کنیم که از لحاظ رشد فکری و اجتماعی نسبت به اعراب دوره جاهلیت که زن را «حیوانی دراز مو و کوتاه فکر» لقب داده بودند، پیشرفت محسوسی کرده‌ایم؟

شاهنشاه در همان کتاب «انقلاب سفید» بدنباله نظرات خویش به نکته تاریخی اشاره فرموده‌اند که دلیل دیگری بر لزوم تغییر نهاد قبلی کرده و حکایت از «تضاد» در اوضاع قبل از انقلاب و حتی تضاد سابقه‌دار و تاریخی می‌نماید. شاهنشاه پس از اشاره به شواهدی از وجود زنان برجسته در تاریخ طولانی وطن ما از قبیل ملکه پوراندخت و آذرمیدخت و همای و گردافرید، چنین مرقوم داشته‌اند:

«البته نباید از این شواهد چنین نتیجه گرفت که زن در ایران قدیم کاملاً همسنگ و همپای مردان بوده، زیرا جامعه آنروز اصولاً چنین اقتضائی را نداشت. بعکس، چنانکه تحقیقات جالب (بارتولمه) دانشمند ایران شناس عالیقدر قرن اخیر نشان میدهد زن ایرانی در آن عصر شخصیت حقوقی نداشته و همواره از این لحاظ تحت سرپرستی رئیس خانواده، یعنی پدر یا برادر و یا پسر ارشد خود بوده است. حتی (بارتولومه) مثلی را از آن زمان نقل میکند که «زن میبایست روزی سه بار ازخود بپرسد که چه باید بیندیشد؟ چه باید بگوید؟ چه باید بکند؟»

و سپس شاهنشاه پس از اشاره جامع باحکام دین مقدس اسلام و حقوقی که در شریعت اسلام برای زن قائل شده‌اند، و مخصوصاً تاکید بر این نکته که اسلام در مورد رعایت حقوق زن جنبه‌های بسیار مترقیانه داشته و دارد، سخن را باین صورت ادامه میدهند که:

«متاسفانه تحولات اجتماعی کشور ما در ادوار مختلف و در دوره‌های انحطاطی که غالباً نتیجه منطقی قدرت یافتن نیروهای ارتجاعی بود، روح این تعالیم عالیه اسلامی را که در عین حال منطبق با سنن دیرینه تمدن ایرانی بود قلب و مسخ کرد و زن را گاه تا مقام یك برده و کنیز پائین آورد.»

روواج بیعدالتی‌های اجتماعی و اخلاقی، زن ایرانی را روز بروز بیشتر اسیر جهل و بیسوادی و خرافات کرد و شاید تنها تسلائی که زنان ما میتواند در این مورد داشته باشند، این است که در همان ادوار در بسیاری از جوامع دیگر جهان نیز خواهران آنها سرنوشتی بهتر از ایشان نداشتند و گاه حتی وضعی بمراتب تلخ‌تر و غم‌انگیزتر از ایشان داشتند.»

شاهنشاه در همین گفتار بعد از آنکه عین نوشته «مورگان شوستر» امریکائی را از کتاب «اختناق ایران» در تعریف از زنان ایران و مبارزات ملی‌شان نوشته همان کارشناس امریکائی نقل فرموده‌اند، اضافه فرموده‌اند:

«آیا چنین زنانی واقعاً مستحق ان بودند که همچنان از شرکت در زندگی اجتماعی محروم بمانند و در عصری که در کشورهای مترقی روز بروز درهای مراکز مختلف علم و اقتصاد و سیاست بروی زنان بازتر می‌شود، ایشان همچنان

ایران

پرده‌نشین باشند و حق کمترین دخالتی در امور اجتماع و کشوری که خود نیمی از آنرا تشکیل میدادند نداشته باشند؟»

شاهنشاه با ذکر این مطالب در واقع، تنها بصورت یك فرد ایرانی (که احتمالاً از بعضی چیزها خوشش میاید و بعضی چیزها را هم نمی‌پسندد) اظهار نظر نمی‌کنند، بلکه بخوبی پیداست که از موضع یك رهبر بیداردل و آگاه و از دیدگاه انقلابی این تضاد را مورد بررسی قرار داده‌اند.

چه پس از ذکر این حادثه تاریخی که زنان در ۱۷ دی ماه ۱۳۱٤ بفرمان و پشتیبانی رضا شاه کبیر از زنجیر حجاب و چادر خلاص شدند و یادآوری استعدادها و لیاقت همه جانبه زن ایرانی، بدینگونه اظهار نظر می‌فرمایند که:

«با توجه به نقش بزرگ زنان ایرانی در تمام شئون مادی و معنوی کشور، بهتر میتوان دریافت که ادامه منع قانونی شرکت طبقه زنان در تعیین سرنوشت خود و شرکت در تعیین سرنوشت کشور از راه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در پارلمان تا چه حد نه تنها ظالمانه، بلکه غیرمنطقی و مخالف با عقل سلیم و با مصالح ملی بود...... این واقعاً باور نکردنی بود که یك مرد بیسواد قانوناً حق رای داشته باشد

اما یك بانوی ایرانی که عالیترین مدارج تحصیلی را در دانشگاههای ایران یا در دانشگاههای بزرگ جهان طی کرده است و مقام استاد دانشگاه یا دکتر ویا مهندس، یا حقوق‌دان را دارد، چنین حقی را فاقد باشد...» شاهنشاه این مطلب را ضمن یك جمله دیگری که حکایت از بزرگواری و عفت اخلاقی ایشان میکند بیان داشته و نوشته‌اند «البته منظور از یادآوری یك فرد بیسواد این نیست که از این راه توهین یا تحقیری به حیثیت انسانی و ملی چنین فردی شده باشد...» ملاحظه میشود که با مقایسه چگونگی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن یك زن و یك مرد، رهبر انقلاب یك چهرهٔ آن تضاد ناپسند را عریان و روشن در مقابل چشم انسان قرار میدهند، ولی باذکر این مطلب دیگر که «اصولاً در جامعه‌ای که بازده کار هریك نفر از افراد مملکت در تمام تولید ملی مؤثر است، آنهم در مملکتی مانند ایران که میاید چند قرن فاصله خود را بادنیای مترقی در مدتی بسیار کوتاه جبران کند، چطور میتوان قبول کرد که نیمی از قوای فعاله مملکت از حقوق حقه خود برکنار بمانند؟»

شاهنشاه آن چهرهٔ دیگر تضاد را که صرفنظر از جنبه اخلاقی، مطلقاً مفهوم (سوسیو اکونومیك) را در مرحله بررسی شرایط و ضرورتهای انقلاب ترسیم مینمایند، همانگونه که قبلاً باتوجه به طبقه‌بندی اصولی رسالهٔ «فلسفه انقلاب ایران» بیان گردید: انقلاب درست هنگامی رخ میدهد که، شرایط زمانی و مکانی و موضع تاریخی یك جامعه از کلیه جهات و جوانب سیاسی و اجتماعی و اقتصادی وقوع انقلاب را ایجاب کند و رهبر آگاه و هشیاری هم آنرا رهبری نماید...

در مورد رفع این تضاد هم، رهبر انقلاب ایران باتوجه به شرایط مورد نظر، و احساس ضرورتهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دست به کار انقلاب میشود و فرمان تاریخی هشتم اسفند ماه ۱۳٤۲ خورشیدی (۲۵۲۲ شاهنشاهی) را صادر مینماید...

دربارهٔ صدور آن فرمان تاریخی باید در این رهگذر از سخن خصوصاً یادآوری میشود که اجتماع عظیم نمایندگان گروههای مختلف زنان (اعم از گروههای اقتصادی و فکری و شهرنشینی و روستائی) در کاخ مرمر و تاکید و تائید بر ضرورت صدور فرمان رهبر انقلاب (مبنی بر استقرار همه حقوق تساوی برای زن ایرانی) یك جلوه‌ای از اصالت انقلاب شاه و ملت بوده و نیز یکی از جلوه‌هائی بود که به مفهوم انقلاب (شاه و ملت)، یعنی پیوندهای معنوی موجود بین شاه و ملت تحقق میبخشید و آنرا ظاهر میساخت...

ورهبر انقلاب در نطقی که بعداز صدور آن فرمان تاریخی ایراد کردند، گفتند که:

«خدای را شکر که اکنون آخرین ننگ اجتماعی ما نیز برطرف شد و این زنجیر تحقیر و اسارت که برگردن نصف جمعیت این مملکت بود، برداشته و پاره شده است.»

جالب‌تر اینکه در رفع این تضاد اجتماعی، تنها مصالح فوری وابسته به شرایط زمانی حاضر مورد نظر نبوده است، بلکه درعین حال مصلحتهای عالیتر انقلاب ایران نیز تامین گردید...

زیرا همانگونه که رهبر انقلاب فرموده‌اند، انقلاب ما یك انقلاب تحمیلی یا دستوری نیست، انقلابی است که بالعکس اساس آن همکاری آزادانه همه افراد براساس درك مفهوم واقعی آن است. و لازمه تحقق کامل اصول این انقلاب، این است که همه افراد کشور هرچه بیشتر و کاملتر و عمیق‌تر باآن آشنائی یابند و آزادانه و صرفاً از روی اعتقاد و ایمان در تمیم و اجرای این اصول که هدف آن فقط تامین منافع واقعی خود آنهاست شرکت جویند، در این صورت شك نیست که مهمترین وظیفه در این باره بعهده بانوان ایرانی است، زیرا اینان هستند که قبل از هر مدرسه و آموزشگاهی کار تربیت فرزندان خود بنیانگزاری جامعه آینده را بعهده دارند.

* * *

تضادی دیگر...

بگفته‌ی رسالهٔ «فلسفه انقلاب ایران»، تضاد دیگری که موجودیت شکوفای ملی ما را در معرض مخاطره قرار میداد، روابط غیر منطقی کارگر و کارفرما بود که برپایه‌ی عدالت استوار نبود...

چنین بنظر میرسد که در این مورد باید اندکی هم اشاره به سوابق و مسائل دیگری بشود تاچگونگی این تضاد از هرجهت روشن شود و معلوم گردد که این مسئله چگونه توانسته بود بصورت یك تضاد خودنمائی کند...

حقیقت اینست که بهنگامی که انقلاب شاه و ملت تکوین پیدا میکرد، در مورد مسئله کارگری وضع طور دیگری بود که قابل مقایسه باوضع دهقانی و توده‌های روستانشین کشور نبود...

مملکت چه براثر انقلابی که انجام میگرفت، و چه باسابقه کارخانجات و صنایعی که قبل از انقلاب وجود داشت و چه اصولاً بدان جهت که یك ضرورت مهم وقوع انقلاب این بود که ایران می‌بایستی یك کشور صنعتی بشود، لذا عنصر «کارگر» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود که می‌بایستی تکلیفش در ردیف مهمترین مسائل پایه‌ای انقلاب روشن می‌شد، و چنین هم شد...

از سوئی با لغو رژیم ارباب و رعیتی و تقسیم اراضی بین دهقانان و تغییر روابط تولیدی در روستا که مهمترین آن تغییر رابطه زارع بازمین بود، بخوبی پیش‌بینی می‌شد که اولا روستانشینان قادر به مصرف و خرید بیشتر، خواهند شد، یعنی تولیدات صنعتی زمینه برای ازدیاد پیدا میکرد و صنایع ناگزیر توسعه می‌یافتند و نیاز به کارگر بیشتر و عینی‌تر می‌شد... و از سوی دیگر بدلیل بالا یعنی رهائی دهقان از تولید محدود زراعی و تبدیل زراعتهای فردی به کشاورزیهای تعاونی و دسته جمعی و ضرورت ایجاد صنایع روستائی در مناطق کشاورزی و همچنین امکان جذب تعداد بیشتری از کشاورزان (روستائیان بیکار و خوش‌نشین‌ها) به صنایع شهری، پیش‌بینی می‌شد که گروه بیشتری از مردم کشور جذب صنایع شده و تبدیل به کارگر شوند.... پس رهبری انقلاب- که از نیروی پیش‌بینی و آینده نگری ژرفی برخوردار بوده و هست- توجه بزندگی و حقوق کارگران را در راس مسائل پایه‌ای جامعه یعنی جزء اصول انقلاب منظور داشت.

نظر رهبر انقلاب ایران در آغاز انقلاب چنین بیان می‌شد که:

«تاریخ کار و کارگری یکی از تلخ‌ترین و شاید غم‌انگیزترین فصول تاریخ بشری است. طی قرون متمادی، آنقدر حقوق کارگران مورد تخطی و تجاوز قرار گرفته، آنقدر دسترنج ایشان استثمار شده و آنقدر این طبقه زحمتکش و شریف بانواع مختلف قربانی داده است که ترازنامه آن واقعاً برای وجدان بشری امروز بسیار ناراحت کننده است... و ماباید خداوند را از اینکه در عصری زندگی می‌کنیم که این وضع جای خود را در غالب نقاط جهان در درجات و حدود مختلف به احترام و رعایت حقوق طبقه کارگر داده است، سپاسگزار باشیم»

از این سخن رهبر انقلاب برداشت ویژهٔ ایران از مسئله کارگری بخوبی روشن می‌شود... باین معنی که در ایران، انقلابی که صورت گرفت تحت تاثیر فشارهای خارجی و یا مبارزات طبقاتی نبوده ولا محاله از نظر رهبری انقلاب در مقیاس صددرصد ملی و از دیدگاه صددرصد. انسانی انجام پذیر و ضروری می‌نموده است...

رهبر انقلاب ایران، در پیشاپیش تمام نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور از یك سو نسبت به سوابق تلخ و ناگواری که در زمینه کارگری در تمام دنیا وجود داشته حساسیت نشان میدهند و از سوی دیگر اطلاع قطعی دارند که در اغلب نقاط جهان و در عصر ما در درجات و حدود مختلف در رفع آن اوضاع احوال ناگوار اقدام شده است، یعنی رهبری انقلاب به راهحل‌هائی که در کشورهای دنیا پذیرفته شده و یا بدان عمل شده است، آشنائی داشته و دارند.

ناتمام

خبرهای حزبی

در جلسه کمیته آموزش سیاسی حزب گفته شد

آموزش سیاسی باید در جهت بینش بیشتر مردم باشد

کمیته آموزش سیاسی حزب اعلام کرد که حزب بعنوان واحد فراگیرنده همه مردم کشورمان بر برنامه‌های دولت نظارت خواهد کرد، و دولت نیز طبق قوانین مملکتی وظایفی را که عهده‌دار است، انجام خواهد داد.

در جلسه کمیته آموزش سیاسی حزب که با حضور جمشید آموزگار دبیر کل حزب و تنی چند از مقامهای حزبی تشکیل شده بود، این نکته مورد تاکید قرار گرفت که مردم از طریق این نظارت تشویق به همکاری و ارائه نظریات و مشارکت سازنده خواهند شد وسپس نقش آموزش سیاسی از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفت و اعضای کمیته بدو گروه تقسیم شدند تا هریك درباره مسئله بنیادی بررسی کنند.

این مسائل نخست درباره چگونگی و محتوی آموزش سیاسی از لحاظ موضوع آموزش و هم از نظر آموزش گیرندگان، دوم چگونگی سازمان آموزش سیاسی حزب و راههای ارتباط و انتقال محتوی آموزش سیاسی به جامعه است.

کمیته آموزش سیاسی حزب در جلسه مورخه ۳۵/۱۰/۷ خود این موضوع را مورد بررسی قرار داد که هدف از آموزش سیاسی چه میتواند باشد.

آیا منظور از آموزش سیاسی تنها این است که مکتب‌های سیاسی و ایدئولوژیهای مختلف را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؟

حال آنکه با توجه به نیاز جامعه ما به آگاهیها و اطلاعات گوناگون و متفاوت و بینش بیشتر از مسائل اطراف خود آموزش سیاسی بایستی در جهتی گام بردارد که بتواند افراد را به اندیشه‌های برتر مجهز کند و آنها را بعنوان فرد حزبی و شهروند ایرانی یاری دهد و برای عمل سیاسی آماده

اعضای کمیته آموزش سیاسی حزب معتقدند که حزب باید چنان وزنه سیاسی در جامعه بدست آورد که باصلاح سیستم اداری و رفع کاستی‌های نظام اداری بیانجامد و برای ایجاد وزنه سیاسی سازمان دادن افراد جامعه ضروری است و آموزش سیاسی یکی از عوامل اصلی در سازمان دادن افراد جامعه می‌باشند.

برنامه حزب، پارلمان و دولت هماهنگ میشود

جلسه دفتر سیاسی حزب بریاست آقای هویدا نخست‌وزیر و رئیس دفتر سیاسی امور حزبی را مورد بررسی قرار داد.

دفتر سیاسی حزب رستاخیز ملت ایران در نخستین جلسه خود پس از برپائی دومین کنگره حزب برنامه‌های حزب و چگونگی فعالیتهای آن را در سال جاری مورد بررسی قرار داد.

در این جلسه مقرر شد که دبیر کل حزب، مجلسین، و دولت هریك برنامه‌های مربوط به خود را بررسی کنند. و نتیجه این بررسی را در جلسه بعدی دفتر سیاسی برای همکاری و هماهنگی کاملتری بین حزب-مجلسین و دولت مطرح کنند.

در این جلسه همچنین برنامه‌های حزب و مسائل مربوط به فعالیتهای آن در سال جاری مورد بررسی قرار گرفت و دو عضو جدید دفتر سیاسی دکتر قاسم معتمدی و دکتر ناتل خانلری نیز در این جلسه شرکت داشتند.

تاپایان سال جاری

انتخابات اعضاء هیات مدیره شعب سازمان کارگران در شهرستانها برگزار میشود

سازمان کارگران ایران اعلام کرد تاپایان سال جاری انتخابات اعضاء هیات مدیره شعب سازمان کارگران در تبریز- رشت- قزوین- بندرعباس- بوشهر- مرودشت- شیراز- خرمشهر- آبادان- اهواز- مسجدسلیمان- آغاجاری- دزفول- کاشان- بوشهر- مشهد- قوچان- سبزوار- نیشابور- بیرجند و تربیت‌حیدریه با نظارت هیاتهای اعزامی سازمان کارگران ایران انجام خواهد شد.

در دیماه سال جاری نیز نخستین انتخابات در شهرستان تبریز انجام خواهد شد و هیات اعزامی سازمان کارگران ایران بریاست آقای محمدحسین اسحق‌نژاد معاون این سازمان برانتخابات مذکور نظارت خواهد کرد.

استان هرمزگان نیز در دیماه سال جاری انتخابات خود را برگزار خواهد کرد. بدین‌منظور آقای فرج‌اله ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران در رأس هیاتی برای نظارت برانجام انتخابات به استان مذکور سفر خواهد کرد.

از دیگر استانهائی که در دیماه سال جاری اعضاء هیات مدیره شعب سازمان کارگران آن برگزیده خواهند شد، استان خراسان میباشد.

ریاست هیات نظارت اعزامی به این استان را آقای خلیل الداغی معاون سازمان کارگران برعهده خواهد داشت.

همچنین آقایان رحیم‌پور بردباری و امیرعلی سیفی دوتن دیگر از معاونان سازمان کارگران ایران قرار است برای نظارت برانتخابات استانهای گیلان- فارس و بوشهر در رأس هیاتهائی به این مناطق سفر کنند.

اعضای هیات اجرائی از مشاغل تمام وقت در ستاد حزب منع شدند

هیات اجرائی موقت حزب رستاخیز ملت ایران تصویب کرد که اعضای هیات اجرایی نمیتوانند بصورت تمام وقت و موظف در ستادهای مرکزی حزب مسئولیتی داشته باشند.

احمد قریشی رئیس هیات اجرائی حزب درپایان کار جلسه هیات اجرائی که در روز شنبه، چهارم دی ماه تشکیل شد، در گفت‌گوئی با خبرنگاران ضمن اعلام این خبر افزود که درجلسه هیات اجرایی بحث درباره این بود که آیا اعضای هیات اجرایی میتوانند مسئولیتهای اجرایی در ستاد حزب داشته باشند یاخیر. چون در گذشته یکی دونفر از اعضای هیات اجرایی درسمت مسئول حزب در استان انجام وظیفه کرده بودند و در ستاد حزب این سئوال پیش آمده بود که آیا دبیرکل میتواند برای پرکردن سمتهای مسئولیتدار در ستاد حزب مانند ریاست شاخصهای اجرایی ستاد با دبیری استانها از اعضای هیات اجرایی دعوت کند یا خیر. آقای قریشی افزود... بنظر دبیرکل حزب این موضوعی بود که خود هیات اجرایی میبایست دربارهاش تصمیم بگیرد. از این‌رو ماده اول صورتجلسه امروز را همین سئوال تشکیل میداد. وی افزود در جلسه هیات اجرایی عقاید گوناگونی راجع به این موضوع وجود داشت، ولی سرانجام این استدلال که چون هیات اجرائی درمقام قانونگذار و نظارت‌کننده برستاد حزب است، اگر اعضای آن خود مسئولیتهای اجرایی برعهده گیرند، تعارض منافع ایجاد خواهد شد و نمیتوان انتظار داشت یك نفر هم مجری و هم نظارت‌کننده، هم پرسشگر و هم پاسخگو باشد. درنتیجه این پیشنهاد بتصویب تقریباً همه اعضای هیات اجرایی رسید که استفاده از اعضای این هیات در سمتهای مسئولیتدار بصورت تمام وقت و موظف ممنوع است، ولی دعوت از اعضای هیات اجرایی برای ماموریتهای موقت و یا مشورتی و غیرموظف اشکالی نخواهد داشت.

رئیس هیات اجرائی اضافه کرد به این‌ترتیب هیات اجرایی یکی از موارد ابهامی را که ممکن بود در آینده از نظر تفکیك قوا درحزب اشکالاتی بوجود آورد، برطرف کرد و این امر بدعتی شد تابراساس آن دبیرکل حزب در آینده روش خود را تعیین کند.

آقای قریشی گفت دومین موضوع دستور جلسه امروز آئین‌نامه جدید شوراهای حزب بود که از طرف کمیسیون هیات اجرایی درسه هفته گذشته بررسی شده است و متاسفانه چون گزارش کمیسیون قبلاً بدست همه اعضای هیات اجرایی نرسیده بود و بحث درباره آن زمان بیشتری می‌خواست، پیشنهاد شد که بحث درباره آئین‌نامه شوراها به جلسه آینده موکول گردد.

آئین‌نامه جدید با آئین‌نامه قبلی تفاوت اساسی ندارد، ولی چون اجرای آن بسیار ساده‌تر است و کمیسیون تدوین آئین‌نامه نیز توجه دارد تا شوراهای حزب با درنظرگرفتن اینکه وظایف مهمی در امر نظارت دارند، آسانتر تشکیل شوند و از کارایی بیشتری برخوردار باشند.

رئیس هیات اجرائی در دنباله سخنان خود اظهار داشت سومین موضوع دستور جلسه امروز هیات اجرایی سخنان دبیرکل درباره سازمان جدید ستاد حزب بود دبیرکل در سخنان خود از هیات اجرائی درخواست کرد کمیته‌ای را تعیین کنند تا طرح نهائی سازمان جدید ستاد حزب را تهیه کند و گزارش کمیسیون نیز به هیات اجرائی داده شود.

هیات اجرائی تصویب کرد که کمیسیون نظارت هیات اجرائی که یکی از وظایف آن همکاری با شاخصهای ستاد حزب و نظارت، برکارهای آنها است بدین منظور مشورتهای خود را با ستاد حزب آغاز کرد.

از فـــرج‌الله ابکــاری- رئیس‌سازمان کارگران ایران

ره آوردانقلاب، برای کارگران

آغاز پانزدهمین سال انقلاب شاه و ملت، فرصت مغتنم دیگری است تا برای شناخت بهتر و عمیق‌تر نمونه‌هائی از آثار و مواهب گرانقدر این رستاخیز اصیل ملی و آشنائی با ابعاد عظیم و گسترده آن که گاه وصف ناپذیر است، کارنامه درخشان و غرورآفرین انقلاب را ورق بزنیم، چه بحث پیرامون اهمیت و عظمت دستاوردهای انقلاب و کاربرد وسیع آن که تحولات عظیم بنیادی در کلیه وجوه و سطوح جامعه بهمراه آورده، در این مختصر ممکن نمی‌نماید، اما ارزشیابی گوشه‌ای از این موفقیتها و پیروزیها که رفاه و بهروزی فزاینده‌ای نصیب کلیه قشرهای جامعه، بویژه کارگران سازنده و وطنخواه و شریف ایرانی ساخته است میتواند لااقل بعنوان مشتی از خروار راهگشای ما بسوی حقیقت باشد تا با ابعاد عظیم موفقیتها و پیشرفتهای جامعه انقلابی خود بیش از پیش آشنا شویم.

بی‌گفت یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین اصول انقلاب شاه و ملت چهارمین اصل آن، سهیم کردن کارگران در سود کارگاههای صنعتی و تولیدی، است که فصل درخشان و نوینی در زندگی کارگر ایرانی گشود و رفاه و بهروزی را برای این قشر فعال به ارمغان آورد و با اجرای این اصل انقلابی کارگر مقام شامخ خود را در اجتماع کنونی احراز نمود.

اصل چهارم انقلاب

در حقیقت اجرای چهارمین اصل انقلاب نمودار تلاش و کوشش پی‌گیر کارگران سازنده ایران در راه افزایش تولید و تقلیل ضایعات میباشد که توانسته‌اند از نتیجه کار و فعالیت خود بهره بگیرند.

اجرای چهارمین اصل انقلاب برای کارگر ایرانی نه تنها سود مادی، بلکه بهره فزاینده معنوی بهمراه داشت، چرا که با ایجاد فضای سالم و سرشار از روح انقلابی با استعدادها و شایستگی‌ها بر بستری هموار امکان تحرك شکوفائی بخشید راه کارگر ایرانی را برای دستیابی به مدارج بالاتر هموار ساخت.

رفاه و درآمد روزافزون را برای این قشر وطن‌خواه و شریف به‌ارمغان آورد و در یك جمله سر نوشتی دیگر، سرنوشتی از خوشبختی و سعادت برای کارگر ایرانی رقم زد.

گسترش مالکیت صنعتی

باید گفت که گسترش مالیکت واحدهای تولیدی و صنعتی و واگذاری سهام این واحدها در مرحله نخست به کارگران و دیگر گروههای جامعه ایرانی مکمل اصل چهارم انقلاب میباشد و هم‌اکنون هزاران کارگر ایرانی در مالکیت این واحدها شریك و سهیم شده‌اند.

ذکر این نکته لازم می‌نماید که اجرای آن گامی دیگر در جهت پیشبرد و تحقق یکی از مهمترین هدفهای انقلاب، یعنی بسط و تعمیم عدالت است.

سوادآموزی

برنامه سوادآموزی که تا چند سال دیگر حتی یك کارگر بی‌سواد باقی نمیگذارد، تعلیمات حرفه‌ای که کارگران را بسوی افزایش مهارت سوق می‌دهد و راه پیشرفت و دستیابی به مدارج بالاتر را برای این عنصر شریف جامعه هموار میسازد، برگزاری مسابقات مهارت فنی که شگفتگی بیشتر استعدادها را به همراه می‌آورد، مذاکره جمعی کارگر و کارفرما در محیطی سرشار از همبستگی و تفاهم برای حل و فصل مسائل کارگری و دهها مورد دیگر نمونه‌هائی از آثار و مواهب انقلاب پیروزی‌آفرین شاه و ملت است که فصل درخشانی در زندگی کارگر ایرانی گشوده و رفاه مادی و معنوی را بصورتی روزافزون برای این قشر بزرگ و مولد جامعه ما فراهم ساخته است.

در این رهگذر در جهت بسیج نیروهای کارگری در حزب رستاخیز ملت ایران و تشکیل هزاران کانونهای حزبی کارگری از سوی کارگران میتواند نمودار همبستگی کارگران با سایر افراد و آحاد ملت ایران در حزب فراگیرنده ملت، یعنی حزب رستاخیز ملت ایران باشد.

چهار میلیون عضو

سازمان کارگران ایران که امروز دارای ٤ میلیون عضو میباشد و از طرف مجامع رسمی داخلی و پارلمان جهانی کار، خانه کارگران شریف و وطنخواه میهن ما شناخته شده، بی‌شك نقش مهمی ایفا میکند، مولود آشنائی عمیق این سازمان با رسالت تاریخی خود و حمایت بی‌دریغ میلیونها کارگر ایرانی از این سازمان است، سازمانی که برای ارتقاء هرچه بیشتر سطح زندگی کارگران و تامین خواسته‌های عادلانه و منطقی آنها تلاش پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر دارد و حتی لحظه‌ای وظایف و مسئولیتهای خطیر خود را فراموش نکرده و با گامهای سریع و مطمئن بسوی هدفهای خود به پیش تاخته است.

سندیکاها

تا قبل از طلوع خورشید انقلاب، تنها ۳۸ سندیکای کارگری، آنهم لنگ‌لنگان در سطح مملکت فعالیت داشت، ولی سازمان کارگران ایران این پدیده انقلاب شاه و ملت هم‌اکنون ۸۵۳ سندیکای فعال کارگری و ۲۲ اتحادیه بزرگ را دربر میگیرد. بعلاوه این سازمان با تاسیس ٦٥ شعبه در نقاط مختلف کشور هر روز نقشی باز هم برجسته‌تر در جهت تحقق هدفهای سازمان و بسود تمام کارگران ایرانی ایفا میکند. در چنین کوشش گسترده و فزاینده‌ای است که سازمان کارگران ایران با حمایت بیدریغ حزب رستاخیز ملت ایران وبا ٤ میلیون عضو معتقد و مؤمن خود توانسته است ١٤ نماینده کارگر راهی پارلمان سازد. بعلاوه در دیگر نهادها و انجمن‌های ملی چون انجمن‌های شهر، شهرستان، استان شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای بیش از ١٥٠ کرسی را به نمایندگان طبقه شریف کارگر اختصاص دهد.

سخن کوتاه زیرا همانطور که در آغاز این بحث اشاره رفت، بررسی حتی گوشه‌ای از دستاوردهای گرانقدر انقلاب در این مختصر ممکن نمی‌نماید، با این همه در آستانه پانزدهمین سالروز انقلاب شاه و ملت اشارتی هرچند کوتاه به قسمتی از آثار و مواهبی که این رستاخیز اصیل ملی نصیب کارگران شریف ایرانی ساخته، میتواند ما را در شناخت عظمت و وسعت توصیف‌ناپذیر دستاوردهای انقلاب یاری دهد.

با اغتنام فرصت بهمراه میلیونها کارگر شاهدوست و وطنخواه ایرانی در برابر عظمت اندیشه و دها و نبوغ پرچمدار بزرگ انقلاب شاهنشاه آریامهر سرتعظیم فرود می‌آوریم و بار دیگر آمادگی همه کارگران ایران را برای هرگونه فداکاری و جانبازی در راه تحقق و آرمانهای عالی انقلاب با افتخار و غرور اعلام میداریم

ازاین پس
همهٔ مسایل درمانی بیمه‌شدگان، درمراکز درمانی مستقر خواهد شد

توصیه دومین سمینار درمانی کارگران:

- **توسعه مهدکودك در کنار مراکز پزشکی و واحدهای درمانی**
- **توسعه و تقویت مراکز اورژانس برحسب نیاز در سراسر کشور**
- **صدور شناسنامه بهداشتی برای کلیه بیمه شدگان**
- **برقراری سرویس کشیك پزشکان آزاد و همکار سازمان در روزهای تعطیل و شبها**
- **بیماریابی و پیشگیری از بیماریها در کارگاهها و مناطق کارگری**
- **ترمیم مستمری‌های مشمولین قانون تامین اجتماعی با درنظرگرفتن افزایش هزینه زندگی**

بعدازظهر روز سه‌شنبه ۲۳ آذرماه دومین سمینار مسائل درمانی کارگران در محل استادیوم رضاپهلوی تبریز کار خود را آغاز کرد.

اولین سمینار مسائل درمانی کارگران در شهریورماه گذشته، با حضور وزیرکار و اموراجتماعی ووزیر بهداری و بهزیستی در ردوگاه کارگران بندرپهلوی تشکیل شد و بدنبال آن کارگران شرکت کننده در سمینار مذکور، در هفت کمیته به بررسی و بحث و تبادل نظر درباره مسائل درمانی کارگران پرداختند و در پایان سمینار قطعنامه‌ای در ۲۰ ماده تنظیم و برای اجرا به وزارت بهداری و بهزیستی فرستاده شد. دومین سمینار مسائل درمانی کارگران را اسکندر آزموده استاندار آذربایجان شرقی، بنام شاهنشاه افتتاح کرد و سپس سخنانی اظهار داشت

بایدديد چه کسانی دراجرای قطعنامهٔ

گروهی از شرکت کنندگان در سمینار درمانی کارگران

«البته ما در مورد درمان همگانی در آغاز کار قرار داریم و در این زمینه نقائص هم بچشم می‌خورد، ولی خوشبختانه یکی از موارد مهمی که مردم توانسته‌اند بدان دست یابند، همین بیمه درمانی است و با بررسی‌هائی که مسئولان امر انجام میدهند، تلاش می‌شود که این نارسائیها به حداقل ممکن برسد. البته کارگران ایران از نظر درمانی در سطح بهتری قرار دارند و نمونه این امر وجود بیمارستانهای متعدد مخصوص کارگران در شهر تبریز است، ولی با این وصف مجموع تختهای بیمارستانی در سازمانهای کشوری و لشگری در استان وسیع آذربایجان شرقی به ۳۰۰۰ تخت میرسد. امید میرود با اوامری که از طرف شاهنشاه آریامهر صدور یافته، تحول ویژه‌ای در این مورد بعمل آید. تبریز یك شهر صنعتی است و امر درمانی این شهر حائز اهمیت فراوانی است. امیدوارم پس از پایان کار این سمینار قطعنامه‌ای تهیه شود که حتی برای ازدیاد تختهای بیمارستانی مثمر ثمر باشد.»

پس از سخنان استاندار آذربایجان شرقی، دکتر هوشمند، معاون سازمان خدمات درمانی ضمن سخنانی اظهار داشت:

«نخستین سمینار در شهر پهلوی برگزار شد و توانستیم درباره دستاوردهای جدید مسائل درمانی بحث و تبادل نظر کنیم و باعث خوشحالی است که بخش مهمی از تصمیمات اولین سمینار جامه عمل پوشیده است.»

●در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه، قبل از افتتاح سمینار پیکره شاهنشاه آریامهر توسط کلیه شرکت کنندگان در سمینار گلباران شد و در ساعت ۱۰ شرکت کنندگان در سمینار از کارخانه تراکتورسازی تبریز بازدید کردند و در ساعت ۳۱/۲ مرکز اوژانس تبریز افتتاح شد

اسکندر آزموده، استاندار آذربایجان شرقی، سمینار را افتتاح کرد

نخستین سمینار قصور و اهمال کرده‌اند و بکارشان خاتمه داد

در اولین جلسه دومین سمینار مسائل درمانی کارگران، محمد حسین اسحقی‌نژاد نماینده کارگران تبریز در مجلس شورای ملی به ریاست دومین سمینار انتخاب شد، و حسن نظرزاده دبیر سندیکای تراکتورسازی و محمد هاشمی‌نژاد نماینده کارگران سوپراستورهای ایران، بعنوان نواب رئیس برگزیده شدند

صمد سعیدی دبیر سازمان کارگران تبریز و فریدون رضوانی دبیر اتحادیه صنایع اتومبیل مرکز بعنوان منشی انتخاب شدند. دومین سمینار مسائل درمانی کارگران تا بعدازظهر روز پنجشنبه ۲۵ آذرماه با تشکیل ۷ کمیته به کار خود ادامه داد و قطعنامه‌ای در بیست ماده در پایان آخرین جلسه سمینار صادر شد

در دومین سمینار مسائل درمانی کارگران، مجموعاً ۱۲۰ نفر شرکت داشتند که مجموع این عده را ۸۰ نفر نمایندگان کارگران سراسر کشور و ۱۰ تن از نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی و ۳۰ نفر از مدیران سازمان خدمات درمانی در استانها تشکیل میدادند

در بین ۸۰ تن نمایندگان کارگران ۲۸ نفر نماینده کارگر از استان آذربایجان شرقی و غربی شرکت داشتند

دومین سمینار بررسی مسائل درمانی کارگران دارای ۷ کمیته بود که عبارت بودند از: کمیته امور درمانگاهها، کمیته بیمارستانهای اختصاصی، کمیته دارو و داروخانه، کمیته اورژانس، کمیته

لطفاً ورق بزنید

متن کامل قطعنامه دومین سمینار مسائل درمانی کارگران:

۱- آموزش همگانی بیمه شدگان از طریق ارائه پوسترها و استفاده از رسانه‌های گروهی برای آگاهی بیشتر در مورد مراجعه به پزشك و بیمارستان و داروخانه و کیفیت خدمات پرستاری و مراکز اورژانس.

۲- با توجه به اینکه «فارماکوپا»ی ملی در اجرای اولین قطعنامه سمینار تهیه و تنظیم گردیده، اجرای هرچه زودتر آنرا از سوی وزارت بهداری و بهزیستی خواستار است.

۳- برای تسریع در امر پرداخت مطالبات واحدهای همکار ترتیبی اتخاذ گردد که به محض وصول صورتحساب درصد قابل توجهی بعنوان علی‌الحساب به واحد مربوطه پرداخت شود.

٤- با توجه به اینکه شوراهای پزشکی و کمیته‌های مربوط به کمیته مرگ و میر و غیره در کلیه بیمارستانها تشکیل گردیده، سمینار پی‌گیری کمیته مربوط را خواستار است.

٥- توسعه مهد کودك در کنار مراکز پزشکی و واحدهای درمانی در سراسر کشور توصیه میشود.

٦- احداث مراکز درمانی و بهداشتی و بیمارستانهای اختصاصی در سطح کشور بر اساس تعداد نفوس باشد و نیز کلیه بیمارستانها دارای بانك خون و کلیه رشته‌های تخصصی و حتی بخش اعصاب و روان باشند.

۷- به امر پی‌گیری در تجهیز و تکمیل بیمارستانهای خصوصی موجود توجه خاص مبذول گردد و مجتمع‌هائی که با طرح «فی‌فور سرویس» تمام وقت جغرافیائی اداره میشود، در شهرستانها گسترش یابد.

۸- برای هر ناحیه یا منطقه پزشکی برای نگهداری بیماران صعب‌العلاج و مزمن نقاهتخانه مناسب تاسیس شود.

۹- از نظر بهداشت محیط و مبارزه با حشرات برنامه‌های منظم و کوتاه مدت تنظیم گردد.

۱۰- باتوجه به اینکه مرکز پذیرش در کلیه واحدهای درمانی ایجاد گردیده، توجه خاص به انتقال بیمار از بیمارستانی به بیمارستان دیگر، ولو اینکه اورژانس نباشد مبذول شود به ترتیبی که تکلیف هر بیمار قبل از رسیدن به بیمارستان روشن باشد.

۱۱- توسعه وادامه آموزش حین خدمت درمانی برای مراقبت بیشتر بیماران در ساعت غیرفعال

۱۲- آموزش همه جانبه در مورد اهدای خون به بانکهای خون و احدهای وزارت بهداری و بهزیستی از طرف مردم، بخصوص کارگران و ایجاد مراکز انتقال خون.

۱۳- توسعه و تقویت مراکز اورژانس برحسب نیاز در سراسر کشور و ایجاد مراکز جدید در نقاطی که در آنها مرکز اورژانس شروع بکار نکرده است.

١٤- شناسنامه بهداشتی برای کلیه بیمه‌شدگان تهیه شود و همه ساله از طریق واحدهای درمانی وزارت بهداری و بهزیستی معاینات لازم بعمل آید.

۱۵- ایجاد شرایط مناسب در مورد ضوابط یکسان شغل پرستاری که از تغییر محل کارآنها بخاطر استفاده از مزایای بیشتر از سازمانی به سازمان دیگر جلوگیری بعمل آید.

۱٦- توسعه برنامه ایجاد پلی کلینیك‌های مورد نیاز در مراکز استانها و شهرستانهای کشور که حتی‌المقدور بصورت «فی‌فور سرویس» اداره شوند.

۱۷- برقراری سرویس کشیك پزشکان آزاد با همکارسازمان در کلیه روزهای تعطیل و شبها و اطلاع آن بمردم از طریق رسانه‌های گروهی.

۱۸- ایجاد کارگاهها و یا لابراتوار دندانسازی در مراکز استانها و شهرستانها و تجدید نظر در تعرفه پروتزها بوسیله وزارت بهداری و بهزیستی.

۱۹- بیماریابی و پیش‌گیری از بیماریها در کارگاهها و مناطق کارگری در سراسر کشور.

۲۰- با توجه به اینکه یکی از شاخه‌های وزارت بهداری و بهزیستی صندوق تامین اجتماعی است شرکت کنندگان از جناب آقای وزیر بهداری و بهزیستی خواستارند.

الف- در کمیسیونهای پزشکی در مورد درجه از کارافتادگی تجدید نظر بعمل آید و توصیه واگذاری کار متناسب با توانائی.

ب- شرکت کنندگان در سمینار معتقدند در صورت فوت پدر و مادر که هر دو جزو بیمه شدگان تامین اجتماعی باشند و فرزندان آنان با رعایت قانونی شرایط مربوطه از هردو حقوق وظیفه‌ای که طبق مقررات بعلت فوت پدر و مادر برقرار می‌شود، استفاده کنند در این مورد تقاضا میشود که وزارت بهداری و بهزیستی از مجرای قانونی نسبت به اصلاح ماده ۹٤ قانون تامین اجتماعی اقدام کند.

ج- سمینار خواستار ترمیم مستمری‌های مشمولین قانون تامین اجتماعی با در نظر گرفتن افزایش هزینه زندگی سالانه است.

۲۱- شرکت کنندگان با ابراز تشکر از بانیان و برگزارکنندگان سمینار معتقدند که این نوع سمینارها که در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر از طریق وزارت بهداری و بهزیستی برای طرح و رفع مشکلات ومسایل درمانی کارگران و آگاهی هرچه بیشتر بیمه شدگان و سرویس دهندگان خدمات تشکیل میشود، مرتباً در سطح استانها تشکیل شود.»

ازاین پس همهٔ مسایل

پزشکان و مؤسسات درمانی آزاد، کمیته پرستاری، و کمیته قطعنامه. ریاست کمیته امور درمانگاهها را فتح‌اله حاتمی نماینده کارگران در مجلس شورای ملی بعهده داشت و اعضاء آن عبارت بودند از:

۱- آقای محمد حسین‌اسحق‌نژاد
۲- ،، فتح‌اله حاتمی
۳- ،، محمد اسحق کاهکش
٤- ،، محمود مرادی
٥- ،، محمود خادمی
٦- ،، بزرگ کسائیان
۷- ،، عبداله شیری
۸- ،، رضا شیخ‌زاده
۹- ،، صمد سعیدی
۱۰- ،، محمد رزقیان
۱۱- ،، محمد صادق بختیاری
۱۲- ،، بابازاده
۱۳- ،، حاج محمد صالحی
۱٤- ،، دکتر خیرمحمدی
۱٥- ،، دکتر مداح
۱٦- ،، دکتر علائی

«اسحق جعفرزاده» ریاست کمیته بیمارستانهای اختصاصی را بعهده داشت و اعضاء این کمیته عبارت بودند از:

۱- آقای خلیل الداغی
۲- ،، احمد صبوری
۳- ،، محمد هاشمی‌نژاد
٤- ،، اسحق جعفرزاده
٥- ،، حسینقلی افشار
٦- ،، عبداله کوکبی
۷- ،، محمد رضوی
۸- ،، عباس شمس
۹- ،، یداله جعفری
۱۰- ،، کریمی
۱۱- ،، فتح‌الهزاده
۱۲- ،، صادقپور حکمتی
۱۳- ،، دکتر ناصر امینی
۱٤- ،، دکتر مرتضی روحانی

«حسین قربانی نسب» نماینده کارگران در مجلس شورای ملی ریاست کمیته دارو و داروخانه را بعهده داشت و اعضاء این کمیته عبارت بودند از:

آقای حسین قربانی‌نسب
۲- ،، نوراله قدمی
۳- ،، عباسعلی نصیرزاده
٤- ،، سعید پدرامی
٥- ،، داود برزگر
٦- ،، فریدون لطافت‌کار
۷- ،، ناصر گل‌پرور
۸- ،، فریدون رضوانی
۹- ،، فیروز اعتضادی
۱۰- ،، حسن نظرزاده
۱۱- ،، فرج‌اله فرجی‌لاله
۱۲- ،، اصغر اصغرزاده
۱۳- ،، اهری
۱٤- ،، کاظم قومی
۱٥- ،، اصغر زین‌العابدین
۱٦- خانم دکتر آوان
۱۷- آقای دکتر بهتاش
۱۸- ،، دکتر بهشتی

کمیته اورژانس به ریاست حسین توحیدی تشکیل جلسه میداد و اعضاء آن عبارت بودند از

۱- آقای مصطفی طغیانی
۲- آقای حسین توحیدی
۳- آقای محمد باقر کمره‌ای
٤- آقای محمد حامراد
٥- آقای قاسم‌مستعلی
٦- آقای علی شادنخودچری
۷- آقای عباسعلی آقاشاهی
۸- آقای رضاعلی سیفی
۹- آقای زینال‌زاده
۱۰- آقای سید فضلی سید اسفهلانی
۱۱- آقای علی اشرافیان
۱۲- آقای دکترخانی
۱۳- آقای دکتر بهنیا
۱٤- آقای دکتر وکیلیان
۱٥- آقای پور وطن

رحیم پور بردباری ریاست کمیته مؤسسات درمانی آزاد را بعهده داشت و اعضاء آن آن عبارت بودند از:

۱- آقای رحیم پوربردباری
۲- آقای عباس حسنخانی
۳- آقای احمد کربلائی
٤- آقای اکبر خبارها
٥- آقای نوراله کیاشمشکی
٦- آقای جعفر نماینده
۷- آقای قاسم رحیمزاده
۸- آقای سیدهاشم خوانساری
۹- آقای اصغر باغمیشه
۱۰- آقای رحیم کاخساز
۱۱- آقای بهنام
۱۲- آقای علی رنجبر
۱۳ - قای محمود خلیل فایقی
۱٤- آقای حسین غایری
۱٥- آقای دکتر رحمانی
۱٦- آقای دکتر دیلمقانیان

«شهین دخت ایمانی» نماینده کارگران بلنداکس ریاست کمیته پرستاری را بعهده داشت و اعضاء این کمیته عبارت بودند از:

۱- آقای امیرعلی سیفی
۲- خانم شهین ایمانی
۳- آقای ابراهیم گروه‌ای
٤- آقای سید عباس رضائی
٥- آقای غلامرضا حکیم زاده
٦- آقای اصغر دباغی
۷- آقای فخرالدین جیگاله
۸- آقای حسین صدیق آزادی
۹- آقای ابراهیم هراتی
۱۰- آقای میرستار علوی
۱۱- آقای ابراهیم رهبری فرش
۱۲- آقای رفیق هاتف
۱۳- خانم نینا دستیاری
۱٤- آقای دکتر وثیق
۱٥- آقای رافین اهرابیان

ریاست کمیته قطعنامه بعهده «فرج‌اله آبکاری» رئیس سازمان کارگران ایران بود و اعضاء این کمیته عبارت بودند از:

۱- آقای فرج‌اله آبکاری
۲- آقای محمد حسین اسحق‌نژاد
۳- آقای محمود بوداغزاده
٤- آقای فتح‌اله حاتمی
٥- آقای مجتبی رشیدی
٦- آقای دکتر هوشمند
۷- آقای دکتر مقدم
۸- آقای دکتر افشار
۹- آقای دکتر مهربانی
۱۰- آقای دکتر مجصر

● بیش از ٤٥ ساعت بحث و گفتگو

در دومین روز سمینار مسائل درمانی کارگران نمایندگان کارگران شرکت کننده در کمیته‌های هفتگانه خواستگار شدند. در کارخانه‌های بزرگ صنعتی باید ترتیبی داده شود که مصدومان هنگام کار، سریعاً به بیمارستان منتقل شوند و ضمناً از سمینار خواستند که با توجه به توسعه بیمه‌های درمانی، کارگران ساختمانی نیز تحت پوشش بیمه درمانی قرار گیرند.

در دومین روز سمینار شرکت کنندگان در ساعت ۱٥ از کارخانه حوله بافی برق‌لامع بازدید کردند.

● در دومین سمینار مسائل درمانی کارگران هفت زن شرکت داشتند و در مجموع بیش از ٤٥ ساعت در جلسه‌های کمیته‌ها بحث و گفتگو بعمل آمد.

● سخنان معاون وزارت بهداری و بهزیستی

در آخرین روز سمینار قبل از قرائت قطعنامه، دکتر اسد نیلی‌ارام، معاون وزارت بهداری و بهزیستی طی یك سخنرانی گفت:

بزرگ کسائی

شهیندخت ایمانی

«این سمینار بنظرمن در نوع خود فوق‌العاده بود زیرا در گذشته سمینارهای زیادی در بیمه‌های اجتماعی در باره مسایل کارگری برگزار میشد که بیشتر جنبه بحث و گفت‌گو داشت. برای اولین بار در سمیناری که در بندر پهلوی تشکیل شد به این نتیجه رسیدیم که واقعاً فردی که از بیمه استفاده میکند و اداره کنندگان درمان هر دو یك هدف دارند و آن ارائه خدمات درمان بهتر است.

باید دید مگر دستگاهی که مسئول انجام واجرای این امور است، نمیخواهد این مشکلات را برطرف کند؟ حتماً میخواهد. پس لازم است که هردو فکر کنند و بهمین دلیل در اولین سمینار بندر پهلوی کارگر، دکتر، متخصص و پرستارکنارهم گرد آمدند و با همفکری یکدیگر مشکلات را طرح و بررسی کردند و نتیجه اولین سمینار قطعنامه‌ای بودکه مقدار زیادی از مفاد آن انجام شده است. در سمینار اول پیشنهاد شده بود که اولین کار سمینار دوم، ارزشیابی اقدامات انجام شده قطعنامه سمینار اول باشد. در بررسی و ارزشیابی قطع‌نامه سمینار اول ملاحظه میکنیم که درمورد سه بخش اقدام بعمل آمده. اول مسائلی که بعلت مشکلات فنی یا اداری و احیاناً مالی انجام نشده است. البته مقدار دیگری از آن درحال انجام است. مسئله دوم مشکلاتی بود که به تنهائی وزارت بهداری قادر به برطرف کردن آنها بود و با همکاری سایر دستگاهها آن طرح را بمرحله اجرا درآورد که اگر وقفه‌ای درآن ایجاد شده، بخاطر عدم همکاری سایر مؤسسات با وزارت بهداری و بهزیستی است و اجرای مسئله سوم که مهمترین رکن مفاد قطعنامه است بعلت رخوت و سستی بعضی از مسئولین به کندی کشیده شده که دراین مورد باید دید فردی که عامل این وقفه بوده است، کیست و اورا مورد مواخذه قرار داد ودراین مورد باید تعصب را کنار گذاشت، هرکس در هرمقامی که باشد اگر کاهلی از خود نشان داد، باید اورا کنار گذاشت. ما در زمان ۱۰ سال قبل زندگی نمیکنیم این یك ضرورت است که شاهنشاه و مردم خواهان آن هستند باید در سمینارها دید که چه کسانی قصور و اهمال کرده‌اند و حتماً باید به کار این قبیل افراد خاتمه داد. من تجربه زیادی از سمینار بندرپهلوی موختم. بنظرمن این سمینارها باید بطور مرتب برگزار بشوند، چون درهمین سمینارها گاهی پیشنهاداتی از طرف کارگران عادی ارائه میشود که درخور مطالعه عمیق است. و من خواهش میکنم که این سمینارها را هردو یا سه ماه یکبار دریکی از استانها برگزار کنیم. مسئله دوم اینکه ما مشغول مطالعه‌ایم تا اختیارات کل وزارت بهداری و بهزیستی را به مراکز استانها تفویض کنیم تاآنها برای هرکاری مجبور به کسب تکلیف از مرکز نشوند. بطور کلی میخواهیم تمام کارهای وزارت بهداری و بهزیستی را دریکجا جمع کنیم تا کسیکه از قانون بیمه استفاده میکند، برای هردردی به درمانگاه مخصوص مراجعه نکند، بلکه همه مسایل و مشکلات خودرا دریك مرکز درمانی مستقر کند. از هفته گذشته سرپرستهای واحدهای بهداری و بهزیستی در مراکز استانها تعیین شده‌اند که با همکاری یك شورای درمانی زیر نظر استانداران بکار درمان و بهداشت در سطح استان خواهند پرداخت و بطور کلی تمام کاغذ بازی‌ها را از بین برده‌ایم و همه اختلافاتی را که بین وزارت بهداری سابق و بیمه‌های اجتماعی و خدمات درمانی موجود بود، برطرف کردیم و همگی را بصورت یکپارچه درآوردیم. حتی اختیارات استخدام و امور مالی نیز تفویض شده که با توجه به شناخت بیشتر مسئولین هر شهرستان به مشکلات منطقه‌ای، بطور کلی ازاین پس با اختیاراتی که مدیران عامل بهداشت و درمان مراکز استانها خواهند داشت، نمیتوانند اعلام کنند که مثلاً فلان اختیار را نداشته‌ایم و در نتیجه این کار انجام نشده است، بلکه همه‌گونه اختیار را دارند واگر انجام ندهند و کوتاهی کنند، مقصر شناخته خواهند شد. انشاءاله در ۲۰ روز اینده سازمان مناطق هم تشکیل خواهد شد. ما کلیه درمانگاههائی راکه در گذشته فقط چند ساعت در روز کار میکردند، به سازمانهای ۲٤ ساعته تبدیل خواهیم کرد تا بطور شبانروزی درخدمت مردم باشند. همچین کلیه بیمارستانهای مختلف شهرستانها را طی چند سال بهره‌برداری از حالت مدرن خود خارج شده‌اند و تقریباً بصورت مخروبه درآمده‌اند، نوسازی خواهیم کرد و بصورت پیشرفته‌ترین موسسات درمانی همطراز با بیمارستانهای مدرن جهانی در خواهیم آورد و این برنامه‌ها در دست اجرا قرار دارند و اخیراً یکی از بیمارستانهای آذربایجان نوسازی شده و در مورد بقیه بیمارستانها نیز در حال برنامه ریزی هستیم. از همه دوستان عزیز کارگر خواهش میکنم که با ما همکاری کنند و نمایندگان کارگران که بصورت بازرس به بیمارستانها میروند، حتماً معایب را گوشزد کنند. چون دوره خواب خرگوشی گذشته و مادر عصر انقلاب و تحول و جهش زندگی میکنیم. مسئله دیگر اینکه با توجه به وسعت شهر تبریز که سومین شهر ایران است، این شهر فاقد بیمارستان خصوصی

مدیران عامل بهداشت و درمان مراکز استانها، با اختیاراتی که دارند، اگر در انجام وظایفشان کوتاهی کنند، مقصر شناخته خواهند شد

اسحاق جعفرزاده

قاسم رحیم‌زاده

است که امیدوارم با کمك اهالی منطقه این مشکل نیز بزودی مرتفع شود و آخرین موضوعی را که باید بعرض برسانم، اینکه انقلاب در همه شئون مملکت تحولاتی بوجود آورده که کاملاً قابل لمس است. در مرحله دوم انقلاب، -شاهنشاه آریامهر اشاره‌ای به بیمه‌های درمانی فرمودند که مطالعه مجدد بعمل آید تاراههای جدیدی برای بیمه‌های درمانی پیدا شود و اصولاً مشکلات و معضلات انرا در یابیم. من فکر میکنم با همین نشستها معضلات را پیدا کنیم و آنها را در کمیسیون شاهنشاهی مطرح کنیم تا بنابفرمان شاهنشاه بتوانیم مشکلات را از بین ببریم»

پس از سخنان معاون وزارت بهداری و بهزیستی، فتح‌اله حاتمی نماینده کارگران در مجلس شورای ملی متن قطعنامه سمینار را قرائت کرد. و بدین ترتیب در ساعت چهار بعداز ظهر پنجشنبه ۲۵ آذر ماه سمینار به کار خود پایان داد.

● نمایندگان کارگران چه می‌گویند؟

● «بزرگ کسائیان» نماینده کارگران چیت سازی تهران میگوید:

-«با توجه باینکه در هیئت مدیره اتحادیه صنایع نساجی استان و همچنین در هیئت همکاری در وزارت بهداری و بهزیستی در مرکز بعنوان عضو انتخاب شده‌ام و در جلسات سمینار اول که در بندرپهلوی برگزار شد شرکت داشتم باید بگویم که تمام تصمیمات و مفاد قطعنامه سمینار اول اجرا نشده و فقط مقداری از آن در مورد بهداشت کارگران به مرحله اجرا درآمده است لازم است در سمینارهای بعدی که تشکیل خواهد شد به بررسی قطعنامه سمینار گذشته بپردازند و ببینند تاچه حد مفاد سمینار قبلی اجرا شده است و در سمینار بعدی به حل مشکلی که باعث عدم اجرای قطعنامه قبلی شده بپردازند تا بتوانیم در مقابل کارگرانی که از ما توقع فدارکاری و عمل دارند جوابگو باشیم. دراین سمینار که در تبریز برگزار شد در درجه اول ضمن بازدیدی که از کارخانجات مختلف این شهر بعمل آمد و با تماس مستقیمی که باکارگران این واحدها از نزدیك حاصل شد، تا اندازه‌ای به مشکلات و نارسائی‌های آنان آشنا شدیم و این خود بسیار قابل توجه بود و به این نتیجه رسیدیم که سازمان کارگران در این شهر متأسفانه آنگونه که لازم بوده و انتظار می‌رفت، فعالیت نداشته و نمایندگان کارگران گلایه داشتند که در مسایل کلی با آنان در این استان همکاری گسترده‌یی بعمل نمی‌اید، بطوریکه در کارخانه کبریت سازی بعضی از وسایل اولیه وجود نداشت. مسأله دیگری که مورد توجه بود اینکه عده‌یی از کارگران انتظار داشتند توجه بیشتری به دستمزدشان شود.

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد اینکه مدیرانی که از سطوح مختلف کشور در سمینار شرکت می‌کنند، مسایل را از دریچه دید خود مورد بررسی قرار میدهند و آندسته که از پایتخت به شهرستانها میروند، مشکلات موجود انسانی را در قیاس با مسایل پایتخت می‌سنجند، در صورتیکه مشکلات شهرستانها با مشکلات پایتخت متفاوت است و کمبودهای شهرستانهای کوچك برای این شهرها بسیار مهم است و باید در تشکیل سمینارها آماری از مشکلات استانی در کلیه سطوح در اختیار داشت و به ن اهمیت داد. البته مقدار کمی آمار از طرف نمایندگان کارگران مختلف بعضی از شهرها در اختیار سمینار گذاشته شد که ما توانستیم کمی در باره آنها بحث کنیم، ولی این آمارها جامع و کلی نبودند و امید است در سمینارهای بعدی قبلا آمار کاملی در اختیار ما قرار دهند، تا بتوان درباره آنها بطور کافی و وافی صحبت کرد.

باید توجه داشت که هدف از تشکیل سمینار طرح مسایل مورد بحث در سمینار در سطح مملکت است، اما چنین سنت شده که در سمیناری که در هر استانی برگزار میشود کمی بیشتر درباره مشکلات همان استان بحث و گفتگو شود ولی بهرحال قطعنامه‌ای که در پایان سمینار صادر میشود مسایل را در سطح مملکت دربرخواهد داشت.

در مورد مسایل درمانگاهی مشکل ما کمبود متخصص بود که در حال حاضر وزارت بهداری و بهزیستی چند برنامه ضربتی در دست اجرا دارد که به ترتیب در سایر شهرستانها نیز بمرحله اجرا در خواهد آمد. بعضی از درمانگاههای ما در گذشته دارای پزشك اعصاب و روان بودند، اما در حال حاضر چون رشته توانبخشی بطور کلی یك شاخه مستقل است بدین سبب این رشته را توانبخشی بعهده گرفته است و قرار است مجتمع درمانی تاسیس بشود که در این مجتمع‌ها کلیه رشته‌ها و انواع بیماریها را درمان کنند. نکته دیگر وضع نامطلوب داروخانه‌ها است. داروها قابل مصرف نیستند یا مشابه داخلی آن‌ها موجود است و این مسئله را نیز عده‌ای کارشناس تحت مطالعه قرار داده‌اند که از استفاده از یك نوع دارو در چند نام و شکل بسته‌بندی شده جلوگیری بعمل آید که این خود کمك بزرگی به از بین بردن رقابتهای داروئی خواهد کرد.

بهتر است درمانگاهها بصورت مجتمع پزشکی اداره شوند که این خود کمك بزرگی به مسئله درمان خواهد کرد. در نظر است درمانگاههای سیار برای شهرهای کوچك احداث شود که البته این مسئله در سمینار بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

● «فتح‌الله حاتمی» نماینده کارگران در مجلس شورای ملی و رئیس کمیته امور درمانگاهی می‌گوید:

- «درکمیته امور درمانگاهی دو مساله اساسی مورد توجه قرار گرفت: ۱- مسائل منطقه‌ای ۲- مسائل سطح کل کشور.

در مورد مسائل منطقه‌ای متاسفانه در امور درمانگاهی استان آذربایجان نارسائی‌هائی وجود دارد. فقط در شهر تبریز بیش از پنجاه هزار کارگر بیمه شده زندگی می‌کنند، در حالیکه در این شهر تنها ۳ درمانگاه با ۱۴ واحد پزشکی وجود دارد که در یك ساعت معین (بین ساعت ۹ تا ۱۱) بیماران را می‌پذیرند. در مورد این کمبود دو عامل اساسی قابل ذکر است.

۱- کمبود وقت برای ویزیت و معاینه بیماران

۲- بیکار بودن پزشکان در ساعات فراغت.

به گمان من برای حل مشکلات درمان در درمانگاهها در زمینه درمان مستقیم لازم است پلی‌کلینیك‌هائی که متشکل از طبیبان عمومی و متخصصان باشد، هرچه زودتر احداث شوند. البته این پلی کلینیك‌ها باید دارای تجهیزات کافی اعم از بخش رادیولوژی و رادیوگرافی و آزمایشگاه باشند و بدین ترتیب تکلیف کارگر بیمار فقط با یکبار مراجعه به این مراکز تعیین می‌شود و دیگر بیما رسردرگم نخواهد شد.

در این مراکز درمانی اگر پزشك عمومی نیاز به مشاوره با متخصصین داشته باشد، میتواند این کار را فورا در پلی‌کلینیك انجام دهد و یا اگر قرار شود بیمار را بستری کنند، پزشکان این مراکز میتوانند در معالجات بیمار در بیمارستان نظارت داشته باشند. ایجاد این پلی‌کلینیك‌ها یکی از اساسی‌ترین راه‌حل‌های برطرف کردن مشکل درمان کارگران است و نمونه این نوع پلی‌کلینیك‌ها اخیرا در تهران احداث شده و ایجاد چنین مراکزی در تمام استانها و شهرهای پرجمعیت ضرورت تام دارد.»

● « جیمبور بردباری» نماینده مجلس شورای ملی و رئیس کمیته مؤسسات درمانی آزاد می‌گوید:

- «کمیته پزشکان و مؤسسات درمانی در مورد روابط فرد بیمه شده با پزشکان آزاد و مشکلات موجود در این مورد بحث و گفتگو می‌کند و بیشتر قصد ما این است که رفاه بیشتری در مورد تمام بیمه‌شدگان کشور بوجود آید، چون فرمان فرمانده بزرگ ایران چنین است که تمام مردم این کشور تحت پوشش بیمه درمانی قرار بگیرند. ضمناً در این کمیته پیشنهاد شد پزشکانی که با سازمان تامین خدمات درمانی قرارداد پذیرش بیمار دارند، آرم سازمان خدمات درمانی را بر روی تابلوهای نصب کنند تا فرد بیمه شده بداند که باید به مکان مراجعه کند»

● مشکلات درمان غیرمستقیم

قاسم رحیم‌زاده نماینده کارگران هتل نادری می‌گوید:

- «تشکیل این سمینار بنظر من بسیار مفید، بود، ولی لازم است سازمان خدمات درمانی هرچه بیشتر برای احداث درمانگاههای تخصصی و بیمارستانهای «فی‌فور سرویس» اقدام کند. دیگر اینکه مسئولین امر باید بیشتر به فکر از کار افتادگی کارگران و تعیین ضوابط قانون بازنشستگی کارگران باشند، تا افرادی که سی سال سابقه بیمه دارند، بتوانند از حقوق کامل استفاده کنند. البته بسیاری از مشکلات امر درمان کارگران حل شده و بیشتر مشکلات در حال حاضر در زمینه درمان غیرمستقیم وجود دارد.»

● «شهین‌دخت ایمانی» نماینده کارگران بلنداکس و رئیس کمیته پرستاری سمینار می‌گوید:

- «در کمیته پرستاری مطالب متنوع و مختلفی عنوان شد و افراد شرکت کننده نظریاتی داشتند که باید برای کمیته قطعنامه داده شود، باین ترتیب که:

۱- تشویق زنان برای انتخاب شغل پرستاری.

۲- توجه به حفظ و تامین زندگی و دستمزد پرستاران.

۳- توجه به تعیین موازین و ضوابط شغلی برای گروه پرستاران.

٤- ایجاد حسن روابط بین طبیب و پرستار

۵- وزارت بهداری و بهزیستی موظف باشد از طریق فیلم و تلویزیون و بروشور رابطه پرستار و بیمار را مشخص کند.

٦- ایجاد وسائل رفاهی از جمله برای پرستاران غیر بومی

به گمان من تعداد پرستاران موجود درکشور کافی نیست. باید از پرستارانی که به آنها آموزش میدهند، تعهدات زیاد گرفته شود، تا این گروه بتوانند بطور مدام خدمت کنند دیگر اینکه پرستار شایسته و فعال مورد تمجید و تشویق قرار بگیرد تا بدینوسیله پرستاران کم کار خاطی تنبیه شوند. مساله مهم دیگر اینکه نباید هیچوقت از حقوق پرستار به بهانه‌های مختلف کسر شود، چون این امر باعث میشود که پرستار از شغل خود دلسرد شود.»

● «اسحاق جعفرزاده» نماینده کارگران کارخانه‌های سازمان مسکن در تهران و رئیس کمیته بیمارستانهای اختصاصی می گوید:

-«در این کمیته در مورد مسائل بیمارستانی و تخت بیمارستانها، بخصوص بیماران شهرستانی کارگر که به تهران فرستاد می شوند، بحث و گفتگو شد و این نتایج بدست آمد:

۱- احداث مراکز درمانی و بهداشتی و بیمارستانهای اختصاصی در سطح کشور بر اساس تعداد نفوس و اینکه باید تمام بیمارستانها دارای بانك خون و تمام رشته‌های تخصصی و حتی اعصاب و روان باشند.

۲- به مساله اموزش و باز اموزی کادر پزشکی و پرستاری و اداری و نیز به آموزش بیماران و بیمه شدگان و افراد عادی کشور از طریق آموزش مستقیم و وسائل ارتباط جمعی توجه بیشتر شود.

۳- کمیته نتایج تشکیل شورای پزشکی، مراکز پزشکی و کمیته‌های مربوط به آن را از قبیل کمیته مرگ و میر، عفونت و ارزشیابی و بقیه کمیته‌ها را مفید تشخیص داده و توصیه می کند که در بیمارستانهائی که هنوز این کمیته

بقیه در صفحه ۷٤

درباره مسئول کمیته [illegible]

● هوشنگ میرابی در سال ۱۳۱٤ متولد شد و تحصیلات خودرا در رشته حسابداری صنعتی دنبال کرد و موفق به اخذ لیسانس حسابداری صنعتی شد. و در حال حاضر مدیرکل حسابرسی وزارت تعاون و امور روستاها است.

● در دنباله گفت و شنودبا مسئولان کمیته‌ها، در این ماه در باره هدفها و وظایف کمیته اشتغال شورای عالی سازمان کارگران ایران و کم و کیف این وظایف با هوشنگ میرابی به گفتگو نشسته‌ایم که ماحصل انرا در این صفحه میخوانید:

گفتگوئی با هوشنگ میرابی مسئول کمیته اشتغال شورایعالی سازمان کارگران ایران

تولید مصالح ساختمانی از جمله صنایع مناسب در روستاها است

نویسنده رستاخیز کارگران: «وضع اشتغال در ایران چگونه است و چه ابعادی را در بر میگیرد؟»

میرابی: «درباره وضع اشتغال در ایران و ابعاد آن، باید گفت که رشد سریع جمعیت سبب شده است هر سال تعداد کسانی که در جستجوی اشتغال به بازار کار وارد می‌شوند، افزایش یابد. از طرف دیگر جابجاهائی که بر اثر تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی در جامعه ما از نظر اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی بوجود آمده، بعد جدیدی به مسئله اشتغال داده است.

صنعتی شدن و مکانیزه شدن کشاورزی و ورود تکنولوژی مدرن به این بخش و استفاده روزافزون از تراکتور و کمباین و غیره، امکان افزایش اشتغال را در این بخش محدود می‌کند. اما باید گفت با وجود آنکه بر اثر این عوامل طی برنامه عمرانی پنجم، بخش کشاورزی نقش مهم و مؤثری در افزایش اشتغال نداشته است، معهذا بخش کشاورزی با داشتن بیش از ۳/۵ میلیون نفر شاغل، بزرگترین سهم (حدود٤۰ درصد) را از نظر اشتغال بین بخشهای عمده اقتصادی کشور بخود اختصاص داده است.

تا سال ۲۵۳۱، یعنی چهار سال قبل بموجب گزارش منعکس در سالنامه آماری کل کشور، بیش از نیمی از شاغلین مناطق شهری، یعنی ۵۲ در صد، در بخش خدمات دولتی و بازرگانی اشتغال داشته‌اند. لکن پس از آن، با اینکه در سالهای اخیر فعالیتهای مربوط به بانکداری، بیمه‌گری، حمل و نقل و ارتباط گسترش وسیعی یافته است، معهذا نیروی انسانی در این بخش با توجه به افزایش جمعیت و به تناسب بخش صنعتی محدود بوده است. در عوض همراه با صنعتی شدن کشور، تعداد بیشتری از جمعیت فعال به بخش صنایع جذب شده‌اند. در سالهای اخیر صنایع اتومبیل سازی، منسوجات، وسائل الکتریکی، ذوب فلزات، گاز، پتروشیمی و صنایع مربوط به خانه‌سازی، از جمله صنایعی بوده‌اند که در ایجاد اشتغال سهم عمده‌ای داشته‌اند

با توجه به این ابعاد در مسئله اشتغال که از نتایج انقلاب شاه و ملت است، لازم به یادآوری است که در بستر انقلاب و فضای رستاخیز کشور، با قبول یك نظم برومند صنعتی و پذیرش «اصل هرچه عادلانه‌تر درآمدها» ساختمان اقتصادی ایران که به «اقتصاد آمیخته و نظارت شده و برنامه‌ای» مشهور است، در عین حال که راه فعالیت و ابتکار و بهره‌وری را برای خود آماده می‌سازد، با ضابطه‌های مشخص و قاطع تجاوز گروهی را به حق گروهی دیگر از میان برمی‌دارد.

در بخش کشاورزی، با از میان بردن مالکیت‌های بزرگ بر اراضی مزروعی و تقسیم و فروش زمین به روستائیان و در بخش صنعت آوردن دو اصل انقلابی:

۱- شرکت کارگران در سود ویژه کارخانه‌ها

۲- گسترش مالکیت واحدهای تولیدی: (اصل فروش ٤۹ درصد سهام کارخانه‌های بخش خصوصی و ۹۹ درصد سهام کارخانه‌های بخش دولتی، با قبول حق اولویت خرید سهام برای کارگران و کارکنان دولت)، در مجموع به اقتصاد با محتوا، معنای خاصی بخشیده‌است که هرگونه کوشش و فعالیت و نتیجه‌گیری از زحمت فردی و تلاش اجتماعی را امکان عمل می‌بخشد و تشویق می‌کند.

هماهنگ با چنین اصول، انقلاب ایران با توسعه بیمه‌های اجتماعی، وضع قوانین مترقی کار، تامین اشتغال کامل، برابری دستمزدها برای کار مساوی، ایجاد فرصتها و امکانات اجتماعی یکسان برای همه و بالاتر از همه اینها محترم شمردن کار بعنوان عنصر خلاق، میدان اشتغال را توسعه میدهد و افزایش شاغلین مولد را بنحوی همه جانبه و وسیع میسر میازد»

●:- «کمیته اشتغال سازمان کارگران ایران که مسئولیت آن بعهده شما محول شده است، چه وظائفی و هدفهائی را دنبال میکند؟»

میرابی - «هدف کمیته اشتعال سازمان کارگران ایران با توجه به وضع کار و کارگری در ایران بسیار گسترده است، ولی خلاصه آنرا میتوان تهیه ارائه طرحهائی در زمینه اشتغال کارگران ایران دانست بطوریکه این طرحها منافع اجتماعی و حرفه‌ای آنانرا تامین و حفظ کند و برای رسیدن به این هدف بایستی تحقیقاتی در زمینه وضع موجود بعمل اید که امکانات نیروی کار و احتیاجات آینده بررسی شود و همچنین زمینه مناسب در جهت ایجاد اشتغال کامل برای زنان که نیمی از جمعیت مملکت را تشکیل میدهند، فراهم شود. و این مسائل در سر لوحه وظائف این کمیته قرار گرفته‌است. بدیهی است در انجام این وظائف نیاز به اطلاعات بدست آمده از سرشماری سال جاری و دیگر آمارهای موجود و آمارهای دیگری که فرم پرسشنامه آن تهیه و بین سندیکاهای کارگری توزیع خواهد شد، خواهیم داشت که بموقع در اجرای آن با کمك وزارت کار و سازمان کارگران ایران اقدام خواهد شد.»

●: - «برای پیشبرد هدفها و آراء کمیته اشتغال باید چه زمینه‌هائی را فراهم کرد و چه تدابیری اندیشید؟.

میرابی: برای پیشبرد هدفها و آراء کمیته اشتغال باید زمینه‌های متعددی فراهم کرد و تدابیرمختلفی اندیشید که بنظر من مهمترین آنها را می‌توانیم به این شرح توضیح بدهیم و توصیه کنیم:

۱- باید گرایشها و تحولات اقتصادی و فنی و وضع اشتغال را که در اقتصاد آمیخته و نظارت شده و برنامه‌ای ما در بستر توسعه پیش می‌اید، بررسی بکنیم و در صورت لزوم پیشنهادات مفیدی عنوان کنیم تا بر مبنای آن، دولت و بخش خصوصی در چهار چوب منافع ملی اقداماتی را برای تامین امنیت شغلی و افزایش امکانات اشتغال برای کارگران بعمل آورند.

۲- سرمایه گذاریهای ملی و حتی سرمایه گذاریهای خارجی تشویق شوند. منظور آن دسته از سرمایه گذاریهائی است که اثار مثبتی در زمینه افزایش اشتغال و پیشرفت اقتصادی کشور داشته باشند.

۳- باید موجباتی فراهم آورد تا هرچه بیشتر و متناسب و هماهنگ با عصر رستاخیز، مؤسسات و کارخانه‌ها از طریق حزب رستاخیز ملت ایران با سازمانهای کارگری یا با نمایندگان کارگران مشاوره و همفکری کنند و برای از بین بردن بیکاری، کمك به کارگران بیکار برای یافتن کار تازه، افزایش تعداد مشاغل موجود و تقلیل خطرات بیکاری به حداقل ممکن، اقدامات لازم بعمل آورند.

٤- زمینه‌ها و موجباتی را باید فراهم بکنیم برای کمك هرچه بیشتر به کارگران از جمله برای کارگران جوان و کسانی که تازه وارد«نفوس فعال» شده‌اند بخاطر آنکه کارمناسب، بخصوص کارمولد برای آنها ایجاد شود.

۵- تدابیر لازم برای کمك به اشخاص بیکار یا کم کار دردوره بیکاری آنها باید اندیشیده شود و باید احتیاجات اساسی آنها را و کسانی که تحت تکفل آنها قرار دارند برطرف کنیم و برای آنها امکاناتی فراهم کنیم تا به شغل مفیدی اشتغال ورزند.

٦- تهیه وسائل لازم آموزش حرفه‌ای و شغلی و اجرای برنامه‌های آموزشی بمنظور کمك به کارگران برای بدست آوردن تخصص و مهارت لازم و اشتغال به یك کار مداوم در حرفه‌ای مولد و مفید و هماهنگ کردن سیاست مسکن و سیاست اشتغال از طریق ایجاد تعاونیهای مسکن و تشویق خدمات دسته جمعی و کمك به کارگران مسن واز کارافتاده و رفع نیازهای آنها و همچنین انجام اقداماتی در زمینه تولید کافی و کم خرج از جمله هدفها و تدابیری است که برای پیشبرد هدفها و آراء کمیته اشتغال می‌توانیم نام ببریم و به آنها تکیه و تاکید کنیم.»

● :- «آینده اشتغال در ایران با توجه به مرحله انتقالی جامعه ما، از یك جامعه فلاحتی به یك جامعه صنعتی چگونه خواهد بود؟آیا مشکلات اشتغال حادتر خواهد شد، یا اینکه می‌توانیم با برنامه‌ریزی دراز مدت راه را هموار کنیم؟»

میرابی: «شك نیست که با صنعتی شدن کشور ما و انتقال از جامعه فلاحتی به یك جامعه صنعتی، مسئله اشتغال چهره جدیدی بخود خواهد گرفت و راه حلهای تازه و متناسب با نیازهای زمان بوجود خواهد آمد.

آنچه که در زمینه اشتغال در بخش صنعتی در این مرحله انتقالی باید اندیشید، مسائل خاصی است که به پاره‌ای از آنها در پاسخ سئوال قبلی اشاره کردم اصولا در این مرحله باید سیاست اشتغال بطور آشکار و روشن تعیین شود و در جائیکه ممکن باشد، این سیاست بشکل هدفهای کیفی یك جامعه صنعتی و برنامه رشد اقتصادی، دنبال شود. مثلا با انتقال جامعه فلاحتی به یك جامعه صنعتی و محدود شدن جذب نیروی انسانی در بخش کشاورزی، می‌توان با تشویق روستائیان به اشتغال در صنایع دستی و هنری و توسعه و ترویج فعالیتهای کشاورزی، امکانات تازه‌ای برای ایجاد اشتغال دهقانان و افزایش درآمد روستائیان فراهم کرد. مثلا قالی بافی و گلیم بافی مهمترین صنعت دستی در مناطق روستائی است. از نظر تعداد افراد شاغل در مناطق روستائی، تعداد افرادی که به گلیم بافی و قالی بافی اشتغال دارند، بیش از ۵ برابر افراد شاغل در این رشته در مناطق شهری است

نکته دیگری که از اهمیت بنیادی برخوردار است مشارکت زنان و نقش آنها در صنایع دستی روستائی است. این صنایع با حمایتهای لازم از نظر آموزشهای فنی، تهیه مواد اولیه، بهبود و وسایل و ابزار تولید و بازاریابی که انجام می‌گیرد، می‌تواند نقش سازنده‌ای در ایجاد اشتغال و درآمد روستائیان داشته باشد. صنعتی کردن روستاها در جهت رفع مشکلات اشتغال در مرحله انتقالی جامعه فلاحتی به یك جامعه روستائی از هدفهای ضروری و اساسی است. این هدف باید بوسیله برنامه‌ریزیهای درازمدت و کوتاه مدت دنبال شود.

تعریفی که از صنعتی‌کردن روستا می‌توان بدست داد این است:

اول- از مواد اولیه موجود در روستاها به نحو مطلوب استفاده شود.

دوم- برای روستائیان تخصصهای پائین در سطح وسیع اشتغال ایجاد کند.

سوم- تمام یا قسمتی از احتیاجات بازارهای محلی را تامین کند.

صنایع مناسب برای افزایش اشتغال در روستاها شامل این موارد است: ریسندگی، نساجی و کشبافی.

تبدیل محصولات کشاورزی مانند ایجاد کارخانه کمپوت‌سازی ، تهیه آب میوه و روغن کشی، ریسندگی، نساجی و کشبافی، همچنین تهیه وسائل و ابزارهای تولید.روستائیان می‌توانند بسیاری از وسائل مکانیکی را در محل بسازند و تعمیرات لازم برای ماشین‌آلات کشاورزی را انجام دهند. ضمناً تولید مصالح ساختمانی نیز از جمله صنایع مناسب در روستاها است. میتوان تولید آجر، ساختن در و پنجره آهنی و وسائل چوبی که در خانه نصب می‌کنند، در روستاها به قیمتهای ارزان و مناسبتر از آنچه در شهرها تولید می‌شود، تهیه و تولید کرد.

به این ترتیب با تشویق روستائیان به اشتغال در صنایع دستی و فعالیتهای غیرکشاورزی و صنعتی‌کردن روستاها بهمراه ایجاد یك سیستم صحیح بازاریابی برای تولیدات این صنایع، می‌توان اشتغال و درآمد حاصل از این صنایع را افزایش داد و مشکلات اشتغال جامعه صنعتی را حل کرد.

متشکریم

مقررات کیفری در قانون تامین اجتماعی

ضمانت های اجرائی قانون تأمین اجتماعی

از: دکتر حیدرقلی عمرانی،
معاون امور بهزیستی وزارت
بهداری و بهزیستی

«همانطوریکه در کشورهای کاملاً صنعتی و پیشرفته جهان کارگران و کشاورزان مستمراً با پیشرفتهای تکنولوژی هم‌آهنگ میشوند، ما نیز میباید همزمان با سوادآموزی گروههای بیسواد به تعلیمات خاص برای پرورش مهارتهای لازم متناسب با نوع کار نوسوادان توجه مخصوص مبذول داریم و هدف اصلی تعلیم سواد را در تامین فراگیری فنون مؤثر در مشاغل دنبال کنیم.....»
از پیام شاهنشاه آریامهر بمناسبت روزجهانی پیکار بابیسوادی ۱۷ شهریورماه ۲۵۳۱

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه شدگان از مزایای «قانون تامین اجتماعی» رستاخیز کارگران، هر شماره ضمن گفت و گو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون امور بهزیستی و گروههای ویژه وزارت بهداری و بهزیستی، و یکی از صاحبنظران تامین اجتماعی مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و فلسفه وجودی هر یك از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه‌های اجتماعی بازگو می‌کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز میتوانند نظریات و حتی انتقادات خود را طی نامه‌ای برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.

در مباحث گذشته برحسب مورد تعهدات صندوق تامین اجتماعی در قبال بیمه‌شدگان، مخصوصاً کارگران بیمه‌شده از یکطرف و تکلیف کارفرمایان و بیمه‌شدگان در مقابل صندوق تامین اجتماعی از طرف دیگر به تفصیل بیان شد. اکنون با توجه باهمیت و حساسیت حمایتهای نظام تامین اجتماعی بطورکلی و با در نظرگرفتن تعهدات صندوق تامین اجتماعی، بدون تردید ضرورت دارد که در بکار بستن دقیق و صحیح مقررات قانونی این مؤسسه عظیم اجتماعی جد و جهد لازم بعمل آید تا اولاً حق بیمه‌شدگان ضایع نگردد و ثانیاً در وصول حق بیمه‌ها و مطالبات قانونی صندوق تامین اجتماعی تعلل و کوتاهی نشود و بالاخره ضرر و زیانی متوجه حقوق قانونی صندوق مزبور نگردد.

شاید لازم نباشد که تجارب تلخ گذشته سازمان بیمه‌های اجتماعی سابق در زمینه مشکلات وصول حق بیمه قانونی و مسائل ناشی از عدم توجه بعضی از کارفرمایان به تکلیف قانونی خود در قبال صندوق بیمه‌های اجتماعی، به تفصیل بازگو شود، لکن بیفایده نیست اشاره شود که متاسفانه درگذشته بسیاری از صاحبان کارخانه و کارگاههای تولیدی ایران که غالباً هم مالك کارخانه بودند و هم نقش مدیر اداری و احیاناً مدیر فنی را در عین حال ایفاء میکردند (مانند آنچه معمولاً در هر جامعه‌ای که تازه در مسیر صنعتی شدن قرار میگیرد و هنوز زیربنای فکری یك جامعه صنعتی را ندارد اتفاق افتاده و میافتد) درحالیکه اینگونه سرمایه‌داران باصطلاح «کارفرما» چنانچه باید و شاید به فنون و اصول مدیریت صنعتی و مسائل مربوط به روابط کار و حقوق کار آشنا نبودند و بنا به طرز تفکر و ملاحظات و برداشتهای اقتصادی و اجتماعی خود که عموماً با ضرورتهای یك جامعه صنعتی و خصوصیات «کارفرما» بمعنی و مفهوم واقعی مغایرت و تضاد داشت، در مقام اداره یك واحد صنعتی با جدیدترین وسائل و ابزار تولید برمیآمدند و با یك روحیه و طرز تفکر «ارباب- رعیتی» و شیوه‌های بسیار کهنه مدیریت باداره امور واحدهای تولیدی بزرگ کارگری میپرداختند. طبیعی است برای چنین مردمانی اهمیت و ضرورت وجودی تامین اجتماعی و لزوم حمایتهای قانونی از حقوق کارگران و تاثیر اینگونه حمایتها در بهبود روابط اجتماعی و پیشرفت صنعت و ارتقاء سطح تولید، هم از نظر مقدار و کمیت تولید و هم از لحاظ کیفیت و مرغوبیت محصول، بهیچوجه روشن نبود و از اینرو وقتی به امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اولین قانون بیمه کارگران (مصوب سال ۱۳۲۲) در سال ۱۳۲۴ و قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران در سال ۱۳۳۰ بمرحله اجرا درآمد متاسفانه با کارشکنی‌ها و مقاومتهائی از طرف بعضی از سرمایه‌داران کارخانه‌دار روبرو شد ولی چون اینگونه قوانین اجتماعی که از حقوق کارگران کشور حمایت میکند و به استحکام عدالت اجتماعی کمك مینماید از نیروی اراده و جهان‌بینی خاص و پشتیبانی بیدریغ رهبر خردمند ایران قدرت میگیرد امروزه کمتر کارخانه دار یا کارفرمائی را میتوان یافت که بفوائد اجتماعی قوانین کار و تامین اجتماعی وقوف نداشته باشد.

در قانون بیمه‌های اجتماعی سابق و همچنین در قانون تامین اجتماعی از لحاظ وصول حق بیمه‌ها و مطالبات قانونی صندوق تامین اجتماعی مقرراتی با ضمانت اجرائی بالنسبه شدید وجود دارد که بترتیب بشرح آن میپردازیم:

بموجب ماده ٤۹ قانون تامین اجتماعی مطالبات قانونی سازمان تامین اجتماعی در عداد مطالبات ممتاز میباشد. در عرف حقوقی و قوانین جاری کشور مطالبات ممتاز ازدید طلبکار و دیون ممتازه از لحاظ بدهکار از جمله دیون و بدهکاریهای خاص است که قبل از سایر بدهیها از اموال و دارائیهای شخص بدهکار اعم از اینکه این بدهکار فرد انسانی باشد و یا اینکه یك شخصیت حقوقی مانند شرکت یا موسسه ثبت شده و یا سازمان رسمی باشد تامین و به طلبکار یا طلبکاران پرداخت میشود مانند نفقه زن که به عقد نکاح دائم به همسری مردی درآمده باشد (نفقه عبارتست از مسکن و لباس و غذا و اثاثه و لوازم منزل که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و حقوق و مخارج خدمتگزار در مواردیکه زن بداشتن خادم عادت داشته باشد یا احتیاج او به خدمتگزار بواسطه مرض یا نقصان اعضاء باشد) و حقوق مستخدمین منازل و یا حقوق کارگران کارخانه‌ها وعده‌ای دیگر از اینگونه مطالبات که از لحاظ قانونی در زمره مطالبات ممتازه قرار دارد

بنابراین باید قبول کرد که وقتی قانونگزار برای مطالبات قانونی صندوق تامین اجتماعی تااین درجه اهمیت و اولویت قائل میشود بطور قطع و یقین به حساسیت تعهدات و تکالیف قانونی این موسسه در مقابل میلیونها نفر بیمه شده توجه داشته است و در نظام تامین اجتماعی این اصل پذیرفته شده است که هیچیك از تعهدات و حمایتهای پیش‌بینی شده درقانون تامین اجتماعی توقف پذیرنبوده وامنیت اقتصادی و اجتماعی فعال و نیروی کار جامعه بطور قابل ملاحظه‌ای درگرو بکاربستن صحیح و دقیق مقررات قانون تامین اجتماعی است و بالطبع اجرای این مقررات حمایتی و انجام تعهدادت موضوع این قانون نیز موکول بوصول حق بیمه و سایر مطالبات قانونی و استحکام مبانی مالی صندوق تأمین اجتماعی میباشد. اینکه ماده ۵۰قانون تأمین اجتماعی مطالبات مربوط به حق بیمه و خسارات تاخیر و جریمه‌های نقدی راکه ناشی از اجرای قانون مذکور ویاقوانین سابق بیمه‌های اجتماعی وبیمه‌های اجتماعی روستائیان باشد وسایر مطالبات صندوق تأمین اجتماعی را درحکم مطالبات مستند باسناد لازم‌الاجرا میداند و طبق مقررات مربوط باجرای مفاد اسناد رسمی بوسیله مامورین اجرای خود صندوق تأمین اجتماعی قابل وصول میباشد.

بموجب ماده ۹۸قانون تأمین اجتماعی کارفرمایانیکه درموعد مقرر دراین قانون یعنی حداکثر تا آخرین روزماه بعد حق بیمه مربوط بهرماه را پرداخت ننمایند علاوه برتادیه حق بیمه، به پرداخت مبلغی معادل نیم درهزار مبلغ عقب افتاده برای هرروز تاخیر بابت خسارت تاخیر ملزم خواهند بود.

همچنین طبق ماده ۱۰۰قانون مذکور کارفرمایانیکه از تنظیم صورت مزد یا حقوق بترتیب مدکور درقانون وآئین‌نامه مربوط خودداری کنند و کارفرمایانیکه درموعد مقرر درآئین‌نامه طرز تنظیم و ارسال صورت مزد که بتصویب شورایعالی تامین اجتماعی رسیده است، یعنی همراه حق بیمه ماهانه حداکثر تاآخرین روزماه بعد یابترتیب و درفرصتی که درموارد خاص صندوق تامین اجتماعی مقرر میدارد صورت مزد یا حقوق (لیست حقوق یامزد) رابه واحدهای اجرائی تامین اجتماعی درنقاط مختلف کشور تسلیم نکنند اولاً حق بیمه موضوع قانون راساً تعیین واز کارفرما مطالبه و وصول خواهد شد وضمناً کارفرما بپرداخت خسارتی معادل یك دوازهم حق بیمه مربوط به ماهی که صورت مزد نداده است ملزم خواهد بود.

طبق ماده ۱۰۲قانون تامین اجتماعی درصورتیکه کارفرما یانماینده اواز اقدامات بازرسی سازمان جلوگیری نماید یا از ارائه دفاتر و مدارك مربوط و تسلیم رونوشت یا عکس (فتوکپی) مدارك و دفاتر ببازرس خودداری کند، بجزای نقدی از پانصدریال تاده‌هزار ریال محکوم خواهد شد (طبق رای دادگاه). گزارش بازرسان سازمان دراین خصوص درحکم گزارش ضابطین دادگستری است.

طبق ماده ۱۰۳قانون تامین اجتماعی کافرمایانیکه عمداً وجوهی زائد برمیزان مقرر درقانون بعنوان حق بیمه از مزدیا حقوق ومزایای بیمه شدگان برداشت نمایند علاوه بر الزام به استرداد وجوه مذکور به حبس از ٦١روز تا ششماه محکوم خواهند شد.

بموجب ماده ۱۰۷قانون مذکور بشکایات ودعاوی صندوق تامین اجتماعی درمراجع قضائی کشور خارج از نوبت رسیدگی میشود.

باتوجه به ماده ۱۰۹قانون تامین اجتماعی درمواردیکه کارفرما شخص حقوقی (شرکت یا مؤسسه ثبت شده و یا سازمان قانونی) باشد مسئولیت‌های جزائی مقرر درقانون متوجه مدیرعامل یا هرشخص دیگری خواهد بود که دراثر فعل یا ترك‌فعل او موجبات ضررو زیان صندوق تامین اجتماعی یا بیمه‌شدگان فراهم شده است.

بدیهی است که حکم این ماده درجهت حمایت از حقوق مؤسسات حقوقی میباشد که احیاناً دراثر اهمال وسهل‌انگاری یا اقدامات مدیران امور اجرائی مؤسسه یا اشخاص ذیربط دیگری که بموقع خود تکالیف قانونی مؤسسه را درقبال صندوق تامین اجتماعی انجام نداده‌اند یا درراه انجام آن عمداً اخلال کرده‌اند و ازاین رهگذر ضرروزیانی متوجه مؤسسه شده است. درقانون سابق بیمه‌های اجتماعی چنین حکمی وجود نداشت و درنتیجه ضرروزیان مورد مطالبه سازمان بیمه‌های اجتماعی از مؤسسه وصول میشد واگر احیاناً دعوائی علیه مدیرعامل یا افرادی که چنین زیانی راسبب شده بودند لازم میآمد، از طرف خود مؤسسه (شخص حقوقی) جداگانه درداگستری طرح دعوی میشد.

علاوه برموارد یادشده که درزمره مقررات کیفری قانون تامین اجتماعی بشمار میامد طبق ماده ۹۷قانون مذکور هرکس باستناد اسناد وگواهی‌های خلاف واقع یا باتوسل به عناوین ووسایل تقلبی از مزایای مقرر دراین قانون بنفع خود استفاده نماید یا باین ترتیب موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد بپرداخت جزای نقدی معادل دوبرابر خسارات وارده بسازمان تامین خدمات درمانی یاصندوق تامین اجتماعی محکوم خواهد شد ودرصورت تکرار به حبس جنحه از ٦١روز تاششماه محکوم خواهد شد. بطوریکه ملاحظه میشود حکم این ماده نه‌تنها ناظر به سوءاستفاده احتمالی بیمه شده یا کارفرما یا بطورکلی مشمولین قانون تامین اجتماعی میباشد، بلکه شامل کلیه افرادی است که بنحوی از انحاء از مزایای قانون تامین اجتماعی بدون اینکه قانوناً حق استفاده ازاین مزایا را داشته باشند ویا باتوسل بوسائل تقلبی ازآن استفاده نمایند.

بموجب ماده ۱۰٤قانون تامین اجتماعی هرگونه برداشت غیرقانونی و تصرف غیرمجاز دروجوه و اموال تامین اجتماعی که درحکم وجوه و اموال عمومی محسوب میشود بمنزله اختلاس یا تصرف غیرقانونی محسوب و مرتکب طبق قوانین کیفری تحت تعقیب قرار میگیرد.

از حوادث بیاموزیم...
از حوادث جلوگیری کنیم...

حادثه، دوبار بکام می‌کشد!

عدم استفاده از کمربند حفاظتی و طناب نجات، موجب مرگ کارگر ۱۸ ساله شد...

این کارگر از تیرچراغ برق خیابان بالا رفت، و بر اثر برق گرفتگی سقوط کرد و جان خودرا از دست داد.

عیسی حسین‌زاده، دوبار بکام حادثه رفت و پای چپش قطع شد.

آقای نصرت‌اله محمدی، کارگر ساده‌ای که در یکی از ساختمانهای نیمه‌تمام تهران‌پارس مشغول کار بود، براثر سقوط جرثقیل (بالابر) از ارتفاع ۱۴ متری، و اصابت جرثقیل با او، درگذشت.

کارگر مذکور که بیش از ۱۵ سال نداشت براثر بی‌احتیاطی و ناآشنابودن با محیط کار و عدم توجه به جرثقیل (بالابر) دچار این حادثه شده است.

طبق نظر کارشناسان وزارت کار و امور اجتماعی، افرادیکه مبادرت به نصب بالابر می‌نمایند بعلت عدم اطلاع فنی از قدرت بالابر و میزان بار مجاز و درست مهارنکردن پایه‌های بالابر، موجب ریزش دیوار بام و سقوط جرثقیل بکف زمین شده است. ضمناً لازم بود هنگام نصب، از ورود و حرکت کارگران در محوطه خطر اکیداً جلوگیری بعمل می‌آمد.

کارگر ساده‌ای بنام محمدمنیر قاسم‌پور که در یك کارگاه ساختمانی واقع در خیابان اختیاریه کار میکرد، دچار حادثه شد و برای مدتی روانه بیمارستان گردید

چند روز قبل هنگامیکه کارگر مذکور مشغول حمل تیراهن به طبقه اول ساختمان بود، از نزدیك به انتهای پله‌کان موقت (سطح شیبدارد) به طبقه هم‌کف سقوط کرد و استخوان پای راست او شکست. بیدرنگ او را بهبیمارستان ۲۵ شهریور منتقل ساختند و فعلاً در بیمارستان مذکور بستری است.

طبق گزارش خبرنگار ما کارفرما وقوع این حادثه را به سازمان تامین اجتماعی گزارش نکرده و هیچگونه اقدامی درجهت کمك ومعاضدت به کارگر حادثه‌دیده وجبران خسارات وارده به وی، بعمل نیاورده است.

عواملی که در زیر منعکس است در وقوع حادثه مؤثر بوده‌اند:

۱ـ عدم استفاده از وسایل مناسب جهت حمل تیراهن بطبقات بالا (جرثقیل و یا قرقره‌های ثابت و متحرك.)

۲ـ عدم رعایت مفاد ماده ۸۴ ائین‌نامه و مقررات حفاظتی کارگاههای ساختمانی از طرف کارفرما

باتوجه به انچه در بالا ذکر شد کارفرما، مسئول مستقیم وقوع حادثه شناخته شده است

اقای نورمحمد مرادی، کارگر ساده‌ای که در شرکت اسلامی مشغول کار بود، براثر بی‌توجهی به مقررات حفاظتی، دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

مرحوم نورمحمد مرادی در روز حادثه، باتفاق دونفر از همکاران خود از طرف شرکت مذکور برای تخلیه چاه فاضلاب یکی از ساختمانهای تهران اعزام شد. این سه تن برای تخلیه چاه، ابتدا از موتور برق یك فاز استفاده کردند، ولی چون موتور مزبور قادر به تخلیه چاه فوق نبود، ناگزیر به استفاده از موتور سه‌فاز شدند. ضمناً محل کار، فاقد برق سه‌فاز بود، که صاحبخانه پیشنهاد استفاده از برق سه‌فاز منزل مقابل را داد، اما متاسفانه نورمحمد مرادی به این پیشنهاد توجهی ننموده و برای استفاده از سیم فشار قوی خیابان، از تیر چراغ برق بالا رفت که پس از چندلحظه براثر برق گرفتگی سقوط کرد. بیدرنگ او را به بیمارستان منتقل کردند، ولی متاسفانه دربین راه فوت کرد.

متوفی خودسرانه اقدام به استفاده از برق آزاد خیابان کرده و ضمنا مسئولین شرکت نظارت لازم درانجام کار بعمل نیاورده‌اند.

اقای صفرخسروانی، کارگر اهنگری که پیش از ۱۸ سال نداشت، براثر سقوط از ارتفاع ۱۵ متری دچار حادثه شد و درگذشت

شرح حادثه

این برادر کارگر برروی اسکلت فلزی درارتفاع حدود ۱۵ متری (طبقه پنجم) ساختمانی واقع در خیابان کاخ، درحال بازکردن قلاب جرثقیل از تیراهن بود، و وقتی روی یك تیراهن ایستاده بود، دچار سرگیجه شد و در نتیجه سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

این حادثه بعلت نداشتن کمربند ایمنی و لامحاله عدم استفاده از آن بوقوع پیوسته است. موضوع ماده ۲۱۶ ائین‌نامه مقررات حفاظتی کارگاههای ساختمانی، مقرر میدارد کارگرانیکه در ارتفاع بیش از سه‌متر کار میکنند و احتمال سقوط آنها میرود، باید مجهز به کمربند حفاظتی و طناب نجات باشند و کلیه اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از سقوط آنها بکار برده شود. ضمنا در مواردیکه تیرآهن در کف طبقه بطور موقت قرارداده میشود، کلیه اتصالات طبقه پائین باید انجام شده باشد که در ساختمان مزبور رعایت نگردیده بود (ماده ۲۰۳ آئین‌نامه و مقررات حفاظتی کارگاههای ساختمانی).

این بار گزارشگر سرویس حوادث «رستاخیز کارگران» از مرکز درمانی شماره ۵ سازمان خدمات درمانی دیدن کرده و با چندتن از کارگران حادثه دیده که در حین کار دچار حادثه و در نتیجه نقص عضو شده‌اند، به گفتگو پرداخته است.

گزارشگر ما دراین گزارش مینویسد:

با اولین کارگری که در بخش چهار جراحی مرکز درمانی شماره ۵ روبرو شدم، او خود را اینطور معرفی کرد:

اسمم امین‌اله سروحیدری است. هیجده ساله هستم. از مزایای بیمه استفاده‌ای می‌کنم و دوسال سابقه کار دارم. بدنبال حادثه‌یی که برایم

امین‌الله سروحیدری

کرم نصیری

ابراهیم قلعه‌خندانی

این کارگر، یکبار پای مجروح خودرا از لای تیغه‌های ماشین بیرون کشید، اما دوباره ماشین بکار افتاد و....

پیش آمد، از یك ماه پیش در این قسمت بستری شده‌ام.

این کارگر جوان که دچار نقص عضو شده است، گفت: «من در معدن سنگ مشغول کار بودم. هنگام ظهر بود که به اتفاق کارفرما میخواستیم چاه را آتش کنیم. هرکدام بطور جداگانه مشغول کار شدیم. من بتنهائی ٦ چاه را آتش کردم. سپس به اتفاق کارفرما دونفری در گوشه‌ای مخفی شدیم تا اینکه سنگ از کوه سقوط کند و دچار حادثه نشویم. دراین هنگام، کارفرما بمن گفت برو در معدن و من در حالیکه میخواستم بروم، یکباره کوه منفجر شد و سنگ بزرگی به روی پایم غلتید و بطور کلی، تمام انگشتان پای راست تا مچ من ازبین رفت و باین روز افتادم.» سئوال کردم: «موقعیکه این اتفاق برایت افتاد، چه حالتی بشما دست داد؟» پاسخ داد: «من در آن لحظه بیهوش شدم، و در حال بیهوشی بودم و متوجه نشدم چگونه مرا باین مرکز آوردند.» سروحیدری می‌گفت کارفرما تا امروز به دیدن من نیامده و تاکنون کوچکترین توجهی نسبت به وضع من نکرده است. سئوال شد ایا این حادثه دراثر بی‌احتیاطی بود، یا خیر؟ جواب داد چون کارفرما بمن گفت برو جلو و خطری متوجهات نمیشود، رفتم و سنگ از معدن بروی پایم سقوط کرد. پس باعث بی‌احتیاطی من، فقط کارفرمای من بوده است.

از سروحیدری پرسیدم: «از وضع بیمارستان راضی هستی؟» جواب داد: بسیار راضی هستم. از جهت غذا هم بخوبی بما توجه می‌کنند.

روزی که به دیدار سروحیدری رفته بودیم، پزشك معالجش به او وعده داده بود که تا سه‌روز دیگر او را از بیمارستان مرخص خواهد کرد و او می‌تواند به شهرش، همدان برود. ولی تا دوماه باید از کفش مخصوص استفاده کند.

سروحیدری هنگام خداحافظی از او بما گفت: من به تمام کارگران عزیز توصیه میکنم که حتی‌المقدور از بی‌احتیاطی در حین کار بپرهیزند.

کارگر دیگری که با او به صحبت نشستیم، در مرکز بخش چهار جراحی این مرکز بستری بود.

او ابراهیم قلعه‌خندانی، چهل‌و پنج ساله، کارگر تعمیرگاه شماره صدو یك ایران ناسیونال است و ۹ سال سابقه کار دارد.

قلعه‌خندانی، درمورد حادثه‌ایکه برایش پیش آمده، گفت: «من باتفاق دوسه نفر از کارگران کارخانه مشغول حمل ٤ بشگه قیر بودیم که آنها را از محل کارخانه بجای دیگری منتقل کنیم. هنگام تخلیه کردن بشگه‌های قیر از وسیله نقلیه، ناگهان اتومبیل بحرکت درآمد و من با شدت هرچه تمامتر با سرودست برمین افتادم و دست چپم بطوریکه می‌بینید، بطور کلی شکست و این حادثه ببار آمد. از او سئوال کردیم: آیا از وضع بیمارستان راضی هستی.

جواب داد: راضی هستم، ولی تاکنون کارفرما هیچگونه کمکی بمن نکرده و حتی اصلاً برای یکبار هم بعیادت من نیامده است.

کارگر دیگری که دراین مرکز با او صحبت کردیم، کرم نصیری، کارگر کارخانه اطلس‌باف، هیجده ساله بود. نصیری در قسمت موتورخانه و برق کارخانه کار می‌کند. بد نیست علت ایجاد حادثه را از زبان خود او بخوانید:

– من مشغول برداشتن یك پمپ شناور در چاه عمیق بودم و یك پمپ زاپاس هم داشتم که میخواستم آن را آزمایش کنم. با دوسه نفر از کارگران سرگرم کار بودیم. پمپ موتور شناور را از روی زمین برداشتیم و موقعیکه ما این پمپ را روی چرخ میگذاشتیم، ناگهان چرخ از دست کارگران دررفت و پمپ سرنگون شد و روی پای من سقوط کرد و باعث شکستگی پای من شد.

از کرم نصیری پرسیدم: «فکر می‌کنی که در این حادثه بی‌احتیاطی از طرف چه کسی بوده است؟...» جواب داد: نه از طرف من، نه از طرف کارگران، بلکه یك حادثه بوده که اتفاق افتاده است.

این کارگر حادثه دیده نیز ضمن بیمارستان تاکید کرد که: متاسفانه تاکنون از طرف کارفرمای من، هیچ‌گونه سراغی از من گرفته نشده است.

بیمار بعدی که در بخش چهار جراحی مرکز درمانی شماره ٥ بستری بود، خود را اینطور معرفی کرد:

– من عیسی حسین‌زاده، بیست و چهار ساله هستم و با سه سال سابقه کار در کارخانه ماکارونی، با دستمزد روزی چهارصد ریال کار میکردم.

این کارگر جوان که بسیار ناراحت بود، در مورد علت حادثه گفت:

– «من مشغول گرفتن خمیر برای درست کردن ماکارونی در دستگاه بودم. دو ماشین بود که با آنها کار می‌کردیم و یك پله‌کان موقت، که گاهی بناگزیر این پله متحرك را به کنار این ماشین می‌بردیم و گاه به کنار ماشین دیگر. آنروز، پلکان متحرك را کنار یکی از ماشین‌ها گذاشتم و از آن بالا رفتم. خمیر درست کردم، و می‌خواستم باز گردم که ناگهان پایم سر خورد و بدرون ماشین (دیگ) افتادم. در همین حال دستگاه با ماشین ٦ تیغه بکار افتاد. موقعی که پای چپم داخل دستگاه شد، من بماشین ورمیشل با دست آویزان شدم و با پای راستم مشغول خاموش کردن کلید آن شدم. در این لحظه که پشت پایم شکافته بود، من کلید را زده و ماشین را خاموش کرده بودم. امّا تا خواستم پای راستم را بکشم و پای چپم را در بیاورم، مجدداً تا زانوی پای چپم در لای تیغه‌های بزرگ ماند و دوباره ماشین بحرکت درآمد و بطورکلی پای چپم از زانو جدا شد و باین وضع که ملاحظه می‌کنید. یك پای من قطع شده است.

از آقای حسین‌زاده پرسیدم «آیا علت بی‌احتیاطی از شما بود؟» جواب داد:

– بخدا دیگر روحیه‌ام از بین رفته. با داشتن یك زن جوان و یك فرزند چکار می‌توانم بکنم؟ البته بنظر من این بی‌احتیاطی اتفاقی بوده است. بهرحال اکنون من یك پا ندارم، چه اتفاقی باشد و چه نباشد.

این کارگر ضمن تشکر و قدردانی از کارفرمای خود، یادآور شد این مرد شریف از هیچ نوع کمکی نسبت به من خودداری نکرده است.

در پایان با حالتی افسرده، همراه عکاس مجله از اتاق این کارگر جوان بیرون آمدیم، درحالیکه با خود می‌گفتم: بی‌تردید اگر در همه کارها دقت و حوصله و توجه کافی باشد، چنین حوادثی خیلی کمتر ممکن است رخ دهد.

پای صحبت دوستان کارگر

برای بازدهی بیشـ
کوشش افزون تر

رحیم پوربردباری- جوانترین نماینده کارگران در مجلس شورای ملی- از سن دوازده سالگی بعنوان کارگر ساده کار خود را در کارخانه حریربافی چالوس آغاز کرد و از آنوقت تا بحال- که در پارلمان ایران نشسته است- همواره در فضاهای کارگری فعالیت کرده است و در سایه تلاش‌های بی‌وقفه و پشتکار و همت مجدانه خود توانسته است به موقعیت مطلوب امروز دست یابد. در این ماه با پوربردباری به گفتگو نشسته‌ایم و او در این گفتگو از هر دری سخنی رانده است.

از یادها و یادبودها، از سالهای سیاه تلخ گذشته و از سالهای روشن و سپید امروز. پوربردباری با لحن جدی و مصمم در آغاز از زندگی خود حرف می‌زند:

● جوانترین نماینده کارگران در مجلس شورای ملی و یادهای گذشته

-: در سال ۱۳۱٦ در شهر نوشهر متولد شدم: پدرم کارگر بندر بود و طبعا من نیز در یك خانواده کارگری پرورش یافتم. چندی بعد بخاطر تاسیس کارخانه حریربافی چالوس، پدرم بهمراه خانواده عازم آنجا شد و در این شهر اقامت گزیدیم. در چالوس تا حدودی تحصیلات خود را دنبال کردم، اما بعلت گرفتاریهای مادی و خانوادگی مجبور به ترك تحصیل شدم و بخاطر کمك به هزینه زندگی خانوادگی، در سال ۱۳۲۸ در کارخانه حریر بافی چالوس بعنوان کارگر با حقوق روزانه ۲۵ ریال مشغول بکار شدم. بعد از مدتی مجددا تحصیلات خود را تا چهارم متوسطه دنبال کردم، ولی از آن پس توفیق ادامه آن برایم امکان نیافت. در سال ۱۳۳٤ کارخانه حریربافی چالوس تعطیل شد و من و خانواده‌ام مجبور شدیم برای تامین زندگی به تهران بیائیم. در بدو ورود به تهران، پس از خدمت سربازی در کارخانه اطلس‌باف تهران مشغول بکار شدم و دوسال بعد در زمانیکه مدیریت کارخانه چیت‌سازی تهران بعهده امریکائیان بود، در این کارخانه مشغول بکار شدم و سپس در کارخانه چیت ممتاز بکار پرداختم. در سال ۱۳٤۳ بعنوان نماینده کارگران کارخانه چیت‌سازی ممتاز برگزیده شدم و پس از آن در پستهای دبیر سندیکا و مدیرعامل تعاونی‌ها و ۳ دوره نیز در عضویت هیئت مدیره سازمان کارگران ایران فعالیت داشتم.

در سال ۱۳٤۹ بعنوان رئیس هیئت مدیره سازمان کارگران ایران انتخاب شدم. همچنین در سایر واحدهای سازمانی کارگری عضویت داشته‌ام، از جمله: شورای عالی کارگران، هیئت اجرائی سازمان کارگران. در دوره قبل و در حال حاضر نیز نماینده مجلس شورای ملی هستم. در سال ۱۳٤۹ در کنفرانس ژنو بعنوان نماینده کارگران ایران شرکت کردم و همچنین در سال ۱۳۵۲ بعنوان اولین نماینده کارگران نساجی ایران در کنفرانس بین‌المللی و جهانی ژنو شرکت جستم و در حاضر سمت معاون تشکیلات سازمان کارگران ایران بعهده دارم.

اما در مورد وضع گذشته کارگران باید بگویم: ما کارگران همواره عرق شاهدوستی خود را حفظ کرده‌ایم اما متاسفانه در گذشته عوامل بیگانه در لباس کارگری همواره سعی داشتند محیط پاك و منزه کارگری را در اضطراب و آشوب و ناامنی نگهدارند. بخاطر دارم در کارخانه حریربافی چالوس در همان سالهای سیاه و توفانی عده‌ای کارگر بعلت نداشتن بهداشت و درمان و تغذیه صحیح در پشت دستگاه و ماشین جان می‌سپردند مثلا بیماری مالاریا در مازندران همه کارگران را از نعمت سلامت محروم کرده بود و هیچ کاری از دست کارگر برای مبارزه با این مرض ساخته نبود.

در گذشته، فقر مادی آنچنان بود که اگر شخصی صاحب منزل شخصی یا برق و یا رادیو بود (که اصولا از طبقه کارگر هم نبود) در نظر مردم از طبقه ممتاز و برجسته روز شناخته میشد.

در کارخانه‌هائی که در تهران کار میکردم وضع طوری بود که کارگر هرگز اجازه نداشت با کارفرمای خود در باره مشکلات و مسایل کارگری صحبت کند و اصولا نام کارگر آنچنان تحقیرآمیز بود که کسی جرات نداشت خود را بنام کارگر معرفی کند اصولا در گذشته کارگر را عمله صدا میکردند و هیچ کس حاضر نبود خود را کارگر بنامد.

در آن سالها عوامل بیگانه در مملکت، بین کارگران اختلافات شدیدی بوجود آورده بودند و اکثرا کارگران با یکدیگر در زد و خورد بودند. بخاطر دارم در همان سالهای توفانی در چالوس عمال اجنبی جوانها را پس از تعطیل شدن کارخانه در دسته‌های متعددی بنامهای مختلف در خیابانها براه می‌انداختند و این گروهها با برپا کردن تظاهرات و آزار مردم باصطلاح خودشان قصد اصلاحات داشتند! و در این میان فقط جان جوانهای مملکت به هدر میرفت. این جوانها با ساطور و قمه و چاقو حتی فلفل و نمك (که بچشم یکدیگر میپاشیدند) بجان هم می‌افتادند، فقط به این دلیل که هرکدام متعلق به یك دسته خاصی بودند و این صحنه‌ها را در آن سالهای توفانی من شخصا بچشم خود دیده‌ام.

خوب بخاطر دارم در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۱ اصولا کسی جرات بوجود آوردن سندیکا را نداشت و اگر هم کسی نام سندیکا را بزبان می‌آورد فورا از کار برکنار میشد.

در آن سالها حتی اجازه نمی‌دادند برای

اگر از نیروی زنان در [illegible]
کشورمان استفاده [illegible]
کمبودهائی [illegible]

از دیروز... تا به امروز

...تر،
و ارتقاءِ سطح مهارت لازم است

کارگران نماینده انتخاب کنیم و حتی اگر چند نفر هم قصد می‌کردند که برای انجام این کار مهم دور هم جمع شوند، بخدمت آنها خاتمه داده میشد. ما ناگزیر بودیم در اتوبوسها و کوچه‌ها و خانه‌های اطراف چند نفر مراقب بگذاریم تا بتوانیم در یك محل مخفیانه سندیکائی بوجود آوریم و چند امضاء از کارگران بگیریم و نماینده‌ای از طرف کارگران انتخاب کنیم!

بهرحال ما حق تشکیل سندیکای کارگری را نداشتیم و اگر هم دور هم اجتماع میکردیم از اجتماع ما جلوگیری بعمل می‌آمد. گذشته مسایل کارگری کشور ما آنچنان دردناك است که هرچه در این مورد بگویم کم گفته‌ام.

در آن سالها کارگران حتی زیلو هم در زیر پای خود نداشتند در صورتیکه خوشبختانه امروز در سایه انقلاب شاه و ملت وضع کارگران ایران آنچنان بهبود یافته که در قسمت پارك اتومبیل کارخانه‌ها اکثر اتومبیلها متعلق به کارگران است. این اتومبیلها بجای همان دوچرخه‌هائیست که در گذشته کارگران برای رفتن به سر کار خود از آنها استفاده میکردند. چند سال قبل شاهنشاه آریامهر به هنگام بازدید ازیك کارخانه فرمودند: «امیدوارم که روزی همه کارگران دارای اتومبیل شوند» امروز واقعا این آرزوی شاهنشاه برآورده شده است: وضع امروز با مقایسه با وضع ما کارگران قبل از انقلاب که حتی حق نداشتیم بدون اجازه کارفرما آب بخوریم و یا حق نداشتیم درباره ساعت کار کارگری (که اصولا معنی و مفهوم خاصی نداشت) صحبت کنیم، به خواب و خیال شبیه است. امنیت و ثباتی که کارگران امروز ایران از آن برخوردارند، فقط با هدایت و رهبری شاهنشاه و در پرتو انقلاب شاه و ملت نصیب کارگر ایرانی شده است. کارگران ممالك صنعتی که به خیلی از امتیازات کارگری دست یافته‌اند، برای رسیدن به هدف خود کشتارها دادند، در صورتیکه تمام تحولاتی که بعد از انقلاب شاه و ملت در این مملکت بوقوع پیوست، بدون کشتار و خونریزی بود و این مسئله ساده و آسانی نیست که بسهولت بتوان از آن گذشت. در سالهای توفانی گذشته کارگر اگر میخواست حقی را از کارفرمای خود بگیرد، حتما باید اعتصاب میکرد و زنده‌باد و مرده‌باد میگفت و شعار میداد و سرانجام هم سود را اشخاص دیگر میبردند. من بچشم خود در کارخانه حریر بافی چالوس دیدم که یکی از عمال بیگانه در آغاز بلوا و آشوب را براه انداخت و بعد از سازش با کارفرما همان شخص کارگران را وادار بسکوت کرد و در این میان فقط کارگر آلت دست شده بود و سود را شخص فتنه‌انداز برده بود، اما خوشبختانه در عصر انقلاب بجای فتنه و آشوب و عربده‌کشی، کارگر با نظم و آزادی کامل در پشت میز مذاکرات می‌نشیند و اختلافات خود را با کارفرما حل و فصل میکند و وضع امروز با گذشته آنچنان است که بهیچ وجه قابل مقایسه نیست. مثلا من کارگر اگر در آن زمان می‌خواستم وارد مجلس شورای ملی آن روز شوم، از آنجا بیرونم میکردند. ولی امروز چند کارگر در مجلس شورای ملی مدافع حقوق کارگران هستند. در بیشتر ممالك پیشرفته هنوز چنین وضعی جامه عمل بخود نپوشیده است و این‌ها همه از افتخارات دوره انقلاب است و این همه امکانات و افتخارات همه از برکت وجود شاهنشاه است و همانطوریکه شاهنشاه فرمودند کارگر ایرانی از شاه خود جدا نیست. و اگر لطف و عنایت شاهنشاه نبود، هنوز به کارگر ایرانی همان کلمه «عمله» را اطلاق میکردند، در صورتیکه کارگر امروز لقب «شریف» را از پدر تاجدار خود دریافت کرده است.»

● : – «در حال حاضر جامعه ما با کمبود نیروی انسانی ، بویژه با کمبود کارگر ماهر مواجه است. بنظر شما این امر مولود کدام عوامل است و برای از بین بردن این مشکل چه راههائی را باید در پیش گرفت؟»

● علل کمبود نیروی انسانی؟

پوربردباری: – «بخاطر دارم در همان سالهای توفانی و سیاه تعداد کارخانه‌های مملکت از تعداد انگشتان دست تجاوز نمیکرد و همیشه در جلوی این کارخانه‌ها تعداد زیادی کارگر بیکار در انتظار بودند تا از آنها برای انجام کار دعوت شود. البته این موضوع را اضافه کنم که این کارگران همگی با التماس و خواهش و تمنا تقاضای کار میکردند و با هر حقوقی حاضر به انجام کار بودند. خوب بیاد دارم اگر در آن روزها یك کارخانه مثلا به پنج نفر کارگر احتیاج داشت، فوراً ۲۰۰ نفر برای استخدام صف میکشیدند چرا که در مملکت کار نبود. بخاطر دارم رئیس کارگزینی ما هر وقت قصد داشت کارگری را استخدام کند اول بدقت به طرز لباس و قیافه و حرف زدن و راه رفتن کارگر متقاضی نگاه میکرد و اگر از همه لحاظ مطابق «الگو» ی مورد نیاز او بود، کارگر را انتخاب میکرد. در آن سالها کارگر زیاد بود و کار کم و او میتوانست تعداد اندك مورد نیاز را از بین صدها متقاضی انتخاب کند، در صورتیکه امروز ما حقیقتاً از لحاظ کارگر در مضیقه‌ایم و کارفرما با هر سن و شرایطی کارگر را انتخاب میکند. مثلا ما با ملاحظه آمارها اخیراً به این نتیجه رسیده‌ایم که کارگر کشاورزی کم شده است. این کارگران یا جذب کارهای ساختمانی میشوند و یا جذب قطبهای صنعتی. دسته دیگری هم بجای روکردن بکارهای صنعتی به کارهای شخصی مانند رانندگی پرداخته‌اند و باید برای این کار ضابطه معین بوجود آید که یك کارگر ماهر در همه جای ایران یك نوع دستمزد داشته باشد تا از مهاجرت کارگران از یك کارخانه بکارخانه دیگر جلوگیری شود.– ضمنا باید موضوع آموزش را از یاد نبرد.

ما از هم اکنون باید در فکر ده سال آینده باشیم و برای آن زمان برنامه ریزی صحیح کنیم و نیروی مورد نیاز ده سال آینده را تامین کنیم . البته بعضی از کارفرمایان یا سرمایه‌داران امر آموزش کارگر را کاری بسیار سنگین میپندارند. فکر میکنند که برای آموزش باید سرمایه گذاری عظیم و یا تاسیسات بزرگی با کادر وسیع فراهم شود، در صورتیکه این آموزش را میتوان در همان محیط کارخانه با همان امکانات موجود ، خیلی ساده و بدون تشریفات برگزار کرد و اصولا این کار هزینه چندانی هم لازم ندارد. زیرا کلاس را میتوانند در محل کارگاه بصورت کوچك تشکیل دهند.

● کارفرمایان باید همه دارای آموزشگاههای کوچکی باشند که نیروی مورد نیاز خود را به این وسیله تامین کنند و نیازی به ربودن کارگران از کارخانه‌های یکدیگر نداشته باشند.

خوشبختانه با تاسیس آموزشگاههای صنعتی ، مقداری از این نیرو تامین میشود و از طرفی باید به جوانان امروز این مساله را تفهیم کرد که پس از طی دوره آموزشی توقع نشستن پشت میز را نداشته باشند و بدانند که باید وارد اجتماع شوند و در موسسات صنعتی لیاقت و کفایتِ خود را نشان دهند. چه اشکال دارد که دانش آموزان مدارس غیر حرفه‌ای را در دوره‌های کوتاه مدت آموزش صنعتی بدهیم؟

اگر آنها در ادامه تحصیلات عالیه توفیقی نداشتند ، بجای اینکه چشم به میز ادارات بدوزند و یا اینکه بیکار و بدون هدف در خیابانها راه بروند ، با تخصص اندکی که آموخته‌اند، میتوانند به قطبهای صنعتی جذب بشوند.

ما آنوقت مجبور نیستیم که از خارج کارگر وارد کنیم. این وظیفه آموزش و پرورش و صندوق کارآموزی است که جوانها را با اینگونه مسایل آشنا سازند.»

● :– «حال این مساله مطرح است که باید دید کارگران ما که بیش از سایر طبقات از مواهب انقلاب برخوردار شده‌اند ، تا چه حد بازده داشته‌اند..»

● بهره‌وری و امر آموزش

پوربردباری :– «اگر به اغلب کارخانه‌های امروز نظر افکنیم و وضع آنها را با کارخانه‌های معدود گذشته مقایسه کنیم ، خواهیم دید که تفاوت فاحشی وجود دارد.

بطور مثال در گذشته کارخانه‌ای با گنجایش یکصد نفر کارگر آنهم با وسایل نیمه مدرن ، اغلب با تعداد کارگر بیش از نیاز خود کار میکرد، در صورتیکه همان کارخانه‌ها و کارخانجات بعدی که بوجود آمدند در حالتی قرار گرفته‌اند که ظرفیت پذیرش کارگر آنها مثلا به ۵۰۰ نفر رسیده است، در صورتیکه بعلت کمبود نیروی انسانی این کارخانه‌ها مجبورند با ۴۰۰ نفر بکار خود ادامه دهند و طبعاً نسبت بازدهی این کارخانه‌ها با کارخانه‌های ۱۵ سال قبل از نظر کمیت و بهره وری کمتر است. البته کارگران ایران با موهبتی که امروز نصیبشان شده مسلماً می‌بایست در صدد جبران این نقیصه باشند و با تلاش که از خود نشان میدهند ، سعی در از بین بردن این کمبودها کنند ، و همانطور که اشاره شد، برای بازدهی بیشتر، ارتقا مهارت هم لازم است. کارگر امروز ایران که به اصول انقلاب که او را در سود و سهام کارخانه‌ها شریك کرده واقف است، بخوبی می‌داند که پاسخ این مواهب که نصیبش شده ، افزایش بهره‌وری است و بعقیده من برای افزایش بهره‌وری باید استاندارد مشخصی تعیین کنیم. میزان تولید در روز طبق برآورد کارفرما در شرایط عادی معلوم است، اما سندیکای کارگران میتواند به کارفرما پیشنهاد کند که کارگران اگر از میزان تعیین شده، تولید بیشتری در روز ارائه دهند، مقدار مازاد را بموجب توافق با کارفرما به نسبتی عادلانه بین کارگر و کارفرما تقسیم کنند و بر اساس همین روش میتوان مقدار بهره‌وری و تولید را افزایش داد.

بطور کلی ظرفیت واحدهای صنعتی موجود بیش از تعداد کارگران است و نیروی انسانی در قطبهای صنعتی کافی نیست و لازم است که کارفرمایان

در عقد قرارداد و پیمانهای دسته‌جمعی کمی کارگر را در انجام وظیفه خود آزاد بگذارند و به آنان در تولید بیشتر امتیازات بهتری بدهند و کارگر را تشویق کنند. مدیریت خود را بهتر کنند و همینطور روابط خود را با سندیکاها و نمایندگان کارگران صمیمانه‌تر کنند. زیرا سندیکا در هر کارخانه‌ای یك رکن بحساب می‌آید و کارفرما با روابط دوستانه‌تر، بهتر میتواند از وجود کارگران خود استفاده کند زیرا احترام به سندیکا احترام به جامعه کارگران است و باید در این مورد هم رابطه را جانشین ضابطه کرد و روابط انسانی در محیط کار را بین کارگر و کارفرما استحکام بخشید»

● :– «از نظر شما نقش زنان کارگر در کدام سطوح از اهمیت بیشتری برخوردار است؟»

● نقش سازنده زنان کارگر

پوربردباری:– «زنان ایران در درجه اول مرهون خدمات اعلیحضرت رضاشاه کبیر هستند. اما در دوره قبل از انقلاب اصولاً به زنان کارگر اهمیتی داده نمیشد و هیچ زنی حق نداشت در میان مردهای کارگر کار کند، زیرا خانواده‌ها تعصب خاصی داشتند و اصولاً اجازه نمیدادند که دختران و زنانشان در محیط‌های کارگری مردانه کار کنند. خوشبختانه در پرتو انقلاب شاه و ملت این نیروی عظیم و خلاقه به خدمات اجتماعی راه پیدا کرد و امروزه زنان ما نیروی سازنده‌ای هستند که در کلیه امور و شئون اجتماعی شرکت دارند. امروزه زنان ایرانی حتی در لباس وکالت و وزارت هم در این مملکت خدمت میکنند. خوشبختانه در هر شغلی و هر کاری در اجتماع نقشی هم اززنان میبینیم. مخصوصاً در کارهای ظریف، زنان گوی سبقت را از مردان ربوده‌اند.

تعداد آنها در چنین کارخانه‌هائی بیشتر از مردان است و اگر از این نیرو در وضع کنونی مملکت استفاده نمیشد، آنوقت خدا میداند با چه کمبودهائی مواجه میشدیم»

متشکریم

رپرتاژی جالب و کامل از:

سرگذشت شیرین قند ... و کارگران قندساز

بررسی جامعی از پیشرفت صنعت قندسازی در ایران

اسلایدها از: علی‌اکبر رهبر

از: عباس پزشکی

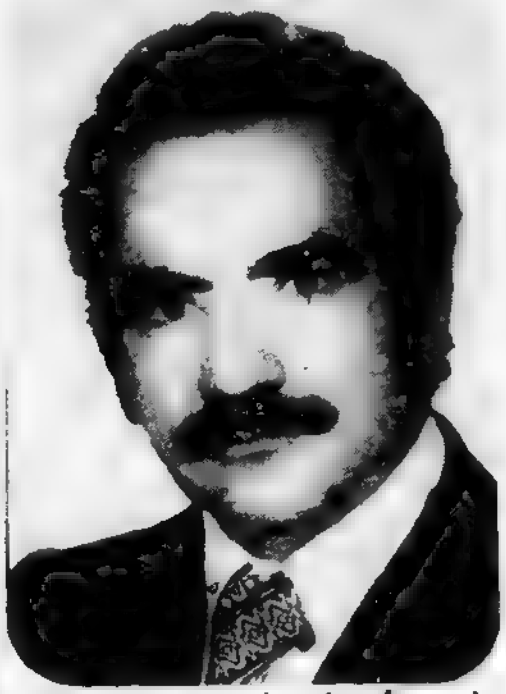

مهندس اصغر طاهری‌پور، رئیس کارخانه قند کرج

مجله رستاخیز کارگران در هر شماره، جدا از رپرتاژهای گوناگون کوتاه، رپرتاژی بزرگ از یکی از صنایع بزرگ کشورمان انتشار داده‌است، که در آن خوانندگان عزیز با تاریخچه این صنعت و چگونگی پیشرفت و تکامل آن آشنائی یافته‌اند، در این شماره با قند و شکر و تاریخ تاسیس کارخانه‌های قند در ایران آشنا می‌شوید...

این رپرتاژ را دو تن از نویسندگان مجله تهیه کرده‌اند- عباس پزشکی تحقیق کرده و محمود آشوری، رپرتاژی از کارخانه قند کرج و چگونگی کار در آن تهیه کرده است، که بترتیب مطالعه می‌کنید......

در قسمت پائین عکس دستگاههای «سانتری فوژ» را ملاحظه مینمائید که در هر دقیقه ۱۵۰۰ بار بدور محور خود روی تنظیم قبلی میچرخد و حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلو شربت قند تغلیظ شده و بصورت کریستال درآمده را با خاصیت گریز از مرکز خود بصورت شکر سفید در می‌آورد.

قند معمولی که در اصطلاح شیمی آنرا «ساکارور» میخوانند، یکی از مهمترین رشته صنایع غذائی است و مردم جهان از گذشته‌های دور با کیفیت و چگونگی تولید آن آشنا بوده‌اند قند ابتدا از نیشکر تهیه میشد بهمین دلیل پاره‌ای از محققین مبداء این صنعت را هندوستان میدانند و معتقدند که این صنعت اول‌بار در دره‌های شمال شرقی هندوستان و خصوصاً اراضی نزدیک به سواحل خلیج بنگال، که بسبب برخورداری از آب و هوای معتدل و مرطوب، برای پرورش و کشت نیشکر مناسب میباشد، متداول گردیده است و شاید با توجه به همین معنا بوده است که حافظ شاعر بزرگ ما، در یکی از شیواترین غزلهای خویش به کنایه میگوید:

شکرشکن شوند همه‌طوطیان هند
زین پارسی که به بنگاله میرود.

حتی بعضی معتقدند که کلمه «ساکاروز» از کلمه هندی «ساکار» به معنی قند گرفته شده است. به تعبیر عده‌ای دیگر از محققین، کلمه قند فارسی نیز در اصل «کانت» بوده که یك کلمه «سانسکریتی» و به معنای قند است

براساس شواهد و نشانه‌هائی که در دست است، تدریجاً نیشکر از هندوستان به چین و ایران برده شد و خصوصاً کشت آن در منطقه خوزستان رواج گردید

در طی قرون و سالهای متمادی، تنها منبع تولید قند در جهان، نیشکر بود ولی افزایش روزافزون مصرف قند و شکر در دنیا و محدود بودن مناطق کشت نیشکر دانشمندان را بفکر تهیه قند از گیاهان دیگر، از جمله چغندر قند انداخت تا بالاخره «اندریاس ماگارف» (۱۷۰۹-۱۷۸۲) شیمیدان بزرگ آلمانی که در آزمایشگاه بزرگ و مجهز آکادمی برلین پیرامون این موضوع تحقیق و مطالعه میکرد، در سال ۱۷٤۰ موفق به کشف ماده قندی چغندر شد و برای اولین‌بار، قندرا از گیاهی جز نیشکر تهیه کرد

اکتشاف این دانشمند بزرگ، فصل تازه‌ای در تاریخ صنعت قند گشود و به دنبال آن مزارع وسیعی در اروپا که آب و هوای آن برای کشت چغندر مناسب و مستعد بود، به زیرکشت چغندر قند رفت. در آغاز، تهیه قند از چغندر، بوسیله دستگاههای ناقص انجام میشد. به همین علت میزان تولید قند چندان چشمگیر و بازده کار رضایت‌بخش نبود. از همین‌رو دانشمندان اروپا که در راس آنان آلمانی‌ها قرار داشتند، کوشش پی‌گیر و خستگی ناپذیری را برای تکمیل دستگاههای قندسازی آغاز کردند و بالاخره در سال ۱۸۰۲ میلادی «فرانس کارل‌اشارد» (۱۷۵۳-۱۸۲۱) شیمیست و میکانسین بزرگ آلمانی موفق به ساختن اولین کارخانه واقعی قند شد. (نام این دانشمند فرانس کارل آخراد Franz- Karl- Ach- Rad نوشته و فرانس کارل آشارد تلفظ میشود) آشارد کارخانهٔ خود را در شهرك کونرن در ایالت سیلزی که مرکز تولید چغندر قند در آلمان بود، احداث کرد و در اولین سال بهره‌برداری بازده کارخانه بقدری چشم‌گیر بود که «آشارد» برای احداث کارخانه‌های دیگر، پیشنهادهای زیادی دریافت داشت و به این ترتیب به تدریج تهیه قند از چغندر در سراسر اروپا متداول شد و تولید آن ۳۰ سال بعد، به دومیلیون تن و در ابتدای قرن بیستم به ۸ میلیون تن بالغ شد و در آغاز نیمه دوم قرن این رقم به ۳۰میلیون تن رسید

آلمان در طول ۱۲۰ سال گذشته، همواره بزرگترین تولیدکننده قند بوده است و پس از این کشور روسیه، فرانسه و امریکا در راس کشورهای تولیدکننده قند قرار دارند. کوبا، اندونزی، هندوستان، جزائر سن‌مارتین و سن ژوئن و تعدادی دیگر از جزائر اقیانوس کبیر و کشورهای امریکای لاتین نیز بزرگترین تولیدکننده قند از نیشکر محسوب میشوند

تولید قند جهان «از نیشکر و چغندر قند» در حال حاضر نزدیك به ۸۰ میلیون تن است

قند و شکر در ایران

میگویند ایرانیان نازك‌خیال‌ترین ملل جهانند و شاید بتوان «قند» را شاهد راستین این مدعا دانست زیرا شاعران ما حتی قندراهم مایه‌ای برای خیال‌پردازی و رؤیاآفرینی خود کرده‌اند

ملاطاهرغنی میگوید

دیده چون آن دولب شیرین دید
معنی قند مکررفهمید

و باقر کاشانی شیرینی لب یار را چنین توصیف می‌کند

پیچان تراست زلف تو یا گفته‌های من
شیرین‌تر است لعل تو یا قند عسکری

و از این دو نازك‌خیال‌تر، کاظم پزشکی شاعر

گزارشگر رستاخیز کارگران (محمودداشوری). با براتعلی افسری (وسط) قدیمی‌ترین کارگر کارخانه مشغول گفتگواست.

این تصویر یکی از دستگاههای پرس‌قند را نشان میدهد و همانطوریکه در عکس ملاحظه مینمائید قند حبه‌ای تولیدمی‌کند.

وانتهای حامل چغندر که کارگران با دست مشغول تخلیه چغندر آنهـا در سیلوها هستند

معاصر شیرازی که برای دیداریار، بخواب عشق فرو میرود و میگوید:

بخواب اندربینیم کان دلارام

زند برروی من از عشق لبخند

منش از شوق گیرم تنگ دربر

ببوسم آن لب شیرین‌تر از قند

از نازك‌خیالی شاعران که بگذریم باید اعتراف کنیم در مورد تاریخ صنعت قند در ایران و تحویل آن، اطلاع کافی در دست نیست. ولی آنچه مسلم است کشت نیشکر از زمان هخامنشیان در ایران معمول بوده و نیشکر ایران در عهد شاهنشاهان هخامنشی از محصولات مرغوب شرق شمار میرفته است مدارك و شواهدی در دست است که میرساند ایرانیان قدیم از طرز تغلیظ و تصفیه شیره نیشکر و تبدیل آن به شکر متبلور آگاهی داشته‌اند. از همین رو پاره‌ای از محققین بعید نمی‌دانند که مهد اولیه صنعت قند، ایران بوده و سپس در زمان حمله اسکندر، این صنعت از کشور ما به هندوستان و یونان راه یافته و در سراسر اروپا و آسیا و خصوصاً در چین متداول شده است. ولی آنچه مسلم است کشت نیشکر در خوزستان، سابقه چندین هزارساله دارد و اصولا نام این استان از کلمه «هوز» یا «خوز» که در زبان پهلوی به معنای شکر بوده مشتق شده و به عبارت دیگر خوزستان به معنای «شکرستان» تعبیر می‌شده است. در دوره ساسانیان کشت نیشکر رونق بیشتری یافت و خصوصاً منطقه شوشتر بصورت بزرگترین مرکز تولید نیشکر دنیا درآمد در آثار و کتب و مدارك مذهبی و ادبی و تاریخی این دوره از جمله کلیله و دمنه، به کرات از واژه شکر یاد شده است و حتی پاره‌ای از نویسندگان ایرانی مانند ابوریحان در قرون بعد ضمن آثار خود به اهمیتی که شکر در مراسم نوروزی دربار ساسانیان داشته است اشاره کرده‌اند. این شواهد همه از توسعه و رواج کشت و صنعت نیشکر در عهد ساسانیان و آگاهی کامل ایرانیان از روش استخراج قند و شکر و تصفیه آن حکایت می‌کند و چنین استنباط مشود که در این دوره حدود ۷ تا ۱٦ هزارهکتار از اراضی خوزستان زیر کشت نیشکر بوده، و سالانه بین ۳ تا ۷ هزارتن شکر در واحدهای تولیدی این منطقه که حتی تا اواخر دوره حکومت خلفای اموی فعالیت داشته‌اند تهیه میشده است.

لطفاً ورق بزنید

سرگذشت شیرین قند... و کارگران قندساز

آیا میدانید که خوزستان از کلمه «هوز» یا «خوز» که در زبان پهلوی به معنای شکر بوده مشتق شده و «خوزستان» به‌معنای «شکرستان» تعبیر می‌شده است؟

با غروب خورشید دولت ساسانیان، مسلمین که با کشت نیشکر اشنا شده و ویژگیهای این صنعت را اموخته بودند، قلمه‌های نیشکر را به مصر و سواحل شمالی افریقا بردند و کشت انرا در ان مناطق رایج کردند. خلفای اموی بسبب بهره‌مندی از مالیاتی که صاحبان واحدهای تولید شکر پرداخت میکردند، نسبت به حفظ و رونق این صنعت توجه خاصی مبذول داشتند، ولی معلوم نیست چرا خلفای عباسی به این مهم علاقه‌ای نشان ندادند و موجب شدند که کم‌کم مرکز صنعت قندسازی به مصر و سواحل دریای مدیترانه منتقل گردد و به تدریج صنعت قندسازی در ایران رونق خود را از دست بدهد. وحتی بطلی که معلوم نیست بعدها نیز حکومتهای ایرانی، بمنظور احیای این صنعت در ایران، اقدامی نکردند و لذا ایران ناچار شد قند مصرفی خودرا از مصر خریداری کند.

از قرن ۱۶ و ۱۷ قند و شکر و ادویه از هند و جاوه بوسیله کشتی به بندرعباس حمل میشد و در مقابل مخمل و ابریشم خام صادر میگردید. در اواخر قرن ۱۹ میلادی، مصرف قند در ایران بطور محسوسی افزایش یافت ودولت روسیه که تازه موفق به تاسیس کارخانه قند شده بود، در شمار فروشندگان قند به ایران درامد و دولت وقت ایران در اثر فشار انگلستان و روسیه که ایران را عرصه رقابتهای سیاسی خود قرار داده بودند، ناچار شد قند مورد نیاز نواحی شمال ایران تا اصفهان را از روسیه و قند مصرفی نواحی جنوبی تا‌پایین‌دواصفهان را از طریق واردات قند از مستعمرات انگلستان، بلژیک و فرانسه تامین کند و چون عوارض و مالیات چشمگیری به واردات قند تعلق نمیگرفت و نیز کنترل و نظارتی در زمینه مقدار واردات و نحوه عرضه و توزیع آن از سوی ایران بعمل نمیامد، لذا گرانی و ارزانی و همچنین فراوانی و یا کمیابی قند در دست وارد کننده بود و همین مسئله به دولت روسیه اجازه میداد از مسئله قند بصورت حربه‌ای برای اعمال نظرات سیاسی خود در ایران استفاده کند. با توجه به همین نکات بود که ایران در اندیشه تاسیس کارخانه قند در کشور برآمد و بالاخره اولین کارخانه قند در سال ۱۲۷۲ شمسی بوسیله یک شرکت بلژیکی در «کهریزک» واقع در جنوب تهران نصب گردید. ولی این کارخانه پس از سه دوره بهره برداری بسبب عدم برخورداری از حمایت دولت ، در عرصه رقابت با وارد کنندگان قند که برای از پا دراوردن بنیه کارخانه تازه تاسیس کهریزک با استفاده از اشفتگی اوضاع اقتصادی و بازرگانی ایران ، قند وارداتی را به بهای بسیار نازلی به بازار فروش عرضه میکردند، تاب مقاومت نیاوردو از ادامه کار منصرف شد تا اینکه در سال ۱۳۱۰ شمسی مطابق با ۲۴۹۰ شاهنشاهی بدستور اعلیحضرت رضا شاه کبیر با تکمیل ماشین آلات کارخانه، بهره برداری از اولین واحد تولید قند ایران مجدداً آغاز شد.

رضا شاه کبیر که به توسعه صنایع داخلی و تامین نیازهای کشور از منابع داخلی علاقه داشتند، دستور دادند کارخانجات قند دیگری خریداری و در نقاط مختلف کشور نصب شود. از این رو در سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی کارخانه قند کرج با تولید روزانه ۳۵۰ تن و سپس در سال ۲۴۹۴ کارخانه‌های قند شاه‌آباد در کرمانشاهان و

اولین بار کدام کشور قند ساخت... و اولین بار کدام کشور کارخ

نوار ترانسپورت (حمل) خلال‌های چغندر که از اسیاب خلال تا دیگهای مخصوص شربت‌گیری امتداد یافته است

مرودشت شیراز نیز با همین ظرفیت احداث و بهره‌برداری از آنها آغاز شد. با نتایجی که از بهره برداری این کارخانه‌ها بدست آمد، در راه توسعه صنعت قندسازی در ایران کوشش فراوانی بعمل آمد، بطوریکه قبل از شهریور ۲۵۰۰ شاهنشاهی، هشت کارخانه قند در ایران احداث شده بود.

جنگ جهانی دوم موجب رکود و اختلال صنایع ملی کشور از جمله صنعت قند گردید. میزان کشت چغندر کاهش یافت و تولید کارخانجات قند کشور که قبل از جنگ ۳۵ هزارتن بود، ناگهان تا ۱۴ هزارتن پائین آمد.

برنامه‌های عمرانی کشور و پیشرفت صنایع قند

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و رفع تنگناهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناشی از آن و بار دیگر پیشرفت صنایع کشور از جمله صنعت قند آغاز شد و در اولین برنامه هفت ساله عمرانی ایران که از سال ۲۵۰۷ به مرحله اجراء درآمد ، اعتبار قابل توجهی برای توسعه صنعت قند اختصاص یافت و دو کارخانه بزرگ قند که ظرفیت روزانه هر کدام ۷۰۰ تن در روز بود از چکسلواکی خریداری و در رضائیه و تربت حیدریه نصب و مورد بهره برداری قرار گرفت و به این‌ترتیب ظرفیت کارخانه‌های قند کشور از ۴۲۰۰ تن در سال ۲۵۰۰ به روزانه ۵۶۵۰ تن در سال ۲۵۱۰ افزایش یافت.

در پایان برنامه اول تعداد کارخانه‌های قند به ۱۳ کارخانه و تولید قند و شکر به ۸۴ هزارتن در سال بالغ شد که این رقم تنها یك چهارم نیازهای کشور را تامین می‌نمود و دولت ناچار بود ۲۶۹ هزار تن قند نیز از خارج وارد کند.

آنچه در تاریخ قند ایران از یاد نخواهد رفت و همواره چون ستاره صبحگاهی در آسمان تاریخ این کشور کهنسال درخشان باقی خواهد ماند، «قانون انحصار قند و شکر» و احداث راه‌اهن ایران است که با استفاده از عوائد حاصله از انحصار قند و شکر صورت پذیرفت. به این ترتیب که رضاشاه کبیر در سال ۱۳۰۴ شمسی قانون انحصار قند و شکر را بمرحله اجراء در آوردند و بموجب آن وارد کردن قند و شکر و فروش آن در کشور و نیز احداث و بهره‌برداری از کارخانه‌های قند انحصاراً به دولت واگذار شد و مقرر گردید عوائد حاصله از این انحصار بمصرف احداث راه‌آهن سراسری ایران برسد و چنانکه میدانیم این طرح بزرگ اقتصادی در اندك زمانی بمرحله

اجراء درامد ، ولی چون ادامه انحصار کامل قند و شکر موجب رکود صنایع قند میشد از آغاز برنامه عمرانی دوم، تولید و یا وارد کردن قند وشکر بر اساس مقررات خاص ،ازاد شد و امکان فعالیت در صنایع قند در دسترس بخش خصوصی قرار گرفت و به دنبال آن در سال ٢٥١٥ از سوی این بخش یك کارخانه تصفیه شکر زرد به ظرفیت روزانه ١٤٠ تن در اهواز تاسیس شد و سال بعد نیز کارخانه قند فریمان خراسان با ظرفیت روزانه یکهزار تن چغندر قند از طرف این بخش احداث گردید.

احداث کارخانه‌های قند جدید در کشور و به موازات آن توسعه کارخانه‌های موجود ، در برنامه‌های عمرانی دوم تا پنجم همچنان ادامه یافت، بطوریکه تعداد کارخانه‌های قند در سال ١٣٤٠ شمسی (٢٥٢٠ شاهنشاهی) به ١٧ کارخانه و در حال حاضر به ٣٣ کارخانه رسیده است . همچنین ظرفیت روزانه کارخانه‌های قند کشور نیز از ٤٢٠٠ تن در سال ٢٥٢٠ به ٤٦٢٥٠ تن چغندر در سال جاری بالغ گردیده

انه‌قندساخت؟

است.

بعلاوه در حال حاضر یك کارخانه نیشکر در هفت تپه با ظرفیت روزانه ٥ هزار تن و سه کارخانه تصفیه شکر نیز با ظرفیت ٤٢٥ تن در روز در ورامین ، اهواز و شاهرود سرگرم فعالیت هستند.

کارخانه‌های قندسازی ایران ، ظرفیت فعلی و اولیه و نیز سال تاسیس انها در جدولی که در این رپرتاژ بطور جداگانه چاپ شده ، ذکر گردیده است.

میزان تولید و مصرف سرانه قند

کارخانه‌های قند سازی ایران در سال ٢٥٢١ شاهنشاهی جمعاً ١٥٣٣١٥ تن قند و شکر تولید کرده‌اند. این رقم در ٥ سال بعد به ٢٢٠ هزار تن و در سال ٢٥٣٠ به ٥٨٥ هزار تن بالغ گردیده است.

بررسی امار مربوط به تولید قند و شکر کشور از سال ٢٥٠٠ تاکنون نیز حاکی ازرشد روزافزون تولید است. زیرا رقم تولید در سال ٢٥٣٣ به ٦٤٢٦٤٦ تن بالغ شد که نسبت به سال ٢٥٠٠ که تولید کارخانه‌ها از ٣٥ هزار تن تجاوز نمیکرد ٢٠ برابر شده است.

به موازات افزایش تولید قند مصرف ان نیز از روند روز افزونی برخوردار بوده است. بطوریکه مصرف سرانه قند که در سال ١٣١٠ (٢٤٩٠ شاهنشاهی) از ٤ کیلو در سال تجاوز نمیکرد ، در سال ٢٥١٥ یعنی تنها طی ٢٥ سال به ١٨/٤ کیلو و در سالهای اخیر به ٢٢/٦٢ کیلو در سال رسیده است. به این ترتیب طبیعی است که با وجود توسعه چشم گیر صنایع قند کشور ، میزان تولید داخلی کفاف مصرف را نمیدهد و دولت ناچار است همه‌ساله مقدار معتنابهی قند و شکر از خارج خریداری کند. با انکه رشد مصرف سرانه قند و شکر در مقابل نوسانات قیمتی قابل انعطاف می‌باشد، ولی با اعمال همین سیاست از سوی دولت، یعنی تامین قند و شکر مورد نیاز مردم از منابع خارج بوده است که در دهسال اخیر با وجود افزایش قیمت جهانی قند و شکر، بهای آن برای مصرف‌کننده ایرانی ثابت مانده است.

بالاترین رقم واردات قند و شکر مربوط به سال ٢٥٣٣ است. در این سال دولت با خرید بالغ بر یك میلیون‌تن شکر، بزرگترین خریدار قند و

لطفاً ورق بزنید

تصویر چغندرها را نشان میدهد که بوسیله نوار دستگاه تخلیه در یکی از سیلوها ریخته میشود.
دیگهای پخت شربت قند. ↓

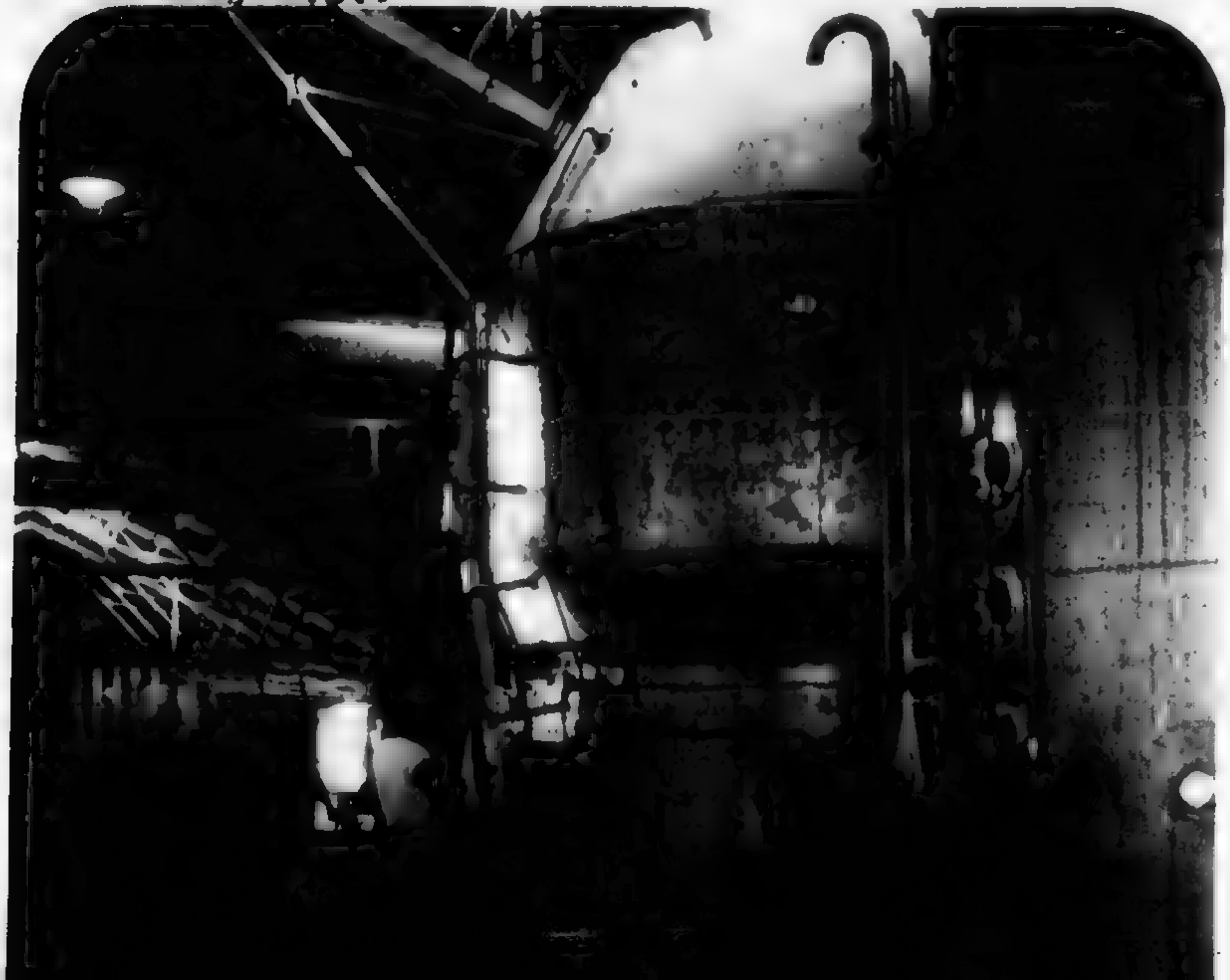

سرگذشت شیرین قند

شکر دنیا بود. در سال گذشته نیز رقم خرید شکر از بازارهای جهان بیش از ۶۰۰ هزارتن بوده است.

گزارش از: محمود آشوری

تااینجا اطلاعاتی راجع به شکر و صنعت قندو قندسازی از زمانهای دور تاکنون دراختیار شما خوانندگان عزیز «رستاخیز کارگران» گذاشته شد واینك برای نمونه، به یك کارخانه قند میرویم تا از نزدیك با طرزکار ان نیز اشنا شویم و همچنین گپ و گفتگوئی با کارگران کارخانه داشته باشیم. کارخانه قند کرج را برای این بازدید انتخاب کردهایم.

کارخانه قند کرج، همانطور که از کتیبه سنگ مرمری سردر کارخانه اشکار است، در اذرماه سال ۱۳۱۱ هجری شمسی-۲۴۹۱ شاهنشاهی (درست ٤٤ سال پیش) بدست توانای اعلیحضرت رضاشاه کبیر افتتاح شده واکنون نیز با موفقیت و سربلندی بکار خود ادامه میدهد، و قبلاً خواندید که طی این مدت، چندبار هم ظرفیت کارخانه افزایش داده شده است.

دستگاه عظیم تخلیه

درباغ کارخانه که از درختان کهنسالی پوشیده شده و هرکدام بهتنهائی گذشت ایام و ٤٤ سال تلاش و کوشش را بازگو میکنند، با دستگاه عظیمی روبرو میشویم که کار تخلیه چغندرها از کامیونهای حامل چغندر که وارد کارخانه میشود، نخست در باسکول وزن میشود و سپس روی دستگاه تخلیه که دارای کمپرس فوقالعاده نیرومندی است، قرار میگیرد و کمپرس قسمت جلوی کامیون را بالا میبرد و در نتیجه چغندرها از عقب کامیون بیرون میریزد. سپس همین دستگاه بوسیله یك نوار ترانسپورت چغندرهارا به سیلوها منتقل میکند جالبتوجه این نکته است که چغندرها در حالیکه بروی این نوار قرار میگیرند ویك راه نسبتاً دراز را تا سیلوها میپیمایند، از گل و خاك نیز تمیز میشوند و خاكهای بدست آمده مجدداً بوسیله همین دستگاه به کامیون حامل چغندر بازگردانده میشود و کامیون باردیگر به باسکول میرود و وزن میشود و سرانجام با کاهش رقم توزین اول (کامیون با چغندر) و دوم (کامیون بدون چغندر ولی با خاك چغندرها) از هم، وزن واقعی چغندر حمل شده به کارخانه بوسیله هرکامیون مشخص میشود.

سیلوها

چغندرها در این سیلوها از دور بصورت تپههای بلندی خودنمائی میکند و بتدریج از طریق کانالها براثر فشار اب، به قسمتهای دیگر انتقال مییابد.

نکته جالب در این سیلوها فنتی لاتورهای بزرگی است که در دیواره سیلوها از دو طرف درازای آنها کار گذاشته شده، و هوارا با فشار شدید بداخل سیلوها یا در واقع زیر چغندرها میفرستند تا چغندرها، بخصوص آن مقدار که در عمق قرار گرفته، نپوسد و از بین نرود و برعکس با هوای خنك و تازه نگهداشته شود، زیرا در غیراینصورت، علاوه براینکه چغندر بفوریت میپوسد و از بین میرود، عیار قند آن نیز کاهش مییابد.

علاوه براین هر یك از سیلوها به چند حرارتسنج نیز مجهز است که نتیجه کار آنها در یك اطاقك کوچك نزدیك سیلوها، روی تابلوهای الکتریکی نشان داده میشود و متصدی این قسمت از روی تابلوها حرارت داخل و عمق سیلوها را کنترل میکند.

دستگاه سنگگیر

مرحله بعدی، انتقال چغندرها از کانال زیرسیلوها به کارخانه است که طی آن بوسیله یك دستگاه «سنگگیر» گلولای و سنگ وشن همراه چغندرها نیز از ان جدا میشود و در یك حوضچه جمع میشود.

در این مرحله علاوه بر اینکار ریشهها و علفهای زائد چغندرها نیز بوسیله دستگاههای مختلف قطع میشود و از طریق کانال تا داخل کارخانه بوسیله یك انژکتور قوی، و با فشار شدید اب، حمل میگردد.

کتیبه سنگمرمر

در اینجا از در بزرگی وارد کارخانه میشویم و همانطور که قبلا اشاره کردیم، بالای این دربزرگ یك کتیبه از سنگ مرمر جلب توجه میکند که در قسمت فوقانی آن شیر و خورشید حك شده و زیر آن نوشته شده:

«درزمان سلطنت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه رضاشاه پهلوی تاسیس و در آذرماه ۱۳۱۱ افتتاح شده.»

ردیف	اسم کارخانه	سال تاسیس	ظرفیت اولیه به تن	[illegible]	ظرفیت عملی به تن در ۲۴ ساعت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	اصفهان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	کرج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

حمام سونای مجانی

گفتیم که از یك دربزرگ وارد کارخانه میشویم. قبلا درباره حرارت زیاد داخل کارخانههای قند، چیزهائی شنیده بودیم، ولی هرگز تصور نمیکردیم که درجه حرارت داخل یك کارخانه قند، انقدر بالا باشد که همه کارگران در این سرمای شدید بازیرپوش کار کنند و چون تابستان هیچ پوشش اضافی نداشته بند. بهر جهت ما وارد چنین محیط گرمی شدیم، در حالیکه خود را با لباسهای گرم زمستانی مجهز کرده بودیم و در نتیجه تا لحظهای که در کارخانه بودیم، گوئی در داخل یك حمام سونا مشغول کم کردن وزن خود هستیم و مرتب از سروورویمان عرق میریخت

شستشوی چغندر

بهرصورت گفتیم که چغندرها از طریق یك کانال و براثر فشار شدید اب وارد کارخانه میشود و اینك اضافه کنیم که این کانال در داخل کارخانه نیز امتداد مییابد تا اینکه چغندرها به یك حوضچه واقع در زیر یك چرخ بزرگ که قطر آن شاید بیشتر از ۷ متر باشد میریزد. این چرخ با خارهائی که روی آن تعبیه شده چغندرها را از داخل حوضچه روی یك دستگاه دیگر برای شستشوی نهائی منتقل میکند. ناگفته نماند که در خیلی از کارخانههای جدید این مرحله دستگاهی بنام «لاور» نصب شده که برای اخرینبار چغندر را شستشو میدهد و سپس به مخزنی بنام «بونکر» میفرستند تا از انجا برای خلال شدن به اسیاب فرستاده شود.

نوار ترانسپورت

چغندرها در بونکر انبار میشود و بتدریج و با فشار از این دستگاه به آسیابها منتقل میگردد و در آسیابها نیز خلال شده و روی نواری بنام «ترانسپورت» قرار میگیرد.

خلالهای چغندر بوسیله نوار ترانسپورت به مخازنی جهت گرفتن شربت انتقال مییابد.

در این دستگاهها همراه خلالها اب جوش صددرجه نیز وارد میشود و سپس با حرارت بخار عصاره ان گرفته میشود و این شربت و یا عصاره ماده اولیهای است که از این به بعد طی مراحلی بصورت شکر و سپس قند درمیاید.

مرحله طباخی

بسراغ شربت قند پاك و خالص میرویم و مراحل بعدی را دنبال میکنیم. گفتیم که شربت قند از صافیهائی عبور داده میشد. بعد از این مرحله وارد مخازن جدیدی میشود که هر یك از انها حدود ۴۰۰متر مکعب یا کمی بیشتر گنجایش دارد و در این مرحله کار تبخیر اب شربت انجام میشود و سپس مرحله طباخی فرا میرسد که از پخت اول ان شکر سفید و از پخت دوم شکر زرد و از پخت سوم شکر قرمز بدست میاید. جالب توجه این نکته است که شکر زرد و قرمز نیز در کارخانه طی مراحلی مجدداً با شربت قند مخلوط میشود و سرانجام به شکر سفید تبدیل میشود. در این زمینه ناگفته نماند که از پخت سوم ملاس چغندر بدست میاید که در این قسمت از مدار قندسازی کارخانه خارج میشود و برای تهیه الکل و مواد دیگر به کارخانههای سازنده ان فروخته میشود.

تهیه شکر

در مرحله تهیه شکر باید به معرفی دستگاه جالبی نیز بپردازیم که در نتیجه گردش فوقالعاده زیاد خود و خاصیت گریز از مرکز شربت غلیظ شده قهوهای رنگ را بشکر سفید تبدیل میکنند.

این دستگاه که ((سانتری فوژ))نامیده میشود، بدور محور خود در هر دقیقه ۱۵۰۰ بار گردش میکند و در هر دفعه بارگیری حدود ۳۰۰تا چهارصد کیلو شربت غلیظشده را در خود جای میدهد و ظرف یك تا دو دقیقه و نیم (روی تنظیم قبلی) بار خود را بصورت شکر سفید درآورده و تحویل میدهد.

شکر سفید از این مرحله نیز به مرحله خشككنی میرود و طی عملیاتی رطوبت ان گرفته میشود و سپس الك شده و بصورت شکر درجه یك و درجه دو و درجه ۳ در میاید. شکر درجه یك از همه درشتتر و درجه دو کمی ریزتر از آن و درجه ۳ خاك شکر است.

قسمت قند سازی

در باره این مرحله نخست این نکته را بگوئیم که در کارخانه قند کرج، فقط قند حبهای تولید میشود و دستگاههائی که این نوع قند را میسازند، ساخته یك کارخانه داخلی و متعلق به بخش خصوصی است که تمام قسمتهای ان بوسیله مهندسان و کارگران خودمان ساخته و پرداخته شده است و از نظر طرز کار و میزان تولید نیز بسیار مهم است.

برای تهیه قند ابتدا شکر درجه یك را دوباره حل میکنند و پس از عبوردادن از صافیهای مکانیکی به دیگهای پرس هدایت میکنند و سرانجام از این پرسها بصورت قند حبهای خارج میشود و پس از خشكشدن در قسمت گرمخانه و بستهبندی به بازار عرضه میگردد.

گفتگو با کارگران

تااینجا کوشش شد که شمهای کوتاه از نحوه کار یك کارخانه قند برای خوانندگان عزیز رستاخیز کارگران تصویر شود و اینك بسراغ کارگران این کارخانه میرویم و درضمن با رئیس آن نیز گفتگوئی بعمل میآوریم.

باآقای رضا ابوئی، سرپرست تصفیهخانه اشنا میشویم. ابوئی متولد ۱۳۰۵ درهمدان است و در سال ۱۳۱۳، یعنی دوسال پس از افتتاح کارخانه به استخدام درآمده و همچنان نیز مشغول انجام وظیفه است.

او انچنانکه خودش میگوید، دربدو استخدام با روزی ۶ریال حقوق بعنوان کمك توربینیست بخار وارد کارخانه شده و جزو کارگران دائمی کارخانه است و از مزایای بازنشستگی و بیمههای اجتماعی نیز استفاده میکند.

ابوئی میگوید: ۷اولاد دارم که بزرگترین انها دبیر هنرستان صنعتی کرج است و دومی نیز که ۲۲سال دارد، در امریکا در رشته راه و ساختمان مشغول تحصیل میباشد.»

او گله میکند که هزینه تحصیل در امریکا بسیار گران است و من با وضع فعلی و این حقوق نمیتوانم هزینه تحصیل فرزندم را تامین کنم و با اینکه از طریق صندوق رفاه دانشجویان و صندوق کمك به اموزش فرزندان کارگر که چندی پیش منحل شد، اقداماتی بعمل اوردهام، ولی نتیجهای عاید نشده است، درحالیکه دلم میخواهد این فرزندم هرطور شده برای ادامه تحصیل خود متعهد شود تا حتماً به وطن بازگردد.

قدیمیترین کارگر

با پیرمرد لاغراندام و تکیدهای اشنا میشویم که خود را براتعلی افسری معرفی میکند و متولد سال ۱۲۹۰ شمسی است و قدیمیترین کارگر درکارخانه بشمار میرود، زیرا از سال ۱۳۰۹ یعنی دوسال قبل از افتتاح کارخانه درجریان حداث ان در ان مشغول فعالیت شده و تاکنون نیز انجام وظیفه میکند.

براتعلی نجار است و چون ساختمانهای اولیه کارخانه بیشتر با چوب بودهٔ بدین جهت عدهای نجار هم در کارخانه قند کرج از ابتدا مشغول کار شدهاند.

یك ریال مزد

براتعلی میگوید: در مهرماه سال ۱۳۰۹ به استخدام کارخانه درامدم. ناگفته نماند که دران موقع کارخانهای وجود نداشت و فقط دراین زمین پهناور که اطرافش نیز ساخته نشده بود دو بیابان برهوت بود، چند چادر برای کارگران زده بودند و انها مشغول ساختمان کارخانه بودند. اولین کارمن تراشیدن میخهای چوبی بود که برای برپاداشتن چادرها و بستن طناب انها در زمین فرو میکردند. دران موقع روزی یك ریال مزد میگرفتم.

خاطره افتتاح

از خاطراتش سئوال میکنم، میگوید:

-«هیچگاه جریان تشریف فرمائی اعلیحضرت رضاشاه کبیر را برای افتتاح کارخانه و اوامری که صادر فرمودند ، از یاد نمیبرم . اذر ماه بود و هوا سرد، انروز پس از انکه اعلیحضرت تشریف فرما شدند و کارخانه را مورد بازدید قرار دادند، بخصوص وقتی تولیدات انرا مشاهده فرمودند، سروری وصف ناپذیر تمام چهرهشان را فرا گرفت و همه کارگران از اینکه میدیدند رهبر مملکت از نتیجه کار انها راضی است، بهم تبریك میگفتند و بسیار خوشحال بودند، و این خوشحالی موقعی افزایش یافت، که اعلیحضرت به رؤسای کارخانه امر فرمودند قندها را بین کارگران تقسیم کنند. در ان روز مقدار زیادی قند شمش که نخستین محصول کارخانه بشمار میرفت، بمعرض تماشا گذارده شده بود و هیچوقت یادم نمیرود وقتی که بازدید تمام شد و کارگران ساعتی بعد رهسپار خانههای خود شدند، هریك از انها چند بسته قند بهمراه داشتند و میرفتند تا کام خود و خانوادهاشان را شیرین کنند. خلاصه پس از افتتاح کارخانه از بین نجاران، دو نفر، یکی من و یك کارگر دیگر بعنوان نجار دائمی در کارخانه استخدام شدیم و امسال نیز پس از پایان دوره بهرهبرداری فعلی، بازنشسته میشوم.»

از حقوق و مزایایش سئوال میکنم، میگوید:

-«در حال حاضر ۵۲ تومان حقوق منست و با داشتن شش بچه و گرانی فعلی، در مضیقه بسر میبرم.»

از بچهها سئوال میکنم، براتعلی میگوید: «بزرگترین فرزندم جواد افسری، در فرهنگ و هنر مشغول کار است.و کوچکترین انها عبدالحمید افسری است که در کنکور اعزام قبول شده و پذیرش او هم از امریکا، امده ولی من بهیچوجه نمیتوانم هزینه تحصیل او را تامین کنم. برادرش هم که در فرهنگ و هنر است، از تامین این هزینه عاجز است چهار فرزند دیگرم دو پسر و دو دختر هستند که دخترها شوهر کرده و به زندگی خویش سرگرم میباشند.»

از میزان سود ویژه سال گذشته براتعلی سئوال میکنم، میگوید: «سال پیش با پاداش شب عید رویهم حدود سه ماه حقوق گرفتم.»

ساختمانهای ٤٤ سال پیش

بسراغ یکی دیگر از کارگران دائمی کارخانه میروم. آقای علی کرزبو متولد سال ۱۳۲٤ در بروجرد و دارای زن و یك بچه و متکفل مادرش نیز هست. علی میگوید:

- مدت هشت سال است که در کارخانه در قسمت جوشکاری کار میکنم و علاوه بر آن در قسمت مکانیکی هم تا اندازهای فعالیت دارم.

از علی در باره خانههای سازمانی سئوال میکنم، میگوید:

- البته منهم از خانههای سازمانی کارخانه استفاده میکنم، ولی این خانهها ٤٤سال پیش ساخته شده است. با اینحال چون کارخانه هنوز خانه جدیدی نساخته، جز تعداد ۲۳ دستگاه که در اختیار رؤساو کارمندان است، ما ناگزیر هستیم که با ان اتاقهای قدیمی بسازیم.

چندی پیش یك اتاق در جوار اتاقی که تا انزمان با خانوادهام در آن زندگی میکردم با موافقت رؤسا دراختیار من گذاشته شد و از خودم مبلغ ۵۰۰ تومان برای تعمیر آن خرج کردم و اینك در آن سکنی داریم.

حقوق دوبرابر

با کارگر دیگری بنام آقای جهانگیر رستمی آشنا

بقیه در صفحه ۴۸

از: دکتر علی‌الله همدانی

مزد و حقوق کارگر

بحث و بررسی درباره قانون کار

مزد کارگر زن و مرد، برای کار مساوی، یکسان است

کارگران عزیز ، ما در آغاز بحث در مورد مزد و حقوق خاطر نشان ساختیم که مزد را از جنبه‌های مختلف آن برای شما مورد بحث و گفتگو قرار میدهیم. زیرا از یك سو، مزد و حقوق یکی از مهمترین مسائلی است که مورد علاقه کارگران است و دوستان عزیز کارگر به موضوع مزد بیش از هر موضوع دیگری علاقمندی نشان میدهند و بهنگام بحث و گفتگو در مورد این موضوع، بیش از هر موضوع دیگری در مورد آن اظهارنظر میکنند، زیرا زندگی آنها بدان بستگی دارد. ثانیاً مزد هم از جنبه اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی مورد توجه است، بهمین لحاظ ، مزد در این سلسله مقالات باید از هر دو لحاظ مورد امعان نظر قرار گیرد، ثالثاً مساله ارتباط مزد با بهره‌وری کار، از یك‌سو و مزد با طبقه‌بندی مشاغل از سوی دیگر، مسائلی است که ما طی مقالات خود مورد بررسی قرار خواهیم داد. معذلك قبل از پرداختن به مسائلی که از آن یاد شد، به قسمتهای دیگری از قانون کار، در زمینه مزد که در گذشته از آن سخنی نگفته‌ایم، میپردازیم و آن حمایت از دستمزد است.

منظور از این عبارت آنست که گرچه کارگر حق دارد مزد خود را در هر حال دریافت دارد و این حقی است برای وی، ولی همین حق دربرابر حق و مطالبات دیگران نیز قرار میگیرد، و لذا در چنین مواردی چگونه میتوان در برابر حق کارگر و حقوق دیگران ، موضوع را حل کرد.

این مساله از این لحاظ مورد توجه است که مزدی که کارگر دریافت میدارد، اگر چه از لحاظ اقتصادی مربوط و مرتبط با کاری است که انجام داده است، ولی از لحاظ اجتماعی زندگی فعلی و آتی کارگر و خانواده وی را تامین مینماید و لذا همواره باید زندگی این گروه مورد توجه قرار گیرد و بنحوی عمل شود که حق خانواده کارگر تضییع نگردد، ولی باید خاطرنشان ساخت که تنها خانواده کارگر نیستند که از مزدی که وی دریافت میدارد ممکن است حقی داشته باشند. ممکن است افراد دیگری نیز وجود داشته باشند، از جمله کارفرما، طلبکار و دیگر افراد، نوعی ادعا نسبت به کارگر داشته باشند.در چنین صورتی، چگونه میتوان عمل کرد.

برای بحث در این زمینه نکاتی چند در قانون کار را مورد بررسی قرا میدهیم که مبین آنست که قانون کار بر آن بوده است که حتی‌الامکان حفظ حق و حقوق کارگر را مورد توجه قراردهد. ماده ۲٤ قانون کار دراین زمینه چنین مقرر میدارد: مزد کارگران در عداد دیون ممتازه کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض، حتی دیون مالیاتی تامین و پرداخت شود. در مقابل دیون کارگر نمیتوان بیش از یك‌چهارم مزد وی را توقیف کرد. همچنین کارگر نمیتواند بیش از یك‌چهارم مزد خود را در مقابل هرگونه بدهی حواله نماید، مگر آنکه در مورد بدهی راجع به خرید اجناس ضروری زندگی از قاعده فوق مستثنی بوده و تابع مقررات قانون مدنی میباشد.

بطوریکه ملاحظه میشود قانون کار ناظر بر آن است که در جهت حفظ حمایت از مزد و حقوق کارگر بمنظور حفظ خانواده وی ، مقرراتی پیش‌بینی نماید که حتی‌الامکان زندگی خانواده کارگر تامین گردد.

در ماده ۲٤ قانون کار، بمنظور نیل بدین هدف چند مساله مورد توجه قرار گرفته است:

اولا : مزد و حقوق کار جزء دیون ممتازه کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض، حتی دیون مالیاتی تامین و پرداخت شود.

منظور از دیون ممتازه آنست که باید رودتر از هر دین دیگری پرداخت گردد. البته در قوانین دیگری که در زمینه‌های مختلف نوشته شده است، برخی دیون دیگر نیز دیون ممتازه شناخته شده است. مثلا در قانون تامین اجتماعی نیز بدهی کارفرما به سازمان مذکور جزء دیون ممتازه شناخته شده و باید قبل از هر دین دیگری پرداخت شود. در قانون صندوق کارآموزی نیز ۲ درصد صندوق جزء دیون ممتاز شناخته شده است.

حال بهبینیم قانون تصفیه امور ورشکستگی در این زمینه چه میگوید؟.... زیرا تنها هنگامی مساله دیون مختلف کارفرما مطرح میگردد که فوت نماید و یا ورشکسته شود ودولت در صدد تصفیه امور وی برآید.

ماده ۵۸ قانون مذکور چنین مقرر میدارد: بستانکارهائی که دارای وثیقه‌اند به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرارداده میشوند، طلبهائی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده طلبهائی که دارای وثیقه نبوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید میشود.

الف: حقوق خدمه خانه برای مدت سال اخر قبل از توقف

ب: حقوق خدمتگزاران، بنگاه ورشکسته برای مدت ششماه قبل از توقف

ج: دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف

قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۱۹ نیز در مورد فوت کارفرما و وظیفه ورثه‌اش چنین مقرر میدارد: در موقع تقسیم دیونی که بموجب قوانین دارای حق‌تقدم و رجحان هستند، رعایت خواهند شد، بستانکاران زیر هریك به ترتیب حق‌تقدم بر دیگران دارند:

طبقه۱

الف- حق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از فوت

ب- حقوق خدمتگزاران بنگاه متوفی برای شش‌ماه قبل از فوت

ج- دستمزد کارگران که روزانه یا هفتگی مزد میگیرند برای مدت سه ماه قبل از فوت.

طبقه دوم:

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره متوفی بوده نسبت به دیونی که متوفی از جهت ولایت یا قیمومت مدیون شده است. این طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که فوت در دوره قیمومت یا ولایت در ظرف یکسال بعد از آن واقع شده باشد.

طبقه سوم:

طلب پزشك و داروفروش و مطالعاتی که به صرف مداوای متوفی و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از فوت رسیده است.

طبقه چهارم:

نفقه زن

مهریه زن تا میزان ده هزارریال

طبقه پنجم:

سایر طلب کاران

و بطوریکه ماده ۱۹ قانون متمم بودجه مملکتی سال ۱۳۱٤ مقرر داشته است وزارت مالیه برای وصول مالیات و عوارض مال‌الاجاره و حق‌الامتیاز و منابع جرائم مربوط به آنها حق تقدم خواهد داشت.

به ترتیبی که ملاحظه میشود، اولاً نوعی تکرار رجحان و امتیاز در میان طلب‌کاران متوفی یا ورشکسته وجود دارد، بدین معنی همان طور که خاطرنشان ساختیم قوانین مختلف، طلب مورد نظر ممتازه تشخیص داده‌اند و تاکنون که ملاحظه کردیم چهار قانون، یعنی قوانین مالیاتی، قانون تامین اجتماعی، قانون صندوق کارآموزی و قانون کار دین کارفرما را جزء دیون ممتازه دانسته و باید قبل از هر دین دیگری پرداخت گردد و این تکرار عملاً مشکلاتی بوجود می‌آورد و باید دید که بین این دیون ممتازه کدام یك ممتازتر هست. بهر تقدیر این مشکل باید حل گردد.

مساله دیگر اینکه هدف قانونگزار، در قانون کار از این امر که مزد و حقوق کارگر جزء دیون ممتازه بوده و قبل از هر دینی باید پرداخت شود، حمایت از کارگر که مزد و حقوق اندکی دریافت میدارد و زندگی وی بستگی بهمان مزد و حقوق دارد، در برابر دیگر دین‌هاست و بطوریکه از قوانین امور ورشکستگی و حسبی هم برمی‌آید، آنها نیز حقوق کارگران و مزد بگیران را مقدم بر دیگر طلب‌کاران دانسته‌اند و مقرر داشته‌اند که اول اینان بتوانند حقوق و مزد خود را دریافت دارند.

موضوع دیگری که قانونگزار در جهت حفظ و حمایت از حقوق و مزد کارگر پیش‌بینی کرده است، قسمتی از ماده ۲٤ قانون کار میباشد که می‌گوید، در مقابل دیون کارگر نمیتوان بیش از یك چهارم مزد او را توقیف کرد. فلسفه این امر نیز کاملاً روشن است و آن حمایت از زندگی کارگر و خانواده‌اوست، زیرا کارگر و خانواده‌اش تنها بوسیله و بکمك همین مزد زندگی خود را اداره می‌کنند و لذا اگر بیش از یکچهارم مزد توقیف شود، به زندگی آنها خلل وارد میگردد.

مساله دیگر آن که خود کارگر هم نمیتواند بیش از یك چهارم مزد خود را در مقابل هرگونه بدهی حواله نماید مگر در مورد بدهی راجع به خرید اجناس ضروری زندگی که از شرکتهای تعاونی خریداری نموده باشد.

در اینجا قانون کار به کمك خانواده کارگر آمده است و مقرر میدارد، کارگر نمیتواند بیشتر از یکچهارم حقوق و مزد خود را حواله نماید، زیرا عملاً این امکان وجود دارد که کارگر در اثر سهل‌انگاری و مشکلات و گرفتاریهائی که خود برای خودش فراهم می‌آورد، ملزم و مجبور به پرداخت قسمتی از حقوق خود بشود و در این صورت نیز بیش از یکچهارم مزد خود را نمیتواند حواله کند.

بالاخره در پایان ماده ۲٤، نفقه و کسوه افراد واجب‌النفقه کارگر از قاعده فوق مستثنی گردیده و تابع قانون مدنی شده‌اند و مواد ۱۱۰٦تا ۱۱۱٤ قانون مدنی مقرراتی در مورد نفقه و کسوه زن و اولاد همه افراد شخص ساخته است.

علاوه بر آنچه در قانون کار در مورد مزد کارگران مقرر گردیده و ما در طی چندین مقاله بدان اشاره کردیم، چند نکته دیگر باقی مانده است که باید به آن نیز پرداخت.....

این نکات عبارتند از مزد کارگر زن و مرد، برای کار مساوی یکسان است.

برابر بودن مزد کارگر زن و مرد در برابر کار برابر ناشی از مقاوله نامه‌ای بین‌المللی است که در همین زمینه به تصویب رسیده وسرانجام ناشی از رعایت عدالت و نصفت میباشد. البته روزگاری کارهای سنگین و مشکلی وجود داشت که نیاز به زور بازو و قدرت بدن داشت و شاید تعداد و موارد این کارها همیشه خیلی بیشتر بود و تنها مردان قادر بودند این قبیل کارها را انجام دهند و یا کارهای مهم و دقیق بعلت قدرت فکری مردان به آنها سپرده میشد و در نتیجه ضرورتاً میبایستی حقوق بیشتری به آنها پرداخت شود. ولی امروز از یك طرف کار با ماشین نیاز به قدرت فکر بیشتر، توجه و دقت بیشتری دارد، نه زور بازو، و از سوی دیگر زنان نیز با دانش‌اندوزی و علم‌آموزی قدرت تفکر و اندیشه و دقت خود را افزایش بخشیده‌اند و قادرند، همپای مردان در کارخانه، در مدرسه، در کارگاه، در دانشگاه و در آزمایشگاه کار کنند و دلیلی ندارد که برای کار برابر مزد کمتری دریافت دارند.

وانگهی، امروز مزد برای شغل در نظرگرفته میشود و نه شاغل، بدین معنی که هیچگونه توجهی بدان نمیشود که این کار را که مزد معینی دارد چه کسی انجام میدهد، مرد یا زن، بلکه هرکس آن را انجام داد، مزد خود را دریافت خواهد کرد.

لذا بر این اساس است که مزد کارگران زن و کارگران مرد برای کار برابر، مساوی میباشد. البته باید دانست برای اینکه زنان و مردان برای کار مساوی از مزدی مساوی استفاده کنند، مبارزات اجتماعی بسیاری انجام یافته است، زیرا در گذشته این فکر همواره وجود داشته است که مردان به سبب قدرت بدنی، بهتر و بیشتر کار میکنند، و مبارزات اجتماعی و همچنین وجود تکنولوژی سبب شد که این اندیشه بتدریج ارزش خود را از دست بدهد و همگان بپذیرند که مردان و زنان میتوانند کارهای برابر انجام دهند.

میزگرد «رستاخیز کارگران» با شرکت نمایندگان سندیکای کارگران فروشگاه بزرگ ایران وشرکت سوپراستورهای ایران:

در طبقه‌بندی مشاغل کارگران فروشگاهها

کسانیکه وضعی مشابه دارند باید مزایای مساوی داشته باشند

شرکت کنندگان در میزگرد:

۱- محمد هاشمی نژاد: نماینده کارگران شرکت گروه سوپراستورهای ایران (فروشگاه جاده پهلوی)
۲- علی شجاعی: عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فروشگاه بزرگ ایران و شعب آن
۳- شجاع موسوی: دبیرسندیکای کارگران فروشگاه بزرگ ایران و شعب آن
٤- فرامرز عهدیه: رئیس هیات مدیره سندیکا
٥- میراصغر جدادی: نماینده کارگران

ایجاد حسن رابطه بین سندیکا و کارفرما، موجب بازدهی بیشتر برای کارفرما و دلگرمی کارگر خواهد شد

رستاخیز کارگران: این نخستین بار است که با شما دوستان عزیز گفتگو داریم، و بطور قطع، آخرین بار نخواهد بود، چه مجله «رستاخیز کارگران» متعلق بشما و همه کارگران کشور است. از اینرو، هر زمان بمقتضائی با شما در تماس خواهیم بود. با تشکر از حضور شما کارگران عزیز که در جلسه امروز ما شرکت کرده‌اید، خواهشمندیم مطالب و مسائل خود را با توجه به مقررات و قوانین محیط کار مطرح بفرمائید.

محمد هاشمی‌نژاد (نماینده کارگران شرکت گروه سوپراستورهای ایران): خوشوقتم که زندگی ما در زمانی جریان دارد که انقلاب شاه و ملت، با مواهب دوران سازخود، بر تاریخ ایران رقم خورده و تمامی افراد مملکت اعم از کارگر، کشاورز و دیگر طبقات کشور از مزایای آن بهره‌مند شده‌اند و باز خوشحالم در زمانی زندگی میکنیم که حزب رستاخیز ملت ایران پا گرفته و همه مردم، بخصوص کارگران در آن فعالیت چشم‌گیری دارند. با این وجود جای تاسف است که در این عصر پرافتخار، گاه موردی وجود داشته باشد که کارگران از سود ویژه استفاده نکنند

این مورد قبول است که در پرتو انقلاب، زندگی کارگران پیشرفت کرده و از رفاه همه جانبه‌ای برخوردار شده‌اند، ولی بدان معنی نخواهد بود که در بعضی موارد حق آنان تضییع شود. مثلا کارگرانی از نوع کارگران فروشگاهها از سودویژه محروم مانند. حزب رستاخیز ملت ایران تمامی طبقات را در یك سطح قرار داده، چگونه ممکن است طبقه کارگر را بدودسته تصور کند، یعنی عده‌ای را مش ول گرفتن سودویژه و بهره‌مند از سرویس آمد و فت و دیگر مزایا سازد و دسته دیگر را که امکاناتشان کمتر و محدودتر است، از این مزایا محروم کند.

رستاخیز کارگران: پرداخت سودویژه بکارگرانی تعلق میگیرد که بازده کارشان شامل تولیدات گردد. بعبارت دیگر، در قانون بصراحت مده است که سودویژه را بتولید کنندگان پرداخت نمایند. در مورد شما آیا نص قانونی وجود دارد که براساس آن بتوانید مطالبه حق کنید؟

هاشمی‌نژاد: چون تولیدات را کارگران صنف ما عرضه میکنند، بنابراین اهمیت شغلی ما از تولیدکنندگان کمتر نیست. مضافاً به اینکه، کارفرما از طریق شغل نیز بهره‌هائی عایدش میشود، بعلاوه ما قصد آن نداریم که رجحانی برای خود قائل شویم و نسبت بکارگران شاغل در کارگاهها ارجحیتی بخود بدهیم، بلکه استدعایمان این است که چون برصنف ما نیز «کارگر» اطلاق میشود، ما هم در سطح دیگر کارگران قرار گیریم. کارگران فروشگاهها، سرویس ندارند. بجز سه یا چهار فروشگاه که کارگرانشان سندیکا دارند و نسبتاً از امتیازاتی برخوردارند، دیگر کارگران فروشگاهها، از این هم محروم هستند و علاوه بر اینکه سرویس ندارند، ساعت کار شخصی هم برایشان منظور نشده است. از آنچه گفته شد، چنین استنتاج میکنیم در جائیکه کارگران تشکل و تحت لوای سندیکا میتوانند بحقوق حقه خود دست یابند، بطور مسلم جائی که سندیکا نباشد، هرگز حقوق کارگران بدانگونه که در قانون پیش‌بینی شده، احقاق نمیشود. تقاضای من این است که سازمانهای ذیصلاح نسبت به برقراری سهم سودویژه کارگران فروشگاهها اقدام کند. البته لازم میدانم تذکری هم بدهم و آن اینکه در سومین کنگره کارگران ایران پرداخت سود ویژه به تمام کارگران بتصویب کنگره رسید و امیدواریم بتصویب قانونی هم برسد.

مورد دیگر اینکه چون پرداخت پاداش آخر سال بکارگران فروشگاهها نیز مجوز قانونی ندارد، اکثر کارفرمایان حتی پاداش یکماهه آخر سال کارگران را نیز نمیپردازند. بنابراین کارگران صنف ما نه تنها سودویژه دریافت نمیکنند، بلکه پاداش آخرسال نیز به آنها داده نمیشود. اگر شکایتی هم بکنند، چون نص قانونی وجود ندارد، طبعاً به شکایتشان توجه نمیشود. استدعا داریم در این خصوص مقامات مسئول اقدام عاجلی بعمل آورند.

سومین موضوع، مسئله سرویس است، اغلب کارگران ما در نقاط دوردست تهران و نقاط غربی و جنوبی زندگی میکنند، و برای رسیدن بکار خود، باید مبلغی از حقوقشان صرف هزینه ایاب و ذهاب شود. از اینرو، طول مسافت، اعصاب آنها را خراب میکند و وقتی در محل کار خود حاضر میشوند، کارشان نمیتواند مثمرثمر واقع شود، در این صورت کارفرما هم ضرر میکند. کارگر از این جهت ضرر متوجهش میشود که بازده کارش بحداقل میرسد.

حال آنکه با صرفه‌جوئی در مقدار وقتی که برای رفتو آمدشان صرف میشود، میتوان بازده کار را بحداکثر رسانید. امیدواری من اینست که در این زمینه نیز اقداماتی بعمل آید.

شجاع موسوی (دبیر سندیکا): من هم از اینکه سایه رهبر اندیشمند انقلاب و لوای حزب رستاخیز ملت ایران بالای سرمان است، اظهار مباهات میکنم.

میدانیم در مورد رفاه حال کارگران فروشگاهها از سوی مقامات موثر مملکتی توصیه‌هائی بعمل آمده است. و هر فروشگاهی در مرحله نخست باید شرایط خاصی را دارا باشد که کارگران آن از تمام شرایط و امتیازات کارگاهی برخوردار باشند. مهمتر اینکه در فروشگاههای بزرگ اعمال مدیریت صحیح لازم است که هم بتوان بمردم سرویس داد و هم کارگرانی را که در آنجا کار میکنند راضی نگاهداشت. یکی از شرایط کارگاهی که عرض کردم، بهداشت کارگاه است، بخصوص در مورد فروشگاهها که بمنزله اماکن عمومی هستند و همه مردم به آنها مراجعه میکنند. چون ساعت‌کار فروشگاههای بزرگ ایران صبحها از ساعت ۹ تا ۱ بعد از ظهر و از ۳/۵ بعداز ظهر تا ۸ شب است، کارگرانی که بعنوان فروشنده انتخاب شده‌اند و از دورترین نقاط شهر بایستی به محل کارشان بیایند، اولا ساعت ۷ صبح باید حرکت کنند تا بموقع سر کارشان حاضر شوند. فاصله بین یك تا سه‌ونیم بعد از ظهر هم از آنجائیکه مدت ناچیزی است، بخصوص با این وضع ترافیك، نمیتوانند بمنازل خود رفته و ناهار صرف کنند و مراجعه کنند. از اینرو، این ساعات را باید بهدر بدهند، مضافاً به اینکه معلوم نیست چه مبلغی باید بپردازند تا بدینوسیله ناهار صرف کنند.

متاسفانه فروشندگان فروشگاههای بزرگ در نخستین روزهای استخدام فقط ۷۲۰ تومان حقوق ماهانه دریافت میدارند. این مبلغ پاسخگوی آن نیست که با توجه به هزینه منزل، در خارج از خانه ناهار بخورند.

باتوجه به آنچه در بالا عرض شد، بوضوح معلوم است که ۷۲۰ تومان برای ۱۲ ساعت کارکرد این کارگران محاسبه شده است، زیرا مقدار ساعاتی هم که ظهرها تلف میشود بایستی بر روی ساعات کار بحساب آید، گرچه البته در این ساعات کارگر کار نمی‌کند.

بعضی از فروشندگان هم دختر هستند که در تعطیل وسط روز، چون جائی برای استراحت ندارند، ناگزیر وقت بیشتری در فروشگاه صرف میکنند. ممکن است سئوال شود مگر این فروشگاهها سالن ناهارخوری ندارند: در جواب باید عرض کنم که در گذشته سالن ناهارخوری داشتیم که هم‌اکنون تبدیل به انبار کالا شده و بهیچوجه کارفرماها حاضر نیستند آنها را بحالت سابق برگردانند. پیگیری‌هائی هم در این خصوص بعمل آمده، اما متاسفانه به نتیجه نرسیده است و امیدواریم بار دیگر این سالنهای غذاخوری کار خود را شروع کنند.

یکی دیگر از مشکلات اساسی ما کارگران تعویض نماینده کارفرما است که هر چند گاه یکبار صورت میگیرد. از این رو هر اقدامی که بعمل آید، چون بزمان نماینده سابق مربوط میشود، نماینده جدید آنرا قابل تعقیب ندانسته در بوته تعطیل قرار میگیرد. عدم اجرای قوانین کار نیز در فروشگاه ما، یکی دیگر از مشکلات ما است. در آبان سال گذشته، ۳۲ مورد نواقص کارگاه بکارفرما ابلاغ شد و در روزنامه‌های پایتخت نیز انتشار یافت و بوزارت کار و امور اجتماعی هم مراجعه کردیم که علیرغم همه‌این کوششها تا کنون نسبت به رفع این نواقص اقدامی نشده است.

موضوع دیگر تمرکز قدرت در یك شخص است که بدین جهت اختلالاتی در دستگاه مدیریت بوجود می‌آورد و واقعاً قابل جبران هم نیست. مثلاً در فروشگاه بزرگ ایران کلیه اختیارات، اعم از استخدام، اخراج و هر گونه عزل و نصبی در دست کارفرما است.

فرامرز عهدیه (رئیس هیات مدیره سندیکا): جلسه‌ای با قائم‌مقام جدید داشتیم که در آن جلسه از ایشان خواسته شد در زمینه مسائل ما اقدامی بکنند. در جواب گفته و میگویند، در این فروشگاه اصولاً برای هیچکس حکمی صادر نمیشود، کما اینکه خود من در مقام قائم‌مقام مدیر عامل، هیچگونه ابلاغی در دست ندارم. موضوع دیگر اینکه قرار بود اعتباری در اختیار ما بگذارند که یك سالن استراحت برای دو سه ساعت بیکاری بین روز آماده سازیم، بعد از آنکه مقداری از کارها انجام شد، ایشان از بیم آنکه مبادا بار دیگر سالن ناهارخوری پا بگیرد، از ادامه کارها جلوگیری کردند، حال آنکه همانجا را هم بازرس وزارت کار و امور اجتماعی غیر بهداشتی اعلام کرده است.

از: غلامرضا قیصری

در اینجا آقای علی شجاعی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فروشگاه بزرگ ایران و شعب آن، با اشاره به نبودن محلی برای صرف ناهار کارگران فروشگاه، و تاکید بر اینکه حتی بازرسی هم از محل کار بعمل امده و این امر به اثبات رسیده، اظهار داشت:

وقتی نزد قائم‌مقام کارفرما مراجعه کردیم، گفتند دو سال است که مرتب از این وضع شکایت می‌کنید.
ماجز این شرایط و امکانات نداریم.
عده‌ای از کارگران، ظهرها از سلف سرویس

فروشگاه برای صرف ناهار استفاده میکردند، متاسفانه سلف سرویس هم تعطیل شده، ۳۲ نفر از کارگران آن بدنبال کارخود رفته‌اند و جای سلف سرویس نیز برای سود بهتر بکارهائی که سود بیشتری عاید کارفرما میسازد اختصاص یافته است. وقتی علت توقف این کار را پرسیدیم، جواب دادند، فعلاً وجود سلف سرویس مقرون بصرفه نیست، در صورتیکه بنظر میرسد این ادعا بهیچوجه نمیتواند صحیح باشد. چون در گذشته سود حاصل از سلف سرویس به صد درصد میرسید، اما از آنجا که کمیته بررسی قیمتها، برنرخها نظارت دارد، سود کارفرما ازاین طریق کمتر شده و لذا به تعطیل آن مبادرت کرده است

میراصغر حدادی (نماینده کارگران فروشگاه بزرگ ایران): دراینکه سندیکا رابط با حسن نیتی بین کارگر و کارفرما است، تردید نیست، در بیشتر کارگاههائی هم که موفقیت بدست آورده‌اند بدانجهت بوده است که چنانچه مساله‌یی پیش امده، کارفرما با سندیکا و نماینده کارگر دورهم جمع شده و مشکلات را بررسی کرده و راه حلی برای آن بدست آورده‌اند. متاسفانه در واحدی که مادرآن کار میکنیم، از وجود نماینده کارگر و سندیکا در جهت بهبود روابط فیمابین استفاده نمی‌شود، حال انکه سندیکا و نماینده کارگر همواره آمادگی خود را برای هرگونه همکاری و بهتر ساختن وضع کارگاه- برطبق شواهد و مدارك موجود اعلام داشته‌اند.

در کارگاه ما شورای سازش رسماً وجود دارد، اما نماینده کارگر کمترین نقشی دراین شورا ندارد و تنها نماینده کارفرماست که اتخاذ تصمیم میکند. از طرفی صورتجلسات تنظیمی دراین شورا هیچوقت مورد قبول کارفرما واقع نشده است. چون یکی از خواص این شوراها حل و فصل امور در کارگاهها است تا بدینوسیله از اتلاف وقت کارگر و کارفرما در وزارت کار و امور اجتماعی جلوگیری کند. متاسفانه چون مدیریت صحیح اعمال نمیشود، و بعداز تشکیل جلسات شورای سازش، بدلیل آنکه تصمیمات مورد قبول کارفرما نیست، بازهم مراجعه به وزارت کار الزامی می‌شود و مقدار زیادی از وقت کارگر صرف این موضوع میگردد.

پیشنهاد میکنم آن گروه از کارفرماها که هنوز در کارگاهشان سندیکا تشکیل نشده، کوشش کنند که در کارگاههای خود سندیکا ایجاد نمایند.

زیرا همانطور که گفته شد، سندیکا خواهد توانست مشکلات موجود بین کارگر و کارفرما را حل کند. مضافاً بایبکه نماینده کارفرما هم میتواند نقش بسیار حساسی را ایفا کند که هم کارفرما و هم کارگر بهرممند شوند. من حتی معتقدم حسن رابطه بین این دوازیکسو عواید بیشتری نصیب کارفرما خواهد کرد و از سوی دیگر موجبات دلگرمی کارگر را فراهم خواهد ساخت.

هاشمی‌نژاد: لازم میدانم برای تکمیل موضوع مساله دیگری را یادآوری کنم و آن اینکه چه خوب است اگر بکارفرمایان فروشگاهها اموزش داده شود و به آنان تفهیم گردد که ارتباط با نماینده کارگر و سندیکا و ایجاد حسن رابطه حداقل این اثر را خواهد داشت که هر دو طرف، در جهت بهبود وضع سرمایه گام برخواهند داشت.

می‌بینیم که با توجه به این مهم است که مسئولان سعی می‌کنند کارگران را به تشکیل سندیکا تشویق کنند. باید به کارفرمایان فهماند و عملاً ثابت کرد که وجود نماینده کارگر و سندیکا سود بیشتری را عاید کارگاه خواهد کرد و وضع کارگر نیز بهبود بیشتری خواهد یافت. دلیلش هم اینست که با توجه به وضع فعلی فروشگاههای شرکت سوپراستور ایران و فروشگاه بزرگ ایران که سندیکا دارند، کارگرانشان از یکسو آسودگی و راحتی بیشتری دارند و از سوی دیگر کارفرما، درگیر پاره‌ای از مشکلات نیست. چقدر خوب خواهد بود که کارفرما، کارگر و سندیکای کارگری را از خود بداند.

علی شجاعی: برای بهبود بازدهی کار در فروشگاهها و دادن آموزش کلی، لازم است کلاسهائی به این منظور تشکیل شود. در حال حاضر بمحض اینکه یك مرد یا یك زن برای استخدام مراجعه می‌کند، بلافاصله او را استخدام کرده و سرکار میفرستند. این کارگر تا سه چهار ماه کارآموزی می‌بیند و بعد از آن خود را بی‌نیاز از ادامه این کار دانسته و بعقیده خود بمقدار کافی کارآموزی کرده است، در صورتیکه اگر آموزشی وجود میداشت، برای مدتی که میبایستی کارآموزی کند، اجباراً در کلاسها شرکت میکرد و تا فراغت از کارآموزی نمیتوانست و نباید کار را تمام شده تلقی نماید.

شجاع موسوی: در مورد طبقه‌بندی مشاغل، باید عرض کنم کارگران فروشگاهها وضع یکسانی ندارند، دوسه درصد فروشگاهی که من میدانم طرح طبقه‌بندی مشاغل در مورد کارگران آنها اجرا شده، بین جدولهای حقوقشان فاصله زیادی دیده میشود و این مغایر قانون است، زیرا در قانون میگوید در قبال کارمساوی باید حقوق مساوی پرداخت شود. من میخواهم پیشنهاد کنم کسانیکه در یك وضع مشابه قرار دارند، باید مزایای مساوی نیز دریافت دارند و از نظر طبقه‌بندی نیز در یك شرایط مساوی و اصولی قرارگیرند.

مثلاً در فروشگاه ما اشل دستمزد کارگرانی که جدیداً استخدام میشوند۷۲۰ تومان است و در شرکت سوپر استورها حدود۹۰۰ تومان و در فروشگاه کوروش بالای هزارتومان است، در صورتیکه عملاً این نابرابریها نخست زیانش متوجه کارفرما میشود، چون کارگرانیکه احساس می‌کند در فروشگاههای دیگر حقوق بیشتری به آنها خواهند پرداخت، بلافاصله جابجا میشوند، و همین امر سبب کاهش سود کارفرما میگردد. چه

انکه تا بخواهد کارائی و مهارت کارکنان جدیدالاستخدام را بپایه کارگرانی که رفته‌اند برساند، مدتها باید وقت صرف آنها بکند، مضافاً با اینکه مشتریان نیز بعلت ناواردی کارگران جدید ناراضی میشوند ووقتی خریدار هم ناراضی بشود، دو عامل زیان‌آور در کار کارفرما اثر خواهد گذاشت.

و بطور خلاصه بنظر من باید گفت: اگر ضابطه طبقه‌بندی بگونه‌ای که مورد نظر ما است، اجرا شود، هم کارگر جابجا نمیشود و هم بازده کارها بیشتر خواهد بود و هم کارگاه استفاده بیشتری عایدش میگردد.

این زنان کارگر برای شما می‌گویند:

چرا کار می‌کنند؟..

و چطور کار «خانه» و «کارخانه» را تنظیم

خانم ملوك طالبی:
–نیروی جوانی را نباید با بیکاری هدر داد.

خانم فرشته ستوده:
–پسرم را بخانه مادرم می‌برم و بسرکار میروم

خانم گوهر تاج رحمانی:
به پس‌انداز کردن عادت کرده‌ایم. اگرچه ناچیز باشد

خانم توران عطاریان:
–من و شوهرم سهمی مساوی در نگهداری و پرورش فرزندانمان داریم.

ایران رخان

گوهرتاج رحمانی

فرشته ستوده

توران عطاریان

امروزه وجود زنان در پهنه فعالیت‌های صنعتی امری اجتناب ناپذیر است. ظرافت ذوق زنان، حس تشخیص آن‌ها و سلیقه انکار ناپذیرشان، نقش این طبقه را در توسعه صنایع سبك بخوبی ثابت کرده است. اما دراین بین، هماهنگ کردن کارهای خانه با وظایف کارگاه، مهمترین مسئله‌ایست که در پیش روی زنان کارگر قرار دارد.

هرچند این مسئله هم‌اکنون در بسیاری از کشورها حل شده، اما زن ایرانی با توجه به سنتهای دیرینش فعلا به دشواری می‌تواند اوقات روزانه خودش را برای انجام این دو وظیفه مهم تقسیم کند.

این دشواری بی‌تردید با گذشت زمان حل خواهد شد، اما بهرحال باید در اطراف آن به کنکاش گسترده‌تری پرداخت. چندتن از کارگران زن کارخانه‌های هیتاچی، شاوب‌لورنس، توشیبا و یك کارگاه تریکو بافی، به چگونگی هماهنگ کردن وظایف دوگانه خود، با گزارشگر مجله «رستاخیز کارگران» به بحث نشسته‌اند. هرکدام ازاین‌ها با توجه به وضع خانوادگی خود موفق شده‌اند گذشته از کار در کارگاهها، به بهترین وجهی به وظایف خانه و نگهداری از بچه‌هایشان برسند...

● **جوانم و باید کار کنم**

خانم ملوك طالبی، اولین زن کارگری که مورد پرسش گزارشگر مجله قرار می‌گیرد، بیش از سه سال است که پیوند زناشوئی بسته و یك پسر نزدیك به سه ساله دارد. روزانه چهل و چهار تومان حقوق می‌گیرد و شوهرش نیز کارمند وزارت پست و تلگراف است. از او پرسیدیم که آیا شوهرش با کار کردن او در خارج از خانه موافق است، جواب داد. «بله، ماهر دو جوانیم و نباید نیروی جوانی خود را بیهوده هدر بدهیم، کار کردن من سوای اینکه از نظر مالی بنفع زندگی خانوادگیم است، خدمتی در راه بالا بردن سطح اقتصاد وطنم نیز محسوب می‌شود.

سئوال دیگرم این بود که آیا این کار کردن سبب نمی‌شود که تنها پسرش زیر چتر حمایت مادر نباشد، و این دوری مادر از فرزند، اختلالی در وضع پرورش کودك بوجود نمیاورد؟... جواب این است: «من خودم تربیت شده مادرم هستم، از تربیت خودم احساس رضایت می‌کنم، مادرم زنی فوق‌العاده با دقت است و هیچ کوتاهی در امر پرورش بچه نمی‌کند، الان پسر من یك پسر با تربیت است و هیچگاه لوس بازی‌های بچه‌گانه در نمیاورد. غذایش مرتب است، خوابش منظم است و خلاصه بچه‌ئی است که مورد توجه و تحسین همه فامیل است.

● **زندگیم که روبراه شد......**

خانم فرشته ستوده، بیست‌و سه‌سال دارد و حتی وقتی که مشغول گفتگو هستیم، دست از کار برنمیدارد. او در پاسخ پرسش‌های مختلف من این جوابها را می‌گوید:

–«شش سال و نیم است کار می‌کنم. ازدواج کرده‌ام و یك پسر یك سال‌و نیمه دارم، شوهرم هم کارگر است و در کارخانه ایران ناسیونال خدمت می‌کند. در خانه‌ئی که کارخانه در اختیار شوهرم گذاشته است، زندگی می‌کنم. پسرم را صبح‌ها به خانه مادرم می‌برم و عصرها که از کار فارغ می‌شوم، بدنبالش می‌روم. شوهرم با کارکردن من در خارج از خانه تا حدودی موافق است، ولی خودم ترجیح میدهم که یك زن خانه‌دار باشم و دربی این خواسته، وقتی کمی وضع زندگیمان روبراه شد، دست از کار می‌کشم.»

خانم گوهرتاج رحمانی، یکی دیگر از زنانی است که کار خانه و کار بیرون از خانه را بهم امیخته است. از او در باره چگونگی این تلفیق سئوال می‌کنم، میگوید:

–«من درحال حاضر که دوران بارداری را میگذرانم، مشکلی ندارم، ولی وقتی فرزندم بدنیا بیاید، مسلماً باید دست از کار بکشم و اوقاتم را به پرورش او اختصاص دهم و این خواسته شوهرم نیز هست. درست است که از نظر مالی به این حقوق ماهانه نهصدتومان احتیاج داریم، ولی باکمی صرفه‌جوئی، باهمان حقوق شوهرم که درجه‌دار ارتش است

گزارشگر: نسرین

روی جلد: مریم نوعی بیجاری

می‌کنند؟..

سرمی‌کنیم تا موجودی را که سبب بدنیا اوردنش هستیم، خوشبخت کنیم.»

فاطمه شعبان‌زاده

مریم دولی محمد

احساس خوشحالی می‌کنم

خانم توران عطاریان که بیست‌و پنج سال دارد، ازدواج کرده و دواولاد چهارویکساله دارد. ماهانه دوهزارو هشتصدتومان حقوق میگیرد و شوهرش نیز درامدی معادل سه‌هزارتومان در ماه دارد. پسر چهارساله‌اش را مادرش نگهمیدارد و کودك یکساله را به شیرخوارگاه کارخانه می‌سپارد. توران عطاریان، علاوه بر کار در کارخانه، رابط کارخانه با سازمان کارگران نیز هست و از این فعالیت اجتماعیش سخت خوشحال و راضی بنظر میاید، چرا که با غرور میگوید:

-«در عصر انقلاب، دیگر فرقی بین زن و مرد وجود ندارد، من و شوهرم هرکدام سهمی مساوی از جهت نگهداری و اموزش و پرورش اولادمان داریم و هیچکدام نباید این مهم را از نظر دور بداریم. من خوشحالم که علاوه بر کار خانه و کار در کارخانه، مورد اعتماد دوستانم هستم تا آنجا که در رفع مشکلاتشان میکوشم.»

● برای کمك به هزینه خانه

چند تن دیگر از کارگران زن که خودشان داوطلب گفتگو با ما شدند، هنوز ازدواج نکرده بودند و با پدر و مادرشان زندگی میکردند. اغلب آنها ضمن کار به تحصیل نیز مشغول بودند و سهمی از درامد خودشان را در اختیار خانواده قرار میدادند. خانم مریم دولی‌محمد، چهل و یکسال دارد و دوازده سال است که کار میکند. در باره زندگی خانوادگیش پرسیدیم، گفت:

-«دو اولاد پسر دارم که یکی از آنها دانشجوی همافری است و پسر کوچکم نیز دوازده سال دارد. شوهرم در یك مغازه لباسفروشی سهامدار است، ولی درامدش کفاف زندگی ما را نمیکند و من مجبورم که کار کنم. ماهانه هزارودویست‌وشصت تومان درامد دارم که سرهر ماه من و شوهرم پولهایمان را وسط میگذاریم و برای مخارج لازم از آن برداشت میکنیم.»

می‌پرسم که آیا پسرهایش از اینکه مادر در خارج از خانه فعالیت میکند، راضی هستند؟ جواب میدهد:

- «خوب، باید راضی باشند، چون من بخاطر انهاست که هر روز ساعت پنج از خواب بیدار میشوم و روزی چند ساعت برای تامین هزینه زندگی کار می‌کنم. خودتان اوضاع و احوال شهر را ازنظر ترافیك میبینید. خانه ما نازی‌آباد است و کلی طول می‌کشد تا من با اتوبوس خودم را به مقصد برسانم.»

از میزان تحصیلاتش سئوال میکنم، میگوید: «من تا کلاس یازدهم درس خوانده‌ام.»

کارگر دیگری که سی‌وسه‌ساله است، اینها را درباره خودش میگوید که میخوانید:

- «من سالها پیش ازدواج کردم و صاحب سه اولاد، دو پسر و یك دختر هستم. دختر بزرگم چهارده ساله است، و قبل از قانون حمایت در خانواده بود که شوهرم یك زن دیگر گرفت و من بناچار از او جدا شدم و نگهداری و سرپرستی پسر کوچکم را برعهده گرفتم، و دو اولاد دیگرم پیش پدر ماندند. خودم در خانه پدرم زندگی میکنم و درامدم را به مخارج پسرم اختصاص میدهم. البته به دواولاد دیگرم هم کمك میکنم، چون آنها هم وضع مالی خوبی ندارند. پدرشان باز هم روی زن دوم، زن گرفت والان باید ده، پانزده نفر را اداره کند، خودتان میدانید که مخارج زندگی سرسام‌آور است و این برای شوهر سابقم واقعاً مشکل است که شکم خانواده را سیر کند. خودش بی‌عقلی کرده و خودش را توی دردسر انداخت.»

مینا افروز

چهره غمگین این زن کارگر که گذشته‌یی تلخ داشت، اندوهی را بردلم نشاند، ولی از پشتکارش، از عاطفه مادریش، سخت لذت بردم و آرزو کردم در این راهی که میرود همیشه موفق باشد.

● از این پس، پس‌انداز...

خانم مریم نوعی بیجاری، بیست‌وسه‌ساله است و تاسوم متوسطه تحصیل کرده است.

از او می‌پرسم که چرا به تحصیلش ادامه نداده، جواب میدهد: «از این بابت بسیار متاسفم، اما تصمیم دارم در کلاسهای شبانه نام‌نویسی کنم.»

در پاسخ این پرسش که ماهانه چه مقدار درآمد دارد و به چه سمتی در این قسمت از کارخانه انجام‌وظیفه میکند، می‌گوید: «من کارم بررسی آخر است، یعنی کارهائی که در این قسمت میشود بوسیله من کنترل میشود، ماهانه نهصدتومان حقوق میگیرم که همه آن را خرج میکنم. و پس‌انداز ندارم.»

می‌پرسم چگونه به پس‌انداز و نقش سازنده آن در زندگی تا این‌حد بی‌توجه مانده است، جواب میدهد:

«حق باشماست، این را میدانم که هرکس میبایست به فکر پس‌انداز باشد و من هم از این ماه به این فکر عمل میکنم.» سئوال دیگری به ذهنم میرسد: «آیا درصورتیکه ازدواج بکنید و همسر شما با کارکردن‌تان در خارج از خانه مخالفتی داشته باشد، دست ازکار می‌کشید؟» جواب میدهد: «مسلماً. چون هر زن و شوهری می‌بایست موافق میل یکدیگر رفتار کنند. اگر شوهرم بخواهد که من کار نکنم، حتماً دلایلی پیش خودش دارد و اگر دلایلش منطقی باشد، من مجاب میشوم و به کار ادامه نخواهم داد.»

گزارش

کارگران هنرمند نقاش اینبار شکوه آفریدند

این آثار در نمایشگاه نقاشی کارگران مورد توجه قرار گرفت

دنیای زندگی کارگران نقاش، دنیای رنگ و تنوع است. آنها، حتی اوقات فراغت خود را به بیهودگی نمی‌گذرانند. شوق دارند و علاقه به نقاشی، و این سرگرمی هنری هم، چندان هزینه‌یی ندارد. وسایل را فراهم می‌کنند، و ساعات فراغتشان را به تصویرسازی می‌نشینند. استعداد خویش را در این رشته هنری بکار می‌گیرند و اثری بوجود می‌آورند و به اثرشان علاقه دارند. بهمین جهت هم وقتی در نمایشگاه نقاشی که در ماه گذشته برگزار شد در باره آثارشان صحبت می‌کردند، گاه با جوش و التهاب توضیح می‌دادند و گاه با غروری شیرین از آثارشان حرف می‌زدند. چه بسیار نقاشان بزرگ جهان، در آغاز، حرفه‌یی جز این داشتند و پیشرفت در کار هنریشان موجب شد بدین راه کشیده شوند، و نیز چه بسیار آثار پر ارزش که در همین ساعات فراغت بوسیله نقاشان غیر حرفه‌یی بوجود آمده است.....بهر حال، ما با آرزوی پیشرفت و موفقیت بیشتر این کارگران هنرمند که در نمایشگاه شکوه آفریدند، در شماره گذشته برنده اول را معرفی کردیم، و در این شماره به معرفی چند تن از آنان می‌پردازیم و آثاری را که در نمایشگاه اخیر بنمایش گذاشتند چاپ می‌کنیم.

سه تابلوی گلدان از سیروس رحیمیان نشان دهنده ویژگی‌های تصویری اوست. استفاده از یك سوژه برای ارائه سه نوع کار رحیمیان بدون چشم داشت به جایزه کار کرده است و کار رنگ و روغن او متمایز از آثار بسیاری از نقاشان است، او یك حرکت تازه را در نقاشی باعث شده، چرا که در تابلوی دیگرش بدعت تازه‌ای را پایه‌گذاری کرده و با استفاده از یك نوع کاغذ سبو، و رنگ‌های صنعتی، به کار نقاشی پرداخته است

سه تابلو از سید محمد دیبازر، کارگر کارخانه «ری.او.واك»، که در نمایشگاه ارائه شد دیبازر از جمله کارگران هنرمندیست که با شور و علاقه، کار نقاشی را دنبال می‌کند، دیبازر آبرنگ و رنگ و روغن کار می‌کند و بیشتر از روی مدل به نقاشی میپردازد، در اینجا سه تابلو از وی می‌بینیم و بخوبی مشاهده می‌شود دو تابلوی گلدان گل و کلبه و رودخانه بهتر از بدون مدل وی است.

تابلوی رنگ و روغن «ماهیگیران» اثر شوکت نساج طوقی، کارگر کارخانه پارك دوبس است. شوکت نساج‌طوقی، چهار سال است به این هنر روی آورده، و ساعات فرصت خود را به تصویرسازی می‌گذراند. ولی شاید نداشتن استاد و عدم اشنائی‌اش به تلفیق رنگ باعث شده تا از استعدادش کمتر استفاده کند. پرتره يك دختر که از روی مدل تهیه شده، ظرافت کار قلم او را نشان میدهد، ولی استفاده از رنگ‌ها از روی سلیقه و قوانین نقاشی نیست. با اینهمه اگر يك دوره کلاس ببیند و با سبك‌ها اشنا شود، نقاشی چیره دست خواهد شد. شوکت نساج‌طوقی، برنده سوم مسابقات سراسری نقاشی کارگران شده است

یدالله کوزه‌ای، برنده دوم مسابقه نقاشی سراسری کارگران است و در اینجا دو تابلوی وی را می‌بینیم که بیشتر روی حجم‌ها کار کرده. کوزه‌ای که کارگر ذوب‌آهن کرمان است، ایجاد سایه و بهره‌گیری از حجم در نقاشی، کاروی را از کلاسیك جدا کرده و بیشتر نو گراست. خوبی کار کوزه‌ای در اینست که کمتر دنبال استفاده از مدل میرود، تابلوی «گوی‌ها» نشان دهنده سایه شناسی و حجم شناسی او در نقاشی است.

تابلوی دیگر که يك صخره کوهستانی را نشان میدهد، بیشتر زمینه فکری عکاسی را در خود دارد.

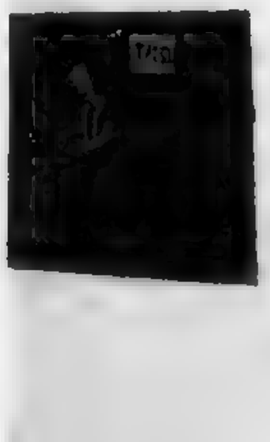

عطارها
حکیمباشی های قدیم

در سالهای پیش، بسیاری از عطارها، خوانچه پای سفره عقد را هم با سلیقه خاص خود، مانند یك هنرمند نقاش تهیه می‌کردند.

عطارهای سالخورده، در طول عمرشان با خواص بسیاری از گیاهان داروئی آشنا می‌شوند.

سالهاپیش، درهرعطاری بیش‌ازهزارنوع گیاه‌دارونی وجودداشت، وعطارهاحتی نقش حکیمباشی‌های محل‌را داشتند

مغازه‌های عطاری از گذشته‌های دور تاکنون همواره بهترین نمایانگر انواع گیاهان بومی ایران و مواد با ارزش بوده‌اند که امروز اثرات درمانی آنها بخوبی ثابت شده است. تا صد سال پیش، یعنی پیش از ورود اولین قرصها و داروهای شیمیائی به ایران، مغازه‌های عطاری در واقع نقش داروخانه‌ها را داشتند و هر چند در این مغازه‌ها، چیزهای دیگر مثل قند، چای، روغن، انواع ادویه، شربتهای گوناگون، و گاه لبنیات هم به فروش میرسید، اماعرضه انواع گیاهان، کار اصلی آن به شمار میرفت.

خاکشیر، قدومه، کاکل ذرت، گل گاوزبان، سنبل‌الطیب، شیرخشت، ترنجبین، برگ اکالیپتوس، پر سیاوش، مارچوبه، گل ختمی، فلوس، صمغ عربی، برگ الاله، و بسیاری از دیگر گیاهان داروئی، مهمترین موادی بود که در این مغازه‌ها وجود داشت. در آن زمان بعلت کمبود پزشک، بیشتر مردم سعی میکردند خودشان دردها و ناراحتی‌های خود و افراد فامیلشان را درمان کنند، هر چند حکیم‌باشی‌ها هم در هر محله‌ای به طبابت اشتغال داشتند، اما افراد در مرحله اول سعی میکردند تا جائی که امکان دارد از مراجعه به حکیم‌باشی‌ها خودداری ورزند و خودشان بیماری را درمان نمایند، که البته در این شرایط بیشتر از زنان و مردان سالخورده فامیل استفاده می‌کردند، و در واقع این سالخوردگان نقش حکیمباشی را داشتند.

باین ترتیب به محض مبتلا شدن یك فرد به سرماخوردگی یا تب، پرسیاوش بهترین داروی ممکن برای معالجه او تشخیص داده میشد.

● عطارها... حکیمباشی محل

در بسیاری از خانه‌ها، داروهائی مثل شیرخشت و گل گاوزبان همیشه به مقدار فراوان وجود داشت. گذشته از این، بیشتر عطارها، بویژه آن گروهی که سابقه ممتدی در کارشان داشتند، به اندازه یك دارو ساز از کیفیت داروهای گیاهی، انواع آنها و اثرات درمانی این گیاهان آگاهی داشتند و بقول معروف یکپا حکیمباشی محل بودند. باین جهت بسیاری از مردم با مراجعه به عطارها و تشریح بیماری خود، داروی مناسب را از آنها میخواستند.

با ورود اولین داروهای شیمیائی به ایران و رواج سریع آن بین مردم، به تدریج بسیاری از گیاهان داروئی فراموش شد و بعدها بصورت مواد اولیه‌ای برای تهیه داروهای شیمیائی درآمد، باندازه‌ای که امروزه جز گروهی معدود از افراد سالخورده و ساکنین محله‌های قدیمی تهران و شهرستانه ، دیگر کسی از این‌گونه داروها استفاده نمیکند.

امروز انواع داروهای شیمیائی مثل انتی‌بیوتیك‌ها، از جمله قرصهای آرام کننده و روان گردان و انواع شربتها،نقیجاجای پرسیاوش، سنبل‌الطیب و گل گاو زبان را گرفته است. در حال حاضر تنها حدود دویست مغازه عطاری در سراسر تهران وجود دارد، و بیشتر این مغازه‌ها، در بازارهای تهران، اطراف سبزه‌میدان و خیابان بوذرجمهری و همچنین در قلب محله‌های قدیمی تهران قرار دارد و میتوان گفت که بطور متوسط حدود ده هزار نفر، مخارج همسر و فرزندشان را از این عطاری‌ها تامین می‌کنند

هر چند بسیاری از داروهای گیاهی سنتی در این مغازه‌ها هست، اما قسمت اعظم چنین داروهائی بعلت استفاده‌های لابراتوری، دیگر بدست عطارها نمیرسد.

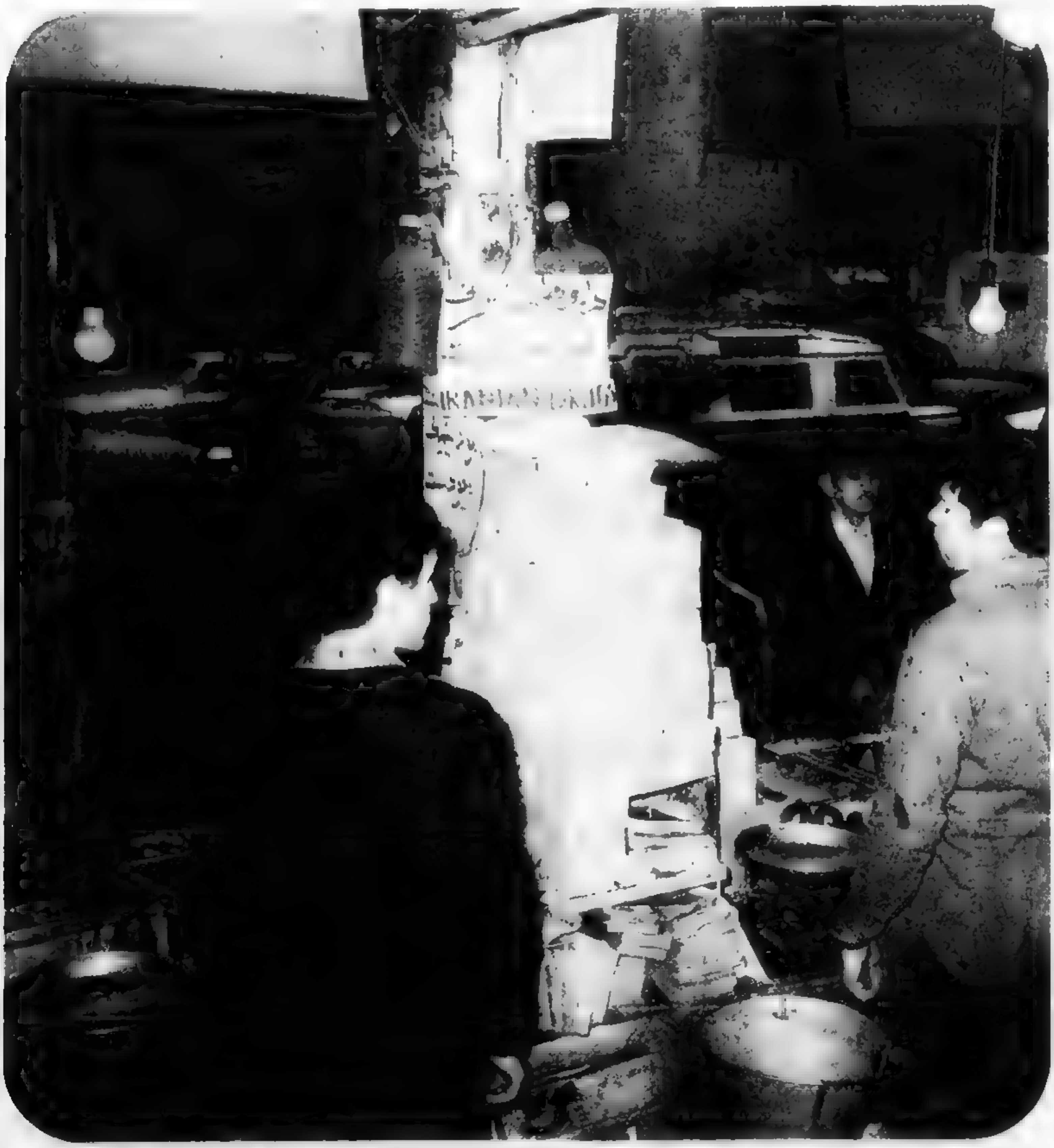

هنوز هم عده‌یی از مردم ترجیح میدهند پاره‌یی از بیماری‌های جزئی‌شان را با گیاهان داروئی معالجه کنند.

محمد جواد عطاریان، یکی از عطاران قدیمی تهران است. به گفته خودش از پنجاه و پنج سال پیش در مغازه پدرش شروع به کار کرده و بعد از درگذشت پدر، سرپرستی مغازه را بعهده گرفته است، او میگوید: «مردم همیشه به چیزهای تازه علاقه بیشتری نشان میدهند، در حالیکه بسا ممکن است این پدیده نو، برای آن‌ها زیان‌بخش باشد. در مورد داروهای شیمیائی هم وضع بهمین ترتیب است. مردم از داروهای لابراتواری، حتی گاه سر خود و بدون مراجعه به پزشك استفاده می‌کنند، که چه بسا این داروها، ناراحتی‌های دیگری هم برایشان بوجود می‌آورد. در حالیکه داروهای گیاهی کمتر ممکنست بدنشان را دچار ناراحتی‌های حاد سازد.»

این عطار در ادامه حرفهایش میگوید: «بهرحال دیگر کمتر کسی به سراغ دواهای قدیمی می‌آید. اینست که عطارها ناچار چیزهای پرفروش دیگری هم مثل تخم گل، قند، روغنهای نباتی، حبوبات و امثال آن عرضه میکنند و در واقع مغازه عطاری به شیوه قدیم دیگر وجود ندارد، و خواربارفروشی شده است.»

گفته‌های این عطار خود بهترین دلیل وضع عرضه دواهای گیاهی در حال حاضر است. برپایه پژوهش‌های دانشمندان خارجی، داروهای شیمیائی همواره اثرات ناگوار و مسموم کننده‌ای در بدن به جای میگذارند، به اندازه‌ای که طبق آخرین تحقیقات این دانشمندان چندین داروی جدید، یك بیماری تازه بوجود می‌آورد. اقدام‌هائی که در جهت شناسائی و بررسی اثرات این داروها بر روی اشخاص بعمل آمده، بخوبی زیان‌بخش بودن آن را ثابت کرده است، باین جهت از چند سال پیش استفاده از داروهای گیاهی در بعض از کشورها، بویژه فرانسه باردیگر مورد توجه قرار گرفته است به اندازه‌ای هم اکنون سالانه حدود ده هزار تن داروی گیاهی در فرانسه به مصرف میرسد، و این خود بهترین نشانه ارزشی است که داروهای گیاهی درگذشته و حال داشته‌اند.

عبداله‌پور فهیمی، یکی دیگر از عطاران قدیمی است، او میگوید: «درگذشته بقدری استفاده از داروهای گیاهی بین مردم رواج داشت که بسیاری از عطارها گذشته از کار فروشندگی، نسخه هم میپیچیدند، اینکار حتی بعد از رواج داروهای شیمیائی هم مدتی ادامه داشت، و این خود میرساند که عطارها درپهنه فعالیتهای طب سنتی چه نقش عمده‌ای داشته‌اند.»

● چای و آش یونجه

این عطار درادامه حرفهایش میگوید: «گذشته بسیاری از افرادی که بیش از مردم عادی عمر میکردند، کسانی بودند که همواره از داروهای گیاهی استفاده میکردند. معروفترین این افراد، مرحوم سیدضیاءالدین طباطبائی بود، که از چای

عطارها، حکیم‌باشی‌های قدیم

یونجه و آش یونجه استفاده میکرد این آش از نوعی یونجه قرمز تهیه میشد که در فصل بهار در بیشه‌های شمال تهران به مقدار فراوان میروید.

ایران را باید یکی از مراکز مهم رویش انواع گیاهان بومی دانست. گیاهانی که در حال حاضر دردشتهای ایران میروید، به حدود ۵۰۰۰ نوع بالغ میشود. البته بسیاری از این گیاهان هوز بطور کامل شناخته نشده‌اند.

ناشناخته ماندن این گونه گیاهان، باعث شده تا بسیاری از آنها به مصرف تغذیه احشام برسد، در حالیکه هرکدام از این گیاهان، خاصیتهای درمانی مختلفی را درخود دارد.»

رشیدخداپناه هم یکی دیگر از عطارهای تهران است. او درمورد چگونگی کار عطارها و کیفیت داروهای گیاهی میگوید: «امروزه صحبت از گرانی داروهای شیمیائی و تقلبهائی است که در جهت عرضه این قبیل داروها میشود. بنظر من توجه به طب سنتی و رواج دوباره داروهای گیاهی، بهترین راه مبارزه بااین گرانی به شمار میرود، چرا که نه تنها مردم به علت سابقه‌ای که از شناسائی این دارو دارند از آنها استقبال میکنند، بلکه تقلب درعرضه چنین داروهائی کمتر امکان دارد.»

زیزفون، کتان، نارنج، عرعر، عناب، نخود و هندوانه ابوجهل نام برد.

بسیاری از اینگونه گیاهان بی‌آنکه به اثرات طبی آنها توجه شود، تنها استفاده‌های زینتی دارند. چند نوع دیگر نیز درردیف گیاهان هرز و بی‌فایده قرار دارند. برخی برای مصارف صنعتی و غذائی بکار میروند، درحالیکه به خواص داروئی هیچکدام از آنها توجه چندانی نمیشود

هرکدام از این تیره‌ها، چند نوع گیاه را شامل میشوند و در این میان تیره نخود با پنجاه‌وهشت گونه سر ردیف اول قرار دارد.

میدانیم که خواص داروئی این گیاهان هم با هم متفاوت. در بعضی از آنها ریشه اصلی، خواص طبی داردو برخی دیگر برگ و کاسبرگ آنها به مصارف درمان میرسد و گلها و ساقه‌های بعضی دیگر جنبه بهبود بخش دارد.

فعلاً سیاه‌تخمه که گیاهی پوشیده از کرک‌های نرم و دارای دانه‌های تیره رنگ سه گوش است، به علت خاصیت همین دانه‌ها، مورد استفاده قرار میگیرد.

دانه‌های این گیاه که بیشتر در دشتهای اطراف اراك میروید، بهترین داروی ضد انگل است.

تا بیست سال پیش حدود پنجهزار نوع گیاه داروئی در عطاری‌های ایران وجودداشت.

ازآنهمه‌عطاری‌های‌سابق، تنها ۲۰۰ عطاری‌ در‌تهران‌ وجوددارد، که‌ هزینه ۱۰ هزار خانواده‌ را تامین‌ می‌کنند

● خطر استفاده خودسرانه از دارو

نکته مهم درمورد مصرف داروهای گیاهی خطرات استفاده خودسرانه از این قبیل داروهاست، چه آنکه بسیاری از مردم فکر میکنند مصرف خودبخود چنین داروهائی، هیچگونه زیانی ندارد.

رضا رضائی، یك عطار و فروشنده گیاهان طبی ایران دراین مورد بخصوص چنین میگوید: «حتی داروهای گیاهی را هم نباید بدون تجویز پزشك مصرف کرد، چرا که ممکن است همان ناراحتی‌های ناشی از مصرف خودسرانه داروهای شیمیائی را در فردباعث شود. علت این امر اینست که مقدار ماده داروئی موجود در گیاهان بخوبی شناخته شده. بهمین جهت ممکن است میزان این ماده از حد معمول بیشتر باشد و باعث ناراحتی شخص مصرف‌کننده شود.»

گذشته از ایران، دربسیاری از کشورهای همجوار و همچنین ممالك دورو نزدیك آسیائی گیاهان داروئی میرویند، و صدور این قبیل گیاهان، یکی از منابع عمده درآمد کشورهائی مثل پاکستان، هندوستان و برمه را تشکیل میدهد. کشورهای اروپائی مثل فرانسه و انگلستان که دارای لابراتورهای مجهز داروسازی هستند، این قبیل گیاهان را با قیمتهای نازلی میخرند و سپس درلابراتورها به انواع داروهای شیمیائی تبدیل میکنند.

این امر خود بهترین دلیل ارزش گیاهان داروئی است، چرا که قسمت اعظم داروهای شیمیائی که ما مصرف میکنیم، بدنبال فعل و انفعالاتی که در لابراتوارها روی این گیاهان صورت گرفته، درست شده است.

حتی دربسیاری از کشورهای اروپا، گیاهان داروئی را با اندك تغییری به شکل دیگری تبدیل میکنند و سپس در شیشه‌های کوچك با قیمتهای بسیار گران به بیماران میفروشند.

از مهمترین گیاهان بومی ایران باید از تیره‌های آلاله، ماگنولیا، زرشك، نیلوفرآبی، خشخاش، شاه‌تره، گل‌ختمی، علف‌مار، گل بنفشه، میخك، گز، چای‌سبز، گل پنیرك، تیره‌های دیگری هم وجود دارند که با وجود شناخته شدن یك یا چند گونه از مجموعه آن قسمت اعظم دیگر انواعشان همچنان ناشناخته مانده است.

گل گاوزبان ازمهمترین این‌گونه تیره‌هاست. این گیاه که قرنهاست مورد استفاده داروئی دارد، برخلاف تصور مردم ۵۰ گونه دیگر را هم شامل میشود، در حالیکه فقط یك نوع آن در مغازه‌های عطاری به فروش میرسد.

تنوع خواص گیاهان بومی ایران، به اندازه‌ای است که تقریباً برای هر نوع بیماری، داروئی وجود دارد.

طرفداران طب سنتی معتقدندگیاهان تیره آلاله، بیشتر اثرات آرامش‌بخش دارند، همچنین برای درمان آنژین، برونشیت‌های مزمن و رفع گرفتگی صدا مفیدند. تقویت قلب، بند آوردن خون، جلوگیری از خون‌ریزی‌های رحم، درمان کزاز، بیماری‌هاری، از دیگر خواص گیاهان این تیره است. در سقز و شهرهای استان کرمانشاه این تیره به وفور میروید.

گیاهان تیره نخود مانند بادام زمینی و یونجه بهترین دارو برای درمان راشیتیسم هستند. این گیاهان که معمولاً در بلوچستان میرویند، بیشتر مصرف غذائی یا دامی دارند، در حالیکه طرفداران طب سنتی معتقدند شناسائی معیارهای داروئی آنها میتواند اثرات بسیار مطلوبی داشته باشد.

معتقدان به طب سنتی می‌گویندتیره عرعر داروی مفیدی برای درمان ناراحتی‌های گوارشی است تیره‌های دیگر هم هرکدام به نوبه خود میتوانند یکی از بیماری‌ها را درمان کنند.

گیاه کلمانیت که در نواحی گیلان و آذربایجان میروید، یکنوع گیاه بالارونده است. مالیدن شیره این گیاه بر روی پوست اثرات تحریك‌کننده به دنبال دارد، بهمین جهت در گذشته متکدیان برای ایجاد زخم بر روی پوست بدن خود و جلب ترحم مردم، از شیره این گیاه استفاده میکردند.

● گیاهان داروئی و حیوانات

از دیگر نکات جالبی که در مورد گیاهان داروئی وجود دارد، شناخته شدن این گیاهان توسط حیوانات اهلی و وحشی است. بسیاری از حیوانات، بویژه گربه، سگ و حیوانات پستاندار حلال گوشت و همچنین روباه و گرگ و پلنگ بعلت داشتن نوعی حس استثنائی بهترین درمان کننده بیماری خود هستند. مثلاً بین مردم شایع است که گربه زمانی که مریض میشود، روبدشت و صحرا میگذارد و علف مناسب برای درمان بیماری خود را پیدا میکند و یا این کار را در باغچه خانه‌ها انجام میدهد. البته حیوانات دیگر هم از اینگونه حس برخوردار هستند. مثلاً می‌گویند بعضی از حیوانات وحشی مانند گرگ، وقتی به بیماری مخصوصی دچار می‌شوند، در بیابان‌ها گردش کرده، هندوانه ابوجهل را میبایند و با خوردن آن، خود را معالجه می‌کنند. آگاهی بشر به این حقیقت باعث شده تا کمك زیادی به شناسائی گیاهان داروئی بشود و در واقع حیوانات در این میان نقش مهمی داشته‌اند.

در حال حاضر، هر چند قیمت گیاهان داروئی نسبت به گذشته چند برابر شده است اما در مقایسه با دیگر مواد، چندان افزایش بهما نداشته است.

عرق‌ها و شربتهای گیاهی از دیگر چیزهائی است که از زمانهای قدیم در مغازه‌های عطاری به فروش میرسد.

مهمترین و پر فروش‌ترین این مایعات، عرق بیدمشك، عرق بهار نارنج و شربت بهلیمو است. هر چند امروزه به علت رواج گسترده مشروبات غیرالکلی و «کولاها» دیگر مایعات گیاهی مصرف زیادی ندارد، اما هنوز هم گروه زیادی از مردم ترجیح میدهند از اینگونه مایعات استفاده کنند.

امروز درآمد عطاری‌ها بسته به موقعیت مکانی مغازه و همچنین میزان کالای موجود در آن بسیار متغیر است، اما بطور کلی میتوان میزان این درآمد را بین ۲/۰۰۰ الی ۱۰/۰۰۰ ریال دانست.

عطاری‌های واقع در سبزه‌میدان، خیابانهای اطراف بازار و راسته بازار همواره بیشترین فروش و درآمد را داشته‌اند.

ولی‌اله جهانفر، هم یکی دیگر از عطارهای با سابقه است. او میگوید یك عطار خوب باید بیش از هر کاسب و فروشنده دیگری حس تشخیص، حافظه قوی و هوش کافی داشته باشد، به طوری که بتواند در عرض مدتی کوتاه نام و خاصیت کلیه گیاهان و دیگر مواد عرضه شده در عطاری‌ها را بخاطر بسپارد و به موقع هر کدام را به مشتری بدهد. چون در سالهای پیش پزشکان برای عطاری‌ها نسخه میفرستادند، اما حالا اگر مشتری به ما مراجعه کند، از ما می‌پرسد که چه گیاهی برای مثلاً رفع صفرای او خوبست. من در حال حاضر نام و خاصیت ۲۵۰۰ گیاه را بخاطر دارم، در حالیکه چنین معلوماتی نسبت به آنچه عطارهای قدیمی میدانستند، چیزی نیست.»

خوانچه عقد و عطارها

از جمله کارهائی که عطارهای قدیمی میکردند، که البته ارتباطی با گیاهان داروئی نداشت، «زدن خوانچه عقد بود» آنها با اسفند، دانه‌های عناب- که رنگ میکردند و یا آنرا درون کاغذهای رنگی میپیچیدند- صمغ، کندر، و..... خوانچه عقد را به اصطلاح خودشان «میزدند» و به پای سفره عقد میفرستادند. البته هنر خوانچه زدن، مراسم عقد فرزندانشان به افرادی که خوانچه را زیباتر تزئین میکردند، سفارش خوانچه میدادند.

ازجمله آنها که در این هنر شهرت داشت، حاج محمدرضا یکرنگیان بود، که از عطارهای قدیمی تهران بشمار میرفت و انواع گیاهان داروئی را در مغازه خود داشت و کم و کیف تاثیر آنها را هم میدانست.

در چند شماره قبل مطالبی در مورد مصرف خودسرانه دارو و زیان آن برای خوانندگان گرامی مجله نوشته شد ولی با تلفن‌های مکرری که به اینجانب شده است ناچار شدم یکبار دیگر در این مورد مطالب را واضحتر تشریح نمایم تا آن عده از مردم که به عادت به خوردن دارو بدون نسخه پزشك دارند به این مسئله حیاتی و عواقب زیان آور آن توجه کامل داشته باشند. پس از کشف میکرب وسیله پاستور دانشمند فرانسوی ، عامل پیدایش بسیاری از بیماریهای مسری کشف گردید و تدریج داروهائی نیز برای درمان این بیماریها وسیله پزشکان و محققین در دسترس مردم جهان قرار گرفت. عصر ما دوره تکنولوژی است و این پیشرفتها باعث شده که داروهای با ارزشی برای درمان بیماران در اختیار پزشکان قرار گیرد و از سوی دیگر نتیجه این کشفیات موجب شده که از میزان مرگ و میر در سطح جهانی کاسته شود و تعداد قابل توجهی از بیماریها که در زمان سابق مردم را از بین میبرد امروزه جزو بیماریهای علاج پذیر در آید . بدیهی است اگر در درمان سرطان یا بعضی بیماریهای دیگر توفیق زیادی نصیب دانشمندان و محققین نشده است ولی باید اذعان کرد که فقط کشف فلمینگ دانشمند انگلیسی که پی به خواص پنی‌سیلین برد حیات میلیونها مردم جهان را از مرگ حتمی نجات داد در حالیکه تا قبل از کشف پنی‌سیلین عده زیادی از کودکان و افراد بالغ از مخملك- سینه‌پهلو- رماتیسم و دهها بیماری- مسری دیگر از بین میرفتند. با اینحال این نکته نیز مسلم است که هر دارو ضمن اینکه خواص با ارزش و مفیدی دارد بهمان نسبت هم ممکن است زیان‌هائی در بر داشته باشد و باین جهت هر داروئی را بایدبموقع و بجا مصرف کرد. جالب اینست که از دیر زمانی سموم مهلکی چون تریاك و مشتقات آن - استریکنین - ارسنیك- و سیانور (که هر کدام اگر بجای خود و بمقدار ضرورت مصرف نشوند انسان را نابود میکند) در صنعت دارو سازی وجود داشته است و حتی سقراط و بوعلی سینا و ذکریای رازی و صدها دانشمند جهان قدیم نیز پی به خواص این داروها برده بودند ولی در سالهای اخیر صنعت داروسازی با پیشرفتهای زیادی روبرو بوده از جمله کشف آنتی بیوتیکها که پس از کشف پنی‌سیلین راه را برای مبارزه با میکربهای زیان آور باز کرده است ولی باید اذعان کرد که در برابر این داروها عده زیادی از مردم با مصرف کردن نابجای انها جان خود و بستگان خود را بخطر می‌اندازند. اصولا داروها در ٤ ردیف مهم طبقه بندی میشوند:

۱- داروهائی که بسیار ضروری هستند و اگر برای درمان مصرف نشوند ممکن است بیماران با مرگ روبرو شوند، مثل انسولین برای بیماران قندی و یا سرمهای ضد کزاز و دیفتری .

۲- داروهائی که ضروری هستند چون پی‌سیلین و سایر انتی بیوتیکها.

۳- داروهائی که باید آنها را کمکی دانست مثل ویتامین‌ها و غیره

٤- داروهائی که بیشتر جنه لوکس بودن را دارند و باید گفت بی مصرف هستند(این‌ها همان داروهائی هستند که صدها لابراتوار جهان برای مردم میسازند و در کشور ما نیز هزاران هزار قلم آن در داروخانه‌ها وجود دارد و این داروها چه مصرف شوند و چه مصرف نشوند برای بیمار اهمیتی ندارد)

داروها اصولا باید وسیله پزشك تجویز شوند و مصرف هر نوع دارو بدون اجازه طبیب زیانهای زیادی در بر دارد، از جمله

۱- ممکن است دارو برای بیماری خاصی که خود بیمار فکر میکند سودمند است، مفید نباشد

۲- [illegible] لازم مصرف نگردد و سبب عوارضی گردد و باصطلاح میکربها را مقاوم نماید

بارها شاهد بوده‌ایم که خانواده‌ها مخصوصا آنتی‌بیوتیکها را به مقداری که حتی پزشك دستور داده مصرف نمیکنند و یا نیمی ازآنرا مصرف کرده و یادر مقدار مصرف صرفه جوئی مینمایند نتیجه این عمل اینست که میکربها از بین نرفته، بلکه بعکس مقاوم‌تر میشوند.

از سابق معروف است که مار زخمی از مار معمولی خطرناکتر است و میکربها نیز اگر از بین نروند زیانشان بیشتر خواهد بود.

عده‌ای هم به دستور دارو توجه ندارند مثلا پزشکی به مادری یك شربت پنیسیلین و یا مشابه آن تجویز میکند و سفارش میکند هر ٦ساعت یکبار یك قاشق مرباخوری خورانده شود ولی مادر بجای ٦ساعت هر ١٢ساعت و بجای یك قاشق مرباخوری ٢قاشق و یا بعکس ١قاشق چایخوری میدهد و یا نیمی از شیشه شربت را به طفل میخوراند و بدون کسب اجازه از پزشك دارو را باین سبب که تب بچه قطع شده دیگر به کودك نمیدهد نتیجه همه این کارها پیدا شدن عوارضی در نزد کودك خواهد بود.

دراینجا لازم میدانم از یك بیماری شایع در کشور نام ببرم چرا که اکثر شما نام آنژین و یا گلودرد را شنیده‌اید و یا خود بارها به آن دچار شده‌اید.

عامل اغلب این گلو دردهای ساده میکربهای بسیار مضر میباشند که از انجمله عامل رماتیسم قلبی- مخملك و یا بادسرخ را باید نام برد.

میکرب (استرپتوکوك) عده زیادی از مردم مخصوصا کودکان را مبتلا میکند و وقتی پزشك گلوی طفل را معاینه و یا برای تعیین نوع میکرب به آزمایشگاه میفرستد و پس از تشخیص مثلا آمپولهائی تجویز میکند متاسفانه خانواده‌ها اغلب همه آمپولها و یا کپسولها و شربت را مصرف نمیکنند و همین بی‌احتیاطی سبب بیماری‌زا شدن مجدد میکربها و بروز آنژین‌ها و گلودردهای مکرر میشود که حتی گاهی سبب عفونت لوزه‌ها نیز میشود و در نتیجه کار به جراحی گلو میکشد.

اگر بخواهیم آمار کودکانی را که در ایران مخصوصا در نواحی شمال و خود تهران مبتلا به این نوع بیماریهای خطرناك شده‌اند، برایتان ذکر کنم شاید سبب وحشت شما گردد. همین رماتیسمهای مفصلی و قلبی که هزاران کودك و جوان را یك عمر گرفتار میکند و یا سبب خرابی دریچه‌های قلب میشود در ابتدا فقط با آنژین‌های ساده‌ای شروع شده‌اند که مادران آنهابجای درمان اصولی بوسیله پزشك گلودرد بچه را با قرص مسکن و جوشانده باصطلاح خودشان درمان کرده‌اند.

من هرچه درمورد گلودرد و عواقب وخیم آن بنویسم کم نوشته‌ام. گاهی عامل گلودرد میکربهای وخیم‌تری چون دیفتری است که آن بحث جداگانه‌ای دارد و خوشبختانه واکسن‌های پیشگیری در دسترس همه مردم میباشد ولی منظور من گلودردهای ساده‌ای است که اغلب سبب عوارض وخیم میشود. باید توجه داشت که گلودرد هرچه زودتر باید درمان شود. اگر طفل شما وقتی از مدرسه برمیگردد و از گلودرد مینالد بیماری را بی‌اهمیت نگیرید و هرچه زودتر درمان کنید به میکربها امان ندهید تا کودك شما را ازپای درآورند.

داروهائی را که پزشك میدهد تاباآخر مصرف کنید و اگر احتیاج به آزمایشگاه است حتماً ترشح گلو را آزمایش کنید.

در اینجا روی سخن من با شما کارگران شریفی است که اکثریت خوانندگان این مجله را تشکیل میدهند. شما که سالها بیمه شده‌اید و خانواده شما نیز تحت پوشش بیمه میباشند و برای شما بهنگام مراجعه به درمانگاه و یا پزشك هزینه‌ای بیار نمی‌آید هرگز درمورد گلودرد غفلت نکنید و همانطوریکه در ابتدای مقاله نوشتم داروها را خودسرانه مصرف نکرده و از داروخانه بدون اجازه پزشك خریداری نکنید و درمورد همه بیماریها مخصوصاً گلودرد به توصیه‌های پزشك توجه داشته باشید. اگر فرصتی باقی بود بعدها درمورد رماتیسم قلبی و رماتیسم مفصلی که در ایران مبتلایان زیادی دارد بازهم مطالبی خواهم نوشت. نگارنده اعتقاد دارد توجه دادن مردم به مسائلی ولو خیلی ساده از حوادث زیادی جلوگیری میکند . در خاتمه توجه آن عده از خانواده‌ها را نیز به این نکات جلب میکنم:

۱- داروهای آنتی‌بیوتیك که بشکل شربت در سالهای اخیر در دسترس قرار گرفته‌اند و یا بصورت پودر هستند و با آب محلول میشوند فقط

پیشگیری

مؤثرتر از درمان

از آنجا که امر حفاظت فنی وبهداشت محیط کار ولزوم آشنائی کارگران عزیز به نکات ایمنی، از آغاز انتشار «رستاخیز کارگران»، یکی از نقطه نظرهای مجله بوده، چنانکه در هر شماره چند صفحه به این امر اختصاص داده شده است، از این شماره سلسله مقالات جدیدی را پیرامون حفاظت فنی که بوسیله آقای مهندس حسن آشفته، رئیس مرکز تحقیقات وتعلیمات حفاظتی نگاشته شده، بنظرتان میرسانیم

در آغاز این بحث، درباره اهمیت کارخانداری، ولزوم رعایت توصیه‌هائی که در پیشگیری از حوادث ورفع مخاطرات وحفظ نیروی انسانی وزیان‌های مالی وافزایش تولید سیر دارد، مطالعه می‌کنید.

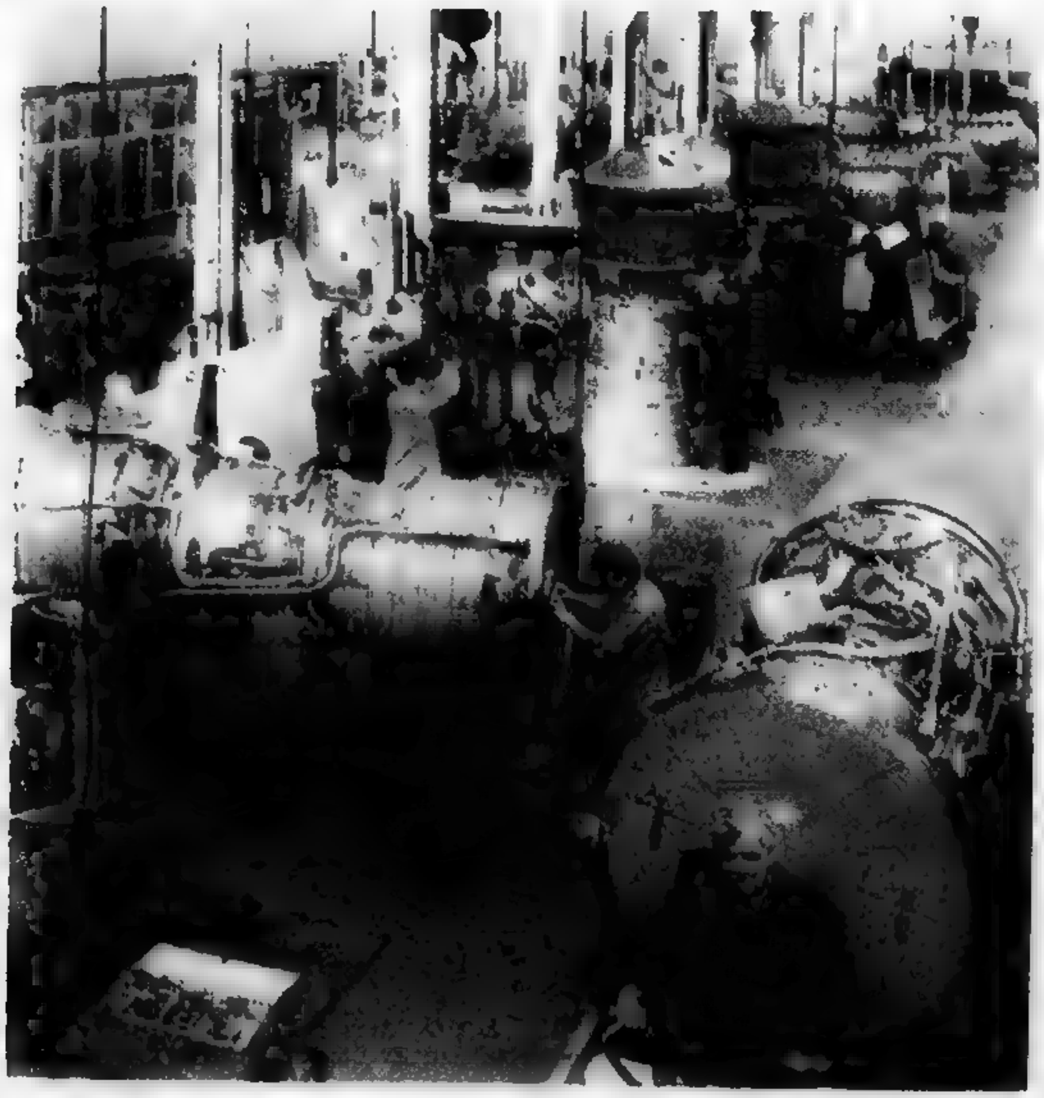

۱- کارخانه‌داری خوب یکی از عوامل بسیار مهم در جلوگیری حوادث است. ممکن است افراد هنگام عبور روی اشیاء لغزنده‌ای که کف سالن یا پله‌ها یا راهروها ریخته شده، قدم گذارند ویا آنکه ممکن است در حین عبور اشیائی از بالا روی سرشان سقوط کند وگاهی محلهای عبور چرب ویا مرطوب وکثیف بوده وسبب سرخوردن شود همچنین ممکن است در مقابل ونزدیك محل ریزش مواد که بیش از حد یا بطرز نامرتبی روی هم انباشته شده بدوند ویا از روی موادیکه روی هم چیده شده وپایه محکمی ندارند، عبور کنند واتفاق افتاده است آنان که برای انجام کاری عجله دارند، روی این موانع سرخورده ویا دست روی کلیدها یا میخها وزائده‌های ماشین نزدیك خود بیافتند که همه این موارد جراحات وصدماتی بوجود میاورد.

۲- کارخانه‌داری تنها بمفهوم نظافت نیست، بلکه نظافت ونظم وترتیب هر دو را شامل میشود. محلی را میتوان گفت منظم ومرتب است که اشیاء غیرلازم درآن وجود نداشته وآنها که مورد احتیاجند در جای صحیح خود قرار داده شده باشد. کارخانه‌داری خوب را میتوان با علائم زیر تشخیص داد:

کفها وفرشها باید عاری از روغن وچربی باشد. راهروها درست خط کشی وعلامت گذاری شده باشد. رفها وپنجرها پاك باشد. ماشین‌ها وتجهیزات تمیز ومنظم باشد. روشنائی بحد کافی باشد وهیچگونه مواد اضافی، زباله یا آشغال در محوطه کار دیده نشود.

نظم وترتیب وکارخانه‌داری خوب، از اصول مدیریت خوب بشمار میرود. هرجا که چنین شرایطی رعایت شود، میزان صدمات که وسلامت افراد بیشتر تامین شده است.

۳- کارخانه‌داری خوب را نمیتوان با نظافت ومرتب نمودن اتفاقی ودر یك نوبت صورت داد. بلکه باید این امر قبلاً بررسی وطرح‌ریزی شده وبطور مداوم مورد کنترل قرار گرفته ومراقبت شود

هنگامیکه مدیران اقدام بتوسعه کارخانه می‌کنند، معمولاً اولین نکته مورد توجه آنها عبارت از یك نظافت کامل است. اما چنانچه ایشان بفکر نظم وترتیب درهمه عملیات نباشند، پس از اندك مدتی شرایط واوضاع بهمان وضع بد ونامتناسب اولیه یا بدتر از آن باز خواهد گشت. بنابراین توسعه مداوم در صورتی نتیجه خواهد داد که علاوه بر نظافت، توجهی بکشف واصلاح علل وجود کثافت وبی‌نظمی در کارگاه بعمل آید وعلاوه برآن هیئت مدیره اقدام بطراحی منظم برای همه عملیات بنماید

٤- کارخانه‌داری بد ویا ناقص، علت بزرگ آتش‌سوزیها است، زیرا قسمت بزرگی از آتش‌سوزیها کارگاه‌ها، از زباله‌ها یا کهنه‌های آلوده بروغن شروع میشود. البته آتش‌سوزیها با بودن مواد قابل اشتعال وسوختنی غیرضروری در محیط کار، بحد زیاد تشدید میشود.

٥- گرچه هرکارمند وکارگر باید آرزومند باشد که سهم خود را نسبت به تمیز ومرتب نگهداشتن کارگاه خود ادا کند، ولی کارخانه‌داری بطور کلی یکی از وظایف مدیران است زیرا هیئت مدیره باید طرح عملیات را طوری بریزد که همه کارها منظم وبی تشویش ودر مواقع معین انجام شوند مثلاً باید برای قرار دادن هر نوع مواد، محل مخصوصی را در انبار در نظر بگیرد. قفسه‌ها ومحفظه‌های مخصوص افزار کار واسبابهای ضروری را پیش‌بینی کرده، جعبه‌هائی برای مواد وارد در عمل اختصاص دهد وعموماً متوجه باشد که هر روزه کارخانه‌داری ونظم کارگاه مانند بخشی از تمام رشته‌های عملیات بمرحله اجرا درآید. بالاخره سرپرستان ومدیران باید بهرکارگر بیاموزند که چگونه سهم خود را از وظایف کارخانه‌داری بعهده بگیرند، زیرا وجود یك کارخانه‌دار بد در مؤسسه‌ای، نه تنها باعث بی‌نظمی بسیار در کار خود او میشود، بلکه ممکن است نمونه کامل سرپیچی از مقررات وتضییع اخلاق سایر کارکنان قرار گیرد.

٦- جزئیات مهم نظم ونظافت برای کارخانه‌داری خوب عبارتند از:

الف- انتقال، انبار کردن وجا دادن اجناس ومواد وذخیره لازم، همیشه کنترل ورضایت بخش باشد. توجه دقیق بظرفیت انبار ومحلهای موجود حجم کالاهای انتقالی ونیز تخمین مقدار مواد لازم برای مراحل پی‌درپی عمل وتعیین فضای لازم ومتدهای صحیح برای تحویل وانتقال کالا ومواد بشود.

ب- متدهای جادادن، چیدن، قرار دادن کالاها ومواد. در اینمورد برای هر نوع مواد یا کالا باید بررسی جداگانه بعمل آید ونکات عمده عبارتند از:

۱- استحکام پایه وکف- کلیه سکوها وکف کارگاه یا انبار باید متناسب با وزن وفشار بارها مستقر شده استحکام داشته باشد.

۲- همواری پایه وثبات مداوم آن. این دو عامل مخصوصاً در مورد انبار کردن اجناس در فضای باز باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا زمین ناصاف وناهموار ویا مرطوب وسست ممکن است سبب واژگونی دیواره کالا یا در زیرزمینها باعث خمیدگی وفرورفتگی کف انبار شود.

۳- ارتفاع کوهك. ارتفاع کوهکی که از چیدن یا انباشتن مواد برویهم پدید میاید، متناسب جنس مواد وخطر ناشی از واژگونی متغیر میباشد. ولی بمتدهائیکه برای چیدن یا انباشتن انها یا برداشتن وحمل ونقل آنها بکار میرود، بخصوص در مواردیکه نیاز به اطفاء حریق باشد، باید توجه شود

٤- وضع محل. محلهای عبور و مرور و قراردادن میزهای کارو ماشینها و موادیکه در فضای مخصوصی باید گذارده شوند، در نظر گرفته شود.

٥- رویهم جادادن کالاهای کوچك. کالاهای کوچك باید در ظرفها و جعبه‌های مناسب قرارداده شوند و گاهی در بعضی از دستگاهها، کالاهای تولیدی کوچك از روی میزکار یا ماشین بداخل جعبه‌های مخصوص خود هدایت میشوند جعبه‌ها- اعم از آنکه کشوئی یا قوطی فلزی یا چوبی باشد- باید طوری ساخته شوند که بسهولت و آسانی رده‌بندی شده و قابل حمل باشند.

٦- قراردادن لوله یا هرگونه میله‌های گرد و دراز. در تحویل و انتقال این مواد میتوان از گیره‌های مخصوص استفاده کرد. ته لوله‌ها باید

بقیه در صفحه ۸٤

بهداشت و حفاظت محیط کار

۱۳ نکته مهم، برای پیشگیری از حوادث گوناگون کارخانه

چسبیده بدیوار یا ریل یا حاطط مخصوص باشد، و باقراردادن تکیه گاههای لازم باید از لغزش و ریزش و پراکندگی آنها جلوگیری نمود.

۷– وسائل مکانیکی. استعمال میله و دیلم برای اهرم کردن هنگام جابجا کردن مواد و دستگاهها، روش غلط و متداولی است که در اغلب کارگاهها دیده میشود. مدیران خوب همیشه در جستجوی وسائل مکانیکی مدرن و بهتری برای جابجا کردن و انتقال دادن مواد میباشند.

ج– افزار کارخانداری. پایه و محفظه متناسب با اندازه و شکل مواد باید برای همه افزارهای دستی، جکها و اثاثه ثابت ماشینها مانند گیره‌ها، رندها، تیغه‌ها و غیره تعبیه شود. بدیهی

است افزارهائیکه در یك ماشین یا یك میزکار مکرراً مورد استعمال واقع میشوند باید محفظه یا پایه‌ای در میز یا در ماشین داشته باشند. محفظه‌های چرخدار که محتوی یك دسته افزار و قطعات مورد نیاز یك ماشین یا دستگاه میباشند، اغلب بی‌اندازه مورد استفاده واقع میشوند.

د– وضع زباله و خردمریز. طریقه قدیمی این بود که ریختن آشغال و زباله در کف کارگاه و در محل کار آزاد بود و کف کارگاه یا سالن بندرت تمیز میشد، ولی امروزه هیئت مدیره صلاحیتدار قبلاً مقدار آشغال احتمالی و مقدار آنرا پیش‌بینی کرده ووسائلی تهیه میکند که بلافاصله آشغال و خردمریز را از مرحله اول گرفته و بطریق با صرفه و منظمی در محل مناسب روی هم جمع‌آوری می‌کند. و مسلماً با توجه و فکر عاقلانه باین امر نه تنها بحافظت کارگاه کمك میشود، بلکه منبع عایدی جدیدی نیز برای کارگاه فراهم میگردد.

ه– علامت‌گذاری فضای انبار. علامت‌گذاری واضح در راهروها و فضای مخصوص انبار یا ممنوعیت انباشتن یا ریختن بیقاعده مواد در راهروها یکی از اصول مهم کارخانداری خوب میباشد.

و– تراوش و چکه وریزش. روغن دانها و کفچه‌ها و پیمانه‌ها را میتوان برای جمع‌کردن روغن در کف کارگاه بکار برد. بدیهی است استفاده از وسائل صحیح روغن کاری و نگهداری از ریختن و چکه نمودن روغن از دستگاهها کاسته شده و بایستی هنگام انتقال مایعات حساب چکه را هم کرد و بمحض مشاهده این نقیصه، بلافاصله نسبت به تعمیر و رفع نقص دستگاهها اقدام کرد تا از تراوش روغن و سایر مایعات جلوگیری گردد.

ز– طرح ریزی در عرض راهروها. هیچگونه قاعده خاصی نمیتوان در اینمورد ذکر کرد، ولی این نکته قابل ملاحظه‌ای است که راهروهای خیلی باریك از نظر حفاظت و از نظر بازده سر مشکلاتی بوجود میآورد. طرح راهروهای باریك عموماً غلط متداولی است که باید از آن اجتناب ورزید. راهروئی که مورد استفاده وسائط نقلیه موتوری قرار میگیرد، باید عرض آن باندازه ۵۰ سانتیمتر از هر دو طرف عریضتر از عرض وسیله نقلیه باشد و اگر از دوطرف حمل‌ونقل انجام شود، این عرض باید دوبرابر منهای ۵۰ سانتیمتر باشد.

باین ترتیب اگر ماکزیموم عرض وسیله نقلیه موتوری ۱/۵ متر و از دو طرف رفت و آمد وسیله انجام گیرد، عرض راهرو میشود.

متر۴/۵=۰/۵–(۰/۵×۲+۱/۵+۰/۵×۲ ۱/۵)

ح– نصب ماشین‌آلات و لوازم. این مورد البته یکی از وظایف دایره تولید است، ولی چون پیش‌بینی فضای کافی و ترتیب صحیح واحدهای مختلف تولید از نظر کارخانه‌داری واحد اهمیت خاص میباشد. ناگزیر به ذکر آن در اینجا میپردازیم. یکی از اشتباهات عادی هیئت مدیره اینست که ماشینها یا سایر واحدهای تولیدی جدید را در سالنی که قبلاً اشغال شده است، قرار میدهد و این امر نه تنها خطرات حوادث را میافزاید، بلکه با ایجاد تراکم از بازده تولید و بهره‌وری میکاهد.

بنابراین گذشته از آنکه باید در نحوه استقرار ماشین‌آلات و ارتباط آنها با یکدیگر دقت کافی بعمل آورد، بایستی فضای اطراف دستگاهها و فاصله بین آنها بنحو مطلوب و رضایت بخشی مورد توجه قرارگیرد.

۷– میخهای بیرون زده خطر مهمی محسوب میشوند. بنابراین پس از بازکردن چلیکها و شکه‌ها و جعبه‌ها بایستی میخهائیکه نوك بهو میمانند و مسلماً عامل مؤثری برای تولید صدمات میباشند، بلافاصله از میان برداشته شوند باینجهت لازم است میخها در تخته یا مقوا کوبیده شود. بخصوص پس از بازکردن چلیك یا شکه میخهای بیرون آمده را باید بیرون کشید یا خم ساخته و با چکش روی چوب یا فلز کوبیده شود

بعضی اوقات لازم است میخها را حتماً از تخته یا مقوا بیرون بکشید، زیرا موقع اره یا رنده کردن باعث خرابی اره شده و صدمه زیادی میرساند. برای احتراز از هرگونه صدمه در عمل این روش راحتی در صورتیکه بخواهند مواد را بسوازانند نیز باید بکار برد. فرورفتن میخ بدست و پاوبدن، اغلب تولید جراحت می‌کند و زخمهای عمیق میخ مخصوصاً برای قبول بیماری کزاز مساعد است و باینجهت باید هر چه زودتر بدرمان آنها پرداخت.

۸– هنگامیکه تقاضای جنس غلبه داشته و تولید فزونی میابد، معمولاً و غالباً مشاهده میشود که قواعد کارخانداری در قسمتهائی که مربوط بجمع‌آوری و جاگذاری کالا و مواد است، نادیده گرفته میشود و اغلب ممکن است چاره منحصر بفرد باشد، ولی میتوان با کمی تدبیر راههای بجائی یافت. اگر هیئت مدیره بر اثر تصمیم خود اجازه داد که این قواعد بی‌اثر بماند، تردیدی نیست که در اولین فرصت باید در پی جبران بر آمده، رعایت آنها را در برنامه قرار دهد صرفنظر از احتیاجات مربوط بتولید. اصولاً کالا و مواد نباید بارتفاع خیلی زیاد روی هم انباشته شده و بشکل ناسالم

[illegible] شود، زیر مسلم خطرناك بوده و تولید صدمات خواهد کرد. اگر متصدی ماشین در زمان عادی محتاج بفضای معینی برای حفاظت باشد در زمان تولید حداکثر، که تحت فشار بیشتری قرار دارد، به طریق اولی بفضای بیشتر نیاز دارد. علاوه‌بر ملاحظات نوع‌دوستی کارفرما باید متوجه این نکته باشد که صدمه و زخم یك کارگر در هنگام تولید حداکثر ممکن است خیلی گرانتر و زیان‌بخش‌تر از موقع عادی تمام شود

بقیه در صفحه ۸۹

جارو برقی یکی از کارگران

چگونه به خانهٔ مادرزن مربوطه رفت؟!

صبح زود جاده کرج یك جاده کارگری است، در این ساعت اتومبیل‌های سواری، مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌های زیادی از تهران بسوی کارخانجات صنعتی واقع در این جاده در حرکتند و چهره‌های پیر و جوان و زن و مرد را می‌بینی که کیلومترها راه را طی می‌کنند، چشم به اطراف دارند تا به کارخانه‌ها برسند. با این کاروان صنعتی دیداری داشتیم در یك روز پائیزی، و همراه رهبر خبرنگار عکاس‌مان، ما پیش از دیگران خود را به کارخانه مینو رسانیدیم، آب و جارولی کرده بودند نگهبانان همه اماده بودند و کارگران شب کار داشتند کارها را تحویل میدادند که کم‌کم کاروانیان از راه رسیدند. اتوبوس‌ها، مینی‌بوس‌ها و اتومبیل‌های سواری بدنبال هم توقف می‌کردند گروه‌گروه کارگر پیاده می‌شدند. آنگونه بودند که گویی روز اول کار است، انها با شوق و وجد میامدند پائین. مثل اینکه داخل اتوبوس حرفهائی زده بودند که بقیه حرف‌ها مانده بود بطرف رختکن حرکت کردند، در کارخانه‌های تامین مواد خوراکی معمولا باید روپوش سفید بتن کارگران باشد تا از نظر حفظ بهداشت در محیط کار و دوری از آلودگی‌های احتمالی رعایت کامل شده باشد لحظاتی بعد، وقتی کارگران روپوش‌های سفید را پوشیدند و بیرون آمدند گویی یك تیم جراحی برای کار به اتاق عمل میرود... با حرکت آنان بسوی سالن‌های کارخانه صوت یا آژیر کارخانه شنیده شد. بعضی‌ها بسم‌الله‌گویان بطرف سالن‌ها میرفتند و بعضی هنوز هم دست از شیطنت برنمیداشتند و لای درختهای فراوان بدنبال هم میدویدند. چند تائی متوجه ما شده بودند و یکی از آنها امد جلو

- سلام علیکم
- سلام آقا خسته نباشید
اختیار دارین، هنوز کار شروع شده؟
- کدوم قسمت کار می‌کنید؟
نگاهی به دوربین انداخت و بعد گفت:
- اسمم رضا محبی است. تازه نامزد کردم. وضع درآمدم هم بدنیست
خنده‌مان گرفت
گفتم:
من سئوال دیگری کردم
- باشد، من قسمت آدامس‌سازی کار می‌کنم درضمن خودم رو هم معرفی کردم.
چه عیبی داره، قبل از اینکه شماها بپرسین، ما جواب بدهیم.
همانطور که گفت و شنود می‌کردیم، راه میرفتیم:
- شما خبرنگارید؟
- ای... اومدیم برای رستاخیز کارگران مطلب تهیه کنیم.
- جالبه! یه مجله‌ای در آوردین که تو خونه ما سرش دعواست همه‌جی داره، این اکبر آقا بالاخره چیکار میکنه؟
- باید بخونین.
- خیلی جالبه! هرچی فکر می‌کنم چی کم داره، چیزی یادم نمیاد، اگه ماهم زن گرفتیم، به خانم نادرشاهی بگین باخونواده ما مصاحبه کن
برروی چشم.
رسیدیم جلوی کارخانه آدامس‌سازی. اقای محبی گفت
بفرمائید یه‌دهنی شیرین کنید
باچی؟
با آدامس.
هرسه خندیدیم. چندتادیگر از دوستان کارگر هم جمع شده بودند و ما را بردند داخل سالن. دورتادور نشسته بودند، درلحظه ورود، دیگ‌های بزرگ را دیدیم که می‌چرخید و آدامس‌های زیادی، میلیونها آدامس، بالا و پائین میرفت. محبی باخنده گفت:
- داریم جلا میدهیم
دیگ‌های بعدی لعاب سفید و شکر را به آدامس‌ها می‌دادند. دورتادور، خانمهای کارگر با دستکش‌های سفیدی که در دست داشتند، بسته‌های آدامس را ردیف می‌کردند.

رفتیم جلو به تماشا و ناخنکی به آدامس‌ها زدیم، که یکی از خانمها به شوخی گفت:
- پول خورد می‌خورید؟!
به آدامس‌ها نگاه کردم. همان خانم باخنده دوباره گفت:
- ازبس آدامس و شکلات جای یك‌قرانی و دوقرانی میدهند، ما فکر می‌کنیم داریم یك‌ریالی حلا می‌دهیم، فقط صدای پول خرد ندارد!
گفتم:
- شما از این پول خردها نمی‌خورید؟
خانم دیگری گفت:
- این‌بسته‌های کوچك بسرعت بوسیله یك نقاله پائین می‌اید و ما باید پنج تاپنج تا توی جعبه بچینیم. اگه بخواهیم یه آدامس توی دهان بیندازیم، دهها بسته آدامس اینجا جمع می‌شود و ردیف کارمان بهم میخورد. درثانی، کی دیده‌اید یك باغبان از سیبهای باغش بخورد؟ بوی سیب اورا می‌گیرد و بوی آدامس هم مارا.
گفتم: پس شما باغبان آدامس‌ها هستید!
گفت: نه، میوه‌ها را توی جعبه می‌چینیم ..

* * *

ازسالن آدامس‌سازی آمدیم بیرون. هوای خنك پائیز و صدای برخورد باد با آخرین برگهای درختان و سکوت محوطه کارخانه دل‌انگیز بود اینبار به سالن شکلات‌سازی رفتیم. کارگران با حرارت مشغول کار بودند. صدای حرکت نقاله‌ها، دیگ‌های بزرگ شکلات‌سازی بگوش میرسید و من نگاهی باطراف انداختم، دیدم یکی از کارگرها همانطوریکه کار می‌کند، مشغول درد دل با کارگر کنار دستی‌اش است. بد ندیدم حرفهایشان را بشنوم. پیش رفتم و تمام حواسم را متوجه گوشهایم کردم...

در ساعت کار، زن و مرد، چون خواهر و برادر، کار هم به انجام وظیفه مشغولند.. با دقت و بدون وقفه

پس از صرف ناهار، چند دقیقه‌ای روی چمن گپ زدن تفریح جالبی است

خبرنگاران ما ۸ساعت در کنار کارگران یک کارخانه

کارگرها بهترین پذیرائیمان کردند!

دیشب یه‌بدی آوردم که نگو، بدبیاری بد این نمیشه.

چه دسته‌گلی به‌آب دادی؟

- هیچی، مادر عیال و پدر عیال، آپارتمان تازه اجاره کرده بودند و مشغول اسباب‌کشی و تروتمیز کردن بودند، بعدازظهر که رفتم خونه، عیال گفت فلانی، قربون دستت، مامانم نمیتونه اونهمه فرش‌رو جارو کنه، جارو برقی که این‌هفته برام خریدی ببر اونجا و بگو با اون‌کار کنن. یکی دوروز دیگه میریم می‌گیریم.

– خوب، بابا، چی عیبی داره

– ده‌آخه بذار من بگم، بعدتو گریه کن

– خوب.

– هیچی، جارو برقی‌رو با همه لوازمش توی همان جعبه‌اش گذاشتم و بردم منزل اونها، در را که باز کردند، دیدم ماشاالله، ماشاالله همه کارها را انجام دادن

– جارو موند رو دستت؟!

– نه بابا، بذار برات بگم. خلاصه، باجارو برقی رفتیم تو و سلام و علیك داشتیم، که مادر زنه نه‌گذاشت نه‌برداشت و بالحنی خوشحال گفت:

– بابا ما راضی به‌زحمت شما نبودیم، چرا خجالتمون دادین؟....

گفتم:

– خانم گفته این جارو رو براتون بیارم که .

ونگذاشت بقیه حرفهام را بزنم، گفت:

– والله شما مهلت نمیدین، ما هنوز جابجا نشدیم کادو اوردین، بخدا راضی نبودم

وارفتم و گفتم: «خواهش می‌کنم، قابلی نداره، اختیار دارین.» خلاصه شب که برگشتم خونه، ماجرا را برای عیال شرح دادم و تازه عیال با حالت عصبانی گفت:

یعنی چی، خوب میخواستی بگی برای کمك اوردم، زبون نداری دیگه.

گفتم: خوب بابا، ماکه باید کادو میدادیم.

گفت: یعنی چی... فردا میرم میگیرم، خودم جارو ندارم

گفتم: بابا بده، چی‌چی‌رو بری جارورو پس بگیری. خوب یه‌جارو دیگه می‌خریم

دراینجا دوستش از او پرسید:

حالا چیکار میکنی؟

هیچی قراره امروز بریم ازهمون مارك یه‌جارو برقی بخریم. اومدیم ثواب کنیم کباب شدیم!

این لحظه، چشم طرف بما خورد. بروبر نگاه‌همان کرد و بعد با خنده گفت:

– مثل اینکه سوژه خوبی گیرآوردین؟

گفتم: اگه مانعی داره، چاپ نکنیم؟

گفت

– نه بابا، چه مانعی داره، بهرحال تجربه‌س دیگه .

از او جدا شدیم و بگردش در کارخانه ادامه دادیم...

نزدیك‌های ظهر شده بود که با خودمان گفتیم، بریم طرف رستوران، چون که همه کارگرها برای‌خوردن‌ناهاربه رستوران میایند... رفتیم توی رستوران کارخانه. چهارسالن داشت، یا بحرف خودشان ناهارخوری. غوغائی بود و دوستان سرگرم گرم‌کردن تنور شکم. چند ساعت کار مداوم، آنها را گرسنه کرده بود. ناهار باقلا پلو با گوشت بود و دسر آن پرتقال. برای هر پرس غذا، ده ریال پرداخته میشد. البته پول کولاها را خودشان جدا می‌پردازند. سرناهار، کلی بحث بود و گفتگو و بیا و برو. از مدیر رستوران پرسیدم: «هرپرس غذا چقدر خرج برمیدارد؟» جواب داد:

– برای کارخانه ۹تومان تمام میشود و ما ده ریال از آنها می‌گیریم. غذاها متنوع هستند. چهار رستوران داریم و یك رستوران کارمندی که کارمندها میایند غذا میخورند، نوع غذا فرق نمی‌کند، ولی قیمت کارمندی چهار برابر کارگری است.

دیدیم دوردور کارگری است. از یك کارگر پرسیدم «غذا چطور است؟» نگاهی به ظرف غذایش انداخت و نگاهی بما، بعد با خنده گفت:

– خوب، کمتر بخور باد نکنی عزیزم.

– والله میخوام کمتر بخورم، ولی وسط غذا، همه با هم حرف میزنیم و یه وقت می‌بینیم غذامون تموم شده و تنور شکم داغه و جوش آورده!

کارگری که اسمش غلام بود، با خنده گفت:

بابا آقای دکتر بسیطی واسه چی برنامه اجرا می‌کنه. این بنده خدا مرتباً میگه آقا موقع غذاخوردن حرف نزنین، نتیجه‌اش همینه دیگه!

بقیه زدند زیر خنده، و طرف گفت:

- بابا با دستامون کار میکنیم و موقع ناهار هم با دستامون غذا میخوریم، دست که برنامه رادیوئی گوش نمی‌کنه!

بوی غذا، همه رستوران را پر کرده بود که آمدیم بیرون

بعد از ناهار، بچه‌ها آرام نداشتند. ریخته بودند در فضای آزاد، و افتاده بودند بجان یك توپ والیبال که البته توپ فوتبال بود. یکدنیا شور و هیجان و حرکت در کار آنها بود. با چنان هیجانی بازی می‌کردند، که گوئی میخواهند یکی از جامهای بزرگ جهانی را تصاحب کنند. این یك بازی مردانه بود که آمدیم پائین‌تر و خوردیم به صف زنان و دختران چمن‌نشین. دل داده بودند و قلوه گرفته بودند. اغراق در کار نیست، آنچنان صمیمانه به حرف نشسته بودند و راجع به مسایل مختلف صحبت میکردند که آدم فراموش میکرد اینها کارگرند و اینجا کارخانه است. گوئی در خانهٔ یکی‌شان میهمانند و به گفتگو نشسته‌اند. این

بقیه درصفحه ۸٤

شتر دیدی؟ نه!

حسن کاشانی، کارگر کارخانه قند مرودشت از هنرمندان و نویسندگان طبقه کارگر ما است. شب شعر دارد و در مرودشت هر صاحبدلی این کارگر خوش قریحه را می‌شناسد، حسن کاشانی برای ما شعری را فرستاده با نام «شتر دیدی؟ نه!». مضمون جالبی دارد و کارش قشنگ است. ما با خوشوقتی این شعر او را چاپ می‌کنیم، به امید همکاری‌های بیشتر و کارهای تازه‌تر

شتر دیدی؟ نه!

و تو در انشب زیبا و قشنگ
و تو در انشب رویائی خویش
غافل از حال دل خسته‌ی من خواهی بود
پرتو رویت در کرکره نور سفید
چشمهایت در سایه‌ی مژگان سیاه
و بلند اندامت، در هله‌ی آن جـامه دنباله دراز
چه تماشائی هست
چشمها خیره به تست و تو با لبخندی شیرین
و تو برتخت غرور
غافل از حال دل خسته‌ی من خواهی بود
خوانچه پرشیرینی
شیشه‌ای پرزگلاب
عنبردان
لرزش پرتو شمعی رنگین
جانمازی از عهد قدیم
عود و اسپند در آتش
سائیدن قند
نان و پنیر و سبزی
خط قران با دیده‌ی تو دربازی
عکس رویت در سینه آئینه‌ی بخت
به تماشائی هست و تو با لبخندی شیرین
بر تخت غرور
غافل از حال دل خسته‌ی من خواهی بود
خطبه از عاقله و باکره و کامله است
بلند؟!!
این صدای خودشان است؟
بله!
مبارك باشد!
ودگر قصه تمام.
کفزدنهای بلند
نقل افشانی مادر
گرمه‌یی شوق پدر
هلهله‌ی سوزی‌ها
بوسه‌ای گرم و...
انگشتر بخت
و تو با لبخندی شیرین برتخت غرور
غافل از حال دل خسته‌ی من
زن مرد دگری خواهی بود.
چهره‌ی واقعی زن
درد و نوبت زیباست
یکشب برتخت
و شبی برتخته
امشب اما شب زیبائی تو بر تخت است
برتخت زفاف
و تو بگذار که سرپنجه‌ی آن مرد غریب
سر زلفان پریشان ترا
که زمانی دل من با نخ‌نخ آن الفت داشت
لمس کند
و ببوسد
گونه‌ی پاك و مصفائی را
که بسالی بس دیر
منظر دیده‌ی صاحبنظری چون من بود
و دران روشن و تاریك اتاق
شب دراز است هنوز....
بامدادان دگر چونکه فرو میرود ماه
و سراید خورشید
بتو آئینه‌ی بخت، این صلا خواهد زد
که الا دختر افسونگر دیروز مبارك باشد
که از امروز دگر
لایق مادری کودك فردا شده‌ای
تحفه‌ها جوراجور
هدیه‌ها رنگارنگ
هریك روشنگر یك ذوق لطیف
و من از ماتی خود در ماتم که:
«چه در پای تو ریزم که خورای تو بود
و تو ای دختر من چشم براه
در بساط زرگر
الله طلا، دل، گردنبند، انگشتر، الماس درشت،
بهتر از اینها چیزی داری؟
پیرمردزرگر
بهتر از اینها...؟!
از برای چه کسی می‌خواهی؟
زانوست؟
عروس؟
نامزد؟
نه!
یك دختر خوب که عروسی کرده.
می‌شود خیره بمن زرگر پیرو سکوت
گوئی آن مرد کهن
جلوه‌ی عهد شبابش را در دیده‌ی من می‌بیند
و چنین می‌خواند:
«حالت سوخته دل، سـوخته دل داند و بس»
و بمن می‌نگرد
پسرم!
عقده مکن
هدیه‌ای را که تو می‌جوئی در پیکر تست
جستجو کن بفرست
بفرست
قطره‌ای اشك که هر قطره بصد گنج گهر می‌ارزد.
* * *
راستی می‌گریی؟
اینها همه یك رؤیا بود
چه عروسی؟
چه شبی؟
تو هنوز ازادی
پس چه بهتر که از امروز در اندیشه فردا باشیم
یادها
خاطره‌ها
عهدها
الفت‌ها
و انچه گفتیم و شنیدیم زخاطر ببریم
و سرکوچه‌ی عشق
دست هم را بفشاریم و بگوئیم
شتر دیدی؟نه!

روزگاری بود که برای دور هم جمع شدن، برای جشن‌ها و شادی‌هامان، ناچار بودیم پول در بیاوریم و خواننده و نوازنده بیاوریم که هزار من ناز و ادا یکساعتی برنامه اجرا کنند و چند هزار تومان بگیرند و بروند. و حالا وقتی در محافل کارگری، در مجالس جشن و سرور کارگری شرکت می‌کنیم، حال دیگری پیدا می‌کنیم. اینکه دیگر ناظر بود و نازهای گذشته نیستیم. خواننده‌مان کارگر است و نوازنده‌مان کارگرانی که کار آزموده‌اند، رشته موسیقی را دنبال کرده‌اند و توانسته‌اند موفقیت‌هائی بدست آورند. اگر روی سن کارگری میخواند، وسط جمعیت... دخترکی که با نوای موسیقی میرقصد کارگربست و آنکس هم که تشویق می‌کند، کارگر است. این یعنی همان رهائی و گسترش از مرزهای اشتهار برای کارگران است. این کارگران میایند روی صحنه جلوی هزاران کارگر دیگر میخوانند و برنامه اجرا می‌کنند. اینها در مرکز آموزش هنری کارگران استعدادهایشان پرورش یافته و کارهایشان را برای کارگران عرضه می‌کنند. افتخار همین جاست که هرچه دارند، از خودشان است و کمبودی هم ندارند.

در اینجا گروه موسیقی ایرانی مرکز آموزش هنری کارگران را در یکی از مجالس جشن کارگری می‌بینیم، زیبا نیست؟

کارگران جوان ایرانی، همگام با جوانان دانش‌آموز و دانشجو در یك نمایشگاه جمعی شرکت میکنند. در اسفندماه سال جاری (۲۵۳۵ شاهنشاهی) اولین نمایشگاه آثار نوباوگان و جوانان کشور شامل کارهای هنری دستی، اختراعات و ابداعات، پژوهش‌های علمی و فنی و هر نوع دست ساخت تشکیل میشود، این طرح به امر علیاحضرت شهبانوی هنرپرور ایران تهیه و بوسیله شخص نخست‌وزیر پیگیری میشود. به سازمانهای ذیربط ابلاغ شده و کمیته‌ای با شرکت نمایندگان وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی- آموزش و پرورش- فرهنگ و هنر- کشاورزی- علوم و آموزش عالی- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان- جمعیت بهزیستی و آموزشی فرح پهلوی و وزارت صنایع و معادن، بریاست مدیر عامل سازمان نمایشگاههای بین‌المللی ایران تشکیل و طی جلسات مستمر نسبت به نحوه برگزاری نمایشگاه اتخاذ تصمیم مینماید.

کارگران جوان ایران میتوانند از طریق مرکز آموزش هنری کارگران، آثار خود را در نمایشگاه عرضه نمایند.

در طرح تشکیل این نمایشگاه، آمده است که بمنظور تشویق جوانان کشور به انجام و ارائه پژوهش‌های علمی، فنی، ابداعات و اختراعات گوناگون و همینطور ایجاد علاقه در نوباوگان و جوانان بمشارکت در فعالیتهای هنری و بوجود آوردن پدیده‌های جدید در عصر رستاخیز، سازمان نمایشگاههای بین‌المللی ایران وابسته به وزارت

مقاله‌ای که برنده شد...

همانطور که در شماره نشریه خودتان خواندید در مسابقات سراسری نقاشی و مقاله نویسی، کارگران ایران قدم‌های مثبت و بزرگی را برداشتند و کار ایشان نیز مورد توجه قرار گرفت. از این شماره ما آثار این نقاشان و مقاله نویسان را که برنده جایزه‌های اول تا سوم شده‌اند، برای شما چاپ میکنیم. دراین شماره قسمت‌هائی از مقاله اول مسابقه را که درباره خدمات دودمان پهلوی به جامعه کارگران ایران نوشته شده ملاحظه میکنید. نویسنده این مقاله «عیدی رومانی» کارگر اداره نقشه‌برداری اندیمشک است که تا بحال نوشته‌های زیادی داشته است.

در عصر قاجاریه که اغتشاش و هرج و مرج و بی‌عدالتی و یاغیگری و هجوم بیگانگان خاك ایران را دربر گرفته بود عده‌ای از ریاست طلبان، مملکت را بین خود تقسیم کرده بودند. کشور با عظمت و کهنسال ایران را بصورت خودمختاری (استبدادی) اداره میکردند. خزانه‌ها و ثروت بی‌مانند مملکت را صرف خوشگذرانی و عیاشی خود میکردند. قسمت‌هائی از نقاط مملکت را به مفت به رویای خارجی بخشیده بودند گنجینه‌های گرانبهائی را که بدست پادشاهان و دلاوران ایران در جنگ با تلاش و از جا گذشتگی بدست آمده بود خرج هوسبازی و عیاشی نمودند. چیزی نمانده بود که از روی نادانی و بی‌فکری و خود پرستی مملکت زرخیز و دلاور پرور را بدست بیگانگان بدهند. از طرف دیگر نفت و معدنها را بدست خارجیان سپرده بودند و عده‌ای را بعنوان کارگر با حقوق ناچیز با زور وادار به همکاری با خارجیان کرده بودند. چنانچه یکی از آنها صدایش در میامد، یا میخواست از حق و حقوق خود دفاع کند، زیر ضربه تازیانه جلادان قاجاریه بقتل میرسید آنها از ترس جان خود تن بکار میدادند. مثل اسیر جنگی و بردگان در معدنها مشغول بودند. چنانچه اشتباه یا خطائی از آنها سر میزد، با ضربه تازیانه یا کتك و لگد از کار برکنار میشدند. آنان برای انجام کارهای استخراجی از سرکارگرانی استفاده میکردند که بوئی از انسانیت نبرده بودند و ایمانی بحق نداشتند نه آنها درس بد اندیشه‌ای و عمل‌های زشت یاد میدادند اگر کسی خوب توجهی به فیلمهای جنگ جهانی اول و دوم کرده باشد که چه بلائی به سر اسیر جنگی می‌آوردند بیاد کارگران زحمتکش و بی‌پناه عصر گذشته می‌افتد که در دل آنها عده‌هائی از لحظه خون جرکین کیسه بسته بود بی‌بهره از حمایت و محبت و مهربانی بودند برسر آنها دست بی‌عدالتی وظلم و ستمکاری سایه افکنده بود همه وقت زور، کتك، فحاشی و بی‌ایمانی نسبت به آنان اجراء میشد. رسم براین بود که کارگران بایستی قبل از طلوع آفتاب شروع بکار نموده تازمانی که آفتاب در بسترگاه خود فرو رود از کار دست نکشند. برای آنها سایبانی جز آفتاب سوزان و جانفرساو یا زمستانی سرد و دل خراش وجود نداشت. آفتاب سوزان طوری بود که آب دریاها را با وجود روان بودن بجوش میاورد. حال سرکارگران که دریك نقطه ثابت بودند چه می‌آورد

مردمان برای رهائی از بند ظالمان و ستمکاران عصر قاجاریه به مساجد پناه میبردند و دست دعا بدرگاه خداوند بلند میکردند تا فرجی کند شراین سلسله را از میان بردارد. دعایشان مستجاب شد و دروازه‌های امید برویشان گشاده شد.

به لطف خداوند مردی بزرگ از سرزمین ایران از دهکده آلاشت توابع سواد کوه، سرباری دلیر و میهن‌پرست بنام رضا خان پهلوی یکی از مریدان امام علی‌بن موسی رضا«ع» که از همان کودکی علاقه خاص به میهن‌پرستی و شهامتی راسخ داشت قیام کرد،

بقیه در صفحه ۸۹

بازرگانی همه ساله نمایشگاهی بنام نمایشگاه آثار جوانان را پیشنهاد میکند. هدف از برگزاری این نمایشگاه نشان دادن کارهای ابتکاری کودکان کودکستانی، دانش‌آموزان دبستانها و مدارس راهنمائی تحصیلی، هنرجویان هنرستانها، دانش‌آموزان دبیرستانها و دانشجویان انستیتوهای تکنولوژی، دانشجویان دانشسراهای راهنمائی تحصیلی و دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی و سپاهیان انقلاب و جوانان کارگر و بطور اعم سایر جوانان (در فاصله سنی پنج سال تا ۲۵ سال) شامل انواع پژوهش‌های علمی و فنی، و عرصه آثار برگزیده هنری از قبیل کارهای دستی نقاشی، مجسمه‌سازی، روزنامه‌نگاری و نظایر آن با توجه به تناسب سن که در بخش‌های مختلف و جداگانه، ولی همزمان، در هر سال ترتیب داده خواهد شد.

هر سال بهترین آثار تا پایان آذرماه در اختیار استانداری و یا فرمانداریهای کل قرار میگیرد و بوسیله هیات ویژه‌یی مرکب از وزارتخانه‌ها و سازمانهائی که در بالا ذکر شد، مورد رسیدگی قرار گرفته، بهترین آثار انتخاب و از طریق استانداری کل در مراکز استانها و فرمانداری کل در محل مناسبی بمدت یك هفته بمعرض تماشا گذارده خواهد شد. آنگاه این آثار انتخاب شده و ممتاز بانضمام صورت و مشخصات از طریق استانداریها و فرمانداریهای کل حداکثر تا اول بهمن‌ماه هر سال به مرکز ارسال و در اختیار سازمان بین‌المللی نمایشگاههای ایران قرار خواهد گرفت که در محل سازمان نمایشگاههای بین‌المللی بمدت ۱۵ روز در نیمه اول اسفندماه هر سال به معرض نمایش گذاشته میشود.

در پایان برگزاری نمایشگاه طی مراسم ویژه‌ای بصاحبان بهترین آثار منتخب جوائز خاصی از قبیل بورس تحصیلی، جایزه نقدی، امکان کارآموزی در مؤسسات علمی و فنی داخلی و خارجی داده خواهد شد و براي تشویق بیشتر نوباوگان و جوانان برنده جوائز از طریق رسانه‌های گروهی معرفی خواهند گردید.

در میان کارگران هنرمند ایران، هستند بسیار زنان و دختران کارگر که دارای هنرهای ارزنده‌ای هستند و متاسفانه هنوز نخواسته‌اند در کارهای جمعی هنری شرکت کنند و همین مسئله است که می‌بینیم گروه تاتر کارگری بازیگر زن ندارد و یا گروه موسیقی، خالی از خواننده یا نوازنده زن است. در اینجا چهره یکی از دختران هنرمند را می‌بینیم. او «شوکت نساج طوقی» کارگر کارخانه پارك دیویس است که در مسابقه نقاشی سراسری کارگران ایران مقام سوم را بدست آورد. شوکت نساج دختری ۲۳ ساله است که در قسمت بسته‌بندی کارخانه کار می‌کند و درحال حاضر در سال پنجم متوسط شبانه مشغول تحصیل است، او چهار سال است که نقاشی می‌کند، و بعبارت دیگر، دختری است که کار می‌کند، نقاشی می‌کند و درس میخواند، خودش در مورد فعالیتهایش میگوید: «قبلاً تابلوهایم را میفروختم ولی حالا دیگر نمیفروشم. هرچه فکر میکنم، نمیتوانم آنها را از خودم جدا کنم. قبلاً آبرنگ کار میکردم، ولی حالا رنگ روغن کار میکنم.»

شوکت نساج، در خرج خانواده سهیم است، او سال گذشته در مسابقه نقاشی دوم شد و امسال سوم. و جالب اینجاست که در ژیمناستیك و پینگ‌پنگ نیز فعالیت دارد و در رشته پینگ‌پنگ در بین کارگران سراسر ایران، مقام دوم را بدست آورده است.

کمبود

وقتی از کمبودها حرف میزنیم، این کارگر نقاش میگوید:

– کمبودی که حس میکنم به علت عدم پختگی کارم است، من باید تعلیم ببینم، ولی استاد کارها واقعیت را نمی‌گویند، من نقاشی را پهلوی خودم یاد گرفتم و کار نقاشان دیگر را دیده‌ام. باید بروم نزد استاد کار کنم، ولی درآمدم آنقدر نیست که پول کلاس بدهم. اینست که باتمام کمبودها فعلاً دنبال کار خودم میروم تا ببینم آینده چه میشود آنچه مهم است اینست که از پای نمی‌افتم. کار میکنم، درس میخوانم و نقاشی را ادامه میدهم...

آشنایی با وسایل ساده

اشاره: پیشرفت صنایع، امکان تولید نیروی برق را به مقدار کافی و با قیمت مناسب، برای هر کشوری فراهم کرده است. هر فردی میکوشد که با به کار بردن وسایل برقی، زندگی راحت‌تر و دلپذیرتری داشته باشد. مثلاً استفاده از بخاری برقی، اتوی برقی، چراغ برقی، رادیو برقی، کولر، آب میوه گیری و غیره در خانواده‌ها، امری عادی شده است. برای استفاده درست از این وسایل و حفظ و نگاهداری و حتی تعمیرات جزئی آنها، هرکس باید در مورد روش کار و مشخصات این وسایل اطلاعات کافی داشته باشد و روشهای پیشگیری از خطرهایی را که ممکن است ایجاد کند، بداند.

در این بحث شما را با گروهی از وسایل برقی دیگر که برای خوانندگان قسمت دوم حرفه و فن در دوره راهنمایی تهیه شده است، آشنا کرده، ضمن شناسائی ابزار، وسایلی را که برای تعمیر آنها مورد نیاز است معرفی میکنیم.

ابزارها و وسایل تعمیر

برای انجام تعمیرات ساده وسایل برقی، ابزارهای ویژه‌ای مورد نیاز است. مسلماً تا کنون با ابزارهایی مانند انبر دست، سیم چین، دم باریك،سیم لخت کن، فازمتر، پیچ گوشتی، چاقوی سیم کشی و غیره و در بخش فلزکاری و اتومکانیك با ابزارهای مکانیکی مانند سوهان، چکش، دستگاه سوراخ کن یا مته با سرمته‌های مختلف،

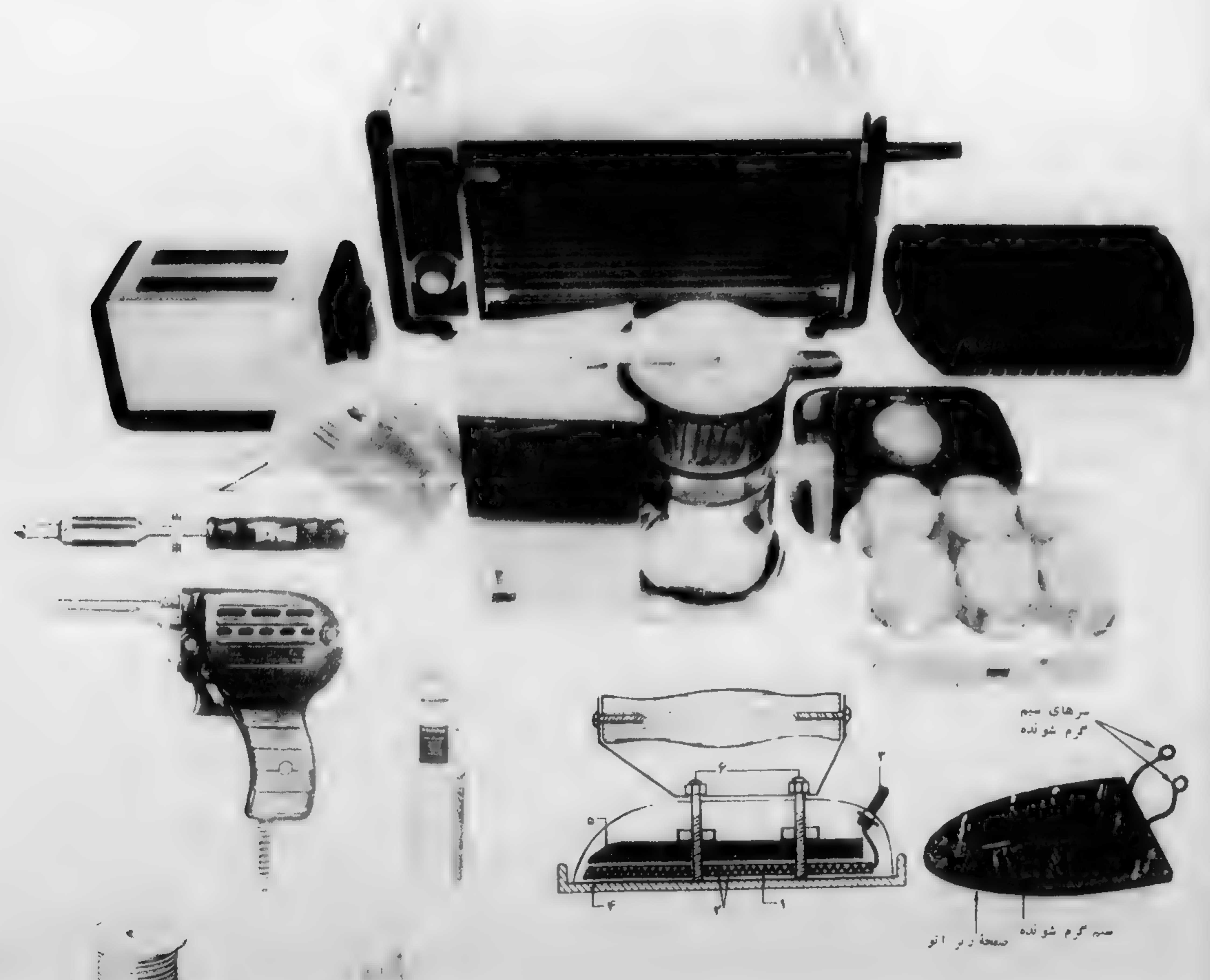

وبرقی خانگی

سمبه نشان، اره آهن بر، قیچی آهن بر، انواع آچارها از قبیل آچار فرانسه، آچاردوسر، آچار لوله گیر، آچار مهره و غیره آشنا شده‌اید. در اینجا گروه دیگری از ابزارهای مورد نیاز را می شناسید.

ابزارها و وسایل اندازه گیری برقی

برای تعمیرات، تعدادی ابزار و وسایل اندازه گیری برقی مورد نیاز است. در اینجا بعضی از آنها را که در موضوع مورد بحث ما بیشتر کاربرد دارند شرح میدهیم.

۱- هویه برقی- هویه برقی وسیله‌ای است برای لحیم کردن سیم. هویه انواع گوناگون دارد. دو نوع آن به نامهای «هویه قلمی» و «هویه هفت تیری» در شکل (۱) نشان داده شده است. برای انجام عمل لحیم کاری، به غیر از هویه برقی، سیم لحیم (آلیاژی از قلع و سرب) و روغن لحیم (به صورت کرم) مورد نیاز است.

روش لحیم کاری

۱- سر دوسیمی را که میخواهند به هم لحیم کنند، لخت کرده به هم اتصال میدهند.

۲- هویه را به برق وصل میکنند تا نوك مسی آن کاملا داغ شود

۳- هویه را روی محلی که میخواهند لحیم کنند قرار میدهند تا گرم شود

٤- مقداری روغن لحیم، روی محل لحیم کاری میمالند تا تمیز شود.

٥- سیم لحیم را در محل لحیم کاری قرار داده، سر داغ هویه را به آن می چسانند تا دوب شود

٦- وقتی سیم لحیم به اندازه کافی آب شد، محل لحیم کاری را پوشانده آن را رها میکنند تا سرد شود. واضح است که قبل از سرد شدن، محل لحیم کاری نباید تکان بخورد

۲- دستگاه صداسنج- این دستگاه تشکیل شده است از یك عدد باتری خشك یا قوه چراغ دستی، دو قطعه سیم روپوش دار به طول تقریبی یك متر که بر سر هر یك از آنها چنگك کوچکی وصل شده است و سر دیگر آنها به وسیله پیچی به باتری وصل میشود. یك یادوگوشی تلفی که دوسیم انتهائی آنها به وسیله پیچی به باتری و سیم ارتباط وصل میشود.

باتری، گوشی و سیم ارتباط به روش سری به هم اتصال دارند.

این دستگاه برای پیداکردن عیب وسایل برقی، بکار می رود و وقتی دوسر چنگك سیم ارتباط از هم جدا باشند، گوشی ساکت است. هروقت آنها را به هم بزنند گوشی یك دفعه در موقع وصل و یك دفعه در موقع قطع چنگکها از هم، صدا میکند.

وسایل ساده برقی خانگی

در تمام وسایل برقی خانگی، سیم به شکل و جنسهای گوناگون به کار برده میشود. در دستگاههائی مانند اتوبرقی، بخاری برقی ، اجاق برقی، کتری برقی و غیره که از گرمای آنها استفاده میشود، سیم درون انها داغ شده و به رنگ قرمز در می‌آید.

برای ایجاد گرمای لازم در وسایل برقی، از طول معینی سیم فلزی به اسم سیم کروم نیکل و یا اصطلاح برقیها، سیم مقاومت، استفاده میکنند.

در دستگاههایی مانند بادزن برقی، اب میوه گیری برقی، ریش‌تراش برقی و غیره که کار مکانیکی انجام میدهند، سیم مسی به صورت یك سیم پیچ در می‌آید تا میدان «الکترو مغناطیسی» گردنده ایجاد کند و دستگاه داخل آنها را به گردش در آورد. در این دستگاهها از سیم مسی نازك و یك لا با روپوش لاکی استفاده می‌شود. در موقع کار دستگاههای مکانیکی سیمها اندکی گرم میشوند، اما نه به آن اندازه که خود سیم با روپوش آن بسوزد.

اتوی برقی - اتوهای برقی به شکلها و اندازه‌ها و روشهای گوناگون ساخته میشوند «شکل ۲ را ببینید»

الف - اتوی برقی ساده - این نوع از قسمتهای زیر تشکیل شده است

۱- سیم گرم شونده - المنت اتو، سیمی است از جنس کروم و نیکل، با برش مربع مستطیل که به دور صفحه‌ای از میکا پیچیده شده است

۲- صفحات میکا - این صفحات در زیر و روی سیم پیچها قرار داده میشوند، تا از اتصال سیم پیچ با فلز بدنه اتو، جلوگیری شود

۳- دو شاخه ویژه- این دو شاخه به وسیله لوله‌ای از جنس خاك نسوز با پیچ و مهره به روپوش اتو وصل میشود. دو سر سیم گرم شونده به وسیله مهره به پیچهای انتهایی میله‌های پریز وصل میشوند.

٤- صفحه زیر اتو - این صفحه از اهن ساخته میشود، اما چون اتو روی پارچه‌های نمناك قرار میگرد لذا کف این فلز را اب کروم میدهند تا زنگ نزند.

٥- صفحه چدنی- این صفحه که از چدن ساخته شده است روی میکایی که سیم پیچ را در قسمت بالا پوشاینده است، قرار میگیرد.

٦- پیچهای محکم کننده - این پیچها روی فلز زیر اتو ثابت شده‌اند و برای محکم کردن صفحه چدنی به سیم پیچ گرم کننده و قرار دادن دسته اتو و روپوش از آنها استفاده میشود.

۷- روپوش اتو - فلزی است و برای پوشانیدن و محافظت سیم پیچ گرم شونده به کار میرود.

۸- دسته.

بند اتو - برای اتصال اتوی الکتریکی یا سایر وسایل خانگی به برق به کار برده میشود و تشکیل شده است از سیم مسی دو رشته‌ای که روی هر یك از رشته‌ها روکشی از لاستیك قرار دارد، روی روکش لاستیکی نخ نسوز پیچیده شده است. سیمهای روکشدار درون یك پوشش پارچه‌ای قرار گرفته‌اند. دو سر سیمهای روکشدار از یك طرف به پریز ویژه‌ای که میتواند به آسانی در دو شاخه ویژه اتو فرو رود اتصال دارند و از طرف دیگر به دو شاخه معمولی.

ب - اتوی برقی خودکار - ساختمان این اتو مانند اتوی معمولی است با این فرق که در داخل آن وسیله‌ای است به اسم «ترموستات» یا تنظیم کننده گرما که میتواند درجه حرارت اتو را به طور خودکار تنظیم کند. در قسمت روی روپوش اتو، دکمه‌ای قرار دارد که به میله ترموستات داخل اتو وصل است. وقتی این دگمه را روی علامت ابریشم، پشم، پنبه، نایلون و غیره (روی صفحه ثابت زیر دگمه نوشته شده است) قرار دهند، درجه حرارت مناسب را برای اتو کردن پارچه‌های مزبور، تولید میکند.

چگونه اتو را تعمیر کنیم؟

در بین وسایل برقی خانگی اتو بیش از همه مورد نیاز است و ساعاتی که در خانه‌ها کار میکند، همه بیشتر است. اتوی برقی جریان برق زیادی مصرف میکند تا به اندازه کافی داغ شود بنابراین هم نیاز به مواظبت زیاد دارد و هم احتمال کهنه از کار کردن باز ماند زیاد است به ویژه اگر وقتی میخواهند آن را از برق قطع کنند، به جای آنکه دو شاخه را به آرامی از پریز برق بیرون آورند، بند آن را با دست گرفته محکم بکشند

بیشتر وقت از کار افتادن وسایل برقی خانگی دو عیب دارد.

۱- قطع شدن مدار الکتریسیته به طور کلی قطع شدن سیم حامل جریان.

۲- اتصال کوتاه شدن مدار الکتریسیته (به هم وصل شدن سیم حامل جریان در نقطه غیر مجاز).

تشخیص عیب - وقتی اتویی گرم نشد، ممکن است دو حالت اتفاق افتاده باشد:

الف - بند اتو خراب شده باشد.

ب - سیم گرم شونده اتو خراب شده باشد.

الف - در صورتی که بند اتو خراب شده باشد، آن را از اتو آزاد کرده به وسیله دستگاه صداسنج، آزمایشهای زیر را انجام میدهیم:

۱- مادگی با پریز بند اتو را با یك دست بالا نگه داشته و با دست دیگر یکی از چنگکها را به یکی از میله‌های دوشاخه وصل میکنیم و سپس چنگك دیگر را به میله دومی دوشاخه میزنیم، اگر گوشی صدا کرد معلوم میشود که سیمهای بند اتو اتصال کوتاه دارد. یعنی روکش دوسیم داخل بند سوخته و سیمها به هم اتصال پیدا کرده‌اند.

اگر گوشی صدا نکرد یا بند اتو سالم است یا سیم داخل آن سوخته و پاره شده است. برای تشخیص دو مورد آخری آزمایش دیگری انجام میدهیم.

دراین حالت هر دو چنگك را به دو میله شاخه وصل میکنیم و سپس دوسر یك پنس فلزی را داخل دو سوراخ مادگی یا پریز بند اتو میکنیم. اگر گوشی صدا داد، بند اتو سالم است و اگر صدا نداد، سیمها از داخل قطع شده‌اند.

پیش از انجام دو آزمایش فوق باید مطمئن شد که سرسیمها از پریز یا مادگی بند اتو باز نشده باشند. درصورتی که معلوم شد بند اتو از داخل خراب شده است باید آن را تعویض کرد.

۲- درصورتی که بند اتو سالم است ولی باز اتو گرم نمیشود. بدون شك سیم گرم کننده داخل اتو سوخته و خراب شده است. برای اطمینان از این موضوع کافی است دوسر چنگك صداسنج را به دومیله دوشاخه مخصوص اتو بزنیم، البته در صورتی که گوشی صدا ندهد مسئله ثابت میشود، در این حالت برای تعمیر اتو باید آن را باز کرده و سیم گرم شونده را تعویض کنیم.

اتومبیلها:
با کامپیوتر تعمیر می‌شوند

با گسترش روزافزون تعداد اتومبیلها و کمبود مکانیك و تعمیرکار، اتومبیل‌داران هرروز با مشکلات بیشتری برخورد می‌کنند

به همین سبب استفاده از دستگاههای مدرن در تعمیرگاهها و اتوسرویس‌های اتومبیل، رفته‌رفته گسترده می‌شود و جایگزینی دستگاه و ماشین با دست و مهارت انسان افزایش می‌یابد

تازه‌ترین وسیله‌ای که درنوع خود جالب و بی‌نظیر است دستگاهی است که به تازگی در امریکا درست شده و به عنوان «عیب یاب‌اتومبیل» مورد توجه بسیار قرار گرفته است این دستگاه که طرز کارش اخیراً تشریح شده. بخوبی می‌تواند عملیات یك میکانیسین را انجام دهد

«ادوموسه» رئیس بخش سرویس شرکت شورلت شعبه «ادفاینیگ» بیشتر عمر خود را درشهر «اورورا» ایلنوی گذرانده است او میگوید «آدم اساسی سبب باین شهر علاقمند میشود و نمیتواند آنرا ترك كند. مردم این شهر خوب زندگی میکنند و برای آنچه که بدست می‌آورند سخت میکوشند آنها انتظار دارند درازای پولی که میپردازند، چیزی با ارزش دریافت دارند. برپایه این فلسفه اساسی دادوستد بود که شرکت «شورلت فاینیگ» به شرکت «یونایتد تکنولوژی‌ها میلتون» روی آورد هامیلتون دستگاهی برای تشخیص معایب اتومبیل ساخته بود که با کامپیوتر کار میکرد «ادفاینیگ» از اینکه میزان فروش اتومبیلهای نوبائین آمده بود نگران بود، لذا برای حل این مشکل به بخش سرویس خود متوسل شد و تقاضای چاره‌جوئی کرد

«موسه» نیز معتقد بود که برای رونق دادن فروش اتومبیل بایستی از بخش سرویس کمك خواست. وقتیکه آنها از دستگاه جدید با خبر شدند، از هامیلتون خواستند تاطرز کار دستگاه را بآنها نشان دهد. «ادفاینیگ» باین پدیده کاملا جدید علاقمند شد و آنرا برای رونق کارخود مفید تشخیص داد و خریداری کرد.

این تصمیم بسیاربجائی بود و «موسه» براورد کرده است که با کمك دستگاه جدید که «اتوسنس» نامیده میشود، میزان تعمیر اتومبیل دوبرابر افزایش یافته است. بالارفتن میزان تعمیر بواسطه دقت کار دستگاه بوده که بهتر و دقیق‌تر از ابزارهای معمولی عیب و نقص ماشین را معلوم میسازد. «موسه» میگوید همین دیروز اتومبیلی برای تعمیر نزد ما آورده شد که اگر با کمك «اتوسنس» نبود، نمیتوانستیم به عیب آن پی‌ببریم و مدت صاحب اتومبیل نیز سرمیرسید از طرفی مشتری از این بابت که نقص اتومبیلش زود برطرف شد، بسیار خوشحال بود

اتوسنس تنها سیستم موجود است که میتواند یك وسیله نقلیه را مورد معاینه قرار داده، مشکلات آنرا تشخیص دهد و تصمیم بگیرد که کدام قطعه از اتومبیل باید تعویض یا تعمیر شود سنسورهای سیستم مزبور میزان کار موتوریا سیستم الکتریکی ماشین را اندازه گرفته و معایب آنرا مشخص میسازد. میکانیك از روی دستگاه کنترل کننده که دردست گرفته است، قسمت به قسمت ماشین را می‌تواند کنترل کند.

مینی کامپیوتر داخل دستگاه طرز کارماشین را با مشخصاتی که درحافظه خود دارد، تطبیق داده و معین میکند که کدام قسمت ماشین خوب کارنمیکند و چه اقدامی می‌باید بعمل آورده شود. کلیه اطلاعات و دستورات راجع به تعمیر روی فرم کامپیوتر چاپ میشود که هم برای میکانیك و هم برای صاحب ماشین قابل فهم است. پس از اینکه کارهای تعمیراتی لازم انجام شد، میکانیك دوباره با استفاده از اتوسنس ماشین را معاینه میکند تا اطمینان حاصل کند که مشکل برطرف شده است.

در نتیجه یك پرونده کامل از آغاز تا پایان کار تنظیم می‌شود و دیگر برای اتوسرویس و برای صاحب ماشین موردی برای سوء تفاهم وجود ندارد.

یك معاینه کامل بوسیله اتوسنس که شامل ۳۰ مرحله و هر یك دارای ٦۰ آزمایش است. فقط در حدود ۳۰ دقیقه وقت میگیرد. بطور معمول یك ازمایش ۲ تا ۱۰ دقیقه وقت میگیرد و کل مدت معاینه بستگی دارد به تعداد ازمایشهائی که باید انجام گیرد

اتوسنس را میتوان برای هر گونه اتومبیل، کامیون یا اتوبوس با سوخت بنزین برنامه‌ریزی کرد. نوار کاست استاندارد که بجای حافظه کامپیوتر کار میکند، مشخصات بیش از ۲۰۰۰ نوع اتومبیل، از جمله مشخصات مدل، سال، نوع موتور و سیستم دنده‌ها را در خود ذخیره میکند.

برای انواع ماشینهائی که از سال ١٩٦٥ بوسیله کارخانه‌های فورد، جنرال موتورز، کرایسلر، و امریکن موتورز و برای اکثر اتومبیلهائی که از سال ۱۹۷۰ وارد ایالات متحده شده برنامه‌ریزی شده است و نوارهائی برای اتومبیلهای ساخته شده در انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لهستان، شوروی، اتریش، چکسلواکی، هلند و سوئد فراهم خواهد شد.

اتوسنس به «موسه» کمك کرده است تا دو بخش بزرگ سرویس دائر کند. طی دو هفته پس از خریداری این دستگاه فاینیگ قرار دادی برای تعمیر کلیه ماشینهای مسافربری کارخانه تراکتورسازی کاترپیلرو همچنین برای تعمیر اتومبیلهای پلیس بخش این ناحیه که جمعا به بیش از ۱۰۰ دستگاه میرسد، منعقد کرد

رقابت بین فروشندگان اتومبیل در شهر «اورورا» خیلی شدید، ولی دوستانه است و از کمك به یکدیگر در موارد لزوم خودداری نمی‌ورزند. «موسه» میگوید: «ماه گذشته رئیس یکی از نمایندگیها اتومبیل مستعملی داشت که خیلی برای او اسباب دردسر شده بود میکانیك او سه روز وقت صرف این اتومبیل کرده بود، بدون اینکه کشف کند چرا موتور اتومبیل خوب کار نمیکند

سرانجام آنها غرور خودرا زیر پا گذاشته و اتومبیل را باینجا آوردند تا با «اتوسنس» مورد معاینه قرار گیرد. در عرض ۲۰ دقیقه معلوم شد که یك «روتر» داخل «دلکو» که بتازگی نصب شده بود معیوب بوده است و با تعویض آن اتومبیل درست شد.»

«کن یوفبرگر» مدیر سرویس یك نمایندگی دیگر شورلت است که درکالدول نیوجرسی واقع شده است. کالدول مانند «اورورا» از یك جامعه نسبتا مرفه تشکیل شده و مردمانش برای کار به نیویورك که با این شهر ۳۰ کیلومتر فاصله دارد، میروند.

نمایندگی مالکم کونرز که پوفنبرگر برای ان کار میکند یك دستگاه اتوسنس خریداری کرد تا مورد استفاده قرار دهد. پوفنبرگر میگوید. «ما میدانستیم که بازار کساد است و امسال فروش کم خواهد بود. از این رو فکر کردیم شاید اتوسنس بتواند بما کمك کند و کار تعمیر بیشتر شود.»

پوفنبرگر ادامه میدهد: «در واقع ورقه چاپی کامپیوتر است که باعث میشود حجم کار تعمیر افزایش یابد، چون مشتری انرا میبیند و میفهمد کجای ماشین عیب پیدا کرده بود و ما برای اصلاح آن چه کارهائی انجام داده‌ایم. بعبارت دیگر شخص مبلغ نسبتا زیادی برای خرید اتومبیل خود میپردازد ووقتی انرا برای تعمیر نزد شما می‌آورد انتظار دارد که تمام معایب ان رفع شود. ورقه چاپی کامپیوتر مورد اطمینان است و رضایت مشتری را فراهم میسازد.»

سرعت و دقت در تشخیص معایب اتومبیل از امتیازات عمده اتوسنس است که به مکانیك کمك میکند کار خودرا سریع و خوب انجام دهد یکی از میکانیك‌های مالکم کوبرز میگوید: «بارها دیده‌ام اتومبیلی که جای دیگر تعمیر شده، دوباره برای تعمیر باینجا آورده‌اند. در مورد یکی از این اتومبیلها که من بازدید کردم، شمع و پلاتین‌ها همه نو و سیم‌کشی‌ها درست بود، ولی بازهم ماشین خوب کار نمیکرد. اتوسنس را بآن وصل کردم و آزمایشها نشان داد که عیب در کلاهك دلکو است که باعث تعجب من شد، چون کلاهك کاملا نو بنظر میرسید.

بهرحال انرا بیرون آوردم و با دقت بآن نگاه کردم. یك ترك ریز باندازه یك تار مو در آن دیده میشد که البته با چشم قابل رویت بود ولی اتوسنس توانست انرا کشف کند.»

«یوجین اوکانر» سرپرست تعمیرگاه مرکزی شورلت برآورد کرده است که تعویض قطعه‌های ۶۰۰ دستگاه اتومبیل سواری آن اداره هنگامیکه در ماه مه گذشته از اتوسنس استفاده شد تا میزان ۵۰ درصد کاهش یافته است و می‌گوید

«قبل از خرید اتوسنس ما مجبور بودیم بعضی اوقات از کلیه قسمتهای اتومبیل آزمایش کنیم تا عیب انرا پیدا کنیم ولی امروز فقط آن قسمت را که اتوسنس معیوب تشخیص میدهد تعمیر یا تعویض میکنیم.

[illegible] میکانیك‌ها [illegible] این دستگاه شك داشتند و میگفتند چگونه ممکن است یك کامپیوتر بتواند عیب یك اتومبیل را کشف کند. میکانیك‌های ما هنگامی متقاعد شدند که در مورد یك ماشین خیال میکردند عیب از کاربوراتور است، اما وقتی اتوسنس نشان داد که عیب در قسمت احتراق بوده است. با وصل یك قطعه سیم که ۷۵ سنت ارزش داشت عیب ماشین رفع شد اگر میخواستیم کاربوراتور را عوض کنیم میبایستی ۸۰ دلار بپردازیم.

طرز استفاده از اتوسنس مشکل نیست. اکثر میکانیك‌های ماهر در عرض چند ساعت طرز استفاده از آنرا یاد میگیرند و در چند روز کاملا مهارت پیدا میکنند.

«مایك کاوکاس» که تعمیرگاه «کاوکاس» [illegible] کانتیکت دارد، قبل از باز کردن تعمیرگاه خود دو ماه با این دستگاه تمرین کرد. او میگوید: «من دستگاه را خریدم و مدت ۸ هفته اتومبیلهای همسایگان خود را بوسیله آن مورد آزمایش قرار دادم و نوع اتومبیلها از [illegible] فولکس‌واگن تا اتومبیل مسافرتی ۲۰۰۰۰ دلاری مورد معاینه قرار دادم.

باشگاه اتومبیل هارتفورد وابسته به اتحادیه اتومبیل آمریکا از استفاده‌کنندگان مهم اتوسنس است.

[illegible] دستگاه بسیار ساده [illegible] مکانیک‌ها قادر کند

[illegible] باشگاه یك سرویس سیار برای استفاده از اتوسنس دائر کرده است که «موتورکس» نامیده میشود. این سرویس که روی کامیون قرار دارد در مقابل دریافت ۱۵ دلار اجرت اتومبیل‌های ۱۸۰۰۰۰ نفر از اعضاء باشگاه را مورد معاینه قرار میدهد و عیب و نقص انها را آشکار میسازد.

سرویس شامل یك معاینه بوسیله اتوسنس و یك بازرسی عینی بوسیله تکنسین‌های موتورکس است. پس از معاینه که معمولا ۳۰ دقیقه طول میکشد، تکنسین‌ها نتیجه معاینات را برای صاحب ماشین شرح میدهند و توصیه‌های لازم را برای تعمیر میکنند. یك ورقه چاپی اتوسنس و دستور مربوط به تعمیر به عضو باشگاه داده میشود تا اتومبیل خود را بهر تعمیرگاه که میخواهد ببرد و تعمیر کند. پس از اینکه تعمیر انجام گرفت بار دیگر اتومبیل مورد معاینه اتوسنس قرار میگیرد که این نیز خود جزئی از سرویس است.

پرسش و پاسخ فنی

برای آزمایش پایه یکم رانندگی آماده شوید

پرسش: علت وجود [illegible] گروه [illegible] چیست؟

پاسخ: بزرگی لاستیک سوپاپ [illegible] سوپاپ [illegible] روغن سوزی موتور.

پرسش: علت خروج [illegible] اگزوز [illegible]

پاسخ: سوختن [illegible] سیلندر [illegible] سیلندر [illegible] پیچهای سر سیلندر [illegible]

پرسش: علت وجود [illegible] در کاربراتور [illegible]

پاسخ: سوختن واشر سر سیلندر [illegible] سر سیلندر [illegible] پیچهای سر سیلندر [illegible]

پرسش: علت وجود [illegible] چیست؟

پاسخ: سوختن و [illegible] سر سیلندر [illegible] پیچهای سر [illegible]

پرسش: [illegible] موتور [illegible] موتور روشن میشود؟

پاسخ: [illegible] موتور [illegible] کار [illegible]

پرسش: [illegible] چگونه است؟

پاسخ: روغن [illegible] کمپرس [illegible]

پرسش: [illegible]

پاسخ: [illegible] روغن شمع [illegible] کمپرس [illegible]

پرسش: [illegible] موتور [illegible] داشته باشد

پاسخ: [illegible] لاستیک سوپاپ و لقی گیت [illegible]

پرسش: [illegible] کمپرس در موتور [illegible]

پاسخ: [illegible] سوپاپ [illegible] سوختن و [illegible] سیلندر [illegible]

پرسش: [illegible] هم فرار [illegible] موتور هم [illegible] روغن سوزی چیست؟

پاسخ: [illegible] لاستیک سوپاپ لقی گیت [illegible]

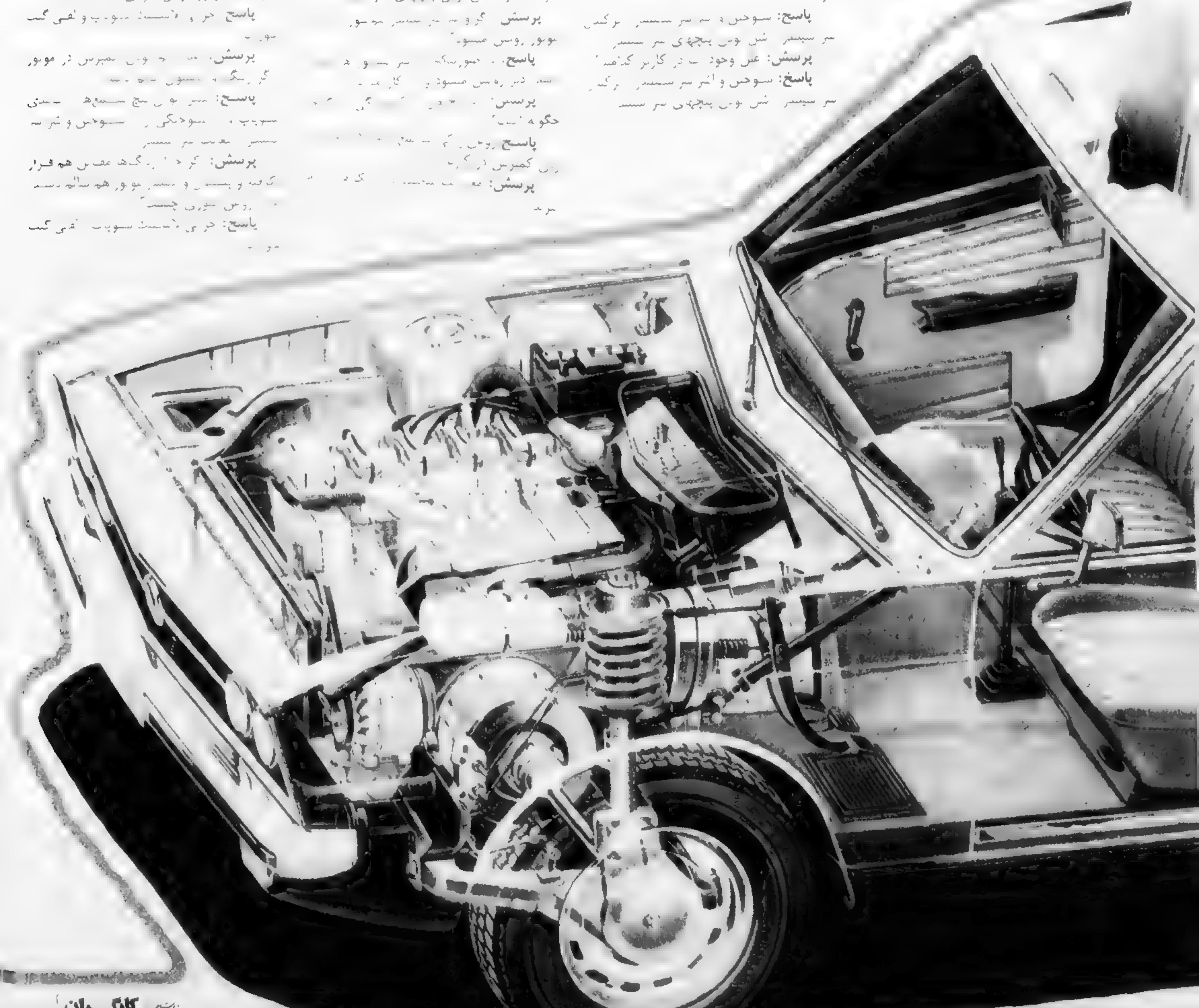

روغن‌زدگی شمع‌ها، تک کار کردن و کمپرس زدن در کارتر، از جمله عوارض شکستگی رینگ‌ها بشمار می‌آیند

پرسش: علل شکستن پیستون کدامند؟
پاسخ: لقی زیاد پیستون- حرکت افقی میل‌لنگ- افتادن سوپاپ روی پیستون در اثر شکستن سوپاپ- شکستن رینگ پیستون

پرسش: تشخیص صدای پیستون چگونه ست؟

پاسخ: صدای یکنواخت پیستون و کار نکردن آن و کم شدن صدا در شرائط مختلف (سردی و گرمی)

پرسش: معایب کار نکردن پیستون چیست؟
پاسخ: تك کار کردن موتور- کمی کشش و قدرت موتور- بد روشن شدن موتور.

پرسش: معایب لقی زیاد پیستون را نام ببرید

پاسخ: شکستن رینگ و پیستون- تاب برداشتن شاتون- روغن‌زدن بسر شمع

پرسش: شاتون چیست و محل آن کدام ست؟

پاسخ: شاتون رابط بین پیستون و میل لنگ بوده و وسیله انتقال حرکت است

پرسش: علل زدن شاتون چیست؟
پاسخ: لقی زیاد پیستون لقی‌افقی میل‌لنگ

پرسش: معایب تاب داشتن شاتون چیست؟
پاسخ: بریدن شاتون- شکستن پیستون زدن شاتون به سیلندر- در دور صدا میکند

پرسش: عمل گژنپین چیست؟
پاسخ: میله‌ایست استوانه‌ای که رابط بین شاتون و پیستون میباشد از فولاد ساخته شده و روی آن صیقلی است

پرسش: تشخیص صدای گژنپین چگونه ست؟

پاسخ: در حالت سردی موتور صدای آن زیاد بوده در حالت گرمی چون نزدیك محفظه انفجار است، منبسط شده و صدای آن کم میشود و در دورهای کم بیشتر صدا میکند

پرسش: برای اینکه گژنپین از محل خود خارج نشود، چه وسیله‌ای آنرا نگهمیدارد؟
پاسخ: خارهای گژنپین و یا در بعضی موتورها توسط پیچ در سر شاتون که در وسط گژنپین جا میگیرد.

پرسش: عمل یاتاقان و محل آن را شرح دهید

پاسخ: در مفصل‌های شاتون در میل‌لنگ و تکیه‌گاههای میل‌لنگ به سیلندر قرار گرفته و از خوردگی میل‌لنگ جلوگیری مینماید

پرسش: معایب ناشی از سوختن یاتاقان چیست؟

پاسخ: خط‌انداختن میل‌لنگ- کم‌شدن فشار روغن

پرسش: معایب شل بودن یاتاقان چیست؟
پاسخ: ایجاد صدا- کم شدن فشار روغن که مسبب سوختن یاتاقان و در صورت نبودن، موتور باعث گریپاژ میشود

پرسش: کار بغل یاتاقان چیست؟
پاسخ: جلوگیری از حرکت افقی میل لنگ

پرسش: معایب خوردگی بغل یاتاقانهای متحرك کدامند؟
پاسخ: زدن شاتون در سیلندر لقی شاتون روی میل لنگ بطور افقی

پرسش: معایب خوردگی یاتاقانهای ثابت کدامند؟
پاسخ: لقی افقی میل لنگ- کم شدن فشار روغن

پرسش: علت کوبیدن شاتون روی میل لنگ چیست؟
پاسخ: سوختن یا شل بودن یاتاقانها

پرسش: معایب دوپهن بودن میل لنگ کدامست؟
پاسخ: سوختن مرتب یاتاقان

پرسش: انواع لقی میل لنگ کدامند؟
پاسخ: لقی افقی- لقی عمودی
پرسش: علل لقی میل‌لنگ چیست؟
پاسخ: خوردگی بغل یاتاقانها- شل بودن یاتاقانها
پرسش: معایب مربوط به لقی افقی کدامند؟
پاسخ: زدن شاتون بریدن میل‌لنگ
پرسش: معایب مربوط به لقی عمودی میل‌لنگ چیست؟
پاسخ: سفت نشدن- تراش رفتن زیاد لقی افقی
پرسش: تشخیص ترك میل‌لنگ چگونه ست؟
پاسخ: کم‌شدن فشار روغن مشروط بر اینکه ترکیدگی بکانال روغن رسیده باشد
پرسش: علائم خرابی کاسه نمد میل‌لنگ کدامند؟
پاسخ: روغن‌زدگی به پشت فلایویل- روغن‌زدگی به پشت چرخها

تازه‌های دانش و صنعت

نوعی دستگاه نور گیر

فرانکفورت (د. آ. د)- در انستیتو باته‌له، در فرانکفورت ماین (جمهوری فدرال آلمان) بدستور و به هزینه وزارت پژوهشها و تکنولوژی آلمان در بن، گسترش روش جدید مبارزه باصطلاح «طاعون نفتی» که بطور وحشتناکی جلوه‌گر است را به کمك نور خورشید پیگیری بکنند.

درحال‌حاضر سالانه میزان آلودگی رودخانه‌ها، دریاها و نواحی دریاها در سطح جهانی حدود پنج میلیون تن براورد می‌شود.

دانشمندان انستیتو باته‌له، با کمك نور آفتاب جهت مبارزه با این بلا، مشغول بکارند زیرا به اثبات رسیده است که مایعات مشتق از نفت در مقابل نور حساسیت دارند.

آنها در جستجوی راهی‌اند که بتوان بدان وسیله با تاثیرگزاری تجزیه شیمیائی، آن قشر تولیدشده از نفت و روغن در سطوح آبها که مصطلحاً آنرا «فیلم نفتی» میخوانند و نسبتا آهسته جریان دارند به دفع این آلودگی شتاب داده شود.

قراراست برای این کار از دستگاهی بنام «فتوزنزیبلاکور» باندازه بسیار زیاد استفاده شود. چنانچه یك نوع ترکیب شیمیائی مناسبتر و موثرتر بدست آید،درانصورت با استفاده از این روش، مقدار کمی از آن برای دفع آلودگی آب از مشتقات نفت کفایت خواهد کرد.

از ترکیبات حاصله حتی میتوان در زمان وقوع یك «بلای نفتی» بدون زحمت و با پاشاندن آن نتیجه مطلوب گرفت.

یك دستگاه مولد اشعه و یك دستگاه تجزیه کننده نور در فرانکفورت ماین، یا آلوده کردن مصنوعی آبهای تصفیه شده بوسیله جوهرهائی با کیفیات گوناگون برای آزمایشات مختلف حفاظت محیط زیست بکار برده میشود.

این دستگاه اولین نتیجه زحمات دانشمندان فرانکفورت در زمینه استفاده از یك روش جدید مبارزه با آلودگی آب است.

بااین دستگاه امکان پذیر خواهد بود که در یك لحظه واکنش چهل نوع قشر نفتی سردشده که مصنوعا در سطح معینی از آب دریا شناور شده است در قبال نور آفتاب مصنوعی آزمایش کنند. نتایج حاصله در آزمایشگاه را که در مورد جوهرهای مختلف انجام داده‌اند، پس از انتخاب موثرترین نوع ترکیب مبارزه‌گر در آینده نزدیکی بطور عملی در سطوح بیشتری از آب دریاها بکار خواهند برد.

دستگاه تراش بسیار دقیق ۴۳ متری ساخت دورتموند.

دورتموند (د. آ. د)- این دستگاه تراش فوق‌العاده دقیق که در دورتموند در آلمان فدرال ساخته شده است و سفارش یك مؤسسه سویسی است که برای تولید قسمتهای چرخان توربین و محورهای ژنراتور نیروگاههای اتمی آینده با ظرفیت ۲۰۰۰ مگاوات بکار خواهد رفت.

برای نشان دادن عظمت این دستگاه در سمت راست آن یك گروه ۲۲ نفری از کارگران و در وسط یك دستگاه ماشین تراش معمولی که بسیار کوچك به نظر میاید دیده میشود.

برای ساخت این دستگاه عظیم ماشین تراش و مونتاژ قسمتهای آن ۱۷ ماه وقت صرف شده است و پس از آزمایشهای لازم دوباره قطعات آن پیاده و با ۲۲ واگن راه‌آهن سویس حمل شد.

وزن این ماشین ۴۲۰ تن و طول آن ۴۳ متر است. این ماشین میتواند یك قطعه ۵۰۰ تنی را که ۲۴ متر طول و۴/۲ قطر داشته باشد با دقت دوهزارم میلیمتر تراش دهد.

ماشین تراش ساخت دورتموند، دارای ۹۰ موتور است که با نوارهای سوراخ شده کنترل میشود. کارخانه دورتموند، اکنون سرگرم ساخت ۱۳ دستگاه ماشین عظیم تراش برای صدور به اتحاد شوروی است که البته بعضی از آنها به این بزرگی نیستند.

حفاظت محیط زیست، نور آفتاب بر ضد آلودگیهای آب ناشی از مایعات مشتق از نفت که بصورت بلای طاعون ظاهر شده‌اند

در نمایشگاه(های فی ی ۷٦) در دوسلدروف رکوردها شکسته شد.

دوسلدروف (د. آ. د) نمایشگاههای بازرگانی پائیز در کلن - «دوسلدروف واسن» نشان داد که با وجود افزایش قیمت کالا میزان خرید و سفارشها رکورد شکسته است. شرکت کنندگان در نمایشگاه (های فای ۷٦) بعلت وجود رقابت مجبور بودند قیمتهای رادیو و تلویزیون را قدری پائین بیاورند ولی میزان سفارشها زیاد بود و کار رونق داشت. یکی از ویژگیهای برجسته این نمایشگاه وجود عکس ناطق کانتربرم هنرپیشه المانی بود که بیك روزنامه نویس اهل مونیخ بخاطر مقاله‌ایکه پیرامون این نمایشگاه در یکی از روزنامه‌های المانی بود اهداء شد.

کانسارهای مس پرفیری

با پیشرفت علم تکنولوژی برای تغلیظ مواد معدنی با عیار کم، از معادنی استفاده میشود که بنام کانسارهای مس پرفیری نامیده میشوند. اینگونه

معادن در آمریکای جنوبی و ایالات متحده امریکا و سایر ممالك، کشف و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و تقریباً ٦٠درصد محصول مس دنیا از این نوع کامسارها بدست می‌آید. این مقاله بحث و تحقیق در باره کامساری از نوع فوق است که از سال ۲۵۲۸ شاهنشاهی در ناحیه درمزار کرمان کشف شده است. قبل از بحث و پژوهش در باره کانسار مس درمزار کرمان برای روشن شدن مطلب مشخصات کلی و توضیحاتی در باره کانسارها داده‌میشود

کانسارهای مس پرفیری

در مغرب و جنوب‌غربی ایالات متحده آمریکا و طول جبال اند در آمریکای جنوبی نوعی کانسارهای مس وجود دارد که مشخصات آن نسبت به سایر کانسارها متفاوت است این کانسارها را که به مس پرفیری موسوم است معمولاً در سنگهای آذرین از نوع گرانیت مونزونیت گرانودیوریت و یادیوریت کوارتزدا شکل شده‌اند. بافت این سنگها پرفیری است و بصورت ماسیف‌های کوچك و متوسط در درون سنگهای دیگر نفوذ کرده‌اند. کانی سازی اولیه بصورت ذرات پراکنده از کانی کالکوپیریت همراه با پیریت و بورنیت و مقدار کمی مولیبدنیت، سولفور روی و سرب تشکیل شده است

معمولاً در این معدن، مراحل مختلف فعالیت ماگما یکی پس از دیگری مشاهده میشود و کانی‌سازی ممکن است بر اثر فعالیت گرمایی و یا

سروسار و ... قسمت فوقانی کانسار ... می‌دهد و ... wetherinj ... کانیهای مس بطرف پائین رفته. منطقه‌ی بنام منطقه شسته شده را بوجود می‌آورد دراین منطقه کانیهای سولفوره مشاهده نمیشوند. پیریت تبدیل به لیمونیت شده و کانیهای ثانوی مس از قبیل مالاکیت و آزوریت یافت میشود ضمناً بسبب عبور مایعات گرمائی سنگ آذرین آلتره شده کانیهای رستی و سیریسیت درآن تشکیل شده است که خود نشانه‌ای از شرایط گرمایی در حرارت کم است. وجود کانیهای رستی مثل کائولن، سطح کانسار را برنگ روشن در اورده یك حالت «کنتراست» رنگی بین طبقات مجاورو کانسار پدید می‌آید که تشخیص این نوع کانسارها را آسان می‌کند

زیر منطقه شسته شده منطقه ثانوی غنی قرار دارد

ضخامت این منطقه متغیر است و حدود چند صد فوت و ندرت بهزارفوت میرسد. معمولا در مناطق سولفوره غنی بعد قائم بمراتب کمتر از ابعاد افقی است و درنتیجه شکل آن بصورت بلانکت است. تشکیل منطقه ثانوی غنی یکی از مشخصات عمده و متمایز این نوع کانسارهاست که بسبب عمل شستشو در منطقه فوقانی صورت می‌گیرد و تجمع کانیهای مس و پرعیار شدن آنها را در منطقه ثانوی موجب میشود. دراین منطقه کانیهای سولفوره مس از قبیل کالکوزین، کالکوپیریت، کولین و مس خالص بصورت ذرات پراکنده و رگچه‌ای دیده میشود. در کانسارهای مس پرفیری معمولاً کمی «مولیبدن» بصورت مولیبدنیت همراه با مس دیده میشود.چون مولیبدن تحت تاثیر Wethering قرار نمیگیرد، بنابراین در سطح باقی میماند. وجود کانی مولیبدنیت دراین منطقه اهمیت اقتصادی کانسار را بیشتر می‌کند

زیر منطقه ثانوی منطقه اولیه کانی سازی وجود دارد که حد پائین آن کاملا مشخص نیست زیرا از توده معدنی تاکانیهای اولیه مثل پیریت و کالکوپیریت، تغییرات، تدریجی است. کانی سازی مس در منطقه اصلی ممکن است پرعیار باشد. در اینصورت بدون عمل «سمانتاسیون»و تشکیل منطقه ثانوی غنی، کانسار قابل استخراج و بهره برداری است.

چنانکه ذکر شد، سه منطقه متمایز شسته شده، ناوی غی، منطقه اصلی ار مشخسات عمده کانسارهای مس پرفیری است ٦ درصد محصول مس دنیا از این نوع کانسارها استخراج می‌شود. مشهورترین معدن از این نوع در آمریکای جنوبی در کشور شیلی بنام «شوکوئی کاماتا» وجود دارد که سالیانه مقدار ۳۱۷۰۰۰تن مس خالص تولید میکند. در ایلات متحده آمریکا معدن «بینگ‌هام» با تولید سالیانه... ۱۹۵۰۰تن مس خالص از نوع کانسارهای پرفیری است. معدن سرچشمه اولین کانسار مس‌پرفیری است که در سالهای اخیر در استان کرمان واقع در ٦۰کیلومتری جنوب رفسنجان کشف شده است. معدن دره زار از نوع کانسارهای مس‌پرفیری دومین معدن مس کشف شده در استان کرمان شمار می‌آید.

پس از تهیه نقشه زمین شناسی ناحیه‌ای (ژئولوژی منطقه‌ای) با اندازه ۱۰۰۰۰۰۱، ۱۰۰ سنگهای آلتره شده آذرین مربوط به دوره الیگومیوسن زمین شناسان را بر آن داشت که ماسیف را مطالعه و تحقیقات تفصیلی زمین شناسی معدنی انجام شود. پس از برداشت نمونه‌های مختلف از مظهر توده آذرین و انجام مطالعات پتروگرافی التراسیون گرمایی وجود آن به اثبات رسید.

مطالعه ژئو فیزیك و ژئو شیمی تفصیلی یکی پس از دیگری وجود آنومالیهای مس و مولیبدن را در منطقه سنگهای آذرین به ثبوت رساند. با انجام عملیات حفاری و گمانه‌زنی معلوم شد کانسار از نوع کانسارهای مس‌پرفیری است.

دانش نور و بینائی: برای «ابژکتیو» دوربینها با فواصل کانونی زیاد.

صنعت دوربین سازی جمهوری فدرال المان، شیشه‌های فلورفسفات را به آن اندازه‌هائیکه تاکنون ساخته نشده بود، عرضه میکند.

اخیراً صفحات گردی از این نوع شیشه ویژه تا به قطر ٤۰۰ میلیمتر و ذخامت ۷۰ میلیمتر وجود دارد که برای دقت دستگاههائیکه نصب قطعات در انها بایستی کاملا یك میزان باشد، بکار برده میشود.

شیشه‌های فلورفسفات در وهله نخست برای «ابژکتیو» دوربین‌های عکاسی با فواصل کانونی زیاد و دوربین‌های چشمی یا یك لنز کرومی توسعه یافته است که تصاویر را از فواصل دور نمایان میکنند و نیز برای ابژکتیو میکروسکوپ در نظر گرفته شده است.

مزیت این شیشه‌ها که موجب موفقیت استثنائی آنها شده، در این است که شکستگی نور در زمان عبور از قشر آنها تقریباً بصورت خط مستقیم (نه منحنی) است که نیز برای تکنیك «لازر» بسیار مناسب است. با اینکه این شیشه‌ها از لحاظ ویژگیها در مقایسه با خواص مواد شیشه‌های دوربین‌های معمولی نظیر مواد کالسیم فلورید که اکثراً مکعبی شکل و به صورت بلورهای ابی، سبز، و بنفش هستند در یك تراز است، از نظر قیمت ارزان‌تر تمام شده و در اندازه‌های بزرگتر تولید میشوند مضافاً براینکه روی این نوع شیشه‌های فلوفسفات میتوان بهتر کار کرد.

این شیشه‌ها همچنین برای اوبجکتیو عکاسی تا به قطر ٦۰ میلیمتر به صورت پرس شده عرضه میشود.

بیماری «ضعف مصونیتی» با موفقیت علاج پذیرشد.

(د. آ. د)– در سال ۱۹٦۹ دو نوزاد دو قلو باسامی ورنرواروین روریکر با ضعف مصونیت در مقابل امراض بدنیا آمدند. این دو کودك تقریباً سه سال در یك چادر پلاستیکی عاری از هر گونه نطفه در کلینیك دانشگاه اولم که بهترین محل معالجه این نوع امراض نادر ولی خطرناك که ناشی از نقص مادر زادی در کشور جمهوری فدرال المان است، زندگی کردند.

پزشکان برای معالجه این دوقلوهای دو جیبه‌ای دو روش مختلف را باین شرح آزمایش کردند: ورنر با تزریق سلولهای اصلی که از مغز استخوان مادرش حاصل شده بود تحت معالجه قرار گرفت، و مداوای اروین با کاشت دو عده (درونی بدن انسان و حیوانات پستاندار که در قسمت جلوی گودال پستان موجود است) که از جنین چندین ماهه در رحم مادر تهیه شده بود، انجام گرفت

بدین ترتیب این بچه سه سال پس از مرخصی از بیمارستان بزودی مرد، در حالیکه برادرش ورنر تاکنون نیز چون یك بچه معمولی به مدرسه میرود. هم‌اکنون در کلینیك اولم ۱۵ بچه بستری هستند که بدنشان هیچگونه پادزهری ترشح نمی‌کند و امیدواری پزشکان در آینده روی پیوند مغز استخوان است.

●تحمل قلب و شش خانمها بیشتر است،

کلن (د. آ. د)– پروفسور ویلدر هولمن وابسته به دانشسرای ورزشی آلمان در کلن که یك پزشك ورزشی معروف در سطح جهانی است بمطالب زیر اطمینان دارد، بزودی اثبات خواهد شد که زنها در ورزشهائی محکمتر و مقاومتر و نسبتا موفق‌ترند، در صورتیکه ورزش مورد نظر بستگی به دیسیپلین استقامتی داشته باشد.

او برای اثبات نظریه خود به این امر اشاره کرد که شنای استقامت تا کنون بین انواع شنای دیگر، نقش بزرگی نداشته است و بطور جنبی مورد توجه قرار میگرفته است. درحال حاضر بعقیده این کاشف، در آتیلو نزدیك، برتری استقامت «جنس ضعیف» در ورزش دو استقامت اشکار خواهد شد.

او معتقد است که دوشیزگان و بانوان از شانسهای بیشتری در بهتر کردن موقعیت خود در زمینه‌های قایقرانی با پارو و دوچرخه رانی در فواصل زیاد برخوردارند

توضیحات پزشکان ورزشی برای اثبات این عقیده چنین است «هورمون مرد بنام تستوسترون به مردها امکان بیشتری میدهد تا عضلاتشان سریعتر و قویتر رشد کند.»

این امتیاز برتر مردها است. در حالیکه طبقه زنان حتی با تمرینات دقیق نیز نمیتوانند قدرت، عضلات خودرا با مردها برابر سازند ولی آنطوریکه متخصصین قلب و دستگاه گردش خون بنتیجه رسیده‌اند، قلب و دستگاه گردش خون خانمها در زمان قبل از یائسگی مقاومتر و محکمتر از مردها است.

آقای هولمن دلیل مقاوم‌تر بودن زنها را بعلت داشتن هورمون زنانه بنام استروژن یك واقعیت میدانند. گذشته از علم طبابت در مورد ورزش، اکنون از طرف دانشگاه جرج‌تون واشنگتن پس از سه سال تحقیق و تایید این فرضیه یك نکته دیگر نیز ارائه داده شده است.

درآنجا پس از آزمایشات بیشماری بر روی جانوران به نظر رسیده که ممکن است استروژن مانع انعقاد و گلوله شدن خون شود، در حالیکه تستوسترون انعقاد و گلوله شدن خون را میسرتر میکند بهمین دلیل برای یافتن یك داروی ضد تستوسترون بخاطر بیماران قلبی بکمك یك سلسه آزمایشات پیگیری و جستجو میشود.

تا کنون اینطور معلوم شده بود که در مردها تا زمان انقطاع تولید نسل، خطر سکته قلبی به وضوح، بیشتر از زنان بوده است.

اکنون پروفسور هولمن مصمم است که خود را باجزئیات این آزمایشات مشغول کند و البته مطمئناً نیز پیگیری او دراین امور، قسمتی برای تایید نظریات و فرضیات خودش خواهد بود.

به عقیده این پروفسور علت مقاوم بودن زنها و دوشیزگان از مردها در ورزشهای استقامتی بعلت زودخستگی پذیری قلب و شش است.

انتقال بهتر اکسیژن به ششهای جنس زن از نظر عقلانی صحیحتر بنظر میرسد و تغییرات سلولی عضلات نیز معین‌تر انجام میگیرند.

کلیه این خصوصیات بهم‌پیوسته برای زنها نوعی پرهیزکاری در زمینه آن ورزشهائی که در انها نیازی به استقامت بیشتر است بوجود آورده است.

ضمناً در ورزش دو استقامتی برای خانمها این برتری نیز موجوداست که زنان از وزن کمتری برخوردارند ولی در پاروزنی قایق و دوچرخه سواری این کم عضله‌ای و کم وزنی خانمها به ضررشان تمام میشود زیرا دراین دو نوع ورزش عضلات قویتر وزن سنگینتر، از نیروی بیشتری بهره‌منداست.

با پرورش صحیح فرز
دین خود را بوطنم ادا

خانم صدیقه و آقای اکبر کبیریان و دواولادشان، امیر محمد و حمید رضا، میهمانداران ما هستند. روی میز کوچکی که کنار تلویزیون قرار گرفته چند شماره از مجله «رستاخیز کارگران» را می‌بینم و در می‌یابم که این زن‌وشوهر عزیز و مهربان از خوانندگان مجله‌ئی هستند که من در آن قلم میزنم. و این سخت خوشحالم میکند. زن‌وشوهر جوان، سالم و شاداب بنظر میرسند و دقت و سلیقه خاصی در لباس پوشیدن خود و پسرها بکار برده‌اند. امیرمحمد، بازستی که سنش را بیشتر جلوه میدهد، به کنار من می‌آید و دستش را برای دستدادن دراز میکند. صورتش را میبوسم و اوکشان‌کشان مرا بطرف اتاقی که اسباب بازیهایش در آن است میبرد. اسباب بازیها، منظم و مرتب چیده شده‌اند و این نشانگر نظم‌وترتیبی اعضای خانواده، بخصوص «امیر محمدخان کوچولو» است. خانم صدیقه کبیریان که رفتاری خیلی آرام و متین دارد، ما را به نوشیدن یك چای گرم دعوت می‌کند و انصافاً دعوت بجائی است، چرا که امروز هوا خیلی سرد است، و بارانی. و ازآنجا کهما جائی برای پارك کردن اتومبیل در نزدیکی خانه آقای کبیریان پیدا نکرده بودیم و مجبور بودیم مقدار زیادی زیر باران بدویم، چای گرم، گرممان میکند و گفتگوی خود را با این خانواده جوان کارگر آغاز میکنیم.

یادهای کودکی و نوجوانی

آقای محمدکریم کبیریان، شما از خودتان بگوئید، از روزهای کودکی، از یادهای نوجوانی.... بیست‌وششم دیماه سال ۱۳۱۸ در شهرستان قزوین متولد شدم. خانواده من خانواده‌ئی معمولی بودند. نه انقدر پول داشتند که ندانند با آن چه بکنند، و نه انقدر فقیر بودند که محتاج این‌وآن باشند. ساده زندگی میکردند، ولی زندگی بسیار سالمی داشتند. پدرو مادرم زن‌وشوهری نمونه بودند. بیکدیگر عشق میورزیدند و اولادشان را صمیمانه دوست میداشتند، ولی از آنجا که خوشیهای خانواده ما پایدار نبود، در سن هشت سالگی پدر را از دست دادم، و این مصیبتی اندوهبار بود، چرا که خیلی به او متکی بودم. بهر حال روزگار سختی بود. بگذریم، در سیزده سالگی بتهران آمدیم. در آن زمان تصدیق ششم ابتدائی را گرفته بودم. با همان سن کم به کلاس حسابداری رفتم و دوره حسابداری را دیدم.

مدتی در قسمت صندلی سازی و تختخواب‌سازی مشغول کار شدم بعد در کارگاه در و پنجره سازی کار کردم، و پس از آن تقریباً در حدود یکسال و نیم با ماشینهای سنگین راه‌سازی کار کردم و درست چهارده سال پیش به استخدام کارخانه صنعتی آزمایش درآمدم و الان در قسمت یخچال سازی کار میکنم.»

آشنائی...؟

- آقای کبیریان، برای ما بگوئید که چگونه با همسر فعلی خود آشنا شدید و چه شد که این آشنائی به ازدواج انجامید؟

- «همسر من از اهالی آبادان است البته نسبت دوری هم با من دارد که در اول اطلاع نداشتم. روزی میهمان برادرم بودم، صدیقه خانم هم آنجا میهمان بود پرس و جو کردم فهمیدم که ایشان دخترعمه همسر برادرم است. این ابتدای آشنائی بود و بعد بنا به رسوم معمول بخواستگاری رفتم و در نهایت سادگی پیوند زناشوئی بستیم و تا کنون با هم زندگی کرده‌ایم و از ازدواجمان فوق‌العاده خوشنود هستیم.»

خانم صدیقه کبیریان از خودتان بگوئید

- خانم صدیقه کبیریان، حق این بود که اول از شما سئوال میکردیم، ولی از آنجا که سخت سرگرم پذیرائی از ما بودید، ممکن نشد. حالا کمی از خودتان بگوئید؟

- «بیست و هفت سال پیش در آبادان بدنیا آمدم پدرم کارمند شرکت نفت بود. خانواده ما نیز صمیمی و گرم بود روزگار کودکی من، در میان شادیهای کودکانه سپری شد و من به تحصیل نیز مشغول بودم و توانستم دیپلم فنی بگیرم، از خدمت زیر پرچم معاف شدم چند بار هم برای استخدام در وزارت آموزش و پرورش امتحان دادم و بعد که بچه‌دار شدم، ترجیح دادم خانه‌دار باشم و به تربیت فرزندانم بپردازم.»

کار کردن زن در خارج از خانه

- صدیقه خانم، زن ایرانی در عصر پرشکوه رستاخیز، به حقوق خود دست یافته است. زن ایرانی اکنون دوشادوش مردان کار میکند و سهمی از ترقیات روزافزون ایران عزیز را به خودش تعلق داده است، شخص شما در باره کار کردن زن در خارج از خانه چه میگوئید؟

- «من همه حرفهای شما را تائید میکنم، چون بنظرم درست و اصولی می‌آید، من هم واقعاً دلم میخواست کاری بکنم تا بوسیله آن برای جامعه مفید واقع شوم، ولی تصدیق کنید که با وجود داشتن دوبچه کوچك، چگونه میتوانستم وظیفه دیگری را نیز بعهده بگیرم؟ من فکر میکنم با پرورش دادن صحیح دو پسرم، وظیفه وجدانی خود را نسبت به میهنم انجام میدهم و مطمئن باشید وقتی آنها تاحدی بزرگ شدند که بتوانند خودشان را اداره کنند، من هم چنانچه وقت بیهوده داشته باشم، به دنبال کاری میروم. بهرحال، بی‌کار نمی‌نشینم، چون از تن‌پروری بیزارم و به آن عادت ندارم.»

خوشبختی

- آقای کبیریان، خوشبختی را در چه میدانید و آیا آدم میتواند در خوشبختی خود سهیم باشد؟

- «خوشبختی بطور مطلق وجود ندارد، چون هرکسی به اندازه درك خود از زندگی لذت میبرد. به زبانی دیگر میتوانم بگویم خوشبختی تعریفهای مختلف، و به تعداد آدمهائی که در روی کره زمین وجود دارند، دارد. من عقیده دارم که خوشبختی‌ساز، خود آدمها هستند. خود آدم است که دنیای خودش را میسازد و احساس خوشبختی می‌کند.»

خانم کبیریان و خوشبختی؟

- صدیقه خانم، شما حرفتان در باره خوشبختی چیست؟

- «زندگی وقتی بی‌دغدغه و راحت باشد، عین خوشبختی است. من در بین دوستانم کسانی را میشناسم که از تمکن کافی برخوردار هستند، ولی خوشبخت نیستند. پس نتیجه میگیریم که مسلماً خوشبختی را در مادیات جستجو نمیکنم. من همیشه خوشبختی را برای خودم خلق میکنم. ناملایمات را آسان میگیرم و همین که شوهر خوب و دو فرزند سالم دارم، برایم کمال خوشبختی است. آدم باید سالم فکر کند و سالم زندگی کند، تا شبها بتواند با خیال آسوده بخوابد.»

اختلاف....؟!

- آقای کبیریان، از حرفهای شما زن و شوهر، این را استنباط کردم که به لطف خدا، زندگی سعادتمندانه‌ئی دارید، ولی از آنجا که میگویند قهر و آشتی نمك زندگی است، این پرسش را مطرح میکنم که آیا گهگاه اختلافات کوچکی باهم پیدا میکنید؟

- «از آنجا که دونفر هیچگاه نمیتوانند مثل هم فکر کنند، طبیعتاً اختلاف‌نظرهائی پیدا می‌شود و این باز مربوط به حود آدم است که چگونه از کنار آنها بگذرد و سعی کند تفاهم برقرار سازد. مسلماً بین من و همسرم نیز گاهی اوقات چنین وضعی بوجود می‌آید، ولی هردو اهل گذشت هستیم و سازگار. این است که به قهر نمیرسد، تا بقول شما آشتی، نمك زندگی را بچشیم.»

فامیل شوهر...؟!

- خانم کبیریان با فامیل شوهرتان معاشرت میکنید و آیا روابط حسنه با آنها دارید؟

- «از این بهتر نمیشود که هست، شوهرم یك برادر دارد که او بشدت بچه‌های مرا دوست دارد. فقط متاسفم که مادر شوهر ندارم. باور کنید این را از ته دل میگویم. من مادر شوهر را مثل مادر خودم میدانم و بخصوص میدانم وجودش چه نعمتی

ند،
میکنم

میتوانست برای ما و اولاد ما باشد.»

تفریح خانواده...؟

- خانم صدیقه خانم از تفریحات خانواده بگوئید؟

-«بعضی از جمعه‌ها برای ناهار به بیرون از خانه، به یك رستوران میرویم. گهگاه بتماشای فیلم میرویم و بعضی اوقات هم بدیدن دوست و آشنا میرویم یا آنها از ما دیدن میکنند.» امیر محمد و حمید رضا، وقتی که حرف میزدیم، گهگاه ناخنکی به میوه و شیرینی‌ها میزدند و زیر چشمی ما را می‌پائیدند. دو برادر نسبت بهم بی‌نهایت مهربان بنظر میرسیدند و این خود نشانه کاردانی ما در بود که این تفاهم را بین آنها برقرار کرده بود. از پذیرائی گرمشان تشکر می‌کنیم و دوام خوشبختی و موفقیتشان را از خداوند آرزو می‌کنیم...

در محیط کار ما

از کارگر تا کارفرما، همه برابر و هم

با هم بودن و پیوندها را مستحکم کردن بیگیری هدفی مشخص بر اساس موازین قانونی و بالاخره شناخت نیازها و خواسته‌های یکدیگر. تماما مسائلی هستند که در سندیکا میتوان به واقعیت بخشید و خود را در پناه آن مستحکم و استوار احساس کرد. سندیکا مرکزی است که در آن اندیشه‌های سازنده درهم گره میخورد و بعد از بارورشدن، پیوندهای تفاهم آمیز، رفاه و آسایش فراهم میشود.

عملا در بیشتر سندیکاهای کارگری ملاحظه میگردد که دوستان کارگر در چهار چوب هدفهای تعیین شده قدم ها را تندتر بر میدارند و در پناه یك فضای سالم و مناسب در راه تامین عوامل رفاه و آسایش کسانیکه به سندیکا اتکا دارند، کوشش والاتری را ابراز میدارند. ضروری بنظر میرسد که در همین جا این نکته را یاد آور شویم که در مقابل این تکاپو، دربرخی از تشکیلات سندیکائی عکس این قضیه نیز مصداق دارد. بطوریکه بعضی از دوستان میخواهند گناه بی توجهی و سهل انگاری خود را در شکلی غیر از انچه هست جلوه دهند که باید گفت متاسفانه این گروه از هدف و علت وجودی سندیکا آگاهی درستی ندارند. همانطوریکه کارگران عزیز اطلاع دارند تا کنون که ۲۳ شماره از انتشار مجله رستاخیز کارگران میگذرد، مقداری از کوشش ما به انعکاس مسائل سندیکائی اختصاص داشته است و در این راه از آموزش‌های سندیکائی تا معرفی سندیکاهای مختلف و همچنین شرکت در جلسات اعضای سندیکا، در محله بحث و گفتگو شده است همانگونه که در شماره های گذشته نیز اشاره کردیم مقصود ما در این خصوص انعکاس نقاط ضعف و نکات مثبتی است که در داخل سندیکاها میگذرد و یافتن راه حلی برای انها، و امید داریم که در این رهگذر گامی در راه تحقق بخشیدن به هدفهای عالی و نهائی سندیکا و در راه بهبود سود بخشی به وضع کارگران برداشته باشیم. در این فرصت نیز ضمن معرفی یکی دیگر از سندیکاهای کارگری و تاکید بر لزوم تفاهم و هماهنگی بیشتر کارگران و کارگردانان سندیکائی جهت نیل به مقصود، توصیه می کنیم که همه برادران و خواهران کارگر و مسئولان سندیکاها ارتباط دو جانبه خود را با مجله حفظ کنند تا بتوانیم در مسیر این پیوند مسائل را آسانتر حل کنیم

سندیکائی که در اینشماره از آن نام میبریم مرکز تجمع ۱۲۰ نفر از کارگران ثابت و حدود ۱۲۰ نفر کارمند ثابت و سیار است که در شرکت داروسازی لیتی ایران به کار اشتغال دارند و همه مشتاقانه در سندیکا مشارکت دارند و عضویتشان مورد پذیرش قرار گرفته است. این سندیکا در سوام مرداد ماه ۲۵۳۲ [illegible] و همبستگی [illegible] ۹۰۸ در [illegible] کارگری و کارفرمائی [illegible]

سندیکا تا کنون [illegible] سر گذشته و پس [illegible] که در سی ام مرداد ماه ۲۵۳۵ صورت گرفت دومین دوره کار خود [illegible] کرد.

بررسی گذشته سندیکا و پس [illegible] میدهد که قبل از تشکیل سندیکا، فعالیتهای مربوط به تامین نیازهای کارگران از طریق نمایندگی کارگران صورت میگرفت، و از سال ۲۵۲۲ تا این تاریخ نمایندگان کارگران این واحد تولیدی در هفت دوره برای کارگران واسطه کوشش کرده اند.

خانم فرهنگیان دبیر سندیکا دراین مورد اظهار داشت: «دوره‌های نمایندگی دراین واحد تولیدی با آغاز سهیم شدن کارگران در سود کارگاهها مصادف شد که بالطبع در این شرایط اولین قدم نماینده در راه تامین رفاه کارگران، انعقاد قرارداد سود ویژه بود.»

وی اضافه کرد: «اولین قرارداد سود ویژه این واحد تولیدی، موجب شد تا معدل ۱۵ روز حقوق برای کارگران درنظر گرفته شود.»

فرهنگیان به قسمت دیگری از فعالیتهای پیش از سندیکا اشاره کرد و گفت: «درآذر ماه ۲۵۲۹ اولین طرح طبقه‌بندی مشاغل در واحد تولیدی ما اغاز شد و در سال ۲۵۳۱ به پایان رسید و براساس آن میزان سود ویژه از ۱۵ روز حقوق به ۶۰ روز افزایش یافت.»

دبیر سندیکا در اینجا یادآور شد که علت افزایش مسائل کارگری و نیاز به بررسی آنها موجب شد تا کارگران هرچه بیشتر لزوم سندیکا را احساس کنند و با تقاضاهای مکرر دراین مورد امر تشکیل سندیکا را فراهم آورند.

براساس این خواست با همت و همکاری کارگران و پیگیری که من بعنوان نماینده دراین خصوص انجام دادم، سرانجام منجر به تشکیل و رسمیت یافتن سندیکا شد

در گفتگو با اعضای این سندیکا متوجه شدیم که به استثنای یکنفر از مسئولان سندیکا، بقیه اعضاءآن چهره‌های قدیمی هستند که در دوره قبل نیز انجام وظیفه کرده‌اند و در دوره جدید نیز از طرف گروه کارگران برگزیده شده‌اند تا اقدامات گذشته را دنبال کنند.

از طرف دیگر بد نیست درهمین جا اشاره کنیم که فعالیت حرفه‌ای و اجتماعی زنان کارگر وطن در این واحد تولیدی بطور محسوسی به چشم میخورد، بطوریکه آنان نیمی از نیروهای فعال و سازنده این واحد تولیدی را تشکیل میدهند. زنان دوشادوش و در کنار برادران کارگر خود در قسمتهای مختلف این کارخانه فعالیت دارند و از کارهای سخت تولیدی تا قسمتهای ظریف را اداره میکنند.

از سوئی مشارکت فعالانه و صمیمانه ۳ تن از زنان کارگر در سندیکا مؤید این واقعیت است که زنان امروز بدون احساس کمترین تفاوتی در تمام زمینه‌ها قابلیت و درایت خودرا ثبوت رسانده‌اند و فعالیت مشابه و گاه حتی برتر از مردان ابراز میدارند.

پیش از تشریح نتیجه فعالیتهای سندیکا بهتر است در نظری کوتاه با مسئولان آن آشنا شویم:

● آقای اکبر تاری‌وردی (رئیس هیات مدیره) دو دوره در این سمت خدمت میکند. عضو هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف کارگران، عضو هیات رئیسه اتحادیه سندیکاهای کارگران داروئی و آرایش بهداشتی.. وی انباردار است و از سال ۱۳۳۲ دراین کارخانه مشغول بکار است.

● خانم زهرا فرهنگیان (دبیر سندیکا)، وی یك دوره نمایندگی کارگران را عهده داشت و دو دوره است که به عنوان دبیر سندیکا انجام وظیفه میکند.

نامبرده عضو شورای عالی تامین اجتماعی و عضو اجرائی سازمان کارگران نیز میباشد. خانم فرهنگیان دراین واحد تولیدی بعنوان تکنیسین آزمایشگاه فعالیت میکند.

● آقای حجت‌اله ربیعی جعفرآبادی (نایب رئیس)، وی از سال ۱۳۳۰ کارخودرا آغاز کرده و بعنوان دراژه ساز کار میکند.

خدمات اجتماعی وی دو دوره نمایندگی کارگری و دودوره نایب رئیس سندیکا بوده است.

● حسین جلالی‌زاده عصر جدیدی (خزانه‌دار)- رئیس خدمات

● خانم منیژه مجدراصیل (عضو اصلی)- معاون سرپرست بسته‌بندی.

● آقای حبیب‌اله خورشیدی (عضو علی‌البدل)- سرپرست آمپول سازی.

● آقای علی یگانه (عضو علی‌البدل)- کارگر آزمایشگاه.

● آقای کریم آتشین‌پنجه (بازرس)- کارمند حسابداری

● خانم زهرا ابراهیمی (بازرس) کارمند قسمت فروش.

● آقای عبداله بحری (بازرس)- کارمند قسمت فروش.

در جلسه‌ای که با اعضاءهیات مدیره این سندیکا داشتیم، فرصتی پیش آمد تا مسائلی را که تا کنون در داخل سندیکا گذشته است، بررسی کنیم

تاری‌وردی رئیس هیات مدیره سندیکا، ضمن ارج نهادن بر فعالیتهای گذشته که توسط نمایندگان کارگران صورت گرفته، یادآور شد: اولین موضوعی که برای سندیکا مطرح شد، برقراری تفاهم کامل بین کارگران و کارفرما بود تا در سایه ان بتوانیم برنامه‌ها و هدفهای خودرا با موفقیت دنبال کنیم.

بویژه انکه اعضاءسندیکا از آغاز متوجه یك نوع ناهماهنگی پنهان شده بودند. بنابراین لازم بود در بسط دوستی‌های همه جانبه بیشتر کوشش بشود.

پس از کسب این پیروزی، یك تجدید نظر کلی در طرح قرارداد سود ویژه ضروری بنظر میرسید. ازاین رو سندیکا کوشید تا بررسی دقیق‌تری را در قراردادهمگانی معمول دارد و این در حقیقت اولین قرارداد سود ویژه در زمان سندیکا و چهارمین قرارداد در حیات این واحد تولیدی بود.

قراردادجدیدی که منعقد شد، از جهتی حائز اهمیت گردید و بعنوان یك قرارداد ممتاز در بین قراردادهای مشابه شناخته شد. و به همین جهت از بین تمام سندیکاهای کارگری ۱۰ سندیکای موفق برگزیده شدند که یکی از آنها سندیکای ما بود و متعاقب این ارزشیابی سندیکای ما به دریافت جایزه از نخست‌وزیر مفتخر گردید.

پیمان دسته‌جمعی که دراین دوره به امضاء رسید، میزان سود دریافتی کارگران را از ۲ ماه به ٤ ماه افزایش داد. نیز مجموع سود پرداختی به کارگران به حدود ۷ میلیون ریال رسید.

از اقدامات دیگری که دراین دوره صورت گرفت، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل بر آساس یك بررسی کلی و جامع بود که طبق آن حدود ۳۰ درصد به حقوق کارگران افزوده گردید، که این طرح شامل ۱۲۰ نفر کارگر شاغل و گروه‌بندی مشخص حرفه‌ای آنها شد و علاوه برآن، ضریب جدول حقوقی در طبقه‌بندی کارگران به نحوی تنظیم شد که هرساله، میزان افزایش دستمزد کارگران دقیقاً محاسبه و به آنان پرداخت میشود.

تاری‌وردی، در دنباله صحبت‌های خود افزود: یکی دیگر از اقداماتی که دراین دوره سندیکائی انجام شده، ایجاد و تشکیل شرکت تعاونی مصرف است.

این شرکت در اسفندماه ۲۵۳۳ با سرمایه ی برابر با ۷۰۰۰۰ ریال از طریق ۱۰ درصد بخشودگی سود سهام، کار خودرا آغاز کرد و اکنون سرمایه آن بالغ بر یك میلیون وسیصدهزار ریال شده است. فروشگاه این شرکت مواد مصرفی را با قیمتی نازلتر از تمام فروشگاهها و بطور اقساطی در اختیار کارگران میگذارد.

صندوق تعاونی موضوع دیگری بود که مورد اشاره قرار گرفت و تاری‌وردی در اینمورد گفت:

سندیکای کارگری

...برادرند

دریك جلسه سندیکائی گفته شد:
بعنوان سندیکای منتخب جایزه نخست وزیر به این سندیکا اهدا شد.
دردوره اول سندیکا ۳۰ درصد به حقوق کارگران افزوده شد.
طرح مسکن کارگران در سندیکا پی ریزی می شود.
بهداشت و حفاظت کارگران مورد توجه دقیق سندیکا میباشد.
دراین واحد تولیدی، نیمی از مسئولیت ها به عهده زنان کارگر است.

سندیک مقدمات چنین امکانی را تا حد تشکیل فراهم آورد، بطوریکه حتی سرمایه اولیه آن را نیز تامین کرد، ولی بعلت عدم اقبال کارگران این طرح شکل نگرفت. ولی به منظور رفع این نقیصه با پی‌گیریهائی که سندیکا دراین خصوص انجام داد، کارگران میتوانند حداکثر ۷۰ هزار ریال وام ضروری با بهره کم از طرف کارخانه دریافت کنند. همچنین وامهائی که به عنوان کمك هزینه مسکن پرد خت میشود، تا رقم ۱۰۰ هزار ریال میرسد.

برای تامین مسکن نیز بدنبال برنامه‌ای که از طرف سندیکا طرح شده، و پس از جلب موافقت کارفرما، کارگزینی مامور شده است که مطالعات وسیعی را در این مورد انجام دهد تا از طریق خانه‌سازی یا روش دیگری، به این خواست همگانی پاسخ مثبت داده شود.

وقتی از تشکیل شورای سازش (بعنوان یکی دیگر از وظایف سندیکا) صحبت شد، خانم فرهنگیان دبیر سندیکا گفت:

- محیط تفاهم‌آمیز و سازش آشکاری که در کارخانه وجود دارد، نیاز به چنین تشکیلاتی را خودبخود منتفی میسازد، اما به‌منظور پیشگیری و رعایت موارد احتیاطی، بلافاصله بعد از تشکیل سندیکا به ایجاد شورای سازش اقدام شد.

این شورا که متشکل از سه نفر از اعضای سندیکا و نماینده کارفرما و نیز مسئول کارخانه است، تا کنون به چند مورد که ناشی از اختلافات جزئی بوده است رسیدگی کرده و کارگرانی را که بنا به میل خود و تصمیم شخصی تقاضای ترك کار کرده‌اند به اشتغال مجدد علاقمند کرده است.

وی در تائید این نظریه اضافه کرد که در این واحد تولیدی نه‌تنها فاصله‌ای بین کارگر و کارفرما احساس نمیشود، بلکه بعنوان یك واقعیت مسلم باید اذعان کرد که این دو با رابطه‌ای کاملاً دوستانه میتوانند در کنار هم به بحث و گفتگو بنشینند، بطوریکه کارگران محل کار خود را همانند یك محیط خانوادگی میدانند.

ربیعی یکی دیگر از مسئولان سندیکا به مسئله ایمنی کارگران اشاره کرد و گفت:

- کمیته حفاظت این واحد تولیدی که متشکل از مدیرعامل، رئیس کارخانه و تعدادی از کارگران میباشد، مراقبتهای شدیدی را در امر ایمن سازی محیط کار معمول میدارد و با جدیت خاصی این کار تعقیب میشود.

گذشته از تامین تجهیزات ایمنی و حفاظتی و نیز نصب پوسترها و بروشورهای راهنما که برای مبارزه با خطرات احتمالی در محیط کارگاهها تهیه شده، کارگران از پوشش‌های حفاظتی از جمله دستکش، کفش، کلاه، عینك‌ایمنی، ماسك‌های مخصوص ضد سم و ضد گردو غبار و حفاظ صورت و چشم استفاده میکنند. و علاوه بر کوششهای مستمر سندیکا در امر حفاظتی کارگران، متخصصان ایمنی وزارت کار، در کلاس‌های آموزشی، مسائل حفاظتی لازم را به عموم کارگران آموزش داده‌اند و همه آنها با چگونگی مواجهه با خطرات احتمالی آشنائی یافته‌اند.

وی اضافه کرد با اینکه مسئله پیشگیری از سوانح بطرز مطلوبی رعایت میشود، ولی مرکز درمانی کارخانه با امکانات وسیع خود از جمله تخت، برانکارد، وسایل تزریقات و پانسمان، دستگاه اکسیژن، و آمبولانس اورژانس و برخورداری از پزشك و سه پرستار، در خدمت کارگران هستند.

ضمناً از جمله اقداماتیکه سندیکا در خصوص درمان کارگران معمول ورده، میتوان دریافت دفترچه‌های خدمات درمانی را نام برد که طی آن کارگران و کارمندان همه صاحب دفترچه خدمات درمانی شده‌اند.

از طرف دیگر امور درمانی افراد خانواده کارگران نیز مورد توجه سندیکا قرار دارد و اگر اشکالات عمده و عمومی برای کارگران در این مورد پیش آید، این مشکلات در جلسه‌ای که یکشنبه هر هفته با عده‌ای از مسئولان خدمات درمانی تشکیل میشود، مورد بررسی و رسیدگی قرار میگیرد.

تاری‌وردی در مورد آموزش کارگران گفت: تا کنون دو دوره کلاس پیکار با بیسوادی برای کارگران تشکیل شده و ۳۰درصد کارگر بیسواد این واحد تولیدی باسواد شده‌اند، و از ۵درصد اضافه حقوق تشویقی برخوردار گردیده‌اند. ضمناً عده‌ای از کارگران به کلاس‌های حرفه‌ای وزارت کار اعزام شده‌اند و در رشته‌های برق، مکانیك و نقاشی آموزش حرفه‌ای را طی کرده‌اند. همچنین کارگران علاقه‌مند به تفریحات سالم و فعالیتهای هنری، در کلاس‌های آموزش هنری کارگران وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی در رشته موسیقی آموزش می‌بینند.

وی راجع به تفریحات سالم کارگران گفت گذشته از زمین بسکتبال والیبال و نیز سالن پینگ‌پنگ در داخل کارخانه، کارگران هر ساله از امکانات تفریحی اردوهای تابستانی و زمستانی استفاده میکنند.

تاری وردی در اینجا جهت بحث را متوجه همکاریها و فعالیتهای اجتماعی سندیکا کرد و گفت با عضویت دبیر سندیکا در هیات اجرائی سازمان کارگران و هیات همکاری خدمات درمانی و همچنین سازمان تامین اجتماعی شرایط مناسبی بوجود آمده تا تقاضاها و خواستهای قانونی کاگران در جلسات این مراجع مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد.

ضمناً این سندیکا در ردیف اولین سندیکائی است که در اتحادیه سندیکاهای کارگران داروئی و آرایش بهداشتی عضویت یافته و خود موجبات تشکیل آن را فراهم آورده است

سندیکاهای کارگری

این سندیکا برای اعضای خود انجام داد:

تبدیل کارگران از گروه صنایع سبک، به گروه صنایع سنگین

محمد عبدالوند، خسرو کمرانیان حسین آبادی، احمد جدیدی، غلامرضا ابراهیمزاده، اسماعیل پیشکاری، سیدتقی سیدوثقی، الهوردی اصفهانی،

سندیکای کارگران کارخانه لوله و ماشین‌سازی ایران، دراول تیرماه ۲۵۳٤ شاهنشاهی به ثبت رسید و فعالیت خود را رسماً آغاز کرد.

اکثریت قریب به اتفاق کارگران این کارخانه که حدود چهارصد تن هستند، عضویت سندیکا را پذیرفته‌اند.

سندیکا در نخستین روزهای فعالیت خود با مساله اجرای طرح طبقه بندی مشاغل روبرو بود، بدین معنی که کارگران این واحد تولیدی، باآنکه از نظر انجام کار در گروه صنایع سنگین قرار دارند. درگروه کارگران صنایع سبك قرار گرفته بودند و اگر طرح طبقه‌بندی مشاغل بااین کیفیت اجرا میشد، مزایای چندانی به کارگران تعلق نمیگرفت. از اینرو اولین اقدام سندیکا تغییر دادن گروه‌کار کارگران کارخانه بود و با مذاکراتی که با کارفرما و مقامات وزارت کارو مور اجتماعی انجام داد، آنانرا از کارگران صنایع سبك به کارگران صنایع سنگین تبدیل کرد و این اقدام موجب شد که بطور متوسط حدود ٤٥ درصد به دستمزد کلیه کارگران این کارخانه افزوده شود.

درزمینه بهداشت محیط کار گاه نیز سندیکا اقدام کرده است و وسائل و لوازم اولیه بهداشتی که تاقبل از تاسیس سندیکا وجود نداشت، دراختیار کارگران قرار گرفت.

مسئله درمان که یکی از مسائل مهم اکثر کارگران است، تاحدودی دراین واحد تولیدی از میان برداشته شده و با پی‌گیریهای مداوم سندیکا دفترچه بیمه آزاد صادر شده، تا کلیه کارگران و خانواده‌های آنان بتوانند با مراجعه به پزشکان طرف قرارداد بیمه از بهداشت و درمان بهره‌مند شوند.

یکی دیگر از مشکلات، بیسوادی درکارخانه بود و با مذاکراتی که با دفتر باسواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی بعمل آمد کلاسهای پیکار با بیسوادی برای کارگران بی‌سواد و کم‌سواد درکارخانه تاسیس شد و هم‌اکنون حدود هفتادوپنج تن کارگر اولین دوره پیکار با بیسوادی را بپایان رسانیده‌اند و کارگرانیکه قبلا گواهینامه پایان تحصیلات پیکار با بیسوادی را دریافت داشته‌اند، از اضافه دستمزدی معادل ۵درصد حقوق بهره‌مند شدند که این اقدام نیز با توافقی که بین سندیکا و کارفرما بعمل آمده، صورت گرفته است.

توسعه سالن‌ناهارخوری و بهبود کیفیت غذا نیز از دیگر فعالیتهای سندیکا است که درجهت رفاه کارگران انجام داده است.

سندیکا پس از تاسیس با مساله دیگری بنام شرکت تعاونی روبرو شد. از اینرو پس از یك سلسله مذاکراتی که با کارفرما انجام داد، تقاضای تاسیس شرکت تعاونی مصرف و بدنبال آن تاسیس شرکت تعاونی اعتبار را کرد و چندی نگذشت که شرکت تعاونی مصرف کارگران کارخانه تاسیس گردید و فعالیت خود را اغاز کرد و بابهره برداری از آن. کارگران کارخانه تا حدودی مایحتاج خود را از این شرکت تامین میکنند. شرکت تعاونی اعتبار نیز برای آندسته از کارگرانیکه در مواقع ضروری احتیاج به وام داشته باشند، با معرفی به بانك رفاه کارگران اقدام میکند

هم‌اکنون کلیه کارگران این واحد تولیدی عضو شرکتهای تعاونی مصرف و اعتبار هستند. ضمناً سندیکا برای کارگرانیکه برای خرید مسکن احتیاج به وام داشته‌باشندضمن جهت موافقت کارفرما و با معرفی وی به بانك رفاه کارگران، ترتیب دریافت وام مسکن آنانرا میدهد.

اعضای سندیکا در مورد وسایل ایمنی یادآور شدند داشتن وسائل ایمنی و حفاظتی برای سلامت کارگران هر کارخانه لازم است، ولی تا قبل از تاسیس سندیکا، این کارخانه نیز با کمبود این وسائل روبرو بود، ولی پس از چندی با

از جمله موفقیت‌های این سندیکا:

● سرعلی غیاثوند، ● قندعلی ذوالقدر ● حسن امامقلی وند

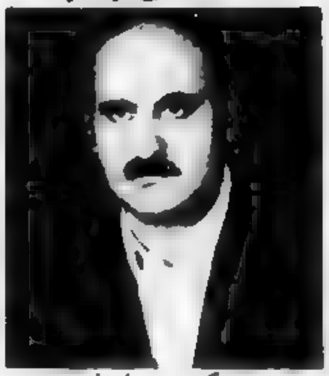

● حسن ابوالقاسمی ● سرکیس صفریان، ● محمد ابراهیم بهروزی

کارخانه «شوکومارس» در سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی تاسیس شد و چندی نگذشت که کارگران کارخانه مذکور برای شرکت در مجامع کارگری و دریافت حقوق خود بفکر تشکیل سندیکا افتادند و حتی یکبار هم مقدمات کار فراهم شد، ولی بعلت عدم آشنائی کارگران با مسائل سندیکائی اینکار به تعویق افتاد.

بالاخره پس از چندین بار که مقدمات کار فراهم شد ولی معلق نیمه کار ماند در سال ۲۵۳٤ شاهنشاهی سندیکای کارگران این کارخانه تشکیل شد و در شانزدهم مهرماه همان سال به ثبت رسید و فعالیت خودرا رسما اغاز کرد و در مدت عمر یکساله سندیکا اقدامات مهمی در جهت بهبود وضع کارگران کارخانه صورت گرفت.

در آغاز راه با مذاکراتی که بین اعضا هیات مدیره سندیکا و نماینده کارفرما انجام شد موافقت بعمل آمد که بطور متوسط بمیزان ۲۵ تا ۳۵ درصد به حقوق کارگران افزوده شود پس از آن نوبت به تهیه محلی مناسب برای صرف ناهار کارگران رسید که آنهم پس از بررسی‌های لازم بموقع اجرا گذاشته شد. افزایش هزینه رفت و آمد و کلیه مسائل دیگر مالی را، سندیکا با پی‌گیری‌های مستمر بصورتی درآورد که رضایت خاطر کارگران کارخانه فراهم شد.

تا قبل از تشکیل سندیکا کارخانه مذکور از نظر بهداشت ووسائل ایمنی دارای نواقص بود. منجمله‌حمام و دستشوئی نداشت، و کارگران فاقد روپوش و لباس کار بودند. ولی سندیکا با مذاکراتی که با کارفرما انجام داد موفق شد تا حدودی این کمبودها را برطرف کند. سوادآموری و مبارزه با بیسوادی در کارخانه از دیگر اقدامات سندیکا در این مدت بوده است. بهمین منظور سندیکا با دفتر با سواد کردن وزارت کارو امور اجتماعی که مجری طرح باسوادکردن کارگران است مکاتباتی انجام داد و پس از چندی اولین دوره کلاسهای پیکار با بیسوادی برای کارگران بی‌سواد و کم‌سواد در کارخانه دائر شد و با توجه به علاقه کارگران این برنامه با موفقیت پیشرفت کرده است.

از جمله دیگر اقدامات سندیکا را توسعه صندوق اعتبار میتوان نام برد. صندوق اعتبار کارخانه که از دوسال پیش کار خودرا آغاز کرده است، در زمان سندیکا توسعه یافت.

این صندوق که با خرید سهام از طرف کلیه کارگران فعالیت گسترده‌ای دارد در مواقع ضروری به کارگران تا سه برابر دریافتی آنان وام میدهد و با معرفی به بانك رفاه کارگران نیز ترتیب دریافت وام ضروری را تا مبلغ دو هزار تومان میدهد.

سندیکا برای تاسیس شرکت تعاونی مصرف نیز با کسره ده درصد حقوق کارگران سرمایه‌ای در حدود نود هزارتومان آماده کرده است و با مذاکراتی که با کارفرما بعمل آورده قرار است بزودی این شرکت تاسیس شود.

برنامه‌های آینده سندیکا شامل تاسیس شرکت تعاونی مصرف و مسکن ایجاد مرکز آموزشی در جوار کارخانه برای بالابردن سطح مهارت کارگران، تکمیل وسائل بهداشت و ایمنی تجدید نظر در قرارداد سود ویژه و افزایش دستمزد کارگران میباشد.

چگونه سندیکا تشکیل دهیم

از: کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران

درطریق دوم باید برای هریك از گروههای هیات مدیره، بازرسان و هیات داوری یك ورقه ویك صندوق مخصوص درنظر گرفت. بنابر این سه صندوق و سه فرم مورد استفاده قرار میگیرد که هر فرم و صندوق بیك گروه اختصاص دارد و اعضاء پس از دریافت فرمها اسامی موردنظر خود را بر روی آن نوشته و بصندوق مربوط میریزند.

در شکل پائین فرمهای مورد استفاده در طریق دوم نشانداده شده است. در این روش میتوان اوراق اخذ رای را به سه رنگ مختلف سفید- قرمز- آبی تهیه کرد.

برگ اخذ رای شماره—

ردیف	هیات مدیره
۱	
۲	
۳	۴
۴	
۵	
۶	

برگ اخذ رای شماره—

ردیف	بازرسان
۱	
۲	
۳	۴
۴	
۵	
۶	
۷	

برگ اخذ رای شماره

ردیف	هیات داوری
۱	
۲	۴
۳	
۴	
۵	

نکاتی را که باید درنظر داشت اینستکه یکنفر نباید خود را برای انتخاب شدن دربیش از یکی ازسه گروه، یعنی هیات مدیره، بازرسان یا هیات داوری کاندیدا کند تا انتخاب کندگان دچار تشتت فکری نشده و بتوانند با توجه بشایستگی و صلاحیت هرکاندیدا نظر خود را درباره او اعلام کنند. پس‌از پایان اخذ رای بلافاصله با نظارت کامل هیات‌نظارت قرائت آراء شروع میشود و هیات رئیسه موظفند تا پایان جلسه مجمع عمومی و قرائت آراء حضور داشته و جریان کار مجمع را صورتجلسه کرده، پس از گواهی و تایید صورتجلسه، نسبت بحفظ آراء و مدارك تا مهلت مقرر اقدام کنند. صورتجلسه مجمع عمومی را میتوان بدین مضمون تهیه کرد:

صورتجلسه

براساس آگهی مورخ........ .اولین مجمع عمومی سندیکای درشرف تاسیس کارفرمایان/کارگران درساعت.....روز.......... درمحل.......... تشکیل گردید

ابتداء آقایان........بعنوان هیات مؤسس اقدامات خود را بمجمع گزارش داد. بعد نسبت بانتخاب هیات رئیسه رای گرفته شد درنتیجه:
۱- آقای.......بسمت رئیس ۲- آقایان..... و...... سمت نوابرئیس ۳- آقایان..... و....... بسمت منشی انتخاب شدند. پس از آن اساسنامه ماده بماده قرائت شد و مورد تصویب قرار گرفت وسپس پنج نفر بعنوان هیات نظارت برانتخابات بدین‌شرح:
۱ - آقای.......بسمت رئیس ۲- آقایان....... و .... بسمت نواب رئیس و آقایان....... و .... بسمت منشی برگزیده شدند و بعد اخذ رای جهت هیات مدیره بازرسان و هیات داوری بعمل امد و پس‌از ختم اخذ رای و قرائت آراء درنتیجه آقایان..... با .....رای و... با . رای و . رای و . بسمت اعضای علی‌البدل هیات مدیره و آقایان با.....رای و ...... با.....رای حائزین اکثریت بعدی بودند و آقایان...... با.....رای و.....با.....رای و ......با . .. رای بسمت بازرسان و آقایان..... با ......رای و.....با......رای حائزین اکثریت بعدی بودند و اقایان...... با....... رای و...... با...... رای و... سمت اعضای اصلی هیات داوری و آقایان...... با ... .. رای و ... .. سمت اعضای علی‌البدل هیات داوری انتخاب شدند و اقایان .... با...... رای و...... حائزین اکثریت بعدی بودند. این‌جسه از ساعت........ شروع و تا ساعت .... ادامه داشت و پس از آن کلیه آراء ماخوذه و صورتجلسات توسط هیات نظار جمع‌آوری و ضبط گردید و ضمناً صورت اسامی اعضای شرکت‌کننده در این مجمع شامل......نفر که توسط یکایك آنان امضاء گردیده، ضمیمه میباشد.

امضاءهیات‌نظار امضاءهیات‌رئیسه

مطلبی راکه در موقع تهیه این‌صورتجلسه باید در نظر داشت اینست که تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل هیات مدیره و بازرسان و هیات داوری را اساسنامه هر سندیکا پیش‌بینی نموده است که باتوجه باساسنامه تعداد پیش‌بینی شده انتخاب میگردند، ولی گاهی اوقات ممکنست منتخبین بعللی از قبول سمت خویش خودداری ورزند و تعداد اعضای علی‌البدل برای جایگزینی آنها کافی نباشد. بدین منظور صلاح براینست که در صورتجلسه نام دو یا سه‌نفر حائزین اکثریت بعدی را ذکر نمائیم، تامثلاً اگر اساسنامه سندیکا هفت‌نفر هیات مدیره اصلی هیات مدیره بعللی از قبول سمت خودداری نموده یا نتوانند انجام وظیفه کنند، بآسانی بتوانیم سه‌نفر حائزین اکثریت بعدی را دعوت کنیم تا نفر اول باتفاق اعضای علی‌البدل در هیات مدیره خدمت نموده و دونفر دیگر بجای اعضای علی‌البدل قرار گیرند.

پس از انتخابات دراولین فرصت هیات مدیره باید اولین جلسه خود را با حضور اعضای اصلی بمنظور تعیین سمت هریك از اعضای هیات مدیره تشکیل داده و از بین خود یکنفر را بعنوان رئیس، یکنفر را بعنوان نایب رئیس، یکنفر را بعنوان دبیر و یکنفر را بعنوان خزانه‌دار انتخاب کرده و صورتجلسه در این‌زمینه تهیه کند. این صورتجلسه را میتوان بشکل زیر تهیه کرد:

صورتجلسه هیات مدیره

اولین جلسه هیات مدیره درساعت..... روز...... درمحل..... باحضور اعضای اصلی هیات مدیره تشکیل گردید و پس از مشاوره و تبادل‌نظر در نتیجه خانم/آقای...... بسمت رئیس هیات‌مدیره خانم/آقای...... بسمت نایب‌رئیس و خانم/آقای...... بسمت دبیر و خانم/آقای...... بسمت خزانه‌دار تعیین شدند.

امضای اعضای هیات مدیره

هیات داوری نیز پس از انتخابات در اولین فرصت باید با حضور اعضای اصلی تشکیل جلسه داده و رئیس و نایب رئیس و منشی خود را تعیین کند. فرم صورتجلسه هیات داوری نیز میتواند شبیه صورتجلسه هیات مدیره باشد، با این تفاوت که در هیات داوری فقط رئیس، نایب رئیس و منشی انتخاب میشوند.

دراین مرحله قسمت اعظم مقدمات کار برای تشکیل یك سندیکا انجام یافته و بایستی برای ثبت و رسمیت یافتن آن اقدام کنید. برای اینکار باید مدارك زیر را تهیه و در شهرستانها باداره کار محل و در تهران باداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی تحویل دهید:

۱- دونسخه اساسنامه مصوب مجمع عمومی که صفحه آخر آن توسط اعضای هیات نظار و هیات رئیسه امضاء و تایید شده باشد

۲- فهرستی از اسامی اعضای شرکت‌کننده در مجمع عمومی که بامضای آنان رسیده باشد.

۳- دونسخه اگهی اولین مجمع عمومی (درسندیکاهای کارفرمائی دونسخه از روزنامه‌ایکه اگهی درآن منتشر شده است).

٤- دونسخه صورتجلسه اولین مجمع عمومی.

۵- دونسخه صورتجلسه هیات مدیره

٦- دونسخه صورتجسه هیات داوری

۷- دونسخه اظهارنامه هریك از اعضای هیات مدیره بازرسان مبنی براینکه سابقه محکومیت کیفری نداشته و از حقوق اجتماعی محروم نمیباشند.

۸- دوبرگ مشخصات از روی عین شناسنامه که باید بتایید اداره کار و امور اجتماعی رسیده باشد.

۹- دوبرگ فهرستی شامل مشخصات و سمت هریك از اعضای دوگروه هیات مدیره و بازرسان (این فهرست فرم شطرنجی نامیده شده و میتوانید در تهیه آن از ادارات مربوط راهنمائی بخواهید)

۱۰- چهار قطعه عکس ٤×٦ هریك از اعضای هیات مدیره و بازرسان.

این مدارك را پس از تهیه در شهرستانها باید بادارات کار و امور اجتماعی محل و در تهران باداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی تسلیم کنند تا نسبت به‌انجام تشریفات قانونی و ثبتی سندیکا اقدام‌شود. این نکته‌را در نظر داشته‌باشید که هرچه در صحت مدارك خواسته شده دقت نمائید. در انجام تشریفات ثبت سندیکا تسریع شده و در مدت کوتاهی گواهی ثبت سندیکا را دریافت میدارید.

اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی پس از دریافت مدارك و رسیدگی بآنها درصورتیکه از لحاظ رعایت تشریفات و تطابق اساسنامه با مقررات و تهیه مدارك مورد لزوم نقص و ایرادی در مدارك وجود نداشته باشد، آگهی تشکیل سندیکا را صادر می‌کند. نشر این آگهی بهزینه سندیکا بوده و باید در دو نوبت بفاصله یك هفته در یکی از جراید کثیرالانتشار محلی یا مرکز منتشر گردد و مضمون آن بدین شرح است:

مذاکرات و اقدامات پی‌گیر سندیکا این کارخانه به وسائل و لوازم حفاظتی و ایمنی مجهز شد و بالاخره سندیکا برای کارگران حادثه دیده و بیمار که بیش از پانزده روز استراحت میکردند و از سود ویژه در ایام نقاهت محروم میشدند، مذاکراتی با کارفرما بعمل آورد و محرومیت از دریافت سود ویژه دوره نقاهت را از میان برد و برای

اسماعیل ورچندی،

کارگرانیکه از سرویس کارخانه استفاده نمیکنند، مزایای سرویس برقرار کرد. سندیکا برای اینده در نظر دارد برنامه‌های گسترده‌ای از قبیل اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بطور کامل و بنحو مطلوب- بهداشتی کردن هرچه بیشتر محیط کارگاه- تغییراتی در قرارداد سودویژه- صدور ابلاغ جدید کارگران- توسعه شرکت تعاونی مصرف و تاسیس شرکت تعاونی مسکن- تشکیل شورای کارگاه- توسعه طرح سوادآموزی- تاسیس مرکز آموزشی جوار کارخانه و تاسیس باشگاه ورزشی جهت ایام فراغت کارگران و تشویق کارگران ورزشدوست را دنبال کند.

بمنظور آموزش نیروی انسانی مورد نیاز صنایع و تجهیز و تربیت نیروهای متخصص و کارامد و ارتقاء مهارت کارگران نیمه‌ماهر و ماهر برای جلب بازار کار در ماه گذشته بیش از ۱۲۵۰۰ کارآموز و کارگر ساده و نیمه ماهر در مراکز اموزشی ثابت و گروههای سیار صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی در دوره‌های کوتاه‌مدت اموزشهای لازم را طی کردند و پس از موفقیت در ازمون پایان دوره‌ای جلب بازار کار شدند.

از بین کاراموزان شرکت‌کننده در دوره‌های اموزشی ۲۰۹٤ تن موفق به گذراندن دوره‌های لازم و اخذ گواهینامه مهارت فنی شده‌اند. بموجب همین گزارش ٦۲۰ نفر در امر اموزش رانندگی پایه یکم و ۱۵٤۲ نفر در رشته اموزش خودیاری فنی شرکت داشته‌اند.

تعداد بانوانی که در رشته خودیاری فنی با طرز کار و نگهداری و تعمیر انواع وسایل خانگی شرکت کرده‌اند، ۲۳۱ نفر بوده است.

از: محمدجعفر فتحی‌زاده

ماشین را باید در اختیار گرفت و بر آن حکومت کرد

● بهرام حسینعلی پور
● متولد ۱۳۲۱ در شهر کاشان

از سال ۱۳۳۹ بعنوان کارگر ساده کار خود را در کارخانه مخمل کاشان شروع کرد و مدت هفت سال در این واحد تولیدی بکار خود ادامه داد و با استعدادی که برای داشتن سمتهای مختلف کارگری، از قسمت سرپرستی کارگاه را طی کرد و پس از آن در سال ۱۳۴٦ به کارخانه چیت ری تهران انتقال یافت.

حسینعلی پور تا کلاس سوم متوسطه تحصیل کرده، متاهل و دارای چهار فرزند است که در کلاسهای مختلف تحصیل میکنند. وی همچنین تحقیقاتی در زمینه صنعتی و ریاضیات انجام داده و به موفقیتهائی نیز نائل شده است.

●

بهرام حسینعلی پور، کارگر مبتکری که درصنعت نساجی کشورمان سالهاست فعالیت میکند، همیشه این فکر را دنبال کرده که مطیع ماشین نباشد، بلکه ماشین را در اختیار بگیرد و برآن حکومت کند.

حسینعلی پور در مدت ۱۴ سال کارگری، چندین ماشین بافندگی ساخته و از کارهای مهم او که بسیار برآن تکیه میکند، تبدیل ماشین پارچه بافی به مخمل بافی ساده و گلدار است.

یکی دیگر از ابتکارات مهم وی تبدیل ماشین مخمل بافی به ماشین قالیبافی است که بسیار مفید واقع شده و هم‌اکنون مورد بهره برداری قرار گرفته است.

در گفتگوئی دوستانه با حسینعلی‌پور از زندگی کارگری‌اش و اینکه چگونه به این رشته از صنعت کشیده شده، پرسش کردیم.

بهرام با کلامی صمیمی در پاسخ گفت: «علاقه و کنجکاوی باعث شد تا کارگری را پیشه کنم. من همیشه نسبت به شناخت ماشین و ابزاری که در اطرافم بود جذب میشدم و به جستجو در نحوه کار و مکانیزم آن میپرداختم.

در اینجا باید نکته دیگری را هم یادآور شوم و آن مسائل و مشکلات مالی بود، زیرا در زمانهای گذشته که اکنون صحبت آن را میکنم، مسائل مالی مشکلات بسیاری را برای همه از جمله خانواده ما فراهم کرده بود بنابراین من برای اینکه امکان بیشتری برای تحصیل برادر و خواهر خود فراهم کنم، بکار پرداختم و خوشحالم که با این کار خود توانستم ضمن اینکه راه خود را در زندگی یافتم، امکان کافی برای خواهر و برادرم فراهم سازم، تا آنها بتوانند به تحصیلات خود ادامه دهند و پس از پایان تحصیلات، هریک عنصر کار مفیدی برای خود شوند.

با توجه به این دلیل، من تا کلاس سوم دبیرستان بیشتر تحصیل نکردم، ولی این کمبود را با تحقیق و بررسی در زمینه‌های مختلف جبران ساختم و سعی کردم از لحظه‌ها سود ببرم و برای یادگرفتن و تجربه‌اندوزی از هیچ کوششی فروگذار نکنم. این شد که فکر میکنم در حرفه و رشته خود موفق شدم، گرچه برای تجربه‌اندوزی هیچ حدی نمیتوان قائل شد زیرا سرعت و پیشرفت صنایع و تکنولوژی بحدی است که بنظر میرسد دانسته‌های دیروز بدرد امروز نمیخورد و برای فردا مسلما باید اندیشه‌های جدیدتری بکار بست. بنابراین از تلاش و کوشش برای یادگیری نباید غافل بود و این فلسفه‌ای است که همیشه آنرا دنبال میکنم.»

چرا رشته نساجی

در پاسخ این پرسش ما، که چرا رشته نساجی را در میان صنایع برگزیده است و آیا انگیزه اولیه‌ای وجود داشته است، گفت.

- «هرشهر و گوشه‌ای از کشورمان یک سنت و فن خاص خود دارد. مثلا در اصفهان قلمزنی و خاتم‌کاری پیشه سنتی است، در قم و همدان کوزه‌گری و سفال‌سازی و خلاصه هر نقطه پیشه‌ای خاص خود دارد و در کاشان نیز حرفه بافندگی متداول و همه‌گیر است و همانطور که میدانیم فرش کاشان یکی از بهترین و زیباترین فرش‌ها در جهان بشمار می‌آید. اما در مورد پارچه‌بافی باید بگویم که درکاشان کارگاههای پارچه‌بافی دستی بسیار بود و این کار در هر خانه و محلی صورت میگرفت و بنابراین در تمام اطراف محیط زندگی من، این صنعت– اگر چه ابتدائی– دیده میشد و طبیعی است که من نیز بسمت آن کشیده میشدم و نسبت به آن علاقه پیدا میکردم.

با توجه به این تجربیات و آگاهی‌های ظاهری که بدست آورده بودم، کارخانه مخمل‌بافی را بهترین فرصت برای خود دانستم و برای کارکردن به آن کارخانه مراجعه کردم و بعنوان کارگر ساده پذیرفته شدم.

نخستین نکته‌ای که در این کارخانه نظر من را جلب کرد، نحوه کار متخصصین آلمانی بود که نصب ماشین‌آلات را بعهده داشتند. من میدیدم که آنها با چه دقتی کار میکنند و حتی نظافت و تزئینات سالن را نیز خودشان انجام میدهند. من با وجود اینکه این امکان را داشتم که شغلی مناسب در کارخانه بگیرم، ولی ترجیح دادم بعنوان کارگر ساده، و زیر دست متخصصین آلمانی بکار مشغول شوم و به نصب ماشین‌آلات بپردازم... مدتی بعد در این حرفه تجربه کافی بدست آوردم و مستقلاً توانستم کار را بعهده بگیرم. پس از طی مدتی نه چندان طولانی سرپرست قسمت طراحی شدم و بعد از آن مسئولیت سالنی که در حدود ۷۰ تا ۸۰ نفر کارگر داشت، بعهده من واگذار شد.

ماشین قالیبافی

واحد تولیدی ما در ادامه فعالیت اقتصادی خود متوجه بافت قالی بوسیله ماشین شد و سپس چند ماشین قالیبافی وارد کرد که من بعنوان سرپرست این ماشین‌آلات انتخاب شدم. در این هنگام بود که متوجه شدم نهایت ترقی و پیشرفت را در این کارخانه بدست آورده‌ام و برای پیشرفت بیشتر باید محل دیگری جستجو کنم و این را هم باید اضافه کنم که با روزی ٦ تومان در این کارخانه کار خود را شروع کرده و با روزی ۲۹ تومان بکار خود در این کارخانه پایان دادم.

بهرام حسینعلی‌پور، کارگر مبتکر:

بایدافز

نخستین ابتکار

حسینعلی‌پور در مورد نخستین ابتکار خود در کارخانه مخمل کاشان [illegible] و [illegible] و نکته ابتکاری [illegible] گفت: «همانطور که قبلا گفتم، در این کارخانه من سخت به تجربه‌اندوزی پرداخته بودم و سعی میکردم تا هرچه بیشتر به آگاهی‌های فنی خود اضافه کنم، ولی درهمین مدت در یک کار موفق شدم که موجه‌های خود را تجربه کنم.

قصه از این قرار بود که پارچه‌ای [illegible] از خارج وارد کردند و متخصصین المانی نظر دادند که با ماشینهای موجود امکان بافتن آن نیست و نمیشود این کار را انجام داد. اما من به مسئولین کارخانه پیشنهاد کردم با ساختن وسیله‌ای میتوانم این پارچه را بافم که خوشبختانه پس از ساختن چند وسیله ونصب آن به ماشین پارچه‌بافی، موفق شدم پارچه مورد نظر را باهمان طرح بافم که این مسئله نه تنها باعث خوشحالی و شعف من شد، بلکه به خود اتکاء بیشتری یافتم و مطمئن شدم که میتوانم با بهره‌گیری از امکانات و فرصتهای بدست آمده، وسائل مختلفی را بسازم که در امر تولید مورد استفاده قرار گیرد.»

ماشین مخمل بافی

حسینعلی‌پور اضافه کرد: «در سال ۱۳۴٦ برای ادامه فعالیت به تهران آمدم و در کارخانه چیت ری بعنوان سرپرست فنی قسمت ژاگارد (نقشه قالی و پارچه) با حقوق روزانه ۱۷ تومان مشغول کار شدم و با علاقه کار خود را دنبال کردم و طرحها و فرمهای مختلفی را مورد آزمایش قرار دادم که همگی با موفقیت روبرو شد و بعلت همین فعالیتها و تماس مستقیمی که با صاحب کار داشتم، پیشنهاد کردم یکی از ماشینهای پارچه بافی ساده را در اختیار من بگذارد تا از آن یک ماشین تولید مخمل درست کنم. این پیشنهاد با موافقت روبرو شد و پس از مدتی با بهره‌گیری از وسایل موجود در کار خود موفق شدم و ماشین پارچه‌بافی را به ماشین مخمل‌بافی تبدیل کردم.

در این هنگام کارخانه اقدام به خرید ماشین‌آلات تولید مخمل کرد که مخمل ساده و مخمل گلدار تولید میکرد و با توجه به سابقه کار من و ابتکاری که در مورد ماشین پارچه‌بافی بخرج داده بودم، بعنوان سرپرست این ماشینها انتخاب شدم.

ماشین قالیبافی

کارکردن با ماشین مخمل‌بافی و آشنائی بیشتر با تکنیک این ماشین‌ها باعث شد که تصمیم مهم‌تری بگیرم. بدین ترتیب که پیشنهاد کردم یکی از ماشینهای مخمل‌بافی را به قالی‌بافی تبدیل کنم. این پیشنهاد مورد تائید قرار گرفت و

سپاس مادر قبال عنایات شاهنشاه

ایش تولیداز جهت کمی و کیفی باشد

ندبال آن مشعول کار شدم و با طرح نقشه‌های محتلف و تجربیاتی که داشتم در ارکانهای ماشین تولید مخمل تغییرات اساسی دادم که البته در این کار قسمت فنی کارخانه نیز کمك مؤثر کرد و وسائلی را که لازم بود ساخت و پس از آماده شدن وسائل و نصب آنها بر روی ماشین مخمل‌بافی، تولید قالی آغاز شد و این آزمایش نیز با موفقیت به انجام رسید.»

وی در مورد این کار خود میگوید: «ابتداء دو دستگاه ماشین مخمل‌بافی را که دارای قسمت گل‌زنی نیر بود، انتحاب کردم و پس از تعییرات کافی برای بافت قالی آماده کردم که البته کار در مورد این ماشینها بعلت داشتن قسمت گل‌زنی اسان‌تر بود، ولی سومین ماشین که برای این منظور بخدمت گرفته شد، قسمت گل‌زنی نداشت و با تعییرات اساسی و نصب قطعات کافی ماشین فوق برای تولید قالی آماده شد.»

طراحی و تهیه نقشه

حسیعلی‌پور در ادامه حرفهایش میگوید «یکی از قسمتهای مهم در امر پارچه‌بافی- مخمل و قالی بهینه نقشه و طرح است. مانوس برای این کار نیز شیوه جدیدی برگزیده‌ام، بدین ترتیب که از نقشه و طرح مورد نظر عکس میگیرم و برای این کار نیز کلیه فنون عکاسی را فراگرفته‌ام و پس از گرفتن عکس طرح را به هر اندازه که لازم باشد بزرگ میکنم و سپس روی کاغذ شطرنجی پیاده میشود و برای استفاده روی ماشین بافنده نصب میگردد و بدین ترتیب سادگی هر نقشه‌ای برای بافتن آماده میشود

اجرای این روش بافتن هر طرحی را بسادگی ممکن میسازد و بسهولت میتوان طرح مورد نظر را روی ماشین پیاده کرد.»

حسیعلی پور در اینجا یادآور میشود: «تمام انچه را که تا کنون انجام داده‌ام تنها معلول یك موضوع، و انهم علاقه و پشتکار بوده است، و فکر میکنم هر کارگری میتواند با جستجو و پیگیری با وسائلی که با آن کار میکند بسیاری از تکنیکها را فراگیرد و از آن برای ساده کردن کار بهره‌مند شود

این فکر و عقیده بایستی در میان کارگران تقویت شود که ماشین بایستی حاکم باشد و کارگر تنها بعنوان یك عامل مدد دهنده در کنار آن قرار گیرد

کارگران کشورمان نشان داده‌اند که از استعداد و اندیشه‌های خوبی برخوردار هستند، که لازم است آنرا براساس فکر و ایده جدید تغییر داد البته این نکته را نیز باید یادآور شد که مسلماً در بین هر گروه افرادی که طرح و پیشنهادهای مفید دارند بسیارند و در اینجا وظیفه افراد مسئول است که آنها را در زمینه کارهای خود تشویق کنند و وسائل و امکانات کافی دراختیارشان بگذارند و مثلا یك انستیتو تحقیقاتی حرفه‌ای فراهم شود تا کارگران مختلفی که در زمینه کار خود موفق به ابتکاراتی شده‌اند، در آن مؤسسه تحقیقات خود را دنبال کنند و چه بسا که ابزار و ماشین‌های جدیدی با راندمان بهتر و کیفیت مطلوب‌تر بسازند

همچنین ترتیب دادن دوره‌های اموزشی در کارگاهها میتواند اثر مطلوبی ببار آورد که خوشبختانه این کار شروع شده، ولی بایستی دوام داشته باشد و براساس یك برنامه زمان‌بندی‌شده هر دوره نسبت به دوره قبل اطلاعات بیشتر و کلی‌تری در اختیار کارگران قرار بگیرد و سپس از کارگرانی که در رشته مورد نظر تخصص کافی را بدست آورده‌اند جهت گسترش همان حرفه و فن در سایر کارخانه‌ها استفاده شود. بدین ترتیب نه تنها از کارگران متخصص و ماهر بیشتری برخوردار خواهیم شد، بلکه در نحوه تولید نیز تاثیر عمده‌ای خواهد داشت و نهایت امر تاثیر مستقیم در اقتصاد کشور میگذارد.»

بقیه در صفحه ۸۹

از فرمایشات حضرت علی ((ع))

زکوه عمر: **عبادت**
زکوه حکومت: **عدالت**
زکوه صحت: **عیادت**
زکوه نطق: **نصیحت**
زکوه قدرت: **عفو**
زکوه مقام: **تواضع**
زکوه زیبائی: **پاکدامنی**
زکوه مال: **بخشش**
زکوه علم: **عمل**

فرستنده: رسول کریمی - کارگر کارخانه سیمان

گفته‌های بزرگان درباره کار

- **نودونه درصد نبوغ عرق پیشانی است و یکدرصد آن الهام روح.**

«ادیسون»

- **خوشی برای کسی است که برای دیگران کارکند.**

«اشتورگاشها»

- **مجبورم کارکنم، وگرنه اخلاق من فاسد خواهد شد.**

«تولستوی»

- **یکساعت کارو فعالیت، بیشتر از یکماه تهمت‌زدن و غیبت‌کردن دلرا تسلی میدهد وجیب را پرپول می‌کند.**

«بنیامین فرانکلین»

- **هرچه بیشتر بشر خود را بکار وادارد، بیشتر بسرمنزل سعادت نزدیک می‌شود.**

«سیسرون»

- **یکی از خوبیهای کار، آن است که روز را کوتاه و عمر را دراز میکند.**

«دیدرو»

- **سرپیشرفت و ترقی من، در دوحرف نهفته است: کار و ایمان.**

«ادیسون»

احمداکبرزاده، کارگرسازمان آب‌بهبهان

ناپلئون امپراتور فرانسه با همه قدرت وشوکتی که بدست اورده بود، نه تنها مادرش «له‌تیزیا» را بی نهایت دوست می‌داشت، بلکه خیلی هم به او احترام میگذاشت واین یکی از نامه‌هائی است که امپراطور فرانسه برای مادرش نوشت:

«مادر عزیزم، بزرگترین تقاضای من از شما اینست که خیلی مواظب سلامتی خودتان باشید. من بهیچوجه نمیخواهم شما را از دست بدهم، زیرا در انصورت هر که در این کشور زندگی میکند، زیر دست من خواهد بود.

علی پورمرادی- کارگر شرکت دخانیات

بهار

چو نرگس نوید بهار اورد	شمیمی خوش از کوی یار اورد
وزد از چمن بوی باغ جنان	صبا مژده نوبهار اورد
رسد فرو دین و نسیم صبا	شکوفه زهر سبزمزار اورد
بپاخیز و در سلك مستان درای	که ساقی می خوشگوار اورد
چمن سرخوش از ژاله صبحدم	هوا مشك و عنبر بکار اورد
طلب جام جم طرف هر بوستان	که این جام بی می خمار اورد
فروغ رخ ساقی ماهوش	نموداری از نقش یار اورد
نوا خوانی مرغ یاحق امید	بدلهای شب زنده‌دار اورد
زغفلت درآ «مهدیا» چون سپهر	بهار و خزان بی‌شمار اورد

سراینده مهدی ابوالفضلی- تکنیسین متالوژی کارخانه شهناز اصفهان

- گوسفند تنبل خیال میکند پشمش سنگین است! «آلمانی»
- روباه وقتی دستش به انگور نمیرسد، میگوید ترش است! «امریکائی»
- تو فقط پوست گرگ را بر پشت من بگذار، من خودم میدانم چکنم! «افریقایی»
- وقتی شیر مرده است، شغال هم دم او را میکشد! «اسپانیائی»
- مار سیاه میداند اول چه کسی را بزند! «اسکاتلندی»
- گوسفند از گرگ میترسد و گرگ از سگ! «الجزایره‌ای»
- اگر بمیان گرگ‌ها بروی، زوزه کشیدن خواهی آموخت! «عبری»
- کاری را که گرگ بزور میکند، روباه به حیله از پیش میبرد. «انگلیسی»
- اشتر هم بزرگ است، عقل وشعورش کجا رفتند؟.. «بروجردی»

گرگها هم اگر سگ بودند، دنیا گلستان بود! «بروجردی»

فتح‌اله اسفندیاری دره مرادی- کارگر بروجردی

بعقیده روانشناسان پنج جمله‌یی که بیش از همه شنیدن آن برای اشخاص لذتبخش است، عبارتند از:

۱ – من ترا دوست دارم!
۲ – غذا حاضر است!
۳ – گناه شما بخشیده است!
٤ – میتوانید تا ظهر بخوابید!
۵ – لازم نیست بدهی‌تان را بپردازید!

محمد باقری - کارگر کارخانه نساجی مازندران

● بمب راحتا بهنگامی که بربام خانه ما فرو نریخته، نمی‌توانم باور کنم.
«پاتریك‌وایت»

● امکان دارد دو پرنده در یك قفس با هم بسازند، اما در قلب تك‌تك آنها یك آرزو آشیان درد و آن پرواز است.
«تنسی.ویلیامز»

● سکوت چه خصلت پسندیده‌ایست برای آنها که حرفی برای گفتن ندارند.
«لودویك‌ویت گنشتاین»

خسرو پاکزاد ـ کارگر سازمان آب

*** لطف شهرهای کوچك در اینست که مردم خود را در غصه‌های شما شریك میدانند واگر احیاناً شما غصه‌ای نداشتید، غصه‌های خود را با شما تقسیم میکنند.**

*** اگر در زندگی مرگ وجود نداشت، بشر می‌بایست برای شیرین شدن زندگانی، آنرا اختراع میکرد!**

ـ ناصر رحیمی- کارگر کارخانه ناسیونال

● پنجاه سالگی، پیری جوانی و جوانی دوران پیری است!

● خشمگین شدن انتقام خطاهای دیگران را از خود گرفتن است!

● شخصی می‌گفت زنها بد هستند، ظریفی گفت ای بی انصاف!

● جنس ضعیف به علت ضعف جنس قوی در برابر جنس ضعیف، از جنس قوی قوی‌تر است!

● جلوگیری از بیکاری غیر ممکن است، چون اگر همه مشغول کار شوند کارمندان اداره کاریابی بیکار می‌مانند!!

● می‌گویند ازدواج یك نوع قمار است، ولی این حرف صحیح نیست، چون در قمار گاهی امید برد هست!!

● هیچگاه رازی را با زنی در میان نگذارید، زیرا یا آن را بی‌اهمیت تصور کرده به همه فاش می‌کند و یا آنقدر به نظرش مهم می‌آید که حیفش می‌آید به کسی نگوید.

حسن نیکبخت - اپراتور چاپخانه رامین - تهران

شب یلدا

امروز عصر، همه مردم با جوش‌وخروشی خاص که حاکی از علاقه شدید آنها نسبت به برگزاری یك سنت دیرینه بود، سرگرم خرید میوه و شیرینی و آجیل بودند. در پیاده‌روها و در کنار چرخ‌های میوه‌فروشی، ازدحامی فوق‌العاده بچشم میخورد و همه سعی می‌کردند قبل از فرارسیدن شب، خود را بخانه، نزد افراد خانواده که بابی‌صبری در انتظار آنها بودند، برسانند، زیرا آنشب شب یلدا بود..... بزرگترین شب سال، شبی که پدر بزرگها و مادر بزرگها در حالیکه نوه‌های خود را اطراف کرسی یا پای بخاری جمع می‌کردند داستانهای شیرینی در باره آن نقل می‌کردند، شاهنامه میخواندند و قصه‌هائی از دلاوران می‌گفتند. هندوانه میخوردند و تخمه میشکستند و تا پاسی از شب را بگفت‌وشنود و خنده و شادی میگذراندند.

آنشب زن جوان و دختر خردسالش نیز مانند همه افراد چشم بدردوخته بودند تا مرد خانواده لااقل آنشب را با دست پروروئی گشاده بخانه برگردد و آنها هم مانند دیگر مردم، بزمی کوچك و خانوادگی تشکیل دهند و شب یلدا را با شور و نشاط پشت سرگذارند..... برف شدیدی که از روز قبل شروع بریزش کرده بود، هنوز ادامه داشت و همه جا را زیر پوشش سفید و سرد خود پنهان کرده بود. ساعت دیواری ۸ ضربه متوالی نواخت و دختر که در کناری نشسته و با عروسك‌های خود سرگرم بازی بود، گفت: «مامان، پس پدر نیومد!» و مادر جوابداد: «عزیزم، حالا پیداش میشه. حتماً کاری پیدا کرده که نتوانسته زود بیاد» و دختر بحال اعتراض در حالیکه برق اشگ در چشمان سیاه و قشنگش می‌درخشید، گفت: «مامان، مگه تو نگفتی امشب بیدار بمونم تا بابا میوه و شیرینی بیاره و با هم بخوریم و شادی کنیم؟!» و مادر که برای پنهان کردن اشك خود از اتاق خارج میشد، گفت: «چرا عزیزم..... ولی حالا تو برو کمی رو تختخواب استراحت کن تا وقتی پدر اومد، من بیدارت کنم.» و چند لحظه بعد، دختر در حالیکه عروسك خود را در بغل گرفته بود، با قیافه معصومانه و ملکوتی یك فرشته بخواب عمیقی فرو رفت و مادر را با خاطرات ایام گذشته که مثل فیلم سینما، در جلو چشمانش جان گرفته و بحرکت در آمده بودند، تنها گذاشت. بیادش آمد از ۸ سال پیش که به اصرار خانواده‌اش با محمود ازدواج کرده بود، خوشبختی با تمام دست آوردهایش از او گریخته و کاخ آمال و آرزوهایش برای همیشه فرو ریخته و بویرانه‌ای تبدیل شده بود و کمتر شبی را بیاد داشت که او ساعاتی بعد از نیمه شب مست بخانه نیامده باشد. وقتی هم که بخانه باز میگشت، تنها ارمغانی که برای زنش می‌آورد، مقداری فحش و ناسزا و عربده بود که حتی همسایه‌ها را از خواب بیدار میکرد و هر کلمه‌ای که از لبانش خارج میشد، مانند پتکی آهنین به مغز او فرود می‌آمد و کابوسی هولناك تاروپود وجودش را متلاشی میکرد.

بیاد آورد در آن سپیده دمی که با اوج گرفتن نوای مقدس و روحپرور اذان، تنها دخترش را در بیمارستان بدنیا آورد، باو خبر دادند که شوهرش در اثر افراط در مشروب‌خواری با چند نفر از هم پیاله‌های خود درگیری شدیدی پیدا کرده و او را به کلانتری برده‌اند و بخاطر جراحاتی که بیکی از آن چند نفر وارد کرده، مقداری هم خسارت مالی باو وارد شده است..... و بیاد آورد که چه شبهای درازی را با چشمان پراشك و تنی لرزان در انتظار محمود به صبح رسانده و از او خبری نشده است. بدین سبب بارها تصمیم بخودکشی گرفته بود، ولی تنها بخاطر آینده دخترش مرجان که مهر پدری را نچشیده و حتی یك لحظه قلب سیاه‌تر از سیاه پدر برای او نه تپیده است، از انجام این تصمیم صرف نظر کرده بود.....

زمان پی‌درپی لحظات را بکام نابودی میکشید و پیش میرفت. ساعت، سه ضربه متوالی نواخت و این اعلام سه بعد از نیمه‌شب بود که ناگهان زنك تلفن توأم با غریو باد که همچون زوزه گرگان گرسنه بگوش میرسید، رشته افکار متلاطم و توفانزای زن را از هم گسیخت، و بی‌اختیار دستش بطرف گوشی تلفن دراز شد..... و از آن طرف گوشی صدای مردی این جملات را در گوش زن سرازیر کرد:

الو..... شما خانم فهیمه هستید؟

و با شنیدن جواب مثبت ادامه داد:

محمودخان، شوهر شما، در اثر مستی زیاد از حد ساعتی پیش که میخواسته بمنزل برگردد، با اتومبیلی تصادف کرده و جراحاتی باو وارد شده. حالا هم در بیمارستان..... است.

و در آن شب یلدا، بعلت شدت تصادف و خردشدن استخوان پاها، پزشك مجبور شد هر دوپای محمود را از زانو قطع کند. پاهائی که جز براه ناپسند، گامی برنداشته بود. اما این گناه شب‌یلدا نبود. هر کس با نیت ورفتار خود، سازنده شب‌یلدا و دیگر شبها و روزهای خویش است. باید کوشید تا با نیتی پاك و قلبی سرشار از نیکی‌ها و تهی از هرگونه ناپسندی‌ها، شب‌یلدای خود و دیگران را قرین شادی و خوشی گردانید.

مهدی ابوالفضلی- تکنیسین متالوژی- اصفهان

تالیران، سیاستمدار برجسته فرانسوی، جملات معروف زیاد دارد، از جمله، گفتنی است که عقیده او را درباره انگلستان بازگو می‌کند، وآن اینست.

ـ روابط انگلستان وفرانسه، مانند یك اسب است با سوارش، منتهی ما فرانسوی‌ها باید کوشش کنیم در این معامله همیشه سوار کار باشیم، نه اسب.

محمد یاراحمد- کارگر کارخانه کفش بلا

ما در عصری بسر میبریم که زندگی با ساعت تنظیم شده است، زیرا هشت ساعت از شبانه‌روز برای بدست آوردن پول تلاش میکنیم و هشت ساعت دیگر را صرف خرج کردن پول بدست آمده میکنیم، در پایان هشت ساعت میماند، این هشت ساعت نیز در فکر آن هستیم که چرا پولی را که با هزاران تلاش بدست آورده‌ایم، خرج کرده‌ایم که بیخوابی بسرمان زده و خوابمان نمیبرد؟!..

«جرج برنارد شاو»

فرستنده ناصر ابراهیمی - کارگر ایران ناسیونال

دل هر ذره را که بشکافی
آفتابیش در میان بینی

سازمان انرژی اتمی ایران

سازمان انرژی اتمی ایران

سازمانی که یکشبه ره صدساله پیموده

در زمان ما، نامهای بسیاری نهاده‌اند، عصر اتم قرن فضا، دوران پیشرفت علم و دانش، زمان تکنیک و........

اما به راستی با گسترش غول‌آسای انرژی اتمی و مسایل وابسته به آن، نام نهادن زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، بنام «عصر اتم» سخن به گزاف نرفته...

سالها است که شناخت اتم و چگونگی کاربرد آن در راه صلح و خدمت به بشریت و همچنین استفاده از آن در راه تامین هرچه بیشتر نیازهای انسانی به نیروی انرژی مورد بحث است.

استفاده از انرژی اتمی بی‌هیچ گفتگو ذهن بسیاری از محققین، دانشمندان و متخصصین مسائل اقتصادی دنیا را بخود جلب نموده و خواهد نمود.

در حال حاضر تمام کشورهای جهان ، خصوصاً کشورهای پیشرفته با این انرژی حیات‌بخش و نحوهٔ استفاده از آن در راه صلح و شکوفائی کاربرد آن آشنائی دارند. امروز اتم و علوم وابسته به آن بیش از هزاران رشته‌ی انقلابی بوجود آورده که هریک از آنها در تمام سطوح اجتماعی نقش بسیار ارزنده و چشمگیری ایفا می‌نمایند. انرژی اتمی در کشاورزی در زمینه‌ی کاشت و داشت بیشتر و بهتر و آشنائی محققین شیوه‌های نو و مدرن کشاورزی.... در علم پزشکی در راه شناخت درمان بسیاری از امراض گامهای اساسی برداشته، در بیولوژی برای شناخت حیات و چگونگی زندگی سلولهای حیاتی و در براه‌انداختن عظیم‌ترین کشتی‌ها و زیردریائی‌های غول‌پیکر اتمی- در صنعت الکتریسیته و بکارانداختن ماشینهای بزرگ مولد حرارت و بسیاری از علوم ناپیدا و شگفت‌انگیزی که مرتباً بشر به یکایک آنان دست می‌یابد.

دیگر از مسائل پیچیده‌ی دنیای امروز، هزینه سرسام‌آور تولید و توسعه نیروی الکتریسیته است که بشر امروز با این هزینه سرسام‌آور دست بگریبان است، که یکی از انها شیوه‌های مدرن تولید انرژی الکتریکی، استفاده از راکتورهای اتمی مولد برق است. زیرا طبق محاسبات دقیق، یکی از شاخص‌های مهم بالارفتن سطح زندگی مردم میزان سرمایه انرژی الکتریک است، در واقع هرچه مقدار مصرف نیروی الکتریسیته‌اش زیادتر شود، بهمان میزان سطح زندگی مردم بالا میرود.... در حالی که امروز سعی میشود با بوجود اوردن راکتورهای اتمی از هزینه انرژی الکتریک کاسته شود.

در حال حاضر بارشکوفائی اکثر مسائل یادشده بالابردوش سازمان بسیار جوانی بنام سازمان انرژی اتمی ایران است که بجا است بگوئی این سازمان با تلاشهای ارزنده خود یک شبه ره صدساله پیموده است. در اینجا خوانندگان عزیز را با تلاشهای شبانه روزی این این سازمان نوپا اشنا می‌کنیم:

روز هیجدهم اسفند ماه ۲۵۳۲، شاهنشاه اریامهر طی فرمانی لزوم ایجاد سازمانی در زمینه استفاده از نیروی اتم را اعلام فرمودند و در اجرای این فرمان بود که قانون تاسیس سازمان انرژی اتمی ایران تهیه و بمجلسین تقدیم شد.

این قانون پس از تصویب و توشیح در تاریخ ۲۵ تیرماه ۲۵۳۳ شاهنشاهی برای اجرا به دولت ابلاغ گردید و سازمان انرژی اتمی ایران رسماً کار خود راشروع کرد.

این سازمان بر حسب فرمان دیگری که در تاریخ بیستونهم مرداد ۲۵۳۳ شاهنشاهی شرف صدور یافت، تحت ریاست عالیه شاهنشاه آریامهر انجام وظیفه می‌نماید. سازمان انرژی اتمی ایران با وجود آن که سازمانی بسیار جوان و نوپا است برنامه‌های بسیار عظیمی طرح و بمورد اجرا گذاشته و سرعت و اراده‌ای که در تدوین و اجرای سریع این برنامه‌ها بکار گرفته شده است، بدون شک در تاریخ جهش‌های صنعتی جهان کم‌نظیر است.

یکی از اقدامات اساسی این سازمان جذب و توسعه و بکارگرفتن یک تکنولوژی جدید و پیچیده برای تولید نیرو بمقیاس بسیار وسیع و استفاده از این نیرو در زمینه‌های مختلف مورد نیاز کشور است.

با اجرای صحیح این برنامه کشور ما نه‌تنها منابع سرشار نیروی تازه‌ای را در اختیار خواهد گرفت، بلکه همزمان با آن بسطح بالاتری از تکنولوژی و مدیریت فنی دست خواهد یافت. بدین ترتیب در مصرف نفت و گاز برای تولید نیروی برق به مقدار قابل توجهی صرفه‌جوئی خواهد شد واین امکان فراهم خواهد گردید که از این مواد پرارزش برای مصارف بهتری استفاده شود.

کاربرد انرژی اتمی بعلت ابعاد متعدد و مقیاس گسترده ان نیاز بیک فرهنگ تازه دارد که لزوماً به خدمت گرفتن نیروی اتم در پیشبرد و هدفهای اجتماعی و اقتصادی ایران است که مجموع برنامه‌های اتمی باید بصورت متعادل و در ارتباط با سایر فعالیتهای ملی تکوین یابد.

یکی از وظایف مهم سازمان انرژی اتمی ایران فراهم آوردن امکانات برای انجام پژوهش به منظور ایجاد زیربنای علمی و فنی اتمی کشور است. در اجرای این رسالت سازمان انرژی اتمی ایران از بدو تاسیس تلاش وسیع و گسترده‌ای را در جهت ایجاد و گسترش مراکز تحقیقات شروع نموده در حال حاضر این سازمان دارای دومرکز تحقیقاتی در تهران است که یکی عهده‌دار انجام تحقیقات زیربنائی است و دیگری در زمینه‌ی کاربرد مواد رادیواکتیو در صنایع، کشاورزی و پزشکی فعالیت می‌کند. همچنین مرکز دیگری در اصفهان در حال ایجاد است که بیشتر به تحقیقات امور فنی نیروگاهها و مسائل صنعتی اتمی خواهد پرداخت.

وظیفه مرکز تحقیقات هسته‌ای، انجام پژوهشهای بنیادی علوم هسته‌ای و فعالیت در جهت پایه‌گذاری زیربنای علمی لازم، برای گسترش منابع اتمی در کشور است.

همچنین این مرکز کوشش خواهد نمود تا مسائل مربوط به منابع انرژی هسته‌ای را بررسی کرده و امکانات اشنائی افراد را با مسائل جدید علمی در این زمینه فراهم آورد. فعالیت اصلی این مرکز بیشتر در جهت گسترش ازمایشگاههای پژوهشی و بوجودآوردن گروه‌های مختلف تحقیقاتی است.

نیوزن یا گداخت هسته‌ای بمنظور دستیابی به تکنولوژی گداخت هسته‌ای و اگاهی علمی در این زمینه که در واقع نویددهنده منبع انرژی فردا است، طرح تحقیقاتی الوند آغاز گردید. هدف از اجرای این طرح ساختن یک دستگاه تاپینچ خطی برای انجام تحقیقات و محاسبات است.

کار ساختمان آزمایشگاه گداخت در سال گذشته شروع گردیده و در حال پیشرفت است. مطالعات اولیه در زمینه گداخت هسته‌ای با استفاده از پرتوهای لیزر نیز جدا از طرح الوند در این مرکز انجام میشود.

در این مرکز، پژوهش در زمینه تکنولوژی لیزر در سال گذشته شروع شد. هدف اصلی این طرح ساخت و تکمیل دستگاه لیزر با قدرت زیاد برای انجام تحقیقات مربوط به پلاسما و گداخت با لیزر است، که در این جا بایستی متذکر شد پس از مطالعات کافی، نوع گازی آن برای شروع به کار انتخاب گردیده است ساختمان این آزمایشگاه که در سال گذشته شروع شده، هم‌اکنون در دست اجرا است.

چنانچه عناصر مختلف تحت تابش پرتوهای پروتون قرار گیرند از خود اشعه‌ای خارج می‌کنند که معرف آن عناصر است. در نتیجه با تابش دادن ترکیبات مختلف الی و کانی ، میتوان به عناصر متشکله آنها پی برد. اقدامات این طرح تحقیقاتی در سال گذشته در مرکز تحقیقات هسته‌ای شروع گردید که در حال حاضر ادامه دارد.

در این زمینه یک رشته آزمایش روی نمونه‌های آب اشامیدنی، هوای تهران نمونه‌های توتون و سنگهای معدنی در دست انجام است که نتایج آزمایشهای انجام شده بسیار رضایت‌بخش بوده و بنظر میرسد که بتوان با این روش ناخالصی‌های موجود، در موارد مختلف را بطور چند و چون اندازه‌گیری کرد.

سازمان انرژی اتمی مذاکراتی در این مورد با وزارت

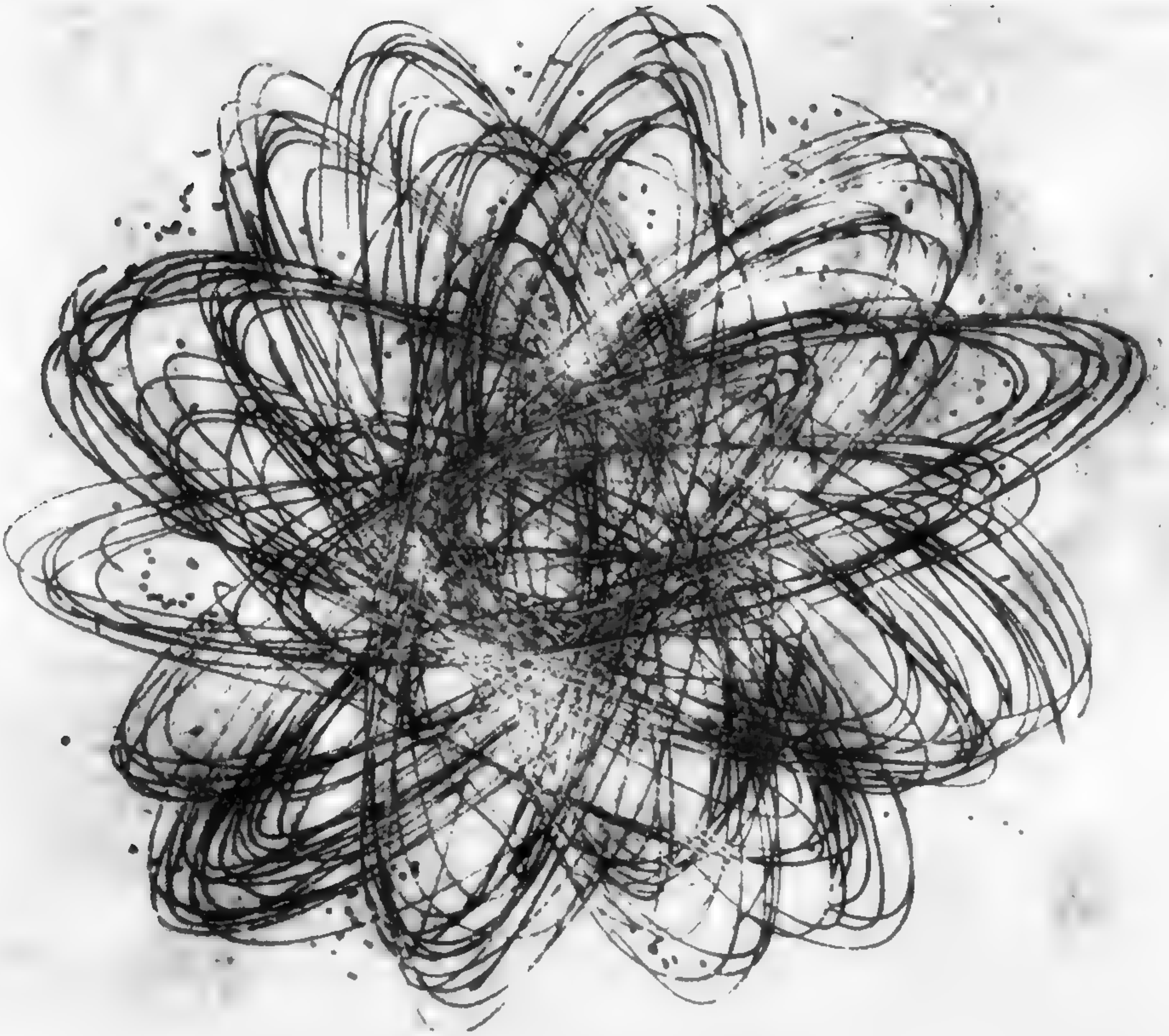

تندرستی و رفاه اجتماعی انجام داده تا با همکاری یکدیگر آبهای آشامیدنی شهرهای مختلف ایران و همچنین هوای شهر تهران رااز لحاظ وجود ناخالصی‌های مضره مطالعه و بررسی نمایند. ضمناً آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در اجرای این طرح با مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی اتمی همکاری مداوم دارد.

با در نظر داشتن برنامه گسترده تولید انرژی اتمی در ایران که شامل ایجاد نیروگاههای اتمی متعدد است، فعالیت وسیعی در جهت ایجاد تخصص لازم برای انجام محاسبات مربوط به راکتورهای اتمی در مرکز تحقیقات هسته‌ای آغاز شده است.

هدف اصلی این برنامه انجام محاسبات به منظور بررسی مسائل مربوط به مدیریت سوخت، ایمنی راکتور، چگونگی کار میله‌های سوخت در داخل راکتور و همچنین محاسبه حفاظ راکتورهاست.

با اجرای این برنامه ضمن انجام محاسبات لازم برای افراد کارازموده در این رشته تربیت خواهند نمود تا هنگام بهره‌برداری از نیروگاهها مورد استفاده قرار گیرند.

فعالیت در این زمینه با جمع‌آوری برنامه‌های کامپیوتر شروع گردید و بدین منظور سازمان انرژی اتمی ایران به عضویت مراکز اطلاعاتی برنامه‌های کامپیوتری بین‌المللی درآمد. همزمان با فعالیت در جهت تهیه برنامه‌های کامپیوتری لازم و انجام محاسبات راکتور، برنامه وسیعی در جهت آموزش افراد ایرانی لازم برای اجرای این طرح شروع نمود.

از راه تجزیه به روش اکتیو کردن می‌توان با دقت بسیار زیادی عناصر مختلف تشکیل دهنده مواد مختلف را شناسائی نموده، مقدار آنها را اندازه‌گیری کرد.

با این روش میتوان مثلاً ناخالصی‌های جزئی موجود در ترکیبات مختلف آلی و کانی را تعیین نمود. با استفاده از این روش و با کمک راکتور مرکز تحقیقات هسته‌ای

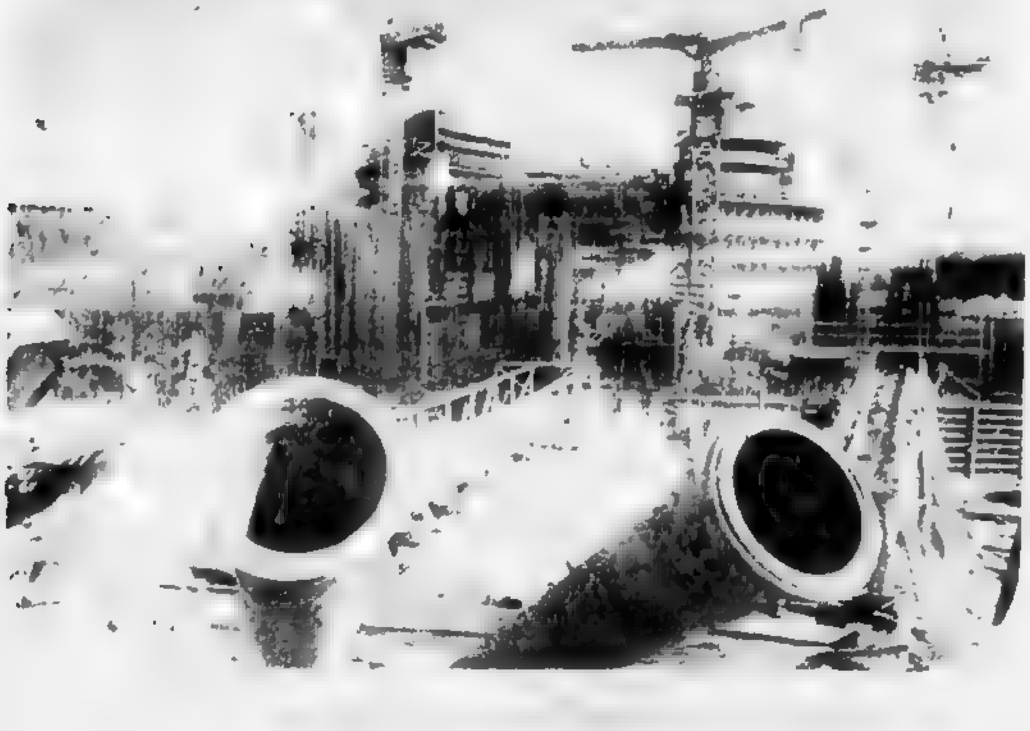

دکتر اکبر اعتماد، معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

با ایجاد سازمان انرژی اتمی ایران فصل تازه‌ای در تلاش عظیم ملی برای رشد و توسعه کشور و بهزیستی ملت ایران آغاز شد.

... نیروی انسانی متخصص یکی از تلاشهای گسترده ...

در سال گذشته تحقیقات مختلفی بشرح زیر انجام داد:

– بررسی وضع آلودگی رادیواکتیو و غیر رادیواکتیو هوای مرکز تحقیقات هسته‌ای و چند نقطه پر تراکم تهران

– بررسی مواد غذائی کنسرو شده از نظر وجود مواد سرطان‌زا

– تعیین میزان ارسینک در موی افرادی که با این عنصر کار می‌کنند

– تعیین عناصر تشکیل دهنده سنگ اسمانی عراق

– تعیین برخی از عناصر کمیاب سمی در آب دریاچه بختگان

– تعیین عناصر متشکله سکه دوره ساسانی

– تعیین برخی عناصر کمیاب در نمونه‌های نفتی رسیده از شرکت ملی نفت ایران

پژوهش در زمینه جدا سازی عناصر ترانس اورانیوم و لانتانیدها از یکدیگر مطالعه در زمینه روشهای جدا سازی عناصر ترانس اورانیوم، لانتانیدها و اکتینیدها از یکدیگر، این پژوهش از دو سال قبل شروع شده و هنوز ادامه دارد.

تعیین مواد مختلف غذائی در خاویار ایران

انواع مختلف خاویار ایران تحت بررسی قرار گرفته و مقدار درصد پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، اسیدهای آمینه و چربیها در هر نوع اندازه‌گیری شده است.

این طرح با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال گذشته شروع شد، و نتایج آن منتشر گردید.

پیوند اسید اکریلیک روی فیلم پلی وانیلی کلراید

در این زمینه عمل پیوند اسید اکریلیک روی مولکولها PVC بااستفاده از تشعشعات گاما انجام شد.

تهیه آلیاژ چوب و لاستیک

بمنظور تهیه چوب با خواص مکانیکی و فیزیکی بهترین نمونه‌های چوب پس از یک رشته عملیات شیمیائی تحت تشعشع پرتو گاما قرار می‌گیرد.

این تحقیق از دو سال قبل شروع شد و تا بحال نمونه‌های مختلف چوب با این روش تهیه گردیده و بررسی روی خواص مکانیکی و فیزیکی این نمونه‌ها ادامه دارد.

پژوهش در زمینه از بین بردن آفات برنج

بررسی در زمینه از بین بردن آفات برنج در نتیجه تشعشع دادن آنها با پرتوهای گاما در سال گذشته پایان یافت و بدین ترتیب تحقیق شد که تا چه حد میتوان برنج را تشعشع داد، تا موقعی که به مواد غذائی آن لطمه وارد شود، و آفت آن بطور کلی از بین برود.

۱– پژوهش در زمینه پزشکی هسته‌ای

مطالعات در مورد عناصر رادیواکتیو مخصوص، برای شناسائی غدد سرطانی و نحوه پیشرفت این بیماری در حال انجام است.

فعالیت در زمینه خدمات علمی

با گسترش مرکز تحقیقات هسته‌ای در سازمان انرژی اتمی در زمینه تجهیز آزمایشگاهها و تقویت و تشکیل گروههای تحقیقاتی، نیاز بیشتری به استفاده از راکتور تحقیقاتی دید. سازمان انرژی اتمی در زمینه فعالیتهای آموزشی اقدامات موثری شرح زیر انجام داده است:

۱– کمک در زمینه تهیه پایان نامه فوق لیسانس برای ۱۱ نفر از دانشجویان دانشگاههای ایران

۲ ترتیب یک دوره کارآموزی علوم اتمی برای گروه دانشجویان سال چهارم فیزیک دانشگاه فردوسی

۳– کمک در انجام آزمایشهای مربوط به دروس فیزیک راکتور و فیزیک نوترون برای دانشجویان دوره فوق لیسانس علوم هسته‌ای و تکنولوژی هسته‌ای دانشگاه تهران

۴– تشکیل دوره‌های مختلف آموزش اختصاصی که در قسمت تامین نیروی انسانی بکار گرفته شد.

تاسیسات مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان

مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان از واحدهای علمی و خدمات فنی زیر تشکیل خواهد شد

واحدهای علمی و پژوهشی آزمایشگاه شیمی تجزیه، آزمایشگاه بررسی خوردگی فلزات، آزمایشگاه انتقال حرارت و حرکت سیالات، آزمایشگاه و کارگاه نمونه‌های سوخت، آزمایشگاه بررسی حرکت مواد رادیواکتیو ناشی از خوردگی در راکتورهای آب سبک، آزمایشگاه شیمی عناصر اکتنید، سلولهای داغ، آزمایشگاه تصفیه شیمیائی اورانیوم، آزمایشگاه متالوژی و آزمایش مواد، آزمایشگاه پژوهشی بوسایهای مکانیکی و اندازه‌گیری، آزمایشگاه کنترل و تنظیم وسائل، آزمایشگاه تکنولوژی سدیم، آزمایشگاه و کارگاه الکترونیک. واحد آموزش واحدهای خدمات فنی «کارگاه فنی، سالن کنفرانس، قسمت نگهداری و تعمیرات وسایل، مرکز اسناد و کتابخانه، مرکز بهداشتی و درمانی قسمت حفاظت در برابر اشعه، اموراداری و دبیرخانه، قسمت امنیت مرکزی و سیستم اعلام خطر، مرکز محاسبات، بخش آبرسانی و تصفیه آب، بخش توزیع برق، تهویه مطبوع، بخش تصفیه پس‌مانده‌های رادیواکتیو، انبار ذخائر، مرکز مخابرات، بخش تعمیرات و گاراژ وسایل نقلیه و آتش‌نشانی.

برنامه تامین نیروی انسانی

برنامه تامین نیروی انسانی متخصص برای مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان در سال گذشته از جمله مهمترین وظائف مجریان طرح بود. مرکز مزبور نیاز به ۸۰۰ تن کادر متخصص در زمینه‌های مختلف دارد که باید بتدریج تربیت شوند. از اینرو در سال گذشته، فعالیت وسیعی در زمینه عقد قراردادهای لازم با مؤسسات معتبر برای آموزش و کارآموزی و انتخاب افراد مناسب برای اعزام به این مؤسسات انجام شد که جزئیات آن در قسمت تامین نیروی انسانی این گزارش آمده است. باید توجه داشت که چون نقش اساسی این مرکز پایه‌گذاری صنایع هسته‌ای در ایران میباشد آموزش دانشگاهی به تنهائی برای ایفای نقش مؤثر کافی نبوده و افراد باید تجربه علمی و عملی در امور مربوطه را پیدا کنند.

تعیین محل نیروگاهها

محل مناسب و صحیح برای احداث نیروگاههای هسته‌ای، چه از نظر وضع جغرافیائی و زمین‌شناسی و چه از نظر محیط زیست باید به دقت بررسی شود. این بررسیها معمولا در دو مرحله انجام میگیرد

در مرحله اول امکانات نواحی مختلف کشور از لحاظ جای دهی نیروگاههای اتمی با توجه به اطلاعات موجود مورد بررسی قرارمیگیرد و نواحی مناسب به منظور اجرای مطالعات دقیق‌تر تعیین میشوند

در مرحله دوم محلهای انتخاب شده از نظر زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی، تراکم جمعیت، محیط زیست، موقعیت دریائی، زلزله، وضع راههای ارتباطی وامکانات دستیابی به محل، آبشناسی و موقعیت جغرافیائی مورد مطالعه عمیق قرار میگیرند

خلاصه فعالیتهای انجام شده در سال گذشته

۱– مرحله اول تعیین محل نیروگاهها

در سال گذشته منطقه جاسک، چاه‌بهار و کنارهای زاینده‌رود (نزدیکی باتلاق گاو خونی) مورد بررسی قرار گرفت

۲– مرحله دوم تعیین محل نیروگاهها

سواحل دریای مازندران

بین محلهای پیشنهاد شده در مطالعات مقدماتی سواحل دریای مازندران سه محل به نامهای السده، نیسگان و چابکسر برای مطالعات نهائی مناسبتر تشخیص داده شد

مطالعات نهائی مربوط به این سه محل گذشته شروع شد و تاکنون در حدود ۴۰ درصد کار انجام شده است

کناره رود کارون. در مطالعات اولیه چهار محل در کناره رود کارون برای ایجاد نیروگاهها پیشنهاد شده بود. مطالعات بعدی نشان داد که دو محل میتوانند مورد بررسی نهائی قرار گیرد. کار بررسی این دو محل در طی سال گذشته ادامه یافت و نتیجه نهائی منجر به انتخاب محلی در نزدیکی دارخوئین (سی کیلومتری شمال خرمشهر) گردید.

۳–شبکه زلزله‌نگاری

از انجا که ایران کشوری زلزله‌خیز است و همچنین به علت اهمیت موضوع زلزله در تعیین محل نیروگاههای اتمی، مطالعات وسیعی در زمینه ایجاد یک شبکه زلزله‌نگاری در ایران انجام شده‌است.

بدین منظور در نظر است که تعداد ۳۶ دستگاه زلزله‌سنج در ۲۰ منطقه ایران نصب شود. در حال حاضر با نصب ۶ دستگاه زلزله‌سنج یک شبکه زلزله‌نگاری در منطقه بوشهر ایجاد شده است.

هر هفته ۴۲ لرزه‌نگاشت توسط این دستگاهها تهیه میشود، که مورد بررسی قرار میگیرد.

۴– مطالعات محیط زیست

برای کنترل محیط زیست اطراف نیروگاههای اتمی شماره۱و۲ برنامه مطالعاتی وسیعی در دست اقدام است. هدف این بررسیها که با همکاری مهندسین مشاور انجام میشود، به شرح زیر است:

–بررسی کامل محیط زیست اطراف نیروگاه و جمع‌آوری اطلاعات کافی در مورد حیوانات محل– تشکیل آزمایشگاههای لازم برای مطالعات درباره چگونگی زیست حیوانات آبزی اطراف نیروگاهها.

– مطالعات مربوط به اثر تغییر درجه حرارت آب دریاروی حیوانات ابزی.

– بررسی چگونگی دفع فضولات شیمیائی و اثر آنها روی محیط زیست

نیروگاههای اتمی

ایجاد و بهره‌برداری از نیروگاههای اتمی و تاسیسات شیرین‌کردن آبشور یکی از مهمترین وظایف سازمان انرژی اتمی ایران میباشد. با توجه به این وظیفه، سازمان انرژی اتمی ایران برنامه گسترده‌ای برای ایجاد اینگونه نیروگاهها آماده کرده است که به تدریج اجرا میشود.

در اجرای این برنامه کار ساختن دو نیروگاه اتمی هر یک به قدرت ۱۲۰۰ مگاوات در محلی بنام هلیله در نزدیکی بوشهر از یکسال پیش شروع شده و به خوبی پیشرفت کرده است.

امور ساختمانی نیروگاهها:

۱– نیروگاههای اتمی شماره ۱ و شماره ۲

نیروگاههای اتمی شماره۱ و شماره ۲ هر یک با قدرت خالص الکتریکی ۱۲۰۰ مگاوات در نزدیکی دهکده هلیله ساخته میشود.

عملیات ساختمانی کارگاه در تیر ماه ۲۵۳۴ اغاز و در مرداد ماه همان سال خاکبرداری نیروگاه شماره ۱ شروع شد. در آبان ماه ۲۵۳۴ کار ساخت زیر بنای ساختمان راکتور نیروگاه شماره ۱ آغاز شد و در طول سال گذشته ساختمان راکتور، ساختمان تاسیسات جنبی راکتور، ساختمان کلیدهای قطع و وصل فشار قوی و ساختمان توربینها شروع شده و در حال پیشرفت است. کارهای ساختمانی نیروگاه شماره ۲ در حدود نه ماه با کارهای ساختمانی نیروگاه شماره ۱ اختلاف زمانی دارد و در حال حاضر عملیات خاکبرداری ساختمان – راکتور نیروگاه شماره ۲ پایان یافته و کارهای ساختمانی زیر بنا در حال تکمیل است.

همچنین کارهای ساختمانی اسکله برای تخلیه تجهیزات سنگین و کارخانه تولید برق و آب شیرین برای مصرف داخلی کارگاه در شرف اتمام است.

با تکمیل این تاسیسات، ۳۰ مگاوات برق و ۳۵۰۰ تن آب در روز برای – کارگاه تامین میگردد. در حال حاضر بالغ بر ۳۷۰۰ کارگر و ۵۰۰ مهندس ایرانی و خارجی در کارگاه به کار مشغول هستند. پیش‌بینی میشود که بزودی تعداد کارکنان به ۵۵۰۰ نفر برسد. از این رو طرح خانه سازی برای سکونت موقت بیش از ۵۰۰۰ مهندس و کارگر و خانواده‌هایشان در اردوگاه هلیله در دست اجرا میباشد. در این اردوگاهها علاوه بر واحدهای مسکونی به تدریج مهمانسرا، مدرسه، بیمارستان، رستوران و امکانات ورزشی و دیگر تاسیسات لازم ایجاد میگردد.

بطور کلی کارهای ساختمانی نیروگاههای شماره ۱ و شماره ۲ برحسب برنامه پیش‌بینی شده پیشرفت نموده است.

۲– نیروگاههای اتمی شماره ۳ و شماره ۴

برای احداث نیروگاههای اتمی شماره ۳ و شماره ۴ هر یک به قدرت ۹۰۰ مگاوات قولنامه‌ای با یک شرکت فرانسوی امضاء شده و مذاکرات برای عقد قرارداد مربوط و نیز مطالعه مشخصات فنی این نیروگاهها در جریان است و پس از عقد قرارداد کار ساختن این نیروگاهها آغاز خواهد شد.

سوخت هسته‌ای

با در نظر داشتن برنامه گسترده ایران برای تولید انرژی هسته‌ای، میزان سوخت مورد نیاز نیروگاههای ایران به دقت بررسی شده و اقدامات پیگیری برای تامین این سوخت به عمل امده است. اورانیوم مورد نیاز از راه خرید اورانیوم و نیز اجرای برنامه‌های اکتشاف در داخل و خارج از کشور تامین میگردد. در نتیجه با مشارکت در کارخانه‌های غنی کردن اورانیوم در خارج از کشور و با عقد قرارداد برای خرید خدمات غنی کردن، قسمت اعظم نیازهای بیست سال اینده تامین شده است.

اکتشاف و استخراج اورانیوم در ایران

سازمان انرژی اتمی ایران بلافاصله پس از تاسیس، اولویت خاصی برای اکتشاف اورانیوم در داخل کشور قائل گردید.

خلاصه فعالیتهای انجام شده و نتایج بدست امده به شرح زیر است:

۱– جمع‌آوری، مطالعه و بررسی مدارک علمی و فنی، گزارشها و نقشه‌های زمین شناسی و اکتشافی و جغرافیائی سراسر کشور از شرکت ملی نفت ایران، سازمان زمین شناسی کشور، سازمان برنامه و بودجه و سازمان جغرافیائی کشور.

۲– اندازه‌گیری رادیو اکتیویته کانی‌ها و سنگهای موجود در سازمان زمین شناسی کشور، شرکت ملی نفت ایران، دانشکده فنی و دانشگاه صنعتی آریامهر.

۳– بررسی اجمالی زمین شناسی نواحی آذربایجان، گرگان، خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان به وسعت کلی حدود ۶۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع. این بررسی بمنظور تصحیح و تایید اطلاعات جمع‌اوری شده و همچنین کشف مناطق مناسب برای وجود سنگ مادر اورانیوم و مشخص نمودن افق‌ها و لایه‌های زمین شناسی در برگیرنده اورانیوم انجام گرفت.

۴– تعیین حدود و مشخصات فنی پروازهای اکتشافی و تعیین مشخصات فنی دستگاههای اندازه‌گیری در پروازها.

۵– جمع‌آوری گزارشهای فنی در زمینه جهل انومالی

رادیو آکتیو که در نتیجه عملیات اکتشافی گذشته سایر موسسات بدست آمده است.

٦- با توجه به مطالعات زمین شناسی و کانی شدن اورانیوم و همچنین شکل ساختمانی و لایه‌های مختلف و امکانات وجود ذخائر مربوط به این لایه‌ها سطح کشور به ده منطقه تقسیم شده است که از اوائل تابستان سال ۲۵۳۵ مورد کاوش قرار گرفت.

عملیات صحرائی در منطقه آذربایجان منجر به پی بردن به توده‌های گرانیتی فرسوده‌ای شده است که در بعض قسمتها دارای ۵۰ گرم اورانیم در تن میباشد. با توجه به تشکیلات رسوبی اطراف این سنگها که دارای مشخصات جالبی از نظر سنگ در برگیرنده اورانیوم میباشد، امید است در اکتشاف آینده بتوان به منابع قابل توجه اورانیوم در این منطقه دست یافت. در نواحی خراسان و کرمان و کویرلوت نیز حالتهای مشابه

ای- تی» در دوسال گذشته تعداد ۳۵ تن از لیسانسیه‌های علوم و مهندسی به این دانشگاه اعزام گردیدند. این دانشجویان پس از دوسال تحصیل در آن دانشگاه به درجه لیسانس نائل شده و به ایران مراجعت خواهند کرد.

۲- اعزام دانشجو به انستیتو تکنولوژی نیوجرسی

بر اساس قراردادی که بین سازمان انرژی اتمی ایران و انستیتو تکنولوژی نیوجرسی منعقد شده است، در سال گذشته ده تن به مؤسسه مذکور اعزام شدند. دانشجویان اعزامی این گروه از موقعیت خوب کارآموزی برخوردار هستند.

۳- اعزام دانشجو به صورت آزاد

علاوه بر برنامه‌های ذکر شده، درسال گذشته ۸۲

است

۱- کارآموزی در مرکز تحقیقات هسته‌ای:

در سال گذشته قراردادی بین سازمان انرژی اتمی ایران و مرکز تحقیقات هسته‌ای وابسته به سازمان انرژی اتمی انگلستان امضاء شد که به موجب آن گروهی از دانش‌آموختگان ایرانی در رشته‌های علوم و مهندسی برای کارآموزی و کسب تخصص در زمینه‌های مختلف مورد نیاز به این مرکز اعزام می‌شوند. هم‌اکنون ۱۷ نفر از بورسیه‌های سازمان در این برنامه شرکت دارند و به زودی تعداد دیگری نیز به آنان اضافه خواهد شد ترتیبی داده شده است که این افراد از امکانات آموزشی دانشگاههای معتبر انگلستان نیز استفاده کرده و درجات تحصیلی بالاتر را کسب نمایند

برنامه‌های علمی و صنعتی مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان، ضمن استفاده از دیگر برنامه‌های آموزشی سازمان، برنامه‌ای در نظر گرفته شده است که شامل استخدام افراد با درجات تحصیلی فوق‌دیپلم (برای کادر تکنیسین)، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا و اعزام آنان بمدت ۲ تا ۳ سال به خارج از کشور میباشد. نخستین برنامه از این نوع با همکاری مؤسسه انرژی اتمی فرانسه ترتیب داده شده است. باین منظور یک گروه ۲۰ نفری تکنیسین و یک گروه ۳۰ نفری مهندس در خرداد ماه سال جاری به فرانسه اعزام شدند. برنامه کارآموزی این گروه که در مرکز تحقیقات هسته‌ای در جنوب فرانسه اجرا میشود، اخیرا شروع شده است.

٤- برنامه‌های کارآموزی دیگر.

بنگونه برنامه‌ها برای کارآموزی واحدهای مختلف

مشاهده گردیده است. ناحیه زاهدان و تشکیلات مزکان نیز شباهت زیادی به تشکیلات سیوالیک سلسله جبال در پاکستان دارند که دارای افق اورانیوم میباشد.

فعالیتهای تامین مواد اولیه از خارج از ایران

بدیهی است با توجه به سرمایه‌گذاریهای عظیمی که در مورد احداث نیروگاههای هسته‌ای در ایران بعمل آمده است، نمیتوان فقط به منابع اورانیوم ایران که هنوز شناخته نشده است اتکاء داشت. به منظور تامین مواد اولیه برای سوخت این نیروگاهها با فرانگری خاص امکانات مشارکت در امر اکتشاف و استخراج و حتی خرید سهام معادن اورانیوم در سراسر جهان مورد بررسی قرار گرفته و اقدامات مهمی انجام شده است مقدار قابل توجهی اورانیوم نیز طبق قراردادهای تحویل دراز مدت از خارج خریداری شده است که مصرف نیروگاههای ایران را حداقل تا دو سال به خوبی تامین می‌کند

غنی کردن اورانیوم

با توجه به مشارکت ایران در کارخانه‌های غنی کردن اورانیوم در فرانسه قسمت مهمی از نیازهای ایران در این زمینه تا بیست سال دیگر تأمین خواهد شد. کار ساختن یک کارخانه، بخوبی و طبق برنامه پیش‌بینی شده در جریان است. در طی سال جاری تصمیم نهائی در مورد تاریخ و نحوه ایجاد کارخانه دیگری گرفته خواهد شد.

کارخانه تهیه سوخت

طبق بررسی‌های اولیه، ایجاد کارخانه‌ای برای ساخت میله‌های سوخت، به منظور تامین سوخت مورد نیاز نیروگاههای هسته‌ای کشور از نظر اقتصادی و فنی مقرون به صرفه است، و مطالعاتی در جهت تعیین ظرفیت چنین کارخانه‌ای در جریان میباشد.

مذاکرات ابتدائی در این زمینه با کشورهای خارجی انجام شده و تصمیمات لازم برای آغاز کار در سال جاری اتخاذ خواهد شد.

تأمین نیروی انسانی

با در نظر گرفتن برنامه گسترده سازمان انرژی اتمی ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای و همچنین با توجه به تازگی این فن در ایران بدیهی است که یکی از مهمترین وظایف این سازمان تأمین نیروی انسانی ایرانی برای اجرای برنامه‌های صنایع اتمی کشور می‌باشد. گسترش صنایع هسته‌ای به علت پیچیدگی خاص خود نیاز به افرادی دارد که نه تنها آموزش لازم را دیده باشند، بلکه تجربه کاری مورد نیاز را نیز کسب نموده باشند.

از این رو سازمان انرژی اتمی ایران از بدو تأسیس ضمن برآورد احتیاجات نیروی انسانی برای ٥ سال اول، برنامه گسترده‌ای برای تأمین نیروی انسانی متخصص طرح‌ریزی نمود و بلافاصله به اجرا گذاشت. فعالیت در این زمینه در سال گذشته در کلیه واحدهای سازمان انرژی اتمی ایران ادامه یافت و از سوی کمیته آموزش سازمان، هماهنگ گردید. این فعالیتها از سه راه انجام شده است

آموزشهای دانشگاهی، دوره‌های کارآموزی، آموزشهای تخصصی.

آموزشهای دانشگاهی.

فعالیت در این زمینه به علت نیاز فوری سازمان به افراد متخصص و آماده نبودن امکانات مالی و محلی، بیشتر در جهت واگذاری بورسهای تحصیلی برای درجات فوق لیسانس در رشته‌های مورد نیاز به دانشجویان ایرانی متمرکز شده است و خلاصه پیشرفت کار به شرح زیر است:

۱- اعزام دانشجو به آمریکا براساس مفاد قرارداد منعقده بین سازمان انرژی اتمی ایران و دانشگاه «ام-

ماکت دریاچه ذخیره‌ای و سد وشمگیر گرگان برای مطالعه رسوب گیری دریاچه در مرکز تحقیقات و کار برد مواد رادیو اکتیو مورد استفاده قرار میگیرد.

بورس تحصیلی جهت اخذ درجات تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر به دانشجویان ایران که در خارج به تحصیل اشتغال دارند، واگذار شده است. واگذاری این بورسها با توجه به نیاز سازمان به رشته تحصیل دانشجو و شایستگی تحصیلی دانشجویان انجام شده است. این دانشجویان در کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، و کانادا به تحصیل اشتغال دارند.

همکاری با دانشگاههای ایران

در سال گذشته اقداماتی در جهت ایجاد برنامه‌های همکاری بادانشگاههای ایران برای تربیت کادر متخصص موردنیاز صنایع اتمی کشور انجام شد. ازجمله قراردادی بین سازمان و دانشگاه پهلوی شیراز به امضاء رسید که به موجب آن دانشگاه مذکور متعهد شد هر سال ٥ تا ١٠ تن دانشجو برای اخذ درجات فوق لیسانس فیزیک اتمی و مهندسی هسته‌ای تربیت کند. تدریس برخی از درسهای آزمایشگاهی و علمی این دانشجویان بعهده سازمان انرژی اتمی ایران خواهد بود. همچنین این دانشجویان از امکانات تحقیقاتی و آموزشی سازمان برای تهیه پایان نامه فوق لیسانس استفاده خواهند نمود.

یک قرارداد همکاری در زمینه‌های آموزشی و تحقیقاتی بین سازمان و دانشگاه تهران به امضاء رسید و براساس آن تقویت یا ایجاد دوره‌های فوق لیسانس در زمینه‌ی مورد نیاز و گنجانیدن دروس تازه در برنامه‌های دانشگاه تهران در نظر گرفته شده است. بدین منظور امکانات تحقیقاتی سازمان بیش از پیش در اختیار دانشگاه تهران قرار داده خواهد شد

دوره کارآموزی

بمنظور ایجاد تخصص و کارائی بیشتر در افراد، قسمت عمده فعالیتهای آموزشی سازمان از راه اجرای برنامه‌های کارآموزی در مراکز صنعتی و پژوهش هسته‌ای متمرکز شده است که خلاصه آن به شرح زیر

۲- تربیت نیروی انسانی برای بهره‌برداری از نیروگاههای اتمی ایران:

بهره‌برداری از نیروگاههای اتمی مستلزم دراختیار داشتن افراد متخصص و با تجربه کافی در این زمینه مورد نظر است چون هدف سازمان انرژی اتمی ایران بهره‌برداری کامل از نیروگاهها توسط افراد ایرانی است و تکنولوژی اتمی در ایران تازگی دارد، در قراردادهای منعقده با مقاطعه‌کاران تربیت و کارآموزی افراد مورد نیاز پیش‌بینی شده است. مقاطعه‌کاران موظف هستند که افراد مورد نیاز برای بهره‌برداری از نیروگاهها را طبق استانداردهای قابل قبول آموزش داده و تا هنگام آغاز کار نیروگاهها آماده نمایند

برای نیروگاه اتمی شماره ۱ بوشهر تا کنون ۷۰ تن مهندس ٥٥ تن تکنیسین برای کارآموزی به آلمان اعزام شده‌اند و بقیه تکنیسینهای مورد نیاز به زودی به آلمان فرستاده خواهند شد برای تربیت کادر بهره‌برداری نیروگاه اتمی شماره ۲ بوشهر نیز دوره کارآموزی از اوائل سال ۲۵۳٦ آغاز خواهد شد

علاوه‌بر کارآموزی افراد برای بهره‌برداری از نیروگاههای اتمی، دوره‌های کوتاه مدت کارآموزی نیز برای کادر فنی مدیریت نیروگاههای اتمی در نظر گرفته شده است. در نتیجه در سال گذشته ۱۰ تن به کشورهای آلمان، امریکا و فیلیپین اعزام شدند تا در دوره‌های کوتاه مدت که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترتیب داده شده بود، شرکت جویند.

۳- تربیت نیروی انسانی برای کار در مرکز تکنولوژی هسته‌یی اصفهان

بمنظور تامین نیروی انسانی کاردان برای اجرای

سازمان در رشته‌های مورد نیاز با همکاری مرکز تحقیقاتی و علمی کشورهای مختلف صورت می‌گیرد

درحال حاضر یک قرارداد با همکاری مرکز تحقیقات هسته‌ای اتریش امضاء شده است که به موجب آن افراد اعزامی از سوی سازمان می‌توانند در رشته‌های فیزیک، الکترونیک، رشته‌های مختلف مهندسی هسته‌ای، فیزیک بهداشت، رادیوشیمی، حفاظت محیط، بیولوژی‌وغیره کارآموزی نمایند. تاکنون دو نفر باین مرکز اعزام شده‌اند و ترتیب اعزام ١٦ تن دیگر بزودی داده خواهد شد

آموزشهای تخصصی:

۱- آموزشگاه تربیت کادر فنی نیروگاههای اتمی

با توجه به برنامه دراز مدت ایجاد نیروگاههای اتمی ایران پیش‌بینی میشود که تا سال ۲۵٥۳ سازمان باید در حدود ۱۰۰۰۰ نفر کادر فنی برای بهره‌برداری از نیروگاهها تربیت کند از این‌رو بمنظور تامین کادر فنی لازم در سال گذشته قدمهای اساسی در جهت ایجاد آموزشگاه تربیت کارگران و تکنیسین لازم برای بهره‌برداری از نیروگاههای اتمی ایران است.

دوره آموزش و کارآموزی کارگران حدود ٥ سال پیش‌بینی شده است که در شروع کار با توجه به محدودیت‌های سازمان، ۲ سال کارآموزی در ایران و بقیه مدت در خارج از ایران خواهد بود. در طرح دراز مدت آموزشگاه پیش‌بینی شده است که تمام دوره کارآموزی کارگران و تکنیسین‌ها در ایران انجام شود.

۲- کارگاه محاسبات راکتور

هدف از ایجاد این کارگاه، آموزش علمی زیربنائی و اجرای برنامه کارآموزی عملی درزمینه انجام محاسبات مربوط به نیروگاههای اتمی است.

بدین منظور برنامه‌ای تهیه شده که در طی آن تعدادی کارآموز با درجات لیسانس فیزیک در مدت ٥ ماه، دروس نظری و علمی مهندسی هسته‌ای را تا حدی که برای انجام کار محاسبات راکتور لازم باشد، فراگیرند. پس از تهیه برنامه درسی و کارآموزی علمی، تعداد ده تن لیسانسیه فیزیک برای این منظور انتخاب شدند و این دوره کار خود را از اول اردیبهشت ماه ۲٥۳٥ در مرکز تحقیقات هسته‌ای آغاز نمود.

۳- دوره تربیت تکنیسین آزمایشگاه

دومین دوره تربیت تکنیسین آزمایشگاهی با شرکت ۳۰ شرکت‌کننده در اول مهر ماه سال ۲٥۳٤ در مرکز تحقیقات هسته‌ای آغاز و تا اواخر آذرماه همان سال ادامه داشت.

شرکت‌کنندگان در این دوره، که از میان دانش‌آموختگان دبیرستانها انتخاب شده بودند، همراه با فراگیری اصول مقدماتی علوم و فنون اتمی، در آزمایشگاه‌های مرکز تحقیقات هسته‌ای کارآموزی نمودند. کلیه تکنیسین‌هائی که بدین ترتیب تربیت شده‌اند در سازمان انرژی اتمی ایران مشغول بکار هستند.

٤- دوره مقدماتی برنامه‌نویسی کامپیوتر

احتیاج روزافزون به افرادی که با برنامه‌ریزی کامپیوتر آشنائی داشته باشند، سبب شد که دوره‌ای به منظور آموزش اصول برنامه‌ریزی کامپیوتر ایجاد شود. این دوره که در تاریخ ٦ بهمن ۲٥۳٤ در مرکز تحقیقات هسته‌ای و با شرکت ۲۰ تن دیپلمه ریاضی آغاز شد، در اول اردیبهشت ماه ۲٥۳٥ پایان پذیرفت. این گروه، هم اکنون در قسمتهای مختلف مرکز تحقیقات هسته‌ای بکار مشغول می‌باشد.

درواقع این گزارش بسیار فشرده و کوتاه بود از سازمانی که یکشبه ره صدساله پیموده است.

نوشتهٔ: موریس مسگه

ترجمه: مهدی نراقی

گلپر

صد گیاه شفابخش

ساقه‌های گلپر را تکه‌تکه کنید و در آفتاب خشک کنید. بعد از چندی خواهید دید که قطره‌هائی از آن بیرون میاید و می‌بندد و شکرك میشود.

من وقتی بچه بودم به کوههای اطراف شهرمان میرفتم و ساقه‌های گلپر را می‌چیدم و تکه‌تکه میکردم و در آفتاب خشك میکردم. شکرکی که از آن بدست میاید، یکی از شیرینیهای لذیذ برای من بود که با لذت تمام آنرا میخوردم.

گلپر عموی بزرگ هویج است و آنقدر بلند میشود که باندازه قد یك آدم میرسد و دارای ساقه‌های خط‌دار و تو خالی و پوشیده از کرك است و دارای برگهای بزرگی است که در ایران آنرا ترشی میاندازند.

گلهای گلپر ریز و خوشه‌ای است که بعد تبدیل به تخم میشود.

گلپر از گیاهان شفابخش داروئی است که بیشتر در کنار رودخانه‌ها و یا زمین‌هائی که برای تقویت بحال خود گذاشته و در آن کشت نکرده‌اند، میروید.

گلپر از بهارتا پائیز سرسبز است و تخم گلپر مورد علاقه بسیاری از پرندگان کوچك است.

بوته گلپر بر حسب مناطقی که در ان میروید، دو ساله و یا دائمی است و در بعضی از دهات فرانسه نامهائی مثل شاخهٔ خرسك، شاخ خرس، گیاه شیطان، پنجهٔ گرگ، پنجهٔ خرس، شاخ بز بآن داده‌اند.

نام لاتینی آن هراکلئوم است که از جهت عظمت جثه و خواص فراوان تقویت کنندهٔ آن، به هرکول، پهلوان افسانه‌ای یونان منتسب شده است.

من باید اعتراف کنم که ملل اسلاو نژاد و همچنین سوئدیها و نروژیها بهتر از من که گیاه شناسم گلپر را میشناسند و بخواص داروئی آن آگاهی دارند.

مردم این کشورها با برگ گلپر بورش که نوعی آش ترش و مقوی است، درست میکنند.

همچنین از ساقه‌های نرم گلپر یك شیرینی لذیذ و خوشمزده تهیه میکنند. سوئدیها عقیده دارند که در ریشه گلپر موادی مقوی وجود دارد که بیماریهای هیستری و فراموشی را درمان میکند.

روسها از گلپر داروئی میسازند که مخصوص معالجه اختلالات دستگاه هاضمه است و **هضم تنبل انواع اسهال عادی واسهالهای خونی** را درمان میکند و همچنین در دفع کرکهای روده داروی قاطع و مؤثری است.

بدلائل زیادی که دارم من اصرار دارم که شما گلپر را کاملاً بشناسید و از خواص مفید و شفابخش آن بهره‌گیری کنید.

برگ و ریشه گلپر را اگر خرد و له کنید، برای معالجه و درمان انواع دمل، زخمها و نیش زدگی حشرات مؤثر و مفید است.

من از پدرم آموخته‌ام گلپر که در شهر ما بآن پنجه خرس میگویند، داروی مقوی و مؤثری در تقویت قوای جنسی است و مردان ناتوان و زنان سرد را معالجه میکند و تندرستی جنسی را حفاظت مینماید و معمولاً بیماریهای جنسی از بیماریهای جسمی و روحی بوجود میاید که گلپر در نگاهداری سلامت جسم و روح اثر فراوان دارد.

گلپر را چه وقت باید بچینید؟

بهتر است برگهای گلپر را در تابستان بچینید و آن وقتی است که رشد آن بحد کمال رسیده است و هنوز مورد هجوم حشرات قرار نگرفته است.

در آوردن ریشه‌های گلپر اوقات مختلفی دارد که من ترجیح میدهم در پائیز این کار انجام گیرد، زیرا در اینوقت ریشه گلپر دارای تمام مواد لازم مقوی است.

نسخه‌های گلپر

جوشانده گلپر:

برای درمان اختلالات هاضمه یك مشت ریشه گلپر را که بتازگی از زمین در آورده‌اید و خوب شسته‌اید، ریزریز کنید و در یك لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی آتش بگذارید تا بجوش آید و پنج دقیقه بجوشد و بعد ظرف را از روی آتش بردارید و ده دقیقه بگذارید دم بکشد و هر روز دو تا چهار فنجان از آنرا بنوشید.

ضماد گلپر: ضماد گلپر برای معالجه انواع دمل و زخمهای جلدی مفید است و باید چند برگ و قسمتی از ریشه گلپر را خوب بکوبید و ضماد کنید و روی دمل و یا زخم بگذارید و هر ده دقیقه آنرا عوض و تجدید کنید.

حمام دست و پا: برای درمان سردی مزاج و ناتوانی جنسی دو مشت برگهای تازه و ریشه گلپر را که تکه‌تکه کرده‌اید در یك لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی آتش بگذارید تا بجوش آید و پنج دقیقه بجوشد. بعد آنرا از روی آتش بردارید و بگذارید ده دقیقه دم بکشد و بعد دست و پاهای خود را در آن شستشو و مالش دهید و هر روز دو بار و هر بار ده دقیقه دست و پاهای خود را در آن استحمام دهید.

شیرهٔ گلپر: برگهای تازه گلپر را بکوبید و با پارچه نازك صافی شیره آنرا بگیرید دستگاههای برقی جدیدی ساخته‌اند که هر دو کار را در آن واحد انجام میدهد.

شیره گلپر داروی تقویت قوای جنسی است که برای مردان ناتوان و زنان سردمزاج مفید است و هر روز باید یك قاشق قهوه‌خوری از آنرا بخورند.

گلپر در ایران: گلپر تقریباً در تمام ایران میروید. در تهران در اطراف رودخانه شهرستانك و کوههای البرز و توچال فراوان است. در کوههای بختیاری و نیز دیگر نقاط ایران از شمال و جنوب و شرق و غرب نیز میروید. در ایران بیشتر از تخم و برگ ان استفاده میکنند و بندرت ممکن است در دهات و آبادیهای دور دست از ریشه آن بعنوان داروی گیاهی استفاده کنند.

نوشته نسترن فرنژاد

کار نشد نداره

ساعت هشت صبح بود. از خرید بر میگشتم که محسن‌خان را دیدم. چهره‌اش به زردی برگهای نی شده بود. لبهای سیاه، چشمهای پف کرده. موهای ژولیده‌اش سخت مرا به فکر فرو برد. از خودم سئوال کردم «با دوباره به اعتیاد برگشته است؟» دلم میخواست جوابی که بخودم میدهم «نه» باشد، ولی چطور میتوانستم قیافه ظاهری او را ببینم و این «نه» را از ته دل بگویم؟

محسن‌خان و همسرش عاطفه را از سالهای پیش می‌شناختم. تقریباً از هفت هشت سال پیش، سالهای اول زندگیشان همسایه ما بودند. ولی بعد که کار محسن‌خان روبراه شد، خانه‌ای در دو کوچه آنطرف‌تر از کوچه ما خریدند و رفتند. عاطفه خانم زن بسیار مهربانی بود، و محسن آقا هم با شوهرم دوستی و صمیمیتی پیدا کرده بود و این بود که نتوانستیم معاشرت خود را قطع کنیم. تقریباً یکشب در میان یکدیگر را میدیدیم و گهگاه صبح‌ها من و عاطفه خانم وقتی از خرید و پخت‌وپز فارغ میشدیم، خودمان را بهم میرساندیم و از هردری حرف میزدیم. عاطفه خانم از زندگیش کاملاً راضی بود. شوهری مهربان داشت، وضع مالی خوبی پیدا کرده بودند و خلاصه از اسباب خوشبختی چیزی کم نداشتند. وقتی امیر علی بدنیا آمد، که دیگر سراز پا نمی‌شناختند میهمانی مفصلی دادند و خلاصه تولد آن پسر مو سیاه چشم سبز را جشن گرفتند.

کار محسن‌خان روزبروز بهتر میشد، ولی بطور محسوسی عاطفه روزبروز لاغرتر میشد. خیلی نگرانش بودم، چند بار خواستم به دکتر ببرمش، ولی مقاومت میکرد و میگفت اعصابم خراب است، چیزیم نیست، من که حقیقتاً سردر نمی‌آوردم، آخر چرا باید یکباره زندگی خوب‌وخوش این زن‌وشوهر به تلخ کامی میانجامد؟!... عاطفه خانم زن خودخور و توداری بود. اصلاً با کسی صمیمی نمیشد. حتی میتوانم قسم بخورم با اینکه مرا مثل جانش دوست داشت باز هم همه اسرار زندگیش را بمن نمی‌گفت. من هم حرفی نداشتم. ذاتاً زن فضولی نبودم ونیستم و هر کسی را آزاد میگذارم تا اگر دلش خواست خودش حرفی بزند. چند وقتی بود که محسن‌خان را ندیده بودم. راستش، شوهرم هم او را ندیده بود. چند بار از او پرسیدم که چرا بدیدن محسن‌خان نمیرود، جواب شنیده بودم که «والله من چندین بار رفتم. لابد دلش نمی‌خواد معاشرت کنه. اگر اینطور باشه، من چرا خودم را کوچك کنم.» عاطفه خانم هم دیگر آن صمیمیت سابق را نداشت و طوری شد که من هم به حرف شوهرم اعتقاد پیدا کردم و کم‌کم رابطه صمیمانه ما قطع شد. در ابتدا برایم خیلی ناگوار بود. آخر عاطفه و محسن آقا واقعاً زن‌وشوهر خوبی بودند و انصافاً دوستان خوبی نیز به شمار می‌آمدند، ولی بعد غرق در گرفتاری‌های خودم شدم و فقط دورادور از احوالشان با خبر میشدم و متاسفانه خبرها، خبرهای ناگواری بودند. اما روزی که شنیدم محسن‌خان به تریاك معتاد شده، دلم فروریخت.

همان روز دیگر سرازپا نشناختم و حتی بدون توجه به اینکه بچه‌ها برای ناهار بمنزل می‌آیند، همه کارهای خانه را رها کردم و بطرف خانه عاطفه خانم دویدم. عاطفه خانم توی آشپزخانه بود. بقدری لاغر و رنگ پریده شده بود، که من یقین کردم خبر باید راست باشد.

بغلش کردم و گفتم: «عاطفه جان، ببخش منو که فضولی میکنم، ولی واقعاً دست خودم نیست. چی شده که تو به این حال‌وروز افتادی؟»

اشکهایش را با گوشه دستش پاك کرد و گفت: «دست به دلم نذار. دیگه واسم هیچی نمونده، باورکن به مرگ خودم راضیم، کاش همون دو تا اطاق روداشتم و اینقده بدبخت بودم، محسن....»

و در این جا هق‌هق گریه‌اش اوج گرفت دستش را گرفتم و با هم آمدیم توی اتاق، عجیب بود که گریه‌اش پایان نمیگرفت. دلش خیلی پر بود. کمی که آرام گرفت، با صدائی که حکایت از شبها و روزهای ناراحتی داشت، گفت:

«بله، وضع محسن خوب شد. ما تونستیم واسه خودمون خونه بخریم، اسباب ووسایل زندگی تهیه کنیم. محسن طفلکی خودش هم گناهی نداشت، رفقای ناباب دوره‌اش کردن. شبها دیر بخانه میومد و من فکر میکردم پای زن دیگه‌یی در کاره، ولی ای کاش پای زن تو کار بود. باور کن اینو از صمیم قلب میگم. اونوقت دیگه جون نازنینشو اینطوری حروم نمیکرد. یادته اون روزها خیلی گرفته بودم؟.. یادته انقده تو دوستی بی‌اعتنا شده بودم؟ چند دفعه گفتم قصه روبهت بگم، ولی روم نشد. خدا این چیزها واسه من خیلی زشت بود. هنوز هم زشته. راستش روم نشد. خودتم طفلکی خجالت میکشید. واقعاً روش نشد و چشمهای من ... که منکر شده بود. بعد که گریه‌های مو ... دوست مقاومت که خودش صرف کرد که بزرگی شده. خلاصه موبوی قصه ... آوردم. اسمعیل‌خو که ... خودش عمه ... شوهر مردم و نمیداره، خوب، میبونی که مفت خورده ... بود محسن دستش و جنس مرده، پس خودش خیال کرده چه کسی ... خلاصه محسن‌های فراوون پای شوهر نازنین منو بخوبه‌شو واکرده بود و تا طفلکی محسن بخودش اومده بود، که کار از کار گذشته بود. چه دردسرت بدم نداشتم هیچکدوم از فامیلها رو خبر بیارن. خودم یه دکتر واسش پیدا کردم. رفت و مریانی معالجه کرد. خودشم استقامت کرد و خلاصه بعد از دو هفته سالم‌سالم شده بود. پشت دستش رو آتیش سیگار سوزوند که دیگه دنبال این جور کثافت کاریها نره.

واقعاً هم تا یکی دوماه خیلی خوب بود. شبها زود میومد خونه و با امیرعلی مشغول بازی کردن میشد. خلاصه بازهم زندگی به روی ما لبخند زد و ماشدیم همون زن‌و شوهر خوبی که می‌شناختی. تااینکه شریکش از اصفهان نامه‌ای نوشت و محسن رو خواست. محسن رفت و خواهر چشمت روز بد نبینه، اولش یك هفته‌ای رفته بود، سه هفته گذشت ازش خبری نشد. دیگه دلم مثل سیرو سرکه میجوشید. خواستم بلندشم برم اصفهان، فکر میکردم نکنه بلائی سر شوهرم اومده باشه. درهمین حال و هوا بودم که محسن آمد. محسن نگو، چه محسنی. به اندازه ده کیلو لاغر شده بود و تاچشمش توچشم من افتاد و سرشو پائین انداخت، دلم فرو ریخت. فهمیدم که بازم کار دست خودش داده. چند روزی مقر نمیومد و بالاخره تا دید تصمیم دارم قرآن بیارم و قسمش بدم، گریه‌اش گرفت. نتونست مقاومت کنه. من ساده فکر میکردم بازم مسئله تریاکه، دلداریش دادم، بهش قوت قلب دادم که بازم می‌برمش پیش اون دکتر، ولی خواهر بلا خیلی عظیم‌تر از اینها بود. باور کن وقتی که گریه‌کنان گفت هروئین میکشه، واسه یه‌لحظه قلبم وایساد. واقعاً تاچند روز مثل دیوونه‌ها شده بودم. عقلم به جائی نمیرسید، تااینکه جوادآقا رفیقش اومد و قضیه را فهمید. بله... چند روز رفت بیمارستان و من بخت‌برگشته یه پام تو بیمارستان بود، یك پام توخونه. بازم نذاشتم پدر و مادرش باخبر بشن بخداوندی خدا، اگه میفهمیدن، جابجا سکته میکردن. امان از اون دوره نقاهتش که مثل بچه‌ها بهونه میگرفت. دیگه انگار نه انگار که پدر این امیرعلی زبون نفهمه. اگه دیوار به اون بچه محل میذاشت، محسن هم میذاشت. چند وقت سرکار نرفت، معلوم نشد که چه‌جور حساب‌سازی کردن که بعد از چند ماه یه چیزی هم به شریکش

بقیه درصفحه ۸۹

این کارخانه بزرگ محصول تلاش شرافتمدانه و

عظیم‌ترین جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

دکتر منوچهر ازمون وزیر کار و امور اجتماعی:

● نظمی که بر محیط کار ما حاکم است بر تولید ما نیز حاکم است و بدیهی است که چنین نظمی، نظم سازنده‌ای است و جامعه انقلابی و صنعتی امروز ما هر چه بیشتر و هر چه عمیق‌تر و هر چه همه جانبه‌تر به آن احتیاج دارد.

● من پیشنهاد میکنم که در تمام واحدهای تولیدی کمیته‌ای بنام و عنوان (کمیته اجرای فرمان شاهنشاه اریامهر) تشکیل شود، این کمیته تلاش خواهد کرد که از تمام امکانات موجود در محیط کار برای اجرای فرامین رهبر انقلاب ایران بدرستی بهره‌برداری کند.

● یک ملت مستعد و مؤمن که میداند چه میخواهد و چرا برای بدست اوردن شرایط بهتر مادی و معنوی مبارزه میکند، ملتی مترقی شناخته میشود.

حزب رستاخیز ملت ایران در شرایطی متولد شد که انقلاب ما طلب میکرد. در شرایطی که به پیوستگی و هم بستگی ملی در شکل ایجاد یک فکر، یک فلسفه واحد و یک ایدئولوژی مشخص توجه خاص بشود.

هر کارگر ایرانی باید دقیقاً با فلسفه سیاسی جامعه‌اش اشنا باشد و همه توانائی خویش را در اختیار سربلندی ملت و میهن بزرگ خود قرار دهد.

ما نباید غافل بمانیم که در کنار رابطه صنعتی در جوار این نظم صنعتی، ضرورتاً باید به نظم انسانی و رابطه انسانی نیز توجه شود.

انقلاب ایران بر دو نکته دقیقاً تاکید دارد: توزیع عادلانه درامد و اجرای سیاست اقتصاد دمکراتیک، بدین معنی که ثروت ملت فقط برای تامین سعادت ملی بکار میرود.

من به آقای «آلفرد ایسه» که بحق یک زحمتکش این مملکت است وخدماتش در اختیار جامعه کارگری ایران وجامعه صنعتی ایران است، تبریک میگویم.

در یک گردهمائی عظیم و با شکوه مدیران، کارکنان و کارگران شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل «سایپا» پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار خاندان جلیل پهلوی را جشن گرفتند.

این مراسم بزرگ و شکوهمند که در ان بیش از دوهزار تن شرکت داشتند، بعد از ظهر سه‌شنبه شانزدهم اذرماه در محل کارخانه واقع در کیلومتر ۳۲ جاده مخصوص کرج بر پا شد.

در این مراسم دکتر منوچهر ازمون وزیر کار و امور اجتماعی، معاونان این وزارتخانه، چند تن از نمایندگان مجلس شورایملی، نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس و اعضای هیئت مدیره سازمان کارگران ایران، صاحبان صنایع بازرگانان و گروهی دیگر از شخصیتهای اقتصادی و مقامات مملکتی حضور داشتند.

سراسر کارخانه سیتروئن بهمین مناسبت از چند روز قبل بطرز چشمگیر و زیبائی با چراغهای الوان، پرچمها و شعارهای ملی و میهنی اذین بندی شده بود.

برنامه جشن ساعت چهار بعدازظهر درمیان ابراز احساسات شدید کارگران و شرکت کنندگان نسبت به خاندان جلیل پهلوی آغاز شد. پس از نواختن سرود شاهنشاهی، آقای آلفرد ایسه مدیر عامل شرکت

اتومبیل‌سازی «سایپا» پشت میکروفون قرار گرفت و به مدعوین و شرکت‌کنندگان در این جشن خیرمقدم گفت، وی از وزیر کار و امور اجتماعی و همراهان ایشان نیز بخاطر حضور در جشن این کارخانه تشکر کرد.

انگاه آقای ایرج بهادری مدیر امور اداری شرکت «سایپا» بنمایندگی از جانب مدیر عامل شرکت، مطالبی بدین شرح اظهار داشت:

جناب آقای دکتر منوچهر آزمون وزیر محبوب و عالیقدر کار و امور اجتماعی مدعوین محترم، خانمها، اقایان، همکاران عزیز عصر اریامهر، عصر سعادت و رفاه اجتماعی، عصر سازندگی و اموزش، عصر رستاخیز ملی، عصر تساوی حقوق، عصر تفاهم و تعالی است مظهر واقعی و حقیقی ان، اجتماع و گردهم ائی امروز دراین واحد صنعتی است، صنعتی که محصول انقلاب مقدس شاه و ملت است و تاسیس ان خوشبختانه در زمان رهبری عالیقدر، خردمندی توانا و هوشمندی دانا یعنی شاهنشاه آریامهر صورت گرفته که این خود از افتخارات مؤسسین این واحد صنعتی است.

جناب آقای دکتر منوچهر ازمون وزیر عصر انقلاب و خدمتگزار راستین شاهنشاه اریامهر، شما با قدوم خود و همراهان خویش این محفل و اجتماع مارا مزین نمودید، زبان من قاصر از تشکر و سپاسگزاری است.

دراین لحظهٔ پرشکوه گردهم آمده‌ایم تا ائین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را ارج نهیم و سپاس خویش را به خاکپای مقدس رهبری دانا و توانا تقدیم داریم که در سایه رای و تدبیر عالمانه‌اش نه تنها به گذرگاه تمدن بزرگ ره سپرده‌ایم، بلکه در ارزوی حضور به جمع قدرتمندان جهان امروز تلاشی پرثمر را اغاز کرده‌ایم.

اعتبار و عظمتی که امروز نصیب جامعه‌ما، نصیب تاریخ ما و نصیب ملتما شده است نه چندان سخت ولی به اسانی بدست نیامد.

پنجاه سال پیش ضعف حکومت مرکزی و فساد و بیگانه پرستی معدودی بیوطن، کشور کهن‌ما را تا به استانه سقوط حتمی پیش راند.

استعمار پنجه سلطه‌جوئی خویش را در شمال و جنوب کشور افکنده بود.

جهل و ویرانی فقر و مرض همراه با نا امنی و اشوب، زمان را برای اعمال هرگونه ظلم و بی‌عدالتی اماده ساخت و کم مانده بود که صفحات ۲۵۰۰ سال تاریخ شاهنشاهی ایران، تاریخی که کورش کبیر اولین صفحه زرین آنرا گشود، بسته شود. اما در چنین لحظه‌ای حساس و پرخطر ملت ایران که اضمحلال سیاسی و امنیت اجتماعی و حاکمیت ملی خویش را پیش روی میدید از طریق مجلس مؤسسان و قانون اساسی، انقراض حکومت وقت و تفویض انرا به سردار بزرگ ملی اعلیحضرت رضاشاه کبیر درخواست نمود، و دیدیم که اراده ملت برظلم و بیدادگری و بی‌لیاقتی فائق امد و اعلیحضرت رضاشاه کبیر بعنوان اولین پادشاه از سلسله جلیل پهلوی به شاهنشاهی رسیدند.

سردار بزرگ ایران مصمم و پر تحرک با دلی لبریز از عشق خدمت بوطن و ملت، سکان کشتی سرگردان ایران را بدست گرفت، از مشکلات و موانع موجود که برای نسل حاضر تجسمش هم مقدور نیست نهراسید و با نبوغ و کفایت خود شالوده ایرانی بزرگ را پی‌ریزی نمود.

رضاشاه کبیر قبل از هرکار نظم و امنیت را در سراسر کشور مستقر ساخت و شیرازه نظام کهنه و پوسیده هرج و مرج طلبی و نا امنی را یکباره برانداخت، بازسازی سازمانهای دولتی و ملی، ایجاد استقلال نظامی، سیاسی، اقتصادی و قضائی، ایجاد تاسیسات بنیانی از قبیل راهها و خطوط ارتباطی، کارخانجات، دانشگاه تهران، بانک ملی، دبیرستانها و مدارس و هزاران اقدام دیگر شمه‌ایست از خدمات اعلیحضرت رضاشاه کبیر که نه فقط در تمام دقایق عمر خویش از تلاش و سازندگی باز نایستاد بلکه با تحویل فرزند برومند خود به این سرزمین بزرگترین خدمت ممکنه را به مرز و بوم خود انجام داد.

اهداف ملی و سازندگی متوقف نشد بلکه با تحرک و گسترش هرچه بیشتر بدست توانای فرزند شجاع و مدبر رضاشاه کبیر، شاهنشاه آریامهر ادامه یافت.

هیچ ایرانی وطن پرستی نمیتواند از یاد ببرد که نفت ما، شیلاتما، گمرک و پستما، حتی استقلال‌ما، سالها در تیول سودجویان بیگانه بوده است.

هیچ ایرانی وطن‌پرستی نمی‌تواند از یاد ببرد که واقعه شوم شهریور سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی چگونه در مقام اعتماد بدوستان بظاهر متفق، اسیر چه اتشی خانمان سوز شدیم و سرانجام هیچ ایرانی وطن‌پرستی نمیتواند از یاد ببرد که تفضل الهی چگونه به شاهنشاه عزیز توان و قدرت بخشید که در اغاز بیست‌ویکمین سال شاهنشاهی بتواند با صدور فرمان انقلاب شاه و ملت چهره این مملکت را در جهت مجد و عظمتی برتر از زمانهای تاریخ شاهنشاهی ایران دگرگون سازد.

شکستن سدهای باز دارنده ترقی و پیشرفت از راه الغای رژیم ارباب و رعیتی راه را برای انجام هرگونه برنامه عمرانی هموار ساخت تا بدانجا که امروز ملتی پرتلاش با دستیابی به سرمایه‌های غنی، منابع طبیعی و صنایع بزرگ و پیشرفته در پناه سیاست مستقل ملی و رشد و توسعه چشمگیر اقتصادی راه خویش را بسوی عظمت می‌گشاید.

در جهانی که بسیاری از مردم آن ارزوی حصول به قسمتی از رهاوردهای انقلاب شاه و ملت را دارند، در جهانی که موج بدبختی و بیسوادی و جنگ و خونریزی میلیونها انسان را در وحشت فقر و نابسامانی فرو برده است، ایران امروز در سایه رهبری قاطع شاهنشاه خویش و با اتکاء به میراثهای غنی فرهنگی و دستیابی به اخرین پدیده‌های تکنولوژی میرود تا در موضع یک ملت قدرتمند به نیاز انسانهای دیگر پاسخ دهد.

تحولات مملکت و دگرگونیهای جامعه ایران و پیشرفتهای دوران انقلاب سفید شاه‌و ملت بر هیچیک از ما پوشیده نیست، این همه مواهب که به طبقات و قشرهای مختلف ایران اعطاء گردیده، نتیجه خردمندی و واقع‌بینی و دوراندیشی شاهنشاه آریامهر و سیاست مدبرانه معظم‌له است.

جناب آقای وزیر کار و امور اجتماعی

ذکر این نکته ضروری است که مدیران و صاحبان سهام این واحد صنعتی مخصوصاً خانواده‌ایسه که به شاهدوستی و وطنخواهی مشهورند همراه با کارگران پرتلاش و دلسوز برای به ثمر رساندن اهداف عالی انقلاب شاه و ملت انی از وظیفه خطیری که بعهده خواهند داشت غافل نخواهند ماند.

خوشبختانه صدور فرمان اخیر شاهنشاه آریامهر بعنوان رهنمود و ره‌گشائی تازه، الهام‌بخش تلاش چشمگیرتر آینده ما است.

همکاران من همه بر این عقیده‌اند که باید با کار و تلاش بیشتر لحظه‌ها را هرچند کوتاه نباید از دست داد. البهایه اینکه با فکر تولید بیشتر با مرغوبیت مطلوب به اهمیت امر ضایعات کمتر نیز توجه خواهد شد.

در چنین روزی فرخنده که ائین بزرگداشت پنجاهسال شاهنشاهی پهلوی را گرامی میداریم به جنابعالی اطمینان میدهیم ضمن حفظ تفاهم و تعاون موجود در لوای مترقی‌ترین قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی هر لحظه به شتاب و سرعت حرکت خویش در سازندگی ایران بزرگ خواهیم افزود تا سهم خویش را در انجام‌وظایفی که در قبال ملت و مملکت و مهمتر از همه به رهبر عزیزمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه اریامهر داریم با صداقت و امانت افزون سازیم.

«سپاس بیحد، شاهنشاه اریامهر را که سلطنتش ایه کرامت است و انقلاب سفیدش نشانه عزت»

آفتاب نیکبختی

سپس دبیر سندیکای کارگران کارخانجات سیتروئن ایران، سخنانی ایراد کرد و گفت:

بنام خدا و بنام نامی شاهنشاه اریامهر

جشن بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را اغاز میکنیم.

جناب آقای دکتر منوچهر ازمون وزیر محترم کار و امور اجتماعی، نمایندگان محترم مجلس شورای ملی، مدیرکل محترم جناب آقای ظهوری، جناب آقای مدیرعامل، سروران ارجمند، همکاران عزیز:

به نمایندگی از طرف کارگران شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا) حضور شما را در این جشن و شادی خیرمقدم میگوییم، ما گردانندگان این واحد صنعتی امروز به این افتخار نائل میشویم که ائین بزرگداشت پنجاهسال شاهنشاهی پرخیر و برکت دودمان پهلوی را در میان خود برگزار کنیم و با غرور و سرافرازی افتخاراتی را که در این مدت کوتاه به آن دست یافته‌ایم گرامی داریم. گفتارم را با درود فراوان به روان پاک ناجی خردمند و سردار نامدار ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر آغاز میکنم و برای بقای تاج و تخت شاهنشاهی پهلوی با شما دست به دعا برمیداریم همزمان با شما و فرد فرد ملت ایران آرزو میکنم که خدای بزرگ به همه ما آن توفیق را عنایت کند که بتوانیم در پیشبرد نیات بزرگ شاهنشاه عزیز خود سهم بیشتری بدست اوریم و کشور عزیزمان را برای همیشه از دستبرد غارتگران تاریخ برکنار داریم، بیشتر ما دوران بی‌سامانی پریشانی و ناتوانی کشور خود را دیده‌ایم و هنوز هم خاطراتش را بیاد داریم فقر و جهل و دودستگی میرفت که نام کشور ما را از فهرست کشورهای آزاد مستقل بیرون اورده و انرا قطعه‌قطعه کند و بکام اجانب بریزد.

شما همکارانی که اکثراً در کوران حوادث تلخ و تاریک مسائل کار و کارگری گذشته این مملکت قرار نداشته‌اید در وقتی که ایران به منتهای ضعف و ذلت رسیده بود و بعضی ولایات در تصرف قشون خارجی بود،

سازنده شما کارگران است

در کارخانجات تولید اتومبیل «سایپا» برگزار شد

ناگاه آفتاب نیکبختی ایران را طالع گردید.

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در سوم اسفند ماه ۲۴۷۹ شاهنشاهی تهران را متصرف شدند و زمام امور را در کف با کفایت خویش گرفتند چندی وزیر جنگ و مدتی رئیس‌الوزراء بودند و در تاریخ آذر ماه سال ۲٤۸٤ شاهنشاهی به تخت شاهنشاهی جلوس فرمودند.

در زمان آن شهریار اصلاحات اساسی و بنیادی در کلیه شئون اجتماعی و امور اداری رخ داده است که تفصیل آن درخور کتب مبسوطه میباشد و بیان آنچه این پادشاه معظم در احیاء و انتظام لشکر و قهر یاغیان و اصلاح مالیه و عدلیه و ترویج معارف و آبادی بلاد و احداث شوارع و ایجاد راه‌آهن و غیره کرده است در این مختصر نمی‌گنجد، هنوز این کارهای بزرگ مقدماتی است برای نتایجی که در آتیه برحسب استعداد کشور بمنصه ظهور خواهد رسید.

امروز به خود افتخار میکنیم که در دوران شاهنشاهی پادشاهی عدالت گستر زندگی میکنیم که کارگران، دهقانان، زنان و همه ملت ایران از یک آزادی و یک امنیت اجتماعی برخوردار هستند.

کارگر ایرانی که تا قبل از شاهنشاهی دودمان پهلوی جزء ابزار کار بحساب می‌آمد امروز دارای آنچنان حیثیتی است که هم در سود سرمایه و هم در سود کارخانه شریک است و در محیطی که کار میکند خود صاحب آن است.

باش تا صبح دولتش بدمد
کاین هنوز از نتایج سحر است
زنده و جاویدباد شاهنشاه آریامهر
شاهنشاه عزیز ملت ایران

سخنان آقای وزیر کار و امور اجتماعی

در این هنگام آقای دکتر آزمون وزیر کار و امور اجتماعی در میان کف‌زدنهای ممتد چندین هزار نفر کارگران کارخانجات شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا) و ابراز احساسات ملی و میهنی حاضران و شرکت‌کنندگان در جشن پشت میکروفون قرار گرفت و اظهار داشت:

از اینکه از طرف کارگران عزیز و مدیریت شرکت اتومبیل سازی سیتروئن این فرصت داده شد که در جمع شما برادران گرامی بمناسبت بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پر افتخار دودمان پهلوی شرکت کنم بسیار خوشحالم. معمولاً اجتماعات کارگری از یک شور و هیجان خاصی برخوردار است و علت آنهم این است که اصولاً کارگر دارای یک روحیه قوی و ویژگیهای خاصی در زمینه میهن پرستی و عشق به وطن و خداپرستی و شاهدوستی است بدیهی است شرکت در اجتماعات کارگری بمناسبت این خصوصیاتی که عرض کردم، انسان را دچار یکنوع هیجان میکند که این یک هیجان اصیل است. چون در اجتماعات کارگری است که انسان فرصت پیدا میکند که با روحیه سازنده ملی از نزدیک آشنا بشود.

وزیر کار و امور اجتماعی سپس افزود:

من به آقای «آلفرد اپسه» که بحق یک زحمتکش این مملکت هستند و خدماتشان در اختیار جامعه کارگری ایران و جامعه صنعتی ایران است تبریک می‌گویم. باینجهت که بمحض ورود باین محوطه، ضمن احساس آن غرور ملی و کارگری احساس یک نظم شایسته‌ای کردم که بر این محیط حاکم است.

نظمی که جامعه انقلابی و صنعتی امروز ما هر چه بیشتر و هر چه عمیق‌تر و هر چه همه جانبه‌تر به آن احتیاج دارد. نظمی که بر محیط کار ما حاکم است بر تولید ما نیز حاکم است و بدیهی است که چنین نظمی، نظم سازنده‌ای است.

هر کارگر بعلت خصوصیتی که دارد دقیقاً این نظم را می‌شناسد و به آن دل بسته است.

از همه مهمتر حافظ این نظم صنعتی است.

این سخنی است دقیقاً بجا. اگر گفته میشود که نظم یک جامعه ارتباط با نظمی دارد که بر سازمان تولید آن جامعه حاکم است. شما هم بخوبی آگاهید و میدانید که بین تولید در یک جامعه و بقای آن جامعه ارتباط مستقیم وجود دارد.

آقای دکتر آزمون سپس اظهار داشت:

دوستان عزیز من که بعنوان نماینده مدیریت کارخانه و بعنوان نماینده کارگران عزیز در اینجا سخن گفتند مسائل را بدرستی و بنحو مطلوب و بشیوه انقلابی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و من بیشتر از آنچه آنان گفتند چیزی ندارم که به آن اضافه کنم. جز اینکه آنچه گفتند، بحقیقت و صادقانه و صمیمانه سخنی بود از سوی همه‌ی ما...

کمیته اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر

در اینجا گفته شد که کارگران ایران با دقت و عمق و مطالعه و با درک کافی نسبت به فرمان شاهنشاه آریامهر رهبر بزرگ و عالیقدر مملکت مؤمن هستند و نه فقط آگاهی کامل دارند بلکه تلاششان این است که رهنمودهای اندیشمندانه رهبر خردمند ایران را جزء به جزء در جریان کار و زندگی خودشان مورد عمل قرار دهند.

این سخنی است بسیار شایسته و بجا. و بر همین اساس من پیشنهاد میکنم که در تمام واحدهای تولیدی کمیته‌ای بنام و عنوان (کمیته اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر) تشکیل شود این کمیته تلاش خواهد کرد که از تمام امکانات موجود در محیط کار برای اجرای فرامین رهبر انقلاب ایران بدرستی بهره‌برداری نماید.

در فرمان به نکاتی اشاره شده است که مستقیماً با حرکت صنعتی ایران ارتباط دارد. مسئله جلوگیری از ضایعات صنعتی و همچنین

پرداختن به امر کم‌کاری و اینکه محصولات تولیدی ما روزبروز نه فقط از حجم بیشتر برخوردار گردد بلکه کیفیت آن یعنی مرغوبیت آن هم مورد توجه دقیق باشد، سخن آمده است.

دراین فرمان و روح این فرمان دقیقاً به مسئله ضرورت توجه به مدیریت صنعتی و نقشی که مدیریت در اداره امور تولید و کارگاهها و کارخانجات و صنایع میتواند داشته باشد توجه شده است.

همچنین در فرمان شاهانه بتمام مسائلی که بنحوی ارتباط با جامعه ما پیدا میکند اشاره و توجه شده است. براین اساس، تشکیل (کمیته اجرای فرمان شاهنشاه) در کارخانجات و واحدهای تولیدی میتواند بدون تردید گام مؤثری در رفع نارسائیها و برطرف کردن تنگناها برای هرچه سریعتر و بهتر رسیدن به مراحل عالی تکامل باشد که هدف ما است.

وزیر کار و امور اجتماعی سپس اضافه کرد: ملتی را میگویند مترقی که در کنار پیشرفتهای عظیم مادی و صنعتی دارای تفکر و اندیشه و تمدن و فرهنگ غنی هم باشد. آن جامعه و ملت. جامعه‌ای است آگاه، ملتی است هوشمند و هوشیار که با فلسفه اجتماعی خودش آشنا است.

یک ملت مستعد و مؤمن که میداند چه میخواهد و چرا برای بدست آوردن شرایط بهتر مادی و معنوی مبارزه میکند، یک ملتی که با جزئیات حرکت انقلابی خود آشنا است ملتی مترقی شناخته میشود و ملت ایران چنین است

ملت ایران ظرف ١٤ سال اخیر در جریان پیشرفت انقلابی قرار گرفت. انقلاب ایران نجات‌بخش این جامعه و ملت بزرگ انقلابی بود که نه فقط برای یک گروه مشخص و نه در یک سطح معین و یا سطوح ویژه، بلکه برای تمام مردم ایران و در تمام سطوح است. تلاش این بود و هست که سعادت و نیکبختی برای همگی آحاد و افراد این ملت تامین گردد. این انقلاب دقیقاً یک انقلاب ملی بود و برای آنکه چه از نظر رهبری و چه از لحاظ نیروهای محرکه از تمام مشخصات یک انقلاب ملی برخوردار باشد و بهره گیرد، رهبر بزرگ انقلاب ایران فرمودند: انقلاب ما هدفش خلق همه نیکبختی‌ها برای همه افراد این ملت است.

آقای آزمون سپس افزود:

حتی آنها که تصور میکردند پیروزی انقلاب ایران بضرر آنها خواهد بود در مراحل پیشرفت انقلاب متوجه شدند که آنچه انقلاب ایران میگفت و میگوید، مبتنی‌بر خلق عدالت اجتماعی و اقتصادی است. چون در جامعه‌ای که حق و عدالت حاکم نباشد در آن جامعه هیچ اقلیتی مصون از تعرض بی‌عدالتی نخواهد بود.

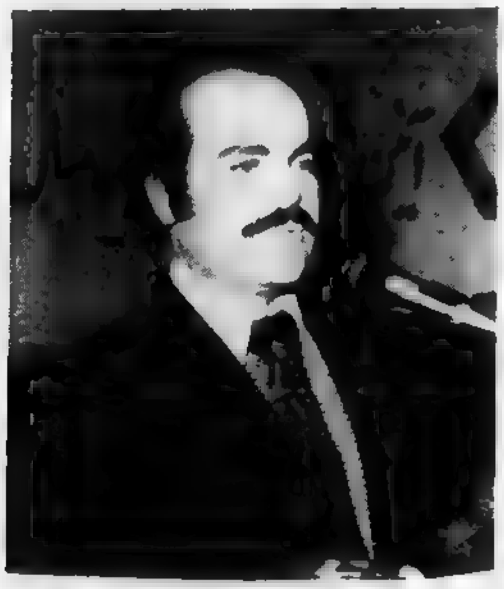

حتی اقلیتی که تصور کند تحت شرایط خاص مادی یا ویژگیهای قشری یا طبقاتی ظاهراً یکنوع حق برتری دارد و بهره میبرد.

ممکن بود در آن شرایط مانند فئودالها و مالکان بزرگ که تصور کنند آنچه انقلاب ایران میگوید این است که حق‌وحقوق آنها را بگیرد، چنین تصوری عیب نداشت ولی آن فئودالیسم اگر بمیل خود و با درک خود قادر نبود شرایط زمان را بسنجد و بفهمد، راهی باقی نبود که انقلاب بزرگ ایران به او بفهماند. راهی جز اینکه حق عمومی، حق زندگی، حق خوب‌زندگی کردن برای توده‌های میلیونی ایران به رسمیت شناخته شود. حق این بود که کارگر و زحمتکش ایرانی از قید استعمار رها شود حق این بود طبقه کارگر و خالق و سازنده ایران مقام و منزلت شایسته خودش را در جریان تکامل اجتماع ایران بدست آورد و انقلاب ایران چنین کرد.

نیمه راه انقلاب ایران است

انقلاب ایران بنام مردم ایران چنین خواست و رهبر ایران، آزاده، متفکر، پژوهنده، دانشمند و فیلسوف

لطفاً ورق بزنید

بزرگ جامعه امروز ما انچنان انقلاب را طراحی و رهبری کردند که امروز پس از ۱۴ سال ملت ایران افتخار میکند به انچه که دارد و محصول رهبری شایسته و پیروزی انقلاب نجاتبخش ایران است...

تا اینجا که هستیم و در اینجا که قرار گرفته‌ایم پایان کار نیست. اینجا که ایستاده‌ایم هنوز نیمراه است و راه درازی در پیش داریم تا به آن هدفهای پرفروغ و جاودانه انقلاب ایران در تمام مراحل دسترس پیدا کنیم. وزیر کار و امور اجتماعی افزود: در این نیمراه بمراتب بیشتر از اغاز کار باید در توانائی ملت ایران تکیه داشته باشیم و بمراتب بیشتر از اغاز کار، به همبستگی و وحدت و یکپارچگی همه‌گیر ملت ایران تکیه کنیم.

حزب‌رستاخیز ملت ایران در شرایطی متولد شد که انقلاب ما طلب میکرد. در شرایطی که بهم‌پیوستگی و بهمبستگی ملی در شکل ایجاد یك فکر، یك فلسفه واحد و یك ایدئولوژی مشخص توجه خاص بشود.

اسانی و رابطه انسانی توجه شود

خوشبختانه در نظم صنعتی ما اقلیت و اکثریت وجود ندارد. بویژه آنکه اصول انقلاب ایران هرگونه فرصت برای ایجاد یکنوع اقلیت مالی یا غیرمالی را غیر ممکن ساخته است. یعنی اقلیتی که احساس بکند چون از ثروت بیشتری بهره میبرد لزوما از حقوق بیشتری در جامعه باید بهره برد

●

انقلاب ایران درباره اقتصاد جامعه ایرانی در عصر انقلاب بر دو نکته دقیقا تاکید دارد و این تاکید است که رهبر بزرگ ما به آن اشاراتی دارند

اول توزیع عادلانه درآمد، مفهوم توزیع عادلانه درآمدها این است که ثروت جامعه ما باید بقسمی اضافه شود که هرکس نسبت به زحمتی که در ایجاد و در خرج ان متحمل میشود بهره برد. مفهومش این است که همه افراد جامعه ما از سطح زندگی شایسته انقلاب

شرکت «سایپا» بمنظور تامین کادر فنی کارخانجات اتومبیل‌سازی «ژیان» و «رنو» یك دانشگاه بنام «دانشگاه کار» تاسیس کرده که فعلاً ۲۰۰ نفر در رشته‌های مختلف آن تحصیل میکنند.

برای تامین مسکن کارگران کارخانجات سازنده اتومبیل‌های «ژیان» و «رنو» مذاکراتی با مسئولان وزارت دارائی صورت گرفته است تا مالیات سود این کارخانجات برای ایجاد خانه جهت کارگران و کارکنان این واحد عظیم صنعتی اختصاص داده شود.

عوامل انسانی تولید بپردازد و ابتکار با جدیت انجام خواهد شد ما بسیار خوشحالیم که مدیریت صنعتی در جامعه ما درست در خطی قرار گرفته و هرچه بیشتر قرار خواهد گرفت که خط حفظ منافع ملت ایران است. و بسیار سربلندیم که جامعه کارگری

از انها ۱۲۰ هزار کیلومتر در جاده‌های مختلف کشور راندیم تا به عیوب و نقائص که احتمال داده میشد پیدا کند آگاه شویم پس از طی این مسافت مشاهده شد که دو دستگاه اتومبیل «رنو» مذکور از لحاظ کمك فنرها تا اندازه‌ای ضعیف است و احتمالاً بعضی از گلگیرها و

اموزش سیاسی کارگران

حزب‌رستاخیز ملت ایران برای این بوجود امد که همه ملت ایران زیر یك چتر سیاسی برای رسیدن به هدفهای بزرگ ملی تلاش کنند. بدیهی است در این مرحله بدون شك توجه ما بیش از هر زمان دیگر باید معطوف بشود بدرك مسائل سیاسی در جامعه خود. بهمین جهت رهبر بزرگ ما فرمودند: برای اموزش سیاسی کارگران همه اقدامات لازم صورت گیرد.

مفهوم این فرمان این است که هیچ کارگر ایرانی در هیچ کجای ایران نباید با مسائل ملی و میهنی که امروز در جامعه ما مطرح است بیگانه باشد. هر کارگر ایرانی باید دقیقاً با فلسفه سیاسی جامعه‌اش آشنا باشد و همه توانائی خویش را در اختیار سربلندی ملت و میهن بزرگ خود قرار دهد. تاریخ ما نشان میدهد که همیشه تلاش و کوشش کارگر ایرانی در همین راه و بهمین خاطر و همین منظور بوده است

امرور در جامعه ما مسائل بصورت عمومی و کلی مطرح میشود. ما در جامعه خودمان نه طبقات گوناگون داریم و نه جنگ طبقاتی. در جامعه ما مردمی زحمتکش هستند که برای سربلندی کشورشان و برای توفیق هرچه بیشتر انقلاب ایران به پشتیبانی از شاهنشاه خود تلاش میکنند.

در چنین جامعه‌ای باید هرچه بیشتر به روابط انسانی در میان افراد و گروه‌ها پرداخت. روابط انسانی در جامعه ما سابقه طولانی دارد. رابطه انسانی در فرهنگ ما جای مشخص دارد. روح خداپرستی، روح یکتاپرستی و ایمان و اعتقاد بر قوانین مذهبی در جامعه ما به مفهوم همین گرایش بسوی برقراری روابط انسانها که همه برادران و خواهران و همه افرادی که عضو این جامعه هستند مطرح شده است.

وقتیکه میگوئیم «رابطه انسانی»، توجه میکنیم و به آنجا میرسیم که امروز بخصوص در این شرایط «رابطه صنعتی» با قواعد خاص خودش دارد در جامعه ما متولد میشود. و این رابطه هرچه بیشتر شکل خودش را نمایان میکند. ما نباید غافل بمانیم که در کنار رابطه صنعتی، در جوار این نظم صنعتی ضرورتاً باید به نظم

ایران برخوردار باشند و بهره بگیرند. هرگز اجازه داده نمی‌شود که ثروت بطور غیرعادلانه در گروههای خاص و یا بشیوه غیرمتعادل تقسیم شود.

●

اصل دوم اقتصاد ایران این است که اقتصاد ما یك اقتصاد دمکراتیك است. حق دارند کارگران ما بدرستی بدانند که اقتصاد دمکراتیك یعنی اینکه کار از یك احترام و ابروی شایسته در جامعه برخوردار است. نیروی کارگر از شرکت اجتماعی، شرافت اقتصادی و شرف ملی مایه می‌گیرد و اقتصاد دمکراتیك این است که ثروت ملت فقط برای تامین سعادت ملی بکار میرود و در این جهت است که نیروی کارگر بحرکت درمی‌اید.

بالاخره اقتصاد دمکراتیك یعنی اینکه اجازه داده نخواهد شد که بجز بخاطر احتیاج ملی هیچ حرکت اقتصادی و هیچ حرکت تولیدی شکل و فرم پیدا کند. اقتصاد دمکراتیك که مورد توجه خاص رهبر بزرگ ما است این است که عرض کردم.

آقای دکتر ازمون وزیر کار و امور اجتماعی اضافه کرد که این اموزش سیاسی را بعنوان اغاز جنبشی که برای همگانی کردن این اموزش بگونه‌ای در کارگاهها و کارخانجاتمان پیاده خواهیم کرد از من بپذیرد. هیچ تردید نکنید و کمترین تزلزل فکری نداشته باشید که در پناه همین اموزش ما قادر خواهیم بود روح همبستگی و وحدت و یکپارچگی را در جامعه خودمان براساس انقلاب ایران بدرستی و کاملا تحکیم بدهیم

تردید نکنید که تنها در سایه این اموزش سیاسی نه فقط کارگران ما بلکه همه زحمتکشانی که در این جامعه برای سربلندی ایران کوشش و تلاش میکنند قادر خواهند. بود با مسائل ملی و میهنی مواجه شوند و با اعتقاد راسخ به اصول انقلاب ایران انرا تجزیه و تحلیل کنند و نتیجه بگیرند.

●

وزارت کار در این دوره جدید با اعتقاد به درك واقع‌بینانه از فرمان رهبر بزرگ ایران باید هرچه بیشتر به مسایل فکری بمسائل معنوی و به برقرار کردن روابط دوستانه و صحیح اجتماعی و انسانی در میان

ما به آنچه که با مصالح کارگری و مسائل اساسی زندگی و فعالیت جامعه‌اش ارتباط دارد اشناست که برای تلاش بیشتر، تولید فراوان‌تر و ثروت افزون‌تر احتیاج به توضیح و اموزش و تفسیر ندارد. کارگر ایرانی و جامعه کارگری ایران بدرستی با وظایف کارگری خودش اشنا است و این کارخانه بزرگ (کارخانجات شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل «سایپا» عام) نمونه‌ای از محصول تلاش شبانه روزی شما است. ماشینی که از این کارخانه خیابان‌ها و شهرهای کشور ما را بزیر چرخ‌های خودش دارد و ماشینی که بزودی از این کارخانه خیابان‌ها و جاده‌های ایران را زیر چرخ‌هایش می‌گیرد نمونه‌هائی از تلاش شرافتمندانه و سازنده شما است بمنظور ایجاد ایرانی آبادتر، پرقدرت‌تر، صنعتی‌تر و مطمئن‌تر و اطمینان بخش‌تر...

این توانائی جسمی کارگران ایران بوده است که چنین محصولی را با موفقیت و با اطمینان ببازار عرضه کرده است. باید گفت این افتخار بزرگی است برای شما کارگران عزیز و شرافتمند و پرکار و سخت کوش که می‌توانید با سربلندی و غرور شاهد نتیجه تلاش‌های شبانه روزی خودتان باشید.

من بخودم اجازه نمیدهم وقت شما کارگران عزیز را بگیرم. ارزو میکنم خداوند در تمام لحظات و در تمام مراحل زندگی راهنمای شما و حاکم بر وجدان کارگری شما باشد آرزو میکنم کارگران سربلند و مفتخر ایران هرچه بیشتر فرصت پیدا کنند از جان خودشان برای پیشرفت میهن عزیز و سربلندی بیشتر مایه بگذارند ارزو میکنم کارگر ایرانی بیش از پیش توفیق پیدا کند که خدمتگزار صمیمی و صادق و دوست پا برجا و برقرار رهبر بزرگ ایران شاهنشاه اریامهر باشند...

گفتگوی مطبوعاتی مدیرکل کارخانجات و شرکت ایرانی تولید اتومبیل ژیان و رنو

برای آنکه به نقائص و عیوب اتومبیل‌های «رنو» در مقابل شرایط جغرافیائی و اقلیمی ایران آگاه شویم و «رنو» ایران را طبق شرایط کشور خودمان بسازیم، دو دستگاه اتومبیل «رنو» از فرانسه وارد کردیم و با هریك

اتاق ان نیز ممکن است با ورق اهن نسبتاً نازك ساخته شده باشد. بهمین جهت برای رفع نقائص و عیوبی که مشاهده شد، اتومبیل‌های رنو ساخت ایران با کمك فنرهای بسیار قوی ساخته میشود و در چند قسمت از اتاق اتومبیل‌های «رنو» فرانسه که با ورق اهن ۷ میلیمتری ساخته شده بود، اتومبیل‌های رنو ساخت ایران را با ورق اهن ۹ میلیمتری تقویت میکنیم. اقای العرد ایسه اضافه کرد که اتومبیل‌های رنو ساخت ایران تا چند سال گارانتی (تضمین) شده است که هیچ عیب و علتی پیدا نکند. و درحال حاضر لوازم یدکی ان در تهران بحد وفور وجود دارد قیمت اتومبیل‌های رنو ساخت ایران که تا هفته اینده ببازار عرضه می‌شود ۳۱۶۰۰ تومان میباشد که از این رقم‌مبلغ ۳۲۰۰ تومان گمرك و ۲۵۰۰ تومان مالیات دارائی انرا کارخانه میپردازد.

خریدار اتومبیل رنو می‌بایستی پنج درصد عوارض اسفالت، ۳۰۰ تومان عوارض شهرداری، ۲۷۰ تومان بیمه شخص ثالث و ۳۰۰۰ تومان مالیات نمره تهران را چنانچه در تهران شماره‌گذاری شود بپردازد.

دانشگاه کار برای تامین کادر فنی ژیان و رنو

مدیرعامل شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا) عام در مورد کادر فنی کارخانجات اتومبیل سازی «ژیان» و «رنو» اظهار داشت: فعلاً ۱۶ نفر کارشناس فرانسوی در قسمت فنی این کارخانجات کار میکنند، و در استخدام این شرکت هستند که کارکنان ایرانی کارخانجات این شرکت را ضمن انجام کار در هر رشته فنی راهنمائی میکنند و تعلیم میدهند.

در پایان تعلیمات فنی این کارکنان و کارگران ایرانی به انان مدارك فنی بعنوان تکنیسین داده خواهد شد. علاوه بران شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا) یك دانشگاه بنام دانشگاه کار تاسیس کرده است که در این دانشگاه فعلاً دویست نفر از جوانان علاقمند به رشته فنی دوره را توام با عمل و کسب تجربه میگذرانند و تکنیسین میشوند. تکنیسین‌های فارغ‌التحصیل دانشگاه کار پس از پایان دوره تحصیلات و تعلیمات خود در اختیار کارخانجات این شرکت قرار میگیرند و به استخدام این کارخانجات در می‌ایند.

درحال حاضر تعمیرگاه بسیار بزرگی برای تعمیر

● شکستن سدهای بازدارنده ترقی و پیشرفت ازراه الغای رژیم اربابورعیتی راه را برای انجام هرگونه برنامه عمرانی هموار ساخت.

● درجهانی که موج بدبختی، بیسوادی، جنگ وخونریزی میلیونها انسان را دروحشت فقر و نابسامانی فرو برده است، ایران امروز درسایه رهبری قاطع شاهنشاه خویش میرود تا درموضوع یك ملت قدرتمند به نیاز انسانهای دیگر پاسخ دهد.

● اینهمه مواهب که به طبقات و قشرهای مختلف ایران اعطا گردیده، نتیجه خردمندی وواقع‌بینی و دوراندیشی شاهنشاه آریامهر و سیاست مدبرانه معظم‌له است.

● مااطمینان میدهیم ضمن حفظ تفاهم و تعاون موجود درلوای مترقی‌ترین قوانین حمایتی کارو تامین اجتماعی هرلحظه به شتاب و سرعت حرکت خویش درسازندگی ایران بزرگ بیفزائیم.

دبیرسندیکای کارگران شرکت:

● کارگران ایرانی تاقبل از شاهنشاهی دودمان پهلوی جزء ابزارکار بحساب می‌آمد اما امروز دارای آنچنان حیثیتی است که هم درسود سرمایه و هم درسود کارخانجات شریك است و درمحیطی کار میکند که خود صاحب آنست.

اتومبیل‌های «رنو» ساخت ایران در جاده آبعلی و در زمینی به مساحت ۲۷ هزار مترمربع ساخته شده و در همان محل یك مرکز اموزش فنی (هنرستان فنی) دایر گردیده است که برای تامین کادر فنی کارخانجات اتومبیل سازی ژیان و رنو تکنیسین تربیت کند به این عده از تکنیسین‌ها است که مدرك فنی داده میشود

خانه برای کارگران

اقای الفرد ایسه مدیرعامل شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل (سایپا) عام در پایان این گفتگوی مطبوعاتی راجع به تامین مسکن کارگران و کارکنان کارخانجات اتومبیل سازی ژیان و رنو اظهار داشت:

با مسئولان و متصدیان وزارت دارائی مذاکراتی صورت گرفته است تا مالیات سود کارخانجات اتومبیل سازی ژیان و رنو را بجای انکه به دارائی بپردازیم برای تامین مسکن کارگران و کارکنان این کارخانجات اختصاص دهیم و این، بزرگترین کمکی است که دولت به این واحد عظیم صنعتی و مخصوصاً به کارگران این کارخانجات خواهد کرد.

اعطای جوایز

پس ازپایان سخنرانی وزیرکار و اموراجتماعی، ازطرف هیات مدیره شرکت سیتروئن ایران، تمثال شاهنشاه آریامهر به وزیرکار اهداء شدو پس ازآن برنامه‌های شادهنری آغاز شدودر این برنامه برجسته‌ترین هنرمندان رادیوو تلویزیون ملی ایران برنامه‌های هنری جالبی اجرا کردند. سپس بمناسبت و میمنت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، پنجاه جایزه‌نفیس از قبیل یخچال، تلویزیون و ساعت، رادیو ضبط و چرخ‌خیاطی ازطریق قرعه‌کشی به پنجاه تن از کارگران کارخانجات اتومبیل‌سازی سیتروئن اهدا گردید و درپایان از مدعوین پذیرائی بعمل آمد. این جشن باشکوه درساعت ۸بعدازظهر در میان ابراز احساسات شدید کارگران و مدعوین نسبت بشاهنشاه آریامهر پایان یافت.

هفت خوان رستم

کاوس جوان پرغرور وبیش جوانه بود که چون برتخت شاهی نشست، خود را از همه‌ی گذشتگان نیرومندتر وتواناتر تصور کرد وتصمیم گرفت به کارهایی دست برند که هیچکدام از نیاکانش نکرده بودند

یك روز که برتخت نشسته بود وبزرگان وپهلوانان ایران زمین در حضورش بودند ودرمیان شگفتی وحیرت آنها دم از قدرت وتوانایی بیهمتای خود میزد، ناگهان پرده‌دار اطلاع داد که رامشگری پرهنر اجازه‌ی شرفیابی میخواهد ومیگوید از مازندران آمده وآرزو دارد که هنر بینظیرش را به شاهنشاه ایران عرضه کند

کاوس دستور داد رامشگر مازندرانی را بحضورش آوردند واز او خواست که هنرنمایی کند. رامشگر مازندرانی که جوانی خوش سیما بود وبربطی خوش‌نوا در دست داشت، شروع به نواختن وخواندن کرد وسرودی سخت دلنشین در وصف مازندران خواند:

که مازندران شهر ما یاد باد
همیشه بر وبومش آباد باد
که در بوستانش همیشه گل است
بکوه‌اند رون لاله وسنبل است
هوا خوشگوار وزمین پرنگار
نه گرم ونه سرد وهمیشه بهار
نوازنده بلبل به باغ اندرون
گرازنده آهو به راغ اندرون
همیشه نیاساید از جست وجوی
همه ساله هرجای رنگ است وبوی
گلاب است گویی بجویش روان
همی شاد گردد زبویش روان
دی وبهمن وآذر وفروردین
همیشه پراز لاله بینی زمین
همه ساله خندان لب جویبار
بهرجای باز شکاری بکار
سراسر همه کشور آراسته
زدینار ودیبا واز خواسته
بتان پرستنده با تاج زر
همان نامداران زرین کمر
کسی کاندر آن بوم آباد نیست
بکام از دل وجان خود شاد نیست

کاوس از شنیدن این سرود چنان بهیجان آمد که همان لحظه تصمیم گرفت به مازندران لشگر بکشد واین سرزمین زیبا وهمیشه بهار را، که زیر سلطه‌ی دیوان وجادوان بود وتا آنروز هیچیك از شاهنشاهان ایران برای تصرف آن اقدام نکرده بودند، تسخیر کند. او دستور داد خلعت وانعام گرانبهایی به رامشگر مازندرانی دادند واو را مرخص کرد وآنگاه خطاب به بزرگان وپهلوانان ایران گفت:

ـ ما مدتهاست وقتمان را همه به بزم و تفریح و شادمانی گذرانده‌ایم و این برای مردان جنگی خوشایند نیست که عمرشان را به تن‌آسایی تلف کنند. اینك هنگام آن فرا رسیده که روی بمیدان

مقدمه: کیقباد را چهار پسر بود: کاوس- آرش- کی‌نشین وکی ارمین، که کاوس بزرگترینشان بود وکیقباد چون مرگ را نزدیك دید، او را نزد خود خواند وراز ورمز کشورداری را یك بیك به او آموخت وعدل وداد ومردم داری را به او توصیه کرد.

...... وچون کیقباد رخت از جهان بربست، «کاوس کی» برتخت وتاج ایران زمین تکیه زد وصد وپنجاه سال پادشاهی کرد. پادشاهی کاوس‌کی از پرماجراترین وخواندنی‌ترین بخش‌های شاهنامه فردوسی را تشکیل میدهد که در عین حال پر رونق‌ترین وبا شکوه‌ترین دوران پهلوانی رستم نیز هست. هفتخان رستم، جنگ هاماوران، رستم وسهراب، سیاوش وسودابه، کیخسرو و......... عنوان داستانهایی است که ما به ترتیب از ماجراهای دوره‌ی پادشاهی کاوس پرداخته‌ایم واز این شماره هر کدام بنوعی شما را سرگرم خواهد ساخت. واینك داستان هفتخان رستم.

آوریم و به زورورزی با دشمنان بپردازیم تا هم سرزمینمان را گسترش دهیم و هم جنگ‌آوری و پهلوانی را از خاطر نبریم.

طوس پرسید:

ـ شاهنشاه آهنگ جنگ با کدام دشمن را دارند؟ آیا میخواهند به توران زمین حمله کنند؟

کاوس خندید و گفت:

ـ نه، تورانیان که شایستگی زورآزمایی ندارند، اما سرزمین تازه‌ای را به قلمرو خود خواهیم پیوست... سرزمین زیبا و همیشه بهار مازندران را...

پهلوانان و بزرگان ایران از این سخن شاه یکه خوردند و همهمه‌ای در میان آنها در گرفت چرا که آنها بخوبی از مشکلاتی که در سر راه چنین جنگ بدفرجامی وجود داشت، آگاه بودند و تسخیر مازندران را که در پشت کوههای سربفلك کشیده قرار داشت و همه راههای پرفراز و نشیب آن بوسیله‌ی دیوان پاسداری میشد غیرممکن میدانستند.

طوس از طرف پهلوانان اجازه سخن خواست و گفت:

ـ اینکه شاهنشاه اراده فرموده‌اند کاری است نشدنی... بیهوده نیست که از فریدون تا کیقباد، هیچکدام از نیاکان شما چنین خیالی را بسر راه نداده‌اند، چون مازندران در قلمرو دیوان و جادوان است و نه تنها تسخیر آنجا امکان ندارد، بلکه به بهای جان همه‌ی سپاهیان تمام میشود.

کاوس به خشم شد و گفت:

ـ گفتم که سالها در آرامش بودن و به تفریح و خوشگذرانی پرداختن همه‌ی شماها را تنبل کرده است. درست است که گذشتگان هیچکدام آهنگ تسخیر مازندران را نکرده‌اند، اما من در قدرت و نیرو از همه‌ی آنها برترم و بهمین دلیل میتوانم کاری را که آنها نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند بکنند انجام دهم. پس بروید و سپاه را آماده‌ی حرکت به سوی مازندران کنید.

پهلوانان چون شاه را خشمگین دیدند، دیگر حرفی نزدند و از پیشگاه او بیرون آمدند، اما هنوز هم تصمیم شاه را غیر عملی میدانستند و بهمین دلیل بلافاصله در خانه طوس جمع شدند و پس از گفتگو گوی زیاد به این نتیجه رسیدند که بهتر است از زال زریاری بخواهند، چون او تنها کسی بود که ممکن بود کاوس پندش را بپذیرد. پس یکی از پهلوانان را مامور کردند که بسرعت خود را به زابلستان برساند و از زال بخواهد که اگر آب در دست دارد نخورد و خود را به بارگاه شاه ایران زمین برساند، شاید بتواند از تصمیم اشتباه‌آمیز کاوس جلوگیری کند و او را از جنگ خطرناکی که میرفت شروع کند، بازدارد...

زال وقتی از جریان آگاه شد، بی‌درنگ خود را به بارگاه کاوس رساند، زیرا او هم مثل دیگر پهلوانان حمله به مازندران را از سوی شاه ایران زمین کاری خطرناك و اشتباه میدانست. کاوس با گرمی و مهربانی زال را پذیرفت، اما وقتی پندهای او را شنید، با غرور و خودستانی گفت:

ـ من به تو احترام زیادی قائلم پهلوان، و دلم میخواهد اندرزهایت را بشنوم، اما فراموش نکن که من از نظر زور و قدرت و ثروت از فریدون و منوچهر بسیار برترم و دلم میخواهد دیوان مازندران را نیز مثل دیگران به اطاعت خود درآورم و از جادوگری آنها نیز باکی ندارم، بدیهی است اگر لازم شد از تو و فرزند جهان پهلوانت رستم نیز کمك خواهم خواست.

زال چون این پاسخ شاه را شنید، سر فرود آورد وگفت:

– اراده‌ی شاهنشاه مطاع است و ماهمه بندگان شاهیم ودر اجرای اوامرشان کوشا خواهیم بود..........

واز نزد او رفت وبه پهلوانان ایران گفت:

–کاوس در تصمیم خود پافشاری می‌کند وچاره‌ای نیست، جز اینکه امر شاه را اطاعت کنید، باشد که یاری یزدان خوش پیش آید............

پهلوانان از او تشکر کردند که زحمت پیمودن این راه طولانی را برای خاطر آنها بخود داه است وزال درمیان بدرقه‌ی آنان بسوی زابلستان برگشت، در حالیکه دلواپس خطری بود که شاه وبزرگان ایران را در جنگ با دیوان مازندران تهدید میکرد.

■ ■ ■

کاوس سپاه بزرگی فراهم آورد وسرزمین ایران را به دست میلا وگرگین سپرد، اما به او سفارش کرد که اگر مشکلی پیش آمد، بدون مشورت با زال بکاری دست نزند... و خود با همه‌ی پهلوانان ایران چون طوس و گیو و گودرز و بهرام و کشواد و رهاد عازم مازندران شد.

چون سپاه به نزدیکی مازندران رسید، کاوس دستور داد سراپرده‌ها را برافرازند و اردو بزنند و آنگاه گیو را نزد خود خواند و گفت:

ـ تو هزارتن از ورزیده‌ترین سپاهیان را گزین کن و به شهر مازندران حمله کن و پیش از آنکه دیوان و جادوان آگاه بشوند، این شهر را تصرف کن و هر چه از پیر و جوان دیدی بکش و آنجا را از وجود دیوان و جادوگران خالی کن... ما نیز به دنبال تو خواهیم آمد.

گیو در ماجرای امر شاه، هزار تن از ورزیده‌ترین و زورمندترین افراد سپاه را برگزید و خود را به شهر مازندران رساند و به کشتار دست زد. ایرانیان هر که را سر راه میدیدند میکشتند و از اینکه توانسته‌اند چنین آسان به این بهشت واقعی که سرشار از زیبایی و نعمت بود دست یابند خوشحال بودند.

خبر به شاه مازندران رسید که ایرانیان به شهر مازندران دست یافته‌اند و دست به کشتار زده‌اند. اواز این خبر سخت دلگیر شد و «سنجه» دیو را که در حضورش بود به نزد دیو سپید فرستاد که «چه نشسته‌ای، بیا که ایرانیان به سرزمین ما دست یازیدند....»

سنجه به سرعت برق و باد خود را به پناهگاه دیو سپید رساند و پیام شاه مازندران را داد. دیو سپید گفت:

–به شاه از سوی من بگو که تشویش بدل راه ندهد. من اکنون با سپاهی گران حرکت میکنم و پای کاوس شاه و سپاهیانش را برای همیشه از مازندران میبرم. دیو سپید بلافاصله براه افتاد و دوازده هزار دیو را نیز باخود بحرکت در آورد.

دیوان به اردوگاه ایرانیان آمدند و یکباره چون ابری سیاه آسمان را پوشاندند، چنانکه روز بر ایرانیان همچون شب تیره شد و آنگاه.. از میان این ابر سیاه، سنگهای درشت باریدن گرفت.

سپاه ایران متلاشی شد و هرکس بسویی میدوید تا مگر نجات یابد، اما راه را از چاه باز نمی‌شناخت. دراین میان، دیوسپید، با جادو، دیدگان همه‌ی سپاهیان ایران و خود کاوس را کور کرد که دیگر هیچ جا را نمی‌دیدند و آنگاه آنها را در میان دره‌ای که از همه سو در محاصره‌ی دیوان بود، اسیر ساخت.

دیو سپید سپس نزد شاه مازندران رفت و به او اطمینان داد که دیگر هیچکس از ایرانیان مزاحم آسایش دیوان مازندران نخواهد شد و او میتواند با خیال راحت به عیش و خوش مشغول باشد.

■ ■ ■

کاوس که تازه متوجه اشتباه خود شده بود، پیکی به زابلستان، نزدزال فرستاد که من اشتباه کردم و پند ترا نشنیدم و اینك خودم و همه‌ی پهلوانان ایران در دام دیوان اسیریم و امیدی جز

داستانهای شاهنامه

به روایت: ن. ه. مغانی

تو ورستم جهان پهلوان نداریم. بشتابید و مارا نجات دهید.

زال وقتی این پیام را دریافت، سری به تاسف تکان داد و آنگاه رستم را نزد خود خواند و گفت:

-بیا فرزند که یکباردیگر باید زور و جوانیت را در راه نجات شاهنشاهی ایران زمین بکار گیری. من با گذشت دویست سال از عمر و جوانیم برای چنین کار عظیمی خیلی پیرم، اما تو با نیروی جوانی و قدرت پهلوانی‌ات و بیاری یزدان پاك براحتی از عهده‌ی دیوان برخواهی امد.

رستم با خوشحالی گفت:

-یزدان بزرگ این یال و کوپال و زور پهلوانی را برای همین بمن بخشیده است.. توفقط بمن بگو پدر، که از چه راهی میتوانم به مازندران برسم و کاوس شاه را نجات دهم.

زال گفت:

-از دو راه میتوان بمازندران رسید که یکی طولانی و کم خطر است و همان راهی است که کاوس و سپاهیانش رفته‌اند. دومی کوتاه، ولی پرخطر است و تو برای پیمودن آن راه باید از هفت خان بگذری که یقین دارم باهمه مشکلاتش برای تو آسان خواهد بود... تو ازاین راه برو تا هرچه زودتر شاه و پهلوانان ایران را از بند دیوان برهانی...

-خیالت‌اسوده‌باشد .. میروم و بیاری پروردگار پیروز برمیگردم.

رستم بی‌درنگ ساز و برگ سفر برگرفت، بازال و رودابه بدرود گفت و برپشت رخش جست و زابلستان را به سوی مازندران ترك کرد.... ورفت تا از هفتخان بگذرد و دیوان را سرکوب کند و شاه ایران را رهایی بخشد.

خان اول

رستم شب و روز اسب میتاخت و با شتاب تمام پیش میرفت تا هرچه زودتر ایرانیان را از اسارت دیوان برهاند. پس از چند شبانه روز، بشدت احساس گرسنگی و خستگی کرد و از بخت مساعد، همان لحظه به دشتی سبز و خرم رسید که چراگاه گوران بود.

رستم گوری را دنبال کرد و باکمند آنرا گرفت و کشت و آنگاه آتش بزرگی برافروخت و گور را روی آن بریان کرد و گوشتش را خورد و استخوانهایش را بدور انداخت. اینك نیاز به خواب و استراحت داشت. لگام از سر رخش برداشت و اورا در مرغزار رها کرد تا چرا کند و خود در نیستانی بر روی علفها دراز کشید و بخوابی خوش و سنگین فرو رفت. رستم مثل همه‌ی پهلوانان خوابی سنگین داشت چون میخوابید، به این آسانی‌ها بیدار نمیشد. این نیستان کنام شیری بود درنده که همه‌ی جانوران جنگلی از او میترسیدند و هیچکدام جرئت نمیکردند به بیشه‌ی او نزدیك شوند. این شیر که بعادت هر روز برای گردش و شکارا از کنامش بیرون رفته بود، پس از مدتی بازگشت و در نهایت تعجب مردی را در بیشه‌ی خود خفته دید و اسبی را که درحال چرا بود. شیر باخود اندیشید که طعمه‌ی لذیذی گیر آورده است و بهتر است اول حساب اسب را یکسره کند تا بعد نوبت به سوار برسد.....

و باهمین خیال به سوی رخش رفت اما رخش که او را از دور دیده و اماده دفاع شده بود، غرش کنان روی دوپای عقب بلند شد و با دو پای جلویی چنان بر فرق شیر کوفت که جهان جلو دیدگانش تیره شد و آنگاه با دندانهای تیزش گردن شیر را گرفت و آنقدر فشار داد تا خفه شد و لاشه بی‌جانش روی زمین غلتید.

رستم چون بیدار شد از آنچه میدید غرق حیرت شد. لاشه‌ی شیر درنده در کناری افتاده بود و رخش پیروزمندانه دور آن میگشت و با شادمانی پای برزمین میکوفت. رستم از زمین برخاست و بسوی رخش رفت و خوب معاینه‌اش کرد تا ببیند زخمی براو رسیده یا نه..... وچون اسبش را کاملا سالم دید، یال و کوپالش را نوازش کرد و سرزنش‌کنان گفت:

– تونباید باشیردرنده درگیر می‌شدی. باید مرا بیدار میکردی تااو را میکشتم. نگفتی که اگر درچنگ شیر کشته بشوی، من چگونه میتوانم خود را با این سلاحهای سنگین به مازندران برسانم؟ پس از این بیشتر مراقب خودت باش و اگر خطری پیش آمد مرا خبرکن... رستم آنگاه زین برپشت رخش نهاد و سوار شد و براه افتاد و رفت و رفت

خان دوم

رستم دشتهای سروخرم را پشت سرنهاد و به بیابانی خشك و بی‌آب و علف رسید که تا چشم کارمیکرد، شنزار بود و بیابانی یك دست و هموارکه زیر اشعه‌ی سوزان خورشید میسوخت و حتی یك درخت که سایه‌ای برزمین بیندارد، دیده نمیشد. رستم و رخش هردوعرق کرده بودند و کم‌کم احساس تشنگی برآنها غلبه میکرد.

رستم یکی‌یکی لباسهایش را درمی‌اورد تاکمتر احساس گرما کند، اما نورافتاب هرلحظه تیزتر میشد و از زمین نیز حرارتی نفس‌گیر بالا میرد ... رخش که از گرما کلافه شده بود با خشم سم برزمین می‌کوفت و شیهه میکشید. رستم پیاده شد تا مرکبش راحت‌تر حرکت کند، اما خود نیز حالی خوشتراز رخش نداشت، بخصوص که زبان دردهانش خشك شده بود. از تشنگی گلویش میسوخت. مدتی بدینحال راه سپردند اماهرچه جلوتر میرفتند، حال سوارو مرکب بدتر و نزارتر میشد تاجایی که رستم دیگر از حرکت بازماند و برروی آن خاك گرم افتاد، درحالیکه زبانش از تشنگی چاك‌چاك شده بود. آنگاه سربراسمان برداشت و نالید که ای پروردگار توانا، خودمیدانی که من کاربزرگی درپیش دارم و باید شاه و پهلوانان ایران را از زندان دیوان نجات دهم. من تسلیم اراده‌ی توأم اما کمکم کن تا این وظیفه دشواررا به انجام رسانم و راضی نشو که پهلوانی که پرده‌ی تست درمیان بیابانهای خشك از تشنگی جان بسپارد... یاریم کن ای‌پروردگار بزرگ.

ناگهان میشی از کنارش گذشت و دورشد. رستم اندیشید که این میش حتماً چشمه‌ی آبی را دراین طرفها سراغ کرده است، وگرنه چنین بیابان خشك و سوزانی جای زندگی جانوری چون میش نمیتواند باشد. اگر بدنبال او بروم، احتمال دارد که نجات یابم.

پس به شمشیرش تکیه کرد و از جا برخاست و افتان و خیزان بدنبال میش روان شد، درحالیکه لگام رخش را نیز بدست داشت

مدتی که راه سپردند، ناگهان چشمه‌ای پدیدار شد که آبی به زلالی اشك داشت. سوار و مرکب هردوشادان بسوی آن دویدند و سردرون چشمه بردند و آنقدر نوشیدند تا سیراب شدند. آنگاه رستم سر بآسمان برداشت و بنیایش پروردگار پرداخت. رستم سپس زین ولگام از رخش برداشت و سروتن او را به اب چشمه شست و او را بچراسر داد و خود که اینك گرسنه شده بود، تیروکمان برداشت و بدنبال شکار رفت و بزودی با گوری که شکار کرده بود، برگشت، آتشی بر افروخت، گور را بریان کرد و خورد. آب فراوانی رویش نوشید و آنگاه آهنگ

بقیه در صفحه ۸۳

از پادوئی در میدان سبزی ف

[illegible]

از آغاز در فقر به دنیا آمد. در اتاق کوچکی که از وسایل رفاهی این قرن چیزی درآن به چشم نمی‌خورد و جز فریادهای پدری که همیشه مست بود و مادری که دائم از بخت و سرنوشت خود شکایت می‌کرد، هیچ صدایی به گوش نمی‌رسید. در کلیسا نام«توماس لاینرویلیامز» را به روی او گذاشتند و زمان تولدش بیست و ششم ماه مارس سال ۱۹۱۴، یعنی آغاز جنگ جهانی اول بود و در کلمبیای«می‌سی‌سی‌پی» نیز به دنیا آمد. پدرش تقریباً بی‌کاره بود. گاهی دلالی می‌کرد و گاهی پادویی و تقریباً بیشتر اوقات حتی پول پرداخت کرایه خانه را هم نداشت. به این ترتیب توماس کوچك به چهارده سالگی رسید. او درتمامی این مدت با محرومیت، درد و ناآرامی دوران تحصیل را گذرانده بود، ان هم در مدرسه‌ای که بیشتر کودکان آن از طبقه مرفه و خوش‌بخت بودند و دیدن لباس‌های ژنده و وصله‌خورده و کفش‌های سوراخ توماس برایشان تفریح جالبی به شمار می‌آمد و هنگامی که با پول توجیبی‌های گزاف بستنی و لیموناد و آجیل می‌خریدند، از نگاه‌های غمگین پسرك به شادی ظالمانه‌ای دچار می‌شدند، و روی آن داستانها می‌ساختند و از ساخته‌های خود لذت فراوان می‌بردند.

درسال ۱۹۱۸ که سال بلوغ توماس بود، خانواده درهم شکسته و مفلوك«لاینرویلیامز» که تا خرخره در قرض فرو رفته بودند، به ناچار از شهر کلمبیا به شهر سنتلوئیس مهاجرت کردند، تا بلکه پدر که درآن‌جا دیگر به بدمستی وحشتناکی شهرتی نداشت، بتواند برای خودش کار تازه و اعتبار جدیدی کسب کند و در سنتلوئیس بود که توماس به آخرین کلاس مدرسه مقدماتی رفت و یك بار دیگر در کنار شاگردانی نشست که بااو اختلاف فراوانی داشتند، اما دیگر استعداد نبوغ توماس بیدار شده بود و از بی‌دست و پایی و خجلت دیرین در او نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد. حتی در نوشته‌هایش آن چنان نشانه‌ای از نبوغ دیده می‌شد که همشاگردی‌ها دیگر نمی‌توانستند به ژندگی لباس و کفش او توجه کنند، و بیشتر توجهشان به نوشته‌های او بود. او می‌نوشت و آن چنان خوب می‌نوشت که روزی معلم ادبیات درباره او به مدیر مدرسه گفت:«دراین پسر جوهری وجود دارد که نظیر آن را تاکنون در شاگرد دیگری ندیده‌ام.» و این درست درهمان زمانی بود که او شبها را به ناچار گرسنه می‌خوابید و برای سوارشدن به وسیله نقلیه پولی نداشت. و چون شیشه شکسته پنجرهٔ اتاقشان را با روزنامه پوشانیده بودند، از سرمایی که از درز در به درون می‌امد، بیشتر اوقات به سختی سرفه می‌کرد. و هنوز سال آخر مدرسه را به پایان نرسانده بود که پدرش در بیمارستان بستری شد. دیگر جز ترك تحصیل چاره‌ای نبود. مدرسه را رها کرد و به عنوان شاگرد دریك کارخانه کفش‌سازی مشغول کار شد. کاری که انتخاب کرده بود باروحیه ظریف و حساس او کوچك‌ترین تناسبی نداشت و همانند جان‌کندن یك بیمار سرطانی دردبار و پررنج بود. به همین علت به زودی بیمار شد، آن چنان که در بستر افتاد و قدرت کار را به کلی از دست داد. اولیای کارخانه او را برای معالجه به شهر ممفیس فرستادند و درآن‌جا بود که درحین بستری شدن فکر نویسندگی به سرش راه یافت. در اطرافش قهرمانان زیادی وجود داشتند. دختران جوانی که برای سیرکردن شکم‌های خود به کارهای سخت و طاقت‌فرسائی تن درمی‌دادند. زنان آبستنی که با شکم‌های پر، درپشت ماشین‌ها عرق می‌ریختند.

مردانی که برای فرار از فشار زندگی به مشروب روی می‌آوردند. آدم‌هائی که طبق قانون جنگل به تنازع‌بقا مشغول بودند و برای یك دلار، گلوی یك‌دیگر را فشار می‌دادند، و زنان تن‌فروشی که شبها زیر چراغ‌ها، مردان را به خود می‌خواندند و به هم‌آغوشی باحیوانات گرسنه تن درمی‌دادند.

اولین داستانش را در بیمارستان و در اوج درد جسمانی نوشت و هنگامی که از بیمارستان مرخص شد، آن را بااشتیاق به دفتر یکی از مجلات فرستاد و منتظر نشست. اما شکم گرسنه از انتظار چیزی نمی‌فهمد. پس به ناچار شغل روزنامه‌فروشی را در ایستگاه راه‌اهن انتخاب کرد. تا سرانجام عمر انتظارش بسر رسید و داستانش از طرف مجله پس فرستاده شد. بسیاری از جوان‌ها در آغاز زندگی بااولین شکست میدان را خالی می‌کنند، اما توماس در زمره این دسته نبود. او نه‌تنها از میدان درنرفت، بلکه داستان دیگری نوشت و هنگامی که آن داستان هم برگردانده شد، از شغل روزنامه فروشی دست کشیده بود و در میدان سبزی فروش‌ها به پادویی و باربری مشغول شد اما شوق نوشتن چون دارکوبی به قلبش نوك می‌زد و دمی آرامش نمی‌گذاشت. به همین دلیل شبهایش را با نوشتن داستان و نمایش نامه‌های کوتاه و یا سرودن شعر می‌گذراند و عجیب آن که با وجود این که همیشه از طرف مدیران مجلات و روزنامه‌ها رانده می‌شد، هرگز به نومیدی روی نمی‌آورد و پیوسته به دوستانش که با فرهنگ و ادب به کلی بیگانه بودند می‌گفت: «من آخر روزی نویسنده معروفی خواهم شد.» او به زودی از پادویی در میدان سبزی فروش‌ها به کار در یك کارگاه مکانیکی روی آورد و مدتی روی تعمیر اتومبیل کار کرد که آن هم با طبعش کوچکترین تناسبی نداشت. ولی باز هم شب‌هایش را با نوشتن که کار دلخواهش بود می‌گذراند. چند ساعتی از غروب را هم در کلاس شبانه درس می‌خواند. و به این ترتیب بود که با رنج و محنت بسیار دوران دبیرستان را به پایان رساند. در این زمان در یك سوپرمارکت بزرگ به شغل فروشندگی مشغول بود و به علت لاقیدی و سهل‌انگاری در کار ماهی چند بار مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت. اما با این همه که پیوسته در خطر اخراج قرار داشت به خیال رفتن به دانشگاه افتد و در حالی که هنوز از فکر شام شب و پرداخت کرایه خانه رنج می‌کشید به دانشگاه «جوا» رفت.

و رفتن به دانشگاه برای او که عمری را در مبارزه گذرانده بود مانند راه یافتن به بهشت گم شده بود

به همین دلیل هم در اولین فرصتی که به دست آورد نمایش کوتاهی را به نام «جنگ فرشتگان» نوشت که برنده جایزه اول نمایش نویسی دانشگاه شد و جایزه‌ای برابر با یك هزاردلار را گرفت.

و این همان نمایش نامه است که بعدها نویسنده آن را دوباره نویسی کرد و به نام «نرول ورفتوس» انتشار داد. موفقیت این نمایش نامه و اجرای آن که نزدیك به دوماه در تئاتر ادامه یافت از توماس لاینرویلیامز انسان دیگری بنام «تنسی ویلیامز» به وجود آورد که وجودش در حال حاضر از اعجوبه‌های ادبی این زمان به شمار می‌رود و نبوغش عالم گیر است. به هر حال با تولد «تنسی ویلیامز» ستاره‌ای در دانشگاه «جوا» درخشید و چشمها را متوجه خود ساخت. اگرچه او هنوز هم به فکر تهیه پول برای یك وعده غذای خود بود و داستان‌هایی می‌نوشت که تقریباً هیچ خریداری نداشت، اما در وان چنین عنصر نفس به وجود آمده بود که به فردا امید فراوان داشت و با شور بسیار به طرف آینده می‌رفت

به همین دلیل هم درست در آن هنگام که در یك کارخانه شیشه‌سازی به کار مشغول بود نمایشنامه «نمایشگاه سیار حیوانات» را نوشت که توجه کلیه منتقدین ادبی نیویورك را جلب کرد و تولد نمایش نویس جدیدی را مژده داد. در این نمایش نامه «تنسی ویلیامز» با مهارت یك نقاش روحیه زن تنهایی را نقاشی می‌کند که در دنیائی رویائی زندگی می‌کند و از واقعیات فراری است از این زمان به بعد تغییری شگرف در زندگی تنسی ویلیمز به وجود آمد روزهای شاد و شب‌های خوشبختی رسید و این خوشبختی هنگامی به بهیب رسید که در سال ۱۹٤۷ نمایش نامه «اتوبوس بنام هوس» را نوشت نمایش نامه موفقیت آمیزی که برنده جایزه پولیتزر شد و فیلمی که از روی آن ساخته شد یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای آمریکا بود. سال بعد نوبت انتشار داستان معروف «تابستان و دود» بود که در واقع ترکیبی از نمایش نامه «اتوبوس به نام هوس» و «نمایشگاه سیار حیوانات» بود همراه با داستان زن پر جوش و خروشی که نمی‌توانست آنچه را می‌کرد از مرد محبوبش به دست بیاورد و به ناچار تبدیل به پیر دختر دست نخورده‌ای شده بود نبوغ «تنسی ویلیمز» بعد از این تاریخ روزافزون بود. دانش موزی که طعم فقر را چشیده و شاهد بدمستی‌های پدر شده بود و دانش جویی که روزها را به پادوئی در میدان سبزی‌فروش‌ها گذرانده بود رفته رفته تبدیل به نویسنده‌یی شده بود که نه تنها امریکا بلکه جهان ادب به وجودش افتخار می‌کرد و او را اعجوبه‌ای به حساب می‌آورد. نمایش نامه «گربه روی شیروانی داغ» نیز برای او موفقیتی دیگر به بار آورد و جایزه معروف پولیتزر را برای بار دوم نصیب او کرد، اگرچه هنوز در نیمه راه موفقیت بود و یك بار دیگر با نوشتن نمایش نامه «ناگهان تابستان گذشته» نوشتن نقدهای تازه‌ای به نفع او شروع شد و یکی از بزرگ‌ترین منتقدین ادبی عنوان «ارجمندترین نمایش نامه نویس دنیا» را به او داد تنسی ویلیامز دیگر در قله افتخار جای داشت.

واز مرفه‌ترین زندگانی‌ها بهره‌برداری میکرد. به هرکجا روی می‌آورد با استقبال

کارگران خودساخته

روش ها، تاشهرت جاودانی

عمومی روبرو می‌گشت. از دیگر نمایش‌نامه‌های او باید از نمایش‌نامه «پرنده شیرین جوانی» و «شب‌های ایگوانا» را نام ببریم که هردوی ان‌ها نیز مانند اتوبوسی بنام هوس، گربه روی شیروانی داغ، «تابستان و دود» و «ناگهان تابستان گذشته» به صورت فیلم درامده و با موفقیت بی‌نظیری نیز روبرو شده‌اند. تنسی‌ویلیامز در نوشتن داستانهای کوتاه نیز مهارت فراوانی دارد و یکی از مجموعه‌های داستان او به نام «یك بازو و سایر داستان‌ها» انتشار یافته است.

قهرمانان آثار ویلیامز بیشتر اشخاصی ضعیف، رویایی، خیال‌پرست و هم‌جنس‌باز هستند. شخصیتهای او معمولا قدرت روبروشدن با واقعیات زندگی را ندارند، و این دلایل نیز همیشه بهانه‌ای بوده است برای منتقدین که به او بتازند و اثارش را مورد تهاجم قرار بدهند. اگر چه او یکی از ممتازترین نویسندگان عصر حاضر شمرده می‌شود و اثارش در جمع اثار کلاسیك جهان جای دارد.

تنسی‌ویلیامز گذشته از ذوق نمایش‌نامه و داستان نویسی در شاعری نیز دست دارد و یکی از مجموعه‌های شعری او «درزمستان شهرها» نام دارد که در نوع خود او را به شاعری نیز ممتاز و مشخص می‌کند، وروی همرفته می‌توان گفت این مرد، این هنرمند، این کس که نامش درجهان با تمامی گوش‌ها شناست پدیده‌ای از زمان ماست، زندگی را از محرومیت و تنگدستی شروع کرد، روزگاری دراز را به کارگری گذراند، انواع زندگی‌ها را همراه با مصائب مختلف و محرومیتهای فراوان گذراند، و طعم‌های متفاوت را چشید، و انواع واقعیات را ازمایش کرد تا سرانجام به قله موفقیت رسید و تاج افتخار و شهرت را برسرگذاشت.

این داستان واقعی است و چندی پیش در تهران اتفاق افتاده است

در تهران اتفاق

هیچ معلوم نیست چرا قهرمانان زن داستان‌های عاشقانه باید همیشه خیلی زیبا باشند در صورتی‌که در دنیای واقعی دخترهای زشت، دخترهای نیمه‌زشت و دخترهای زیبا همیشه به یك نسبت عاشق می‌شوند و زیبایی یا زشتی یك موجود بر ماهیت وجودی او اثری باقی نمی‌گذارد همان طور که ریحانه عاشق شهر، آرام‌ترین و خجول‌ترین دختر کارخانه تریکو بافی. دختری که همیشه در خودش بود و با دنیای اطراف کاملاً بیگانه به نظر می‌رسید. دخترهای کارگر که معمولاً با هم می‌جوشیدند و درددل‌هایشان را سرگوشی به هم می‌گفتند دخترهایی که از شور و تحرك مالامال بودند به او لقب مجسمه را داده بودند. جوان‌ها هم او را تلخ و نچسب می‌دانستند اما حقیقت این بود که ریحانه تنها بیشتر از حد معمول خجالتی بود و شاید هم چون خواهر و برادری نداشت و پدرش را نیز قبل از تولد از دست داده بود آن چنان با تنهایی خو گرفته بود که در مصاحبت با دیگران خودی خود را از دست می‌داد و غمگین و ساکت در پشت دیوار تنهایی بر جا می‌ماند. اما با این همه یك روز برایش حادثه‌ای پیش آمد و قهرمان سرنوشت سرانجام برسر راهش ظاهر شد تا با تیشه گستاخی، آن دیوار شیشه‌ای نامرئی را در هم بشکند و نیمه تنهای ناقص او را به نیمه دیگری پیوند بدهد. و آن روز، یکی از آن روزهایی بود که بی‌گمان در زندگی هر انسانی به وجود می‌آید و به عنوان یك روز برجسته و آینده ساز به ثبت می‌رسد تنگ‌غروب بود که ریحانه از کارخانه به خانه رسید، خانه‌ای که کوچك و محقر و محزون بود و عمرش شاید به صد سال می‌رسید، در یکی از محلات جنوب شهر و در میانه یك کوچه بلند دلگیر که همیشه بوی خاك و لجن از آن بلند می‌شد و از فریاد بچه‌هایی که مثل قارچ‌های وحشی در خانه‌ها روئیده بودند پربود. در خانه نیمه‌باز بود و از اتاقی که بیشتر اوقات صدای چرخ خیاطی مادرش از آن به گوش می‌رسید، صدای ناله غریبانه‌ای می‌آمد. انگار کسی به دردی ناگهانی دچار شده بود و از آن به شدت صیحه می‌کشید. آن چنان که خدا و رسول را به نام می‌خواند. ریحانه با عجله به طرف اتاق دوید. قمر تاج خانم، مادر پیری که عمری را با خیاطی صرف بزرگ کردن او کرده بود، در گوشه‌ای زیر چادر نماز گلداری روی زیلو افتاده بود و مثل مار گزیده به خود می‌پیچید. ریحانه به طرف مادر دوید و با حیرت به روی او خم شد. درد آن چنان فشار می‌آورد که پیرزن قدرت توضیح کافی را نداشت و تازه بعد از چند دقیقه، ریحانه فهمید که از چند ساعت پیش به دل درد دچار شده و شاید هم آپاندیست گرفته باشد. مجالی برای تامل نبود. باید اتومبیلی می‌گرفت و مادر را به بیمارستان می‌رساند

کیف دستی‌اش را برداشت و از خانه بیرون دوید. رنگ سرمه‌ای غروب به آرامی برسر کوچه فرود می‌آمد و اضطرابی دردناك برسینه ریحانه چنگ می‌انداخت. سال‌های سال فقط با محبت مادر زندگی کرده بود. مادر تنها ستون استوانه زندگی او و تنها مایه دل خوشیش بود، و اگر او را از دست می‌داد، در واقع خود را از دست می‌داد سر کوچه ایستاد. در روشنایی به انتظار یك تاکسی خالی ایستاد و همه‌اش خداخدا می‌کرد و از پیغمبر و امام‌ها طلب کمك می‌خواست. اما تاکسی‌های پر می‌آمدند و مثل قوطی‌های ساردین در هم فشرده و در حال انفجار از کنار دختر می‌گذشتند و بدون آن که به آن چه در او می‌گذشت پی‌ببرند می‌رفتند و دور می‌شدند. پنج دقیقه، ده‌دقیقه، یك‌ربع و سرانجام نزدیك به نیم‌ساعت گذشت حالا دیگر قلب ریحانه از ناآرامی مانند اسفنج به هم فشرده می‌شد و کسی در وجودش فریاد می‌کشید. وقت می‌گذشت و هر لحظه آبستن فاجعه‌ای بود تا ناگهان معجزه‌ای صورت گرفت. یك اتومبیل پیکان خاکستری رنگ جلوی پایش ترمز کرد، جوانی سرش را از پنجره بیرون کشید و گفت:

خانم کجا تشریف می‌برین؟

در یك لحظه موجی از وحشت در وجود ریحانه برخاست، اما در لحظه دیگر چهره پردرد مادر و صدای ناله‌های او آن موج را در وجود دختر در هم شکست و با صدای لرزانی گفت: «آقاتورو به خدا به داد من برسین. مادرم داره می‌میره. هر چی می‌خواین بتون میدم، به شرط این که کمك کنین اورو به بیمارستان برسونیم.»

جوان چند لحظه به او نگاه کرد. خوب پیدا بود مغزش مشغول حساب است، و حساب هم زود تمام شد. چون در اتومبیل را باز کرد، پیاده شد و گفت:

خیلی خوب، اما مریض کجاست؟

ریحانه که کمی سرخ شده بود با زحمت آب دهانش را فورت داد و گفت: «منو می‌بخشین، من هیچ کس رو ندارم که کمکم کنه. حال مادرم هم خیلی بده.... اگه شما برادری کنین و با من تا در خونه بیاین، شاید بتونیم اورو سوار ماشین کنیم.» و جوان باز به ریحانه نگاه کرد چهره‌اش ساده، و معصوم و پر التماس بود. رنگ بدبختی بر پیشانیش و رنگ اندوه در چشمانش نشسته بود و مانند کسی که شیشه عمرش دردست دیگری باشد و هر لحظه امکان به زمین خوردن آن وجود داشته باشد، به جوان نگاه می‌کرد جوان در اتومبیل را قفل کرد و در حالی که به راه می‌افتاد گفت:

–بیا بریم خواهر. هر چی باشه ما آدم‌ها باید به هم برسیم، و گر نه اصلاً آدم نیستیم!

و این آغاز آشنایی ریحانه و قدرت بود. همان طور که گفتیم ریحانه نه زیبا بود، نه خوش سروزبان و دل‌ربا، اما معلوم نیست در سادگی کودکانه او چه جذبه‌ای وجود داشت که از همان شب اول، هنگامی که سرما در را در اتومبیل بر سینه گرفته و با هزار زبان مهرآمیز قربان و صدقه او می‌رفت و به آینده امیدوارش می‌ساخت، توجه قدرت را جلب کرد. آن چنان که روز بعد با دسته گلی در بیمارستان به دیدار قمرتاج خانم که تازه از زیر عمل بیرون آمده بود، رفت و توانست از ریحانه که کم تر به روی کسی لبخند می‌زد، لبخند شیرینی دریافت کند. جواب مهربانی اگر همیشه مهربانی نباشد، اما بیشتر اوقات همان مهربانی است و هر عملی عکس‌العملی دارد، به همان گونه که یك هفته بعد روزی که قمرتاج خانم را از بیمارستان به خانه بردند، و لحظه‌ای آن خانه کوچك، دو مرتبه از نور سعادت و امید روشن شد، قدرت سرانجام جواب آن چه را که می‌خواست از چشم‌های نجیب و شرم زده ریحانه گرفت و جلوی در، وقتی دست او را برای خداحافظی می‌فشرد، از زبان او شنید که: «محبت‌های شما رو هیچ وقت فراموش نمی‌کنم، اگه شما نبودین، مادرم دیگه به این خونه بر نمی‌گشت. کاش می‌تونستم یك جوری محبتتون رو جبران کنم...» قدرت فقط به او نگاه کرد با چنان نگاهی که قلب باکره ریحانه ناگهان از هجوم موجی از زنانگی فرو ریخت و به طور ناگهانی به احساس تازه‌ای دست یافت، احساسی که نامش را در آن زمان نمی‌دانست و با ماهیتش به کلی بیگانه می‌نمود. اما چند شب بعد، وقتی بیرون از کارخانه قدرت را با اتومبیل پیکان خاکستری رنگش، در انتظار خود دید، وقتی در کنار او نشست و از احساس بوی تن او به تنگی نفس و گرفتگی قلب دچار شد و بالاخره وقتی سر کوچه‌ای که باید از اتومبیل پیاده می‌شد از او شنید که: «ریحانه، هیچ می‌دانی به همین زودی عاشقت شده‌ام.» تازه به ماهیت آن احساس پی برد و در حالی که با انگشت‌های دست خود بازی می‌کرد، در سکوت به خود اعتراف کرد که او هم عاشق قدرت شده است. و این آغاز ماجرایی بود که بی‌گمان زندگی او را در مسیر تازه‌ای به جریان در می‌آورد و از او که هرگز خوش‌بخت نبود، یك خوش‌بخت می‌ساخت. و همین طور هم شد، چون قدرت به زودی به سادگی راز دلش را با قمر خانم در میان گذاشت و ریحانه را از او خواستکاری کرد. برای دختری به سادگی و صفای ریحانه، دیگر سعادتی بیشتر و بالاتر از این به تصور نمی‌آمد.

عشق، ازدواج، تشکیل خانواده، بازو به بازوی شوهری دوستداشتنی مثل قدرت دادن و تاج مادری را بر پیشانی گذاشتن. دخترك دیگر روی ابرهای خاکستری آسمان میانه پائیز پرواز می‌کرد و عجیب آن که رفته‌رفته آثاری از زیبائی در چهره‌اش ظاهر می‌شد. سعادتش دیگر کاملاً بی نقص به نظر می‌آمد، آن چنان که شبی که با قدرت برای خرید حلقه ازدواج به یکی از مغازه‌های خیابان اسلامبول رفتند و با یك جعبه پر از نان خامه‌ای به خانه برگشتند، بعد از خداحافظی با نامزد محبوبش، نخست قمرتاج خانم را چند لحظه در آغوش گرفت. بعد به اتاق دیگر رفت. سرش را به روی جانماز مادر گذاشت و از سر شوق به گریه درآمد که ای خدا، چطور شکر این سعادت را بگذارم که تو بزرگی و من کوچك، و کم قدرت‌تر از آن که بتوانم شکرت را آن چنان که باید بگذارم.... و به این ترتیب نه تنها آتش عشق در وجود ریحانه شدیدتر شد و حرارت بیشتری یافت، بلکه دامنه معاشرت‌های او و قدرت نیز وسیع‌تر و وسیع‌تر شد، تا به جایی که دیگر تمامی شب‌ها را با هم می‌گذراندند و هنگامی که از هم جدا می‌شدند، همان حالتی را داشتند که هنگام رسیدن به هم داشتند. جوان بودند و تشنه. ریحانه تشنگی را در شرم و حجب دخترانه خود پنهان می‌کرد، اما قدرت که از گستاخی مردانه بهره کافی داشت، آنچه را که می‌خواست در اوج بحران‌های غریزی هنگامی که ریحانه را چون کبوتری وحشت‌زده بر سینه می‌فشرد و به زبان می‌آورد. او را مال خود می‌دانست و می‌خواست آنچه را که مال او بود، تصاحب کند و سرانجام هم در یك شب توفانی

پائیزی که قمرتاج خانم به خانه خواهرش رفته و تا دیروقت بازنگشته بود، آنچه را می‌خواست به دست آورد و به آن باز رسید!

بطور معمول، دونده‌ها، بعد از رسیدن به هدف، احساس خستگی می‌کنند، اما آتشی که در وجود قدرت و ریحانه شعله می‌کشید زبانه‌دارتر از آن بود که به آسانی فرو بنشیند. یك دیگر را دوست می‌داشتند، با هم نامزد بودند و با سرعت به طرف آینده می‌رفتند. این را هر روز ریحانه به مادرش می‌گفت و از نقشه‌ها و آرزوهای خود با پیرزن سخن‌ها می‌گفت، غافل از آنکه هر کدام از ما فقط خودمان را می‌بینیم، خودمان را می‌شناسیم و با دیگران هر چقدر نزدیك باشیم، باز بیگانه‌ایم.... چون هر وجودی از وجود دیگر مجزا است، و هر کس در دنیای خودش که ساخته اندیشه‌ها و افکار خود اوست زندگی می‌کند، به هر حال ریحانه تا زمانی که مادر قدرت از ساری به تهران نیامده بود، همچنان در دنیای دختران خوشبخت زندگی می‌کرد، آنچنان که دخترهای کارخانه دیگر عنوان مجسمه را از روی او برداشته بودند و جوان‌ها هم دیگر او را تلخ و نچسب نمی‌دیدند، اما با آمدن عالم خانم، به یك بار، توفانی شروع به وزیدن کرد تا شکل همه چیز را تغییر بدهد، اولین برخورد عروس و مادرشوهر

افتاد

ینده، خوب بودر دیدارهای بعدی نیز اصطکاکی رخ نداد که بتواند به روی آینده درخشان دختر غباری بنشاند، اما از هنگامی که صحبت تاریخ عروسی به میان آمد، چیز نامحسوسی در روابط آنان متولد شد که در آغاز شکلی نداشت، اما رفته‌رفته در حرف‌های نیش‌دار عالم خانم‌جان گرفت و مانند خاری به قلب حساس ریحانه فرو میرفت، تا سرانجام روز حادثه فرا رسید، و آن روز، روزی بود که بین عالم خانم و قمرتاج خانم بر سر جهیزیه‌ای که باید ریحانه به خانه شوهر می‌برد، گفت و گوی تندی درگرفت، عالم خانم از عروس آینده‌اش همه چیز می‌خواست. یك اتاق‌خواب به ضافه یك دست مبل و یك فرش و تمام لوازم ضروری دیگر..... ما سرمایه ریحانه فقط به اندازه خرید یك تاق‌خواب ساده بود. شاید هم کمی کم‌تر که ریحانه به خیال خودش می‌خواست آن کمبود را با وامی که از کارخانه می‌گرفت، جبران کند، اما عالم خانم اصلاً این حرف‌ها را نمی‌فهمید دنیای او دنیای کوچك و حساب‌گرانه یك مادر بود، مادری که همه چیزها را برای پسر یکی یکدانه و عزیز کرده‌اش می‌خواست. گفت و گو بالا گرفت و رفته‌رفته به مجادله کشید. قدرت در مجلس نبود. شاید هم به عمد نیامده بود. به هرحال به زودی صدای مادرها بالا رفت و اوج گرفت و سرانجام عالم خانم کیف مستعملش را برداشت و در حالی که از در بیرون می‌رفت، گفت: «این پنبه‌رو که قدرت یه روز دخترترو بگیره از گوشت بیرون بیار. ما عروس گدا نمی‌خواهیم. برین یه حمق دیگه‌رو به تور بیاندازین.. خداحافظ!...»

و در را محکم به هم کوفت و رفت.....

مادر و دختر مدتی با هم حرف زدند. بعد ریحانه که چشمانش از اشك پر بود چادر نمازی به سرش انداخت و از خانه بیرون رفت. خوشبختانه کیوسك تلفن خالی بود. گوشی را برداشت و شماره اداره قدرت را گرفت. هیچ معلوم نیست در تلفن به هم چه گفتند و چه شنیدند. فقط آخرین کلام ریحانه را بشنوید که گریه‌کنان در گوشی گفت: خوب قدرت، پس تو هم طرف مادرت رو می‌گیری، باشه عزیزم... خداحافظ.... و بعد با سرعت به خانه برگشت. قمرتاج خانم در اتاق نماز می‌خواند که یك دفعه صدای فریادی تلخ درگوش‌هایش پیچید، و به دنبال آن فریادی شدیدتر، و هنگامی که از اتاق بیرون دوید، ریحانه را سرتاپا غرق نفت و آتش در حیاط دید که می‌سوخت و فریاد می‌کشید.....

روزنامه‌های فردا شب، ضمن خبر کوتاهی از خودکشی دختر جوانی به نام ریحانه خبر دادند که گویا به علت اختلاف با مادرشوهر آینده، به خودسوزی روی آورده بود، و پزشك قانونی تصدیق کرده بود که ریحانه دو ماهه آبستن بوده ست!..

جدول کلمات متقاطع

جدول سرگرمی مسابقات

از: جهانگیر پارساخو

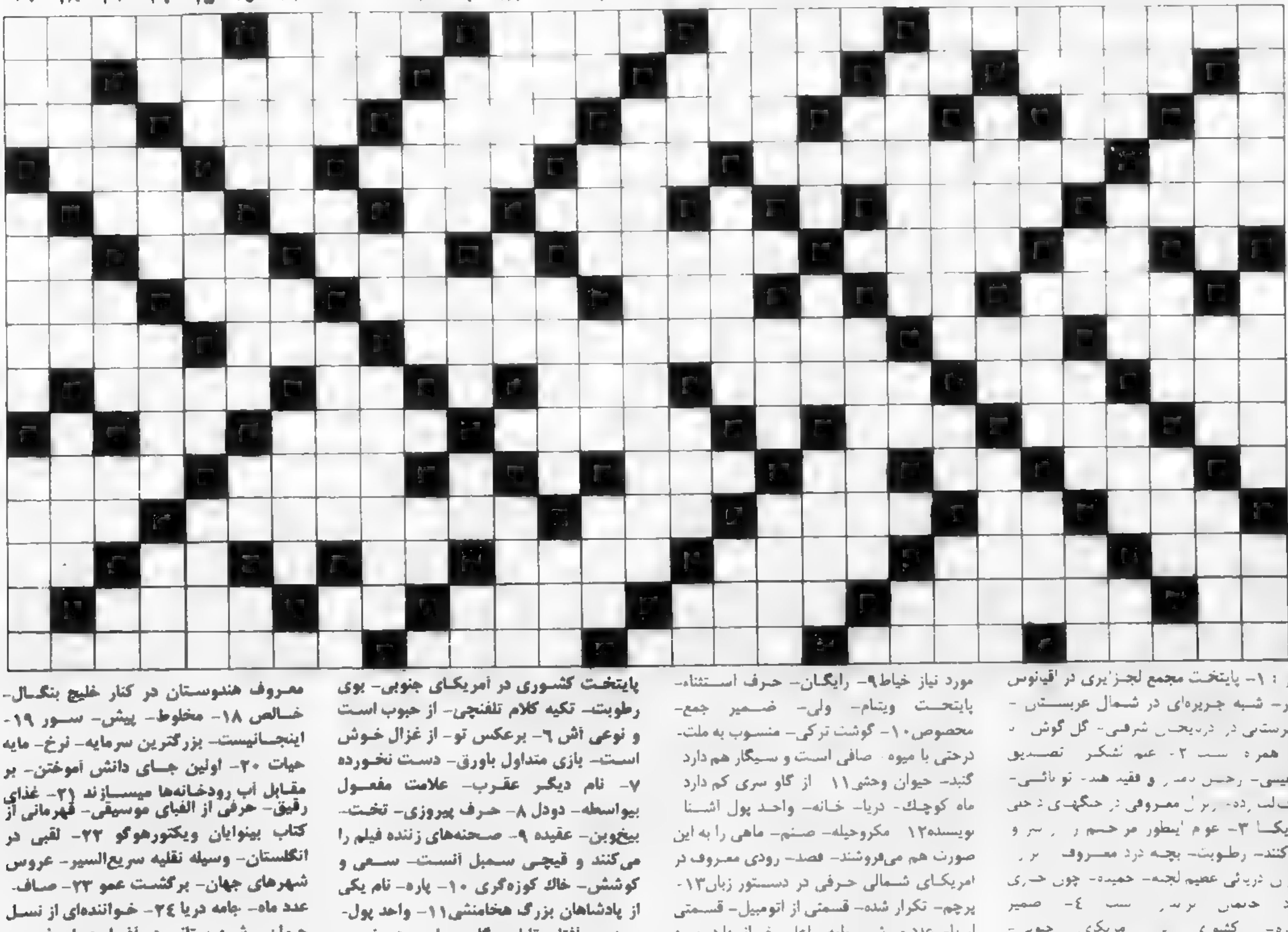

افقی: ۱- پایتخت مجمع الجزایری در اقیانوس کبیر- شبه جزیره‌ای در شمال عربستان- شهرستانی در [illegible] شرقی- گل گوش [illegible] داد همره [illegible] ۲- [illegible] تصدیق [illegible]- [illegible] و فقیه هند- تو [illegible]- [illegible] معروفی در [illegible] مریکا ۳- [illegible] مرحم [illegible] می‌کنند- رطوبت- بچه دزد معروف [illegible] حیوان دریائی عظیم الجثه- حمیده- چون [illegible] شود [illegible] ۴- ضمیر [illegible]- کشوری [illegible] مریکای [illegible]- مورد نیاز در گرمابه [illegible] شده- حرف [illegible] دسته ورزشی ۵- [illegible] مزگی [illegible] درس [illegible] پسندیده- ضمیر مفرد- [illegible] متداول [illegible]- [illegible] ۶ [illegible] فرسوی- ثمر و [illegible]- [illegible] و نمیرد [illegible]- وسیله- گوسفند [illegible]- حرف [illegible] ۷ [illegible] باشد- پدرعرب- نامی برای دختر خانمهای خارجی- با رستم سبب نزدیك داشت- نعمی برای هیچکس خرد نمی‌کند۸- بیهوده- مورد نیاز درودگر- اثری از ژان‌پل سارتر- قاصد مورد نیاز خیاط۹- رایگان- حرف استثناء- پایتخت ویتنام- ولی- ضمیر جمع- محصوص۱۰- گوشت ترکی- منسوب به ملت- درختی با میوه [illegible] صافی است و سیگار هم دارد گنبد- حیوان وحشی۱۱ [illegible] از گاو سری کم دارد ماه کوچك- دریا- خانه- واحد پول آشنا نویسنده۱۲ مکروحیله- صنم- ماهی را به این صورت هم می‌فروشند- قصد- رودی معروف در امریکای شمالی حرفی در دستور زبان۱۳- پرچم- تکرار شده- قسمتی از اتومبیل- قسمتی از پا- عدد ورزشی- پایه- اغلب خانمها در مورد خود درست نمی‌گویند ۱۴- زشت و ناپسند- نایب و زیر مختار- اصطلاحی در بوکس- بلند- کفش چهارپا- مقصود مرید ۱۵- سرزنش- بیماری پرتاب شدنی- رودی در آلمان- خاتون- اثری تاریخی در اصفهان

[illegible]: ۱- از شهرهای غرب کشور قرارداد- شیر ۲- تاجش خیلی معروف است- بلا- طفل ۳- جنس مذکر- دل آزار کهنه- اوازه- بزرگ ٤- دریاچه‌ای در ترکیه شهری در عراق- دولتی باستانی- کوچك ٥- پایتخت کشوری در آمریکای جنوبی- بوی رطوبت- تکیه کلام تلفنچی- از حبوب است و نوعی آش ٦- برعکس تو- از غزال خوش است- بازی متداول باورق- دست نخورده ۷- نام دیگر عقرب- علامت مفعول بیواسطه- دودل ۸- حرف پیروزی- تخت- بیخوبن- عقیده ۹- صحنه‌های زننده فیلم را می‌کنند و قیچی سمبل آنست- سعی و کوشش- خاك کوزه‌گری ۱۰- پاره- نام یکی از پادشاهان بزرگ هخامنشی۱۱- واحد پول- سرزمین آفتاب تابان- گل بسیار سرد- خوبی است و نامی برای آقا پسرها- خطی که سیارات بدور آفتاب می‌پیمایند ۱۲- پنهان- وسیله‌ای برای صید ماهی- چپ تازی ۱۳- گندم از آسیاب برگشته- کارهائی که شرعاً یا عرفاً منع و نهی شده است- برگشت آنی ۱٤- نوعی پارچه زنانه- نوعی لباس بلند مردانه- از اصل جدا می‌شود- ماه کم حرف ۱۵- نویسنده گربه روی شیروانی داغ ۱٦ واحد وزن- پهلوان- طایفه- از داور چیزی کم دارد ۱۷- قوت‌لایموت- شهروبندر معروف هندوستان در کنار خلیج بنگال- خالص ۱۸- مخلوط- پیش- سور ۱۹- اینجانیست- بزرگترین سرمایه- نرخ- مایه حیات ۲۰- اولین جای دانش آموختن- بر مقابل آب رودخانه‌ها میسازند ۲۱- غذای رقیق- حرفی از الفبای موسیقی- قهرمانی از کتاب بینوایان ویکتورهوگو ۲۲- لقبی در انگلستان- وسیله نقلیه سریع‌السیر- عروس شهرهای جهان- برگشت عمو ۲۳- صاف- عدد ماه- جامه دریا ۲٤- خواننده‌ای از نسل جوان- شهرستانی در آذربایجان غربی- گونه- شراب ۲۵- قربان- مفتول فلزی- عنصری در شیمی- کمك ۲٦- راه‌کوتاه- مزه‌یی است و آدمی که اخم میکند رویش چنین است- از سلاحهای دربائی- قسمتی از پا ۲۷- مورد نیاز کبابی- دام- لحظه- تصدیق روسی ۲۸- دردناك- کباب درختی- پاك‌وپاکیزه ۲۹- زبان ترکها- دستگاهی از موسیقی ایرانی- جامه زنانه.

۱

۲

۳

کدام سایه به مرد تعلق دارد؟

در میان این سه سایه، یك سایه به مردی که مشغول کار است تعلق دارد، آن سایه کدام است؟

جای کدام شکل هندسی خالی است؟

یکی از اشکال هندسی که در قاب دیده می‌شود در پائین قاب جایش خالی است و وجود ندارد. ان شکل هندسی کدام است؟

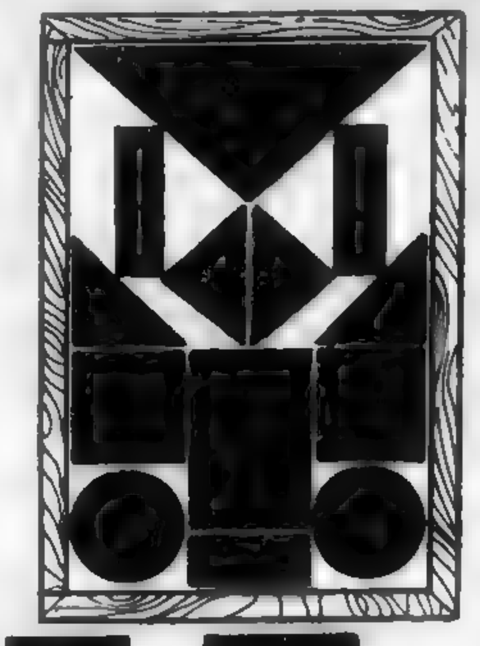

آزمایش هوش

درمیان اشیائی که درظاهر به اتومبیل آقا تعلق دارد، سه‌شیئی یافت می‌شود که با اتومبیل بهیچوجه بستگی ندارد، که برای شرکت درقرعه‌کشی و بهره‌گیری ازجوایز، کافی است سه‌شیئی را مشخص کنید.

اشتباه نقاش را تصحیح کنید

نقاش که این تصویر را کشیده سایه یکی را برای دیگری گذاشته است. او این عمل را تکرار کرده که در نتیجه تمام سایه‌ها جابجا شده است

حال با شما خواننده عزیز است که سایه هر گیاه را پیدا کرده و با این کار خود اشتباه نقاش را تصحیح کنید.

فال

فروردین

بدنبال سوء تفاهمی که میان شما و او بروز میکند، چند تا از برنامه‌های این ماه‌تان بهم میخورد. اگر واقعا دوستش دارید، معذرت بخواهید. جمعه‌ها خوش‌ترین روز این ماه شماست. به همه وعده‌ها و قولهائی که بشما میدهند، اعتماد نکنید که سخت پشیمان میشوید.

اردیبهشت

قبل از انکه درمورد او تصمیم بگیرید، خوب درباره او و میزان علاقه خودتان باوفکر کنید. اگر بعشق خود اطمینان دارید، قدم پیش بگذارید. چهارشنبه‌ها شیرین‌ترین روز این ماه شماست. اگر کورکورانه عمل کنید بشکست شما منجر میشود سعی کنید عامل مراحمت را ار سرراه و کار خود بردارید.

خرداد

اگر قصد ازدواج دارید، بهتر است بازهم کمی دیگر صبر کنید. دراین ماه ناچار میشوید تصمیم مهمی اتخاذ نمائید. جمعه‌ها بشما خوش میگذرد. بهتر است چند وقت هم که شده دست از کار بکشید و استراحت کنید. از بابت سلامتی خود هیچگونه نگرانی نداشته باشید.

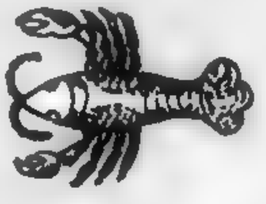

تیر

بیش از حد احساساتی هستید. این احساساتی بودن ممکن است به زیان شما تمام شود. خبرخوش دریافت میکنید. یکشنبه‌ها خوشترین روز این ماه شماست. در جریان روزهای آینده خرج بزرگی برایتان پیش می‌آید. ثمرات این خرج بعدها ظاهر خواهد شد.

مرداد

به نصایح این و آن توجه نکنید. یك دوست قدیمی و سالخورده کمك ارزنده‌ای بشما خواهد کرد و شما را یکقدم به موفقیت نزدیك‌تر خواهد ساخت. در کار روزانه خود با مشکلی روبرو میشوید. ولخرجی نکنید، چون بزودی بپول احتیاج پیدا میکنید.

شهریور

چند روز دیگر جانب احتیاط را نگهدارید. بعداً اقدام کنید. در اوایل ماه حادثه‌ای رخ میدهد که عزت‌نفس شما را ارضاء میکند. بزودی یکی ازاطرافیانتان با شما برخوردی پیدا میکند. سعی کنید با کاردانی این مشکل را رفع کنید. احساس دلتنگی میکنید، و این به سبب دوری از خانواده است.

مهر

در این روزها مراقب سلامتی خود باشید. دوست دشمن‌نمائی سر راه شما قرار میگیرد، ولی نمیتواند به شما لطمه‌ئی بزند. بهتر است چند وقت دیگر هم با مشکلات مبارزه کنید. این روزها برای خرید و فروش و هر نوع معامله‌ئی مناسب است. ملاقات بسیار شیرینی در انتظار شماست.

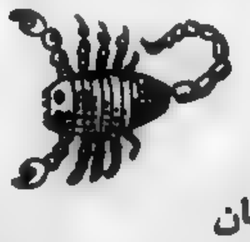

آبان

در پایان این ماه امیدواری زیادی به زندگی خود پیدا میکنید. از مسئولیتهای جدید هراس نداشته باشید. در این هفته پیشنهاد کار جدیدی بشما میشود. خوشبختانه هرگز دچار تردید نمی‌شوید. همه اطرافیان مهر و علاقه‌شما رابدل‌دارند روزهای خوش و شیرینی در انتظارتان است.

آذر

این روزها در عشق شانس بزرگی بشما روی می‌آورد. یك حادثه غیر مترقبه در انتظار شماست. شنبه بهترین روزهای هفته این ماه شماست. سعی کنید اسیر احساس بلندپروازی نشوید. شئی مورد نظرتان را در این هفته بدست می‌آورید. کبد شما خسته است، به پزشك مراجعه کنید.

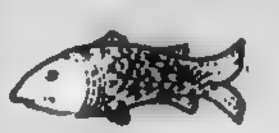

دی

روزهای یکنواختی در پیش دارید، کوشش کنید بوعده‌هائی که میدهید عمل کنید، تا محبوبیت‌تان بیشتر شود. یك پیشنهاد شغلی بسیار با در آمد، بشما میشود. از شانسی که در این ماه بشما روی آورده، استفاده کنید. از این که اطرافیانتان بشما حسن نیت دارند، بسیار لذت میبرید، ممکن است با یکی از بستگان اختلافی پیدا کنید که به زودی حل خواهد شد.

بهمن

در اواخر ماه ماجرائی پرفراز و نشیب در پیش دارید. بدست بدگویان و سخن‌چینان بهانه ندهید تا نتوانند از شما بدگوئی کنند. در شك و دو دلی بسر نبرید.

این حالت را از خود دور کنید که به صلاح شما نیست. به یك میهمانی دعوت میشوید، بروید و از دقایق خود لذت ببرید، احتمالاً شخص دلخواه خود را در آنجا ملاقات می‌کنید.

اسفند

روزهای بسیار خوشحال کننده‌ئی میگذرانید، در کنار متولدین اردیبهشت ماه احساس آرامش خواهید کرد. دلتان از دوست نزدیکی گرفته، زیاد تقصیر متوجه او نیست، اینجا شخص ثالثی بین شما و او قرار گرفته و سخن چینی‌های اوست که این اختلاف را سبب میشود. به مسافرت میروید و در جریان سفر با مسائل تازه‌ئی روبرو میشوید.

روزی که
کارگران تعمیرگاه «متمدن»

صبح روز اول کار بود. پس از یك مسافرت دلپذیر و بعد از آنهمه اتفاق و حادثه حالا اکبرآقا باید آماده میشد تا برود سرکار. بوی فضای تعمیرگاه، بوی روغن‌های سوخته برایش خاطره‌انگیز بود. اکبرآقا توی رختخواب غلت میزد که صدای مادرش را شنید:

– «ننه، اکبر، بلند میشی یا نه؟»

اکبرآقا خستگی درکرد و باکرختی گفت:

– «مادرجون، به وقت تهرون ساعت چنده؟»

مادر اکبرآقا ظرف پنیر را داخل سفره پارچه‌ای روی زمین گذاشت و با حیرت و تعجب گفت:

– «ساعت بوقت کجا چیه؟»

– «گفتم ساعت به وقت تهرون چنده؟»

مادر اکبرآقا از خنده ریسه رفت و بعد گفت:

– «تبارك‌الله احسن‌الخالقین. ماشاءالله به این بچه ایرونی، ده پونزده روز رفته خارجستون، خیال می‌که هنوز تو فرنگه و توشهر کفار! بلندشو پسر خجالت بکش، ساعت اینجا ایرونیه. حالام یکربع داریم به هفت صبح، می‌فهمی؟»

اکبرآقا بلندشد، توی رختخواب نشست. به سفره صبحانه نگاه کرد: توی سفره نان و پنیر و عسل و دوتا تخممرغ آبپز گذاشته بودند.

– «بیفتک میفتك نداریم؟»

مادر متعجب به او نگاه کرد:

– «جیفتك دیگه چیه؟»

اکبرآقا بلند شد، آمد سرسفره نشست و با خنده گفت:

– «ببین مادر، صبحانه آدم باید گوشت و سبزی بخوره با آبپرتقال. درضمن من گفتم بیفتك نگفتم جیفتك. آدم باید میلش بکشه....»

پس از این حرف دست برد توی سفره تا لقمه غذائی بردارد، که یك‌پشت‌دستی محکم از مادرش خورد:

– «مادر ذلیل‌شی. مثل اینکه پاك مسلمونیتو از یادبردی، تو میدونی شبا شیطون چه‌کارهائی در صورت آدم می‌که؟ دست ورو نشسته و وضونگرفته و نمازنخونده، اومدی سرسفره میخوای برکت رو از خونه من ببری؟»

اکبرآقا نگاهی به دستش انداخت و بعد با خنده گفت:

– «مادرجون چه‌عیبی داره که بعد از صبحونه دندانها و صورتم رو بشورم؟»

– «بلندشو، بلندشو، این اطوارها رو ببر همون فرنگستون. اینجا حنات رنگ نداره، بلندشو ببینم. تادست و روتو نشستی و وضو نگرفتی و نماز نخوندی، از صبحونه خبری نیست»

اکبرآقا زیرلب گفت:– «عجب‌گیری افتادیمها. فاصله دونسل یعنی همینها که نمی‌که. نماز رو راست میگه، باید خوند، اما درعصری که آدم داره توکره ماه راه میره، مادر میگه شیطون شباتو صورت آدم چیکار می‌کنه...»

مادر اکبرآقا بلندبلند گفت:

– «آدم توکره ماه عصر راه بره یا صبح راه بره باید صورتتو بشوری خیال کردی اینجاشهر هرته؟»

در همین وقت صدای سرفه خان‌دائی بگوش رسید و عصازنان آمد داخل اتاق:

– «چی شده ابجی، صبح اول صبح باز غرغرت دراومد؟»

مادر اکبرآقا یك تکه پنیر گذاشت لای نان وبعد گفت:

–«از قدیم گفتن خواهرزاده حلال‌زاده به دائیش میره. حالا این اکبر جیگولو خارج رفته هم میخواد دست ورو نشسته خودشو بیاره سرسفره برکت صبح» خان دائی زد زیر خنده ودر همین وقت اکبر آقا با حوله‌ای که در دست داشت وارد اتاق شد ونشست سرسفره وبه خان‌دائی سلام کرد:

–«باید عصر که میام یك لول کاغذ با خودم بیارم، نمیشه که آدم همش از یك حوله استفاده کنه، بهداشتی نیست.»

مادر اکبرآقا به خان دائی نگاه کرد وگفت:

–«بیا، خیال کرده اینجا جلوکبابی حسن آقاس، که با کاغذ چربی کبابرو از دست ودهانش پاك کنه. حوله به این تمیزی، آقا میخواد دست وروش رو با کاغذ لوله پاك کنه. زمونه خراب شده داداش، دوره آخر زمون که میگن همینه دیگه»

• • •

ساعت هشت بامداد بود که اکبر آقا جلوی تعمیرگاه از تاکسی پیاده شد وپس از پرداختن پول تاکسی، وارد تعمیرگاه شد. وبه مجرد اینکه چشمش به فضای تعمیرگاه افتاد، جا خورد؛ بروبچه‌های میکانیك به صف ایستاده بودند. اکبر آقا دلش غنج رفت و رفت جلو، ودر همین وقت حسین قوچی جلو آمد وشروع کرد به نطق کردن:

–«من حسین، شهرت قوچی، کارگر قسمت صافکاری، ورود آقای اکبر آقا را به تعمیرگاه خوش آمد میگوییم. ما کارگران تعمیرگاه خیلی خرسندیم که یك کارگر از میان ما به خارجستان سفر کرد ونام وشهرت کارگر ایرانی را در فرنگ سر زبانها انداخت. نهایت خوشحالیمان اینست که اکبر آقای ما توانسته یك مطرب، ببخشید، یك هنرپیشه بزرگ بین‌المللی بشود. حال که به خواست خداوند متعال به میان ما برگشته‌اید، ورود شما را با گیربکس ودیفرانسیل وروغن وبچه‌های با معرفت تعمیرگاه خوش آمد میگوئیم، وحالا یك صلوات بسلامتی اکبر آقا......»

همه به اتفاق صلوات فرستادند ویکباره همه ریختند جلو واکبر آقا را زیر باران بوسه گرفتند. اکبر آقا مرتباً می‌گفت:

–«متشکرم، قربون معرفتتون، قربون صفاتون» بعد که صحنه آرام شد، اکبر آقا در سالك دستی‌اش را باز کرد وبهر کدام از بچه‌ها یك پیراهن یا کراوات ویا ادوکلن وعطر تومات داد وکار شروع شد. همه رفتند سرکارهایشان. اکبرآقا رفت جلوی اتومبیل‌های صف کشیده تا مشغول کار شود.......... او حالت خاصی داشت. ماشین‌ها توی یك صف ایستاده بودند با کارتهائی که مشخصات ماشین‌ها روی آنها نوشته شده بود اکبرآقا زیرلب گفت:

–«وهه ...... من اومدم. حالا میخوام ببینم کدوم ماشین خیال خراب شدن داره؟!» وشروع کرد به کار کردن. رئیس تعمیرگاه از پشت شیشه ناظر کار اکبرآقا بود. اکبرآقا رفت داخل رختکن وپس از مدتی با یك لباس جین آمد بیرون. بهر کدام از دستهایش یك کیسه کشیده بود که آستین‌هایش روغنی نشود. دور یخهاش را نیز یك پارچه برزنت کشیده بود ودوجفت چکمه نیز به پا داشت. آمد جلوی اتومبیل‌ها کلاهی را که به دست داشته روی سرش گذاشت. یك پارچه زرد رنگ را جلوی دهان وبینی‌اش بست وگفت:

–«خدایا به امید تو.......»

پس از آن، یك ضرب خوابید روی تخته متحرك وخواست برود زیر اتومبیل که متوجه شد همه ایستاده وبه او نگاه می‌کنند. لحظه‌ای به خودش نگاه کرد ودوباره به آنها خیره شد، دوباره بلند شد ونشست، دید همه به او خیره شده‌اند:

–«چیه؟ چه خبره، جن دیدین؟!»

حسین قوچی در حالیکه می‌خندید، آمد جلو وگفت:

–«اکبر جان، فکر کردی اومدی تو اتاق عمل، این اطوارها چیه که در میاری؟»

اکبر آقا به خودش نگاه کرد:

–«خوب مرد حسابی مگه چه عیبی داره؟ مگه تعمیر ماشین چه فرقی با تعمیر آدم داره؟ اینجام یه اتاق عمله اگه ماتروتمیز کار کنیم فکر میکنی میگن عوضی هستیم؟ باهاس حتماً از سر و صورتم روغن بچکه؟ چائی رو با دستهای خاکی بخورم؟ دستام رو با پودر رختشوئی بشورم؟ من میخوام از امروز مجهز کار کنم، شماهام اگه عشقتونه، میتونین مثل من باشین.»

حسین قوچی نگاهی به بقیه انداخت و گفت:

– «راست میگه بچه‌ها، چه عیبی داره تروتمیز باشیم؟»

اکبرآقا خنده‌کنان رفت زیر ماشین و مشغول کار شد. تعمیرگاه به یك پارچه شور و هیجان مبدل شده بود...

• • •

ساعت ناهار فرا رسید. از بلندگوی تعمیرگاه ساعت ناهار اعلام شد. اکبرآقا از داخل موتور یك ماشین سرش را اورد بیرون. به کارهائی که کرده بود فکر کرد: پنج اتومبیل را راست و ریس کرده بود. رفت داخل رختکن. کیسه‌ها را از روی دستش برداشت. پارچه روی دهانش را هم برداشت و مچ پیچها را هم باز کرد و اینبار با یك صندلی کوچك و یك میز تاشو آمد بیرون و رفت توی افتاب نشست. ظرف غذایش را باز کرد یك بشقاب مقوائی و یك لیوان مقوائی و فلاسك چای را گذاشت جلویش و از داخل فلاسك گرم کننده غذا، چند کتلت و سیب‌زمینی گذاشت توی بشقاب، چنگال و کاردش را هم اماده کرد. بعد دست هایش را با صابون و آب گرم شست انها را با دستمال کاغذی پاك کرد و نشست پشت میز برو بچه‌های دیگر که هرکدام روی روزنامه‌ها در اطراف تعمیرگاه نشسته بودند لقمه بدست به او خیره شده بودند، حسین قوچی آمد جلوی اکبرآقا و با خنده گفت:

– «اکبر اقا این دیگه چه صیغه‌ایه؟»

اکبر اقا لقمه را گذاشت دهانش و گفت:

– «اینو بهش میگن بهداشت و لذت بردن از غذا.»

– «مگه ما لذت نمی‌بریم؟»

– «نه، شما فقط غذا می‌خورین که شکمتون سیر بشه، من غذا میخورم واسه اینکه هم تمیز بخورم و هم لذت ببرم، شما که روی روزنومه‌ها غذا می‌خورین لذت می‌برین؟»

– «خوب غذا میخوریم دیگه...»

– «بخورین، منم اینطوری میخورم...»

حسین قوچی با خنده گفت:

– «اگه مثل تو بخوریم چقدر خرج داره؟»

– «خرج زیادی نداره، غذاتون رو که از خونه بیارین تازه استفاده هم کردین...»

اکبرآقا در مجموعه داستانی «اکبرآقا»

محمد علی عرفی نژاد

اگر قبلاً نخوانده‌اید این مقدمه را بخوانید:

اکبرآقا یک کارگر است و در یک کارگاه کار می‌کند و از صبح تا غروب سرش توی موتور و گیربکس و دیفرانسیال است. یک مادر دارد که از جان عزیزترش میدارد و یک خان‌دائی که برای خودش ناپلئون زمانه است. لطف زندگی اکبر آقای ما، در اینست که هرگز از پای نمی‌افتد، هرچیز را به تنهایی خود تجربه میکند و هربار به قول خودش «خیطی» بالا می‌آورد، اما بهرحال او میخواهد که همه چیز را یاد بگیرد و همه چیز داشته باشد. مشکل دیگر اکبر آقا انتخاب همسر است. دربدر دنبال دختری می‌گردد که زندگی او را بشناسد، به روحیه‌اش وارد باشد و بعبارت دیگر درکش کند.

این بود که راه افتاد بطرف لندن، آنهم قسطی با یک تور مسافرتی. با کلی ترس و لرز سوار هواپیما شد و رفت روی هوا و بقول خودش با کبوتر آهنین بال بطرف کشورهای خارجه براه افتاد. اما از بخت خوش یا ناخوش، از همان آغاز راه دخترکی چشم سیاه بنام «بنفشه» کنار دستش نشست و حال اکبر آقا را گرفت... در فرانکفورت یک توقف کوتاه کردند و دوباره بطرف لندن پرواز کردند و عاقبت در فرودگاه لندن از هواپیما پیاده شدند. مشکل تازه در اینجا آغاز شد که اکبرآقا همراه خودش یک قلیان برده بود که در فرودگاه توقیف شد و عاقبت بهنگام خروج تازه غم عشق «بنفشه» و دوری از او، روی دلش نشست. بهرحال در هتل اتاق گرفت و با اصغرآقا هم‌اتاق شد.

بعد از چندروز اکبرآقا برای شرکت در یک فیلم انتخاب شد و بعنوان یک هنرپیشه مطرح شد. ولی ناچار شد بسرعت به تهران برگردد... روز از نو روزی از نو...

...شدند!

همه یکصدا فریاد کردند: «هورا تمدن، هورا غذای فرنگی، هورا بهداشت...»
با دیدن این صحنه اشک توی چشم اکبر آقا جمع شد.

اکبر آقا به حسین قوچی خیره شد و حسین قوچی یکدفعه فریاد زد:
– بچه‌ها باید همه متمدن بشیم. کارگرهای متمدن... چطوره؟»

رنج شرمندگی است یا بیزاری؟

تنظیم از : شمع

عشق ما با شورانگیزترین حالات و با شیرین‌ترین و جذاب‌ترین عبارات آغاز شد. حقیقت اینست که من تا آنشب مطلقاً به سرنوشت و تقدیر اعتقاد نداشتم و نظرم این بود که هر چه پیش می‌آید، زاده گذران زمان و تصادفات پیش بینی نشده است. روی همین اصل توفیق چشمگیر کارم را نیز حاصل تلاش و پشتکار خودم میدانستم به این معنی که هر وقت در منزلمان راجع به رونق شغلم بحث میشد و اعضای خانواده‌ام پیشرفتم را ناشی از مرگ نابهنگام صاحب کارم میدانستند، من قویاً و شدیداً با آنان به ستیز بر میخاستم و با قاطعیت تمام، کاردانی و تدبیر خودم را عامل این پیروزی به حساب می‌آوردم. اصولاً معتقد بودم که اگر من حقوق بگیر آن کارگاه نیز نمیشدم، باز هم میتوانستم با حسابگری و پشتکار برای خودم یك موسسه آبرومند تراشکاری بوجود آورم، هر چند که این کار نیازمند زمان درازی میبود. اما واقعه‌یی که در آنشب رخ داد و عوارضی که به دنبال آن آمد، من ناگریز پذیرفتم که همهٔ ما بازیچه دست سرنوشت و تقدیریم. یادم می‌آید هنگامی که خواهرم کارت دعوت عروسی یکی از دوستانش را بدستم داد و ملتمسانه از من خواست که برای شرکت در آن جشن او را همراهی کنم، من شدیداً امتناع کردم و برایش توضیح دادم که در شب مورد نظر ناچارم تا صبح در کارگاه بمانم و سفارش یکی از مشتریان خوب و خوش حساب را آماده کنم. این عذر و بهانه منطقی و مشروع وی را قانع ساخت و تحقیقاً مساله شرکت من در جشن عروسی دوست خواهرم زهره منتفی شد. لیکن یك روز پیش از برگزاری مراسم جشن مشتری من طی تماس تلفنی اطلاع داد که نوبت تهیه جنس مورد نظرش بسبب آماده نبودن دیگر ابزار ماشین، منتفی است و لزومی ندارد که ما برای مهیا ساختن آن تن به کار اضافه بدهیم. من موقعی که برای صرف ناهار بمنزل رفتم، مساله آزاد شدن وقتم را با خواهرم در میان نهادم و متعاقبش افزودم که حاضرم برای رفتن به عروسی او را همراهی کنم. خوشحالی زهره از شنیدن این حرف توصیف ناپذیر است و من از اینکه میدیدم میتوانم رضای خاطر خواهر عزیز و نازنینم را فراهم کنم، جداً احساس سرور واقناع میکردم. من و او حدود ساعت ۸/۵ بعد از ظهر به باشگاه رسیدیم و در برابر درورودی سالن با خواهر عروس که به استقبالمان آمده بود روبرو شدیم. هنگامی که نگاه من به چهره جذاب و شاداب او افتاد، گرمی مطبوعی بجانم دوید و احساس کردم که برای نخستین بار از دیدن دختری، احساس دیگر گونه‌یی یافته‌ام. تردید ندارم که اگر جوان دیگری هم بجای من بود، به چنین وضعی دچار میشد. قامت کشیده و متناسبش همراه با سیمای گندمگون، چشمان مخمور و عسلی و گیسوان آبشار گونش آنچنان ترکیبی از او ساخته بود که هربیننده‌یی رابه تحسین وامی‌داشت. جالب اینکه رفتار او نیز بیانگر این واقعیت بود که نسبت بمن احساس مشابه و متقابلی دارد. افزون بر اینکه وقتی از ادای تعارفات معمولی ورایج فارغ شد، با تبسمی دلپذیرتر از شکفتن غنچه بهاری خطاب به خواهرم گفت:

- ظالم بلا، تو چنین داداشی داشتی و چیزی بمن نگفته بودی؟

از این حرف، هر سه ما دستخوش خنده شدیم و آنگاه زهره با لحنی مغرورانه پاسخ داد:

- هیچ دیوانه‌یی جلو گربه از گوشت تازه و لخم حرفی میزند که من این کار را بکنم!

گفت و گوی چند لحظه‌یی ما در اینجا پایان گرفت و پس از آن دوست خواهرم که افسانه نام داشت و دیگران «افسی» خطابش میکردند، ما را به اواسط سالن برد و بچندتن از مدعوین معرفی کرد.

ساعات اولیه جشن با گرمی سپری شد تا نوبت به صرف شام رسید. بعد از آن به توصیه خواهرم که بعدها شنیدم با اشاره «افسی» این کار را کرده بود، قرار شد من و افسانه با یکدیگر برقصیم. من که هرگز گرد این نوع اعمال نگشته بودم، با اکراه تمام عذر خواستم و دلیلش را نیز بازگو کردم، اما خواهرم با شیطنت و شوخ طبعی ذاتی خود، گفته مرا رد کرد و بدنبالش با ردیف کردن عباراتی مانند «بد است و آبروریزی میشود!» دست «افسی» را در دست من نهاد. ضمناً اضافه کرد توی این شلوغی هیچکس متوجه شما نخواهد شد و از طرفی «افسی» تو را راه میبرد، من با این تلقین احمقانه، به کاری که هیچگاه نکرده و هرگز نیز خیال انجام دادنش را نداشتم، تن دادم و دست در دست افسانه قاطی جمعیت شدم. دقایقی بقول زهره و افسانه رقصیدم و بنظر خودم راه رفتم تا موزیك قطع شد و این عذاب روحی و جسمی پایان گرفت.

حدود ساعت یك بعد از نیمه شب سالن به سردی گرایید و من از خواهرم خواستم که عازم خانه شویم. این حرف را افسانه که از کنار ما میگذشت، شنید و با لحنی بسیار دلپسند گفت:

-ای وای «مگر من میگذارم؟ تازه سالن خلوت شده و دور، دورماست. یك کمی صبر کنید تا بقیه برای اجرای برنامه اصلی آماده شوند.

بی آنکه مهلت دهد تا من در باره برنامه مورد نظرش توضیحی بخواهم، خودش اضافه کرد که میخواهیم با عروس و داماد و یکعده بچه‌های جور به بیابان برویم. من که در تمام دوران زندگی حتی یکبار بیش از ساعت ۱۲ شب، جز برای کارهای ضروری و فوتی بیدار نمانده بودم، در مقام مخالفت برآمدم که یکباره خواهرم، سقلمه‌ئی به پهلویم زد و گفت:

- داداش، آبروریزی نکن.

با این اخطار لبهای من بسته شد و ناچار تن به قضا دادم و پس از ساعتی در حالی که چندین اتومبیل ما را همراهی میکرد، عازم گردنه قوچك شدیم. از اتفاقات و رویدادهای آنشب چیزی نمیگوییم، اما همینقدر اشاره میکنم که «افسی» با استفاده از هر فرصتی، خود را بمن میرساند و راجع به مسایل مختلف سخن میگفت. چنین بنظر میرسید که هروقت او در کنار من قرار میگرفت، خواهرم و دیگران تعمداً خود را کنار می‌کشیدند تا ما فراغت و فرصت کافی برای صحبت بیابیم. ساعت به چهار صبح رسیده بود که من شدیداً احساس خستگی کردم و ضمن دعوت دوستان به سکوت، با صدای رسا از همگی خواستم که بخاطر عروس و داماد هم شده دنباله این شب زنده‌داری را درز بگیرند. بدین ترتیب همگی راهی خانه شدیم و من حدود ساعت ۸صبح در نهایت خستگی و کسالت بسر کار رفتم. حدود ساعت ۱۱بود که زنگ تلفن بصدا درآمد و متعاقبش زنی با لحنی دلنشین نام مرا برزبان راند. هنگامی که خودم را معرفی کردم، خنده دلنوازی زد و گفت:

- افسانه هستم، امیدوارم وقت‌تان را نگرفته باشم.

من وقتی مخاطب خود را شناختم، عمیقاً دستخوش شگفتی شدم و بلافاصله گفتم:

- خانم، با زحمتهای ما چطورید؟

در حالی که معلوم بود بسبب شلوغی خیابان، صدای مرا بخوبی نمیشنود، ضمن اینکه تاکید کرد بلندتر حرف بزنم، افزود که از تلفن عمومی خیابان حرف میزند. گفت و گوی ما از چند جمله تجاوز نکرد و با خداحافظی گرمی قطع شد. موقعی که من گوشی را روی دوشاخه گذاشتم، چند لحظه‌یی بفکر فرو رفتم و بعد به این نتیجه رسیدم که او بی‌آگاهی از احساس عمیق من نسبت بخودش، آشکارا بمن دل‌باخته است. از این رو ظهر که بمنزل رفتم، ماجرای این ارتباط تلفنی را بخواهرم گفتم. او مغرورانه خنده‌یی کرد و گفت:

- تو هم که بدت نمی‌آید این وضع ادامه پیدا کند!

واقعیت اینست که همانطور که او گفته بود، من شدیداً مشتاق ادامه این رابطه بودم و روزی بخودم آمدم که متجاوز از شش‌ماه این رابطه ما ادامه یافته بود و روزی که کاملاً با رنگ عشق آمیخته شد، سخن از ازدواج بمیان آمد و ما در کوتاه مدتی پیوند زناشوئی بستیم. ماههای اولیه زندگی مشترکمان سرشار از شور و التهاب و نشاط بود. هیچ عاملی نمیتوانست در این رابطه مقدس رخنه کند و به این یکپارچگی خللی وارد سازد.

تنها نکته‌یی که گه‌گاه مرا رنج میداد، حضور متناوب و اتفاقی پسرعموی او در مهمانی‌های خانوادگی بود. من هروقت او را در حال گفتوگو با«افسی» میدیدم، بی‌اختیار دستخوش رعشه‌یی ملال‌انگیز میشدم و آرزو میکردم که هرچه زودتر عاملی باعث قطع مکالمه آنان شود. زیرا یکبار از زبان افسانه شنیده بودم که او سالها عاشق همسر من بوده است. با اینکه اطمینان داشتم از سوی «افسی» احساسی نسبت به او وجود ندارد، با این وصف روبرو شدن آنان رنجم می‌داد. متجاوز از هفت ماه زندگی سرشار از شور و امید و اعتماد ما گذشت تا اینکه یك روز افسانه بارداریش را اعلام کرد و با این خبر مرا غرق در نشاط و سرور ساخت. سرانجام پسرمان بدنیا آمد و با ورودش

یک مسأله

درد دل خصوصی خوانندگان: زن ۲۷

خوشبختی ما را کامل کرد. روزهای اول تولدش من آنچنان مشتاق دیدارش بودم که گاه ساعتی زودتر از وقت مقرر، کارم را تعطیل می‌کردم و با شتاب راهی خانه می‌شدم. این علاقه لحظه به لحظه شدیدتر می‌شد تا اینکه یك روز وسوسه‌یی عذاب‌آور و کشنده بجانم افتاد، زیرا هرقدر این طفل بزرگتر می‌شد، شباهتش به پسرعموی «افسی» فزونی می‌یافت آنچنانکه در یکسالگی کاملا شبیه او شد و کار بجایی رسید که حتی افسانه نیز این واقعیت را بر زبان آورد.

با اینکه شباهت این دو از نظر دیگران امری ساده و تصادفی بود، اما من هرگز نمیتوانستم توهمی را که بجانم افتاده بود از خود دور سازم. کم کم فکر اینکه این طفل حاصل رابطه نامشروع همسرم و پسرعمویش باشد، تمامی تار و پود وجود مرا در برگرفت. دردم این بود که در این باره نمی‌توانستم حتی به خواهرم نیز حرفی بزنم و نظر او را جویا شوم. چندین بار تصمیم گرفتم حقیقت واقعه را از زبان افسانه بشنوم، اما توان این کار را نیز نداشتم تا اینکه یکشب خود را به گناه نوشیدن مشروب الکلی آلودم و پس از صرف مشروب الکلی، در حالی که کاملا از خود بیخود شده بودم افسانه را به محاکمه کشیدم و آنچه را که ماهها در دل داشتم بر زبان راندم. همسرم از شنیدن این حرف آنچنان بهت‌زده شد که حتی در مقام دفاع از خویش نیز برنیامد تنها حرفی که زد این بود: خیلی احمقی! حیف از آنهمه عشق و آنهمه اعتماد!

این واکنش هرگز نتوانست مرا قانع کند و بهمین دلیل اطمینان یافتم آنچه که انگاشته‌ام واقعیتی تردیدناپذیر است. فکر اینکه افسانه در برابر آنهمه محبت بهمین سادگی بمن خیانت کرده باشد، جان و تنم را میسوزاند. هر روزی که میگذشت تصمیم در باره کشتن او و زدودن این لکه ننگ قاطع‌تر میشد. روزی که تصمیم قطعی را گرفتم، یکباره فکر کردم که مرگ او نمیتواند مجازات کاملی برای وی باشد. من می‌خواستم او زجر بیشتری ببرد. از این رو ترجیح دادم وضعی پیش آورم که او برای همیشه دستخوش رنج و تعب و پشیمانی شود و بهترین راه این بودکه زیبایی‌اش راکه یگانه سرمایه افتخارآمیز اوست،از وی بگیرم.
بهمین نیت یك شیشه اسید تهیه کردم و در نخستین فرصت بصورتش پاشیدم. همانطور که انتظار داشتم، در یك لحظه کراهتی چندش‌آور، جایگزین آنهمه لطف و زیبایی شد. کار من به زندان کشید و رنج ابدی دامنم را گرفت، زیرا طی سه سالی که در زندان بودم، افسانه هفته‌یی دو روز به دیدنم می‌آمد و با اینکه کار از کار گذشته بود،همواره تاکید میکرد که در تمام طول زندگی حتی یکبار دست از پا خطا نکرده و شباهت پسرمان با عموزاده‌اش، تصادفی بیش نیست. لیکن هنگامی که مرا همچنان در ناباوری دید، یك روز گواهی نامه گروه خون کودك را که با خون من یکی بود، ارائه کرد ودر ضمن گروه خون عموزاده‌اش را نیز که جدا از این گروه بود، نشانم داد.من همیشه معتقد بودم که انکار بدیهیات دیوانگی است وبر همین انگیزه اطمینان یافتم که درباره«افسی»اشتباه کرده ۰ بودم.از این رو روزیکه از زندان خارج شدم، مستقیماً به دیدن افسانه رفتم و ازش خواستم ضمن بخشیدن من،اجازه دهد که کماکان به زندگی مشترك خود ادامه دهیم .با اینکه وی با بزرگواری تمام پیشنهاد مرا پذیرفت و ما دیگر بار سر بر یك بالین نهادیم، اما من شب و روز در رنجم، رنجی که از دیدن چهره کریه و غیر قابل رؤیت او بجانم میافتد. اما نمیدانم این رنج ناشی از شرمندگی است، یا بیزاری؟!

پایان

کارگاه خنده

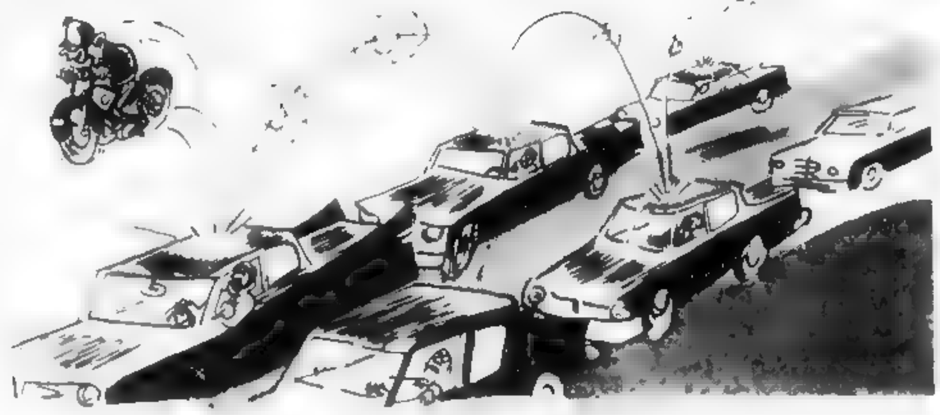

بیمار نزد دکتر رفت و گفت:
– آقای دکتر، من هر وقت بعضی خوراکی‌ها را میخورم یا بعضی کارها را میکنم، یك سوزش شدید در معده خود احساس می‌کنم!
دکتر جواب داد:
– تنها نصیحت من به شما اینست که هرگز عملی را که باعث ایجاد سوزش در معده شما میشود انجام ندهید.
پس از این راهنمائی بیمار رو به دکتر کرد و گفت:
– آقا دکتر مطمئن باشید دستور شما را عملی خواهم کرد، خوب، حالا بفرمائید ببینم ویزیت شما چقدر است؟
دکتر جواب داد:
– صد تومان.
– آقا دکتر احساس سوزش شدیدی در معده خود میکنم....
و بدین ترتیب بدون آنکه پولی بدهد از مطب خارج شد!

دوبل

مرد بداخلاقی که هر روز سر ناهار دعوا راه می‌انداخت، آن روز با قیافه اخم‌آلود وارد خانه شد و آماده برای دعوا کردن بود، که زنش تا او را دید گفت:
– مطمئنم که امروز سر ناهار دعوا نخواهی کرد.
مرد با حیرت پرسید:
– از کجا چنین اطمینانی داری؟
زن جواب داد:
– از اینجا که اصلا امروز ناهار درست نکرده‌ام!

سلام عرض کردم

شوهر سالخورده خانم جوانی هفته‌ها بود که بعلت بیماری سخت از رختخواب خارج نمیشد. یك شب جمعه که دکتر به عیادت بیمار آمده بود، خانم جوان از او پرسید:
– آقای دکتر، شما را بخدا حقیقت را بگوئید، وضع شوهرم چطور است؟
دکتر جواب داد:
– خانم، امشب حال او بسیار بد است، بطوریکه فکر نمیکنم تا صبح دوام بیاورد.
زن با ناراحتی گفت:
– چقدر بد! باز هم یك روز جمعه ما خراب شد!

در فرانسه کارگری وارد یك کارخانه صنعتی شد و سراغ رئیس کارخانه را گرفت... وقتی وارد اتاق رئیس شد، تعظیمی کرد و گفت:
– قربان، من برای کار به شرکت شما مراجعه کردم.
رئیس نگاهی به قیافه کارگر کرد واز تخصص فنی او پرسید... و سپس گفت: بسیار خوب، شما از امروز استخدام این کارخانه شدید، ولی یکسال اول را ماهی دویست فرانك بشما می‌دهیم واز سال دوم ماهی پانصد فرانك.
کارگر فکری کرد و گفت: بسیار خوب من از سال دوم خدمت می‌رسم!

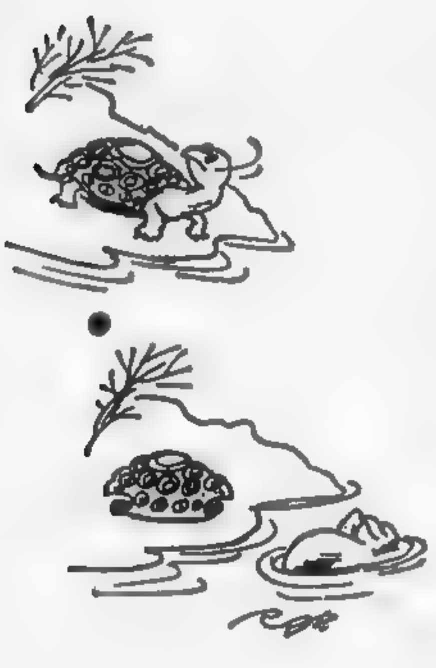

در جلسه امتحان آئین‌نامه رانندگی یکی از متقاضیان وقتی به تابلوی «جاده مارپیچ است» رسید، هر چه به مغزش فشار آورد، اسم تابلو یادش نیامد. ناچار برداشت وزیر تابلو چنین نوشت:
معنی این تابلو این است که «جاده مار دارد».

شباهت!

هروقت می بینم تازه عروس ودامادی همدیگررامی بوسند، به یاد مسابقه بکس می افتم. زیرادرمسابقات بوکس هم ابتدا طرفین یکدیگر رامی بوسند وبعد مبارزات واقعی اغازمی شود!

هفت‌خوان رستم

بقیه از صفحه ۷۱

خواب کرد، اما پیش از خواب به رخش سپرد که با کسی بجنگ برنخیزد و اگر خطری پیش آمد، او را بیدار کند.

خان سوم:

رستم که بسختی خسته شده بود، به خوابی سنگین فرو رفت، در حالیکه رخش در اطراف او مشغول چرا بود...... روز بپایان رسید و شبی تیره و بیماه آغاز شد. رستم همچنان در خواب خوش بود و رخش نیز در گوشه‌ای استراحت میکرد نیمه‌های شب اژدهای عظیمی دردشت پدیدار شد. این دشت آرامش گاه این اژدها بود و از ترس او هیچ موجودی جرئت نمیکرد بدان دشت پا بگذارد. اژدها از دیدن رستم که دردشت او خوابیده بود، حیرت کرد که چگونه موجود زنده‌ای از او نترسیده و پا بدین دشت گذاشته است

پس به سوی رستم براه افتاد، اما رخش که بیدار بود، پیش از اژدها خود را برستم رساند و شروع کرد به غریدن و پای برزمین کوفتن.

رستم به سروصدای رخش بیدار شد و سر بلند کرد تا ببیند چه اتفاقی افتاده، اما اژدها در تاریکی شب ناپدید شد و رستم چون چیزی ندید، رخش را سرزنش کرد که چرا بیهوده مراحم او شده و بیدارش کرده است... و دوباره گرفت خوابید.

چون خواب رستم دوباره سنگین شد، اژدها از مخفی گاهش بیرون آمد و رخش با دیدن آن دوباره شروع به غریدن کرد و با کوبیدن سم برزمین رستم را از خواب برانگیخت. رستم بلند شد و به اطراف نگریست، اما اژدها بارناپدید شده بود و رستم در تاریکی چیزی ندید و با خشم بر سررخش فریاد زد که: «توجه‌ات شده که نمیگذاری بخوابم؟ گفته بودم که خطری پیش آمد بیدارم کن، نه اینکه بیهوده مزاحم خوابم شوی و نگذاری استراحت کنم! اگر این بار بی ... بیدارم کنی با همین شمشیر سرت را میبرم و خودم بتنهایی به مازندران میروم...... دیگر مزاحم من نشو، بگذار بخوابم.» و گرفت وخوابید.

لحظه‌ای بعد، دوباره سروکله‌ی اژدها پیدا شد که از دهانش آتش میریخت و غرش‌کنان پیش میآمد. رخش نمیدانست چه کار کند. از طرفی میترسید رستم را بیدار کند و پیلتن دوباره خشمگین شود، و از سوی دیگر دلش برای سوارش میسوخت که در خواب طعمه اژدهای وحشی بشود. مدتی با تردید و بیتابی به این سوو آن‌سو

دوید، اما اژدها لحظه بلحظه به رستم نزدیکتر میشد و بیش از این تردید جایز نبود. پس دوباره کنار رستم آمد و شروع به کوبیدن سم بزمین و شیهه کشیدن کرد. رستم از خواب پرید و این بار، اژدها فرصت نکرد مخفی بشود و رستم او را دید و از جا پرید و شمشیر از نیام کشید و بسوی اژدها رفت و در حالیکه از نعره‌ی او زمین میلرزید، برسر اژدها فریاد زد که بگو نامت چیست تا بی‌نام بدست من کشته نشوی. اژدها فریاد زد که این دشت جای من است و کسی را بدان راه نیست. تو کیستی که چنین بیباک به آرامش‌گاه من آمده‌ای؟ رستم جواب داد که من رستم زال هستم که در جهان کسی را یاری همنوردی با من نیست و ... تو نیز قدرت مرا خواهی دید ... اژدها در وحشت

رخش که رستم را با چنان موجود عظیم و وحشت‌انگیزی درگیر دید، بکنار ایستادن را جایز ندید و از پشت بر اژدها حمله کرد و با دندانهای محکم و تیزش دو کتف اژدها را کند. چنانکه خون اژدها سرازیر شد. اژدها برخود پیچید و رستم از فرصت استفاده کرد و با یک ضربه‌ی شمشیر سر اژدها را فرو افکند... خون اژدها

سراسر دشت را رنگین کرد و رستم چون نگاه کرد، همه‌ی دشت را زیر لاشه اژدها دید و از اینکه پروردگار او را بر چنین موجودی پیروزی داده است، نیایش پرداخت و آنگاه در آب چشمه رفت و سرو تنش را شست... سرو تن رخش را نیز صفا داد و چون سپیده دمیده بود، زین بر اسب گذاشت، سوار شد و براه افتاد

خان چهارم:

رستم رفت و رفت و رفت... تا به دشتی سرسبز و خرم رسید که چشمه‌ای در گوشه‌ای از آن میجوشید و در کنار چشمه، سفره رنگینی انواع غذاها گسترده بود. رستم که سخت گرسنه بود از دیدن این سفره‌ی پر از غذاهای رنگارنگ هم شگفت زده و هم خوشحال شد و فوری از اسب‌پائین آمد، دست و صورتش را در آب چشمه شست و بر سر سفره نشست. این، در واقع، سفره‌ی جادوان بود که بصدای پای اسب رستم ناپدید شده بودند. رستم غذاها را ... خورد و ... که در قدحی سر سفره بود نوشید و ... که در کناری نهاده شده بود برداشت، سرچشمه نشست و شروع بنواختن کرد ... وایی خوش چنین سرود:

که آوردی بدبخت رستم است
که از روز شادیش بهره کم است
همه جای جنگ است میدان اوی
... و کوه است بستان اوی
همه جنگ با دیو و نر اژدها
زدیو و بیابان نیابد رها
می و جام و بویا گل و مرغزار
نکرد بخشش مرا روزگار
همیشه بجنگ نهنگ اندرم
دگر با پلنگان بجنگ اندرم

صدای ساز و ... رستم بگوش یکی از زنان جادو ... خود را بشکل زنی زیبا درآورد و بر رستم ظاهر شد و عشوه‌کنان در کنار او نشست و از حال و روزگارش پرسید. رستم از دیدن این زن زیبا خوشحال شد و خدا را سپاس گزارد که در دشت مازندران برایش سفره‌ی رنگین گسترده و زنی چنین زیبا برای همصحبتی با او فرستاده است... و جامی را از می پر کرد و بدست زن زیبا داد و از پروردگار نام برد، اما بمحض آنکه رستم نام خدا بر زبان راند، جادو باطل شد و زن زیبا بدیل به عفریته‌ای پیر و کریه گشت که چشم را توان دیدنش نبود. رستم فهمید که با دیو جادو روبروست و بی‌درنگ شمشیر کشید و زن جادو را از فرق به دو نیم کرد.... و آنگاه بر پشت اسب جست و تاخت‌کنان از این دشت جادو دور شد

خان پنجم:

رستم همچنان ... در ... رفت و رفت... و ناگهان به سرزمینی رسید که غرق در تاریکی بود. گویی هرگز خورشید در آن دیار نتابیده است. چشم چشم را نمیدید و تمیز راه از چاه غیرممکن بود. رستم به ناچار لگام رخش را شل کرد تا اسب دانا و هوشیار او را بدنیای روشنایی رهنمون شود... رخش مدتها در تاریکی و سکوت مطلق آن دنیای عجیب راه پیمود تا سرانجام به دشتی غرق در گل و سبزه زیر انوار درخشان خورشید رسید.

رستم از اسب پیاده شد و رخش را سر چرا کند و خود لباسهایش را که از عرق خیس شده بود ... و در آفتاب‌پهن کرد تا خشک شد و آنگاه پوشید و در کنار چشمه‌ای به استراحت پرداخت ... دشتبانی ... که چون ... دشت رها دید. خشمگین شد و بسوی رستم آمد تا به این عمل او که اسبش را در زمین مردم بچرا گذاشته است اعتراض کند، اما رستم بی‌آنکه سخن بگوید از جا برخاست، دو گوش مرد دشتبان را گرفت و کند و در مشتش گذاشت و دوباره به استراحت پرداخت. مرد دشتبان

درحالیکه گوشهای خویش را برکف داشت فریادکشان و ناله کنان نزد پهلوان دلیر آن سرزمین رفت که «اولاد» نام داشت و به او شکایت کرد که مردی دیوآسا در دشت او خوابیده است که اسبش را بچرا رها کرده و در برابر اعتراض وی این بلارا برسرش آورده است.

«اولاد» که مشغول شکار بود، باهمه سپاهش بسوی آن دشت حرکت کرد تا این مرد عجیب را از نزدیک ببیند و دادمرد دشتبان را از او ستاند.

رستم داشت آماده‌ی حرکت میشد که دید سپاهی بسوی او درحرکت است. برپشت رخش نشست و دست به قبضه‌ی شمشیر منتظر شد تا ببیند این گروه چه میخواهند چون سپاه نزدیک شد، فرمانده آن فریاد زد:

- من اولاد، پهلوان این سرزمینم...... اما توکیستی که به این سرزمین آمده‌ای و اسب درزمین مردم بچرا گذاشته‌ای و گوش این مرد بیگناه را کنده‌ای؟ فرار نکن تا سزای عملت برسی

رستم خندید و فریاد زد:

- اگر نام مرا بشنوی، خون در رگهایت منجمد میشود. من رستم پیلتن هستم و اکنون به تو که با این سپاه مسخره‌ات آمده‌ای مرا بترسانی، مزه‌ی ترس را خواهم چشانید. رستم این را گفت و برسپاه اولاد حمله کرد و با هرضربه شمشیر به چپ و راست دونفر را فرو افکند...... سپاهیان وحشتزده پابفرار گذاشتند و رستم آنها را رها کرد و بسوی اولاد تاخت و کمندش را تاب داد و انداخت و آن پهلوان را بند کشید و آنگاه به او گفت:

- من ترا میبخشم و نه تنها نمی‌کشمت، بلکه پادشاه سرزمین مازندرانت میکنم، بشرطی که اولا جایگاه کاوس و سپاه ایران را بمن نشان بدهی و ثانیاً مرا به پناهگاه دیوسپید راهنمایی کنی.

اولاد گفت:

- من مطیع توهستم، اما کاوس و سپاه ایران در دره‌ای میان کوه‌های اسپروز زندانی هستند که بوسیله‌ی دیوان پاسداری میشود.... تو با همه‌ی زور بازو و توش و توانت نمیتوانی حریف دیوان بشوی و بهتر است از این کار چشم بپوشی...

رستم گفت:

-توفقط راه را بمن نشان بده و به بقیه کارها کار نداشته باش.

و اورا جلو انداخت و خود به پشت‌سرش براه افتاد تا وارد دیار دیوان شود.

خان ششم:

● رستم و اولاد چندین شبانه‌روز راه رفتند تا به کوههای اسپروز که کیکاوس و سپاهیانش میان آنها زندانی بودند رسیدند. دراینموقع شب از نیمه گذشته بود و ناگهان رستم از دور محلی را دید که همه‌جا شمع روشن کرده بودند. از اولاد پرسید:

- اینجا کجاست؟

- انجا شهر مازندان است که جایگاه دیوان است و ارژنگ دیو برآن حکم میراند. آنها شبها را بیدار میمانند، اما همین که آفتاب طلوع کند، خواشان میبرد. رستم اولاد را بدرختی بست و خود گرفت و خوابید.

چون آفتاب بردمید، رستم از خواب برخاست، رخش را زین کرد و روی بسوی دیار دیوان نهاد و چون بوسط اردوگاه دیوان رسید، غریوی برکشید که دیوان را از خواب پراند و ارژنگ دیو سراسیمه از خیمه بیرون دوید، اما رستم امانش نداد، با اسب برسرش تاخت و بایك ضربه‌ی شمشیر سردیو را از تن کند و بوسط گروه انداخت که دیوان از دیدن آن وحشتزده پابفرار گذاشتند و حتی پشت سرشان راهم نگاه نکردند. رستم خود

را به دره‌ای که کاوس و ایرانیان دران زندانی بودند، رساند و ایرانیان چون صدای اورا شنیدند، شادی‌کنان به پیشوازش شتافتند و کاوس- که مثل دیگران چشمهایش از دیدن دنیا محروم بود رستم را به آغوش کشید و ازاینکه راهی چنین طولانی و پرخطر را برای نجات او و ایرانیان پیموده است، سپاس گزارد. رستم مراتب خدمتگزاریش را ابراز داشت و آنگاه پرسید:

- چگونه میتوان تورو توانایی دیدن را بچشمان شما بازگردانید؟

- تنها چاره‌ی آن اینست که قلب دیو سپید را از سینه‌اش بیرون بکشی و خون آنرا به دیدگان ما بچکانی تا همه دوباره نعمت بینایی را بدست آوریم

رستم گفت:

- پس تأمل جایز نیست. من باید بروم و پناهگاه دیوسپید را بجویم، این نابکار خبیث را بجنگ بیاورم و بکشم و قلبش را برای نجات شما از نابینائی بیاورم.

پهلوانان از رستم خواستند که مدتی برای رفع خستگی درکنار آنها استراحت کند، اما رستم گفت:

- من باید شتاب کنم و پیش ازآنکه دیو سپید از سرنوشت ارژنگ دیوآگاه شود و خود را برای دفاع اماده کند، بسراغش بروم و کارش را یکسره کنم...

و دوباره برپشت اسب نشست و همراه اولاد از انجا دور شد

اولاد، به رستم، خوابگاه دیو سپید را نشان داده و گفته بود که اگر بخواهی امید پیروزی داشته باشی، باید روز بسراغ دیو بروی که خواب‌آلود است و قدرت کافی در بازوانش نیست. بنابراین رستم طوری رفت که دریك سحرگاه روشن به پناهگاه دیو که چاهی تاریك بود رسید. مدتی درچاه نگریست تا چشمش بتاریکی عادت کرد و آنگاه دیو را دید که چون کوهی درآنجا بخواب رفته بود. رستم دور از مردانگی دید که دیو را درخواب بکشد، پس غریوی کشید که تمام کوهها لرزید و دیو سپید هراسان از خواب پرید و چون رستم را دید، خشمگین بسویش آمد.

رستم و دیو سپید بهم درآویختند و مدتی زورورزی کردند تا سرانجام رستم که احساس ضعف میکرد، دل را بسوی خدا برد و یاری خواست و آنگاه با تمام نیرویش فشار آورد و بیاری یزدان، دیو سپید را از زمین کند، بالای سرآورد و برصخره‌ای سخت کوبید، آنسان که مغز دیو سپید متلاشی شد و جان از تنش رفت. رستم بی‌درنگ شمشیرش را در سینه‌ی دیو سپید فرو برد و قلبش را بیرون آورد و بی‌درنگ با اولاد بسوی کاوس و ایرانیان شتافت.

●●●

رستم با چکاندن خون قلب دیو سپید بینایی را به چشمان کاوس و پهلوانان ایران بازگرداند و آنگاه بهمراهی آنها به جنگ شاه مازندران رفت و اورا نیز شکست داد و اسیر کرد و سپس از کاوس خواست که پادشاهی مازندران را به اولاد بسپارد، چون چنین قولی به اوداده است. کاوس که زندگیش را مدیون رستم می‌دانست، این خواهش را پذیرفت و بدست خودتاج پادشاهی مازندران را برسر اولاد نهاد و آنگاه بهمراهی رستم و پهلوانان به سوی پارس راهی شد.

داستان آینده:

جنگ هاماوران

توضیح سازمان تامین اجتماعی

درباره میز گرد کارگران میادین

در پاسخ قسمتی از مطالب مندرج در شماره ۲۲ مورخ مهرماه ۲۵۳۵ تحت عنوان ((کارگران میادین تهران پیشنهاد میکنند))، مطالبی پیرامون کارگران میادین تهران بویژه افرادیکه در حوزه فعالیت شعبه شماره ۲ سازمان تامین اجتماعی میباشند بشرح زیر اعلام میدارد:

کارگران میادین تهران طبق ماده ٥ قانون بیمه‌های اجتماعی ((قانون قدیم)) از تاریخ ۲۵۳۰/۱۰/۱ (۱۳۵۰/۱۰/۱) مشمول مقررات بیمه‌های اجتماعی قرار گرفتند و پس از تغییر قانون بیمه‌های اجتماعی به تامین اجتماعی، از مزایای قانون اخیر برخوردار میباشند. تعداد بارفروشان حوزه عملکرد شعبه شماره ۳ سازمان تامین اجتماعی تهران ۳٦۳ کارگاه با ۱۰۱٥ نفر بیمه شده میباشد و جمع کارگاههای بارفروشی در شعبه شماره ۲ سازمان تامین اجتماعی ۱۸۰ کارگاه که از این تعداد ۲۸ کارگاه فاقد کارگر هستند و انحصاراً ۳۰ کارگاه لیست تنظیم نمود و به شعبه مذکور ارسال میدارند و مرتباً از کلیه بارفروشان واقع در میادین شفیعی جدید و قدیم-طاهری و قبله بازرسی بعمل می‌آید که گزارش بازرسان پس از تعیین بدهی کارفرما در قسمت فنی شعبه نگهداری و در موقع مراجعه بیمه‌شدگان مورد استناد قرار میگیرد. ناگفته نماند که جمع تعداد بیمه شدگان با توجه به لیست و گزارش بازرسیهای موجود ۳٥٦ نفر میباشد که از تعداد فوق فقط حدود ده درصد برای استفاده از مزایای قانونی به شعبه مراجعه مینمایند. همچنین اضافه مینماید که این سازمان همواره کوشش مینماید تا بیمه شدگان از رفاه و آسایش بیشتری برخوردار گردند و برای انجام این مقصود طی نامه شماره ۳۱۳۹۰ مورخ ۲۵۳٥/٦/۱۰ از طرف شعبه شماره ۲ سازمان تامین اجتماعی از سندیکای کارگران میادین و بارفروشان دعوت بهمکاری شد که متاسفانه تا کنون اقدامی از سوی سندیکا بعمل نیامده. ضمناً برای تنظیم لیست وسیله کارفرمایان متذکر میگردد که جزوه‌ای در این باره چاپ و در دسترس کارفرمایان گذاشته شده و امید است با راهنمائی‌هائی که بعمل خواهد آمد این نقیصه نیز رفع گردد.

از این پس همه وسایل

بقیه از صفحه ۱۳

تشکیل نشده است، در مورد تشکیل انها اقدام شود.

٤- بمنظور رفاه بیشتر برای کلیه بیمارستانهای کشور مهد کودك و محل نگهداری کودکان عیادت کنندگان و بیماران ساخته شود.

٥- اعضاء کمیته توصیه می کنند که در مورد تجهیز و تکمیل بیمارستانهای اختصاصی موجود توجه خاص مبذول شود و بیمارستانهائیکه بطور تمام وقت اداره میشوند، در شهرستانها گسترش یابد.

٦- بهنگام اعزام بیماری که مدتی در بیمارستان بستری شده و بعنوان اورژانس به بیمارستان دیگر منتقل میشود، طبیب و یا رئیس بیمارستان و یا بطور کلی پذیرنده بیمار موظف باشد بمنظور جلوگیری از سرگردانی بیمار (ولوهم اورژانس نباشد) بیمار را قبول و مراتب را به مقامات مسئول گزارش دهد.

٧- پیشنهاد میشود در کلیه بیمارستانهای کشور بخش مسمومین و مصدومین مجهز ایجاد شود

٨- به مراقبتهای پرستاری و پزشکی در غیر ساعات اداری توجه خاص مبذول شود.»

همه اشیاء یکدیگر را جذب میکنند!

«آراگو»، ستاره شناس معروف فرانسوی، مینویسد: «اگر ما در هر لحظه از زندگی خود شاهد سقوط اجسام نبودیم، برایمان خیلی تعجب آور میبود.»

ما عادت کرده‌ایم که نیروی ثقل را، یعنی نیروی جاذبه‌یی را که زمین برهمه اشیاء روی خود وارد میکند، طبیعی و عادی تلقی کنیم. اما اگر به ما بگویند اجسام هم یکدیگر را جذب میکنند، به زحمت میتوانیم آن را باور کنیم، زیرا عموماً هرگز این نوع جاذبه را نمی‌بینیم. چرا قانون جاذبه همیشه خودنمایی نمیکند؟ چرا ما هرگز نمی‌بینیم میزها، هندوانه‌ها، یا مردم یکدیگر را جذب کنند؟ علت این امر آن است که نیروی جاذبه اشیاء کوچك کم است. دونفر که به اندازه دومتر از هم فاصله داشته باشند، همدیگر را جذب میکنند، اما نیروی جاذبه‌یی که میان آنها وجود دارد، کم است. این نیروی جاذبه، در مورد اشخاصی که وزن متوسط دارند، کمتر از یك میلی‌گرم است.

به عبارت دیگر این دو نفر با همان نیرویی یکدیگر را جذب میکنند که یك وزنه ۰/۰۰۰۰۱ گرمی به کفه ترازو وارد میکند. تنها ترازوهای بسیار حساسی که دانشمندان در آزمایشگاه‌های خود از آن استفاده میکنند، قادر خواهد بود وزنه‌یی به این کوچکی را توزین کند. آشکار است که این نیروهای بسیار ناچیز هرگز بر ما تاثیری نخواهد داشت و اصطکاکی که بین کفشهای ما و زمین وجود دارد، این نیرو را به طور کامل خنثی خواهد کرد. برای این که شخصی را که روی کف چوبی اتاق ایستاده است بکشید، باید دست کم ۲۰ کیلوگرم نیرو به او وارد کنید.

جاذبه عمومی هرچند در مورد اجسام کوچك قابل چشم پوشی است، اما در حدود اجسام عظیم، به نیروی کاملا بزرگی تبدیل میشود، حتی سیاره دور دست «نپتون» که در مرز منظومه شمسی قرار دارد، با نیرویی برابر ۱۸ میلیون تن زمین را به طرف خود میکشد. با وجود فاصله زیادی که بین زمین و خورشید وجود دارد، جاذبه عمومی نمیگذارد زمین از مدار خود خارج شود. اگر خورشید این نیرو را از سیاره ما دریغ میکرد، سیاره مزبور در امتداد مماس بر مدار خود، دیوانموار در اعماق بی پایان فضا فرو میرفت.

اما اگر اصطکاك وجود نداشت، هیچ چیز نبود که بتواند از قدرت جذب ضعیف‌ترین نیروهای جاذبه جلوگیری کند. اگر اصطکاك نبود، دو نفر که به اندازه ۲ متر باهم فاصله دارند، در ساعت اول ۳ سانتی‌متر، در ساعت دوم ۹ سانتی‌متر و در ساعت سوم ۱٥ سانتی‌متر به هم نزدیك میشدند. بنابراین میبینید که آنها هرچه به هم نزدیك‌تر میشوند، به سرعت آنها اضافه میشود. با این وجود پنج ساعت طول خواهد کشید تا این دونفر به طرف هم کشیده شوند.

در مواردی که اصطکاك مانعی به وجود نمی‌آورد، یا به عبارت دیگر در مورد اجسامی که ساکن هستند، جاذبه عمومی بسیار اشکارتر است.

نیروی جاذبه بین اجسام کوچك ناچیز است. اما بسیاری از مردم درباره این نیرو مبالغه میکنند. یك دانشمند که فیزیکدان نبود، اما جانور شناس بود، میخواست ثابت کند که جاذبه مشترك میان کشتی‌ها که اغلب در دریا مشاهده میشود، در اثر جاذبه عمومی زمین است. اما محاسبه نشان میدهد که جاذبه عمومی سهمی در آن ندارد. دو کشتی جنگی ۲٥/۰۰۰ تنی، وقتی در فاصله ۱۰۰ متری هم باشند، یك دیگر را با نیروئی برابر ٤۰۰ کیلوگرم جذب میکنند. اما طبیعی است که این نیرو بسیار کمتر از آن است که بتواند کشتی‌ها را به طرف هم بکشاند.

جارو برقی یکی از کارگران

بقیه از صفحه ۳۹

همان شکوه انسانی زندگی امروز کارگر است، اینکه دور از تمام رنجهای گذشته. پربارتر و خوشحال‌تر دست در دست هم نشسته و با هم به گفتگو مشغول بودند، اینکه کارفرما، با ما راه میرفت و اینها را میدید و از ته دل خوشحال بود. دست یاری دادن برای راه رفتن بسوی آینده‌ای روشن و دست یاری دادن برای یك زندگی بهتر. اینها مسایلی بود که میشد در همه جای کارخانه، و در این محوطه خارج سالن‌های کار هم دید. با سوت کارخانه، گروهی که در استراحت بودند، بطرف کارگاهها حرکت کردند. جالبتر از همه دختر و پسری بودند که روی یکی از پله‌ها نشسته و با هم حرف میزدند و کارفرما گفت «همین روزها باید شیرنی عروسی‌شان را بخوریم. هردو کارگرند و میخواهند با هم یك زندگی مشترك را شروع کنند.» و بعد یکی از بچه‌ها بشوخی گفت:

- طفلکی‌ها حالا کنار هم هستند، بعد از عروسی، هرکدام روی یك پله می‌نشینند! و البته این حرف غیر از یك شوخی، چیز دیگری نبود.

چرا که ازدواج آنها میتواند با خوشبختی توام باشد.

هردو مسایل هم‌را می‌فهمند و هر دو میخواهند هرچه را که دیگری بخواهد، و هردو میدانند که امکاناتشان چیست، و بیش از آن از یکدیگر توقع نمی‌کنند.

گروه دیگری آمدند برای خوردن ناهار و گروه تازه‌ای پشت میز کارها و کنار دستگاهها قرار گرفتند، از این به بعد، همه‌اش نگاه بود و تماشا-کار کار گران، حرفهای کارفرما و مدیرکارخانه، و رضایتی که همه از هم داشتند. بار دیگر با چهره‌هائی که از صبح آشنا شده بودیم، به حرف نشستیم، آدامس و شکلات و چیزهای دیگر تعارفمان میکردند و در اینجا بود که مدیر کارخانه گفت: «ما، در خرمدره یك مجتمع دیگر کارگری داریم که همه دارای مسکن هستند و یکی دیگر از مراکز تولید آنجاست.

خداحافظی و بنزین‌گیری

ساعت حدود ٥ بعدازظهر بود که با سوت کارخانه، متوجه شدیم وقت کار تمام است و باید گروه دیگر بکار مشغول شوند. بازار آواز و شوخی و گفتگو گرم بود و اتوبوس‌ها همه آماده حرکت بودند. صمیمانه از هم خداحافظی کردیم تا دیدارهای بعدی. آمدیم سوار اتومبیل خبرنگار عکاس‌مان رهبر،

شویم که دیدیم بله... بنزین ماشین آقا تمام شده. چهار کیلومتر هم تا پمپ بنزین راه بود که در این موقع چند تن از کارگرها متوجه قضیه شدند و چند دقیقه بعد، با یك پیت بنزین که از پمپ بنزین خودشان پرکرده بودند، آمدند جلو، خجالتمان دادن و پول بنزین را هم نگرفتند. در واقع بنزین

پروردهمان کردند! وقتی داشتیم با بنزین مجانی میرفتیم، صف اتوبوس‌ها از کنارمان گذشت، با بوق‌های ممتد و دست تکان‌دادن کارگرها، و توی غروب جاده کرج راهی شدیم......

بیماری گلودرد

بقیه از صفحه ۳٥

چند روز میتوان آنها را مصرف کرد و هرگز نباید مثلا یکماه بعد مصرف شوند مگر در شیشه‌ای بازنشده باشند.

۲- تزریق پنی‌سیلین و مشابه آن باید با احتیاط انجام گیرد که از حوادث شك و حتی مرگ جلوگیری شود و اصولاً باید در تزریق این نوع دارو نخست عمل تست انجام شود.

۳- داروهای آنتی‌بیوتیك باید در ساعتهائی که پزشك توصیه میکند مصرف شود وگرنه تاثیر خوبی نخواهند داشت.

٤- داروهائی نظیر شربتهای پنی‌سیلین و مشابه آنها با غذا نبایدخورانده شوند چه ممکن است سبب تهوع گردد.

٥- اگر حساسیتُ در برابر پنی‌سیلین یا داروهای مشابه بود باید از مصرف آن خودداری شود.

٦- آنتی‌بیوتیکها اگر بجا مصرف شوند زیان‌اور نیستند و باصطلاح معروف ویتامین‌های بدن را کم نمیکنند ولی اگر بیهوده و مداوم مصرف شوند ضعف و سستی و کم‌خونی و دهها عوارض دیگر پیش می‌آورند.

توضیح

متاسفانه در شماره ۲۳ مجله در صفحه ۹۰، در رپرتاژ برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی در کارخانجات سیمان سفید دماوند، زیرگراور عکس‌های آقایان مهندس کهکشان رئیس هیات مدیره شرکت، و سید اعظم حسینی جابجا شده بود، که ضمن پوزش بدینوسیله تصحیح می‌شود

کارخانجات ایران جاندیر اراک

پنجاهمین سال شاهنشاهی پر افتخار پهلوی را جشن گرفت

پنجاهمین سال سلطنت پر افتخار دودمان پهلوی با شکوه هرچه تمامتر در کارخانه ایران جاندیر اراك اولین سازنده کماین در ایران و تراکتور جشن گرفته شد. در این جشن که با شرکت کارگران و کارمندان و خانواده آنان تشکیل شده بود، فرماندار و رؤسای ادارات و کارخانجات اراك و عده‌ای از طبقات مختلف مردم راك شرکت کردند و هنرمندان رادیو و تلویزیون ملی ایران برنامه‌های جالبی اجراء نمودند.

ابتدا آقای ناصر شکرائی مدیر امور اداری و روابط عمومی ضمن عرض خیر مقدم بحاضرین چنین اظهار داشت

- «حضار محترم همکاران عزیز، دوران قبل از تاریخ سلطنت شاهنشاهان پهلوی برای ملت ایران دشوارترین لحظات تاریخ این سرزمین کهن بوده است که خواست خداوند با فرمانروائی رضاشاه کبیر ایران از قعر ظلمت نجات یافت و اکنون تحت توجهات خردمندانه شاهنشاه آریامهر در راه عظمت و رسیدن به تمدن بزرگ به پیش میرود. پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران در عصر خاندان جلیل پهلوی بخصوص در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر با برخورداری از سیاست مستقل ملی ایران را در شاهراه سعادت و موفقیت قرار داده است. اکنون وظیفه فردفرد ملت ایران است که با کار و کوشش برای توسعه صنعت این مملکت و برای رسیدن به تمدن بزرگ که شاهنشاه آریامهر آنرا ترسیم فرموداند لحظه‌ای درنگ نداشته باشیم تا بتوانیم از تامین اجتماعی کامل برخوردار باشیم. حضار محترم همکاران گرامی، شادی و سرور شما نشانه ایمان به نظام شاهنشاهی است. به همین مناسبت است که پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را جشن گرفته‌ایم. ما در راه رسیدن به تمدن بزرگ هستیم ولی با کار و تولید بیشتر و بهتر در عصر رستاخیز رفاه عامه تامین خواهد شد.

عصر رستاخیز عصر تلاش و پیکار است. برای شکوفائی هر چه بیشتر اقتصاد و صنعت مترقی ایران برهبری شاهنشاه عالیقدرمان بیش از پیش باید نقش خود را ایفا نمائیم. در خاتمه عرایضم از مقام مدیریت عامل و اعضاء هیئت مدیره که در مورد برگزاری این جشن دستوراتی صادر فرمودند، صمیمانه سپاسگزارم و تشکر مینمایم.

جاوید شاه- پاینده ایران»

سپس آقای مهندس بهرام صبری، مدیر عامل کارخانجات ایران جاندیر مطالبی بشرح زیر بیان نمود:

آقای مهندس بهرام صبری مدیر عامل کارخانجات تراکتورسازی ایران

-«خانمها، آقایان از سوی مدیران و کارکنان شرکت ایران جاندیر پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را تبریك عرض نموده و از حضار محترم که با تشریف فرمائی خود ما را سرافراز فرموده‌اند، سپاسگزاری مینمایم

آئین بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را زمانی جشن میگیریم که نهال بارور شده انقلاب شاه و ملت دریچه‌ای تازه در زندگی ملت ایران گشوده است. سعادت اجتماعی امروز ایران بدلیل بهره‌مندی عامه مردم از ثروتهای کشور واطاعت از سیاست مستقل ملی است که ملت ایران را حاکم برسر نوشت خود نموده و موجب توسعه اقتصاد کشور گردیده و مارا پوینده راهی نموده است که تامین کننده مصالح ملی ما باشد. در حال حاضر با مشارکت عامه طبقات دموکراسی ایران بصورت ترکیبی از دموکراسی سیاسی و دموکراسی اقتصادی توام با عدالت اجتماعی جلوه نموده و نتیجه این تلاش و ترکیب قرار گرفتن کشور ایران در باشگاه کشورهای صنعتی جهان است.

واحدهای صنعتی این مملکت در پناه برکت و امنیت و ثبات موجود دامنه فعالیت خودرا گسترش داده‌اند و ما نیز امیدواریم که با برخورداری ازاین موهبتها و تلاش و کوشش خستگی ناپذیر فرد فرد کارکنان این شرکت در راه پیشبرد برنامه‌های این کارخانه برای ادای دین خود به شاهنشاه بزرگ ایران و میهن و ملت سهمی داشته باشیم. شرکت ایران جاندیر امیدوار است که در راه توسعه صنعت ماشین آلات کشاورزی، بخصوص در امر تولید تراکتور و کمباین برای کشاورز ایرانی نقش مهمی را ایفا نماید. با توجه به برنامه‌های دردست اقدام در جهت بهره‌وری کار امید است که هرچه سریعتر به هدفهای خود نائل گردیدیم جاوید شاه- پاینده ایران»

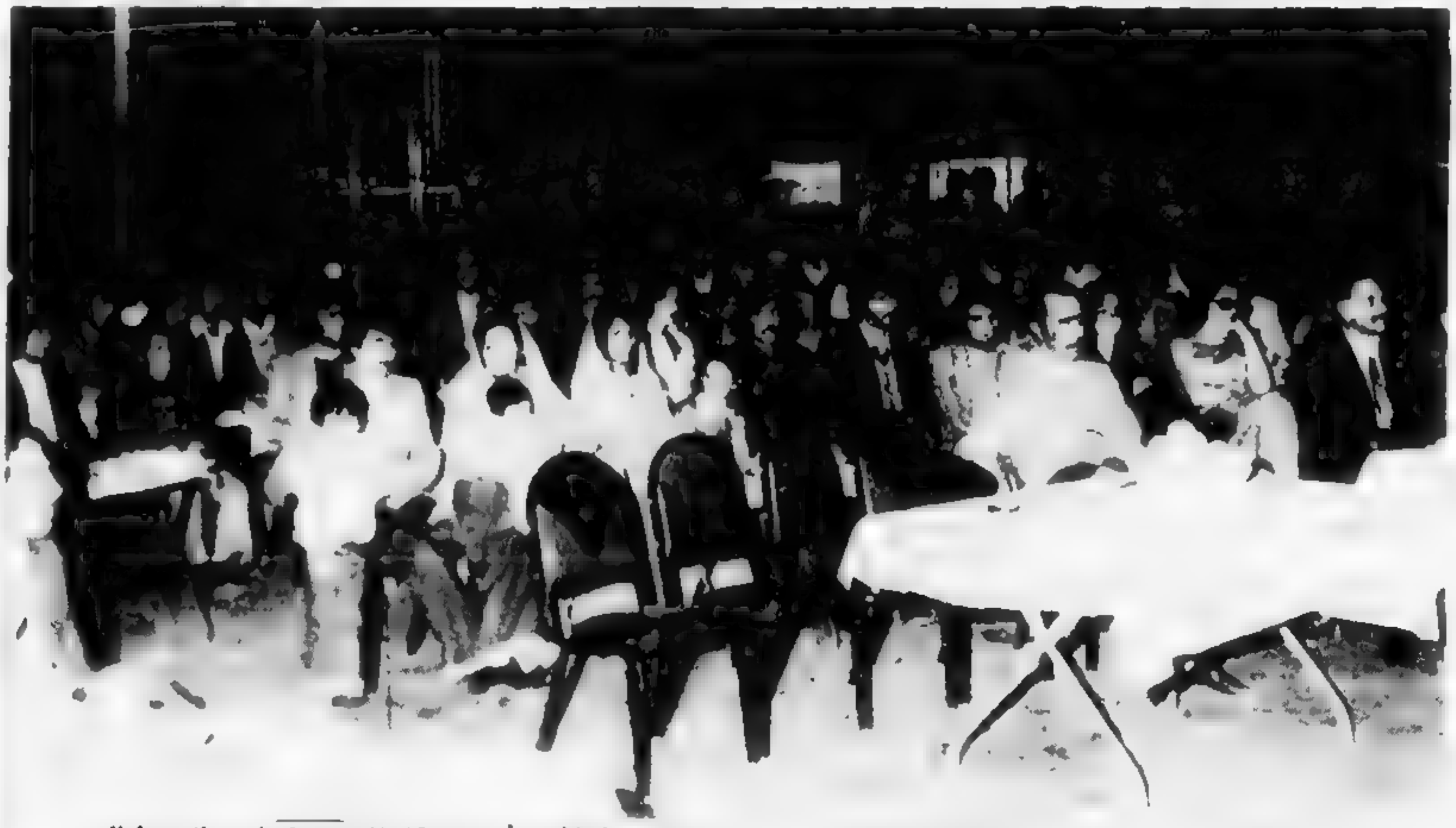

گوشه‌ای از مراسم پرشکوه جشن پنجاهمین سال سلطنت پر افتخار پهلوی در کارخانجات ایران جاندیر اراك

دراین جشن آقای موسی بیات، نماینده کارگران کارخانه خطاب به حاضرین اظهار داشت:

- با سه کلمه خدا- شاه- میهن، و با کسب اجازه از حضار محترم، آغاز سخن مینمایم و وظیفه خود میدانم از جانب کارگران ایران جاندیر، حضور سروران گرامی را که دراین جشن کارگاهی شرکت فرموده‌اند، صمیمانه خیر مقدم عرض نمایم و پنجاهمین سالگرد سلطنت شاهنشاهان پهلوی را تبریك گویم.

حضار محترم، همکاران گرامی، ما دراین محیط کارگری گرد امده‌ایم تا پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را ارج نهیم و با جشن و سرور، سپاس خود را از مواهبی که در پنجاه سال نصیب ما شده است، ابراز نمائیم:

در دوران سیاه و پر آشوب قبل از شاهنشاهی پهلوی، هر گوشه‌ای از مام میهن جولانگاه گردن‌کشان بود. حکومت مرکزی در فساد مطلق فرو رفته بود. فقرونا امنی وضعف حکومت، ملت را به تنگ آورده بود. نمودار صنعت کشور زیر صفر بود. کارگاههای کوچك سنتی یك کارگاه چراغ گازویك ماشین دودی مجموعه صنعت کشور کوروش و انوشیروان بود که روزگار تمدنش از ماوراء هند تا شمال افریقا گسترش داشت. واضح است که وضعیت کارگر چه بوده است. کارگران دارای هیچ حقوق و مزایائی نبودند.

ساعت کار مطرح نبود. شروع کار باطلوع خورشید و ختم آن تا پاسی از شب بود.
شیوه گرفتن حداکثر کارو دادن حداقل مزد بطور قابل توجهی رایج بود و بطور کلی مملکت در حال فنا شدن بود که لطف الهی شامل کشور شاهنشاهی ایران گردید و با آغاز شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه فقید، با لغو کاپیتولاسیون و ایجا دکارخانه‌ها و شبکه ارتباطی با خط راه‌آهن و

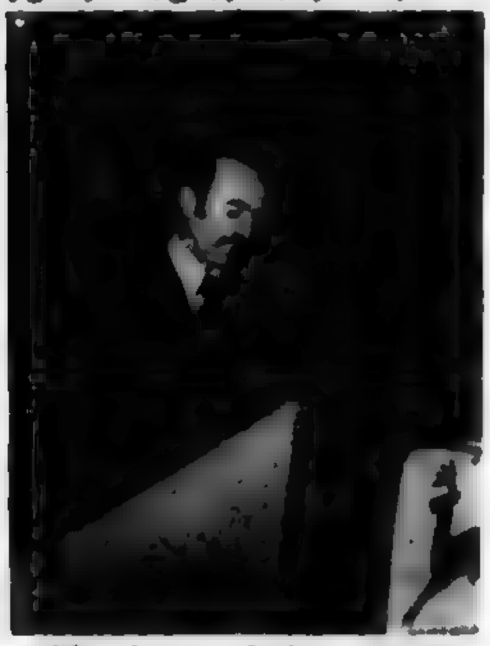

آقای ناصر شکرائی، مدیر امور اداری و روابط عمومی کارخانه

تاسیس دانشگاه، چرخهای اقتصادی به حرکت درامد و وضعیت مردم و کارگران ایران دگرگون شد. لیکن شهریور ۱۳۲۰ پیش امد و اصلاحات عمیق و دامنه‌دار سردار بزرگ تاریخ ایران متوقف

بقیه در صفحه ۹۳

پیرامون جشنواره جهانی فیلم تهران

هدفهای جشنواره...؟

جشنواره جهانی فیلم تهران پایان یافت، و یك ماه هم از برگزاری آن گذشته است.

اما بنظر ما اگر این فاصله زیاد است، تذکر لااقل یك نکته ضروریست، و آن اینکه برگزارکنندگان جشنواره، در آغاز در تشریح نظرگاههای هدف برگزاری جشنواره تاکیدشان براین بود که چون همه طبقات، بویژه طبقاتی که امکان آنرا ندارند به اروپا و امریکا بروند و با سینمای خوب و واقعی آنجا آشنا شوند، با مشاهده فیلمهای جشنواره از سینما آگاهی بیشتری خواهند یافت، از همین رو، امسال اجازه رزرو بلیط داده نشد تا دیگران هم چون طبقه علاقمند به سینما، یعنی کارگر و کاسب و کارمند به صف بایستند، بلیط بخرند و به تماشای فیلم بروند.

این توجیه برگزارکنندگان جشنواره، نویدی بود برای گسترش سینمای واقعی بین همه گروههای اجتماع. اما در عمل مشاهده کردیم که روابط عمومی جشنواره، هدفهای برگزارکنندگان را درك نکرده است، و درست بر خلاف آنچه گفته شد، عمل کرد.

روابط عمومی جشنواره، شاید بتصور خود انقدر بالا بالا اندیشید، که امکان درج خبرهای جشنواره را برای کارگران مناسب ندید، چه آنکه فراموش کرد اگر جشنواره براه می‌افتد و برای آن برنامه‌ریزی می‌شود، بمنظور آگاهی دادن به همه مردم این سامان است، برای آن گروه عظیم از تماشاگران شیفته سینما که پول می‌دهند و توی صف می‌ایستند نه برای آن گروه که یك پایشان در ایران است و پای دیگرشان در اروپا و آمریکا. این درست نیست که حق گروه شیفته سینما زایل شود و مانند همیشه، چشم‌سیرها را بنور سفره سینما دعوت کنند. معلوم نیست که اگر عنوان روابط عمومی میدهند آیا مسئولیتی در اینمورد از روابط عمومی خواسته می‌شود یا خیر؟... آیا کنترل می‌کنند که روابط‌عمومی هم، در جهت تحقق هدف جشنواره گام بردارد؟...

یك نگاه به جشنواره فیلمهای کودکان، نشان می‌دهد که تا چه اندازه موفق بوده است، زیرا که در چند روز برگزاری آن بدون سروصدا کارشان را انجام میدهند و گروه گروه تماشاگر برای دیدن فیلمها می‌روند، رویدادهای جشنواره هم در همه جا منعکس می‌شود. توفیق آنها، نشانگر اینست که میدانند جشنواره را برای ایرانی ترتیب می‌دهند، با پول این مردم، و بمنظور آگاهی این مردم.

در طول پانزده روز جشنواره جهانی فیلم تهران دیدیم که سینما دیاموند به همت بلیطهای رایگان رفاقتی پر میشد، و بنام مطبوعات ثبت میگردید. آیا روابط‌عمومی جشنواره پاسخی براین ادعا دارد؟...

بهرحال، به آنچه درباره جشنواره امسال نوشتیم همینقدر اکتفا می‌کنیم و امیدواریم اگر به صحت نوشته ما صحه میگذارند، سال اینده که قرار است جشنواره در اصفهان برگزار شود ـ شاید بهمین دلیل که امسال مدعی شدند ـ بفکر تماشاگر ایرانی باشند.

خبرهای کوتاه

پوری‌بنائی فیلم میسازد

فیلمسازان عاقبت پوری‌بنائی بازیگر سینمای فارسی را هم به صف فیلمسازان کشانیدند، و این بازیگر هم‌اکنون مشغول آماده کردن یك کار سینمائی است که سرمایه آن مشترکاً با بارید طاهری و پوری‌بنائی خواهد بود. نقش مقابل پوری‌بنائی را در این فیلم ایرج قادری بعهده دارد.

تپه می‌وسه

امان منطقی، سازنده فیلمهائی چون «اسبابات چوبی» و «غلامژاندارم» مشغول آماده‌سازی فیلم تازه‌اش با نام «تپه می‌وسه» است. این فیلم براساس رشادتها و قهرمانی‌های سربازان ایران میدهنی شده و مخارج آن بالغ بر سه میلیون تومان میشود. در این فیلم، همه نقش‌ها را چهره‌های جدید سینمائی به عهده خواهند داشت.

داود رشیدی، عمل جراحی و فیلم

داود رشیدی، چهره سرشناس تاتر و بازیگر سینما، مدتی قبل زیر عمل جراحی قرار گرفت و با بهبودی حالش، بازی در فیلم جدید سینمائیش را آغاز کرد. این فیلم «شمر» نام دارد که در کنار رشیدی، بازیگران دیگری چون، فرامرز قریبیان- جمشید مشایخی- سهیله و گلی زنگنه بازی میکنند. این فیلم احتمالاً برنامه نوروزی یك گروه سینمائی خواهد بود.

مجموعه‌های ایرانی

باید نمایانگر و پاسدار فرهنگ

سمك‌عیار- دائی‌جان ناپلئون- مرداول- چنگك- شهرمن، شیراز، درسری کارهای ایرانی و تولید داخلی و سریال‌های کانون- بارتا- توما- دکترالیوت- وضع اضطراری- والتونها- لنسر- بیمارستان عمومی- خانهٔ کوچك- مونتی‌نش- دنیای‌آزادـو مرد شش میلیون دلاری، در مجموعه‌های خارجی، شبها و روزهای ما را در تلویزیون گرم می‌کنند و در اینجا بایك حساب سرانگشتی به این مسئله میرسیم که تولید داخلی ما از لحاظ مجموعه‌سازی در مقابل خرید از بازارهای تلویزیونی، بسیار ناچیز است.

«دائی‌جان ناپلئون»: بتازگی شروع شده که کاریست پربار از ناصر تقوائی که با خرج تقریباً چشم‌گیری تهیه شده است و به مدد بازیگران سرشناسی چون نصرت کریمی- پرویز صیاد- پرویز فنی‌زاده- نقشینه- پروین ملکوتی و دیگران و نوشته بسیار خوب ایرج پزشگزاد مورد توجه قرار گرفته است. دراین مجموعه، رویدادها ان نیز از نظر تماشاگر کم‌حادثه بودن آنست. بهرحال داستان در روال کارهای قدیمی است و مربوط به جامعه امروز نمیتواند باشد. تنها این مسئله میماند که بیندیشیم و ببینیم که در گذشته چه عیارانی را داشته‌ایم.

«مرد اول»: این مجموعه را نیز کاردان تهیه و کارگردانی کرده که مسائل آن مربوط به پنجاه سال قبل است، ولی نشان‌دهنده یك جامعه درکل نیست و هرچه هست، مسئله یك خانواده را مطرح کرده‌اند با زیرو بم‌های جوراجور بازی زن‌های مختلف که به عبارتی بیشتر به همان «خانه بدوش» نزدیك است. اصولاً کارهای پرویز کاردان باید بازیگر فراوان زن داشته باشد. حال چه خودش بازی کند، یا فقط نقش کارگردان را داشته باشد. بهرحال «مرد اول» به مدد همین بازی‌سازی‌ها تاحدی موفق است.

«چنگك»: مجموعه «چنگك» را حدود سه سال قبل، جلال مقدم در تلویزیون تصویب کرد تا

رابرت‌بلیك، در مجموعه بارتا

بیشتر حدود سی‌سال قبل تهران و زندگی یك خانواده را نشان میدهد. «سمك‌عیار»: کاریست درحد خود نو که محمدرضااصلانی بخش‌هائی از انرا کارگردانی کرده و چون داستان و وقایع آن مربوط به قرن پنجم، ششم است داستان نیز بهمان گونه موردتوجه قرار گرفته و دلیل ضعف براساس زندگی افراد یك کلانتری، از پاسبان گرفته تا رئیس کلانتری، مجموعه را بسازد، ولی در همان اوایل کار تصمیم گرفت کارگردانی بخش‌های مجموعه را به کارگردانان جوان بسپارد. این مجموعه که هربار داستانی جداگانه را دنبال می‌کند، پس از یك وقفه یك ساله، دوباره

لی و قومی سرزمین ما باشد

پخش شد که پخش آن تا اواخر ماه اینده ادامه خواهد داشت. «چنکك»، برای آدم‌های امرور است، آدم‌های گوناگون، و شاید بتوان گفت که در اصل حرف تازه‌ای را مطرح نمی‌کند، بجز در برگیری یك مقدار تکنیك و موزیك. بهرحال عمر این مجموعه نیز به آخر رسیده است

احرین مجموعه تلویزیونی ایرانی «شهر من، شیراز» نام دارد، مجموعه‌ای که در شیراز تهیه شده، با بروبچه‌های شیراری و البته کارگردان تهرانی، یعنی شاهرح ذوالریاستین. نوشته این مجموعه از کیهان رهگدر است که در تهران فعالیت‌های تاتری داشت، و مدتیست که به شیراز رفته، و در آنجا فعالیت خود را دنبال می‌کند. «شهرمن شیراز» یك داستان عاشقانه امروزی را دنبال می‌کند، با دست‌آوردهائی از قصه عشق و مسایل مربوط به جوانان که بسیار کند پیش میرود.

این از محصولات داخلی، میدانیم که

ازسه‌سال قبل یك مجموعه در برنامه اول و یك مجموعه در برنامه دوم، که اینك بطور رنگی بحش می‌شود ودرحال‌حاصر، مرد اول، شهرمن شیراز، و چنگك از برنامه اول، سمك‌عیار و دائی‌جان‌ناپلئون بدلیل رنگی بودنشان از برنامه دوم پحش می‌شود و همیوهمین. اسست که در فقر مجموعه‌های ایرانی به مجموعه‌های حارجی میرسیم. -

محموعه‌های حارحی ىلوىرىوں یك راه ىرای پرکردن برنامه سب البه میدانیم به فرهنگ ابها با تماشاگر برای ارىباط چندانی دارد و به حرفهایشاں

حالا اگر یك سوپرمن تمی بنام «مردشش‌میلیون دلاری» از راه رسیده و مورد توجه قرار گرفته، بخاطر باراری بودن فضای آنست و یا آینکه تماشاچی درهمه جای دنیا عاشق ارتیست‌بازی است. یك انسان پرنده مثل سوپرمن، یك آدم مرموز مثل خفاش و یك موجود

صحنه‌ای ازدائی‌جان ناپلئون

صحنه‌یی از «سمك‌عیار»

تلویزیون دارای تمام امکانات تکنیکی هست استودیوهای متعدد دارد. دوربین‌چی‌های خوب دارد و آدم‌های سرشناس نشسته‌اند تا سروصورتی بوضعیت تولیدات داخلی بدهند، ولی درعمل می‌بینیم تولیدات داخلی تلویزیون از نظر مجموعه‌سازی بسیار ضعیف است. میدانیم که

افسانه‌ای مثل صاعقه، در جمع شده است «مرد شش‌میلیون دلاری» که دارای چشمهای اتمی است و در دست‌وپای او مدارهای الکترونیکی جای گذاری شده است و بنابراین، این انسان نیمه اتمی میتواند جالب باشد. به‌غیراز این، به مجموعه موفق دیگری میرسیم که میتوان گفت کامل‌ترین شکل یك قصه را دارد، پراز عاطفه، اسایب، عشق، مجموعه‌ای با نام «خانه کوچك». فضاسازی این مجموعه در کل مربوط به همه آدم‌های روی رمین و مربوط به همه وقایع و همه سرزمین‌هااست. اینست که مجوعه «خانه کوچك» میتواند مفری باشد برای رسیدن به یك کارخوب و دارای ارزش. درزمینه‌های دیگر مجموعه‌های خارجی کتك می‌زنند، آدم می‌کشد. و درآخر، آنکس که بیشتر ازهمه کشته، قهرمان داستان است که این لطمه بزرگیست به فرهنگ روحی ماکه اصولاً با این قبیل وقایع آشنائی زیادی نباید داشته باشیم.

روابط عاطفی و فرهنگی

آنچه دراینجا مطرح می‌شود اینسکه چرا با امکانات فراوانی که داریم از لحاظ کادر برنامه‌سازی داخلی اینقدر ضعیف هستیم، با سوژه‌های فراوان و آدم‌هائی که میتوانند خوب بنویسند و هرپیشه‌های فراوان می‌توانیم بیش از این در شناخت فرهنگ ملی خود به تماشاگر موفق باشیم بعنوان مثال «سمك عیار» هرچند که به‌عقیده تماشاگر خسته کننده است، ولی روحیه ایرانی دارد. ما در همین ایران امروز با اینهمه سنتها و مراسم میتوانیم کارهای قابل‌توجه عرضه کنیم، نه اینکه بنشینیم به تماشای آدم کشی‌های خارجی و یا آرتیست‌بازی‌های سرگرم کنده. امرور، تماشاگر اصلی تلویزیون، کارگر و کاسب و کارمند است. بنابراین، تماشاگر تهرانی و شهرستانی احتیاج به برنامه‌هائی تازه دارد با محتوای بهتر و فرهنگ ملی خودمان. نه آنقدر روشنفکر باشیم که تماشاگر نتواند بفهمد مفهوم یك سریال چیست، و نه آنقدر پائین‌فکر کنیم که از برنامه تلویزیون فیلم فارسی پخش کنیم.

ویلیام کنراد، در مجموعه کانن

صابون
عروس
برای دستشوئی و حمام
صابون آرایش
عروس
خوشبو، ملایم، بادوام

کار نشد ندارد

بقیه از صفحه ۶۷

بدهکار شد و مجبور شد مقداری از سهمش را بابت قرضش بده. و بد از بدتر اینکه فیج کار هم براش ازبین رفته بود. چون دوباره معتاد شد، بقیه سهمش‌رو فروخت، یادت می‌یاد اون زمینی‌رو که کرج داشتیم، همون که بااون همه خون‌دل خریده بودیمش و سرقباله من انداخته بود، اونم فروختیم.... دیگه تقریباً همه فامیل فهمیده بودن. احترامموں پیش همه ازبین رفته بود همه بانظر تحقیر مارو نگاه میکردن. انگار گناهی مرتکب شده بودیم. ازحق نمیتونم بگذرم، خوب این گناهم هست که آدم حق خودشو، حق زن و بچه‌شو دود کنه به هوا بفرسته، کاش مسئله پول فقط مطرح بود. جوون عزیز خودش، جوونی که مثل شمع آب میشد و فقط از اون همه مردونگی، اون قد رشید، یك روح باقی مانده بود، یك روح سرگردون. ..»

[illegible] روز خیلی ناراحت شدم درست مثل اینکه مصیبتی برسرم آمده باشد، ظهر که بخانه برگشتم و شوهرم چشمهای گریه کرده‌ام را دید، نتوانستم طاقت بیاورم. سرم را روی شانه‌اش گذاشتم اول قدری گریه کردم و بعد از [illegible] که برای خانواده محسن‌خان و عاطفه افتاده بود، برایش شرح دادم. شوهرم تاب نیاورد و همان لحظه به خانه آنها رفت... بالاخره بار هم یکی دوتا از دوستان جمع شدند، و دوباره محسن‌خان را راضی کردند که به بیمارستان برود. از [illegible] رو که از بیمارستان مرخص شده بود تا [illegible] روز صبح ندیده بودمش. با بچه‌ها سفری به زیارت امامزاده رفته بودیم. بعد هم پیش خواهر کوچکم به گرگان [illegible]

ظهر [illegible]... شوهرم آمد و بار چشمهای مرا گریان دید. دیگر این بار واقعاً عصبانی شد و هرچه کردم که از [illegible] سراسیمه کتش را پوشید و به خانه محسن [illegible] [illegible] چادرم [illegible] درشت کردم وقتی به خانه‌شان رسیدیم، شوهرم روبروی محسن ایستاده بود و [illegible] میگفت: «تو مردی؟ واقعاً [illegible] خجالت نمی‌کشی که دختر معصوم خونه‌ای [illegible] به خونه آوردی و داری مثل [illegible] [illegible]؟ از روی این طفلکی امیر علی شرم نمیکنی؟ به چشمهای بی‌گناه اونگاه کن. به من اسم تورو نمی‌تونم مرد بذارم. تو هیچی نیستی، توهمه پولی رو که باید واسه مخارج زندگی زن و بچه‌ات کنار بذاری، دودکردی و بهوا فرستادی. همه ازت وحشت میکنن. دیگه هیچ کس توخونه‌ش تورو [illegible]

میدونی عاقبت دنبال این کار رفتن چیه؟ فلاکت. برو شکر کن که پول و پله‌ئی داشتی و هنوز به دزدی و گدائی نیفتادی، ولی من اون روز رو خیلی خیلی دور نمی‌بینم. همین روزهاست که خونه تو حراج کنن. میدونم که از دست طلبکارها مثل دزد آهسته میری و میای همین روزهاست که بگیرنت بندازنت تو زندون. خودت نخواهی، فکر [illegible] زن و بچه بدبخت و بینوا تو بکن، واقعاً اگه میتونی دست ازاین وامونده ورداری، ورنه [illegible] برو خودتو بکش وحالا هم [illegible] [illegible] فلا [illegible] زن و بچه [illegible]
[illegible]
[illegible] میپوشی و لالاخره [illegible]

عادت بکنی اگه هم [illegible] که [illegible] خودتو [illegible]

[illegible]

مهم بعداز چند دقیقه، خانه‌شان را ترك کردم. بعدها شنیدم که همان روز محسن به عاطفه گفته بود «من میرم توایں اتاق، یازده [illegible] بیرون [illegible] درو روس قفل کن»

فقط یه آب و غذای مختصری و اسم هر روز [illegible] اگه خودمم کشتم دلت نسوزه، درو وانکن، اگه نمتونی [illegible] مو تحمل کنی، خودت از خونه برو بیرون» و عاطفه [illegible] گوش کرده بود و [illegible] محسن [illegible] از اتاق بیرون آمده بود. اما یك آقا محسن سالم، یك آقا محسن مرد. الان یکسال از آن روز میگذرد. آقا محسن دوباره به کارش رونق داده و دیگر گرد لودگی میگردد من هروقت به شوهرم نگاه میکنم، [illegible] محسن [illegible] و هرگز نمی‌توانم اراده و مردانگی آقا محسن را [illegible] کنم و باز به این مثل قدیمیها می‌اندیشم که: کار نشد ندارد»

حفاظت و بهداشت

بقیه از صفحه ۳۷

احتیاج بهمکاری دسته‌جمعی

۹- همکاری صمیمانه تمام نیروهای کارگر یك کارگاه، برای رعایت کارخانه‌داری خوب، مانند همه مراحل دیگر عمل حفاظت امر لازمی است سرپرستان و مسئولین قسمتها باید ابتداء اشیاء و وسائل را تحت نظم در آورند و بعداً هرگونه لوازم و کمکهای خاصی که موردنیاز باشد فراهم سازند. [illegible] شرکتها گروه تنظیف مخصوصی دارند که طبق برنامه منظم از بخشی به بخش دیگر رفته، وظیفه خود را انجام میدهند.

وظایف خاص از قبیل: شستشوی پنجره‌ها، تخلیه زباله‌دانها، جارو کردن و پاك کردن و غیره بافراد معینی واگذار میشود و از این امر هم بصرفه [illegible] و هم [illegible] کارگ[illegible] [illegible] بهترین و سالمترین متد بدینطریق [illegible] بتجربه کامل بمرحله عمل درمیاید

مبارزه برای تمیزکاری

۱۰- هفته‌های مخصوص در کارگاه [illegible] [illegible] بسیار مساعد و مفید واقع میشوند [illegible] بشمار اعلانی باین مضمون «هفته تمیزکاری از تاریخ دوشنبه ۲۲ ماه جاری شروع میشود، هر [illegible] باید آماده عملیات نظافت بشود. لباسهای کهنه، کهنه‌ها و دستمالهای روغن‌آلود، آشغال و خرده‌ریز باید دور ریخته شود.» علاقه کارگران و حس همکاری آنها را برای اجرای این برنامه میتوان جلب کرد.

شورای کارخانه‌داری

۱۱- شورای کارخانه‌داری [illegible] شورای [illegible] کارخانه‌داری [illegible] که منظما همه قسمتها را [illegible] میکند، همکاری کارگران را در این امر [illegible] میکند. قسمتهای مختلف [illegible] شورای مذکو[ر] [illegible]
[illegible] همکاری [illegible]
[illegible]
[illegible] [illegible] هوس[illegible]
قسمتهای [illegible]
[illegible]

[illegible] برای [illegible] علاقه قسمتها [illegible] [illegible] که هرماهه [illegible] [illegible] مخصوصی بهترین قسمت اعطاء شود

۱۲- برای بررسی هرگز باید مقررات [illegible] [illegible] کرده و طبق برنامه یکنواختی عمل نمود. ممکن است برای اعضای جوینر شورا خود اقدام نموده و براساس مشاهدات و ملاحظات [illegible]
[illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] بگردد

متدهای نظافت

۱۳- باید سعی شود حتی الامکان تمام مراحل جاروکشی و گردگیری بوسیله سیستم مکنده و سنگهای مخصوص انجام گیرد. مخصوصاً در جائیکه مواد سمی در عملیات بکار میرود، حتماً باید از این سیستم استفاده شود و اگر مقدور نباشد، اقدامات حفاظتی لازم متناسب با طبیعت مواد سمی وارد در عمل و سایر شرایط موجود باید بکار رفته و کارگرانی را که ممکن است در [illegible] محوطه [illegible] آسیب ببینند، محافظت کرد

خدمات دودمان پهلوی....

بقیه از صفحه ۴۱

ایران را از دست سلسله ستمکار میهن فروش، ریاست طلب و آشوبگر قاجاریه نجات بخشید. از این رو روزنه‌ای از سعادت بروی مردم ایران و بخصوص طبقه زحمتکش پدید آمد. اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شب و روز بیاد زیردستان و زحمتکشان بود تا اینکه به امر مبارك کلاسهای اکابر(شبانه) در سراسر ایران برای با سواد نمودن طبقه زحمتکش و برای بالا بردن سطح فکر آنها تاسیس گردید. این بزرگترین تحولی بود که در جامعه کارگران ایران با دست توانای آن رادمرد بزرگ صورت گرفت. بعد از آن به امر معظم‌له دبستانها و دبیرستانها بنیاد نهاده شد و فرستادن فرزندان این آب‌وخاك بویژه فرزندان کارگران به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل جامه عمل پوشید. ایجاد راه‌آهن سرتاسری ایران و احداث پل‌ها، تاسیس کارخانجات خدمت دیگری است نسبت به جامعه کارگران ایران. خدمات دیگر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی به جامعه کارگران ایران این بود مردمانی را که در کوهستانها و دهکده‌های دوردست از کارفراری بودند، باسیاستی خردمندانه آنها را به آبادانی مملکت تشویق نمود. رضاشاه کبیر همیشه به کارگران وزیردستان نسبت پدروفرزندی را دارا بود. همینطور گشایش راهها و تعمیر آثار قدیم از کارهای بزرگی است که در زمان رضاشاه‌کبیر انجام گرفت.

ما کارگران ایران همیشه زحمات پر افتخار آن تاجوربزرگ و سردار ایران را به یاد خواهیم داشت، چون عصر پهلوی عصر نجات ایران و آزاد ساختن کارگران ایران از دست سلسله جبار و ستمکار قاجاریه است.

درود فراوان به روح پاك سردار بزرگ ایران باد که تادم مرگ علاقه خود را نسبت به ایران ثابت کرد با بردن مشتی خاك از وطن درك دستهای خود جهان را وداع نمود(درود پاك خداوند بر تو و خاندان توباد).

بعد از مرگ آن سردار بزرگ ایران فرزند دلیرش در میان طوفان حوادث و هرج‌ومرج‌ها و نابسامانیها و ناامنی زمام امور کشور را بدست گرفت. اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر درس شهامت ورشادت را در مکتب پدر تاجدارش آموخته بود. در همان سنین کودکی به مبانی و معتقدات مذهبی سخت پایبند بود و چون پدر تاجدارش محبت زیردستان و زحمتکشان را دردل دارد و آنان و فرزندانشان را مانند فرزندانش دوست میدارد.

خدمات شاهنشاه نسبت به جامعه کارگران ایران عبارت است از:

۱- تصویب قانون کار و امور اجتماعی

۲- تاسیس بیمه‌های اجتماعی برای نجات جان کارگران در اثر حوادث ناشی از کاروبیماری‌ها و از کار افتادگی.

۳- مبارزه با بی‌سوادی که منجر به پیشبرد سطح معلومات افراد گشته.

٤- توسعه برنامه‌های آموزش حرفه‌ای که متدرجاً در کلیه نقاط مملکت مردم از آن بهره‌مند میگردند و با اصول تکنیك کارگری آشنا میشوند.

چنانچه بخواهیم از خدمات دودمان پهلوی نسبت به جامعه کارگران ایران سخن بمیان آوریم چندین کتاب بایستی در این زمینه نوشته شود. اینك فقط مختصری از خدمات دودمان پهلوی را بصورت مقاله بیان میکنم.

زمانی بود کارگران و زارعین با کوشش بسیار از دسترنج و زحمات خود بهره‌ای حاصل نمیکردند و چنانکه میخواستند از محصول بدست آمده خود سروسامانی به زندگیشان دهند نمیتوانستند، زیرا بیش از نصف در آمد آنها به اربابان و زورگویان میرسید، ولی رهبر خردمند و با ایمان ایران مردانه قدعلم کرد و کشاورزان و کارگران را از قید آنها رها ساخت. همیشه رهبر بزرگ ما ضمن بیانات خویش فرموده‌اند که کارگران سازنده مملکت هستند.

آنچه کارگران ایران تحت توجهات شاهنشاه آریامهر از سال۱۳٤۱ به بعد بدست آورده‌اند، عبارت است از:

۱- سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات.

۲- دادن مزایائی از قبیل در سال دومرتبه پاداش و عیدی و پرداخت کمکهای غیر نقدی

۳- ایجاد تفریحات سالم برای کارگران و خانواده‌هایشان. بطوریکه کارگران و فرزندان آنها در اردوهای کارگری شرکت میکنند.

افزایش حقوق کارگران و همینطور مزایای کارگری از قبیل مرخصی، مسکن، استفاده‌های درمانی بهتر. شرکت و تشویق کارگران در مسابقات فنی و ورزش و داستان‌نویسی به تسریع صورت میگیرد. تاسیس سندیکاها و سازمانهای کارگری در ایران تحصیل رایگان برای کارگران و فرزندان آنها، فرستادن کارگران فنی جهت آموزش حرفه‌وفن به کشورهای خارج، تغذیه رایگان برای فرزندان کارگران در مدارس، تاسیس وزارتخانه‌ای بنام وزارت بهداری و بهزیستی جهت رفاه و درمان کارگران ایران

آنچه را در تاریخ خوانده و شنیده‌ایم هنوز پادشاهی دادگستر و کارگر دوست همانند اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی آریامهر، جهان بخودندیده است و لطف و مراحم معظم‌له همیشه شامل حال زیردستان بوده وهست. دست اوست که بر سرطبقه زحمتکش سایه افکنده است. از پناه اوست که در آسایش و آرامش و در رفاه اجتماعی بسر می‌بریم. ما کارگران ایران همیشه از خداوند متعال خواستار سلامتی و تندرستی شاهنشاه آریامهر و خانواده جلیل سلطنت میباشیم.

زنده و پاینده باد شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت، برقرار باد پرچم سه رنگ ایران، پیروزمند باشند دوستداران کارگر

ماشین را باید در اختیار گرفت...

بقیه از صفحه ۵۷

گذشته و حال

حسینعلی پور در مقایسه‌ای از وضع کارگران در گذشته و امروز میگوید: «تفاوت از زمین تا آسمان است. همین. زیرا هرچه بگوییم ناقص گفته‌ام. آنچه که کارگر امروز بدست آورده و آنچه که شرایط اقتصادی امروز برایش فراهم کرده، نتیجه انقلاب شاه و ملت است، که برهبری شاهنشاه آریامهر صورت گرفته است و با توجه به این عنایات است که ما نیز وظیفه‌ای سنگین‌تر از گذشته داریم. کارگر ایرانی امروز باید بداند که رفاه و آسایش بدون سپاس نمیتواند باشد و یقیناً سپاس مادر افزایش تولید از جهت کمی و کیفی میتواند باشد. بی‌تفاوت بودن و باری بهرجهت کار کردن برازنده کارگر ایرانی نیست. کارگر ایرانی باید متوجه باشد که چرخهای اقتصاد جهان هر روز سرعت بیشتری میگیرد و پدیده‌های جدیدتری را بخدمت فرا میخواند. بنابراین باید متعصب بود. محیط کار خود را دوست داشت. حتی به ماشینی که با آن کار میکنیم عشق بورزیم. این رمز موفقیت و پشتوانه همیشگی ما خواهد بود

کارگر امروزی باید بخاطر بیاورد که دوستان آنها در گذشته در چه شرایطی و با چه وسایلی به تولید میپرداختند و نحوه کار چگونه بوده است. کارگر امروز باید تن‌پروری و کاهلی را از خود دور کند، زیرا وظیفه‌ای سنگین و رسالتی مهم بردوش دارد.» حسینعلی پور سپس به تقسیم سود ویژه در کارگاهها و گسترش مالکیت صنعتی پرداخت و گفت: «اصولا باردهی هر کاری و هر قدمی نخست در شناخت و درك آن است. نمیتوان پنهان کرد که این عامل تا چه حد در رفتار کارگران مؤثر بوده است. اما نکته‌ای که باید مورد اشاره قرار گیرد، آموزش است. اثر این مهم در تمام سطوح بوضوح دیده میشود

فرامین و تاکیدات شاهنشاه را میبایست همه کارگران پیوسته در ذهن خود داشته باشند. البته از کارگران با درك این حقیقت که سهم عمده‌ای در اقتصاد کشور دارند، قدر و منزلت عنایاتی راکه نسبت به آنها شده است میدانند و برای قوام بخشیدن آن نیز کوشش بسیار میکنند، ولی میخواستم بازگو کنم که آموزش در این مورد نیز میتواند بازهم نتیجه بهتری عاید همه ما کند.»

آقـای حبیب القـانیان در جشـن کارخـانجات صـنایع پارس و امریکا گفت:

پیشرفت‌های ایران در پنجاه سال شاهنشاهی

کاخ نیاوران
پیشگـاه مبارك بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

کارکنان و هیئت مدیره شرکت صنایع پارس و آمریکا سهامی عام مباهی و مفتخـرند که جشـن فرخنده پنجاهمین سـال شاهنشاهی پرافتخـار دودمان پهلوی را به پیشگـاه پدر تاجدار شاهنشاه آریامهر و بحضـور شهبانوی محبوب و ولیعهد گرامی نورچشم ملت ایران تهنیت عرض نمایند.

شرکت صـنایع پارس و آمریکا پدیده عصر پهلوی، مفتخر است که هرچه بیشتر در راه تحقق نیات گرانقدر رهبر خـردمند ملت ایران کوشـا باشـد، و مرغوبیت کالا را باخرین حـدامکان افـزایش دهد تا رضایت خـاطر خـطیر شـاهنشاه بزرگ ما فراهم آید.

شرکت صنایع پارس و آمریکا
(سهامی عام)
غلام جان‌نثار- حبیب القانیان

● **بزرگترین میراث اعلیحضرت رضـاشاه کبیر برای ملت ایران وجـود مبارك اعلیحضرت محمدرضـاشاه پهلوی شـاهنشاه ایران میباشـد که دارای روحـی سرشار از معرفت الهـی و قلبی مملو از عطوفت و مهربانی هستند.**

● **وظیفه همه ما اینسـت که در حفظ و حراست ثمرات انقـلاب پربرکت که نصیب همه افراد مملکت شده کوشا باشیم و همچون سربازی در میدان انقـلاب قـدم برداریم و تا پیروزی نهائی که حصـول به تمدن بزرگ اسـت از کار و کوشش و جانبازی دریغ نورزیم.**

آقای حبیب القانیان به ره‌آوردهای بزرگ دوران پنجـاه سـاله شـاهنشاهی پهلوی اشـاره کرد وان راستود

دراجتماع عظیم و پرشـوری که بمناسبت بزرگداشـت پنجـاهمین سـال شـاهنشاهی پهلوی از طـرف مدیران، کارکنان و کارگران شرکت صـنایع پارس و امریکا در سـالن زمرد هتل آریاشرایتون برپا شـد، عمیق‌ترین و پاکترین احسـاسات ملی و میهنی نسـبت به شاهنشاه آریامهـر و خـاندان جلیل پهلوی ابراز شد.

برنامه این جشن با شکوه ساعت پنج بعدازظهر اعاز شـد و دران گروهی از شـخصیتها، بازرگانان، صاحبان صنایع، اعضـای هیئـت مدیره شرکت و جمعی از طبقـات مختلف مردم شرکت داشتند.

ابتدا آقای محمدتقی هرقانی رئیس اموراداری «شرکت صناعع پارس و آمریکـا» (سـهامی عام) ضمن خیرمقدم به میهمانان از آقای حبیب القانیان عضو هیئـت مدیره شرکت برای سـخنرانی دعوت کرد.

آقای القانیان پشت میکروفون قرار گرفـت و طی سخنانی اظهار داشت

مهمانان عزیز و کارگران ارجمند

کارخانجات پارس و آمریکا که اولین سـازنده یخچال برقـی اجـاق گاز و فـریزر و نخسـتین تولیدکننده پروفیل الومینیوم در ایران میباشـد، با همت و پشتکار و دلسوزی شما کارگران عزیز، موفقیتهای چشم‌گیری داشته است. این جشن فرخنده را که بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی پرشکوه و غرور آفرین دودمان جلیل پهلوی منعقد گردیده است بعموم ملت ایران تبریک میگوئید پنجـاه سـال قبل سردار نامی و رادمرد بزرگ اعلیحضرت رضاشاه کبیر فقید عظیم‌الشان [illegible] قد مردانگی علم کرد و کشتی طوفان زده وطن عزیزمان را از گرداب هلاکت رهائی بخشید و [illegible] همون گردید [illegible] که اعلیحضرت [illegible] دودمان شـاهنشاهی پهلوی از طـرف خـدای بزرگ برای انجام رسالت تاریخی خود انتخـاب گردیده اسـت روان پاکش درود میفـرستیم و به پیشگـاه باعظمتش سرتعظیم فرود میاوریم.

وقتی به اینهمه ترقیات سریع و حیرت‌انگیز در زمان شاهنشاهی پربرکت خـاندان جلیل پهلوی از قبیل تاسیس دانشگـاهها، ایجـاد خـطوط متعدد راه‌اهن، جاده‌های شوسه، وسائل ارتباطی مدرن تاسـیس سـدها، کارخـانجات، بیمارسـتانها، درمانگـاهها و غیرو و غیره و مهمتر از همه ثبات سیاسی و اقتصـادی و امنیت کامل توجـه نمائیم میبینیم که همه انهـا درمدتی بسـیار کوتاه برای ملت ایران بدسـت امده اسـت و این همه مواهب فقـط در اثر درایت و نبوغ ذاتی و وطـن‌پرستی و ملتخواهی اعلیحضرت رضـاشاه کبیر سردودمان خـاندان پهلوی و فـرزند برومندشـان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهـر بوده اسـت. بزرگترین میراث اعلیحضرت رضـاشاه کبیر برای ملت ایران وجـود مبارك اعلیحضرت محمدرضـاشاه پهلوی میباشد که دارای روحی سرشار از معرفت الهـی و قلبی مملو از عطوفت و مهربانی هستند و با نیروی جـوان و نبوغ ذاتی و اندیشـه‌های تابناك در ۳۵سال قبل و دروضـعی بحـرانی زمام امور را درکف با کفـایت خـود گرفته و با زحمات شبانروزی و تصمیمات داهیانه و خردمندانه خود موفق گردیدند برمشکلات فایق ایند. پنجاه سـال شاهنشاهی پرشکوه دودمان شاهنشاهی پهلوی و بخصـوص ۳۵سـال اخیر ان درتاریخ حیات این کشور باستانی که ۲۵۰۰سال تاریخ مدون دارد لحـظاتی بیش نیسـت ولی درهمین مدت کوتاه، تحـولات و ترقیات و پیشرفتهای چشـمگیر و عظیمی نصیب ملت نجیب ایران گردیده که باعث اعجاب و تحسـین عالمیان میباشـد. نبوغ ذاتی و تدابیر خردمندانه شاهنشاه اریامهر بارها مملکت ما را از ورطه سـقوط و نیسـتی و هرج‌ومرج نجـات بخشـیده و درمدتی بسیار کوتاه دسـت اجانب و اخـلال‌گران از دامن وطـن کوتاه و امنیت و اسایش درکشور برقرار شده است. این ایام مقارن با روز نجات اذربایجان عزیز به فرمان نافذ و دست توانای شـاهنشاه آریامهـر از سـلطه بیگـانگان و فصـل گویائـی از شـهامت و دلاوری و سـیاست مدبرانه شـاهنشاه اریامهـر برای حفـظ و تمامیت ارضی ایران عزیز میباشد

حقیقتاً این موضـوع بقـدری مهـم اسـت که ستاره تابناك ان تا ابد برتارك شـاهنشاهی ایران خواهد درخشید و ماهمگی باتمام قلب و روح خـود در مقـابل این همه عظمت و بزرگواری سرتعـظیم فرود میاوریم.

کوشش کارگران

آقای القانیان سپس گفت

دگـرگـونی درکلیـه شئون کشـور از ششم بهمن ماه سال۲۵۲۱ شاهنشاهی با انقلاب شاه و ملت چهـره تازه‌ای بخـود گرفـت و اصـول انقلاب پایه و اساس نوینی در مسائل اقتصـادی و سیاسی و اجتماعی کشور بنیان گذارد و مملکت در یك شـاهراه ترقـی با افتخـاری بزرگ براه افتاد و روز بروز این ترقی و پیشرفت سریع‌تر گردید.

شـاهنشاه محبوب ما با تدابیر خـردمندانه توانسـتند ایرانی اباد و سربلند بوجـود آورند، در حقیقت این انقلابی عظیم و چشم‌گیر بود انقـلابی که بدست توانای شاهنشاه اریامهر رهبر عالیقدر و بزرگ ملت ایران پی‌ریزی شـد و ثمرات ارزنده‌ای بار اورد که انرا بچشم میبینیم. امروز وظیفه همه مردم ایران اعم از زارع و کارگر و کارمند و صاحبان حرف و کارخـانجات اسـت که بشکـرانه این همه نعمت این همه امنیت و اسـایش و این همه امتیازات و افتخـارات دسـت سـتایش و دعا بسـوی پروردگار یکتا دراز نموده و طـول عمر و عظمت و بقای شاهنشاهی پربرکت خـاندان جلیل پهلوی را مسئلت نمائیم. وظیفه همه ما است که در حفظ و حراست ثمرات این انقلاب پربرکت که نصیب همه افراد مملکت شده است کوشا باشیم همچون سربازی در میدان انقلاب قـدم برداریم و تا پیروزی نهائی که حصول به تمدن بزرگ اسـت از کار و کوشش و جانبازی دریغ نورزیم

کارگران عزیز: وظیفـه ما دراین راه بزرگ کمتر از دیگر طبقات مردم نیست زیرا بهتر میدانید که چرخ تولیدات کشور که محـور اصـلی اقتصـاد است بدسـت شـما کارگران عزیز میباشـد. کار و کوشش و فعالیت و دلسـوزی شـما کارگران عزیز در گردش این محـور اقتصـادی اثرات مهـم و مستقیم دارد، درعصر انقـلاب و سـازندگی برای کس مجـال سـهل‌انگاری و بی‌تفـاوتی نیسـت و همانطوریکـه اعلیحضرت همایون شـاهنشاه آریامهـر در اوامر موکد خـود چندین بار اشـاره فـرموده‌اند باید جـدیت نمائیم از اتلاف وقـت خـودداری نموده و سـطح تولید و مرغوبیت کالارا به آخرین حد امکان افزایش دهیم که هم رضایت خاطر خـطیر شـاهنشاه بزرگ ما فـراهم آید و هم

پهلوی موجب اعجاب وتحسین جهانیان است

آقای امیرهوشنگ ویکتوری رئیس هیات مدیره شرکت پارس و امریکا کیکی را که از طرف این شرکت تهیه شده میبرد

● نماینده کارگران شرکت صنایع پارس و آمریکا:

عشق به وطن و عزم و اراده پولادین بنیانگزار ایران نوین، بساط ملوك‌الطوایفی و خانخانی مشتی خانمان‌برانداز یاغی را در هم کوبید و باستقرار قدرت در حکومت مرکزی تحقق بخشید.

درعصر درخشان رستاخیز بفرمان مطاع رهبر بزرگ ملت ایران شاهنشاه آریامهر ٤٩درصد سهام کارخانجات به عموم عرضه شده و کارگران در واحدهای تولیدی خود شریك و سهیم شده‌اند.

جوان متقل مساعد و سر اوراق تاریخ قبل و بعد از شروع شاهنشاهی پهلوی بمنزلهٔ آئینه قیاس تیره روزیها و موفقیتهای درخشان کشور و ملت کهنسال ایران در برابر دیدگان تمامی مردم جلوه‌گر است

بی‌کفایتی زمامداران و حکام قبل از عصر پهلوی از کشور باستانی پر افتخار ما ویرانکده‌ای پدید آورده بود که در آن توده‌های مردم در گرداب جهل، فقر و بیسوادی غوطه‌ور و در زیر فشار شکنجه‌های حکام وقت به حد زندگی و مرگ تدریجی روبرو بودند

خزانه مملکت تهی و سوءوقت قرضه‌های خارجی که بمصرف سفرهای تفنی زمامداران کشورهای اروپائی رسیده بود سدهای تسلط بیگانگانرا بر دست و پای ملت ایران مستحکم‌تر مینمود

در این هنگامه بی‌سر و سامانی و فلاکت ناهنجاری بوده که کشتی طوفانزدهٔ میهن را امواج سهمگین مهلکه برهاند و با عزمی آهنین دست رادمرد خودساختهٔ تاریخ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود که از آستین همت بیرون آمد و سکان کشتی وطن را در اختیار گرفت

عشق بوطن و عزم و اراده پولادین بنیانگذار ایران نوین بساط ملوك‌الطوایفی و خانخانی مشتی خانمان برانداز یاغی را درهم کوبید و باستقرار قدرت در حکومت مرکزی تحقق بخشید

زندگی جوشان در تن خموده ملت و میهن آغاز شد و گامهای سریع در جهت تمدن و پیشرفت برداشته شد. احداث خط سراسری راه‌آهن، تأسیس دانشگاه، ایجاد راهها، خطوط تلفن و تلگراف، بسط دانش و رواج صنعت در مدتی بسیار کوتاه چهره ایران را دگرگون نمود.

کارگر صنعتی در بطن کارخانه‌های نوبنیاد عصر نوین متولد شد و با قدمهای لرزان پای بر راه نهاد و در دورانی دیگر در جهت تکامل کمی و کیفی پیشرفتهای شگرف، در عصر پرفروغ آریامهر شخصیت حقیقی خود را بازیافت.

لطفاً ورق بزنید

پیش خود روسفید و سرفراز باشیم.

بصدای رسا بشرفعرض خاکپای مقدس شهریار عظیم‌الشان میرسانیم که ما حاضریم جان خودرا فدای شاهنشاه آریامهر و آرمانهای مقدس اعلیحضرت نمائیم و اینك با تمام قلب برای سلامتی ذات اقدس شاهانه و شهبانوی با عطوفت و بزرگوار و ولیعهد عزیز نور چشم ملت ایران و خاندان جلیل پهلوی دست دعا به درگاه خداوند یکتا برداشته‌ایم.

شها تو مظهر حقی و حق پناهت باد
خدای هردوجهان حافظ رضایت باد

عصر درخشان رستاخیز

آنگاه آقای داوود بزرگ دبیر سندیکای کارگران صنایع پارس و امریکا گفت: میهمانان عالیقدر

همکاران گرامی

ابتدا اجازه میخواهم تشریف‌فرمائی میهمانان ارجمند را که با حضور خود در این جشن فرخنده مارا مباهی و مفتخر فرموده‌اند خیرمقدم عرض کنم و سپس پیرامون برکات پنجاه سال شاهنشاهی سازنده و شکوهمند دودمان جلیل پهلوی مختصراً مطالبی بسمع حضار گرامی برسانم

در جامعه کنونی ما بسیارند کسانیکه وقایع و وضاع و احوال سالهای قبل از طلوع خورشید دودمان پهلوی را بخوبی بیاد دارند و همانند تاریخی گویا اندوخته‌های ذهنی خودرا به نسل

آقای داود بزرگ دبیر سندیکای کارگران شرکت صنایع پارس و امریکا

بقیه از صفحه ۹۱

پیشرفت‌های ایران در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی موجب اعجاب و تحسین جهانیان است

عکسی از جشن مدیران، کارکنان و کارگران شرکت صنایع پارس و امریکا درهتل آریاشرایتون، درعکس مدیران شرکت و چند تن از شخصیت‌های اقتصادی کشور دیده میشوند

طبقه کارگر که در میان طبقات و قشرهای مختلف جامعه ایرانی محلی نداشت تحت توجهات و عنایات عالیه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مقام شایسته خود را کسب کرد

اصول مقدس انقلاب شاه و ملت همزمان با برافکندن نظام پوسیده فئودالیسم از روستاهای ایران کارگران را در سود ویژه کارگاههای صنعتی و تولیدی سهیم ساخت و این خود موجد انگیزه تکامل تولید در کارخانه‌های کشور بود

و اینك در عصر درخشان رستاخیز بفرمان مطاع رهبر بزرگ ملت ایران شاهنشاه آریامهر ۴۹ درصد سهام کارخانجات بکارگران عرضه گردیده و عملاً کارگران در واحدهای تولیدی خود شریك و سهیم شده‌اند. بپاس اینهمه توجه و عنایتی که رهبر ملت ایران نسبت بما کارگران مبذول فرموده‌اند با تمامی وجود و هستی خود سوگند میخوریم و پیمان میبندیم که سپاس خود را بحضور مبارك بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر با تلاش بیشتر و فعالیت سازنده‌تر در جهت بهبود بار هم بیشتر کمی و کیفی تولیدات داخلی عرضه و تقدیم داریم تا از این راه مصدر خدماتی بمیهن عزیز شده و دین خود را نسبت بجامعه متحول و مترقی خود ادا نمائیم سوگند میخوریم که سرباران مقدم جبهه اصول مقدس انقلاب شاه و مردم باشیم و پیمان میبندیم با شرافت کارگری خودکه اصول حزب رستاخیز ملت ایران، نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم را بعنوان رهنمود راستین دستیابی بمرزهای تمدن بزرگ همچون چراغی همواره فراراه خود داشته باشیم.

در پایان لازم است از هیئت مدیره شرکت صنایع پارس و آمریکا که همواره در راه بثمر رساندن ایده‌های شاهنشاه محبوبمان با ما کارگران کمال همکاری و مساعدت را نموده‌اند تشکر نمایم و بخصوص خوشحالیم که شرکت ما امسال موفق بدریافت جایزه مرکوری طلائی شد و این افتخار و موفقیت بزرگی برای شرکت و ما کارگران میباشد بهمین مناسبت و برای اینکه این جشن ملی مانند گذشته مظهر خیر و برکت بوده باشد و خاطرخطیر رهبر بزرگمان هرچه بیشتر خشنود گردد از ایشان تقاضا دارم مانند همیشه عنایت فرموده وبه مناسبت این جشن ملی پیام خوشی که حاکی از اقدام برای تهیه مسکن کارگران است اعلام فرموده و سرور بیشتری در این روز بما کارگران ارزانی دارند.

زنده باد رهبر داهی و خردمند ملت ایران اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر

زنده باد شهبانوی محبوب و نیکوکار ایران

پس از سخنرانی نماینده کارگران- آقای محمد تقی فرقانی رئیس امور اداری شرکت متن تلگرام هیأت مدیره، کارکنان و کارگران کارخانه پارس و امریکا به پیشگاه شاهنشاه آریامهر را قرائت کرد

پس از آن برنامه‌های متنوع هنری آغاز شد که تا ساعت ۸/۳۰ ادامه داشت. در این موقع آقای امیرهوشنگ ویکتوری رئیس هیئت مدیره کارخانجات صنایع پارس و آمریکا در میان کفزدنهای ممتد کیك مخصوص را که بمیمنت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی تهیه شده بود برید.

کارخانجات ایران جاندیر اراک

بقیه از صفحه ۸۵

شد، ولی دیری نپائید که رهبری ایران بدست توانای شاهنشاهی اندیشمند افتاد. در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر، صنایع نفت به مالکیت مطلق ایران درآمد. منابع طبیعی اب و جنگل از مالکیت گروهی غارتگر بیرون امد دوبامهر آریامهر، ما در صنایع امروز به همت اریامهر سیانگداری و مشغول بهره‌برداری گردید. صنایع ماشین سازی تراکتورسازی- اتومبیل سازی الومینیوم سازی- پتروشیمی- نساجی مدرن و صنایع الکترونیك و دیگر صنایع عظیمی که نمودار

آقای موسی بیات نماینده کارگران|کارخانجات ایران جاندیر

پیشرفتهای کشور ماست، در این سرزمین تاسیس گردید.

منابع عظیم گاز کشور که بهدر میرفت، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در اقصی نقاط کشور سدهای بیشماری برای ذخیره حیاتی‌ترین ماده زندگی بشر ساخته شد شبکه برق سراسری از کرانه‌های ارس تا خلیج فارس نقاط این مرز و بوم را دربر گرفت و بالاخره کارگر اجیر ان روزگار، با اجرای اصول چهارم و سیزدهم انقلاب ارزش خود را بدست آورد. کارگر ایران امروز با اجرای اصل سهیم شدن خود را شریك در سود کارخانه میدادند و با عرضه سهام کارخانجات و اجرای گسترش سهام مالکیت واحدهای صنعتی خود سهامدار کارخانه شده و خواهد شد.

پیشرفتهای اقتصادی- صنعتی- اجتماعی و سیاسی ایران در سطح بین‌المللی با برخورداری از سیاست مستقل ملی با رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر نصیب ملت ایران شده است.

کارگران ارزش مواهبی را که از آن برخوردار هستند میدانند و خداوند بزرگ را سپاس میگوئیم که شاهنشاهی مدبر و کارگر دوست را رهبر این مملکت نموده تا ایران انطور که شایسته ایران ست رهبری فرمایند و در عصر رستاخیز بسوی تمدن بزرگ ایران را رهنمون گردند. کارگران نیز سوبه خود در اجرای او امر رهبر بزرگ انقلاب ایران برای بالا بردن سطح مهارت خود و رونق بخشیدن به صنایع مملکت بهره‌وری کار از هیچ کوششی تا پای جان دریغ نخواهند نمود. در خاتمه عرایضم از جناب آقای مهندس صدری مدیرعامل محترم ایران جاندیر و اعضای محترم هیئت مدیره و دیگر مدیران این شرکت که نهایت لطف را در حق کارگران مبذول میفرمایند، صمیمانه سپاسگزاری مینمایم. امیدوارم که مدیران و کارمندان و کارگران صدیق‌ایران‌جاندیر در راه پیشبرد امور محوله موفق و مؤید باشند

جاوید شاه- پاینده ایران

در خاتمه ضمن پذیرائی از مدعوین هنرمندان رادیو و تلویزیون ملی ایران با شرکت خانم گیتی خواننده معروف و برادران فضولباشی که از تهران دعوت شده بودند، برنامه‌های جالبی اجراء نمودند که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

دانستنی‌هایی درباره‌شمپانزه‌ها

این‌بار که به باغ‌وحش میروید و یك شمپانزه برای شما شکلك درمی‌اورد، باید بدانید چگونه این به شکلك پاسخ بدهید، زیرا شکلك معنایی بالاتر از آنچه فکر میکنید برای شمپانزه دارد.

شمپانزه‌ها با استفاده از حرکات، حالات چهره و صداها باهم صحبت میکنند. وقتی با دوستان خود ملاقات میکنند، یکدیگر را درآغوش میگیرند و وقتی خشمگین میشوند، دندان‌های خودرا برهنه میکنند و شاخه‌های درختان را تکان میدهند. هرچند شمپانزه‌ها

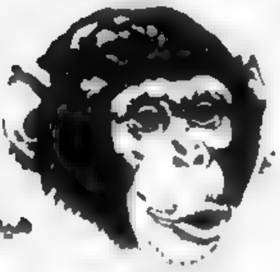

هیجان

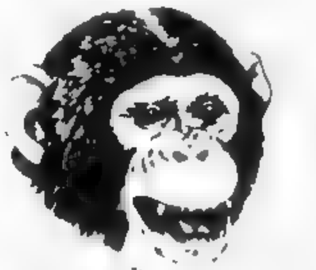

خشم

ترس

نمیتوانند صحبت کنند، اما یك شمپانزه توانست یکی از اشکال زبان «کرولالی» را یاد بگیرد.

چون میمون‌ها ظاهراً نزدیك‌ترین حیوان شبیه ما هستند، جالب است که چیزهای بیشتری را درباره زندگی و رفتار آنها یاد بگیریم.

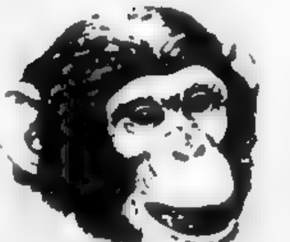

لذت

شمپانزه‌ها هم مانند ما از اسلحه استفاده میکنند. آنها چوب و سنگ به مزاحمان پرتاب میکنند و میتوانند مسایل ساده‌یی را که دانشمندان در برابر آنان میگذارند، حل کنند.

اندوه

شمپانزه‌های جوان معمولاً وقتی شش ساله میشوند، مادرشان را ترك میکنند، هرچند یك شمپانزه ماده مدت بیشتری درکنار مادر خود باقی میماند. برادران و خواهران شمپانزه‌ها، مانند بشر، به محیط‌های مختلف خو میگیرند و میتوانند روی زمین یا روی درخت، به یکسان راحت زندگی کنند، در حالیکه برعکس، گوریل‌ها، بیشتر درزمین زندگی میکنند و «اوران گوتان»ها بیشتر روی درختان زندگی میکنند.

ما اغلب میتوانیم پچ پچ شمپانزه‌ها را از فاصله بیش از پنج کیلومتری بشنویم.

یک انقلاب جدید در صنایع نفت

یك نفت‌کش پر از نفت، به یك سکوی شناور بسته میشود و سپس به خطوط لوله وصل میشود و بعد تخلیه بار خود را شروع میکند.

پیشرو ایجاد این سکوی شناور جدید، شرکت «ایمودکو» است که در لوس‌انجلس مستقر است. سکوی شناور، هم در زمان انتقال نفت صرفه‌جوئی میکند و هم در استفاده از تسهیلات بندری که میلیون‌ها دلار خرج بر میدارد. سکو را میتوان حداکثر تا ۹۶ کیلومتری ساحل مستقر کرد. این سکو احتیاج به کارکنان عملیاتی ندارد، دریاهای توفانی بر آن اثر ندارد و میتواند پنج نوع مواد مایع را در زمان واحد منتقل کند. مثلا یك نفت‌کش میتواند سوخت هواپیمای جت، بنزین و گازوئیل را به طور همزمان تخلیه کند.

موقع تخلیهٔ بارکشتی، باید شلنگ‌های انتقال مواد نفتی کشتی را تا پائین سکو پیش برد و سپس آن را به خطوط لوله زیر دریائی وصل کرد. این خطوط لوله محتویات نفت‌کش را به پالایشگاه‌ها و انبارهای ذخیره نفت که در ساحل مستقر است حمل میکند. این جریان را معکوس هم میتوان کرد یعنی یك نفت‌کش را میتوان از ساحل بارگیری کرد، بدون آن که نفت‌کش اصلاً به بندر بیاید.

پاسخ‌های قضائی

از: عباس تهرانی
وکیل پایه یك دادگستری

در کریدورهای دادگستری

کارگری سالخورده در حالیکه کاغذی در دست داشت از این و آن میخواست راهنمائیش کنند. بدیهی است از هیچکس جواب درست و حسابی دریافت نمی‌کرد و راهنمائی نمیشد. او میخواست عرضحالی برای کم کردن سن فرزندش بدهد و نمیدانست باید بکدام شعبه و مرجع مراجعه کند. سرگردانی او مدتها بطول انجامید و بالاخره نیز بدون یافتن پاسخی بر مشکل خود دادگستری را ترك گفت.

در اینجا بد نیست بعرض کارگران عزیز برسانم که در دادگستری واحد راهنمائی وجود دارد که قبل از مراجعه بهرکس دیگر میتوان پاسخ پاره‌ای پرسش‌ها را براحتی از واحد مزبور دریافت داشت.

معافی تکفل

آقای تهرانی – وکیل محترم اینجانب متولد سال ۱۳۲۸ هستم. پدرم تقریبا از کار افتاده و ۵۳ ساله است. ضمن پدر بزرگ نابینا و دو برادر کوچکتر ۸ و ۹ ساله دارم تکفل زندگی ایشان با من است و هم اکنون با شور و شوق بسیار که بتحصیل دارم، بدلیل تکفل زندگی افراد مزبور ناچارم روزها را دربکارخانه نامیتینگ ایران کار کنم و شبها بدرس و تحصیل برسم. احیانا اگر بسر بازی برده شوم واقعا زندگی ما از هم میپاشد چون نان‌آور دیگری نداریم. بعلاوه قصد ادامه تحصیل دارم. خواهشمندم بفرمائید آیا با اوصاف بالا میتوانم معافیت تکفل بگیرم، یا نه؟

تهران – ابراهیم رضائی

برادر عزیز، ضمن ابراز خوشوقتی از پشتکار و علاقمندی شما بدانش و تحصیل و تقدیر از همتی که در جهت گردانیدن چرخ زندگی خانواده دارید، بنظر اینجانب شما میتوانید از معافی تکفل استفاده کنید، مشروط براینکه بتوانید وضعیت خودرا در خصوص کفالت اثبات نمائید. بهتر است در اینمورد بدوا استشهاد (گواهی) از مطلعین تهیه نموده و طی شرحی به حوزه نظام وظیفه مربوطه وضعیت خودرا منعکس نموده و تقاضای صدور برگ معافیت از خدمت زیرپرچم بعنوان تکفل نمائید.

بدیهی است پرونده شما در دادگاه متشکله در حوزه مزبور رسیدگی شده و با حسن نیتی که در دادگاههای مزبور وجود دارد یقینا خواسته شما مورد توجه قرار خواهد گرفت. موفق باشید.

اخطاریه سه روزه

وکیل محترم – آقای تهرانی، اینجانب کارگر کارخانه‌ای در اصفهان هستم. چندی قبل چون اجاره خانه‌ام عقب افتاده بود مالك از دفترخانه اخطاری برای من فرستاد در اخطار مزبور نوشته شده بود ظرف سه روز بدهی خود را بابت اجاره عقب افتاده بپردازم. اتفاقا روز سوم من بیمار و بستری شدم و چون در مورد پرداخت اجاره خانه ناراحت بودم و شخص دیگری نیز در دسترس نبود تا وسیله او آنرا تادیه کنم، از یکی از دوستان که در امور قانونی وارد است تلفنا سئوال کردم. او گفت در اخطاریه‌ها روز ابلاغ و روز پرداخت حساب نمیشود و در حقیقت تو پنج روز وقت داری نه سه روز. بنابراین میتوانی دو روز دیگر بپردازی اما وقتی دو روز بعد به دفترخانه مراجعه نمودم گفتند دو روز دیر آمدی پول را نگرفتند حالا شنیده‌ام مالك میخواهد برای تخلیه اقدام کند. خواهشمند مرا راهنمائی بفرمائید که آیا حرف محضر درست است و از طرف دیگر اگر مرا از خانه بیرون کند وضع اجاره در اصفهان هم طوریست که فکر نمیکنم بتوانم محل جدیدی را با این قیمت بگیرم.

اصفهان – محمود یوسفی‌مقدم

کارگر عزیز، بخاطر داشته باشید راهنمائیهای غلط پاره‌ای افراد ممکن است زیانهای جبران ناپذیری بانسان بزند و بهتر است همیشه افراد وارد و مطلع را در امور مختلف طرف شور قرار داد. در خصوص اخطاریه‌های مربوط به دادگاهها اظهار دوست شما صحیح است و معمولا روز ابلاغ اخطاریه و روز تسلیم آنچه که در اخطاریه وسیله دادگاه خواسته شده محسوب نمیگردد و این نحوه احتساب را قانون در قسمت مواعد پیش‌بینی نموده و همچنین قانون در باب روابط مالك و مستاجر در خصوص اخطاریه مربوط به مطالبه اجور عقب افتاده که از دفتر خانه محل تنظیم روز اجاره صادر میگردد منحصرا سه روز را موعد قرار داده است و سه روز از تاریخ ابلاغ احتساب میگردد. بنابراین اظهار دفترخانه صحیح است لکن محاضر معمولا وجه اجاره را اگر چه خارج از موعد باشد دریافت میدارند. لغایت اینکه گواهی به مالك میدهند که وجه در موعد تادیه نشده است بهتر است هرچه زودتر با جلب توجه دفترخانه باینکه قبلا چه روز مراجعه کرده بودید وجه را تادیه نموده و بعلاوه گواهی از پزشك معالج خود و استشهادی از مطلعین تهیه نمائید تا در صورت لزوم در دادگاه آنها را ابراز نمائید. بطور معمول با ابراز چنین گواهیها دادگاههای بخش منحصرا بابت چند روز تاخیر آنهم برای یك نوبت در تادیه اجاره بها حکم به تخلیه صادر نمیکنند و چنانچه با مالك خود نیز تماس حاصل نموده و بیماری خودرا باطلاع ایشان نیز برسانید یقینا ایشان نیز منصفانه رفتار خواهند نمود.

پرسشهای مربوط به تأمین اجتماعی

از: ناصر یوسفی‌زاده

«کمك عائله‌مندی بازنشستگان بخش دولتی»

آقای عباس‌پور بهنام، مسئول کمك عائله‌مندی کارگران ایران کاوه، با ارسال نامه‌ای درخصوص استحقاق کارگران و کارمندان بازنشسته دوایر دولتی و ارتش که پس از بازنشستگی در کارگاههای مشمول قانون تأمین اجتماعی بکار میپردازند، نسبت بدریافت کمك عائله‌مندی سئوال نموده و متذکر شده‌اند که تاکنون چند نامه در این زمینه ارسال داشته‌اند که بلاجواب مانده است.

دوست عزیز،

اولاً پاسخ موارد پرسش شما در شمارهٔ ۲۲ مورخ مهرماه مجله رستاخیز کارگران در ستون پرسش و پاسخ تأمین اجتماعی درج شده است.

ثانیاً برای یادآوری، علاوه مینماید چون کارگران و کارمندان بازنشسته دولت اعم از کشوری و لشکری که پس از بازنشستگی در مؤسسات موضوع قانون تأمین اجتماعی بکار میپردازند مشمول قانون مذکور نیستند و کمك عائله‌مندی بافرادی قابل پرداخت است که مشمول قانون تأمین اجتماعی میباشند، لهذا بافراد مورد نظر شما که از حمایت‌های لازم برخوردار هستند، کمك مذکور تعلق نمیگیرد.

● پاسخ به چند پرسش یك کارگر اصفهانی

آقای حسین طاهری از اصفهان سئوال کرده‌اند:

۱– اگر زن بیمه شده در بیمارستان خصوصی زایمان کند، آیا کمك نوزاد باو تعلق میگیرد؟

۲– آیا ممکن است از خانواده بیمه شده چند نفر از درمان مستقیم و چند نفر از درمان غیرمستقیم استفاده کنند؟

۳– کسی که مدتی طولانی حق بیمه پرداخته است، اگر بعداً در یکی از سازمانهای دولتی استخدام شود، سوابق پرداخت حق بیمه او چه میشود؟

٤– صدور دفترچه بیمه یا تعویض دفترچه مذکور چه شرائطی دارد؟

٥– حداقل دستمزد کارگر ساده در اصفهان چقدر است و کمك عائله‌مندی کارگر اصفهانی چقدر میباشد؟

٦– آیا حداقل دستمزد در مورد زن و مرد متفاوت است؟

دوست عزیز،

پاسخ سئوالات شما شرح زیر است:

پاسخ سئوال اول – بیمه شده در مورد زایمان یا از کمك نوزاد نقدی استفاده میکند یا از خدمات پزشکی مربوط بزایمان، بنابراین اگر بیمه شده زن و یا همسر بیمه شده مرد، در بیمارستان خصوصی زایمان کند، کمك نوزاد نقدی پرداخت میشود.

پاسخ سئوال دوم– بیمه شده به تبعیت او و خانواده‌اش برای مدت یکسال در انتخاب یکی از دو طریق درمان مستقیم یا غیرمستقیم دارای اختیار هستند. ولی نمیتوانند توأماً از درمان مستقیم و درمان غیرمستقیم دریك زمان استفاده کنند.

پاسخ سئوال سوم– سابقه پرداخت حق بیمه افرادی که مدتی حق بیمه پرداخته و سپس در یکی از سازمانهائی که مشمول قانون تأمین اجتماعی نیستند استخدام میشوند، نزد سازمان تأمین اجتماعی محفوظ است و درصورتیکه مجدداً در کارگاههای مشمول بیمه بکار مشغول شوند برای استفاده از مزایای بیمه مورد استفاده قرار میگیرد.

پاسخ سئوال چهارم – صدور دفترچه بیمه و تعویض آن شرائطی ندارد و کلیه بیمه‌شدگان با تنظیم پرسش نامه لازم میتوانند دفترچه بیمه دریافت کنند و یا در صورت لزوم بسادگی دفترچه را تعویض کنند.

پاسخ سئوال پنجم – حداقل دستمزد کارگر ساده در اصفهان ۱٤۱ ریال و کمك عائله‌مندی بیمه شدگان اصفهان بازاء هر فرزند واجد شرائط ماهانه ٤۲۳ ریال است.

پاسخ سئوال ششم – حداقل دستمزد در مورد کارگر زن یا مرد متفاوت نیست.

● وام تعمیرات و پرداخت غرامت دستمزد

آقای حشمت‌اله سربازی زاده کارگر ذوب‌آهن اصفهان نوشته‌اند:

۱– علت اینکه بانك رفاه کارگران وام تعمیرات و مسکن را در سه قسط پرداخت میکند و یکجا نمی‌پردازد، چیست؟

۲– آیا ممکن است دستور داده شود که غرامت دستمزد سه روز اول بیماری سرپائی کارگران کسر نشود؟

دوست عزیز،

الف – بانك رفاه کارگران مانند سایر بانك‌هائی که وام مسکن پرداخت میکنند وام خرید خانه را یك جا میپردازد، ولی وام تعمیرات را طبق روشی که در کشور متداول است بمنظور حصول اطمینان از تعمیرات و پیشرفت آن در سه قسط پرداخت مینماید و نحوه پرداخت نیز طوری است که در انجام این منظور وقفه حاصل شود. چنانچه در مورد خاصی مشکلی بروز نموده است میتوانید مستقیماً با بانك مذکور موضوع را در میان بگذارید.

ب – پرداخت غرامت دستمزد سه روز اول بیماری بیمه شدگان در مواردی که در بیمارستان بستری نباشند، فقط درصورتی میسر است که بیمار بتجویز پزشك احتیاج باستراحت مطلق داشته باشد و ضمن استراحت و عدم اشتغال بکار از کارفرما حقوق دریافت نکند و اتخاذ ترتیب دیگری مقدور نیست.

پاسخ به پرسشهای پزشکی و خدمات درمانی

[illegible]

خدمات بیمارستانی

بهنگام احتیاج به بستری شدن در بیمارستان، بیماران بیمه‌شده با راهنمائی پزشك خود میتوانند در یکی از بیمارستانهای همکار بستری گردند. همچنین پزشکان مجاز هستند بیماران خود را مستقیماً به بیمارستان مورد توافق با بیمار، مشروط به اینکه بیمارستانی طرف قرارداد باشد، معرفی کنند.

بیمه‌شدگان از بابت خدمات بیمارستان که شامل بهای تخت- حق عمل جراحی- ویزیت پزشك- اتاق عمل- بیهوشی- آزمایش- عکسبرداری- دارو- خون و غیره، فقط ده درصد هزینه‌ها را بعنوان فرانشیز (سهم مشارکت) میپردازند و ۹۰ درصد بقیه بعهده سازمان تامین خدمات درمانی میباشد.

باید توجه داشته باشید بیمه‌شده وقتی میتواند از این مزایا برخوردار شود که:

اولاً معرفی‌نامه لازم برای بستری شدن توسط نماینده بیمارستانی سازمان در بیمارستان برای شما صادر شده باشد.

بنابراین بیمه‌شدگان عزیز باید بهنگام بستری شدن در بیمارستان، حتماً دفترچه تامین خدمات درمانی را همراه خود داشته باشند.

بدیهی است چنانچه بیماری، چه در بیمارستان و چه در مطب پزشکان، دفترچه را ارائه ندهد، بیمار بیمه‌شده محسوب نخواهد شد و کلیه هزینه را باید خود پرداخت کند.

دقت فرمائید که تعهد سازمان تامین خدمات درمانی برای بیماران بستری در بیمارستان اتاق سه‌تخته و بالاتر است، درصورتیکه در اتاق نیمه‌خصوصی یا خصوصی بستری شوید بیمارستان میتواند مابه‌التفاوتهای حاصله را اضافه‌بر ۱۰ درصد معمول از شما مطالبه کند.

بیمه‌شدگان عزیز توجه داشته باشند که اگر در بیمارستان اتاق سه‌تخته خالی نباشد، باید مانند کلیه کشورهای پیشرفته جهان در لیست انتظار باقی بمانند و منتظر نوبت خود باشند.

بدیهی است این انتظار در بستری شدن مربوط به بیماران اورژانس و فوریتهای پزشکی نیست. منظور از بیماریهائی مثل فتق- بواسیر و یا بعضی از بیماریهای مزمن است که امکان عمل جراحی باچند روز یا هفته برای بیمار زیان‌آور نخواهد بود!

لازم به یادآوری است که سازمان تامین خدمات درمانی تعهدی در مورد اعمال جراحی که بمنظور زیبائی انجام میگیرد ندارد و هزینه درمانهای ناشی از تصادف با وسائل نقلیه تامیزان پرداخت خسارت از صندوق تامین خسارتهای بدنی و یا شخص ثالث تعهدی ندارد.

همچنین پر کردن دندان، تهیه انواع روکش و بریج و گذاردن دندان مصنوعی جزو تعهدات سازمان تامین خدمات درمانی نیست.

در این مورد برای کارگران عزیزیکه دفترچه تامین خدمات دریافت و یا باصطلاح از سیستم درمان غیرمستقیم استفاده میکنند، تسهیلاتی فراهم شده که بتوانند دندانهای خود را در درمانگاههای سازمان تامین خدمات درمانی بطور رایگان پر نمایند.

همچنین تحویل پروتز به کارگران تابع مقررات خاصی است که انجام میگیرد.

در مورد بیماران روانی باید توجه داشت که سازمان تامین خدمات درمانی هیچ تعهدی در این مورد ندارد و بیمارانی که به پزشکان روانی و یا بیمارستانهای خصوصی مراجعه کنند و بستری گردند، کلیه هزینه‌ها را باید خود بپردازند.

درمان این بیماران فقط بطور رایگان و بعهده انجمن توانبخشی است و بیماران میتوانند در تهران و شهرستانها به انجمن‌های توانبخشی مراجعه و کاملاً برایگان تحت درمان قرار گیرند.

خدمات در مواقع اضطراری

سازمان تامین خدمات درمانی با تاسیس مرکز اطلاعات اورژانس در تهران (خیابان شاه، جنب سینما نیاگارا) بیمارانی را که دچار صدمات حوادث ناشی از کار- برق گرفتگی- سوختگی- مسمومیت، حتی بیماریهای قلبی و زایمان میشوند، با فرستادن آمبولانس‌های مجهز که در تمام شبانروز در کشیك هستند، یاری نموده است.

در این موارد باید بیمه‌شدگان عزیز از نزدیکترین تلفن به شماره‌های ۶۶۹۹۹۱ و ۶۶۹۹۲۱ که در بیست شماره تکثیر میشوند، تماس بگیرند و آدرس خود را دقیقاً در اختیار مرکز اطلاعات اورژانس قرار دهند، تا آمبولانس مجهز به لوازم پزشکی و اولیه و تکنیسین‌های فوریتهای پزشکی به محل حادثه آمده و بیمار را به نزدیکترین بیمارستان برسانند.

باید توجه داشت که برای نجات جان بیمار با این سیستم بیمار به نزدیکترین محل رسانده میشود، که ممکن است این بیمارستان خصوصی یا عمومی و باصطلاح دولتی باشد. ضمناً مرکز اطلاعات اورژانس تهران همه بیماران را اعم از بیمه‌شده و غیر بیمه‌شده، یاری میدهد.

این سیستم، مرگ و میر را کم و از عوارض بعدی حوادث جلوگیری می‌کند.

در پایان باید توجه بیمه‌شدگان عزیز را به این نکته جلب کنم که هرچقدر بیمه‌شدگان به قوانین و مقررات و ضوابط سازمان تامین خدمات درمانی آشنائی بیشتری داشته باشند، بهمان نسبت از مشکلات کاسته خواهد شد. بارها شاهد و ناظر بوده‌ایم که عدم اطلاع بیمه‌شدگان، سبب خسارت زیادی به بیمه‌شدگان شده است که متاسفانه بعلت وجود مقررات سازمان، نتوانسته‌اند مبلغ پرداختی را مسترد نمایند.

پرسشهای مربوط به قانون کار

از: دکتر علی‌الله همدانی

کارگران عزیز، استقبال شما از این دو صفحه و بیان خواستها و اظهار درد دلهای شما، ما را بیش از پیش به ادامه راهی که انتخاب کرده‌ایم، مصرتر ساخته است و ما را بر ان داشته که این صفحه را همچنان ادامه دهیم و سخنان شما را بدقت بشنویم و نامه‌های شما را با حوصله کامل بخوانیم و به یکایك خواستهای شما پاسخ دهیم.

● کارگر عزیزی برای ما نوشته است که در قراردادهای کار کتبی چه مسائلی و چه شرایطی [illegible] قید و ذکر شود و [illegible] کارفرما [illegible] شرائطی بگنجاند که [illegible] کار [illegible] نداشته باشد؟

دوست عزیز کارگر، در قرارداد کتبی کار [illegible] که مسائل مربوط به شرائط کار و [illegible] موضوع مورد نظر قرارداد، محل اجرای قرارداد، یعنی محلی که کار باید در آن انجام شود، نوع کار، میزان مزد کارگر، تعطیلات و مرخصی‌ها و تعطیلات هفتگی، [illegible] کار و غیره. خلاصه نتیجه آنکه [illegible] روشن شدن رابطه کارگر و کارفرما، منظور کاری که کارگر باید انجام دهد و حقوق و مزایائی که باید دریافت دارد و دیگر حقوقی که در قانون کار برای وی پیش‌بینی شده، باید در قرارداد کار مشخص گردد، زیرا مخصوصاً قرارداد کتبی چون بعداً میتواند بعنوان مدرك کتبی در مراجع حل اختلاف مورد استفاده قرار گیرد، طرفین قرارداد باید تمامی مسائل را بطور آشکار درج نمایند.

ما در مورد اینکه در قرارداد مسائلی گنجانده شود که مغایر با قانون کار باشد، باید یادآور شویم ماده ۳۱ قانون کار چنین مقرر داشته است که در قرارداد کار نمی‌توان مزایائی کمتر از آنچه در این قانون برای کارگر مقرر شده است، منظور نمود، بنابراین، نباید در قرارداد کار مزایائی کمتر از قانون کار باشد، مثلاً در قرارداد کار تعطیلات هفتگی پیش‌بینی نشود و یا ساعات کار هفتگی از ۴۸ ساعت بیشتر باشد و یا مرخصی‌های سالانه از ۱۲ روز کمتر باشد، ولی اگر در قرارداد مزایائی بیشتر از آنچه در قانون کار مقرر گردیده، پیش‌بینی شود بهیچوجه مانعی ندارد، زیرا قانون حداقل‌ها را معین کرده است و از آن بیشتر را کارفرما میتواند بکارگر بپردازد.

● **کارگر عزیزی برای ما نوشته‌اند: ما یکعده کارگر هستیم در شهرستان رضائیه در یك مؤسسه دولتی کار می‌کنیم و مشمول قانون کار هستیم (البته این قبیل کارگران در دیگر شهرستانها نیز وجود دارند) مدت تعطیلات رسمی که قانون کار برای کارگران معین کرده است، کمتر از کارکنان دولت می‌باشد، ولی چون این موسسه دولتی که ما در آنجا بکار اشتغال داریم، این روزها را تعطیل می‌کند و ما بر طبق قانون تعطیل نیستیم، و الزاماً و به تبع آنان تعطیل میشویم، لذا از مرخصی سالانه ما که ۱۲ روز است کم می‌کنند و لذا ما عملاً سالی ۷-۸ روز بیشتر مرخصی سالانه نداریم.**

کارگر عزیز، این قبیل موارد و مشابه ان در دیگر مؤسسات نیز وجود دارد. بعقیده ما، چون کارگران عزیز بمیل و اراده خود روزهای نام برده را تعطیل نمیکنند و به تبع تعطیل کارکنان مؤسسه، تعطیل هستند، لذا نباید این تعطیلها را از مرخصی‌های سالانه انها کسر شود، ولی کارگران ان دستگاه ضمن تماس با مسئولان مربوط میتوانند از طریق انعقاد پیمان دسته‌جمعی، این گونه مشکلات را نیز حل نمایند. البته ما این موضوع را به وزارت کار و امور اجتماعی ارجاع خواهیم کرد و بدون تردید وزارتخانه مذکور راه حل مناسبی بدین منظور خواهد یافت.

● کارگر عزیزی نوشته‌اند هرگاه کارگری از [illegible] محل کار کند، در موقع خروج [illegible] یکی [illegible] محل چه مزایائی به وی تعلق خواهد گرفت؟

دوست عزیز کارگر، هدف قانون کار [illegible]

پیش‌بینی غرامت برای اخراج و [illegible] خدمت [illegible] که کارگر در فاصله بیکاری [illegible] هنگام یافتن کار وسیله زندگی داشته باشد. حال کارگری که در جای دیگری بکار اشتغال دارد، قسمتی از زندگی وی تامین است و لذا نگرانی از ان لحاظ برای وی وجود ندارد. از این رو عدالت چنین حکم می‌کند که برای چنین کارگری فقط سالانه ۱۵ روز سابقه خدمت در نظر گرفته شود.

دوست عزیز کارگر آقای خرم‌دل، اولا از توضیحاتی که در مورد مطالب شماره‌های گذشته داده‌اید تشکر می‌کنیم و این خود دلیل

توجه و علاقمندی شما کارگران عزیز بمطالب مجله خود میباشد و همین مساله، مارا درکاری که در پیش داریم بیشتر تشویق مینماید در مورد ۱۰درصد نوبت‌کاری مرقوم داشته‌اید،

باید خاطرنشان سازم که کارگرانی که سه نوبت‌کار هستند، اعم از اینکه صبح، بعدازظهر و یا شب‌کار کنند، این ۱۰ درصد به انها تعلق می‌گیرد. بنابراین ده درصد نوبت‌کاری به هر سه گروه و هرسه دسته بدون توجه به موعد کار آنها تعلق میگیرد.

درمورد کارگرانیکه دوشیفت کار می‌کنند، یعنی دو/۱۲ ساعت نیز اگر این امر نوبت کاری تلقی شود و هرپانزده روز یکبار این نوبت‌کاری تغییر کند، همان ۱۰درصد تعلق میگیرد. در زمینه تعلق ۳۵درصد اضافه‌کاری به ۱۰درصد نوبت‌کاری باید خاطرنشان ساخت که ده درصد جزء حقوق و مزد کارگر محسوب می‌شود و لذا اگر نوبت‌کار باشد و اضافه‌کاری انجام دهد، بدون تردید به ان ده‌درصد هم ۳۵درصد تعلق میگیرد.

در مورد ارسال شماره‌های گذشته مجله، از دفتر مجله خواهش کردیم که ترتیب ارسال مجله‌های مورد علاقه شما را بدهند.

کرمان– آقای حشمت‌اله سربازی‌زاده

سلام وارادت ما بحضور تمام کارگران وطن، اعم از کرمانی و سیستانی و آذربایجانی و کاشانی. صد البته اگر از ذکر نام دیگر شهرها و استانها غفلت ورزیدم، کلی عذر میخواهم. بهر تقدیر همانطور که بارها ملاحظه فرموده‌اید، مجله ما برای آسان کردن برقراری تماس‌ها و روشن ساختن تکالیف خوانندگان ارجمند، ستونهایی را به بخشهای مختلف اختصاص داده تا هر دوست‌کارگری، هرگونه پرسشی در باره مشکلات خود دارد با آن قسمت تماس بگیرد. بدیهی است که یکی از این بخشها، ستون «قانون‌کار» است که شما سروران ارجمند میتوانید برای آگاهی از برخی مجهولات با مسئول آن آقای دکتر علی‌الله همدانی– مکاتبه کنید. زیرا مدیر و سردبیر مجله، همینقدر که بتوانند در تنظیم مطالب و تهیه خواندنی‌های مفید توفیق یابند، بایستی اگر کلاهی داشته باشند، آن را بیندازند آسمان هفتم! روی همین اصل بنده کمترین، از جنابعالی استدعا دارم سئوال خود را با آن قسمت مطرح فرمائید، تا به نتیجه مطلوب دست یابید.

حتماً خواهید گفت مسئول آن قسمت را نمی‌شناسید که باید عرض کنم این مساله کوچکترین نقشی در بر آوردن خواست سرکار مستطابعالی ندارد. از همه اینها گذشته در حالی که قرار است حتی کسبه آزاد کشور از خدمات درمانی استفاده کنند، بنده مانده‌ام مات‌ومتحیر که چطور جنابعالی که کارگر ذوب‌آهن کرمان هستید، تاکنون از این مهم بهره‌منگرفته‌اید. بهرحال همانطور که عرض کردم، دانستن یا ندانستن نام مسئول ستون قانون کار مهم نیست– در حالیکه نام ایشان در بالای ستون نوشته شده است– همینقدر کافی است که شما با ذکر عنوان «مربوط به ستون پرسش‌های مربوط به قانون‌کار نامه و سئوال خود را به دفتر مجله بفرستید و پاسخ دقیق بگیرید. ضمناً اگر از حقیر می‌شنوید، برای حل مشکلات خود هرگز به نمایندگان کارگران در مجلس شورای‌ملی متوسل نشوید که وظایف ایشان حل مشکلات فردی موکلانشان نیست. خداوند حضرتعالی را از مراجعه به تهران و تهرانیان محروم فرمایاد.

اصفهان– دوشیزه منورایوبی

با عرض سلام متقابل و ابراز ارادت صادقانه و خالصانه آرزومندم که شما و همه کارگر زاده‌های وطن موفق و پیروز باشید. هرچند که تصور نمیرود برای پیروزی شما نیازی به دعای حقیر باشد، چرا که تاریخ نشان داده است که اغلب زنان و مردان پیروز روزگار از طبقاتی جدا از طبقه اعیان و توانگران بوده‌اند. یکی از این دلایل جابجایی طبقات در طول یك قرن یا سه چهار نسل بوده است. زیرا به حساب ساده، بسیاری از نواده‌های خانواده‌های توانگر بر اثر برخورداری از ثروت هنگفت، به تن پروری گرایش می‌یابند و سرانجام از هستی ساقط میشوند، که البته عکس این قضیه نیز صادق است و بهمان نسبت جوانانی که از پدرومادری کم بضاعت بوجود آمده‌اند، با زحمت و دسترنج زیاد، به عالی‌ترین مراحل زندگی رسیده‌اند. همینطور است وضع مردم از نظر ذوق‌وهنر و استعداد که اختصاص به طبقه ویژه‌یی ندارد. بنابر این صفحات مجله، همواره بروی آثار ادبی و هنری کارگران و کارگر زاده‌های عزیز بازاست، و به عبارت بهتر، تریبون یا جعبه آینه‌یی است برای نشان‌دادن آثار کارگران عزیز. از این رواز شما استدعا دارم اشعار و قطعات ادبی خود را تحت عنوان «مربوط به صفحه خودمون» برای ما بفرستید و مطمئن باشید که اگر احیاناً عیب‌ونقص در آن باشد، ما با کمال میل‌ورغبت سرکار علیه را راهنمایی میکنیم تا در این راه به هدف شریف و مقدس خود برسید. فراموش نفرمائید که این مجله مال شماست و دست‌اندرکاران آن نیز همگی مرقومه را بعناوین دیگر فرستاده و از قلمزن صفحه «نامه به سردبیر» جواب خواسته‌ای؟ خلاصه کلام، برای آخرین بار به عرض مبارك عالی و دیگر دوستانی که سئوالاتی در زمینه‌های مختلف (بجز قسمتهایی که نام ثابت، مانند ستون پاسخ‌های حقوقی، قانون کاروغیره.....) دارند، استدعا میکنم بر روی پاکت از ذکر عنوان «مربوط به صفحه نامه به سردبیر»، غافل نشوید. و اما در باره سئوال حضرت‌اجل باید عرض کنم که هدف از تدوین قانون تنظیم خانواده، جلوگیری دقیق از تولید بی‌حساب فرزند است که در قرن حاضر، دیگر آدم زیادی به درد نمیخورد، بلکه آنچه که مؤثر است فکر و مغز و فهم زیادی است نه آدمیزاده بی‌کارو بی‌عار و نانخور بی‌خاصیت. هرچند که در هزار سال قبل هم شاعر بزرگوار فرموده «یکی‌مردجنگی، به ازصد هزار» همین! شب خوش‌ولطف عالی دراز و طولانی.

اوه، راستی یادم افتاد، بهتر است یکبار دیگر بنالم که هرکاری با مدیر و سردبیر، عرض کنم که نکات مربوط به مطالب مجله، کم یا زیاد کردن بعضی از نوشته‌ها و مهمتر از همه درددل‌های خانوادگی و شخصی دارید، به عنوان همین صفحه «نامه به سردبیر» بنویسید و مطمئن باشید که به بهترین وجه و با «بی‌سروته»ترین وضع به آنها جواب میدهم و از هیچ چیز هم باکی ندارم. حالا باز هم شب خوش.

مشهد مقدس– خانم معصومه م

شما از کجا میدانید خواهرجان که حقیر فقیر روسیاه‌تر از قیر تا بحال به مشهد مقدس و مذهبی شما نیامده‌ام؟ همین دو سال پیش بود که فدوی با «آروپلان» که همان هواپیمان! باشد، یکساعته از تهران آمدم به مشهد که چون کار فوری داشتم و می‌بایستی برگردم، هوتل، موتلی نگرفتم و بعد از زیارت مرقد مطهر امام هشتم علیه‌السلام و انجام کار شخصی و بلعیدن چلوکباب ناب آن آقاهه، چهار ساعت تمام‌وقت اضافه را که تا پرواز «آروپلان!» باقی بود، رفتم سینما و فیلم تماشا کردم، خودش هم چه فیلمی جالب اینکه با ۷۰ کیلو وزن خالص بدون افت وارد سینما شدم و با ۸۲ کیلو وزن پرافت آمدم بیرون که بعد معلوم شد آن اضافه وزن با پوست تخمه‌های تماشاچی‌ها بوده که روی سرودوش‌جان نثار جاخوش کرده بود! بهرحال، در پایان سلام شما را به خانم نادرشاهی و آقایان تویسرکانی، عرفی‌نژاد جهانگیرخان پارسال خوب، ایرج‌خان زارع، شمع و پروانه و سمندر و پیه‌سوز میرسانم تا ببینم خدا چه میخواهد؟!

یزد– آقای رضا مستولی

امیدواریم که هر سال توفیق یار شما باشد تا بتوانید ضمن عزیمت به دریاکنار و شیرجه رفتن در لابلای آبهای پربار، اگر خدای ناکرده ناراحتی دارید، از تن بزدائید و با جذب پرتو خورشید درخشان بر ویتامین‌های بدن، علی‌الخصوص از نوع «د» آن بیفزائید. هر چند که این سفر میمنت اثر سرکار، برای اینجانب پرکار، عاری از ساعتی تلاش بی‌امان برای اخذ تماس تلفنی باجناب مدیرکل امور ورزش و تفریحات وزارت‌کار نبود، که البته آخر هم نتیجه‌یی عاید نشد و بجای ایشان که از همکلاسان بزرگوار جان نثار بودند، همشهری دیگر «گوشه!» را برداشتند و در برابر سئوال سرکار که آیا از اردوگاه تابستانی کارگران، واقع در محمودآباد، همه کارگران کشور میتوانند استفاده کنند، شیرین کاشتند و طی نیم‌کلمه فرمودند «نه!» وقتی دلیلش را پرسیدم، پاسخ شنیدم که آن اردوگاه اختصاصی است و عینهو پارکینگ‌های اختصاصی پایتخت، تنها عده بخصوصی میتوانند از آن استفاده کنند. با وجود این بنده از آنجناب استدعا دارد که نامه‌یی به اداره مربوطه مرقوم فرمائید و با ضمیمه کردن بریده این پاسخ فدوی، از مدیرکل یا معاون آن اداره پاسخ سره و از آب گذشته دریافت فرمائید. خداوند، شما را از بزرگواری و مخلص را از لیچارنگاری محروم نفرمایاد. الهی‌آمین!

تهران– آقای سیدرضا تراب

با سلام فراوان و ابراز ستایش از وطن‌پرستی شما کارگر گرامی و بزرگوار کارخانه‌های صنعتی آزمایش باید عرض کنم قصیده ارسالی که برانگیزه میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر و همچنین انقلاب ششم بهمن‌ماه سروده شده بود، رسید و بسیار موجب شوق و لذت من وهمکاران گردید. تردید نیست که میبایستی این شعر تهییج حس میهن‌پرستی جوانان و تجلیل از انقلاب یگانه و بی‌مانند ایران، بمناسبت، چاپ ومنتشر شود. اما افسوس که با محدودیت صفحات مجله و کمی حوصله این صفحه، درج آن برای ما مقدور نشد. افزون براینکه بی‌نهایت دیر بدست ما رسید. معهذا فدوی با چاپ دوبیت آن، عین قصیده سرکار را تقدیم خدمت جناب سردبیر میکنم تا ایشان با عرضه آن به آقای شاهرخ تویسرکانی دبیرو مسئول «صفحه خودمون» یا یکی دیگر از صفحات مجله، مجملی از آن را به چاپ برسانند. اینهم دوبیتی از رشحات‌ذهنی و احساسی شما:

از الطاف یزدان پاك و مجید
به گوش همه خلق ایران رسید
ندیده بخود ملتی درجهان
چوتوشهریاری بسی مهربان

دیگربار احساسات جنابعالی را تقدیس میکنیم.

اصفهان– خانم ماهرخ شایسته‌خو

انشاءالله باتحولی که اخیراً در وزارتخانه مربوط ایجاد شده، چنانچه جزیی کمبود و نارسائی وجود داشته باشد، برطرف خواهد شدو مشاهده می‌کنیم که کارگران کشور اعم از زن ومرد همچنان که رهبر ملت ایران خواستارند، از حدمتعارف مزایای انسانی بهره‌مند هستند و مسلماً اگر درگوشه‌یی نارسائی هم داشته باشد، دستگاهها موظف برفع آن هستند. تردید نیست که از بدو شروع

انقلاب ایران تاکنون کسانی که مصدر امور مهم کشور بوده‌اند، قصدشان خدمت بوده است، منتهی بعضی شخصیتها ذاتاً و فطرتاً کاری‌تر ودقیق‌تر وپرتحرك‌تر هستند. بنده باشناسایی کاملی که بروحیات مسئول جدیدسازمان مورد اشاره شما دارم، مطمئن هستم که درکوتاه زمانی نارسائی مورد اشاره شما برطرف خواهد شد. باوجود این نباید فراموش کنیم که هریك از کارگران شریف مادر ازاء مزایایی که میگیرد، باید باتمامی وجود کار کند. بعقیده کلیه جامعه‌شناسان، کشورو جامعه‌ئی هنگامی به پیش میرود که کارگرانش وجدان کارداشته باشند. بهمین علت دربرنامه‌های جدید وزارت کار درعین حال که مزایای چشمگیری از لحاظ مسکن، خدمات درمانی و غیره برای کارگران درنظر گرفته شده، گواهی نامه، معدل کارسالانه، رضایت‌نامه سرکارگر یا سرپرست کارگر نیز درراس برنامه‌ها گذارده شده تا ازاین طریق باتوجه به شرایط متحول و انقلابی جامعه ما بهره‌وری افزایش یابد.

بهر تقدیر، رجاء واثق دارم بمصداق همت از شما و برکت از خدا، همه‌چیز حل میشود، بویژه اینکه همهٔ دستگاههای مملکت، منجمله سازمان مورد نظرشما، میبایست درانجام نیات عالیه شاهنشاه آریامهر رهبر خردمند انقلاب کوشا باشند. پس لطفاً به همسر محترمتان بفرمائید دیگر از برخی نابسامانی‌ها و تبعیض‌ها نگرانی نداشته باشند که رفع شدنی است.

تهران- آقای حسنعلی دوبرادران

متاسفانه شما سرور عزیزنیز بی‌توجه به تاکید مکرر حقیر درنگارش صحیح عناوین صفحات مجله برروی پاکت، نامه‌یی را که میبایستی به عنوان «صفحه خودمون» میفرستادید باذکر نام سردبیر برروی پاکت، مرقومه را منحرف ساخته، رهسپار سردبیرخانه‌اش فرموده‌اید. بهر تقدیر، آنچه که بدست من رسید، مقاله پرشور و مستدلی است درباره اهمیت چهارم آبان و دستآوردهای این روز مبارك و فرخنده. تردید نیست تمام کسانی که خون ایرانی دربدن دارند و خود را ایرانی میدانند، باشما هم‌عقیده هستند و شك ندارند که اگر درروز یاد شده خورشید وجود رهبر عالیقدر ما طلوع نمیکرد، ایران امروزما، ایرانی نبود که طی زمانی کوتاه به این درجه از مجدو عظمت برسد. بهرحال بنده متاسفم نامه شما بعلتی که عرض کردم به قسمت مربوطه نرسید وهنگامی وارد صفحه سردبیر شد که بعلت گذشتن حدود دوماه از روز مذکور، مناسبت چاپ خودرا از دست داد. باوجود این امیدواریم بتوانیم این قصور را هرچند هم ناشی از سوی ما نیست، جبران کنیم. با ارزوی تندرستی دایمی شما، احساسات پاك سرکار را می‌ستاییم.

زاهدان - آقای محمدعظم واقع‌بین

سلام و سلام و سلام. الاطاعته متته یعنی چشم، اطاعت میشود. البته در صورتی که اختیارش با بنده باشد. وگرنه جان‌نثار جز اینکه از قول شما دوستان کارگر خواستار هفتگی شدن مجله شوم، کار دیگری از دستم برنمی‌آید. و دیگر اینکه فعلا معرفی حقیر و فاش شدن اسمم دردی از کسی دوا نمی‌کند بنابر این اجازت فرمائید فی‌الحال فعلوی پنهان باشم و سرکار آشکار تا ببینیم خداوند بزرگ چه می‌خواهد؟! ثالثاً، این یکی هم اطاعت می‌گردد و مخلص می‌کوشم که پس از این جلو اسم دوستانی که نامه می‌فرستند، سمت و نام محل کار را نیز ذکر کنم. البته این مورد تنها دربارهٔ خوانندگان کارگر مقدور است و بس. می‌فرمائید خیر؟ پس خدا یار و نگهدار شما باد!

پیشنهاد میکنم که...

● **جناب آقای سردبیر،**

سلام برشما و همکاران زحمتکش جنابعالی که توانسته‌اید مجله خوب و زیبای رستاخیز را دردسترس ما قرار دهید. از آنجایی که مطمئنم تمام هدف ونیت شما تامین خواستها و پذیرش پیشنهادهای اصولی ماست، میخواهم به طرح چندپیشنهاد درمسیر بهبود وضع مجله بپردازم.

۱- آیا ممکن است ترتیبی بدهید که این مجله خوب نیز مانند دیگر مجلات کشور بصورت هفتگی چاپ شود؟ هر چند که شما بی‌توجه به نظر خوانندگان خود، آن را از دو شماره در ماه، به یك شماره رسانده‌اید. بهر حال اگر انجام این درخواست تنها بدست سرکار نیست، حداقل نامه مرا به کسانی که در این مورد تصمیم می‌گیرند ارائه دهید تا در کار خود تجدید نظر کنند.

۲- لطفاً اگر امکان دارد با افزایش صفحات مسابقات، جوایز آن را نیز زیادتر کنید.

۳- از خوانندگان بخواهید برای شما «جوك»هایی را که خودشان ساخته باشند، بفرستند تا خوانندگان از مطالعه آنها دستخوش نشاط شوند. منظورم جوك‌های بکر دست اول است، نه آنهایی که برای صفحه «خودمون» فرستاده میشود. ضمناً اینرا هم عرض کنم که منظورم چاپ این گونه لطیفه‌ها در صفحه سر دبیر نیست، ولی اگر خوب و جالب باشد، جایش در صفحه خودمون است.

تهران- داود الماسی

دوست عزیز،

افزایش دفعات چاپ مجله در ماه، بر اثر محظورات فنی و اشکالات توزیع، فعلا مقدور نیست. بی‌شك هر گاه امکان پذیر شود، پیشنهاد شما را مورد بررسی قرار میدهیم. ضمناً درباره دیگر پیشنهادهایتان نیز مطالعه میکنیم و در صورت امکان تصمیمات لازم را بعمل می‌آوریم.

● **آقای سر دبیر،**

بدون مقدمه عرض میکنم که من درباره مردم کشورهای دیگر و نحوه رفتار آنها مطالعاتی ندارم، اما در وطن خودمان شاهد هستم که روز به روز دروغگویی زیادتر میشود و جداً برای کشوری که با این سرعت رو به پیشرفت است رواج این رویه، بلایی جبران ناپذیر است. از این گذشته بنده شاهد هزارها آدم بظاهر شیك‌پوش و صاحب مال هستم که بسیاری از مقررات و ضوابط کشور را رعایت نمی‌کنند. به عنوان مثال من کمتر کسی را دیده‌ام که بفکر نظافت کوچه‌ها و خیابانهای شهر خودش باشد. حال آنکه وضع این مردم از دو حال نمی‌تواند خارج باشد. منظورم اینست که یا به اصطلاح متجدد هستند و یا مقدس و مؤمن به خداوند متعال. بنابراین هر دو دسته یاد شده باید نظافت را در راس برنامه‌های خود قرار دهند، که بدبختانه نمی‌دهند. روی همین اصل میخواهم خواهش کنم با گشایش صفحه‌یی در مجله خوب رستاخیز کارگران این مطالب را به مردم گوشزد کنید تا شاید بسیاری از نابسامانی‌ها از میان برداشته شود.

اصفهان- رحمت‌اله بروشکی

کارگر ارجمند،

متاسفانه تجلی مادیات، بسیاری از مظاهر معنوی را تحت‌الشعاع قرار داده که این مساله منحصر به کشور ما نیست. با وجود این امیدواریم با گسترش سواد در سطح کشور و آشنا شدن مردم با قانون و مقررات، این مسایل خود بخود حل بشود.

● **جناب سر دبیر محترم،**

اکنون که جامعه ایرانی، بویژه طبقه کارگر کشور از برکت رهبریهای خردمندانه و وجود قوانین مترقی و پیشرو در حال پیشرفت و تکامل است، ضروری بنظر میرسد که تمام افراد این کشور در حفظ خط و زبان زیبا و رسای خود کوشا باشند. با وجود این همواره مشاهده میشود که در تمامی نشریات وطن ما نسبت به این نکته مهم توجه درخوری بکار نمیرود. به عنوان مثال چندی قبل در نشریه‌ای دیدم که کلمه «افتادگی» را بصورت «افتاده‌گی» نوشته بودند. حال آنکه میدانیم در کلماتی مانند افتاده که فارسی خالص است هنگام تغییر حالت،«ها» مبدل «گ» میشود و **دراین صورت دیگر نیازی به آوردن حرف «ه» نیست. همینطورست وضع ویژگی، دلبستگی و امثال اینها. بنابراین از شما تقاضا دارم دستور فرمائید یکی از نویسندگان ادیب شما (هرچند که خوشبختانه اغلب این نویسندگان، صالح و صاحب‌نظر هستند.) با بهره‌گیری از صفحه یا ستونی طرز درست‌نویسی را به مردم بیاموزد.**

کاشان- محمدتقی بارفروش

دوست ارجمند

با توجه به گسترش زبان غنی فارسی، انجام پیشنهاد شما در مجله امکان‌پذیر نیست. لیکن کتب زیادی بقلم بسیاری از ادیبان کشور منتشر شده است علاقمندان میتوانند از آنها استفاده کنند.

مکتب کارگر......

رضائیه- آقای پرویز هاشم‌زاده

برای شناسایی هویت مردم مهمترین عضو بدن، جمجمه، بینی و گوش است که شباهت دومورد آن با یکدیگر بیك درمیلیون میرسد. باوجود این بسیاری از مردم میتوانند با استفاده از کلاه‌گیس یا جراحی گوش و بینی، قیافه را آنچنان تغییر دهند که بیننده طوری در شناسایی حریف اشتباه کند که گویی گنجشك را بجای کرگدن گرفته است! روی همین اصل دانشمندان و زیست‌شناسان جهان اثر انگشت را یگانه عامل شناختن هویت افراد دانسته‌اند و معتقدند که در دنیا هیچ دو نفری وجود ندارد که آثار انگشتشان شبیه یکدیگر باشد. بنابراین برهر سارقی فرض است که هنگام انجام کار خلاف، از بکاربردن دستکش غفلت نفرماید! البته به این مفتی‌ها هم نیست. جمله اخیر بدین علت ذکر شد که فردا نگویند تو نحوه امحاء آثار انگشت را به دزدان آموختی، هرچند که خنگ‌ترین دزد روزگار هم این موضوع را میداند!

سرگذشت شیرین قند

بقیه از صفحه ٢٤

میشویم. رستمی متولد سال ١٣٠٨ در رشت است و ٢٥ سال است که در کارخانه قند کرج کار می‌کند جهانگیر میگوید: «در بدو استخدام با ٤٥ ریال حقوق مشغول کار شدم و اینك ٥٣ تومان میگیرم.»

رستمی می‌گوید: «من چهار بچه دارم و باخود و همسرم هزینه یك زندگی ٦ نفری را بدوش میکشم.» رستمی آنطور که خودش میگوید، چون از منزل شخصی استفاده می‌کند، از این جهت در اسایش و راحتی خیال بسر میبرد.

در یك کارخانه قند، موقع بهره‌برداری کارگران اصولاً دو قسمت میشوند و هر گروه یك شیفت ١٢ ساعته کار می‌کنند و هر ١٥ روز نیز شیفت شب (گروه از ٧ بعدازظهر تا ٧ بامداد) و شیفت روز (گروه ٧صبح تا ٧ بعدازظهر) جای خود را بایکدیگر عوض می‌کنند. در این میان کارگرانی که کارهای جنبی دارند- چون تعمیر دستگاهها و نجاران و جوشکاران- بیشتر مواقع بیکار هستند، مگر آنکه دستگاهی خراب شود و یا از کار بیافتد و احتیاج به تعمیر آنی داشته باشد. ولی بطور کلی همه کارگران در موقع بهره‌برداری بدون کوچکترین مرخصی بحال آماده‌باش بسر میبرند و تقریباً دوبرابر حقوق میگیرند.

باایمان و اعتقاد

به سراغ یکی دیگر از کارگران کارخانه قند کرج میرویم. آقای داود ذاکری متصدی قسمت پرس‌های قند است. داود درحالیکه ظاهرش او را معتقدتر از دیگران به دیانت نشان میدهد، و محاسن سیاهش حکایت از ایمان و اعتقاد او دارد، میگوید: «تا اول دبیرستان درس خوانده‌ام و از مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج نیز مدرك جوشکاری دارم و ٧ سال است که در کارخانه مشغول کار هستم.

از داود درباره کار فعلی‌اش- سرپرستی قسمت پرس‌های قند- سئوال می‌کنم، میگوید:

- چندسال پیش من و یکی دیگر از کارگران بنام سیفعلی پناهی، از بین همکاران خود انتخاب شدیم و به کارخانه سازنده پرس‌های قند اعزام گردیدیم. در آنجا با طرز کار پرس‌های قند آشنا شدیم و پس‌از بازگشت به کارخانه تصدی این قسمت بعهده ما گذاشته شد.

از حقوق و زندگیش سئوال می‌کنم، میگوید:

- در بدو استخدام (٧ سال پیش) با روزی ١٢٠ ریال حقوق شروع کردم و اینك ٢٢٤ ریال میگیرم.

سه ساله که متاهل شده‌ام، ولی هنوز بچه‌ای ندارم. جالب اینست که ١٢ کارگریکه با من کار می‌کنند، همه فصلی هستند، یعنی فقط برای دوره بهره‌برداری در کارخانه کار می‌کنند و پس‌از پایان بهره‌برداری به کارهای سابق خود باز می‌گردند، ولی بااینحال هریك از آنها ٤٣ تومان در روز حقوق میگیرند، البته ناگفته نماند که در ایام بهره‌برداری حقوق ما هم تقریباً به دوبرابر میرسد، و ضمناً ما تمام سال در استخدام کارخانه هستیم، درحالیکه کارخانه تنها موقع بهره‌برداری اینقدر کار دارد، نه در تمام سال.

آرام‌بخش

با کارگر دیگری بنام عبدالحسین داغستانی اشنا میشویم که موی خود را در این راه سفید کرده است.

عبدالحسین میگوید: در سال ١٣٠١ در رشت متولد شدم و اینك ٥٤ سال دارم و کارگر تراشکار کارخانه هستم. در سال ١٣٠٩ با ٢٥ ریال حقوق در روز وارد کارخانه شدم و اینك ٣٦ سال است که سابقه کار دارم. صاحب چهار بچه هستم که بزرگترین آنها در کانون کارآموزی تبریز مشغول کار است و دومی نیز خدمت سپاهیگریش را به پایان رسانده و اینك دنبال کار میگردد و دو بچه دیگرم هم مشغول تحصیل هستند.

بزرگترین کوره

درنتیجه تحقیقات و گفتگوهائی که در کارخانه قند کرج انجام دادیم، این نکته دستگیرمان شد که هماکنون کمترین حقوق در این کارخانه از ٣٢ تومان پائین‌تر نیست و بیشترین حقوق نیز از ٨٠ تومان بالاتر نمیرود. البته این رقمها متعلق به ایام غیر بهره‌برداری است و همانطور که گفته شد، در ایام بهره‌برداری حقوق همه تقریباً دوبرابر میشود.

به قسمت نیروگاه کارخانه میرویم و با آقای عباس شکورزادهروحی، سرپرست این قسمت آشنا میشویم. در این قسمت بخار و برق مورد نیاز کارخانه تولید میشود. از شکورزادهروحی، درباره کار این قسمت و دستگاههای مختلفی که مشغول کار هستند سئوال می‌کنم، میگوید:

در این قسمت کوره‌های فشار قوی در هر ساعت حدود ٣٥ تن بخار تولید می‌کنند و با فشار ٤٠ آتمسفر وارد کارخانه مینمایند. نکته مهم اینست که هم‌اکنون در سراسر ایران کوره‌های فشار قوی بیش‌از ٣٠ آتمسفر وجود ندارد و درواقع کارخانه قند کرج بزرگترین کوره از این نوع را دارد.

روحی میگوید: در بدو استخدام با ٢٧٠٠ تومان در ماه کار خود را شروع کردم و اینك ٣٦٠٠ تومان میگیرم.

از روحی درباره زندگیش سئوال می‌کنم، میگوید:

- چهاربچه دارم. یکی از آنها (پسراولم) در رشت دیپلمه هنرستان فنی شده و آنجا کار می‌کند و سه بچه دیگرم هم (یك دختر و دوپسر) مشغول تحصیل هستند. از زندگیم ناراضی نیستم و خدارا شکر می‌کنم. انشاءالله در آینده از این هم بهتر خواهد شد.

نبض کار

به قسمت آزمایشگاه کارخانه که در واقع نبض کار را بعهده دارد، میرویم و با دخترخانمی بنام شیوا صالی، مسئول آزمایشگاه در شیفت روز کارخانه آشنا میشوم و از وی میخواهم با ذکر مثالی درباره طرز کار این قسمت برایمان توضیح دهد، میگوید:

- آزمایشگاه در هر کارخانه قند، نقش حساسی بعهده دارد، زیرا نتیجه کار آزمایشگاه اساس برنامه کار قرار میگیرد. بعنوان نمونه هرساعت یکبار مقداری از تفاله چغندر قند که از آن شربت گرفته شده، به آزمایشگاه آورده میشود و ما در اینجا درصد قند باقی‌مانده در تفاله را اندازه‌گیری می‌کنیم و اگر زیاد باشد، یعنی قند چغندر کمتر گرفته شده باشد، بفوریت به مسئولان امر تذکر میدهیم و آنها برنامه کار خود را براساس نتایج بدست‌آمده در آزمایشگاه پی‌ریزی می‌کنند.

با آقای سعید ملازاده مقدم یکی از طباخان درجه یك کارخانه قند کرج وارد گفتگو میشویم و از او میخواهیم نخست درباره خود و زندگیش صحبت کند. میگوید:

- متولد سال ١٣٢٥ در تربت حیدریه هستم و ٧سالست که درکارخانه قند کرج مشغول کار شده‌ام. قبلا در کارخانه‌های قند شیرین (واقع در مشهد و متعلق به بخش خصوصی) و کارخانه قند نیشابور مدتی کار کرده‌ام. در کارخانه قند کرج با حقوق ١٧٥ ریال در روز استخدام شدم و اینك پس از ٨ سال ٥٣٤ ریال میگیرم. در اینجا از خانه‌های سازمانی جدید که خانه‌های مجهز و خوبی است استفاده می‌کنم و دهسال است که ازدواج کرده‌ام و یك دختر و یك پسر دارم که هردو هنوز به سن مدرسه رفتن نرسیده‌اند. از زندگی نمیتوانم بگویم ناراضی هستم، زیرا با اینکه هزینه زندگی گران است ولی از سوی دیگر خدارا شکر می‌کنم که گرفتار مشکل مسکن نیستم و کارخانه، خانه خوبی در اختیارم گذاشته است.

کار زنجیروار و پیوسته

با آقای داود کبیری متصدی قندسازی یا مسئول پست قندسازی کارخانه به گفتگو می‌نشینیم. داود در حالیکه مرتب چشمهایش کارگران همکارش را نگاه می‌کند و همچنین عقربه دستگاهها را کنترل می‌نماید، میگوید:

در سال ١٣٢٧ در تهران متولد شدم و در سال ١٣٤٥ به استخدام کارخانه قند کرج درآمدم و در آزمایشگاه شروع به‌کار کردم و تا سال ٤٨ادامه دادم. در سال ١٣٤٨ یا در واقع ٢٥٢٨ شاهنشاهی از کارخانه قند کرج رفتم و مدتی در کارخانه اقلید شیراز و سپس در ذوب‌آهن آریامهر کار کردم و بار دیگر در سال ٢٥٣٠ به کارخانه قند کرج بازگشتم. در جریان کار توانستم دیپلم خود را در رشته طبیعی بگیرم. در سال ٤٥ یا ٢٥٢٥شاهنشاهی دربدو استخدام در کارخانه قند کرج با حقوق ١٨٠ ریال شروع کردم و اینك ٦٦٥ ریال میگیرم و کارگر دائمی کارخانه هستم. متاهل هستم و یك بچه دارم و از خانه‌های جدید سازمانی کارخانه استفاده می‌کنم و از این جهت واقعاً در اسایش خیال هستم. در زمینه ورزش نیز فعالیت زیادی دارم و مربی دوومیدانی شهرستان کرج هستم و علاوه بر این مشاور ورزش اداره کار کرج نیز میباشم. در سطح کشور در دو چهارصدمتر در سال ١٣٤٩ (٢٥٢٩ شاهنشاهی) موفق به دریافت مدال نقره شدم و ٥سال هم بطور مداوم در شهرستان کرج و استان مرکز در رشته دوومیدانی اول شدم.

رئیس کارخانه چه میگوید؟

در اینجا گفتگوی ما با کارگران کارخانه به پایان میرسد و برای اینکه مسائل آنها را با رؤسای این واحد صنعتی درمیان بگذاریم، بسراغ آقای مهندس اصغر طاهری‌پور ، رئیس کارخانه میرویم وبا جوانی اشنا میشویم که در برخورد اول بهیچوجه نمیتوان از چهره گشاده‌اش به سن و سالش پی برد، چرا که همواره لبخندی چهره‌اش را پوشانده و بهمین جهت جوان مانده است ولی وقتی برایمان میگوید که در سال١٣٠٨ متولد شده و اینك نزدیك به ٤٧ بهارراپشت‌سرگذاشته تازه متوجه میشویم که با مرد سردو گرم چشیده میانسالی روبرو هستیم و پرواضح است که چنین شخصی بخوبی میداند که با همکارانش چگونه انس و الفت برقرار کند تا محیط دلپذیری هنگام کار و فعالیت در کارخانه بوجود آید و این مسئله را هنگام گفتگو با کارگران کارخانه نیز دریافتم که میگفتند هیچگاه رئیس ما در برابر منطق مقاومت بخرج نمیدهد، سهل است که همواره با ما همدلی می‌کند و تاکنون نیز کوشش کرده که تقاضاهای ما را اجابت نماید، ولی چه میشود کرد که همیشه هم مشکلات بفوریت رفع نمیشود. بهر صورت با رئیس کارخانه وارد گفتگو میشوم و نخست از خودش میپرسم میگوید:-

همانطور که گفتم ، متولد سال ١٣٠٨ هستم و در رشته قندسازی از دانشکده کشاورزی کرج فوق لیسانس دارم. در سال ١٣٣٢ وارد کارخانه قند شاه‌آباد غرب شدم و پس از چهار سال یعنی در سال ٣٦ بکارخانه تصفیه شکر ورامین منتقل شدم و با سمت مهندس قندساز شش سال انجام وظیفه کردم و سپس در سال ١٣٤٢ به کارخانه قند کرج منتقل شدم و پس از طی مراحلی، اینك دو سال است که با سمت رئیس کارخانه مشغول کارهستم.متاهل هستم و سه فرزند دارم، یك پسر و دو دختر که یك پسر و یك دخترم هم اکنون در آمریکا مشغول تحصیل هستند. همسرم خانه‌دار است ولی در فعالیتهای اجتماعی شرکت می‌کند و حتی یکسال بعنوان رئیس انجمن شهر کرج و دبیر انجمن شیرو خورشید سرخ و عضو شورای آموزش و پرورش شهرستان کرج خدمت کرده است.

کارشناسان خارجی

درباره این مسئله که کارخانه قند کرج درحال حاضر از وجود کارشناسان خارجی استفاده می‌کند یانه، پرسش می‌کنم، میگوید:

- تا سال (١٣٥٢) ٢٥٣٢ شاهنشاهی کارخانه حدود ١٠ کارشناس لهستانی داشت که درنتیجه هرماه مبلغ قابل‌توجهی به آن‌ها میداد، ولی در آن موقع ما به هیئت مدیره کارخانه پیشنهاد کردیم که اجازه دهد دیگر از کارشناسان خارجی استفاده نکنیم و خوشبختانه این پیشنهاد تصویب شد و ما با همکاری کارگران و مهندسان ایرانی توانستیم کارخانه را خودمان اداره کنیم.

درباره مدت بهره‌برداری و این مسئله که چرا یك کارخانه قند درتمام مدت سال به تولید نمیپردازد، سئوال می‌کنم، میگوید:

- اولا همیشه درعرض سال چغندر قند نیست و کاشت و برداشت آن فصل معینی دارد و از سوی دیگر این گیاه را نمیتوان برای مدت زیادی نگه‌داشت زیرا چغندر قند خودبخود مقدار قندش کم میشود و درصد آن پائین میاید و سرانجام به میزانی میرسد که برای تهیه قند از آن چیزی بدست نمی‌آید.

از سوی دیگر وضع کار کارخانه‌های قند طوری است که پس از مدتی کار حتما باید دستگاههای مختلف آن همگی پیاده شود و ضمن بازبینی و احیاناً تعمیر آنها، شسته شد و مجدداً سوار شود. باین جهات و بسیاری مسائل دیگر بطور استاندارد یك دوره بهره‌برداری در کارخانه قند را یکصد روز آنهم با توجه به فصل برداشت چغندر از زمین تعیین کرده‌اند که اگر هر کارخانه در این مدت بتواند خوب کارکند، حتماً استفاده شایانی هم خواهد داشت.

کارگران

درباره کارگران و حقوق آنها با رئیس کارخانه صحبت و همچنین درباره عده کارگران و کارمندان کارخانه سئوال می‌کنم، میگوید:

- نخست به سئوال دوم پاسخ بدهم. در هر کارخانه قند دوگروه کارگر کار می‌کنند. یك گروه کارگران دائمی هستند که همیشه چه در مدت بهره‌برداری و چه در ایام دیگر کار می‌کنند و گروه بعدی کارگران فصلی هستند که در اول بهره‌برداری برای این دوره به استخدام کارخانه در می‌آیند. هم‌اکنون کارخانه قند کرج ١٦٥ کارگر و کارمند دائمی دارد و هرسال نیز بین ٣٠٠ تا ٣٥٠ کارگر فصلی استخدام می‌کند. از جمله امسال ٣٥ کارگر فصلی در کارخانه مشغول کار هستند. نکته مهم دیگر وضع درآمد و هزینه کارخانه‌های قند است که میتوانیم ادعا کنم کمتر کارخانه قندی چون کارخانه کرج پیدا میشود که علاوه براینکه خرج خود را تامین می‌کند، سود هم در هرسال داشته باشد. شاید این موضوع اغراق‌گونه بنظر اید، ولی حقیقت اینست که کمبود چغندر قند

وکوتاه بودن دوره بهره‌برداری و از سوی دیگر قیمت پائین قند و شکر همواره بضرر کارخانجات قند تمام میشود ولی در این میان با افتخار این مسئله را عرض کنم که ما هر سال علاوه بر تامین هزینه‌های خود مبلغ قابل توجهی هم سود داریم که بین کارگران بعنوان (یکماه پاداش عید و دو ماه سود ویژه) تقسیم می‌کنیم و علاوه بر اینها برنامه‌های توسعه و مرمت کارخانه را هم به اجرا در می‌آوریم.

با تمام این احوال کارخانه تا کنون توانسته از نظر مسکن هم به کارگران خود کمك کند و خانه‌های سازمانی در اختیار آنها بگذارد، گو اینکه تعداد زیادی از خانه‌ها قدیمی شده، ولی این برنامه نیز در دست است که در آینده منازل جدیدی برای کادر ثابت کارخانه ساخته شود، آنچنانکه تعدادی هم ساخته شده و هم اکنون مورد استفاده کارگران و کارمندان قرار دارد.

در اینجا من باید از همکاران کارگر خودم سئوال کنم که با اینکه میدانند بزودی صاحب سهام کارخانه میشوند بدون آنکه دیناری از جیب خود بپردازند، آیا تا کنون شده که آنها مثلا بیایند و از مدیریت کارخانه بخواهند که بعوض ٣٥٠ کارگر فصلی، عده کمتری استخدام کند و خودشان تعهد کنند که کار بیشتری انجام دهند تا در پایان سال پول این صرفه‌جوئی بین خودشان تقسیم شود؟ و آیا تا کنون هیچ کوشش کرده‌اند که با فعالیت بیشتر و دلسوزانه‌تر، کاری کنند که سطح هزینه‌ها پائین بیاید تا سود بیشتری نصیب کارخانه و در واقع خودشان بشود؟ این درست است که بظاهر سطح حقوق‌ها تا اندازه‌ای پائین است ولی اگر مبلغ اجاره بهای خانه‌ها و سود ویژه و پاداش سالانه هر کارگر را با حقوقش جمع کنیم، آنوقت معلوم میشود که آنها از کارگران آزاد که بقول خودشان درآمد بیشتری دارند نه تنها کمتر حقوق نمیگیرند، سهل است که آینده‌ای مطمئن هم برای کارگران ما تامین گردیده است.

در اینجا این نکته را از قول دبیر سندیکای کارگران کارخانه قند کرج بازگو کنم که در اجرای اصل فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران، شورای عالی سازمان گسترش به هر کارگر واجد شرایط مبلغ دههزار تومان بعنوان وام میدهد تا سهام مورد نظر خود را خریداری کند و سپس از سود این سهام مبلغ وام را به اقساط دهساله کم می‌کند و در واقع کارگران از جیب خود چیزی نمیپردازند و صاحب سهام کارخانه نیز میشوند و با این ترتیب بدیهی است که نباید جای گله‌ای باقی باشد.

زمانی هم ظرفهارادرچشمه میشستند ولی‌حالا :

LYLYbet

لی لی بت

مینی‌ظرفشوئی پرتابل

درخدمت کدبانوهاســـــت

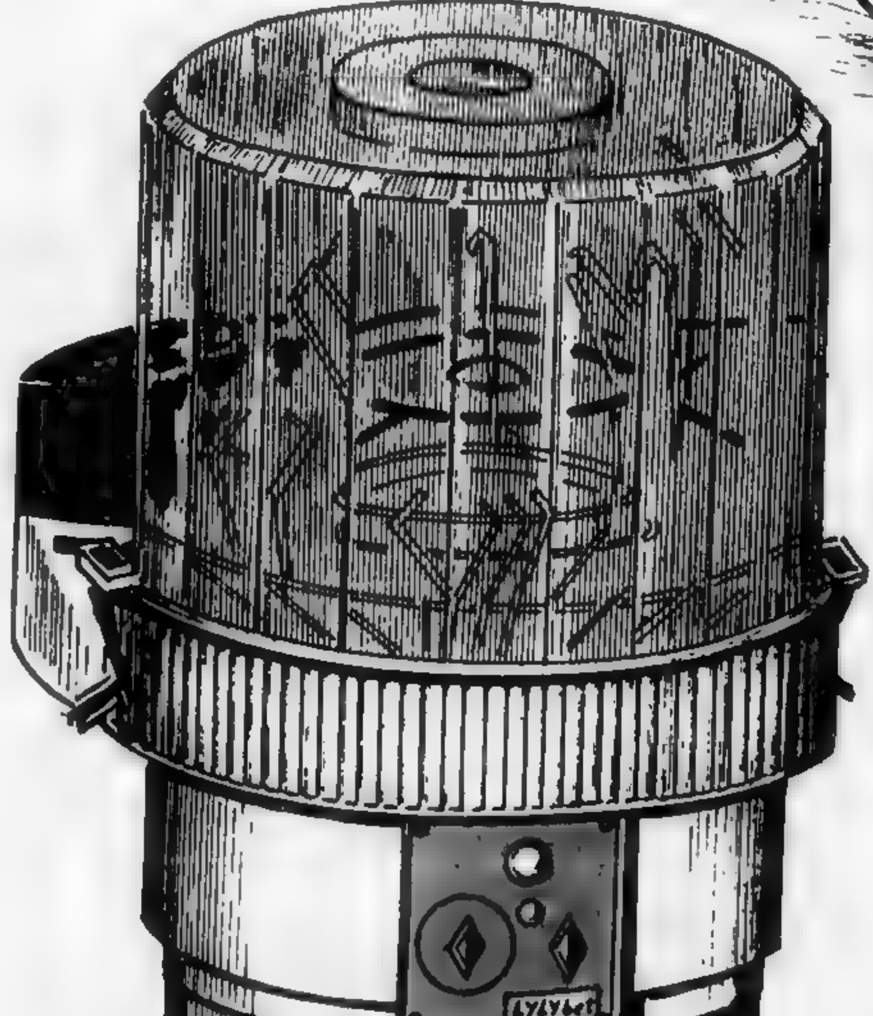

- کوچک وقابل‌حمل
- شستشوی سریع فقط در ۱۰ دقیقه
- زیبا وشیک
- ساخت‌انگلستان

فروش درداستو شمیران ودیگرفروشگاههای‌معتبرتهران وشهرستانها

نماینده‌انحصاری بازرگانی سودا   تلفن ۵۳۷۲۲۶

مقررات قانون کار کشاورزی اجرا میشود

• کارگران کشاورزی هفده استان و فرمانداریکل از مزایای این قانون بهره‌مند میشوند

از اول بهمن ماه سال جاری قانون کار کشاورزی در هفده استان و فرمانداری کل بموقع اجرا در خواهد آمد.

براساس ماده چهل قانون کار کشاورزی و بموجب مصوبه پنجمین جلسه شورایعالی کار کشاورزی که با شرکت وزرای کار و امور اجتماعی و کشاورزی و منابع طبیعی و اعضای شورایعالی کارکشاورزی تشکیل شد، از اول بهمن ماه سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی مقررات قانون کار کشاورزی در هفده استان و فرمانداری کل بموقع اجرا در خواهد آمد.

بدین ترتیب کلیه کارگران مزارع مشمول قانون کار کشاورزی در استانهای مازندران، گیلان، آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاهان، فارس، کرمان، خراسان، اصفهان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کردستان، همدان، لرستان، زنجان، شهرکرد و فرمانداری کل سمنان از مقررات حمایتی این قانون بهره‌مند خواهند شد.

در این جلسه همچنین تسری شمول قانون به کلیه مشاغل وابسته به کار کشاورزی نیز اعلام شد و آئین‌نامه‌های حفاظت و بهداشت کار و نحوه انجام اضافه‌کار به تصویب رسید و کیفیت افزایش بهره‌وری و تولید واحدهای کشاورزی و نحوه جلوگیری از ضایعات تولیدات کشاورزی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

بر اساس موافقتنامه‌ای که بین مدیرعامل صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی و مدیرعامل کارخانه کاغذسازی کهریزك در محل صندوق کارآموزی به امضاء رسید، مدیرعامل مؤسسه نیکوکاری «مجتمع آموزش حرفه‌ای میشل جمایل» یك مرکز کارآموزی به ارزش یکصد میلیون ریال را بصورت بلاعوض به صندوق کارآموزی واگذار کرد. این مرکز در زمینی به مساحت ۲۰ هزارمترمربع با زیربنائی حدود ٤ هزارو پانصد متر بنا گردید. و مجهز به کلیه تأسیسات لازم از قبیل خوابگاه، سالن کارگاه، مجتمع ورزش و ساختمانهای اداری و مسکونی میباشد.

این مرکز در هر دوره آموزشی ۳۰۰ کارآموز را در صنایع چوب، کاغذ، چاپ، صنایع وابسته زیر نظر مربیان آموزش خواهد داد.

کارآموزان در طول مدت کارآموزی از کلیه امکانات رفاهی مانند خوابگاه، غذا، تعلیمات رایگان و دیگر تسهیلاتی که فراهم آمده استفاده خواهند کرد.

فرصت اشتغال گسترش یافت

شورای صنفی کارگران صنعت چاپ تشکیل شد

از طرف وزارت کار و امور اجتماعی بمنظور رفع مشکلات و مسائل صنفی کارگران و کارفرمایان صنعت چاپ در استان مرکزی شورائی بنام شورای صنفی نمایندگان کارگران و کارفرمایان صنعت چاپ تشکیل شد و رسما کار خود را آغاز کرد.

این شورای که در محل اتحادیه کارگران و اتحادیه کارفرمایان تشکیل خواهد شد، هر ۱۵ روز یکبار برای رفع اختلاف بین کارگران و کارفرمایان این صنف تشکیل جلسه میدهد.

اداره کل اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد در یکماه گذشته ۱۲٦٦۷ نفر به مراکز کاریابی و اشتغال وزارت کار مراجعه و تقاضای کار کرده‌اند.

از این تعداد ۷۸۰۹ نفر وسیله مراکز کاریابیها به کار گمارده شده‌اند.

بر اساس همین گزارش ۲۱۹۹۵ فرصت اشتغال نیز از واحدهای صنعتی و تولیدی بدست آمده که تعداد ١٤١۸٦ محل خالی کار بدون شاغل بوده است.

در جلسه کمیته روابط عمومی سازمان کارگران

برگزاری انتخابات هیات مدیره شعب سازمان کارگران درخواست شد

سومین جلسه کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران بریاست آقای دکتر محمدعلی زرنگار رئیس کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران تشکیل شد.

در آغاز آقای محمد هاشم سربی عضو کمیته اظهار داشت با توجه به اساسنامه سازمان کارگران طی جلسه‌ای با حضور جناب آقای امیر عباس هویدا نخست‌وزیر بتصویب هیات اجرائی رسیده و نسخ متعدد آن برای اجرا به شعب سازمان کارگران در سراسر کشور ابلاغ شده است. لازم است که هرچه زودتر انتخابات اعضای هیات مدیره شعب در سراسر کشور که مدت ماموریت آنان پایان یافته، صورت گیرد تا بتوان تشکیلات این شعب را مورد بررسی قرار داد.

آقای مظفری یکی دیگر از اعضاء کمیته اظهار داشت نزدیك به دو سال است که انتخابات اعضای هیات مدیره شعب معوق مانده و بطور کلی شعب سازمان کارگران ایران نمیتوانند اقداماتی در جهت پیشبرد هدفهای سازمان کارگران انجام دهند. همین امر موجب شده است که نمایندگان کارگران و مسئولان سندیکاها در سراسر کشور از لحاظ مرکزیت بلاتکلیف بمانند. لذا بسازمان کارگران ایران توصیه شود هرچه زودتر نسبت بانجام امر انتخابات اقدام نمایند.

سپس آقای ضابطی دبیر کمیته پیشنهاد کرد رونوشت این صورتجلسه جهت اقدام برای ریاست سازمان کارگران ارسال شود.

آنگاه آقای دکتر زرنگار رئیس کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران اظهار داشت آنچه مسلم است باید مصوبات هیات اجرائی سازمان کارگران ایران بمرحله عمل و اجرا درآید و چنانچه مشکلاتی وجود دارد بایستی از آن آگاه شد تا در رفع مشکلات ارائه طریق شود و مهمتر از همه انجام انتخابات شعب در سراسر کشور است از طرفی بسیار بجا خواهد بود که اعضای این کمیته برای رسیدگی به تشکیلات شعب بشهرستانها مسافرت نمایند.

آقای دکتر زرنگار در پایان در زمینه برگزاری مراسم جشن و سرور در سالروزها پیشنهاداتی مطرح ساخت که مورد تصویب قرار گرفت.

سیدرحمت قدمی

اداره کل کار وامور اجتماعی منطقه شمال استان مرکزی اطلاع داد سید رحمت قدمی و هاشم خسروی در نتیجه انتخابات مورخ ۳۵/۷/١٤ بعنوان نماینده اصلی و علی‌البدل کارگران کارخانه جیپ لندرور انتخاب شدند.

سید رحمت قدمی برای مدت دو سال سمت نماینده اصلی کارگران کارخانه لندرور را خواهد داشت که وظایف محوله را طبق مفاد قانون کار وآئین‌نامه‌های مربوطه برای کارگران انجام خواهد داد.

با آرزوی موفقیت برای سید رحمت قدمی امیدواریم که در اجرای وظایف خود موفق و پیروز باشد.

← هاشم خسروی

اداره کل سهیم‌شدن کارگران وزارت کار و امور اجتماعی اعلام داشت تا پایان مهرماه سال جاری، تعداد ۱۱۹۵۲ پیمان سهیم‌شدن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی بین کارگران و کارفرمایان بامضاء رسید که بر اساس آن تعداد ۳۷۲ هزار کارگر از منافع کارگاهها بهره‌مند شدند.

طبق همین گزارش اداره کل سهیم‌شدن کارگران برای اولین بار در ۵۷ کارگاه پیمان سهیم شدن منعقد کرده است و تعداد ۳۴۳ کارگر برای اولین بار از مزایای سهیم‌شدن استفاده کرده‌اند. در همین مدت ۲۴۴ پیمان دسته‌جمعی

سهیم شدن در کارگاهها مورد تجدیدنظر قرار گرفت که در مجموع ۲۱۶۷۷ نفر کارگر از مزایای بیشتری برخوردار شده‌اند

نحوه کار با کپسولهای آتش‌نشانی به کارگران آموزش داده میشود.

آموزش اصول حفاظت و ایمنی و پیشگیری سوانح از جمله مواردی است که در کارخانه‌ها وواحدهای تولیدی بایستی با جدیت دنبال شود تا از این طریق در مواقع بروز خطر بتوان بسادگی در رفع آن اقدام کرد.

کارخانه قالیبافی کاشان- راوند در اجرای این برنامه با تشکیل کلاسهای آموزش اصول حفاظت و آتش‌نشانی نسبت به آگاهی و فراگیری کارگران خود اقدام کرده است

در این کلاس ایرج محنتی که دوره تخصصی آتش‌نشانی و حفاظت و نگهداری را در سازمان دفاع غیر نظامی کشور فراگرفته، آموخته‌های خود را برای دوستان کارگر بازگو میکند.

در این کلاس که۲۳ نفر از کارگران قسمت بافندگی شرکت دارند، آموزشهای مربوط به اطفاء حریق و اصول حفاظتی تدریس میشود.

۹۷ فقره شکایات کارگران استان خراسان طی ماه گذشته در شورای کارگاه و کمیسیون حل اختلاف این استان مورد رسیدگی قرار گرفت.

اداره کل کار و امور اجتماعی استان خراسان طی گزارشی یادآور شده است که در ماه گذشته شورای کارگاه با ۷۸ جلسه و کمیسیون حل اختلاف با تشکیل ۷ جلسه، به ۹۷ فقره شکایت رسیده از سوی کارگران رسیدگی کرد و در مواردی که امکان سازش وجود داشت، تفاهم برقرار کرده و در صورت لزوم نیز رای صادر شده است. همچنین بازرسان کار دراین مدت از پنجاه کارگاه و کارخانه بازرسی بعمل آورده و به شش مورد حادثه رسیدگی کرده‌اند.

برگزاری امتحانات کلاسهای پیکار با بیسوادی برای کارگران و توزیع گواهینامه‌های سوادآموزی آنان، انجام مسابقات ورزشی بین باشگاههای کارگری، بکار گماردن ۴۳ تن از مراجعین به کاریابی در واحدهای مختلف، صدور و تمدید اجازه‌نامه ۱۲ واحد تولیدی، گسترش آموزش حرفه‌ای و آموزشگاههای آزاد، از دیگر اقدامات اداره کل کار و امور اجتماعی استان خراسان طی ماه گذشته بوده است.

دهمین جلسه کانون حزبی کارگری شماره یك شهرسازی ریگ‌آباد منطقه بابنیزوی کرمان

دهمین جلسه کانون حزبی کارگران باب نیزو

دهمین جلسه کانون حزبی کارگری شماره یك شهرسازی ریگ‌آباد منطقه باب‌نیزو با شرکت زنان و مردان کارگر عضو تشکیل شد.

در این گردهمآئی رئیس کانون با اشاره به وظایف کارگران در عصر رستاخیز یادآور شد که بایستی هر چه بیشتر کارو کوشش کنیم. سپس یکی از اعضای کانون پیشنهاد کرد که سرویس ایاب‌وذهاب جهت بردن کودکان به مدرسه دایر شود. در این جلسه همچنین از مجله رستاخیز کارگران که منعکس کننده کلیه خبرهای کارگری و مطالب گوناگون و آموزنده در جهت افزایش بینش کارگران است، قدردانی شد و از اعضای کانون خواسته شد که نظریات و پیشنهادهای خود را به دفتر مجله ارسال دارند.

مرکز جدید آموزش رانندگی پایه‌یکم دایر شد

بمنظور تربیت و تامین راننده پایه یکم مرکز جدید آموزش راننده پایه یکم صندوق کارآموزی فعالیت خود را آغاز کرد.

این مرکز که در کیلومتر ۲۰ اتوبان تهران- کرج دایر شده، مجهز به ۱۰ دستگاه کامیون بنز ۱۰ تن، دو دستگاه کامیون ۸ تن و ۵ دستگاه برلیه(تریلر) و سایر لوازم و وسائل فنی است.

آموزش عملی و تمرین داوطلبانه روی کامیون‌های مختلف باتناژهای متفاوت زیر نظر مربیان انجام می‌پذیرد.

تعداد داوطلبانی که اکنون بطور متناوب در طول روز به امر آموزش اشتغال دارند، حدود ۱۶۰ نفر است که طی روزهای آینده به ۲۲۰ نفر افزایش خواهد یافت. طبق برنامه تنظیمی بمنظور رفع نیاز واحدهای کشاورزی و ساختمانی از اوائل دی ماه جاری رانندگی تراکتور، بولدوزر، غلطك و سایر ماشین‌آلات ساختمانی و راهسازی نیز به داوطلبان دراین رشته‌ها تعلیم داده خواهد شد. همچنین در نظر است از دی ماه بمنظور جلوگیری از اتلاف وقت متقاضیان و تسریع در امر آموزش رانندگان پایه یکم و رانندگان ماشین آلات سنگین نام‌نویسی از داوطلبان نیز دراین مرکز انجام گیرد و در آینده‌ای نزدیك با توسعه کار مرکز، آموزش فنی داوطلبان در محل جدید صورت پذیرد.

در آموزش رانندگان پایه یکم، افسران کارشناس اداره راهنمائی و رانندگی با صندوق کارآموزی همکاری نزدیك دارند و مراحل مختلف ازمون داوطلبان زیر نظر آنان انجام میگیرد.

خواسته‌های کارگران کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفت

اعضاء هیات مدیره سازمان کارگران کرمانشاه طی دیداری با وزیر کار و امور اجتماعی نیازهای کارگران این منطقه را مطرح ساختند و آمادگی خود را برای هر نوع همکاری و همچنین اجرای سریع منویات مبارك شاهنشاه آریامهر اعلام داشتند.

در این جلسه آقای منوچهر آزمون ضمن تاکید بر وحدت و تشکل کارگران در سازمانهای صنفی خود، از اعضاء هیات مدیره سازمان کارگران کرمانشاه خواست که برای افزایش سطح مهارت کارگران و نظم و انضباط در کارگاه و همچنین

آموزش سیاسی و اجتماعی آنان با کوشش بیشتری اقدام کنند

نمایندگان گروه کارگر در مجلس شورای ملی باتفاق آقای فرج‌اله ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران بمنظور بررسی وضع بیمه کارگران با آقای محمدرضا نقابت، معاون تامین اجتماعی وزارت بهداری و بهزیستی و رئیس هیات مدیره و مدیر عامل صندوق تامین اجتماعی دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار معاون تامین اجتماعی وزارت بهداری و بهزیستی و رئیس هیات مدیره و مدیر عامل صندوق تامین اجتماعی ضمن اشاره به برنامه‌های آینده صندوق تامین اجتماعی و سازمانهای منطقه‌ای وزارت بهداری و بهزیستی در زمینه اجرای سیاست سیستم عدم تمرکز در صندوق تامین اختماعی - سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ذخائر این صندوق در موارد گوناگون بویژه در جهت ایجاد مسکن، استفاده از ماشینهای کامپیوتر برای ایجاد آرشیو اطلاعاتی برای شخص بیمه شده در سطح کشور که متضمن رفاه بیشتر بیمه‌شدگان میباشد - بیمه روستائیان و پوشش بیمه‌ای کلیه مردم کشور سخن گفت

انگاه فرج‌اله ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران و گروهی از نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی به تشریح فعالیت سازمان کارگران در زمینه جمع‌آوری حق بیمه و سرمایه‌گذاری از طریق صندوق تامین اجتماعی پرداختند

طرح طبقه‌بندی مشاغل در تمام کارگاهها اجرا میشود

وزارت کار و امور اجتماعی بمنظور حل مسائل اشتغال در کشورمان، تجدید نظر کلی در قانون کار و طرح طبقه‌بندی مشاغل را مورد نظر قرار داده است و بر اساس این برنامه، همچنین بیمه کار- انضباط کار و تهیه شناسنامه کار در کارگاه بمورد اجرا در می‌آید.

وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اعلام این مطلب اضافه کرد اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شامل شرطی مبنی بر داشتن یکصدنفر کارگر بود که این مسئله باعث شده است که تعدادی از کارگاهها برای اجرای این اصل مهم معاف شوند و درنتیجه نوعی تبعیض بوجود آمده و به همین دلیل لازم بود که در این مورد تجدید نظری درجهت متعادل کردن طرح بعمل آید.

با توجه به این موضوع بررسیهای همه‌جانبه آغاز شد و طرح جدید کلیه کارگاههای کشور را، چه کارگاههائی که یك کارگر، چه کارگاهی که بیش از یکصد کارگر داشته باشند، موظف به اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل میکند و بدین ترتیب گروه کثیری از کارگران که در واحدهای کوچك کار میکنند، از مشمول آن استفاده خواهند کرد.

تجدیدنظر در قانون کار

گسترش صنعت و اجرای طرحهای صنعتی گوناگون که طی سالهای اخیر در کشورمان رشد عمده‌ای یافته، باعث شده که گروه کثیری در صنایع جذب شوند و نگاهی به آمار کارگران صنعتی در طی دوران انقلاب شاه وملت تائیدی بر این مطلب است.

با توجه به این مسئله قانون کار موجود نمی‌تواند جوابگو باشد و در آن نواقصی مشاهده میشود و برای ایجاد هماهنگی لازم، کارشناسان وزارت کار وامور اجتماعی بررسی همه‌جانبه‌ای را برای تجدید نظر در قانون کار آغاز کردند که نه تنها شرایط حال را در بر خواهد گرفت، بلکه آینده‌نگری لازم نیز در آن مورد توجه قرار گرفته است از جمله مواردی که میتوان به آن اشاره کرد، قانون بیمه‌کار است که با اجرای آن بسیاری از نارسائی‌های موجود در این زمینه برطرف خواهد شد و کارگران عصر انقلاب و رستاخیز با بهره‌گیری از قانون جدید کار، فرصت بهره‌وری بیشتری را بدست خواهند آورد.

شناسنامه کار

برای شناخت استعداد و آگاهی از نیروی کار موجود و همچنین نیاز بازار کار لازم است که هرچه زودتر برای هریک از مشاغل شناسنامه‌ای تدوین شود. این مسئله علاوه بر اینکه امکان شناخت استعدادها در زمینه مسائل نیروی انسانی را فراهم میکند، بلکه میتوانیم میزان نیازمندی خودرا برای سالهای آینده نیز پیش‌بینی کنیم و برای تامین آن کارگران ساده را تا رسیدن به پایه مهارت و تخصص آموزش بدهیم.

بدین منظور در تمام کارگاهها کلاسهای آموزشی ایجاد خواهد شد و مربیان وزارت کار و امور اجتماعی در این کلاسها به افزایش سطح تخصص‌ها کمك خواهند کرد.

وزیر کار در همین زمینه اضافه کرد آنچه که برای ما یك نوع تنگنا و کمبود بوجود آورده، مسئله آموزش کارگران و کارفرمایان است. کارگران متاسفانه با توجه بکاری که انجام میدهند، از آموزش کافی برخوردار نیستند. بنابراین در بخش صنایع ۷۰ درصد کارگران فاقد مهارت کافی و آموزش لازم میباشند و کارفرمایان نیز با درك این مسئله کمتر اقدام به «اتوماسیون» صنایع کرده‌اند. در نتیجه در بسیاری از کارگاهها بخاطر همین مسئله از ابزاری استفاده میشود که یا از رده خارج شده‌اند و یا بازده منفی زیادی دارند و صنایع ما با ۶۰ درصد ظرفیت خود کار میکنند و بالاخره نتیجه تمام این عوامل لطمه شدیدی است که به تولید وارد میشود.

وزیر کار اضافه کرد با درك این حقیقت است که وزات کار و امور اجتماعی در برنامه‌های خود توجه بمسئله آموزش را در سه قسمت آموزش فنی - آموزش اجتماعی و آموزش سیاسی متمرکز کرده است و آنرا قویاً دنبال خواهد کرد.

کمبود کارگر ماهر

وزیر کار در ادامه سخنان خود هدفهای دولت در امر آموزش کارگران را برشمرد و یادآور شد تا پایان برنامه عمرانی پنجم دولت امکان تربیت نزدیك به پنجاه هزار نفر کارگر متخصص را خواهد داشت که البته در ادامه این برنامه تا پایان برنامه عمرانی ششم هدف این است که هیچ واحد صنعتی کارگر غیر ماهر نداشته باشد.

صنایع روستائی

وزیر کار و امور اجتماعی اضافه کرد یکی از هدفهای وزارت کار گسترش صنایع روستائی است و در اجرای این هدف پیش بینی میشود روستائیانی که قبلا به علت رونق صنایع در شهرها جذب این صنایع شده‌اند، دوباره به روستاها برگردند و به همین دلیل لازم است که کار اتوماسیون صنایع شهری هر چه زودتر به انجام برسد و تمام کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر، در صنایع روستائی که مهارت زیادی نمیخواهد، جذب شوند.

در اجرای این برنامه (اتوماتیك کردن صنایع شهری) لطمه زیادی به بازار کار وارد نخواهد شد، زیرا بررسی‌هائی که در این زمینه انجام میدهد ایران تا بیست سال اینده میتواند برای بازار کار خود مشاغل کافی داشته باشد و اگر همین امروز به این مسئله توجه نشود، در آینده صنایع ما دسته جمعی با مشکلات عمده‌ای روبرو خواهند شد.

جابجائی نا معقول

منوچهر آزمون سپس یادآور شد که صنایع ما در جریان یك جابجائی نا معقول قرار گرفته و هر روز کارگرانی که از قسمت کشاورزی جدا شده‌اند بسوی صنایع روی می‌آورند غافل از اینکه فرهنگ صنعت شهری دارای یك فرهنگ و ادبیات خاصی است که اصولاً با فرهنگ کشاورزی بیگانه است و همین عدم تجانس منجر به ایجاد تضادی شده است که در محیط کار نارسائی‌ها و مشکلات زیادی را بوجود می‌آورد و مقدار زیادی از نیروی انسانی را تلف میکند. بنابر این بایستی از کارگرفتن نیروی کشاورزی که در عین حال فاقد تخصص صنعتی لازم میباشد ، جلوگیری کرد.

فلسفه تولید

منوچهر آزمون در قسمتی دیگر از سخنان خود به مسئله آموزش از جهت مختلف اشاره کرد و یادآور شد که کارگران کشورمان باید بدانند که فلسفه تولیدشان چیست و کار آنها جنبه ملی دارد یا صرفا بخاطر پر کردن جیب خودشان و یا سرمایه‌دار است؟از طرف دیگر کارگران ما باید بدانند که صنعت در جهت منافع اجتماع است و نباید در انحصار عده معدودی قرار گیرد. باید طبقه کارگر را با ویژه گی‌های این فلسفه آشنا کنیم و همپای ماشینهای مدرن فکر صنعتی را نیز به آنها آموزش دهیم و آنها را با فلسفه انقلاب کشورمان بیشتر آشنا کنیم.

آئین‌نامه کارگاه

از طرف دیگر کارشناسان وزارت کار و امور اجتماعی، کار تدوین آئین‌نامه‌ای را برای کارگاههای کشور بپایان رسانده‌اند و بزودی این آئین‌نامه در کارگاهها و واحدهای صنعتی کشور بمورد اجرا درخواهد آمد.

در این آئین‌نامه برای جابجائی کارگران از یك واحد تولیدی به واحد دیگر ضوابطی در نظر گرفته شده و در نتیجه کارفرمایان نیز با توجه به این ضوابط برای در اختیار گرفتن کارگران واحدهای دیگر مجاز نخواهند بود، مگر با رعایت مقررات و ضوابط آئین‌نامه مورد نظر

وزیرکار و امور اجتماعی طی بازدیدی از کلاسهای مؤسسه کار و تامین اجتماعی

بهره‌گیری بیشتر از اصول آموزشی را مورد تاکید قرار داد.

در این دیدار منوچهر آزمون گفت تنها ارائه آموزش مطرح نیست، بلکه هدف، بهره‌گیری از آموزشی است که داده میشود. وزیرکار خطاب به کارآموزان این مؤسسه یادآور شد جامعه ما امروز احتیاج شدید به کارگران آگاه و کارآزموده دارد. باید ازآموزشی که ارائه میشود نهایت بهره‌برداری صورت گیرد و تخصص‌های خود را بمرور به دیگر کارگران کارگاه‌های خود منتقل کنید.

وزیرکار سپس از قسمتهای مختلف شرکت تعاونی مصرف کارمندان وزارت کار و امور اجتماعی دیدن کرد.

آموزش سیاسی برای جامعه ما یک ضرورت حیاتی است

سومین سمینار اموزشی سیاسی با همکاری حزب و وزارت آموزش و پرورش در کرج با تأکید برنقش اموزش سیاسی در جامعه، پس از یك هفته بکار خود پایان داد.

درمراسم گشایش این سمینار وزیر آموزش و پرورش طی سخنانی گفت ما در دورانی زندگی میکنیم که در آن تغییرات انقلابی متعددی چهره حیات اجتماعی مارا بطور بنیادی تغییرداده است و اگر خواستار این باشیم که دراین تغییرات نقشی فعال ایفا کنیم، ضروریست که به آگاهی خود از ماهیت آنها بیافزائیم و رسالت اساسی آموزش سیاسی دردوران رستاخیز تعمیم چنین آگاهی ست. ما در دورانی زندگی میکیم که در آن ایران عزیزمان در فاصله‌ای کوتاه از یك کشور عقب افتاده وایستا به جامعه‌ای پیشرفته و پویا تبدیل شده است. برای ایکه بتوانیم درادامه تحولاتی که منجر به چنین انقلابی شده نقش مؤثری داشته باشیم، باید آگاهی خود را از شرایط و عوامل مؤثر دراین انقلاب و نقش رهبری انقلاب در پیروزیهای آن و بالاخره موانعی که درراه آن قرار داشتند و یا قرار گرفتند، افزایش دهیم. چنین امر ضروری صرفا از طریق آموزش سیاسی میسر است، آموزشی که مبنی بریك سنت گفت و شود صریح و صادقانه و صمیمانه، هر یك از ما را به وظایف خود بیشتر آگاه میکند. اگر چنین آموزش سیاسی برای جامعه ما یك ضرورت است، برای حامعه فرهنگی ما که در تعیین سرنوشت فردای جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای به عهده دارد، یك امر حیاتی است.

وزیر آموزش و پرورش سپس به اهمیت و لزوم مشارکت گروههای مختلف مردم در فعالیتهای سازنده مملکتی اشاره کرد و گفت:

ـ مشارکت و سازندگی درایران امروز و فردا به عنوان وظیفه میهنی هریك از ما مستلزم این است که از طریق آموزش سیاسی نه تنها آگاهی خود را از دست آوردها و پیشرفتهای انقلاب شاه و ملت افزایش دهیم، بلکه این آگاهی را به دیگران تعمیم دهیم. باید سنت مشارکت را که متناسب دوران رستاخیز و ملزوم مشارکت اقتصادی عصر انقلاب شاه و ملت است، در نسل جدید کشورمان به وجود آوریم و از آنجا که نظام آموزشی از مهم‌ترین بهادهای سنت ساز یك جامعه است، وظیفه خطیری در ایجاد سنت مشارکت و آگاهی کافی برای تضمین سلامت چنین مشارکتی به عهده ماست.

قبل از سخنان وزیر آموزش و پرورش، استاندار استان مرکزی طی سخنانی گفت شما که مسئولیت تربیت جوانان کشور را بعهده دارید باید بکوشید که دراین نوع سمینارها بتمام مسایل آگاهی پیدا بکنید تا اموزش سیاسی جوانان را نیز افزایش دهید. بنابراین وظیفه هرکسی است که باندازه امکانات خود آنچه راکه میداند به دیگران منتقل بکند و این میسر نیست مگر از راه گفت‌وشنود درچهارچوب افکار حزب‌رستاخیز ملت ایران.

سخنان رئیس هیات اجرائی

پس از آن، احمد قریشی رئیس هیات اجرائی حزب طی سخنانی گفت دردنیا سیستم‌های تك‌حزبی، دوحزبی، و چندحزبی وجود دارد و درتمام این ممالك احزاب برای رسیدن به قدرت مبارزه میکنند و این امر به عدم ثبات سیاسی دراین کشورها کمك میکند و درممالك دیگری که باسیستم تك‌حزبی اداره میشوند، جز ایران همه افراد جامعه به حزب راه ندارند و فقط معدودی ازافراد جامعه درحزب قدرت را دردست گرفته و از امتیاز خاص بهره میبرند، درحالیکه حزب‌رستاخیز ملت ایران فراگیرنده تمام افراد این مرز وبوم است وهمه میتوانند با اعتقاد به اصول این حزب یعنی نظام شاهنشاهی، قانون اسلسی، انقلاب شاه وملت درسرنوشت سیاسی حود شرکت کنند و مردم با مشارکت درحزب رستاخیز ملت ایران و بااستفاده از آموزشهائی که درچنین مجالس، سمینارها وجلسات گفت‌وشنود فرامیگیرند، میتوانند بافرهنگ ملی، سیاستهای رورو زندگی منحول ایران بیشتر آشنا شده و توقعات خودرا با امکانات هماهنگ سازند. بطور مثال اجلاس اخیر کشورهای اوپك درسرنوشت فردفرد ایرانیان میتواند تاثیری مستقیم داشته باشد ووقتی که مسائل مهم روز مانند تصمیمات اخیر اوپك برای مردم تشریح شودو درکانونهای حزبی مورد بحث وگفتگو قرارگیرد، مردم درسیاستهای بین‌المللی و اقتصادی صاحب‌نظر شده و با جهان‌بینی و اطلاع کامل از رویدادهای مهم رور مسائل و مشکلات خودرا مطرح وبراه حلهای عملی و قابل دسترسی میرسند.

نقش مشارکت

رئیس هیات اجرائی حزب آنگاه با اشاره به اهمیت آموزش سیاسی دربرنامه‌های حزب گفت: مقصود از آموزش سیاسی دردرجه اول شناخت و آگاهی اعضاء حزب از مسائل و رویدادهای داخلی مملکت و سپس آشنائی با مسائل جهانی است و بدیهی است اگر دانش و آگاهی سیاسی داشته باشیم توقعات و انتظارات خودرا با امکانات و قدرت اجرائی مملکت منطبق خواهیم کرد و درپیشبرد مسائل مملکتی مشارکت سازنده‌ای خواهیم داشت.

قریشی افزود: موفقیت حزب بستگی به مشارکت گسترده و آگاه اعضاء آن در فعالیتها و برنامه‌های حزبی و مملکتی دارد، و در این مشارکت هر اندازه که دانش و رشد سیاسی اعضاء حرب بالا باشد، میزان موفقیت و پیشرفت نیر به همان حد افزایش خواهد داشت. رئیس هیات اجرائی افرود

حرب برای نظریات و پیشنهادهای اعضاء کانونها اهمیت خاصی قائل است و نظریات سازنده اعضاء کانونها از طریق حزب به مسئولان مملکتی ارائه خواهد شد و تا نتیجه‌گیری نهائی پیگیری میشود.

احمد قریشی یادآور شد اعضاء کانونهای حزبی میتوانند در جلسات انجمن‌های ملی بعنوان ناطر شرکت کنند و چگونگی کار و فعالیت آنان را در جلسات کانون‌ها مطرح سازند

در دیگر جلسات سومین سمیبار آموزش سیاسی دکتر منصور فرساد در مورد روابط اقتصادی بین‌المللی ایران –سیامك پوررند در مورد نقش و وسایل ارتباط جمعی در سرنوشت امروز بشر، بهمن کشوری و محمود ستایش در مورد مراحل و شیوه تشکیل تعاونی در آموزشگاهها و خانم آصفه آصفی در مورد چگونگی هدایت اولیا و مربیان برای برقراری رابطه مطلوب بین مدرسه و خانواده، رضا مظلومان در مورد علل آسیب رسانی و آسیب بینی نوجوانان و جوانان، دکتر جعفر بوشهری در مورد مبانی حکومت در ایران سیروس الهی در مورد اصول سیاست مستقل ملی و اهمیت سیاست خارجی ایران –فریدون ناصری درباره مسائل بهره‌وری و کارآئی نیروی انسانی و نقش موثر کارگران در توسعه عمران یوسف محمدی‌نژاد درباره اهمیت بنیادی آموزش سیاسی و هدف آموزش سیاسی در رسیدن به وحدت ملی یکپارچگی ملی و نوعی تفاهم واحد سخن گفتند.

در آخرین جلسه سمینار آموزشی حزب که ۲۵۰ نفر از مسئولان امور تربیتی و روسای مدارس شرکت داشتند عنایت‌الله رضا استاد دانشگاه ریر عنوان ویژگیهای فلسفه انقلاب شاه و ملت سخن گفـ ت و سمیبار با نتیجه‌گیری از مباحثات بکار خود بابان داد.

بر اساس برنامه جدید حزب

برای اجرای سریع و صحیح برنامه‌های حزبی به مسئولان حزب در استانهای کشور اختیارات کافی داده خواهد شد.

براساس برنامه جدیدی که حزب تدوین کرده است سیاست عدم تمرکز را اجرا خواهد شد و بدین منظور اختیارات کافی به مسئولان حزب در استانها داده میشود و بدین ترتیب فعالیتها و برنامه‌های حزبی در سطح استان بطور مستقل و هماهنگ با سایر استانها و پایتخت بمرحله اجرا در می‌آید.

با اجرای این برنامه ستاد مرکزی حزب نقش هدایت‌کننده را به عهده خواهد داشت و خط مشی و سیاست کلی حزب را به مسئولان در استانها ابلاغ خواهد کرد.

همچنین حزب در هر استان دارای تشکیلاتی نظیر ستاد مرکزی خواهد شد که وظیفه ارتباط با کانونها و پیگیری نظریات و پیشنهادها و شکایات اعضاء کانونها در سطح استان را بعهده میگیرد.

از سوی دیگر اجرای برنامه عدم تمرکز و واگذاری اختیارات به مسئولان استانها سبب خواهد شد که حزب در استانها از قدرت اجرائی و تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار شود و از ارجاع کارها در سطح روستاء بخش و شهر به تهران جلوگیری بعمل آید و بدیهی است که ستاد مرکزی حزب، گردش کار در استانها را تحت کنترل و نظارت دقیق خواهد داشت.

حزب اعلام کرد براساس تشکیلات جدید، سازمانهای صنفی و سازمانهای متشکل دیگر وابسته بحزب نخواهند بود ودرحالی‌که کلیه اعضای آنها عضو حزب هستند، فعالیت مستقل صنفی خواهند داشت.

همچنین اساسنامه سازمان دانش‌آموزان وابسته به حزب اصلاح خواهد شد واین سازمان تمامی جوانان کمتر از ۱۸ سال، اعم از دانش‌آموز و غیردانش‌آموز را دربر خواهد گرفت.شاخه امور اجتماعی حزب که وظیفه آن در تشکیلات گذشته عبارت از ایجاد هم‌آهنگی در فعالیتهای سازمان‌های صنفی و گروههائی از قبیل سازمان دانشجویان و جوانان سازمان سپاهیان انقلاب، سازمان کارگران و دانش‌آموزان بود، ازاین پس کلیه درخواستها شکایات و نظریاتی را که کانونهای حزبی درباره مسایل مختلف ارائه مکنند، دریافت و مورد رسیدگی قرار خواهند داد. همچنین درکلیه مواردی که کانونها به حزب، نظریه- پیشنهاد ودرخواستی ارائه میدهند، شاخه اجتماعی حزب آنها را در سازمانهای دولتی و خصوصی پیگیری خواهد کرد ودر صورتی که در پیگیری به جائی نرسید، مراتب را به مراجع بالاتر حزب تا دفتر سیاسی ارجاع خواهد شد.

بدین ترتیب امور اجتماعی حزب بصورت یك مرجع پاسخگوئی به نظریات و پیشنهادهای کانوها درخواهد آمد

جمشید آموزگار دبیرکل حزب اعلام کرد:

حزب برای انجمن‌های ملی رابط تعیین میکند

از طرف ستاد حزب رابطهای حزبی برای هریك از انجمنهای شهر و شهرستان تعیین میشوند تا در مورد اختلافات مربوط به حدود اعتبارات انجمنها و مقامات اجرایی و همچنین اختلافات دیگر میانجیگری کنند.

جمشید آموزگار دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران ضمن اعلام این مطلب در جلسه مشترکی که با شرکت شهردار پایتخت، اعضای انجمن شهر وقائم مقام شهرداری در محل حزب تشکیل شده بود یاد آور شد:

انجمنهای ملی باید در چهار چوب اختیارات و وظایف قانونی خود عمل کنند و بهیچ وجه جنبه مهرلاستیکی ندارند و در حدود قانون کلیه تصمیمات باید در انجمنها گرفته شود.

وی درعین حال متذکر شد که انجمنها نباید در اختیارات مربوط به شهرداران یا مراجع دولتی و یا اختیارات یکدیگر مداخله کنند.

جمشید آموزگار اضافه کرد: بدین منظور از طرف حزب رابطهائی برای انجمنها تعیین خواهد شد تا مشکلات و اختلافاتی را که در عمل پیش میاید با کمك اعضاء انجمنها و شهرداران برطرف کنند و در صورتیکه بازهم مشکلی وجود داشته باشد، موضوع با شرکت مراجع حزبی بررسی خواهد شد.

* کمیته مسائل نیرو و مسائل مربوط به آب و برق را بررسی میکند.

اولین کمیته تحصصی حزب بموجب اساسامه و با شرکت گروهی از صاحب‌نظران و کارشناسان حزب بنام «کمیته تخصصی بررسی مسائل نیرو» کار خود را آغاز کرد

در نحستین حلسه این کمیته طرح «روش شناسی در رمینه اب و انرژی» که در کمیته سابق اب و برق» تهیه شده بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اعضای کمیته در این جلسه براین مسئله تاکید کردند که در برنامه‌ریزیهای مملکت علاوه برجهات اقتصادی، بمسائل انسانی و حفظ محیط ریست از آلودگی نیز باید توجه خاص شود

در پایان این جلسه دو کمیته فرعی تشکیل شد تا مسائل اب و انرژی را بطور جداگانه مورد بررسی قرار دهند و نظریات و پیشنهادهای خود را بصورت گزارش به کمیته «بررسی مسائل نیرو» ارائه دهند تا پس از نتیجه‌گیری و تلفیق به مراجع حربی تسلیم شود.

کمیته‌های تحصصی حزب با همکاری کمیته تحصصی هیات اجرائی و شاخه آموزش و بررسی‌های حزب بتدریج تشکیل میشوند و طی آن نمایندگان جناح‌های حزب و کارشناسان و متخصصان مسائل مملکتی به بحث و بررسی موضوع‌های مختلف خواهند نشست و نظریات و پیشنهادهای خود را بصورت طرح بمقامات حزبی تسلیم خواهند کرد تا پس از بررسی نهایی به مسئولان اجرایی ارائه شود.

داریوش همایون قائم مقام دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران وظیفه حزب را در مقابل کمیسیون شاهنشاهی تشریح کرد.

حزب رستاخیز ملت ایران همه اطلاعات و تجربیات گذشته‌اش را در زمینه مسائل مختلف مملکتی در اختیار کمیسیون شاهنشاهی قرار میدهد تا در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر با سرعت هرچه بیشتر گام برداشته بود.

داریوش همایون، قائم‌مقام دبیرکل حزب در گفتگوئی با نمایندگان وسائل ارتباط جمعی ضمن اعلام این مطلب به آنچه حزب در گذشته در زمینه پیگیری مسائل مملکتی انجام داده است، اشاره کرد و یادآور شد حزب در یکسال ونیم گذشته از طریق شاخه اررشیابی و نظارت خود برپاره‌ای از طرحها نظارت کرد و به برطرف کردن تنگناها پرداخت.

اما با تشکیل کمیسیون شاهنشاهی، حزب دیگر دراین‌باره راساً اقدامی نخواهد کرد و طلاعات و کوششهای خود را دراختیار کمیسیون خواهد گداشت

قائم‌مقام دبیرکل حرب گفت به تمام ارکان حرب به ویژه کانونها دستور داده خواهد شد برای پیشبرد هدفهای کمیسیون شاهنشاهی آگاهیها و امکانات خود را از طریق حزب دراختیار کمیسیون قرار دهند.

بسیج مردم

داریوش همایون، از نقش حزب در بسیج مقامات و مردم یاد کرد و افزود دراین زمینه حزب کوشش دارد تا مقامات و مردم را بطور مساوی به اهمیت این فرمان و اجرای صحیح آن متوجه سازد و از سوی دیگر روحیه عمومی را برای اجرای فرمان مساعدتر سازد و آنان را برای اجرای فرمان آماده‌تر کند.

به عبارت دیگر حزب نقش بسیج‌کننده دارد تا جامعه بطورکلی به اهمیت استفاده بهتر و کارآمدتر از نیرو وقت افراد این جامعه و منابع این کشور آگاه‌تر شود.

قائم‌مقام دبیرکل در پاسخ این پرسش که نقش کانونها دراین زمینه چه خواهد بود گفت: این نقش بیشتر در مراقبت دائمی اعضاء حرب و کانونها و بعدا شوراهای حزب خلاصه میشود. اعضاء حزب که در کانونها و در شوراها متشکل میباشند وظیفه دارند هرجا به موضوعی برخوردند که میتواند درجهت بررسی‌های کمیسیون شاهنشاهی مفید و موثر ومورد توجه باشند یا اطلاعاتی بدست آوردند یاهرگاه نظریه یا پیشنهادی داشتند، با ید از طریق سازمان حزب به اگاهی کمیسیون برسانند.

حزب درعین حال این آمادگی را دارد که هرزمان احتیاحی باشد با نیروهای خود به کمك کمیسیون شاهنشاهی برود و درهر زمینه تحقیقات و بررسی‌های لازم را انجام دهد

وظایف اعضاء حزب درکمیسیون

درباره برنامه‌های حزب دراین رمینه قائم‌مقام دبیرکل حزب به بسیج افکار عمومی از طریق مطبوعات و انتشارات حربی و وسائل ارتباط جمعی اشاره کرد و افزود: به کانونها دستور داده میشود که با کمیسیون همکاری کنند و با همه امکان و نیروی‌انسانی خوددر اختیار کمیسیون باشند.

درباره اینکه وظایف ۱۰تن نمایندگان حزب دراین کمیسیون چه خواهد بود، داریوش همایون یادآور شد که اینان بادیگر اعصاء کمیسیون وظایف مشابهی دارند، ولی حزب از نظریات این نمایندگان برای همکاری بیشتر با کمیسیون کمك خواهد گرفت و با آنها تماس خواهد داشت و از طریق همین نمایندگان با کمیسیون در ارتباط بیشتر خواهد بود.

کمیته برگزارکننده مراسم روز ششم بهمن (سالگرد انقلاب شاه و ملت) اولین جلسه خود را در سازمان کارگران ایران تشکیل داد.

در این جلسه مقررات و برنامه‌های مربوط به شرکت کارگران در مراسم رژه ششم بهمن اعلام شد.

براساس این برنامه پیش‌بینی میشود امسال هزاران نفر از کارگران تهران- کرج و شهر ری در مراسم بزرگداشت ششم بهمن سالروز انقلاب شاه و ملت شرکت کنند و خاطره این روز بزرگ رابیش‌ازپیش گرامی دارند.

در این جلسه همچنین مقرر شد یك کمیته دائمی در سازمان کارگران ایران تشکیل شود تا با همکاری مسئولان ذیربط در وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به اجرای تصمیمات متخذه نظارت و مراقبت لازم را بعمل آورد.

کارگران عضـو کانون‌های حزبی،

مسائل مختلف را مورد بررسی قرار دادند

● **کانون ۲۲۴۹**

جلسه کانون ۲۲۴۹ با شرکت اکثریت اعضای کانون در سالن اجتماعات سازمان کشتارگاه و سردخانه تهران تشکیل شد و طی آن مسئله مسکن- خدمات درمانی و تاسیس یك کلاس پیکار با بیسوادی مطرح شد.

دراین جلسه یکی از اعضای کانون در لزوم حل مشکل مسکن سخن گفت و خواستار پی‌گیری و نتیجه بحث شد. وی یادآوری کرد که برای حل این موضوع یافتن یك روش منطقی و اصولی ضروری است و چنانچه موفقیت دراین زمینه حاصل شود، مسلماً گروه کثیری از آن بهره خواهند برد.

در همین جلسه جمعی از کارگران از نارسائی‌هائی که در امر مدیریت خدمات درمانی و تامین اجتماعی بچشم میخورد انتقاد کردند و متذکر شدند باوجودیکه کوشش بسیاری در جهت تامین وسایل و امکانات درمانی فراهم میشود، ولی بعلت عدم مدیریت صحیح مراجعه کنندگان نمیتوانند درحد لازم از آن استفاده کنند موضوع دیگری که پیشنهاد و مورد تاکید قرار گرفت، ایجاد مرکز پیکار با بیسوادی در این منطقه حزبی بود تا افراد بیسواد دراین مرکز به سوادآموزی بپردازند. و برای امر تدریس نیز گروهی از اعضای کانون امادگی خود را اعلام کردند که بطور داوطلبانه این کار را انجام دهند.

کانون ۲۴۸۲

دراین کانون که جمعی از رانندگان تاکسی عضویت دارند، درمورد مسائل مربوط به این صنف مطالبی بیان شد و خواستار تجدیدنظر در مقررات و امور مربوط به اتحادیه تاکسیرانی شدند. همچنین گسترش و بهبود وضع خدمات درمانی برای رانندگان تاکسی مورد اشاره قرار گرفت.

● **کانون ۲۱۳۶**

اعضای این کانون در محل پخش گاز بوتان تشکیل جلسه دادند و اعضای کانون پیشنهاد کردند که مقداری از زمینهای خارج از محدوده برای ساختن خانه آزاد شود تا از این طریق برمقدار عرضه اضافه شود. همچنین پیرامون ترافیك پایتخت مطالبی بیان شد.

● **کانون ۲۱۵۲**

اعضای کانون شماره ۲۱۵۲ طی جلسه‌ای در محل سازمان کارگران استان مرکز مسائل حزبی و امور مربوط به کارگران را مورد بحث قرار دادند.

دراین جلسه رئیس کانون با اشاره به وظیفه ملی و میهنی هر فرد شاهدوست و میهن‌پرست یادآور شد که برنامه‌های سازنده اجتماعی که هرروز تعداد بیشتری از آنها بمرحله اجرا درمی‌آید، بایستی برای همگان تشریح شود و به ویژه کارگران میبایستی از کم‌وکیف آن آگاهی بیشتری بدست آورند.

وی سپس به عدم اسفالت کوچه مروی در خیابان ناصرخسرو که محل عبور جمع کثیری است اشاره کرد و در مورد کارگران گرمابه‌ها-

ایرج وحیدی وزیر نیرو در جلسه کانون ۲۳۰۰ به پرسش‌های اعضای کانون پاسخ میگوید.

چهارمین گردهمائی کانون ۲۳۰۰ حزب رستاخیز ملت ایران بریاست ایرج وحیدی وزیر نیرو تشکیل شد.

در اغاز این جلسه رئیس کانون نتایج حاصله از دومین کنگره حزب را مورد نظر قرار داد و اظهار داشت انچه که از این کنگره بدست امد، بهترین روش و خط‌مشی برای هر فرد حزبی خواهد بود.

سپس چندتن از اعضای کانون به طرح مسائل شهری از قبیل ترافیك- آب و برق- آلودگی هوا و محیط زیست و مسکن پرداختند و به پیشنهاد رئیس کانون قرار شد در جلسه اینده در خصوص موضوعات مطرح شده بررسی کافی صورت گیرد و نتیجه به حزب گزارش شود. همچنین پیشنهاد شد که دراین خصوص از تجربیات گروه اندیشمندان و کارشناسان حزب که اخیراً بصورت گزارش تهیه شده بهره‌گیری شود.

در اجرای دستورالعمل حزب مبنی بر شرکت یك نفر اعضاء کانونها در کلاس اموزش سیاسی از بین آقایان فراشاهی- موهبتی و زهتاب ، آقای محمد قلی موهبتی دانشجوی فوق لیسانس علوم سیاسی و اجتماعی برای شرکت در کلاس مذکور انتخاب و معرفی گردید.

اظهار داشت با وجود اینکه این کارگران دستمزد و درامد مشخصی دارند، ولی هنوز با مشکل حداقل دستمزد ثابت برای انعکاس در لیست حق بیمه روبرو میباشند.

● **کانون ۲۲۵۹**

کارکنان و کارگران کارخانه پاك که اعضای این کانون میباشند، طی جلسه‌ای مسائل شهری را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در این جلسه آقای ذکریا کارگر قسمت تولید از عدم نظافت منطقه مهرآباد جنوبی انتقاد کرد و همچنین از شرکت واحد درخواست شد که یك خط کمربندی برای سراسیاب مهرآباد در نظر بگیرد.

سپس خانم امینی در مورد چگونگی رسیدگی مقامات حزب به پیشنهادها و تقاضاهای مطرح شده در کانون سئوال کرد. انگاه اقای قرانی عضو دیگر کانون در مورد بهبود وضع ترافیك پیشنهاد کرد که از واگذاری شماره‌های جدید اتومبیل شخصی خودداری شود و ماشینهای فرسوده و قدیمی جمع‌آوری و پلاك آنها مورد استفاده قرار گیرد.

در همین جلسه آقای مهدی قره‌باغی در مورد تمرکز واحدهای صنعتی در تهران سخن گفت و اظهار داشت چنانچه واحدهای تولیدی به شهرستانها انتقال یابند، وضع ترافیك شهر تهران نیز بهبود نسبی خواهد یافت.

● **کانون ۲۰۳۸**

جلسه تداومی این کانون در منطقه یك حزب‌رستاخیز ملت ایران تشکیل شد. در اغاز این جلسه مسئول کانون طی سخنانی با تاکید بر مشارکت و لزوم شرکت هر چه بیشتر اعضاء در جلسات کانون و مطرح کردن مسائل و خواستهای خود، یادآور شد که جلسات کانونهای حزبی برای همین منظور است و در این محل فرصت خواهیم داشت تا به ابراز عقیده و طرح مسائل مورد علاقه بپردازیم. در این جلسه موضوع مسکن- خدمات بیمه‌درمانی، و امور مربوط به بازنشستگی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت

● **کانون ۲۰۶۲**

اعضای این کانون طی جلسه‌ای لزوم افزایش بهره‌وری را مورد تاکید قرار دادند و خواستار جدیت و کوشش بیشتر در امر تولید شدند. در این جلسه، با اشاره به بیانات شاهنشاه‌اریامهر مبنی بر لزوم ارتقاء سطح بهره‌وری، گفته شد که عموم مردم باید در اجرای این امر مهم همگام با یکدیگر عمل کنند

● **کانون ۲۲۱۰**

اعضای این کانون در محل سندیکای رانندگان شرکت واحد تشکیل جلسه دادند و در مورد دستمزد و مسکن به بحث پرداختند. در این جلسه پیشنهاد در مورد گران شدن پاره‌ای از اقلام مصرفی را مورد انتقاد قرار دادند.

کانون ۲۱۵۳

در جلسه اعضای این کانون یکی از اعضاء در مورد مرامنامه حزب سخن گفت سپس آقای علی‌اکبر توکل در مورد مواد مصرفی و مایحتاج مردم مطالبی بیان داشت و متذکر شد که اتحادیه مرکزی تعاونی کارگران ایران نیز مواد اولیه از قبیل حبوب و برنج ندارد تا در اختیار شرکتهای تعاونی بگذارد و بایستی در این مورد اقدام سریع صورت گیرد. وی سپس خاموشی‌های پیاپی برق تهران و مسائل شهری را مورد بحث قرار داد

● **کانون ۱۵۵۹**

جلسه کانون ۱۵۵۹ شرکت سنتاب در سالن اجتماعات کارگران این کارخانه رسمیت یافت.

این جلسه که بطور فوق‌العاده تشکیل شده بود، برای انتخاب یکی از اعضای کانون جهت شرکت در کلاس اموزش سیاسی بود که پس از بحث و گفتگوی بسیار با توافق همگی. آقای شکرالله بازگیر برای این منظور انتخاب شد.

● **کانون ۴۲۳۶**

در جلسه اعضای کانون ۴۲۳۶ که متعلق به کارگران کارخانه کفش‌ملی میباشند، لزوم نظافت شهر تهران مورد گفتگو قرار گرفت و لزوم توجه بیشتر به امر نظافت از طرف ماموران نظافت شهر، تاکید گردید.

● **کانون ۴۳۳۲**

جلسه تداومی اعضای این کانون در سالن اجتماعات کفش ملی با حضور اکثر اعضای کانون تشکیل شد.

در اغاز جلسه ایرج ماکولی با اشاره به ترافیك سنگین جاده جنوبی تهران- کرج گفت ترافیك خیابانی بطول ۵۰۰ متر از سه راه پادگان جی تا خیابان پارس باعث میشود که هر روز ساعتها در انتظار باز شدن راه باایستیم همین امر موجب شده که دیر به سرکار خود برسیم.

بازار کار

مرکز کاریابی شماره ۱ این عده را به همکاری دعوت می‌کند.

فرزکاری

۱- **تخصص مورد نیاز:** فرزکاری
۲- **تعداد:** ۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** ٦ماه
٦- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲٦

حسابدار

۱- **تخصص مورد نیاز:** حسابداری
۲- **تعداد:** ۱۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** ٦ماه
٦- **تحصیلات:** دیپلمه
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۳۰

لوله‌کش

۱- **تخصص مورد نیاز:** لوله‌کش ساختمان
۲- **تعداد:** ۱۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** یکسال
٦- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲۸

بسته‌بند

۱- **تخصص مورد نیاز:** بسته‌بندی
۲- **تعداد:** ۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** مطرح نیست
٦- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت

۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲۸

مرکز کاریابی شماره۲ این عده را به همکاری دعوت می‌کند.

برقکار

۱- **تخصص موردنیاز:** برقکار
۲- **تعداد:** ۳نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر۳۵سال
۵- **تجربه:** یکسال
٦- **تحصیلات:** دیپلمه برق
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲۵

نقشه کش

۱- **تخصص موردنیاز:** نقشه کش ساختمان
۲- **تعداد:** ۱۲نفر
۳- **جنسیت:** مرد یازن
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** ٦ماه
٦- **تحصیلات:** سیکل اول
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲٦

قالب ساز

۱- **تخصص مورد نیاز:** قالبسازی
۲- **تعداد مورد نیاز:** ۲۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر۳۵ سال
۵- **تجربه:** یکسال

۶- **تحصیلات:** سوم متوسطه
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۳۰

کارمند

۱- **تخصص موردنیاز:** کارمند دفتری
۲- **تعداد:** ۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر۳۵سال
۵- **تجربه:** مطرح نیست
٦- **تحصیلات:** دیپلم کامل متوسطه
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۳۰

ورقکار

۱- **تخصص موردنیاز:** ورقکاری
۲- **تعداد:** ۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** مطرح نیست
٦- **تحصیلات:** باسواد
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲۸

تحصیلدار

۱- **تخصص موردنیاز:** تحصیلدار
۲- **تعداد:** ۵نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵سال
۵- **تجربه:** مطرح نیست
٦- **تحصیلات:** دیپلمه
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یاداشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه

۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۳۰

مرکز کاریابی شماره ۳ این عده، را به همکاری دعوت می‌کند.

نامه رسان

۱- **تخصص مورد نیاز:** نامه رسان
۲- **تعداد:** ٦ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه:** مطرح نیست
٦- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۳۰

صندوقدار

۱- **تخصص مورد نیاز:** صندوقداری سوپر
۲- **تعداد:** ۱۵ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن :** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه:** مطرح نیست
٦- **تحصیلات:** دیپلمه
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲۸

بافنده

۱- **تخصص مورد نیاز:** بافندگی
۲- **تعداد:** ۱۵ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه:** ٦ ماه
٦- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت:** تهران
۹- **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۱۰/۲۹

کارگر ریسنده

۱- **تخصص مورد نیاز:** ریسند گی

۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: دارا باشد
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- اخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۲۹

کارگر ساده

۱- تخصص مورد نیاز: کارگر ساده ساختمان
۲- تعداد: ۱۵ نفر
۳- جنسیت : مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: مطرح نیست
٦- تحصیلات: با سواد
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- اخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۲۸

مرکز کاریابی شماره
این عده را به همکاری
دعوت می‌کند.

رنگ کاری

۱- تخصص مورد نیاز: رنگ‌کاری
۲- تعداد: ۳نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر۳۵سال
٥- تجربه: داراباشد
٦- تحصیلات: سوم متوسطه
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۳۰

نگهبان

۱- تخصص مورد نیاز: نگهبانی
۲- تعداد: ۲- نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۰سال
٥- تجربه: ٦ماه
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۳۰

چاپچی

۱- تخصص موردنیاز: چاپچی چاپخانه
۲- تعداد: ۳نفر

۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: ۳سال
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- اخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۲۸

آرماتوربند

۱- تخصص مورد نیاز: آرماتوربندی
۲- تعداد: ۲۵نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: دیپلمه کامل
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- اخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۳۰

مرکز کاریابی شماره ٥
این عده رابه همکاری
دعوت می‌کنند.

سرایدار

۱- تخصص مورد نیاز: سرایداری
۲- تعداد: ۳ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤-سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: مطرح نیست
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۲۷

شیشه‌بر

۱- تخصص مورد نیاز: شیشه‌بری کارخانه
۲- تعداد: ٥نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: یکسال
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۱۰/۲۹

بازار کار در شهرستانها

همدان

۱- کارگر ساده ٥۰ نفر
۲- آشپز ۱۰ نفر
۳- مستخدم و نامهرسان ۳ نفر
٤- نگهبان ٥ نفر
٥- حسابدار دیپلمه ۳ نفر
٦- لوله کش آب ۱۰ نفر
۷- انباردار ۱۰ نفر
۸- لوله کش برق ۳ نفر
۹- کارگر فنی ٥ نفر

بندر لنگه

۱- لوله کش ۱۰ نفر
۲- رادیاتور ٤نفر
۳- نقاش ٥نفر
٤- کارگر ساده ۳نفر
٥- آشپز هتل ۱۰نفر
٦- مونتاژ کار ٥نفر
۷- دیپلمه ٥نفر
۸- خدمتگزار ۱٤نفر

اصفهان

۱- لوله کش ۱۰ نفر
۲- رادیاتور ٤ نفر
۳- نقاش ٥ نفر
٤- کارگر ساده ۳ نفر
٥- آشپز هتل ۱۰ نفر
٦- مونتاژکار ٥ نفر
۷- دیپلمه ٥نفر
۸- خدمتگزار ۱٤ نفر

رفسنجان

۱- کارگر ساده ٤ نفر
۲- حلبی ساز ٥نفر
۳- برقکار ٤نفر
٤- لوله‌کش ٥نفر
٥- ابزارکار دقیق ٥نفر
٦- مکانیك درجه یك ۳نفر
۷- پرسکار ۱٤نفر
۸- نقاش ۱٥نفر
۹- خیاط ۳نفر
۱۰- فروشنده ٤نفر

بوشهر

۱- راننده ٤نفر
۲- کارمند ٥نفر
۳- ماشین نویس ۲نفر
٤- حسابدار ۲نفر
٥- انباردار ٤نفر
٦- انباردار فنی ۱٤نفر

خرمشهر

۱ کارگر فنی ٥۸ نفر
۲ ... ۱٥نفر
۳ لوله کش ۱٥نفر

کرمان

۱- کارگر ساده ۳٥نفر
۲- مونتاژ کار ۱۰نفر
۳- جوشکار ۱۰نفر
٤- راننده پایه یك ۳۰نفر
٥- کارگر برق‌کار ۱٥نفر

قزوین

۱- دیپلمه برق ۳نفر
۲- تکنیسین راه وساختمان ٥نفر
۳- مونتاژ کار ۱۰نفر
٤- جوشکار درجه‌یك ٥نفر
٥- بهیار ۲۰نفر
٦- مکانیك ۲۰نفر
۷- آرماتوربند ٥نفر
۸- راننده جرثقیل ٥نفر
۹- نجار کار ۱۰نفر
۱۰- نقاش ۱٥نفر

بندرعباس

۱- نجارکار درجه یك ۱۰نفر
۲- کارمند دیپلمه ۱۰نفر
۳- مونتاژ کار درجه یك ٥نفر
٤- ماشین‌نویس فارسی ٥نفر
٥- ماشین‌نویس لاتین ۱٥نفر
٦- راننده پایه یك ۱۰نفر

... کار و کارفرمایان

از کلیه جویندگان کار و کارفرمایان تهران و شهرستانها دعوت می‌شود برای راهنمائی شغلی و تامین نیازهای انسانی خود، به مراکز کاریابی و اشتغال زیر،

مرکز کاریابی واشتغال شماره ۱ خیابان امیرآباد جنوبی ـ خیابان رهنما پلاک ۲۳
مرکز کاریابی واشتغال شماره ۲ میدان شهناز ـ خیابان مهران پلاک ۱۸۶
مرکز کاریابی واشتغال شماره ۳ خیابان شوش غربی ـ پاساژ کوهی پلاک ۴۱۹
مرکز کاریابی واشتغال شماره ٤ خیابان سیمتری بانشاه پلاک ٥٩۰
مرکز کاریابی واشتغال شماره ٥ چهارراه امیراکرم ـ ساختمان تخت وزیری

و در شهرستانها بمراکز کاریابی یا ادارات نیروی انسانی مراجعه کنند

حمزه دلا

نوشته عباس پزشکی

در یکی از شبهای بهار سال ۱۹۲ هجری قمری، آوای خوش موسیقی، و بانك طرب و نشاط، رساتر از هرشب دیگر، از شبستان بزرگ قصر خلیفه بگوش میرسید. دهها رامشگر و رقاصه زیبا، به نوازندگی و پای کوبی و دست افشانی مشغول بودند. ساقیان خوش اندام در حالیکه عاشقانه در چشمان خلیفه می‌نگریستند و سعی داشتند لرزش هوس آفرین اندامشان از چشمان هوس جوی وی مخفی نماند، جامهای شراب به خلیفه می‌نوشاندند و با دستهای لطیف و نوازشگر خود، دستها و پاهای او را مالش میداند.

ولی دل در سینه هارون‌الرشید قرار و آرام اشت. خنده‌هایش تصنعی و سرورش ظاهری ود. نگاه‌های عشق‌آمیز و هوس جویش که گاه متوجه کنیزان زیبارو میشد، دیری نمی‌پائید. حس میکرد که حتی زنان زیبا هم که عمری مایه کامجوئی و لذت او بوده‌اند، دیگر در نظرش ارزشی ندارند. دیگر از دیدن چشمان سیاه آنها که در ژرفای ان دنیائی آرزو و تمنا و هوس موج می‌زد، دل در برش نمی‌تپد. دیگر لرزش اندام هوس‌جوی زنان هیجانی در او برنمی‌انگیزد. دیگر نغمه‌های خوش موسیقی، و آوای رویائی زیبارویان، که روزگاری چون آوای بال پرندگان و زمزمه جویبار، برایش خیال آفرین بود، مایه رؤیاپروری نیست. حس میکرد همه چیز و همه کس مایه عذاب او شده‌اند و او محکوم است در میان این همه انگیزه‌های ملال‌آور و رنج آفرین، باقی ایام عمر را در منتهای تشویش و نگرانی سپری سازد. هارون‌الرشید همچنان که به مخده تکیه داده بود، با خود گفت:

-«همه شادی و راحتی من از وجود جعفر بود. با مرگ او، شادمانی‌های من هم مانند رؤیائی شبانه از میان رفت و از آنهمه شادمانیها و خوش‌کامیها و لذتها، جز خاطراتی که در دریای دریغ و افسوس وجودم سرگردان مانده است، چیزی برجای نماند.»

در دنباله این خیال اشك در چشمان هارون جمع شد و دلش را اندوهی بی‌پایان فرا گرفت جام شرابی را که در دست داشت به لب برد، ولی قبل از انکه بنوشد، چشمش به سیمای کریه و بدمنظر «زبیربن ارقم رئیس خواجگان حرمسرا افتاد. از دیدن چهره بدمنظر او لرزید. دانست که واقعه شومی اتفاق افتاده است. فریاد برآورد:

-«پیش بیا ای بوزینه مشئوم!.... باز حامل چه پیام شومی هستی؟»

با شنیدن فریاد خشم‌آلود هارون، به ناگهان همه ساکت شدند و در همین موقع نیز دری که در پشت سر هارون قرار داشت، گشوده شد و هیکل غول‌آسای «مسرور» جلاد مخصوص و خادم وفادار هارون، با آن سیمای شیطانی و چشمان سرخ که بی‌رحمی و شقاوت از آن می‌بارید، در میان دو لنگه در نمایان گردید. از مشاهده مسرور لرزه براندامها افتاد و همه کسانی که آتشب در مجلس بزم خلیفه حضور داشتند، به ناگهان بوی خون را در فضای شبستان استشمام کردند.

«زبیربن ارقم» بدون بیم و هراس چند قدمی به جلو برداشت، مقابل خلیفه ایستاد.

-«امیرالمؤمنین بسلامت باشد، پیکی هم‌اکنون از سوی علی بن عیسی بن‌ماهان حاکم خراسان رسیده و مدعی حامل عریضه مهمی است و باید هرچه زودتر عریضه را شخصاً به حضرت خلیفه تقدیم دارد.»

با شنیدن نام حاکم خراسان، هارون‌الرشید براشفت و با لحنی خشمگین و نفرت‌بار گفت:

-« عریضه‌ای از علی بن عیسی بن‌ماهان حاکم خراسان؟!..... نخوانده میدانیم چه نوشته است! حتماً بازهم از شکست خود و پیروزی «حمزه، این یاغی جسور سیستانی و این پسرك آتش‌پرست، خبر داده است. بگوئید این پیك بیاید که بخداوند سوگند اگر حامل پیامی از این قبیل باشد، زنده از این شبستان بیرون نخواهد رفت!»

این کلام هارون بمنزله صدور دستور قتل پیك نگون بخت بود. مسرور جلاد، پس از سالها خدمت به مولای خود، بهتر از هرکس، مفهوم چنین فرمانهائی را درك میکرد.

سکوتی مرگبار فضای شبستان را فراگرفته بود. چند لحظه بعد، پیك حکمران خراسان در حالیکه هنوز سررویش از غبار راه پوشیده بود، بهمراه «زبیربن ارقم» وارد شد. زمین ادب بوسید و نامه علی‌بن عیسی را تسلیم خلیفه کرد. هارون مهر از سرنامه برگرفت و باشتاب شروع بخواندن کرد. باخواندن هرکلمه نگران‌تر و ناراحت‌تر میشد و هر سطر از نامه را که از نظر میگذرانید، برشدت خشمش افزوده میشد. و بعد از آنکه نامه را تا پایان مرور کرد، دستها را گره ساخت و در حالیکه از خشم می‌لرزید فریاد کشید:

- «مگر این حمزة بن آذرك کیست؟ دلم میخواست علی‌بن موسی بن‌ماهان، این بوزینه بی‌عرضه و بی‌همت که در دستگیری و نابود کردن یك مجوس‌زاده، ناتوان مانده است، اینجا حضور داشت تا با دستهای خود جانش را می‌ستاندم... بعد از آنهمه قدرت که به او ارزانی داشته‌ایم و باوجود آن سپاه گرانی که در اختیارش نهاده‌ایم برایمان می‌نویسد: «حمزة بن‌آذرك باردیگر به سیستان و کرمان و خراسان تاخته و همه عمال این سر ناحیت را بکشته، باج و خراج ایالت باز ستانده چنانکه دیگر یکدرم و یك حبه از خراسان و سیستان و کرمان بدست نمی‌آید!» ..... کجا هستی مسرور..... بیاء بیا سراز گردن این پیك بدخبر و شوم طالع جدا کن...»

هنوز کلام هارون‌الرشید در شبستان طنین داشت که مسرور، سر بریده پیك نگون بخت را پیش پای او نهاد. هارون لگدی به سر بریده زد، آنرا به گوشه‌ای پرتاب کرد و چنانکه گوئی باخود حرف می‌زند، زیرلب چند بار تکرار کرد:

- «آری، مگر این حمزة بن‌آذرك کیست؟»

وبعد خطاب به «فضل بن‌ربیع» وزیر خود که آتشب افتخار حضور در بزم خلیفه را یافته بود، کرد و گفت:

- «ما اراده کرده‌ایم برای گوشمالی حمزة بن‌آذرك و تنبیه علی‌بن عیسی بن‌ماهان، این حکمران نالایق، شخصاً در راس سپاهی گران، عازم خراسان شویم. چنان ترتیب کار را بده که تا دو هفته دیگر و قبل از پایان بهار، ما از دروازه‌های بغداد خارج شده باشیم.»

و در دنباله این دستور فریاد برآورد:

- «حالا همه‌تان بیرون، گم شوید... تنها و راحتم گذارید .»

■ ■ ■

دریك چشم بهم زدن، همه حتی مسرور که تازه از حمل جسد پیك‌نگون بخت و شستن خونهای کف شبستان فارغ شده بود، محلس بزم خلیفه را ترك کردند و او را اشفته و پریشان تنها گذاردند. ولی تا سپیده صبح فریاد خلیفه را از شبستان می‌شنیدند که دائم تکرار میکرد:

- «مگر این حمزةبن آذرك کیست؟.. کیست؟، کیست؟...»

■ ■ ■

اگر درآن شب وحشت‌انگیز کسی نبود پاسخگوی سئوال هارون‌الرشید باشد و سیمای «حمزةبن آذرك» این دلاور شجاع سیستانی را که بعدها به افسانه‌ها پیوست و شرح دلاوریهای او منشاء داستانهای امیر حمزه، حمزه صاحبقران و رموز حمزه شد، به خلیفه مقتدر عباسی باز شناساند، ولی ما با وجود گذشت ۱۲۰۰ سال، قادریم تاحدودی سیمای این دلاور میهن‌پرست را از ورای قرون و اعصار بنگریم و وی را به خوانندگان وفادار خود معرفی کنیم:

حمزةبن آذرك، معروف به حمزه بن‌عبداله خارجی در سال ۱٤۰ هجری قمری در یکی از روستاهای کوچك شهر «زرنك» دیده به جهان گشود. پدر وی «آذرك شاری» منسوب به یك خانواده کهن ایرانی و بنابه نوشته تاریخ سیستان، از نسب «زوبن طهماسب» بود. (خلاف وی تا قبل از سقوط دولت ساسانیان، پسر بعد از پدر، حکمران و اسپهبد قسمتی ار سیستان و کرمان بودند و بعدار استیلای اعراب بر ایران، گرچه این خاندان حکومت را از دست دادند، ولی مردم همانند گذشته با دیده احترام در آنان می‌نگریستند، گره مشکلات خود را به تدبیر رئیس و بزرگ این خاندان می‌گشودند و در اختلافهای خود، داوری انان را حجت میداستند. آذرك با وجود سختگیری‌هائی که عمال خلیفه به زرتشتیان میکردند، به کیش باستانی خود وفادار مانده بود و مانند پدران خود، آداب و رسوم مذهب باستانی را بدون بیم و هراس برگزار میکرد. از این روخانه او محفل و پناهگاه ایرانیان وفادار به کیش باستان بود. روزی هم که «حمزه» چشم بجهان گشود، یکی از بزرگان زرتشتی از اهالی هرات که در علم نجوم دست داشت درخانه او مهمان بود.

آذرك بنابه اعتقاد دیرین ایرانیان، از او خواهش کرد که طالع پسر نورسیده را به بیند.

اختر شناس زرتشتی، بعداز اندکی مطالعه و ترسیم صورفلکی و محاسبه اعداد و ارقامی، با مسرت آذرك را بشارت داد که فرزند تازه تولد یافته، بختی بلند و اقبالی میمون دارد و نام او با افتخار ابدی توام خواهد شد. زیرا به کوشش و همت بلند او، سرزمین باستانی‌ما، از اسارت بیگانه رهائی یابد و از برکت خورشید وجود او، آفتاب پرشکوه ازادی و افتخار، باردیگر میهن مارا روشن میسازد و به مردم ایران زمین، گرمی و حرارت زندگی می‌بخشد.

آذرك که به دانش اختر شناس زرتشتی مؤمن بود، پیش گوئی اورا باور داشت و برای آنکه فرزند را برای انجام رسالت بزرگی که تقدیر بر عهده‌اش نهاده بود آماده سازد، در تربیت وی سعی و کوشش و افریکار برد، چنانکه حمزه در نوجوانی، همه دانش‌های زمان خود را فرا گرفت و در سواری و شمشیر زنی و تیراندازی، سرآمد همه دلاوران شد. درباره آغاز کار حمزه مطلب

سرداران استقلال ایران

ور سیستان

روشنی در تاریخ به ثبت نرسیده است و بدرستی نمی‌توان روشن کرد که قیام دلاور سیستان از چه تاریخی آغاز شد و اصولا چه عاملی موجب گردید که وی علیه دستگاه خلافت عباسیان، طغیان کند

ولی آنچه مسلم است دوری سیستان از مرکز خلافت، بقای آئین و مراکز زرتشتی درمیان بسیاری از اهل این ولایت، قیامهای ابومسلم، ابن‌مقنع، سنباد، ونداد هرز علیه اعراب و عمال خلفا، وجود داستانهای پهلوانی مربوط به خاندان گرشاسب، قیامهای خوارج دراین سرزمین، و بسیاری عوامل ملی و میهنی دیگر، مردم سیستان و از جمله حمزه‌بن آذرك را طبعاً میهن پرست و متوجه ملیت وعادات وعقائد ورسوم ملی و مدعی استقلال میهن و بی‌عقیده نسبت به دستگاه خلافت عباسی ببار آورد.

صاحب کتاب تاریخ سیستان درباره انگیزه حمزه می‌نویسد. «یکی از عمال خلیفه در سیستان بی‌ادبی‌ها کرد.حمزه عالم بود و بر او امر به معروف کرد، آن عامل خواست که او را تباه کند، آخر عامل کشته شد.»

باری، حمزهٔ بهرانگیزه، دلاورانه و افتخارآمیر علیه حکومت عباسیان، در سیستان آغاز نمود و شهرهای کوچك وبزرگ این ایالت را دراندك زمانی فتح کرد و چنانکه درتاریخ بیهق امده است «مردمان سواد سیستان را همه بخواند و به‌گفت یك درم خراج ومال، بیش به سلطان مدهید، چون شمارا نگاه نتوان داشت و من از شما هیچ نخواهم و نستانم که من بر یکجای نخواهم نشست.» و افزود: بامن همداستان شوید و «مگذارید که این ظالمان بر ضعفا جور کنند»

عامل خلیفه در سیستان، که یارای مقاومت در برابر او را نداشت به حکمران کرمان پناه برد. ولی حاکم کرمان نه تنها نتوانست او را یاری دهد، بلکه خود هم گرفتار حملات پی‌گیر و سرسختانه حمزه گردید و از آن پس بارها در این دو ایالت بین عمال خلیفه و حمزه جنگ درگرفت و بسیاری از شهرها دست به دست گشت. در جریان این مبارزات خونین چنانکه نوشته‌اند: «هر دو طرف خشونت و قساوت بسیار نشان میدادند. خوارج در شهرها و روستاها بر هیچکس ابقا نمی‌کردند و حتی کودکان دبستان را نیز از دم تیغ می‌گذراندند و در مقابل اعراب هم از آنها انتقام سخت می‌کشیدند و گاه کودکان را با معلم در مسجدها محصور می‌کردند و مسجد بر سر ایشان فرو می‌آوردند. در بعضی جاها نیز خانه‌ها را آتش می‌زدند و مردمان را بر دو درخت که بهم می‌آوردند و می‌بستند و سپس آن دو درخت را می‌گشودند، تا پاره‌ای از آن بر هر درختی بماند.»

حمزه بعد از آنکه خیالش از جانب کرمان و سیستان راحت شد، به خراسان حمله برد. مردم این ایالت نیز که از ظلم و جور علی‌بن‌عیسی‌بن ماهان فرمانروای خراسان به تنگ آمده بودند و می‌دانستند که خلیفه عباسی آنان را به حکمران جبار خراسان و کارگزاران طماع و ستمگر او به ثمن بخس فروخته است با شور و علاقه به او پیوستند و او را یاری کردند تا در جنگ‌های بسیار، بر سپاه علی‌بن‌عیسی‌بن‌ماهان پیروز شود. این پیکارها چند سالی طول کشید و عاقبت علی بن عیسی که وضع خود را متزلزل می‌دید، سپاه عظیمی به فرماندهی پسر خود تدارك دید و به مقابله حمزه که تا نزدیك شهر نیشابور پیش آمده بود فرستاد. سپاه دیگری هم بفرماندهی عبداله بن عباس سپهسالار خراسان به سیستان گسیل داشت تا به خیال خود ضربه‌نهائی را هم به حمزه وارد کرده باشد. ولی حمزه با شجاعتی شگفت‌انگیز بر سپاه اول پیروز گردید و گروه کثیری را از پای درآورد و با غنائمی بسیار عازم سیستان شد تا کار عبدالهبن عباس را که موفق شده بود سیستان را زیر سلطه خود درآورد و بسیاری از پیروان حمزه را در شهر کرکویه از دم تیغ بگذرانده، یکسره کند. حمزه در این جنگ نیز پیروز شد و باقی مانده سپاه علی‌بن‌عیسی‌بن‌ماهان را از میان برداشت. علی بن‌عیسی‌بن‌ماهان با این شکست همه چیز، حتی حکومت خود را از دست رفته دید و تنها راه نجات را این دانست که بار دیگر از هارون‌الرشید کمك بخواهد و لذا نامه‌ای برای خلیفه عباسی نوشت و ضمن تشریح وقایع از او برای دفع حمزه تقاضای کمك کرد و چنانکه دیدیم هارون‌الرشید مصلحت دانست برای مقابله با حمزه، دلاور سیستانی، شخصاً به خراسان عزیمت کند.

* * *

هارون الرشید در آغاز تابستان سال ۱۹۲ هجری قمری در راس سپاهی عظیم عازم خراسان شد. روز دوم حرکت، خلیفه احساس ضعف و کم‌کم تب بر او عارض گردید و سپاه ناچار حرکت خود را کند کرد. خلیفه عباسی اواخر تابستان به گرگان رسید. در این شهر به او خبر داد که حمزه بار دیگر به خراسان حمله برده و تا سبزوار و نیشابور پیش آمده است.

هارون الرشید با اشاره فضل به بهانه اتمام حجت و در واقع بخاطر آنکه سپاه خود را در آن شرائط آماده مقابله با حمزه نمی‌دانست، نامه‌ای به وی نوشت و در آن متذکر شد که اگر تسلیم شود، از گناهانش درخواهد گذشت و او را با اعزاز و اکرام به حکومت نواحی سیستان خواهد گمارد. حمزه در پاسخ به هارون تاکید کرد که قصد وی از سالها جنگ و ستیز بدست آوردن حکومت نبوده و نخواهد بود، بلکه مراد او تامین آزادی ایران و کوتاه کردن دست ظلم و جور و ستم وی و عمال او از جان و مال و ناموس مردم بیگناه است و افزود: «چگونه حمزه می‌تواند بعد از سالها جانفشانی و زندگی توام با افتخار، چنین ننگی را بر خود هموار کند و شرف و آبروی خود را در این معامله ننگین، با حکومت سیستان سودا نماید؟

نه! نه ای هارون! حمزه کسی نیست که فریب جاه و مقام را بخورد، پسر آذرك کسی نیست قادر باشد چنین رسوائی و ننگی را تحمل

تو ای خلیفه، چه ساده و بی‌مقدار هستی که حتی کارگزاران و عمال خودت هم فریبت میدهند و واقعیتها را آنطور که هست بعرض تو نمی‌رسانند. اگر جز این بود میدانستی پیشنهاد حکومت سیستان به من تا چه حد ابلهانه است! من اکنون هم بدون آنکه از لطف و بخشش تو برخوردار باشم، حکمران و فرمانروای سیستان و کرمان هستم، حتی در خراسان هم که دژخیمی چون علی‌بن‌عیسی‌بن‌ماهان را به استثمار مردم گمارده‌ای، فرمان من بیش از امر تو و دستور عاملت خریدار دارد.»

حمزه نامه خود را چنین پایان داده بود:

«و بدان در روزی که چندان دور نیست، مرا در خراسان و آنگاه در سراسر ایران و سپس پشت دروازه‌های بغداد خواهی یافت، و من همه جا، تو و عمال تو را دنبال خواهم کرد و تا جان تو و مزدوران بی‌رحم و شقی تو را بازنستانم، از پای نخواهم نشست.»

هارون الرشید از پاسخ جسورانه حمزه چنان خشمگین شد که ساعتها از عتاب آن می‌لرزید و همین خشم که دامنه آن هر لحظه شدت می‌یافت، حال او را خطرناك‌تر و وی را به مرگ نزدیك‌تر میساخت. چنانکه عاقبت در نزدیکی شهر توس و در روستای سناباد که امروز از برکت وجود امام همام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام با نام مشهد به شهر بزرگی تبدیل شده است، قدرت حرکت را از دست داد و به بستر بیماری افتاد و پس از دو روز هذیان‌گوئی، چشم از جهان فروبست.

* * *

با مرگ هارون الرشید مبارزه‌ای سهمگین بین پسران او «امین» و «مامون» بر سر خلافت درگرفت. سپاهی که برای سرکوبی حمزه در رکاب خلیفه متوفی به خراسان رفته بود، چند روز بعد به دستور امین و بدون آنکه با دلاور سیستان روبرو شود، با سرعت روانه بغداد شد. بازگشت سپاه عباسیان، برای حمزه پیروزی بزرگی شمرده شد و او تا سال ۲۰۰ هجری قمری، بدون آنکه از جانب اعراب تهدید شود، قسمتهای شرقی ایران تا پشت دروازه‌های توس را در اداره خویش داشت. حمزه در این سالها به اصلاح امور پرداخت. عدالت و آزادی را بمردم بازگرداند و در عمران و آبادانی مناطق تحت نفوذ خود کوشش بسیار کرد. ولی در سال ۲۰۰ هجری قمری، باردیگر رو در روی اعراب ایستاد و این هنگامی بود که «مامون» برادر خود «امین» را از سر راه برداشته و بر مسند خلافت تکیه داده بود. حمزه در این جنگ هم سپاه عباسیان را شکست داد و آنها را تا پشت دروازه‌های توس تعقیب کرد، ولی به احترام طاهرذوالیمینین، فرمانروای تازه خراسان و بسبب آنکه از روی شواهد دریافته بود که این سردار بزرگ ایرانی، انقلابی بزرگ را علیه اعراب تدارك می‌بیند، بسوی کرمان و سیستان باز گشت.

حمزه بن آذرك تا سال ۲۱۳ بارها و بارها باعمال خلیفه درگیر شد و هر بار با جانفشانی و ابراز رشادتهای حیرت‌انگیز شاهد پیروزی را در آغوش کشید و عاقبت در روز جمعه دوازدهم جمادی‌الاول سال ۲۱۳ هجری قمری، در منطقه‌ای موسوم به بهیش، در میدان جنگ، بضرب نیزه‌ای که از پشت بسوی او پرتاب گردید، ناجوانمردانه شهید شد.

پایان

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی، ریاست کمیته ملی المپیك و رئیس شورایعالی ورزش کارگران

نیازهای ورزشی کارگران باید از هر جهت تأمین و تکمیل شود

پیش از ظهر روز شنبه بیستم آذرماه گذشته با حضور والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست کمیته ملی المپیك ایران، شورای عالی ورزش کارگران طی مراسم ویژه‌ایکه در کاخ شهری والاحضرت برگزار گردید خادمین ورزش و نمایندگان تیمهای اول ششمین دوره مسابقات قهرمانی کارگران ایران جوایز خودرا از والاحضرت دریافت کردند. دراین مراسم که فریدون مهدوی وزیر مشاور و چند تن از معاونان و مدیران کل وزارت کار و امور اجتماعی شرکت داشتند، ابتدا دکتر منوچهر ازمون وزیر کار و امور اجتماعی طی گزارشی اظهار داشت خوشبختانه مراسم امروز مقارن با روز تاریخی ۲۱ آذر و نیز زادروز فرخنده آن والاحضرت گرامی در ماه آذر است که باین مناسبت فرخنده اجازه می‌خواهد مراتب تبریك و تهنیت کارگران ایران را بحضور آن والاحضرت تقدیم دارد.

وزیر کار و امور اجتماعی افزود به پیروی از منویات عالیه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و ارشاد و راهنمائی‌های گرانبهای آن والاحضرت در زمینه پرکردن اوقات فراغت کارگران وزارت کار و امور اجتماعی علاوه بر ایجاد استراحتگاه‌ها و باشگاههای ورزشی، کوشش دارد تا سایر برنامه‌های مربوط باوقات فراغت کارگران از جمله مسابقه‌های متعدد ورزشی را در سطحی گسترده‌تر و کیفیتی مطلوبتر برگزار نماید.

ششمین دوره مسابقه‌های قهرمانی کارگران ایران نیز در سال گذشته بهمین ترتیب انجام شد. این مسابقه‌ها که با تشریف‌فرمائی والاحضرت باستادیوم ورزشی کارگران تهران گشایش یافت، در ۱۳ رشته برای مردان و ۷ رشته برای زنان طبق تقویم ورزشی بمرحله اجرا در آمد که امروز نمایندگان تیمهای اول آن افتخار حضور دارند.

وزیر کار و امور اجتماعی در پایان سخنان خود گفت ورزشکاران کارگر که سربازان راستین انقلاب شاه و ملتند همواره دوش‌بدوش سایر ورزشکاران در کلیه جشنهای ملی و میهنی شرکت جسته و در جشن فرخنده میلاد اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در سال جاری نیز علاوه بر مشارکت در سایر برنامه‌ها، افتخار یافتند تا برای اولین بار حرکات جمعی اجراء کنند. در این برنامه که با همکاری کارخانه ایران‌ناسیونال انجام شد ۱۰۰۰ نفر از ورزشکاران این کارخانه بیش‌ازیك ماه تحت تعلیمات خاص قرار گرفتند و خوشبختانه عملیات ورزشی و نمایشی آنان در شمار بهترین برنامه‌های جشن مورد توجه و داوری قرار گرفت.

سپس کارگران قهرمان و خادمین ورزش جوایز خود را از والاحضرت دریافت داشتند.

در پایان این مراسم نماینده کارگران ورزشکار طی سخنانی اظهار داشت ما کارگران که بنمایندگی از طرف شورای کارگران سراسر کشور امروز افتخار شرفیابی بحضور والاحضرت ارجمند را داریم سپاس بیکران خود را به حضور رهبر عالی قدر ملت ایران تقدیم داشته بپاس توجهات و عنایاتی‌که همواره نسبت به کارگران ورزشکار مبذول داشته‌اید، هدیه ناقابلی تهیه کرده‌ایم که امیدواریم با قبول آن ما را مفتخر فرمائید.

در پاسخ بیانات نماینده کارگران ورزشکار والاحضرت اظهار داشتند: انتظار من این است که به موازات توسعه و پیشرفت کارخانه ها کار ورزش کارگران نیز که گردانندە چرخهای صنعتی کشور هستند گسترش و توسعه پیدا کند. بدیهی است که کارگران پس از هشت ساعت کار در ساعات فراغت و آسایش نیاز به تفریح و ورزش دارند، و این تفریحات سبب می‌شود که هم از لحاظ روحی و هم از نظر جسمی تقویت شوند و آمادگی بهتری برای کار بدست آورند.

والاحضرت اضافه کردند تاکید من بر این امر است که باشگاههای کارخانه‌ها اعم از خصوصی و دولتی وسائل و نیازهای ورزشی کارگران خود را از هر جهت فراهم و تکمیل کنند تا مورد استفاده کارگران قرار گیرد زیرا علاقمند کردن کارگران بورزش هم از نظر افزایش محصول کارخانه و هم بلحاظ سلامت و تندرستی کارگران مورد توجه و اهمیت قرار دارد.

این جلسه ساعت ده و پانزده دقیقه پایان یافت.

جلسه شورایعالی ورزش کارگران

......سپس ششمین جلسه شورایعالی ورزش و تفریحات سالم کارگران به ریاست والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی، ریاست کمیته ملی المپیك ایران تشکیل شد. درآغاز این جلسه که آقایان دکتر منوچهر ازمون وزیر کار و اموراجتماعی - فریدون مهدوی وزیر مشاور مهندس دیلمقانی رئیس شرکت دخانیات - مسعود برومند رئیس فدراسیون وزنه‌برداری کشور سرهنگ محمود بیاتی مدیرکل تربیت بدنی و تفریحات سالم وزارت کار و مجتبی رشیدی نماینده ورزش کارگران شرکت داشتند، پس از قرائت صورتجلسه قبل (پنجمین جلسه شورایعالی ورزش کارگران) وسیله آقای علی ایزدپناه، خانم مهرانگیز حجازی، معاون اجتماعی وزارت کار گزارش فعالیتهای ورزشی را باین شرح قرائت کرد

والاحضرتا

با کسب اجازه گزارش اجمالی اقداماتی که برطبق دستورات و راهنمائیهای آن والاحضرت گرامی انجام گردیده باستحضار میرسد.

الف- باشگاهها

۱- در پنجمین جلسه شورایعالی باستحضار رسید که کارهای مقدماتی ساختمان باشگاههای شیراز و اهواز انجام گردیده و ساختمان آن بزودی آغاز خواهد شد. لازم میداند باستحضار برساند که ساختمان باشگاههای مذکور نزدیك به پایان و قریباً افتتاح خواهند شد.

۲- در باشگاه کارگران اصفهان سالن سرپوشیده و سالن ورزش باستانی احداث گردیده که ساختمان سالن باستانی پایان یافته و عملیات ساختمانی سالن سرپوشیده نیز در سال جاری پایان و آماده بهره‌برداری خواهد شد. ضمناً زمین فوتبال باشگاه کارگران اصفهان نیز چمنکاری و مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- بمنظور انجام تعمیرات اساسی در باشگاه کارگران شاهی که مدتها است مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، اعتبار لازم تامین و حواله گردیده و برای سال آینده آماده بهره‌برداری خواهد شد.

٤- زمین تمرینی فوتبال باشگاه کارگران تبریز با جایگاه تماشاچی دردست ساختمان است و همچنین مقدمات ایجاد سالن ورزشی در باشگاه مزبور فراهم گردیده است.

٥- در باشگاه کارگران یزد سالن سرپوشیده و سالن ورزش باستانی احداث خواهد شد.

٦- زمین مورد نیاز برای فوتبال درجنب باشگاه کرمان خریداری که هم‌اکنون عملیات ساختمانی آن همراه با جایگاه تماشاچی بظرفیت پنجهزار نفر دردست اقدام میباشد. ضمناً عملیات ساختمانی سالن ورزش باستانی نیز نزدیك باتمام است که در روز سوم اسفند ماه سال جاری آماده بهره‌برداری میباشد. از حضور والاحضرت گرامی استدعا میشود درصورت موافقت تاسیسات مزبور را در سوم اسفندماه، روز رضاشاه کبیر افتتاح فرمایند.

۷- اعتبار برای دیوارکشی زمین باشگاههای زاهدان و خرمشهر تامین و حواله گردیده تا نسبت بمحصورنمودن آن اقدام گردد و عملیات ساختمانی باشگاههای مزبور در برنامه عمرانی ششم منظور خواهد شد.

باشگاههای موجود که از نظر مربی و وسائل تجهیز گردیده‌اند فعالانه در مسابقات باشگاهی شرکت مینمایند و با اینکه مدت زیادی از آغاز کار آنان نمی‌گذرد فعالیت آنها رضایتبخش بوده که نتایج حاصله باختصار جهت استحضار بعرض میرسد.

۱- شرکت تیم کشتی نوجوانان باشگاه کارگران تهران در مسابقات باشگاهی تهران که با شرکت ۲۲باشگاه برگزار گردید و مقام اول را کسب نموده‌اند.

۲- شرکت تیم جودوی باشگاه کارگران تهران در مسابقات جام پهلوی که دربین باشگاههای شرکت‌کننده مقام اول را احراز نموده است.

۳- شرکت تیم ژیمناستیك جوانان باشگاه کارگران تهران در مسابقات جام پهلوی و احراز مقام اول.

٤- شرکت تیم بوکس باشگاه کارگران تهران در مسابقات بوکس جام سپهان و احراز مقام اول.

آنها که برای خدمت به ورزش کارگران «شیلد» دریافت کردند

۱- آقای محمود خیامی	مدیر عامل کارخانجات ایران ناسیونال	درجه یك
۲- « مصطفی سلطانی	« « شرکت واحد	درجه دو
۳- « عبدالحسین دیلمقانی	« « شرکت دخانیات	درجه دو
٤- « محمدتقی برخوردار	« « کارخانجات پارس الکتریك	درجه دو
٥- « محسن آزمایش	« « کارخانجات آزمایش	درجه دو
٦- « حسینعلی سوداور	« « گروه صنعتی خاور	درجه دو
۷- « ناصر صرافزاده	« « کارخانه چینی ایران «ایرانا»	درجه دو
۸- « بهمن عارفی	مدیر امور اداری کارخانجات صنعتی مینو	درجه دو
۹- « جمال قائم‌مقامی	مدیراموراداری کارخانجات ایران‌ناسیونال	درجه دو
۱۰- سرکارسرهنگ بهروزسرشار	رئیس فدراسیون جودو ایران	درجه دو
۱۱- آقای علی‌اصغر- رجبی‌فیروزآبادی	معاون اداره کل تربیت بدنی و تفریحات سالم	درجه دو
۱۲- « امیر فرهنگ‌منوچهری	سرپرست اداره هماهنگی و تنظیم برنامه‌های ورزش	درجه دو
۱۳- « محمدعلی ایزدپناه	رئیس اداره امورورزشی	درجه دو
۱٤- « محمود نامجو	رئیس باشگاه آتش‌نشانی	درجه سه
۱٥- « محمود نبی‌زاده	« « دخانیات	درجه سه
۱٦- « ناصر سلطانی	« « آزمایش	درجه سه
۱۷- « شیاوش پسیخانی	« « پارس الکتریك	درجه سه
۱۸- « اصغر یگانه	« « ارج	درجه سه
۱۹- « محمد علی‌وزیری	« « شیر پاستوریزه	درجه سه
۲۰- « عباس جلایر	کارشناس اداره کل تربیت بدنی و تفریحات سالم	درجه سه

کارگر بعداز ۸ساعت کار منظم، احتیاج به استراحت و تفریح و تجدید قوا دارد

در ورزش کارگران بمرحله اجـرا درآمد و تیم اعزامی علاوه بر اینکـه در زمینه ورزش پیروز به میهـن عزیز مراجعت نمود از نظر اخـلاق و انضـباط نیز جلب توجـه مقامات ورزشی کشور میزبان را نمود و امیداست اینگونه تماسها در سـایر رشتهها نیز بعمل آید ضـمناً بعـرض میرسـاند تیم کشـتی عراق برای انجـام چند مسـابقه با تیمهای کشتی کارگران در تهران- اصفهان و مشهد از طـریق فـدراسیون کشـتی دعوت بعمل آمده که پس از وصول جواب اقدامات مقتضی بعمل خواهد امد.

ب- استراحتگاهها

۱- ساختمان رستوران بزرگ و مجهز استراحتگاد محمودآباد در سـال گذشـته آماده و مورد اسـتفاده قـرار گرفت.

۲- تعداد ۳٦اطـاق با سرویـس و سـالن اجتماعات بظرفیت ٦۰۰نفر و همچنین ساختمان محـل مسـکونی رئیس اسـتراحتگاه در بندرپهلوی در دسـت سـاختمان است که بعلت کمبود سـیمان در موعد مقـرر تحـویل نگردیده و با تعهـدیکه مجـدداً از پیمانکـار گرفته شـد پیش‌بینی میشـود که تاسـیسات مزبور برای سـال آینده آماده و مورد بهرهبرداری قرار گیرد

۳- برنامه کمك به هزینه غذای کارگران در هنگم ستفده از اسـتراحتگاهها در اجـرای دسـتوراتی که آن والاحضرت گرامی در پنجمین جلسه شورا صادر فرمودند جرا شده و در سال جاری جمعاً ۹۷۰٦نفـر ازکارگران سراسر کشور از استراحتگاهها استفاده نمودهاند که بازاء هر نفـر پنجـاه ریال روزانه کمك‌هزینه غذائـی پرداخـت گردیده است که بمعادل تقریباً ۱/۰ بهای غذاست ضـمناً بعرض میرساند که هر خانواده حداکثر میتواند از کوپن غذا برای ۵نفر در روز استفاده نماید

٤- زائـر سرای مشـهد نیز مورد اسـتفاده کارگران قرار گرفته و تا اول آذرماه جمعاً ۳۳۳۸نفـر از کارگران از زائرسرا استفاده نمودهاند. بموازات فعالیتهای فوق در زمینه امور هنری و پیش‌آهنگی نیز اقداماتی بعمل آمده که بشرح زیر باستحضار میرساند

٤- چهارمین نمایشگاه نقـاشی کارگران در تاریخ ۲۹ آبانماه سال جاری وسیله آقـایان وزراء فـرهنگ و هنر و کار و امور اجتماعی افتتاح و جـوائز برندگان طـی مراسمی اهداء گردید.

۵- برنامه پیش‌آهنگـی کارگران از سـال ۵۲ آغاز گردیده. در سـال ۵۲-۵۵ مربی پیش‌آهنگـی و ۹۰ پیش‌آهنگ موفق به گذراندن دوره مربوطـه گردیدند که این رقـم در سال جـاری به ۱۷۳ مربی و ۵۰۹ پیش‌آهنگ افزایش یافته و فعالیت پیش‌آهنگی که ابتدا در- شهرستانهای اهواز و شاهی اجـرا گردید هم اکنون در شـهرستانهای اصـفهان- اراك- قـزوین- یزد- رشـت- آبادان- کرمانشـاه- همدان- شـهرری- نجف‌آباد- مشهد دزفول در کارگاههـای تولیدی بمرحله اجرا در آمده است.

٦- دومین اردوی تعلیماتی پیش‌آهنگـی سراسر کشـور در امرداد ماه سـال جـاری با شرکت ۱۵۸ نفـر پیش‌آهنگ در رامسر تشکیل گردید که با مقایسه با سال گذشـته تعـداد شرکت‌کنندگان نزدیك بدو برابر گردیده است

۷- در کلیه مرسـم و جشـنهای کارگری- پیش‌آهنگـان کارگر در برنامههای مربوطـه همکـاری مینمایند و دو نفـر از پیش‌آهنگـان کارگر نیز در سـال جاری بمنظور همکاری با سـازمان اوقـاف به عربسـتان سعودی اعزام گردیدهاند

والاحضرتا

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریـامهر در جلسه مورخ ۲٦/۵/۲۳ شورای اقتصاد بیاناتی فرمودند که قسمتی از آن در اینجا نقل میشود.

«اگر در نزدیك محـل کار برای کارگران وسـیله زندگی ازهرلحاظ و وسیله تفـریح و ورزش و غیره فـراهم شـود آنهـا میتوانند از یك زندگی مطمئـن برخـوردار گردند. امروز کارگر ورزش نمیکند چـون منزلش نزدیك کارگاه نیسـت و باید مقـدار زیادی وقـت تلف کند تا به منزلش برسـد ولی اگر نزدیك

والاحضرت شاهپور غلامرضـا پهلوی، ریاسـت کمیته ملی المپیك و رئیس شورایعالی ورزش کارگران، اعضـای این شورا و نمایندگان تیمهای اول ششمین دوره مسـابقات قهـرمانی کارگران درمراسم توزیع جوایز

۵- شرکت تیم دوچرخهسواری باشگـاه کارگران تبریز در مسابقات دوچرخهسواری، باشگاههای اسـتان و احراز مقام اول.

٦- شرکت تیم فوتبال باشگاه کارگران رضـائیه در مسابقات باشگاهی استان و احراز مقام اول.

۷- شرکت تیم کشـتی آزاد و فـرنگی باشگـاه کارگران رضائیه در مسابقات باشگاهی استان رضائیه و احراز مقام دوم در هر دو رشته.

۸- شرکت تیم فوتبال باشگـاه کارگران کرمان در مسابقات باشگاهی استان کرمان و احراز مقام دوم.

۹- شرکت تیم دوومیدانی باشگـاه کارگران کرمان در مسابقه دوی صحرانوردی باشگاههای کرمان و احراز مقام اول.

۱۰- شرکت تیم وزنهبرداری باشگـاه کارگران یزد در مسابقات وزنهبرداری جام پهلوی و احراز مقام دوم.

۱۱- اعزام دونفر از کشتی‌گیران باشگـاه کارگران خراسان درمعیت تیم کشتی خراسان به افغانستان جهت شرکت در مسـابقات کشتی جـام افغـانستان و کسـب دو مدال طلا.

۱۲- شرکت تیم وزنهبرداری باشگاه کارگران مشهد در مسابقات باشگاههای خراسان و احراز مقام اول.

۱۳- شرکت تیم والیبال باشگـاه کارگران اراك در مسابقات والیبال دستجات آزاد اراك و کسب مقام دوم.

۱٤- همانطور که قبلاً باستحضار رسـیده با کسـب اجـازه والاحضرت در سـال جـاری با اعزام تیم کشـتی کارگران خراسان به کشـور عراق اولین تماس خـارجی

۱- در مرکز آموزش هنری کارگران که یازده رشته هنری فعالیت دارد ۱۳۹نفر از کارگران مشغول فراگیری هنر مورد علاقـه خـود زیر نظر مربیان مربوطه میباشند و برنامههای سینمائی و بازدید کارگران و خـانواده آنان نیز از موزههای پایتخـت کماکان در روزهای تعطیل انجام میشود.

۲- ۱۸ برنامه موسـیقی و ۳ برنامه تاتر تلویزیونی وسـیله هنرجـویان مرکز آموزش هنری کارگران تهیه گردید که از رادیو تلویزیون ملی ایران پخش شـده است.

۳- سومین دوره مسابقه مقـالهنویسی (تحت عنوان خـدمات دودمان پهلوی بکـارگران ایران) و همچنین مسابقات نقاشی کارگران برگزار گردیده است.

باشد وقت اضافه خـودرا صرف ورزش و تفـریحات سـالم مینماید وخـودبخود باین سـمتها کشـانده میشود.»

پیروی از فرمایشات الهام بخش شاهنشاه آریامهـر و تجربیات سـالهای گذشته درمورد چگـونگی اسـتفاده کارگران از باشگـاههای داخلی کارگاه پیش‌بینی گردیده تا کارفرمایان تحت ضـوابطی مشـترکاً نسبت بایجـاد تاسـیسات و مجموعه ورزشی در مناطـق مسـکونی کارگران اقـدام نمایند ضـمنا پیش‌بینی گردیده در مدت مسـابقات کارگران از مزد و مزایای اسـتحقاقی خودبرخوردار و ساعات تمرین آنان نیز جزء سـاعات کار

بقیه درصفحه ۱۰۳

ورزش کارگر

چرا ما باید ورزش کنیم

یک بحث آموزنده

چرا باید «ورزش» کنیم؟!

ورزش چیست؟ و این کلام زیبا که دنیائی شور و نشاط و نیرو در آن نهفته است، از کی بازندگی بشر همراه شد و درطول هزاران سال چه نشیب و فرازهائی پیموده است ورزش بمعنی حرکات موزون عضلانی، از بدو پیدایش با او همراه بوده و زندگی ورزش از حیات نخستین انسان بر روی زمین آغاز شده است. با این حساب، در حقیقت برای «ورزش» نمیتوان تاریخ معینی نام برد، چنانکه شناخت دقیق با پیدایش انسان و سرآغاز زندگی خاکی نخستین انسان اولیه، عملی نیست. ولی «ورزش» و انسان یك وجه مشترك دارند و آن مراحل تکامل است. هرقدر که بشر طبیعت را مقهور خود میکرد و به مدارج عالی تمدن میرسید، ورزش نیز راه تکاملش را میپیمود و از پیشرفت علم و فن آدمی بهره میگرفت.

انسانهای اولیه، برای تأمین معاش خود، مجبور به رویاروئی با حیوانات وحشی و درنده بودند، چرا که برای رفع گرسنگی به گوشت آنها و برای تن‌پوش به پوست آنها نیاز داشتند. زندگی ساده اولیه، سراسر حرکت و تلاش و بهتر بگوئیم «ورزش» بود، و هرقدر آسایش و رفاه مادی بشر را از مسیر حرکات بدنی دور ساخت تأمین سلامت او دشوارتر شد، تاجائیکه در عصر تسخیر فضا و کرات آسمانی و با اینهمه پیشرفت تکنیك و علوم هنوز «ورزش» پایه و اساس سلامت و تندرستی بشر شناخته شده و طول عمر کسانیکه مشاغل یدی و بدنی دارند نسبت به «پشت میزنشین»ها و افرادی که بعلت مشاغل فکری و قلمی مجبور به نشستن و خوردن و خوابیدن هستند، در همین جاست.

خاصیت ورزش چیست؟

چرا «ورزش» سلامت ما را تامین میکند؟ چرا کلیه پزشکان و روانشناسان ما را به ورزش تشویق میکنند؟ پاسخ اینست:

وقتی ورزش میکنیم عضلات و ماهیچه‌های ما بحرکت در می‌آیند و در این حالت خون از احشاء و مخازن آن به ماهیچه‌ها کشیده میشود. بدین ترتیب که مقداری از خون مغز، ریه‌ها و کبد بسوی عضلات کشانده میشوند. بررسیهای علمی نشان داده است که پرخونی مغز که بسبب کار مفرط دماغی حاصل میشود، باعث دردسر و فشردگی شقیقه‌ها و خستگی اعصاب میشود. گذشته از این، عدم استفاده از یك عضو بدن، باعث ضعیف شدن آن میشود. مثلاً اگر شما روزی چندین ساعت برای تقویت ماهیچه‌ها و عضلات دست ورزش کنید و در عوض به تقویت پاها و دیگر اندامهای بدن توجه ننمائید پس از چندی دچار عدم تناسب اندام خواهید شد. بنابراین «ورزش» باید همه‌ی عضلات بدن را بکار اندازد و همیشه جنبه تعادل آن رعایت شود، زیرا ورزش زیاد، خستگی بدنبال دارد که «خستگی» نوعی مسمومیت در بدن تولید میکند، که بموقع به آن اشاره خواهیم کرد.

ورزش بر دستگاه عصبی نیز اثر شگرفی دارد. چون در حین «ورزش» جریان خون سریع شده و این امر بر سلسله اعصاب اثر مثبتی دارد.

گذشته از این، ورزش بر روی عضلات، دستگاههای گردش خودن، دستگاه گوارش، و دستگاه تنفس و حتی اسکلت و استخوان‌بندی انسان نقش انکار ناپذیری دارد.

ورزش پیر و جوان نمی‌شناسد

بعضی از کارگران عزیز که سنی از آنان گذشته، ممکن است بگویند «ای بابا، ما را چه بورزش؟... ورزش مال جوانهاست... از ما که گذشت» در حالیکه چنین مساله‌ای بهیچوجه منطقی نیست. ورزش سن و سال، زن و مرد، پیر و جوان و کوچك و بزرگ نمی‌شناسد هر کس در هر سن و سالی میتواند، و باید ، ورزش کند. منتهی ورزش متناسب با قدرت بدنی و استعداد خود. در آمریکا، و برخی از کشورهای اروپائی، مسابقه‌هائی هست که در آن شرایط سنی مطرح نیست. هر کس در هر سن و سالی میتواند در آن شرکت کند.

یکی از این ورزشها، که بخصوص در برخی از ایالتهای امریکا متداول است، مسابقه راه‌پیمائی است که در آن از نوجوان ۱۲ ساله تا پیر مرد ۷۰ ساله شرکت می‌جویند.

ورزش نیز مانند غذا، برای آدمهای مختلف تفاوت دارد. یك بچه غذایش با یك جوان ورزشکار فرق میکند و همینطور یك ادم پیر... ولی یك مساله غیر قابل انکار است و آن اینکه همانطور که هر موجود زنده، در هر شرایطی، برای زنده ماندن نیاز به «غذا» دارد، برای تامین سلامت و تندرستی خود به «ورزش» نیز نیاز دارد.

خواننده عزیز، کارگر گرامی،

در هر سن و سالی که هستی، اگر با «ورزش» میانه‌ای نداری، تصمیم بگیر از همین امروز روزی حتی چند دقیقه - ورزش کنی. اگر کار فکری داری و باید ساعتها پشت میز بنشینی و یا در میان نوشته‌ها و کتابها گم شوی، حتماً روزی یکساعت به هواخوری و پیاده‌روی و ورزشهای سبك روی‌آر، اگر نوجوان و قدرتمندی، ورزشهای قهرمانی را تمرین کن و اگر بعلت وضع شغلی قادر نیستی در ساعتهای مخصوص ورزش کنی، در هر فرصتی که بدست آوردی با چند حرکت نرمش، با هواخوری در هوای آزاد، با مدتی پیاده‌روی، خستگی کار را از تن خارج کن و از این راه در سلامت و تندرستی خود کوشا باش.

تا سخن آینده

کارگران فوتبالیست کرمان در مسابقات منطقه‌ای اول شدند.

تیم فوتبال کارگران کرمان در هفتمین دوره مسابقات فوتبال منطقه‌ای کارگران حریفان خود را پشت سر گذاشت و بمقام اول رسید. کارگران کرمانی برای رسیدن به این مقام از سد تیمهائی چون اصفهان، شیراز و یزد گذشتند. تیم قهرمان (کرمان) بهمراه تیم دوم (اصفهان) در مسابقات نهائی فوتبال کارگران که در اصفهان برگزار خواهد شد شرکت خواهد کرد.

این مسابقه‌ها بمدت سه روز، زیر نظر اداره کل کار و امور اجتماعی کرمان در ورزشگاه مؤیدی برگزار شد.

فوتبالیستهای کرمانی عبارتند از: حسن قاسمی- عباسعلی شاطرپور- قاسم نائلو- مجید قربانی- علی قاسمی- محمد غفاری- ماشاءاله خادم حسینی- محمود یزدان‌پناه- مجید ظهور علی نیا- قاسم سیداحمدی- اصغر خضری‌پور- اصغر ایران منش- مجید ارجمندی- محمد نصیری (مربی) و حسین کرامت (سرپرست)

یک کارگر فوتبالیست از آغاجاری

خوزستان، سرزمین طلای سیاه، مهد ورزش و ورزشکاران کشورماست. در این خطه افتاب زده علاقه جوانان به ورزش براستی حیرت انگیز است. هم‌اکنون بسیاری از مهره‌های پرارزش و سرشناس ورزش - بخصوص فوتبال - ما از سرزمین بلند اوازه خوزستان سر برآورده‌اند. اینهفته خبرنگار ما در آغاجاری یك کارگر ورزشکار را به ما معرفی کرده است. او امیر حسین خواجه‌پور، فوتبالیست شناخته شده آغاجاری است که مثل همه‌ی کارگران ورزشکار، سوای روحیه ورزش از خلق و خوی ورزشکاری نیز برخوردار است. او همراه تیم خوزستان، در مسابقه‌های فوتبال کارگری سال پیش بمقام قهرمانی رسید و مدال طلا گرفت. خواجه‌پور در فوتبال مدافعی (بك)سخت کوش است و کمتر فورواردی میتواند از سرش بگذرد.

کارگر فوتبالیست آغاجاری ۲۸ سال دارد و بزودی پدر خواهد شد.

زنان ورزشکار ایراناا اول شدند

زنان ورزشگاه کارخانه «ایراناا» در مسابقات انتخابی دو و میدانی زنان کارگر تهران جهت شرکت در مسابقات جهانی ، در مجموع امتیازات اول شدند و تیمهای پارس الکتریك و فیلیپس دوم و سوم شدند. نتایج انفرادی این مسابقه‌ها از این قرار است:

۱۰۰ متر: فرزانه حیدری- فریده علی آبادی- شمسی فردوس

۲۰۰ متر: فرزانه حیدری- فریده علی آبادی- قیصر

پرش طول: فریده علی آبادی- شمسی فردوس- صابری

پرش ارتفاع: هایده احمدی- شفیعی

پرتاب وزنه: سیحون - اسدزاده- حیدری

پرتاب نیزه: سیحون - اسدزاده- شفیعی

مریدان علی(ع) و دوستداران پوریای ولی در «گود»

باستانی کاران و مردان خاک خورده «گود» در محیطی سرشار از صفا و روحانیت پنجاهمین سال شاهنشاهی خاندان بزرگ پهلوی را گرامی داشتند. مریدان علی «ع» و دوستداران پوریای ولی در باشگاه جعفری آئین زورخانه بجای اوردند که شور و حالی خاص داشت.

منوچهر ازمون ، وزیر کار و امور اجتماعی و جمعی از شخصیتهای ورزشی و کارگری، از جمله میهمانان ان روز بودند. مراسم با اغاز ضرب شروع شد، و انجا که بر کف گود، سجادهٔ ترمه‌ای پهن بود و پیری پاکدل به نماز ایستاده بود.

وقتی باستانی کاران «شنا» کردند و «میل» گرفتند و «کباده» کشیدند، چند تن از نوجوانان به جمع پیش کسوتان پیوستند و در برابر بزرگان هنرنمائی کردند. ازمون ،وزیر کار و امور اجتماعی که مانند همه‌ی حاضران تحت تاثیر انهمه روحانیت و صفا قرار گرفته بود، در باره بزرگمردان تاریخ ایران کهن که در روزهای تاریک تاریخ ما مردانه به پا خاستند و پرچم استقلال و عظمت ایران را سر افراز و برافراشته نگهداشتند، سخن گفت و افزود: روح سلحشوری و ایمان به خداوند و عشق به شاهنشاه، میراث گرانبهائی که از نیاکان مابه ما رسیده ، با خون فردفرد ایرانی عجین شده است.

در پایان ورزشکاران برای دوام سلامت و طول عمر شاهنشاه اریامهر و خاندان جلیل سلطنت دعا کردند.

خوزستان، در مسابقات فوتبال کارگران کشور، شرکت خواهد کرد

تیم فوتبال خوزستان (اغاجاری) در مسابقات منطقه‌ای که بین تیمهای کرمانشاه - بوشهر - همدان - لرستان و خوزستان انجام شد، بمقام نخست رسید.

خوزستان اولین مسابقه خود را با تیم بوشهر انجام داد که یک بر یک مساوی کرد. این تیم در دومین دیدار خود تیم لرستان را دو بر هیچ شکست داد. تیم همدان نیز ۰-۱ در برابر خوزستان شکست خورد. اخرین مسابقه تیم پیروز در برابر تیم کرمانشاه انجام شد که ۲-۸ بسود تیم خوزستان پایان یافت. تیمهای اول و دوم در بهمن ماه در مسابقات نهائی فوتبال کارگران که در اصفهان برگزار خواهد شد، شرکت خواهند کرد.

بازیکنان تیم خوزستان عبارتند از: منوچهر خواجه‌پور - سیروس شیراکی - غلامعلی اشتری - محمد علی نجاتی - مرتضی گوجانی - محمد رضا کیانی‌زاده - محمد ستایش - افراسیاب بیگلری - محمد حسین خواجه‌پور - بهرام علیزاده - ایرج شهوند - محمد یاورساد - حسین اغاجاری - چالیش - ماسیس - برزو عسکری - نور علی ابوالحسنی - علی سنگری

رکاب زنهای کارگر، قهرمان دوچرخه سواری باشگاههای تبریز

رکاب زنان کارگر تبریز، در یک رقابت فشرده کلیه حریفان خود را پشت سر گذاشتند و فاتح مسابقات دوچرخه سواری قهرمانی باشگاههای اذربایجان شرقی شدند.

در این مسابقه، دوچرخه‌سواران باشگاههای کارگران ماشین سازی ، تراکتورسازی، تبریز جوان ، دانشگاه با خانه جوانان تاج و دیگر باشگاههای تبریز شرکت داشتند. دوچرخه سواران کارگر تبریز که به مقام نخست دست یافتند عبارتند از حسن پورنگ- هشترودی- محمد لایموت- پرویز بهشتی- یعقوب تقی نژاد- بهروز- رهبر (مربی تیم).

اطلاعیه

تشکیل نمایشگاه آثار نوباوگان و جوانان کشور
۱-۱۵ اسفندماه ۲۵۳۵

بمنظور تشویق جوانان کشور بانجام و ارائه پژوهشهای علمی، فنی، ابداعات و اختراعات گوناگون و نیز ایجاد علاقه در نوباوگان و جوانان بمشارکت در فعالیتهای هنری و بوجودآوردن پدیده‌های جدید در عصر رستاخیز، نمایشگاه آثار نوباوگان و جوانان کشور از تاریخ ۱ تا ۱۵ اسفندماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی در محل دائمی نمایشگاهها تشکیل میگردد.

بدینوسیله از عموم کودکان کودکستانها، دانش‌آموزان دبستانها و مدارس راهنمائی تحصیلی، هنرجویان هنرستانها، دانش‌آموزان دبیرستانها و دانشجویان انستیتوهای تکنولوژی، دانشجویان دانشسراهای راهنمائی تحصیلی، مدارس عالی و دانشگاهها، سپاهیان انقلاب و جوانان کارگر و بطور اعم سایر جوانان استان مرکز (درفاصله سنی پنج‌سال تمام تا ۲۵ سال) که دارای انواع پژوهشهای علمی و فرهنگی، اختراعات و اکتشافات علمی، ابتکارات فنی و کشاورزی و نیز آثار هنری از قبیل کارهای دستی هنری، ادبیات، نقاشی، مجسمه‌سازی، خوشنویسی، عکاسی و فیلمبرداری و موسیقی (آهنگ‌سازی) میباشد دعوت میگردد برای مشارکت دراین نمایشگاه بزرگ، آثار خود را حداکثر تا تاریخ اول بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی از طریق واحدهای مربوطه، یا نمایشگاههای بین‌المللی ایران قسمت ثبت نام تلفن ۲۹۹۴۱۴ بمنظور گزینش و شرکت دراین نمایشگاه ارائه نمایند.

درپایان برگزاری این نمایشگاه از بین آثار مورد نمایش یکصداثر انتخاب و بدارندگان این آثار جوایزی بشرح زیر اهداء خواهد گردید:

۱) جایزه ویژه هیئت عالی داوران نمایشگاه
۲) دیپلم افتخار و تقدیرنامه هیئت عالی داوران
۳) بورس تحصیلی داخل و خارج از کشور
۴) هزینه مسافرت برای بازدیدهای علمی و تفریحی داخل و خارج از کشور
۵) جوایز نقدی و هدایای ارزنده

ضمنا به کلیه شرکت‌کنندگانی که آثار آنها برای نمایش در نمایشگاه پذیرفته شود یادبودهای ویژه‌ای اهداء خواهد شد.

وزارت بازرگانی
نمایشگاههای بین‌المللی ایران
خیابان پهلوی- پارک‌وی تلفن ۲۹۹۱

توک+پنیر واقعاً خوشمزه است
VELVETA
GOLD Rahm
MILKANA
SAMOS 99 double crème
ZINGG
کراکر نمکی
توک
ترکیبات: آرد گندم، روغن، نمک، افزودنیهای مجاز
توک با پنیر خودمون و هر پنیر دیگه ....
.... خیلی خوشمزه است!